از آستارا تا استارباد

(جلد دوم)

آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پیش

تألیف
دکتر منوچهر ستوده

بسم الله الرحمن الرحيم

از آستارا تا استارباد

(جلد دوم)

آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پیش

تألیف

دکتر منوچهر ستوده

این کتاب با همکاری
معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
به چاپ رسیده است.
(گنجینهٔ ایران «۱۲» شمارهٔ ۸۹)
مدیر فنی: حسین ایوبی‌زاده

ستوده، منوچهر، ۱۲۹۲ -
از آستارا تا استارباد / تألیف منوچهر ستوده. ـ تهران: آگاه: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور فرهنگی: انجمن آثار و مفاخر ملی، ۱۳۷۴ -
ج.: مصور، نقشه.
ISBN 964-416-022-3 (vol.2)
چاپ اول: جلد دوم: انجمن آثار ملی ۱۳۵۱، تحت عنوان «از آستارا تا استارباد»
مندرجات: ج. ۲. آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پیش.
۱. گیلان ـ آثار تاریخی. ۲. مازندران ـ آثار تاریخی. ۳. گرگان ـ آثار تاریخی. الف. ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور فرهنگی. ب. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. ج. عنوان. د.
۹۵۵/۲۰۴۳ — ۲ س ۳۴ الف / ۲۰۵۳ DSR
۱۳۷۴
کتابخانه ملی ایران — ۵۶۰۸ ـ ۷۴م

دکتر منوچهر ستوده
از آستارا تا استارباد
(جلد دوم)
آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پیش
(چاپ اول تابستان ۱۳۵۱)
چاپ دوم زمستان ۱۳۷۴، لیتوگرافی کوهرنگ
چاپ نیل، صحافی ایران‌کتاب
تعداد: ۲۲۰۰ نسخه
همهٔ حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است
شابک ۳-۰۲۲-۴۱۶-۹۶۴ (جلد ۲) ISBN 964-416-022-3 (vol.2)

سرآغاز

به نام پروردگار دانا و توانا

با سپاس بی قیاس به درگاه باریتعالی و درود فراوان بر پیامبر اسلام (ص) جلد دوم کتاب از آستارا تا اِستارباد مشتمل بر اطلاعات درباره بناها و آثار تاریخی گیلان بیه‌پیش به معرض چاپ و انتشار گذارده می شود.

آنچه درباره اهمیت تاریخی و پیشینه باستانی سراسر نواحی جنوبی دریای خزر مناسب بنظر میرسد از طرف انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در دیباچه مجلد اول این کتاب مذکور گشته است و اینک خوانندگان گرامی با ملاحظه آنچه مؤلف دانشمند کتاب در مقدمه جلد حاضر مرقوم داشته اند بیش از پیش چنین معنی را درمی یابند و با ملاحظه اطلاعات جامع و مفیدی که در مطاوی صفحات کتاب گردآوری و مندرج گشته است بهتر می توانند به نقش هنرآفرین و پیشینه فرهنگی این قسمت از خاک میهن عزیز پی ببرند.

تنظیم فهرست بناها و آثار تاریخی سرزمین گیلان به ترتیب سالهای هر کدام، یادآوری نام معماران و بنایان و کاشی پزان و کاشی کاران و درودگران و خطاطان و پیکرنگاران و دیگر استادان هنر که در بوجود آوردن چنین آثار سهمی داشته اند، اشاره به درختان کهنسال خطه گیلان از جمله مطالبی است که با تدوین مقدمه کتاب به معرض اطلاع علاقه مندان و پژوهندگان و دوستداران فرهنگی و معنوی میهن عزیز گذارده می شود.

ترسیم نقاشیهای ظریف از نشانه های ناشناخته و نامعلوم روی سنگهای مزار موضوع بررسی و پژوهشهای آینده کسانی می تواند

بود که در راه آشنایی به سنت ها و عقیده های پیشینیان هرگونه کوششی بخرج می دهند.

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی نهایت خرسندی را از انجام چنین خدمتی در راه شناساندن و ادای حق یادگارهای گذشته دور و نزدیک استان گیلان دارد و از مؤلف پرکار و پرتحمل کتاب صمیمانه سپاسگزاری می نماید و همانطور که از بررسی مقدمه و متن کتاب برمی آید انجام چنین خدمت بیش از هر عامل دیگر مرهون شیفتگی باطنی و شور و شوق تحقیقی اینگونه خدمات است که با سرشت مؤلف کتاب آمیخته شده است و اکنون که با چاپ کتاب حاضر بحث درباره آثار تاریخی استان گیلان را پایان می بخشد امید و انتظار دارد که دنباله همین خدمت ارزنده به پایمردی وی درباره سرزمین گرانقدر مازندران و خطه گرگان بتدریج جامه عمل بپوشد.

از درگاه ایزد تعالی توفیق روز افزون همه فرزندان این آب و خاک را در انجام و تکمیل چنین خدمات شریفی مسئلت می نماید.

بمنه و کرمه

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

فهرست

مقدمه	یك ـ پنجاه
کتابشناسی گیلان	پنجاه و یك
دنبالهٔ بخش شانزدهم ، بازماندهٔ آثار و بناهای نواحی	
فاراب و خرگام عمارلو	۱ ـ ۱۲
بخش هفدهم ، جغرافیای تاریخی دیلمان و سیاهکل	۱۳ ـ ۱۵
ساکنان دیلمان	۱۵ ـ ۱۹
آثار و بناهای تاریخی دیلمان	۱۹ ـ ۵۴
آثار و بناهای تاریخی سیاهکل	۵۴ ـ ۶۷
بخش هیجدهم، جغرافیای تاریخی لاهیجان	۶۹ ـ ۷۸
مردم لاهیجان	۷۸
بلوك مختلف لاهیجان	۷۹
راهها	۷۹ ـ ۸۰
بناها و آثار تاریخی محلهٔ اردوبازار لاهیجان	۸۰ ـ ۸۷
بناها و آثار تاریخی محلهٔ پردسر لاهیجان	۸۷ ـ ۹۰
بناها و آثار تاریخی محلهٔ خومرکلایهٔ لاهیجان	۹۰ ـ ۹۱
بناها و آثار تاریخی شعرباف محلهٔ لاهیجان	۹۱ ـ ۹۳

بناها و آثارتاریخی محلهٔ کاروانسرابر لاهیجان ۹۳
بناها و آثار تاریخی محلهٔ گابنهٔ لاهیجان ۹۴ - ۹۷
بناهاو آثارتاریخی‌محله‌های‌میدان‌وتکیه‌بروجواهرپشتهٔ‌لاهیجان۱۲۲-۹۸
بناها و آثار تاریخی حومهٔ لاهیجان ۱۲۳ - ۱۴۳
بناها و آثار تاریخی بلوك لاهیجان ، کوه‌پایه و کنار شهر ۱۴۵ - ۱۷۰
بناها و آثار تاریخی بلوك کوهپایه و راه شاهی بالا ۱۷۰ - ۱۷۸
بناها و آثار تاریخی بلوك آستانهٔ لاهیجان ۱۷۹ - ۱۹۲
بناها و آثار تاریخی بلوك کنار فریضه وراه شاهی
پائین‌لاهیجان ۱۹۳- ۱۹۸
بناها و آثار تاریخی بلوك چهار ده و رودبنهٔ لاهیجان ۱۹۹ - ۲۱۴
بخش‌نوزدهم ، جغرافیای تاریخی رانکوه ۲۱۵ - ۲۲۰
جغرافیای تاریخی لنگرود ۲۲۰ - ۲۳۱
بلوك رانکوه ۲۳۱ - ۲۳۲
ساکنان رانکوه ۲۳۲ - ۲۳۳
بناها و آثار تاریخی لنگرود وحومهٔ آن ۲۳۳ - ۲۸۰
بناها و آثار تاریخی رانکوه ۲۸۰ - ۳۰۴
بناها و آثار تاریخی رودسر و حومهٔ‌آن ۳۰۴ - ۳۰۸
تمیجان و آثار تاریخی آن ۳۰۸ - ۳۳۸
بخش بیستم ، بناها و آثار تاریخی سمام و شاهجان ۳۳۹ - ۳۸۰
بخش بیست ویکم ، بناها وآثار تاریخی‌جیرولایت
اشکور،سیارستاق و بالااشکور ۳۸۱ - ۴۱۵
بخش بیست و دوم ، مطالبی پراکنده در بارهٔ گیلان ۴۱۷ - ۴۳۸

تصحیحات ـ اضافات ـ تعلیقات ۴۳۹ ـ ۴۴۰
اصطلاحات فنی و لغات محلی که در این کتاب بکاررفته ۴۴۱ ـ ۴۴۷
عکسهای مربوطه به کلیهٔ بناها و آثار تاریخی جلد دوم
کتاب از آستارا تا استارباد ۴۴۹ ـ ۶۸۰
فهرست نام کسان ، جایها ، خاندانها ، تیره‌ها و کتابها ۶۸۱

مقدمه

به‌نام آنکه او نامی ندارد
به‌هر نامی که خوانی سر بر آرد

کتاب حاضر ، مجلد دوم کتاب «از آستارا تااستارباد» است . در نظربود ، دومجلد اول راکه دربارهٔ بناها و آثار تاریخی گیلان است، دو بخش ازمجلدیکم بدانیم، اما از آنجا که احتمال آن می‌رفت ـ بامجلداتی که پس از این نوشته خواهد شد ـ این تقسیم‌بندی کمی گنگ و گمراه کننده باشد ، آنها را به‌دو مجلد جداگانه تقسیم کردیم .

جلداول دربارهٔ گیلان بیه‌پس است که از آستارا شروع می‌شود و به کنارهٔ چپ سفیدرود می‌رسد ونواحی رحمت آباد وخورگام وفاراب عمارلو را با اینکه برساحل راست سفیدرود وشاهرودند ، ومدتی است جزو گیلان بیه‌پس به‌حساب آمده‌اند ، مانیز دراین مجلد گنجاندیم .

مجلد دوم شامل بناها و آثار تاریخی گیلان بیه‌پیش است که از کنارهٔ راست سفیدرود ، درمغرب شروع می‌شود وبه‌رودخانهٔ سورخانی در مشرق می‌رسد. بخشهای دیلمان و سیاهکل ولاهیجان (شهر وحومه‌و بلوك) و رانکوه بامراکزی چون لنگرود و رودسر وتمیجان وبخشهای ساحلی سیاهکله‌رود واوشیان ونواحی کوهستانی‌سمام وشاهجان وجیرـ ولایت اشکور وسیارستاق ییلاقی وبالااشکور ، به‌ترتیب در این مجلد گنجانیده شده است .

تنظیم مطالب کتاب برپایهٔ تقسیمات قدیمی جغرافیایی است . سعی نگارنده دراین بود که با یادی از این تقسیمات ، نامهای آنها را زنده نگاه دارد .

ابتدای بخشها، برای شناسایی نواحی، مختصری دربارهٔ جغرافیای تاریخی هریك نوشتیم وسپس به‌شرح آثار و بناهای تاریخی پرداختیم و در انتهای هربخش ، زیرعنوان «باقی ماندهٔ بناها و آثار تاریخی» آثار درجهٔ دوم وسوم را نام بردیم وجای آنان را تعیین کردیم . زیرا احتمال آن می‌رفت که درمیان آنها ، آثاری بسیار قدیمی باشد که به‌مرور زمان مختصر ومحقر شده‌اند .

مطالبی را که به‌قلم خود نگارنده بود، با اشپون هفت چیده شدو اگر از کتب اقوالی نقل شد ، درضمن همین مطالب گنجانیده شد. اما مطالبی مانند نوشته‌های سنگهای قبوروضریح وصندوق مرقدهاودرهای بقاع واسناد وفرمانها واحکام که متن آنها را نقل کردیم ، بااشپون شش چیده شد ورسم‌الخط این نوع نوشته‌ها را در متن حفظ کردیم و اگر اغلاطی درآنها بود عیناً آوردیم و اظهارنظر خود را در حاشیهٔ همان صفحه نشان دادیم .

مطالعه وبررسی بناها وآثار تاریخی که در اراضی هموارساحلی است ، کاری چندان مشکل نیست . زیرا در این روزها ، راههای متعدد ماشین‌رو ، دهکده‌های پراکنده را به‌مراکز اصلی شهرها ، یا به‌جادهٔ کناره متصل می‌کند وباراه پیمائی کوتاهی به‌یکایك دهکده‌های جلگه‌ای می‌توان رفت اما دسترسی به‌نقاط کوهستانی و دورافتاده که فقط دارای راههای مالروهستند ، بسیاردشوار است ونمی‌توان بدون طرح ومطالعهٔ قبلی، به‌یکایك آثار تاریخی کوهستانی‌رسید . برای گردآوری اطلاعاتی دربارهٔ آثار بخشهای دیلمان وسمام وشاهجان و اشکور بالا وپایین و

سیارستاق ییلاقی، نگارنده مجبور شد در سفرهـای جداگانه ، از این نواحی بازدید کند .

سفرهای نگارنده پیش از شروع به‌مطالعهٔ آثار تاریخی

پیش از اینکه به کار بررسی آثارتاریخی کوهستان‌گیلان بپردازم سه سفر به‌دهکده‌های نواحی دیلمان رفته بودم .

درسال ۱۳۲۷ شمسی، پانزده روز در دیلمان واسپیلی و کوههای اطراف ، به‌گردآوری گیاهها وحشرات پرداختم وپس ازبازدید ازیکی دونقطهٔ ییلاق‌نشین عمارلو، از راه کلیشم[۱] به پل‌انبوه واز راه چنارك و کماسار[۲]به اسماعیل‌آباد و قزوین رفتم .

سه‌چهارسال بعد باچندتن‌ازدوستان ، پیاده ازاملش[۳]به‌راه‌عمومی مالرو افتادیم وبه‌بلاردکان[۴] وهلودشت[۵]وخرکال[۶] وناتش‌کوه[۷]ومیکال‌و دیلمان رفتیم و از کنار شیم‌رود ، خود را به‌سیاهکل و باز کیاگوراب رساندیم .

درسفردیگرباجمعی ازرفیقان موافق ویاران صادق ، درقهوه‌خانهٔ کتله[۸] ،کنار سفیدرود بارانداختیم و پس از پیدا شدن قایق وگذشتن از آب ، به‌راه مالروی کنار گوهررودکه امروز ماشین‌رو شده است ، در آمدیم وپس از طی فرسنگها راه به‌ناش وآسیاب‌بر[۹]ودیلمان رسیدیم و از راه کنار شیم‌رود به‌سیاهکل رفتیم . با این سفرها ، ناحیهٔ دیلمان را کم وبیش می‌شناختم وبامردم آن سامان آشنایی داشتم .

۱– بکسر کاف و ضم‌شین . ۲– بضم کاف . ۳– بفتح الف و سکون میم و فتح لام. ۴– بکسرباء و ضم دال . ۵– بفتح هاء . ۶– بفتح‌خاء. ۷– بکسر تاء ۸– بفتح کاف وتاء. ۹– بفتح باء دوم.

سفرهای نگارنده پس از شروع به‌مطالعهٔ آثار تاریخی

درامرداد ماه سال ۱۳۴۶، برای تحقیق درآثـار تاریخی نواحی سمام[1] وپیرکوه وشاهجان سفری‌ترتیب دادم وبه‌اتفاق آقای‌علی‌جنابی‌و افشین ستوده ـ فرزند نگارنده ـ از املش باپنج قاطرکه به کرا گرفته بودیم به راه افتادیم و دو هفتهٔ تمام، نقاط کوهستانی زیر را بازدید کردیم وخود را به رحیم‌آباد رساندیم.

املش ـ کهلستان[2] ـ لات‌لیل[3] ـ گرسك[4] ـ بلاردکان ـ هلودشت ـ میان لنگه[5] ـ خرکال ـ خسیل‌دشت[6] ـ لتاکون[7] ـ اربوداردشت[8] ـ کرف‌کش[9] ـ شارسمام[10] ـ بابوجان‌دره ـ سرتربت‌امام[11] ـ زرچاك[12] ـ بهارسرا ـ سوماسرا ـ خوش‌خوانی ـ مربو[13] ـ لرد[14] ـ کاكرود ـ گرماب‌ور[15] ـ بنه‌زمین[16] ـ بهارنشین ـ تلاسری[17] ـ تورار ـ گرچاك[18] ـ امیرچاك ـ گاوخس[19] ـ آرده‌سامان ـ سیه‌دشت ـ باچو ـ لشکستان[20] ـ گردکول[21] ـ کمنی[22] ـ گیلارکش[23] ـ شاهجان ـ هفتابد[24] ـ مازی‌کوتی ـ فیروزکوه ـ کل‌مازی[25] ـ پی‌نود[26] ـ بینکی[27] ـ گورجی‌قلاکوتی[28] ـ گورج[29] ـ

---

۱ ـ بضم‌سین. ۲ ـ بضم‌کاف وسکون‌هاء وکسرلام. ۳ ـ بکسر تاء و لام و سکون یاء. ۴ ـ بفتح گاف و سکون راء و فتح سین. ۵ ـ بفتح‌لام‌وکسرگاف. ۶ ـ بفتح‌خاء. ۷ ـ بفتح‌لام. ۸ ـ بفتح الف‌وسکون‌راء وکسرراءدوم. ۹ ـ بفتح‌کاف وراء وسکون فاء وفتح‌کاف و سکون شین. ۱۰ ـ بکسر راء و ضم سین. ۱۱ ـ بضم الف. ۱۲ ـ بفتح زاءوسکون راء. ۱۳ ـ بضم میم وفتح راء و ضم وتشدید باء. ۱۴ ـ بضم‌لام‌وراء. ۱۵ ـ بفتح‌واو. ۱۶ ـ بضم‌باء. ۱۷ ـ بفتح‌تاء وسین. ۱۸ ـ بضم‌گاف. ۱۹ ـ بضم‌خاء. ۲۰ ـ بفتح‌لام‌وسکون شین‌وکسرکاف. ۲۱ ـ بفتح گاف وسکون راء وکسردال. ۲۲ ـ بضم کاف‌ومیم. ۲۳ ـ بفتح‌کاف. ۲۴ ـ بفتح‌هاء وضم‌باء. ۲۵ ـ بفتح کاف و سکون لام. ۲۶ ـ بکسر پ و سکون یاء و فتح نون و واو. ۲۷ ـ بفتح نون. ۲۸ ـ بفتح راء. ۲۹ ـ بفتح‌راء.

نسام‌کو[۱] ـ ریاب ـ پرامکوه[۲] ـ تویلا ـ جیرتویلا ـ سی‌پرد[۳] ـ زیاز ـ دیورود ـ سیاکشان[۴] ـ پلام[۵] ـ جیرپلام ـ دیمابن[۶] ـ زیارخوانی‌لات ـ درازلات ـ تول‌لات[۷] ـ هرات‌بر[۸] ـ بالنگا[۹] ـ رحیم‌آباد .

در تیرماه سال ۱۳۴۷ باهمراهی افشین ستوده به‌باقی‌ماندۀ آبادیهای سمام‌سری زدیم و به‌دیدن دوبقعه که بربلندترین کوههای این نواحی است رفتیم و پس از بازدید بقعۀ لسپو که قدمتی دارد ، به‌مسجد رودبارك که در زمان امام ناصرالحق ـ از ائمۀ زیدیه ـ ساخته شده است ، رسیدیم و از یکایك دهکده‌های نامبردۀ زیر که برسر راه ما واقع بودند ، دیدن کردیم :

رحیم‌آباد ـ بالنگا ـ هرات‌بر ـ تول‌لات ـ درازلات ـ سوگاور[۱۰] ـ دیمابن ـ سجاره[۱۱] ـ پلام ـ سیاکشان ـ دیورود ـ زیاز ـ اغوزکندسر[۱۲] ـ لامشکس[۱۳] ـ گرۀ‌گاور[۱۴] ـ رزگردن[۱۵] ـ شوك[۱۶] ـ تارش[۱۷] ـ پرامکوه[۱۸] ـ ریاب ـ هردورود[۱۹] ـ کیاسه ـ برمه‌کوه[۲۰] ـ ایرمحله ـ ایزدین ـ ریسن[۲۱] ـ هیه‌کو[۲۲] ـ چم‌تو[۲۳] ـ بلکوت[۲۴] ـ خنه‌سر[۲۵] ـ تلیسن[۲۶] ـ سوخته‌ای کش[۲۷] ـ

---

۱ ـ بفتح نون. ۲ ـ بفتح پ و سکون میم. ۳ ـ بضم پ .
۴ ـ بفتح کاف. ۵ ـ بضم پ. ۶ ـ بضم باء. ۷ ـ بکسر لام اول.
۸ ـ بفتح هاء و باء . ۹ ـ بفتح لام وسکون نون . ۱۰ ـ بفتح واو .
۱۱ ـ بکسر سین وراء. ۱۲ ـ بفتح الف و کاف وسکون نون و کسر دال وفتح سین.
۱۳ ـ بکسر میم وسکون شین وفتح کاف. ۱۴ ـ بکسر گاف وراء وفتح واو .
۱۵ ـ بفتح راء و کسر زاء وفتح گاف . ۱۶ ـ بفتح شین وواو. ۱۷ ـ بکسر راء . ۱۸ ـ بفتح پ وسکون میم. ۱۹ ـ بفتح هاء وسکون راء.
۲۰ ـ بفتح باء وسکون راء و کسر میم. ۲۱ ـ بکسر راء وسکون یاء وفتح سین.
۲۲ ـ بفتح هاء. ۲۳ ـ بفتح چ وسکون میم. ۲۴ ـ بفتح باء وسکون لام.
۲۵ ـ بضم خاء و کسر نون وفتح سین. ۲۶ ـ بکسر تاء و لام وسکون یاء و کسر سین. ۲۷ ـ بفتح کاف .

تلابنك[1]ـ ملاخروشه[2]ـ سوری ـ زراکی[3]ـ دشتك ـ گلایه[4] ـ لسپو[5]ـ شفیع آباد ـ مومن‌زمین[6]ـ برگام[7]ـ دتوره‌سر[8]ـ کلکاموس[9]ـ شوئیل ـ لرده[10]ـسولکابن[11]ـتوسه‌چال‌ـرودبارك‌ـلیماگوور[12]ـترپو[13]ـ آسیاب دره‌ـسی‌پرد[14]ـسلم‌داربن[15]ـزیاز‌ـ دیورود. از این محل ازدهکده‌هایی که درسفرهای پیش ذکر شدگذشتیم و به‌رحیم‌آباد رسیدیم .

درتابستان سال ۱۳۴۹،به‌قصد عکسبرداری واندازه‌گیری ازپل‌ـ انبوه ، باماشین به‌اتفاق ـ افشین ـ از خلیل‌آباد رودبار به راه افتادیم و پس‌ازطی‌راهی‌درازوپرنشیب‌وفراز به‌کلیشم‌رسیدیم. ماشین‌رابه‌قهوه‌چی کلیشم سپردیم وراه دراز میان‌کلیشم و کرپی‌انبوه را درنصف روزطی کردیم وشبی رادرسرپل، باپشه وگرماگذراندیم که خاطرهٔ جانگزای آن فراموش نشدنی است .

درپاییز همان سال به‌اتفاق آقای امیر کاشفی ، بـااتومبیل از راه خلیل‌آباد رودبار به‌چراکوه آمدیم . از اینجا با قاطر ، مدت یك هفته سراسر خاك دیلمان راگردش کردیم . دراین مدت نگارنده توانست تا سرحدامکان،بناهاو آثارتاریخی‌خاك دیلمان‌راازقلعه‌کوتیهاو گورستانهای قدیمی(که‌بیشترحفاری‌شده و دست‌خورده است) وامام‌زاده‌هاوحمامهاو کاروانسراها و راههای قدیمی را بررسی کند و شرحی دربارهٔ هریك بنویسد .

۱ـ بفتح تاء وضم باء وفتح نون.   ۲ـ بضم میم‌وتشدید لام وضم‌خاء وراء .   ۳ـ بکسر زاء .   ۴ـ بفتح گاف .   ۵ـ بفتح لام و سکون سین .   ۶ـ بضم میم اول و کسر میم دوم .   ۷ ـ بفتح باء و سکون راء .   ۸ـ بفتح دال وکسرراء .   ۹ـ بضم‌کاف و سکون لام.   ۱۰ـ بفتح لام وسکون راء.   ۱۱ـ بضم باء .   ۱۲ ـ بفتح واو دوم.   ۱۳ـ بکسرتاء وفتح راء و تشدید پ.   ۱۴ـ بضم پ .   ۱۵ـ بفتح سین وسکون لام و کسرمیم وضم باء.

برای شناسایی و بررسی آثار تاریخی دهکده‌های جیرولایت اشکور وسیارسیاق ییلاقی وبالااشکور ، روز اول امردادماه‌سال ۱۳۵۰ به‌اتفاق آقای سید ابوالحسن مرتضوی و افشین ستوده به‌راه افتادیم‌و دهکده‌هاو محلهای‌ییلاقی‌نامبردهٔ زیررا یکی‌پس‌ازدیگری‌ازنزدیک‌دیدیم:

رحیم‌آباد ـ بالنگا ـ هرات‌بر ـ تول‌لات ـ درازلات ـ سوگاور ـ دیمابن ـ سجیران[1] ـ لیما[2] ـ قلعهٔ‌لیما = دزماشین ـ کاکرود ـ مایستان سفلی[3] ـ سارم[4] ـ سیارستاق محله ـ سنگسه رود[5] ـ پرندان[6] ـ درگاه (= لوسن) ـ گیری ـ کیت[7] ـ تمل[8] ـ نارنه[9] ـ یازن[10] ـ سپارده[11] ـ سیاگول‌سرا ـ گوگا ـ کلام خوانی‌سر[12] ـ کلام‌شوره ـ کلام سرده[13] ـ امامزاده‌سام ولام برقلهٔ سواته‌کوه[14] ـ زبران[15] ـ لسپوگردن[16] ـ ایری‌کش[17] ـ دتوره‌سر ـ شوئیل ـ لرده[18] ـ رومه دشت ـ تاش‌سر ـ سی پرد ـ سلم‌دار ـ زیاز ـ دیورود ـ سیاکشان ـ دیمابن ـ از اینجا از آبادیهایی که برسرراه ییلاق است ودراول‌سفرنام بردیم گذشتیم و به‌رحیم‌آباد آمدیم . این سیروسفر نه‌روز به‌درازاکشید .

در اواخر امردادماه همان سال که مشغول چاپ کتاب بودم ، در مطالب تاریخی سمام به اشکالاتی برخوردم که راه حل آنها ، دیدار دوباره از سرتربت امام بود . به اتفاق آقای سید ابوالحسن مرتضوی به‌املش آمدیم و پیاده به‌راه افتادیم واز محلهای بلاردکان وهلودشت و

۱ـ بفتح سین. ۲ـ بایاء مجهول. ۳ـ بکسر یاء وسکون سین . ۴ـ بفتح راء . ۵ـ بفتح سین و سکون نون و کسر گاف . ۶ ـ بفتح پ و راء. ۷ـ بکسر کاف و یاء . ۸ ـ بضم تاء و میم . ۹ـ بسکون راء . ۱۰ـ بکسر زاء . ۱۱ـ بکسر سین و دال . ۱۲ـ بضم کاف و کسر میم . ۱۳ـ بضم کاف و کسر میم وفتح سین و کسر دال. ۱۴ـ بفتح سین. ۱۵ـ بفتح زاء و باء. ۱۶ـ بفتح لام و گاف . ۱۷ـ بفتح کاف. ۱۸ـ بفتح لام و کسر دال.

میان‌لنگه و خسیل‌دشت گذشتیم . ازاینجا راه را منحرف کرده وخود را به‌سر تربت رساندیم . پس ازمطالعه ورفع اشکالات که ساعتها به‌درازا کشید ، به‌دهکدهٔ امام [1] رفتیم وپس از بازدید ازخانه‌های‌قدیمی‌اربابی‌و بررسی امامزاده‌ها به کاکرود و کجید [2] آمدیم . بارندگی شدید مانع کارشد ومارا به‌طرف راهی‌که آمده بودیم ، راند . آب برسر وپای‌در گل، پس‌ازهشت‌ساعت‌راه پیمایی مداوم، خود رابه‌بلاردکان‌رساندیم‌و پس ازکمی استراحت ، پیاده به‌املش رسیدیم .

اگر یکی دواثر تاریخی وقابل ذکررا ندیده بگیریم ، در مناطق کوهستانی سمام وشاهجان و پایین‌اشکور وسیارستاق وبالااشکور ، از بناها و آثارتاریخی‌نشانی‌نیست. آثار تمدنهای پیش‌ازتاریخ دراین‌مناطق فراوان است واز حفاریهای سطحی وغیر علمی‌که کرده‌اند ، می‌توان به‌سابقهٔ تمدن و گذشتهٔ پیش رفتهٔ این نقاط پی‌برد . ولی از آثار دوران اسلامی بنایی‌که قابل بررسی و جالب نظر باشد ، نمی‌توان یافت . تا جایی‌که اطلاع‌داریم دراین‌صفحات قلعه‌های مستحکم‌وکاخهای‌سلطنتی درلوسن (درگاه) ودیلمان و شارسمام برپای بوده است . امروز فقط آجرپاره‌ها وسفال شکسته‌هاست‌که جاهای آنها را معین می‌کند. به‌نظر نگارنده کشمکشهای محلی واختلافات مذهبی، علت اصلی ازمیان‌رفتن آثار گذشته ، دراین نواحی بوده است . جدال ائمهٔ زیدی و پیشوایان اسماعیلی باخاندانهای قدیمی و سلسله‌های سلاطین محلی ، بسیاری از این آثار را از میان برد . سرانجام سادات زیدی بربیشتر این صفحات مسلط شدند . پس از این شیعیان اثنی عشری ، برسادات زیدی دست یافتند وایشان نیز به‌نوبهٔ خود ، به‌خرابی این صفحات‌کوشیدند . برای اینکه بتوان به‌پایهٔ قدمت آثار تاریخی‌گیلان درکوه ودشت پی‌برد، در

۱ــ بضم الف.		۲ــ بضم کاف.

اینجا فهرستی از تاریخ بناها ، درها ، صندوقهای مرقدهـا ، ضریحها، سنگ قبرها و آثارمکتوب ازقبیل قرآنها ،فرمانها ، قباله‌ها ، وقفنامه‌هاو لعنت‌نامه‌ها می‌آوریم تا معلوم شود تقدم و تأخر این آثار به چه‌ترتیب است و کدام نقطه از خاك گیلان قدیمی‌تر است .

فهرستی از بناها و آثار تاریخی خاک گیلان

به‌ترتیب سنوات هجری قمری

۱ـ تاریخ صندوق مـرقد سید خـورکیا در چهار پادشاهـان
لاهیجان(ج۲، ص۱۰۹) ۶۴۷

۲ـ سنگ قبر تاج‌الدین محمود خیوی درلمیرمحلهٔ آستارا.
(ج۱، ص۱۲) ۷۳۲

۳ـ تاریخ‌بنای بقعهٔ سید محمد دردهکدهٔ پینچا. (ج ۲،ص ۱۸۸) ۷۸۰

۴ـ تاریخ تجدیدعمارت‌چهارپادشاهان لاهیجان. (ج۲،ص۱۷۰) ۸۲۰

۵ـ تاریخ‌فوت جانباز بن شرف‌الدوله بردر ورودی بقعهٔ سید
امیرکیا در دهکدهٔ ولم لشتنشاه . (ج۱،ص ۴۳۶) ۸۲۷

۶ـ تاریخ صندوق مرقد سیدرضی‌کیا درچهارپادشاهان‌لاهیجان.
(ج ۲،ص ۱۰۵) ۸۲۹

۷ـ تاریخ صندوق مرقد ابوجعفر ثایری درمیانده اوشیان.
(ج ۲،ص ۳۳۳) ۸۵۵

۸ـ تاریخ صندوق مرقد سیدعلی‌غزنوی در دهکدهٔ تجن‌گوکه.
(ج ۲، ص ۱۷۱) ۸۷۱

۹ـ سنگ قبرسلطان محمدکیا درسرتربت امام. (ج۲،ص۳۴۸) ۸۸۳

۱۰ـ تاریخ وقفنامهٔ سرتربت امام . (ج۲،ص ۳۵۴) ۸۸۳

۱۱ـ تاریخ اتمام پل سیم‌رود نزدیك لاهیجان. (ج۲،ص۱۴۷) ۸۹۲

۱۲ـ تاریخ وقفنامهٔ قرآنی که پری‌سلطان دختر سلطان محمدخان وقف بقعهٔ سید علی کیا کرده و فعلا دربقعهٔ فیلده است .
(ج ۱ ،ص ۴۶۸) ۹۰۱

۱۳ـ سنگ قبرحسنی درسرتربت امام. (ج ۲،ص ۳۵۲) ۹۰۲

۱۴ـ سنگ قبر پری‌سلطان دختر سلطان محمد دربقعهٔ سلطان سید حاجی محمود مرندی درحرزویل. (ج۲،ص ۳۵۱) ۹۰۸

۱۵ـ سنگ‌قبرمیرزاعلی کیا درسرتربت‌امام.(ج۲،ص۳۵۰) ۹۱۲

۱۶ـ تجدید بنای قلعه‌رودخان به‌امر امیره حسام الدین بن‌امیره دباج درفومن. (ج۱،ص۱۵۷) ۹۱۸

۱۷ـ اتمام بنای بقعهٔ آکاشاه در رودبردهٔ سنگر. (ج۱،ص۳۱۱) ۹۲۰

۱۸ـ تاریخ دری که فعلا دربقعهٔ دهکدهٔ کومس است وسابقاً در جامخانهٔ کاخ دیلمان بوده است. (ج۲، ص۳۰) ۹۳۰

۱۹ـ سنگ قبر میرزا محمدبن قبادجان دربقعهٔ پیرقطب‌الدین نزدیك دهکدهٔ باغچه‌سرای آستارا . (ج۱،ص ۲۲) ۹۴۲

۲۰ـ تاریخ باقی ماندهٔ صندوق قدیمی بقعهٔ آقا شیخ ابوالوجیه درکهله‌بر زاکله‌برلاهیجان .(ج۲،ص ۱۶۲) ۹۴۸

۲۱ـ تاریخ اتمام صندوق سلیمان داراب در ذی‌الحجهٔ
(ج ۱،ص ۳۰۰) ۹۵۳

۲۲ـ تاریخ اتمام بقعهٔ عون‌بن‌محمدبن‌علی علیه‌السلام به‌سعی ملك‌خلیل بن‌خبربیك درماسوله. (ج ۱،ص ۱۳۸) ۹۶۹

۲۳ـ سنگ قبربدیع الزمان میرزا دربقعهٔ فیلده .(ج۱،ص۴۶۶) ۹۸۶

۲۴ـ سنگ قبری دربقعهٔ سلطان سید حاجی محمود درحرزویل.
(ج ۱،ص ۴۷۷) ۹۸۹

۲۵ـ تاریخ چاه تندور بقعهٔ فیروز کوه . (ج ۲،ص۳۷۴) ۹۹۴
۲۶ـ سنگ قبر ملک ابوالقاسم در بقعهٔ سلطان سیدحاجی محمود
درحرزویل .(ج ۱، ص۱۳۸) ۹۹۵
۲۷ـ سنگ قبر ترک خانم در بقعهٔ عون بن محمد بن علی علیه السلام
درماسوله. (ج۱، ص۱۳۸) ۹۹۵
۲۸ـ سنگ قبر پیری بیک در باباولی دیلمان .(ج ۲،ص ۲۸) ۹۹۵
۲۹ـ سنگ قبر هاشم بیک دربقعهٔ عون بن محمدبن علی علیه السلام
درماسوله .(ج ۱، ص۱۳۷) ۹۹۷
۳۰ـ سنگ قبر مهدی بیک دربقعهٔ باباولی دیلمان. (ج۲،ص ۲۹) ۹۹۸
۳۱ـ تاریخ بنای گنبد سلطان سید حاجی محمود مرندی به
دستور امیره تی‌تی دختر سلطان محمدخان در حرزویل.
(ج ۱،ص ۴۷۵) ۹۹۸
۳۲ـ سنگ قبر نادعلی بیک خلیفه دربقعهٔ باباولی.(ج۲،ص۲۸) ۱۰۰۴
۳۳ـ سنگ قبر مریم دختر میرخلیل متولی در بقعهٔ عون بن
محمد بن علی علیه السلام درماسوله.(ج۱،ص ۱۳۷) ۱۰۰۴
۳۴ـ سنگ قبر علی بیک در بقعهٔ سیداحمد دردیلمان.(ج۲،ص۲۰) ۱۰۰۷
۳۵ـ تاریخ صندوق مرقد سید ابوجعفر درشهررشت که امروز
ازمیان رفته است. (ج ۱،ص۲۶۳) ۱۰۰۹
۳۶ـ سنگ قبر امام وردی بیک دربقعه باباولی دیلمان.(ج۲،ص۲۹) ۱۰۱۴
۳۷ـ تاریخ اتمام ضریح مشبک عون بن محمدبن علی علیه السلام
درماسوله. (ج ۱،ص ۱۳۵) ۱۰۱۵
۳۸ـ تاریخ صندوق مرقد آقا میرشمس الدین درلاهیجان.
(ج ۲،ص ۸۵) ۱۰۱۷

۳۹ـ تاریخ صندوق مرقد سید رضا داور کیا در بیجاربنه.
(ج۲، ص ۱۲۹) ۱۰۱۸
۴۰ـ سنگ قبر بی‌بی رحمت در دهکدهٔ خشت مسجد
کوچسفهان. (ج۱، ص۳۲۱) ۱۰۲۳
۴۱ـ سنگ قبر شاه منصور بن شاه ملک‌آقا دربقعهٔ فیلده.
(ج ۱، ص ۴۶۵) ۱۰۲۹
۴۲ـ تاریخ اتمام در بقعهٔ باباولی‌در دیلمان. (ج۲، ص۲۷) ۱۰۴۲
۴۳ـ سنگ قبرمیرمراد بن میرسلیم دربقعهٔ ابوجعفر ثایری.
(ج ۲، ص۳۳۳) ۱۰۴۵
۴۴ـ تاریخ سنگ بنای بقعهٔ‌گرده کول. (ج۲،ص ۳۷۰) ۱۰۴۸
۴۵ـ سنگ قبر محمد بدیع دربقعهٔ عون بن محمد بن‌علی
علیه‌السلام درماسوله. (ج ۱،ص ۱۳۷) ۱۰۵۲
۴۶ـ تاریخ بنای سردر ساقی‌مزار درجورشر لشتنشاه.
(ج ۱،ص ۴۲۷) ۱۰۵۵
۴۷ـ سنگ قبرعلی بن محمدامین زاویه دربقعهٔ سلطان حاجی
سید محمود مرندی در دهکدهٔ حرزویل. (ج ۱،ص ۴۷۷) ۱۰۵۷
۴۸ـ سنگ قبرحسام‌الدین بن حسین درگورستان بازارمحلهٔ
سیارستاق. (ج۲،ص ۴۰۲) ۱۰۵۸
۴۹ـ سنگ قبری نزدیک در ورودی بقعهٔ عون بن‌محمدبن
علی علیه‌السلام. (ج ۱،ص ۱۳۵) ۱۰۶۰
۵۰ـ تاریخ اتمام محجر مشبک امامزاده شفیع در دهکدهٔ
قشلاق‌نشین امامزاده شفیع شاندرمن. (ج ۱، ص۱۰۸) ۱۰۷۳
۵۱ـ سنگ قبرخوارشاه بن محمدخان لسبوئی دربقعهٔ لسبو.
(ج ۲،ص۳۶۹) ۱۰۷۴

۵۲- تاریخ علم بقعهٔ فیروزکوه. (ج ۲،ص ۳۷۵) ۱۰۷۴

۵۳- تاریخ اتمام حوض ولاکهٔ مسجدجامع تمیجان.
(ج ۲ ،ص ۳۱۱) ۱۰۷۵

۵۴- سنگ قبر میرزا رحیم بن میرزا کبیر دربقعهٔ فیلده.
(ج ۱، ص ۴۲۶) ۱۰۸۰

۵۵- تاریخ اتمام در ورودی بقعه شیخ‌زاهد درچابکسر.
(ج ۲،ص ۳۳۴) ۱۰۸۶

۵۶- تاریخ سنگ بنای دروازهٔ حرزویل. (ج ۱،ص۴۷۳) ۱۰۹۰

۵۷- تاریخ فرمانی برسنگ درمسجد جامع لاهیجان.
(ج ۲،ص ۱۱۷) ۱۱۰۶

۵۸- تاریخ فرمانی دیگر برسنگ بردیوار مسجدجامع
لاهیجان. (ج ۲، ص۱۱۸) ۱۱۰۷

۵۹- تاریخ‌بنای مسجد صاحب‌الزمان‌درماسوله.(ج۲،ص۱۳۹) ۱۱۱۷

۶۰- سنگ قبرمحمد حسین بیك دربقعهٔ سیاهکل محله.
(ج۲،ص۵۶) ۱۱۳۷

۶۱- سنگ‌قبری‌دربقعهٔ‌آقاسیدمعین‌نزدیك‌تمیجان.(ج۲،ص۲۹۴) ۱۱۴۵

۶۲- سنگ قبر محمدزکی دربقعهٔ‌عون بن‌محمد بن‌علی
علیه‌السلام. (ج ۱، ص۱۳۸) ۱۱۶۷

۶۳- تاریخ فرمان تولیت تربت قوشه جد درتنگ دی‌تول
گیلان هشتپر. (ج ۱،ص ۴۷) ۱۱۷۱

۶۴- سنگ قبر میرزا ابوطالب دربقعهٔ شیخانور لاهیجان.
(ج۲، ص ۱۵۳) ۱۱۷۱

۶۵- سنگ قبر بی‌بی‌خانم دربقعهٔ‌گردکول.(ج۲،ص ۲۷۱) ۱۱۷۱

۶۶- سنگ قبرصادق دربقعهٔ‌شلمان لنگرود. (ج۲، ص ۲۷۴) ۱۷۲

۶۷ـ سنگ قبر کربلائی معصوم دربقعهٔ میرجمال‌الدین اشرف
(ج ۲، ص ۸۹) ۱۱۸۹
۶۸ـ تاریخ وقفنامهٔ قرآنی که میرقاسم فیلدهی وقف بقعهٔ
فیلده کرده است. (ج ۱، ص ۴۶۹) ۱۱۹۴
۶۹ـ سنگ قبر محمد حسن دربقعهٔ عون بن‌محمد بن‌علی
علیه‌السلام درماسوله. (ج ۱، ص۱۳۷) ۱۱۹۵
۷۰ـ سنگ قبر مصطفی بیک بن الله‌ویردی سلطان انبارلو در
بقعهٔ میکال. (ج ۲، ص ۳۴) ۱۱۹۷
۷۱ـ سنگ قبر آقا امین بن آقامیرسوار درمسجد رودبارک.
(ج ۲، ص۳۹۳) ۱۱۹۹
۷۲ـ تاریخ در ورودی شرقی بقعهٔ آقاسید حسین در لنگرود.
(ج ۲، ص ۲۳۵) ۱۲۰۰
۷۳ـ سنگ قبر نقدعلی بن محمدعلی دربقعهٔ بابوجان‌دره.
(ج ۲، ص۳۵۷) ۱۲۰۲
۷۴ـ تاریخ بنای گلدستهٔ مسجد ساغری‌سازان در شهررشت.
(ج۱، ص۲۹۱) ۱۲۰۴
۷۵ـ تاریخ سنگ بنای مسجد جامع جورشر لشتنشاه.
(ج ۱، ص ۴۳۲) ۱۲۰۶
۷۶ـ تاریخ فرمان برگذاری تولیت بقعهٔ آقا سیدحسین در
لنگرود به‌حسین خادم. (ج ۲، ص ۲۴۵) ۱۲۰۷
۷۷ـ سنگ قبر ربیع بن‌موسی در بقعهٔ سید نصرالدین.
(ج ۲، ص۳۱۵) ۱۲۰۷
۷۸ـ سنگ قبر محمد علی بن‌محمدصفی دربقعهٔ سید
نصرالدین. (ج۲، ص ۳۱۵) ۱۲۰۹

۷۹ـ سنگ قبر پری‌زاد خانم دختر صفی‌خان سلطان در
امامزاده هادی دهکدهٔ میکال دیلمان. (ج ۲، ص۳۴) ۱۲۱۰
۸۰ـ سنگ‌قبر نازدار خانم دختر علی‌مردان در بقعهٔ سید
نصرالدین. (ج۲، ص۳۱۵) ۱۲۱۲
۸۱ـ سنگ قبر محمد حسین بن‌احمد در بقعهٔ سیاهکل‌محله .
(ج ۲،ص۵۷) ۱۲۱۳
۸۲ـ سنگ قبر اللهویردی سلطان بن‌خداویردی بیک در
بقعهٔ‌میکال. (ج۲ ، ص ۳۵) ۱۲۱۵
۸۳ـ سنگ قبر محمد علی‌خان در بقعهٔ سید علی غزنوی .
(ج.۲،ص ۱۷۳) ۱۲۱۶
۸۴ـ سنگ قبر حلیمه دختر آقا شفیع در ایوان مسجدجامع
لاهیجان. (ج ۲، ص ۱۱۸) ۱۲۱۷
۸۵ـ سنگ قبر دوستعلی‌بن‌میرزا علی در بقعهٔ شاه‌شهیدان .
(ج ۲، ص۲۵) ۱۲۱۸
۸۶ـ سنگ قبر ولی‌خان در بقعهٔ‌گرده کول. (ج۲، ص۳۷۱) ۱۲۲۰
۸۷ـ سنگ قبر محمد قاسم ولدمحمدیوسف در بقعهٔ تورار.
(ج ۲، ص ۴۰) ۱۲۲۰
۸۸ـ سنگ قبر حاجی‌بابا ولدمرحوم نصیر صفی‌آبادی در
بقعهٔ سیاهکل‌محله. (ج ۲، ص۵۷) ۱۲۲۱
۸۹ـ سنگ‌قبر خداویردی سلطان ولد اللهویردی سلطان
دربقعهٔ تورار. (ج۲، ص ۴۰) ۱۲۲۱
۹۰ـ سنگ قبر ملک‌محمد دربقعهٔ‌گرده کول.(ج۲، ص۳۷۲) ۱۲۲۱
۹۱ـ سنگ قبر ام کلثوم دختر اللهویردی سلطان دربقعهٔ
تورار.(ج ۲، ص۴۱) ۱۲۲۲

۹۲ـ سنگ قبر دانیال بن‌علی‌خان دربقعهٔ‌تورار. (ج۲، ص۴۰) ۱۲۲۲

۹۳ـ سنگ قبرسکینه دختر اسماعیل‌خان دربقعهٔ میکال.
(ج۲، ص۳۴) ۱۲۲۳

۹۴ـ سنگ قبر کرمعلی بن آقا قنبر دربقعهٔ بابوجان‌دره.
(ج۲، ص ۳۵۷) ۱۲۲۳

۹۵ـ تاریخ در ورودی بقعهٔ‌آقا سیدعلی در متعلق‌محله.
(ج ۲، ص ۲۰۳) ۱۲۲۴

۹۶ـ سنگ قبراحمد بن‌مؤمن‌بن‌قوام دربقعهٔ آقا میرشهید
(ج ۲، ص ۸۱) ۱۲۲۴

۹۷ـ تاریخی که برستون چوبین بقعهٔ عون بن‌محمد بن‌علی
علیه‌السلام درماسوله است. (ج ۱، ص ۱۳۶) ۱۲۲۴

۹۸ـ سنگ قبر ماه‌شرف دختر آقا کاظم دربقعهٔ ملاخروشه.
(ج ۲، ص ۳۹۰) ۱۲۲۶

۹۹ـ تاریخ قدیمترین‌سندخرید وفروش‌زمین‌زراعی درمجموعهٔ
یدالله محمدی در دهکدهٔ کجید. (ج۲، ص ۳۶۱) ۱۲۲۸

۱۰۰ـ سنگ قبرآقا غلام‌بن شمس علی دربقعهٔ لسپو.
(ج ۲، ص۳۹۸) ۱۲۲۹

۱۰۱ـ سنگ قبرزرین‌جان خانم دربقعهٔ ملاخروشه.
(ج۲، ص ۳۹۰) ۱۲۲۹

۱۰۲ـ سنگ قبرهاشم بن برخورداربیك دیلمانی دربقعهٔ
سیاهکل‌محله. (ج۲، ص۵۷) ۱۲۲۹

۱۰۳ـ سنگ قبر الله‌بداشت دربقعهٔ تورار. (ج۲، ص۴۱) ۱۲۳۳

۱۰۴ـ سنگ قبرفیروزه‌خانم دختر محمدقاسم دربقعهٔ
سیدنصرالدین. (ج ۲، ص ۱۹۹) ۱۲۳۵

۱۰۵ـ سنگ قبرعلی اکبربیك ولد عبدالله‌بیك دربقعهٔ تورار.
(ج ۲، ص۴۱) ۱۲۳۸

۱۰۶ـ تاریخ اتمام بنای‌مسجد اکبریه درلاهیجان.(ج۲،ص۹۷) ۱۲۳۹

۱۰۷ـ سنگ قبرمحمد طاهر ولدکربلائی محمدبیك گیلوائی
دربقعهٔ سیداحمد. (ج ۱، ص۳۱۹) ۱۲۴۰

۱۰۸ـ سنگ قبر نقدعلی ولد جعفر دربقعهٔ باباولی در دیلمان.
(ج ۲، ص ۲۹) ۱۲۴۰

۱۰۹ـ سنگ قبرملاعلی‌خان ولدکربلائی حاجی دربقعهٔ تورار.
(ج۲، ص ۴۱) ۱۲۴۰

۱۱۰ـ تاریخ اتمام صندوق‌بقعهٔ میرشاه محمود در دهکدهٔ
شیخان‌گفشهٔ لشتنشاه . (ج ۱ ، ص۴۳۳) ۱۲۴۰

۱۱۱ـ تاریخ فرمان‌فتحعلی‌شاه‌برای حاجی‌آقابزرگ منجم‌باشی.
(ج ۲ ، ص ۲۵۲) ۱۲۴۰

۱۱۲ـ تاریخ صدورحکم واگذاری تولیت بقعهٔ آقا سیدحسین
درلنگرود به‌ملا محمدحسن . (ج ۲ ، ص ۲۴۶) ۱۲۴۰

۱۱۳ـ تاریخ اتمام در ورودی مسجد حاجی‌علی درمحلهٔ
بازار لنگرود . (ج۲، ص۲۶۷) ۱۲۴۱

۱۱۴ـ سنگ قبر زین‌العابدین ولد علی دربقعهٔ میکال.
(ج ۲، ص ۳۴) ۱۲۴۱

۱۱۵ـ سنگ قبرگلستان خانم دخترآقامیرزا دربقعهٔ‌گرده کول.
(ج ۲، ص ۳۷۱) ۱۲۴۱

۱۱۶ـ تاریخ علم بقعهٔ‌آقا میرصادق درلاهیجان.(ج۲، ص۸۶) ۱۲۴۲

۱۱۷ـ سنگ قبر ملاغلامعلی ولدآقا علی‌اکبر دربقعهٔ
سیارستاق‌اشکور . (ج ۲، ص ۴۰۲) ۱۲۴۲

۱۱۸ـ سنگ قبر کربلائی میرزا ولد مرتضی‌قلی دربقعهٔ سید نصرالدین . (ج ۲،ص۱۹۹)	۱۲۴۲
۱۱۹ـ تاریخ بنای محراب مسجد مستوفی درشهررشت. (ج ۱ ، ص ۲۶۵)	۱۲۴۲
۱۲۰ـ سنگ قبر ریحان‌خانم دختر اللهویردی‌سلطان در بعقهٔ تورار . (ج ۲، ص۴۱)	۱۲۴۳
۱۲۱ـ سنگ قبر الله‌بداشت ولد کربلائی نقدعلی در بقعهٔ میکال. (ج ۲، ص ۳۵)	۱۲۴۳
۱۲۲ـ تاریخ اتمام در ورودی بقعهٔ سید عباس وسیداسماعیل درمحلهٔ ساغری‌سازان شهررشت . (ج ۱، ص ۲۹۰)	۱۲۴۳
۱۲۳ـ سنگ قبر قربانعلی‌بیك دربقعهٔ سید احمد در دیلمان. (ج ۲، ص ۲۰)	۱۲۴۴
۱۲۴ـ سنگ‌قبر آقاعلی ولدمحمد دربقعهٔ بابوجان‌دره. (ج ۲، ص ۳۵۷)	۱۲۴۵
۱۲۵ـ سنگ‌قبرحاجی‌خانم دربقعهٔ ملاخروشه .(ج۲، ص۳۹۰)	۱۲۴۶
۱۲۶ـ سنگ قبرخواجه محمد ولدحاجی علی‌اکبر دربقعهٔ شیرجوپشت . (ج ۲، ص ۲۰۶)	۱۲۴۶
۱۲۷ـ سنگ قبر قربانعلی ولد محمدگالش دربقعهٔ سید ابوالقاسم . (ج ۲ ، ص ۲۸۹)	۱۲۴۸
۱۲۸ـ سنگ قبر آقابیك ولد حسن‌خان‌بیك دربقعهٔ تورار . (ج ۲ ، ص ۴۱)	۱۲۴۸
۱۲۹ـ سنگ قبر محمدشریف ولدنوروز درقبرستان کجید . (ج ۲، ص۳۶۰)	۱۲۵۰
۱۳۰ـ سنگ قبر کلثوم دختر میرقاسم دربقعهٔ فیلده. (ج ۱ ، ص ۴۶۷)	۱۲۵۰

۱۳۱ـ سنگ قبر امیرعلی ولد کربلائی رمضان در بقعهٔ
باباجاندره (ج ۲، ص ۳۵۷) ۱۲۵۱

۱۳۲ـ سنگ قبر آقارحیم ولدعابدین در قبرستان کجید.
(ج ۲، ص ۳۶۰) ۱۲۵۲

۱۳۳ـ تاریخ صدور فرمان محمدشاه قاجار برای میرزا
عبدالباقی منجم‌باشی. (ج ۲، ص ۲۵۴) ۱۲۵۲

۱۳۴ـ تاریخ اتمام صندوق بقعهٔ آقا میرابراهیم درمحلهٔ
گابنهٔ لاهیجان. (ج ۲، ص۹۴) ۱۲۵۳

۱۳۵ـ سنگ قبر علی‌اکبربیك ولدسهراب‌خان دربقعهٔ تورار.
(ج ۲، ص ۴۲) ۱۲۵۳

۱۳۶ـ سنگ قبر شهربانو دختر شرف‌خان دربقعهٔ گرده کول.
(ج ۲، ص ۳۷۲) ۱۲۵۴

۱۳۷ـ سنگ قبرآقا میرزا ولدمیرزاعلی درمسجد رودبارك.
(ج ۲، ص۳۹۳) ۱۲۵۵

۱۳۸ـ سنگ قبرحسینقلی ولدحسن طالش کولی دربقعهٔ
کومس دیلمان. (ج ۲، ص۳۱) ۱۲۵۵

۱۳۹ـ سنگ قبر شهربانودخترقربانعلی درسفید آستانه.
(ج ۲، ص۲۷۲) ۱۲۵۵

۱۴۰ـ تاریخ سنگ لعنت‌نامه‌ای دربقعهٔ سیداحمد درگیلوای
کوچسفهان. (ج ۱، ص۳۲۰) ۱۲۵۵

۱۴۱ـ سنگ قبر ذوالفقار ولد میرزاعلی دربقعهٔ میکال.
(ج ۲، ص۳۳) ۱۲۵۶

۱۴۲ـ سنگ قبرآقاشیخ‌رفیع ولد شیخ عبدالله در بقعهٔ
گرده کول.(ج ۲، ص ۳۷۲) ۱۲۵۷

۱۴۳ـ سنگ قبر محمدقلی ولد قربانعلی درسر تربت امام.
(ج ۲، ص ۳۵۴) ۱۲۵۸

۱۴۴ـ سنگ قبر عاشور ولد الله‌ویردی دربقعهٔ شکرکش.
(ج ۲، ص ۲۸۹) ۱۲۵۹

۱۴۵ـ سنگ قبر میرزاخان ولد محمد دربقعهٔ تورار.
(ج ۲، ص ۴۲) ۱۲۶۰

۱۴۶ـ سنگ قبر جواهر دختر سبزعلی دربقعهٔ میکال.
(ج ۲، ص ۳۵) ۱۲۶۰

۱۴۷ـ سنگ قبر گل‌خاتون دختر آقا کاظم دیلمانی در
بقعهٔ مراددهنده. (ج ۲، ص ۱۷۶) ۱۲۶۱

۱۴۸ـ سنگ قبر آدینه ولد محمدعلی‌خان دربقعهٔ لسپو.
(ج ۲، ص ۳۹۹) ۱۲۶۲

۱۴۹ـ سنگ قبر جلودر ورودی بقعهٔ عون بن‌محمد بن
علی علیه‌السلام درماسوله. (ج ۱، ص ۱۳۵) ۱۲۶۲

۱۵۰ـ سنگ قبر نداوردی ولد آدینه در بقعهٔ فیروزکوه.
(ج ۲، ص ۳۷۵) ۱۲۶۳

۱۵۱ـ سنگ قبر شیخ خلیل ولد شیخ‌جلال در بقعهٔ
گرده‌کول. (ج ۲، ص ۳۷۲) ۱۲۶۳

۱۵۲ـ سنگ قبر رستم‌خان ولد محمدخان دربقعهٔ آقا
سیدخلیل (ج ۲، ص ۲۹۷) ۱۲۶۳

۱۵۳ـ سنگ قبر مهدی‌خان بیك درآستانهٔ چهارتن.
(ج ۲، ص ۲۹۲) ۱۲۶۴

۱۵۴ـ سنگ قبر خدادادبیك ولد حسن‌خان در بقعهٔ
فیروزکوه. (ج ۲، ص ۳۷۵) ۱۲۶۴

۱۵۵ـ تاریخ صدور فرمان محمدشاه قاجار برای عبدالباقی
منجم‌باشی لنگرودی. (ج۲،ص ۲۵۶) ۱۲۶۴
۱۵۶ـ تاریخ اتمام در بقعهٔ فوشا. (ج ۲، ص۲۰۹) ۱۲۶۵
۱۵۷ـ سنگ قبر نازی خانم دختر شیخ حسین در بقعهٔ
گرده کول. (ج ۲ ، ص ۳۷۲) ۱۲۶۶
۱۵۸ـ سنگ قبر بمانی دختر ملک‌محمد دربقعهٔ گرده ـ
کول. (ج۲، ص ۳۷۲) ۱۲۶۶
۱۵۹ـ تاریخ‌صدور فرمان‌ناصرالدین‌شاه قاجار برای میرزا
عبدالباقی منجم‌باشی لنگرودی. (ج ۲، ص ۲۵۷) ۱۲۶۶
۱۶۰ـ سنگ قبر رمضانعلی‌ولد جعفر دربقعهٔ سیداحمد.
(ج۲،ص ۲۰) ۱۲۶۷
۱۶۱ـ سنگ قبر محمدحسن ولد آقاعلی در بقعهٔ لسپو.
(ج۲،ص۳۹۹) ۱۲۶۹
۱۶۲ـ سنگ قبر برجعلی ولد آقاعلی محمد در بقعهٔ
شکرکش. (ج ۲، ص ۲۸۹) ۱۲۷۰
۱۶۳ـ تاریخ اتمام در ورودی مسجد آقاشیخ حبیب‌الله در
محلهٔ راه‌پشتهٔ لنگرود. (ج ۲، ص ۲۶۵) ۱۲۷۰
۱۶۴ـ مرمت پل آجری رودخانهٔ سیم رود نزدیک شهرلاهیجان
به‌دست حاجی قربان تاجر لاهیجی. (ج ۲، ص ۱۴۷) ۱۲۷۱
۱۶۵ـ سنگ قبر غلامعی ولد الله‌ویردی در بقعهٔ تورار.
(ج۲،ص۴۲) ۱۲۷۱
۱۶۶ـ سنگ قبر شیخ‌جعفر ولد شیخ کاظم در بقعهٔ
گرده کول(ج ۲، ص ۳۷۲) ۱۲۷۱

۱۶۷ـ سنگ قبر ملامراد ولد عیسی در بقعهٔ باباولی دیلمان.
۱۲۷۲ (ج ۲، ص ۲۹)
۱۶۸ـ تاریخ فرمانی از ناصرالدین‌شاه قاجار که برسنگ
حک‌شده وبردست چپ در ورودی بقعهٔ خواهر امام
۱۲۷۲ نصب شده است. (ج ۱، ص ۲۹۶)
۱۶۹ـ تاریخ اتمام‌در ورودی غربی بقعهٔ آقاسیدحسین
۱۲۷۲ در لنگرود. (ج ۲، ص ۲۳۵)
۱۷۰ـ سنگ قبر ملاقاسم ولد ملا کاظم دربقعهٔ تورار.
۱۲۷۳ (ج ۲،ص ۴۲)
۱۷۱ـ سنگ قبر اسماعیل ولدآقاقربان در بقعهٔ ابوجعفر
۱۲۷۵ ثایری.(ج ۲، ص۳۳۳)
۱۷۲ـ تاریخ تعمیر بقعهٔ پیرملا شمس‌الدین در لاشیدان
۱۲۷۵ لاهیجان (ج۲، ص۱۳۹)
۱۷۳ـ سنگ قبر بلقیس دخترجعفر دربقعهٔ دهکدهٔ لفسجان.
۱۲۷۸ (ج ۲، ص ۱۷۷)
۱۷۴ـ تاریخ کاشی یادگاری ملاعلی لاشیدانی در بقعهٔ
۱۲۷۹ لاشیدان لاهیجان.(ج ۲، ص ۱۳۹)
۱۷۵ـ سنگ قبر فاطمه دختر آقا عاشورعلی در بقعهٔ تورار.
۱۲۸۱ (ج ۲، ص ۴۲)
۱۷۶ـ تاریخ بنای بقعهٔ سیدقاسم دردهکدهٔ چولاب کوچصفهان
۱۲۸۴ (ج ۱، ص ۳۱۸)
۱۷۷ـ سنگ قبر برجعلی ولد استاد قربانعلی در بقعهٔ گرده کول.
۱۲۸۴ (ج ۲،ص ۳۷۲)

۱۷۸- سنگ قبر گنجعلی ولد نظرعلی در بقعهٔ گرده کول.
(ج۲، ص ۳۷۲) ۱۲۸۴

۱۷۹- سنگ قبر قربان‌حداد ولد کربلائی شاه‌ولد در بقعهٔ
تورار.(ج ۲، ص ۴۲) ۱۲۸۹

۱۸۰- تاریخ اتمام صندوق مرقد سیدابوالقاسم در دهکدهٔ
شکرکش.(ج۲،ص۲۸۸) ۱۲۹۰

۱۸۱- سنگ قبر حسین ولد موسی‌خان تنکابنی در بقعهٔ
تورار.(ج۲، ص ۴۳) ۱۲۹۵

۱۸۲- سنگ قبر امیرعلی ولد عموحسن گالش در بقعهٔ
گرده کول. (ج ۲، ص ۳۷۲) ۱۳۰۱

۱۸۳- سنگ قبر بازعلی ولد پنجه‌علی در بقعهٔ فیروزکوه .
(ج ۲،ص ۳۷۵) ۱۳۰۸

۱۸۴- سنگ قبر شیخ عبدالحسین ولد آقامیرزا یوسف
دربقعهٔ سیارستاق اشکور. (ج ۲، ص ۴۰۲) ۱۳۱۰

۱۷۵- تاریخ اتمام در ورودی بقعهٔ نصیرعلی در دهکدهٔ کویه.
(ج ۲، ص ۳۱۷) ۱۳۱۲

۱۸۶- تاریخ سفارش‌نامهٔ نصرالسلطنه به‌منجم‌باشی دربارهٔ
تولیت آستانهٔ آقا سیدحسین در لنگرود. (ج ۲، ص ۲۴۶) ۱۳۱۵

۱۸۷- تاریخ اتمام حسینیه و عباسیه و غریب‌خانهٔ بقعهٔ
آقاسیدحسین در لنگرود. (ج ۲، ص ۲۴۳) ۱۳۲۰

۱۸۸- سنگ قبر صفر ولد چراغعلی در بقعهٔ سیدمحمدصالح .
(ج ۲، ص ۶۱) ۱۳۳۰

۱۸۹ـ تاریخ اتمام سقاخانهٔ بقعهٔ آقاسیدحسین در لنگرود.
(ج۲، ص۲۴۳) ۱۳۴۱

****

آثاری که نام بردیم به‌دست هنرمند معماران و بنایان و نجاران و حجاران و کاشی‌سازان و خطاطان و نقاشان به وجـود آمده است. بسیار بجاست که نام ایشان در این‌مقدمه یاد شود وبرقرار ماند تاقسمتی از دین خود رانسبت به‌ایشان اداکرده باشیم. امروز اگر اثری تاریخی در سرزمین گیلان به‌چشم می‌خورد، نتیجهٔ ذوق و استعدادو ثمرهٔ هنر ایشان است.

هنرمندانی که اثری از ایشان یافته‌ایم

تا جایی که نگارنده دقت کرد، در آثار تاریخی سرزمین گیلان، نام معمار و بنا جز در یکی دو مورد دیده نشد. گویی اینان نیز همچون سایر هنرمندان ایرانی، هنر را برای کسب نان و نام نمی‌خواستند و به اثری که به‌وجود می‌آوردند، عشق می‌ورزیدند و تمام هستی و وجود خود را در آن زنده و پایدار می‌دیدند. اصراری نداشتند که نام خود را با خطی جلی بر کتیبهٔ بنا بنویسند و هنر خود را به‌رخ دیگران بکشند.

نام استاد یعقوب بنای رویانی را سیدظهیرالدین زنده نگاه‌داشته است و از دو اثر او که یکی پل رودخانهٔ سیم رود، نزدیك لاهیجان و دیگری پل رودخانهٔ پلورود است یاد می‌کند.[1]

استاد حسین‌بن استاد علی‌بن استاداحمد مسافربناء لاهجانی در سال ۸۸۳ ه.ق. بنای سرتربت‌امام را که طرحی‌ساده دارد ساخته‌است.[2] این بنا شامل: دو اطاق کوچك به‌نام «دعاخانه» که ظاهراً همان دارالحفاظ است و یك حیاط که در آن قبور دوتن از سلاطین کیا و سه‌چهارتن از خانوادهٔ ایشان به‌خاك سپرده شده است.

۱ــ تاریخ گیلان ودیلمستان صفحات ۴۴۲ و ۴۷۳.　　۲ــ ازآستارا تا استارباد ج ۲، ص ۳۵۴.

کار نجاران را دربناهای تاریخی می‌توان به‌چندگونه تقسیم کرد:

۱ـ ستون و سرستون‌تراشی و تراشیدن سرنال و بن‌نال‌و واشانها و سوار کردن آنها که این عمل را می‌توان «ایـوان بندی» و در مورد پوشاندن سقف بناها «واشان کشی» یا «تیربندی» نامید.

۲ـ کار ساختن درهـای یك‌لتی یا دو لتی و پنجره‌ها باباثـو و پاسار و تنکه.

۳ـ کارساختن خفنگهای مشبك نورگیر و نورگیرهای مشبك که در سایر قسمتهای بنا به‌کار رفته‌است.

۴ـ ساختن پنجره‌های ارسی با آلتهای ظریف و جام شیشه‌های رنگین.

۵ـ ساختن ضـریحهای مشبك و صندوقهای تخته‌ای کـه برای پوشاندن قبور به‌کار می‌رود.

در یك مورد که اشاره خواهیم کرد بـه منبری مشبك چوبین نیز برخورده‌ایم.

اینك نام این استادکاران:

۱ـ علی نجار تبریزی، درکنونی بقعهٔ سید خورکیا را درچهارـ پادشاهان لاهیجان ساخته است.[۱]

۱ـ از آستارا تا استارباد ج۲،ص۱۱۰.

۲ـ عبدالله‌دروگر،[۱] صندوق‌مرقدشیخ زاهدگیلانی‌رادرشیخانور ساخته است. امروز از این صندوق نشانی نیست.[۲]

۳ـ رسول نجاربن اکبرقزوینی، صندوق مقبرهٔ جداگانهٔ چهار ـ پادشاهان را در لاهیجان ساخته است.[۳]

۴ـ استاد شهاب‌الدین بن‌نظام‌الدین درودگر قزوینی، درورودی چهار پادشاهان راکه ظریف‌است ساخته‌است.[۴] پسر این مرد محمودبن شهاب‌الدین نیز نجار ماهری بوده است.

۵ـ استاد محمودبن شهاب‌الدین‌دروگر، صندوق مقبرهٔسیدرضی ابن‌مهدی حسینی را درشیخانورلاهیجان درسال۸۳۴ ه.ق. ساخته‌است. این‌صندوق امروزمرقد شیخ زاهدگیلانی را درهمین‌بنا پوشانده‌است.[۵]

۶ـ استاد یادگار دروگر، در ورودی بقعهٔ شیخانور را در سال ۸۳۵ ه. ق. ساخته است.[۶]

۷ـ استاداحمد با یاری استادیادگار، در ورودی بقعهٔ شیخانور را ساخته‌اند.[۷]

۸ـ استاد علی‌بن‌استادابراهیم تمیجانی، در ورودی حرم‌ابوجعفر ثایری راکه ترکیبی بسیارغریب دارد، درسال ۸۴۳ه.ق. ساخته‌است.[۸]

۹ـ محمدبن یادگاربن حاجی مسافرتبریزی، صندوق مرقد سیدعلی غزنوی‌که در منتهای ظرافت است در سال ۸۷۱ ه. ق. ساخته است.[۹]

۱ـ دربیشتر کتیبه‌های‌درها وصندوقها درگیلان و دیلمان، کلمهٔ درودگر بدون دال دوم آمده است.
۲ـ از آستارا تا استارباد ج ۲، ص ۱۵۰.
۳ـ همین کتاب ج ۲، ص۱۰۱.
۴ـ همین‌کتاب ج ۲، ص۹۹ و۱۰۳.
۵ـ همین کتاب ج ۲، ص ۱۵۱.
۶ـ همین کتاب ج ۲، ص ۱۵۱.
۷ـ همین کتاب ج ۲، ص ۱۵۰.
۸ـ همین کتاب ج ۲، ص ۳۳۲.
۹ـ همین کتاب ج ۲، ص ۱۷۱.

۱۰ـ استاد احمدبن‌محمود دروگر بونی نجار، در جامخانهٔ کاخ دیلمان را که امروز در ورودی بقعهٔ دهکدهٔ کومس است، در سال ۹۳۰ ه. ق. ساخته است.[۱]

۱۱ـ استاد میرحسن، ضریح و در ورودی بقعهٔ سیاهکل‌محله را در سال ۹۵۱ ه.ق. ساخته است.[۲]

۱۲ـ استادبایزید، در ورودی کنونی بقعهٔ سیدخورکیا را درحدود قرن دهم ساخته و کنده کاری کرده‌است.[۳]

۱۳ـ عبدالفتاح‌لاهجی، صندوق سیدخورکیارا درچهارپادشاهان لاهیجان در سال ۱۰۱۵ ه. ق. ساخته است.[۴]

۱۴ـ سیدمحمد و سیداحمد پسران‌استادآقابابا، ضریح مشبك و در ورودی امامزاده شفیع را در سال ۱۰۷۳ ه. ق. ساخته‌اند.[۵]

۱۵ـ استاد حسین‌منجیلی،ضریح مشبك بقعهٔ آقامیرشهید را در لاهیجان در سال ۱۱۳۳ ه. ق. ساخته است.[۶]

۱۶ـ استاد عبدالرحیم، در ورودی مسجد حاج‌علی را در محلهٔ بازار لنگرود درسال۱۲۴۱ ه.ق. ساخته است.[۷]

۱۷ـ صفرعلی و غلامعلی،کارهای نجاری‌مسجد قدیمی کجیدرا در سال ۱۲۵۶ ه.ق. انجام داده‌اند.[۸]

۱۸ـ اوستاد امیر مسکنی، در ورودی بقعهٔ فوشارا درسال۱۲۵۶ ه.ق. ساخته‌است.[۹]

۱ـ ازآستاراتااستارباد ج۲،ص۳۰.
۲ـ همین کتاب ج۲،ص۵۶.
۳ـ همین کتاب‌ج۲،ص۱۰۹.
۴ـ همین کتاب ج۲،ص۹۹.
۵ـ همین کتاب ج ۱، ص ۱۰۸.
۶ ـ همین کتاب ج ۲، ص ۸۱.
۷ـ همین کتاب ج ۲ ، ص ۲۶۹.
۸ـ همین کتاب ج۲،ص۳۶۰.
۹ـ همین کتاب ج۲، ص۲۰۹.

۱۹ـ استاد غلامرضا، کارهای نجاری و ایوان‌بندی بقعهٔ سیداحمد را دردهکدهٔ دیلمان در سال ۱۲۹۷ ه.ق. انجام داده است.[۱]

۲۰ـ استادخانجان و استاد تقی‌اشکوری الاصل، کار نجاری بقعهٔ دموچال لاهیجان را در محرم لوی‌ئیل ۱۲۹۸ ه. ق. انجام داده‌اند.[۲]

۲۱ـ استاد رمضان گیوائی، پنجره‌های ارسی بقعهٔ سیدصفی‌الدین را در میرمحلهٔ ماسال درسال ۱۳۱۴ ه.ق. ساخته است.[۳]

۲۲ـ کربلائی محمد و استاد حسن، پسران استاد اسماعیل نجار شفتی، کارهای نجاری بقعهٔ آکاشاه را در رودبردهٔ سنگر در سال ۱۳۱۹ ه.ق. انجام داده‌اند.[۴]

۲۳ـ استاد محمد ولدقربانعلی ساکن بالا محلهٔ تماجان، کارهای نجاری بقعهٔ بابوجان‌دره را انجام داده است.[۵]

۲۴ـ استادغلامعلی، در ورودی بقعهٔ شاه‌شهیدان را دردهکدهٔ شاه‌ـ شهیدان‌دیلمان باطرحی بسیار غریب درسال ۱۳۲۴ ه.ق. ساخته‌است.[۶]

۲۵ـ استاد میرزا ابراهیم‌خلخالی شاگرد ملاهادی‌دیلمانی، ضریح بقعهٔ دهکدهٔ ازبرم را درسال ۱۳۳۰ ه.ق. ساخته است.[۷]

۲۶ـ مشهدی حاجی‌بابا ولد کربلائی‌علی‌النقی بادکوبی، منبر مشبک مسجد حاجی صمدخان را در شهر رشت در سال ۱۳۳۵ ه.ق. ساخته است.[۸]

۲۷ـ استاد میرزاعلی و استاد میرعلی پسران استاد غلامرضای خلخالی، در ورودی بقعهٔ تخم‌شل لاهیجان را ساخته‌اند.[۹]

۱ـ ازآستاراتااستارباد ج۲، ص۱۹.　۲ـ همین کتاب ج۲، ص۱۴۰.
۳ـ همین کتاب ج۱، ص۱۲۰.　۴ـ همین کتاب ج۱، ص۳۱۲.　۵ـ همین کتاب ج۲، ص۳۵۶.　۶ـ همین کتاب ج۲ ص۲۴.　۷ـ همین کتاب ج۲، ص۶۱.　۸ـ همین کتاب ج۱، ص۲۷۴.　۹ـ همین کتاب ج۲، ص۱۳۴

کاشی‌پزان یا کاشیگران

فن کاشی‌سازی در گیلان بسیار ضعیف است وسیر ترقی وپیشرفت نداشته‌است . از قدیمترین کاشیهای بقعهٔ ملاعاقل[1] در پرده‌سر لاهیجان و کاشیهای ظریف بقعهٔ آقا سیدحسین در لنگرود که به‌دست خلیل‌بن‌احمد کاشیگر ساخته‌شده[2] و کاشیهای قدیمی بقعهٔ چهار پادشاهان[3] ویك‌خشت‌ کاشی‌مربع را درمسجدگیلاکجان می‌توان نام‌برد. به‌نظر اینجانب تمام این کاشیها متعلق به‌قرن هفتم وهشتم است . دیگر از کاشیکاری اثری‌در بناهائی که پیش از تاریخ ۱۲۴۲ ه. ق. ساخته شده‌اند ، دیده نمی‌شود. دراین تاریخ استاد محمد تقی کاشی‌پز قزوینی ، کاشیهای مسجدمستوفی را درشهررشت تهیه کرده‌است .[4]

پس ازاین تاریخ دیگر درگیلان ازفن کاشی‌سازی خبری‌نیست. درحدود سال ۱۳۰۰ هجری‌قمری ، مشهدی یوسف کاشی‌ساز ، درمحلهٔ آفخرای رشت ، کارخانهٔ کاشی‌پزی درست کرد . در این کارخانه حاجی‌یعقوب ودوپسر استاد یوسف به‌نامهای محمدواحمد ، مدتی‌به‌کار کاشی‌پزی مشغول بودند . نخستین کاشیهائی که از این کارخانه بیرون آمده است، دربارس‌ئیل ۱۳۰۸ ، در سردر ورودی حمام حاجی محمد حج فروش درشهر رشت، به‌کاررفته که تاامروز باقی‌است.[5]

۱ـ ازآستاراتااستارباد ج۲،ص۸۸.
۲ـ همین کتاب ج۲ص۲۳۸.
۳ـ همین کتاب ج ۲، ص ۱۱۲.
۴ـ همین کتاب ج ۱، ص ۲۶۵.
۵ـ همین کتاب ج ۱، ص۲۹۱.

کاشیهای گنبد سید جلال‌الدین اشرف درآستانهٔ اشرفیه به‌دست حاجی یعقوب درهمین کارخانه تهیه شده است.[1]

محمد پسراستاد یوسف، کاشیهای بقعهٔ سید علی کیا را دردهکدهٔ اژدها بلوچ لشتنشاه، در سال ۱۳۲۰[2] وکاشیهای سر در حمام پیرسرای شهررشت را درسال ۱۳۳۴[3] وکاشیهای قالب بزرگ بانقشهای برجستهٔ بقعهٔ سیداسماعیل و سیدعباس را در همین شهر[4] به سال ۱۳۳۵ ه. ق. تهیه کرده است.

احمد ــ پسر دیگراستادیوسف، کاشیهای مسجد چله‌خانه را در شهر رشت[5] وکاشیهای مسجد سرخ‌بنده را درهمین شهر درسال ۱۳۳۲ ه. ق. تهیه کرده است.[6]

دیگر ازکاشیکاریهائی که تاریخی برآنها باشد یاسازندهٔ آنهارا بشناسیم، درگیلان نیافتیم.

۱ــ از آستارا تااستاراباد ج۲، ص۱۸۲. ۲ــ همین کتاب ج ۱، ص۴۳۷. ۳ــ همین کتاب ج ۱، ص۲۸۱. ۴ــ همین کتاب ج۱، ص۲۹۰. ۵ــ همین کتاب ج۱، ص۲۶۷. ۶ــ همین کتاب ج۱، ص۲۶۹.

خطاطان

خطهای خوش خطاطان که بیشتر به قلم نسخ و ثلث و نستعلیق است، بر درها، صندوقها، ضریحها، سنگهای قبور، سنگهایی که فرمانها و احکام بر آنها حک شده است و کتیبه‌های بناها دیده می‌شود. هنر خطاطی در گیلان همچون هنر کنده‌کاری بر چوب، به‌حد زیبایی و کمال خود رسیده است و نمونه‌هایی که از آن در دست است، حاکی از ذوق و استعداد و قدرت قلم خطاطان است. اینست نامهای ایشان و آثاری که از آنان به‌جای مانده است:

۱ـ خط استاد شرف‌الدین عثمان بن جمال شیرازی بر سنگ قبر تاج‌الدین محمود خیوی، مورخ ۷۳۲، در لمیرمحلهٔ آستارا.[۱]

۲ـ خط حسن بن علی صالحی جیلی، بر صندوق سید رضی کیا، مورخ ۸۲۹، در چهار پادشاهان لاهیجان.[۲]

۳ـ خط محمود بن قطب‌الدین، بر سنگ قبر سلطان محمد کیا، مورخ ۸۸۳: در سر تربت امام.[۳]

۴ـ خط نظام‌الدین بن شمس‌الدین مداحی نوذری، در قرآن مورخ ۸۸۳، در چهار پادشاهان لاهیجان.[۴]

۵ـ خط علی بن احمد سیستانی،[۵] بر باقی‌ماندهٔ صندوق قدیمی آقا شیخ ابوالوجیه، مورخ ۹۴۸، در کهله‌بر لاهیجان.[۶]

۱ـ از آستارا تا استاراباد ج ۱، ص ۱۳. ۲ـ همین کتاب ج ۲، ص ۹۹.

۳ـ همین کتاب ج ۲، ص ۳۴۸. ۴ـ همین کتاب ج ۲، ص ۹۹.

۵ـ این مرد منسوب به سیستان لاهیجان است که امروز «سوسان» گویند.

۶ـ از آستارا تا استاراباد ج ۲، ص ۱۶۲.

۶ـ خط شیخ محمد فقیهی قزوینی ، در کتیبه‌های مسجد گلشن درشهر رشت .[۱]

۷ـ خط محمدلاریجانی وعطاء دیلمی برکتیبه‌های بقعهٔ سیاهکل ـ محلهٔ سیاهکل .[۲]

۸ـ خط خواجکی کرمانی ، بردر کنونی مرقد سید خورکیا ، در چهارپادشاهان لاهیجان .[۳]

۹ـ خط محمدجعفربن محمد لاهیجانی، برصندوق مقبرهٔ جداگانهٔ چهار پادشاهان ، درشهر لاهیجان .[۴]

۱۰ـ خط محمدبن داودکیا حسینی ، بردر ورودی بقعـهٔ سید خورکیا مورخ ۱۰۱۵ هـ. ق. که فعلا در موزهٔ ایران باستان است[۵] و بر صندوق مرقد پیررضا درشهرلاهیجان[۶] وبرکتیبهٔ صندوق سیدخورکیاء در چهارپادشاهان لاهیجان[۷] و برصندوق آقامیرشمس‌الدین مورخ ۱۰۱۸، درلاهیجان .[۸]

۱۱ـ قطعه‌ای به‌خط محمدشفیع ـ خطاط معروف ـ مورخ ۱۲۰۶ دربقعهٔ سید عبدالله درطالم سه‌شنبهٔ سنگر .[۹]

۱۲ـ خط زین‌العابدین کاشانی مستوفی دیوان اعلی، برسنگ تاریخ مسجد اکبریهٔ لاهیجان ، مورخ ۱۲۳۹ هـ. ق.[۱۰]

۱۳ـ خط بخش‌علی طالقانی مسگرسوهانی ، بردر ورودی بقعهٔ

۱ـ ازآستارا تااستارباد ج ۱، ص ۲۵۶.
۲ـ همین کتاب ج ۲، ص ۵۶.
۳ـ همین کتاب ج ۲، ص ۱۱۰.
۴ـ همین کتاب ج ۲، ص ۱۰۱.
۵ـ همین کتاب ج ۲، ص ۱۱۱.
۶ـ همین کتاب ج ۲، ص ۱۲۰.
۷ـ همین کتاب ج ۲، ص ۹۹.
۸ـ همین کتاب ج ۲، ص ۸۵.
۹ـ همین کتاب ج ۱، ص ۲۱۲.
۱۰ـ همین کتاب ج ۲، ص ۹۷.

فوشا ، مورخ ۱۲۶۵ ه.ق.[1]

۱۴ــ خط حسین رمضانعلی ، بردر مسجد انزلی‌محلهٔ لنگرود ، مورخ ۱۲۶۸ ه. ق.[2]

۱۵ــ خط ملك محمدقزوینی ، برسنگی که فرمان ناصرالدین‌شاه برآن حك شده‌است، مورخ ۱۲۷۲ ، دربقعهٔ خواهرامام درشهررشت.[3]

۱۶ــ خط محمد حسین طالقانی ، بردرمسجد آقا سیدحسین در لنگرود ، مورخ ۱۲۷۷ ه. ق.[4]

۱۷ــ خط محمد تقی ایروانی ، برکتیبهٔ گچ‌کاری دورگنبد بقعهٔ آقا پیرجنگی ، در باز کیاگوراب لاهیجان .[5]

۱۸ــ خط حسین بن طاهر رحیم ، بردر مسجد فتیده که در سابق مسجد آقا بهرام درلنگرود بوده است ، مورخ ۱۲۸۰ ه. ق.[6]

۱۹ــ خط استاد محمد هاشم بن داود و استاد نجف علی واستاد محمدقلی درکتیبه‌های بقعهٔ سید قاسم درچولاب ، مورخ ۱۲۸۴ ه.ق.[7]

۲۰ــ خط محمدمیرزا نستعلیق‌نویس، درکتیبهٔ دورگنبد خواهر- امام در شهر رشت مورخ ۱۳۰۶ ه. ق.[8]

۲۱ــ خط مهدیقلی کاتب ، در بقعهٔ سید صفی‌الدین در میر محلهٔ ماسال ، مورخ ۱۳۱۴ ه. ق.[9]

۱ـ از آستارا تا استارباد ج ۲ ، ص۲۰۹.

۲ـ عمین کتاب ج۲، ص ۲۶۳.

۳ـ همین کتاب ج۱، ص۲۹۶ .

۴ـ عمین کتاب ج۲، ص ۲۴۱ .

۵ـ همین کتاب ج۲، ص ۱۲۷

۶ـ عمین کتاب ج۲، ص ۲۷۷ .

۷ـ همین کتاب ج ۱، ص ۳۱۸.

۸ـ همین کتاب ج۱، ص ۲۹۳ .

۹ـ همین کتاب ج ۱،ص۱۲۰.

۲۲ـ خط شیخ محمد رشتی بن سید احمد قزوینی ، برکاشیهای گنبد سیدجلال‌الدین اشرف درآستانۀ اشرفیه مورخ ۱۳۲۴ هـ. ق.[۱]

۲۳ـ خط استاد رضا لاهیجانی، درکتیبۀ بقعۀ بابوجان‌دره مورخ ۱۳۳۵ هـ. ق.[۲]

۱ـ ازآستارا تا استارباد ج۲، ص۱۸۲.

۲ـ همین کتاب ج۲، ص ۳۵۶.

نقاشان

برجدارهای خارجی و داخلی دیوارهای بقعه‌ها و آستانه‌هـا ، از قدیم ، نقـاشی می کرده‌اند . بـرجدار خـارجی ، دو سه بقعهٔ قدیمی نقاشیهایی به‌سبك مغولی دیده شد . مکنزی پس ازورود به‌شهر لاهیجان می‌نویسد «دراول‌شهر تکیه‌ای بود که بردیوار آن نقاشیهایی، ازصحرای کربلا دیده می‌شد . این نقاشیها کارشوشتری نقاش بود وایلچی فرنگی بالباس برازنده‌ای نقاشی شده بود.»[1] ظاهراً نقاشی کردن بردیوارهـای بقعه‌ها سنتی‌قدیمی‌بوده‌است. متأسفانه به‌علت رطوبت زیاد وفروریختن سفیدکاری دیوارها ، این نقاشیها نیز به‌مرور زمان ، ازمیان رفته‌است . آنچه برجای است زیاد قدمت ندارد و بیشتر ، نقاشیهـای مذهبی یعنی مجالسی از صحرای کربلا وضامن آهو و دو طفلا مسلم وقیام مختارو اسرای کربلا رقیامت و نظایر آنهاست . بردیوار یکی دو بقعه ، مناظر طبیعی نیز نقاشی شده بود . این نقاشیهاکار سه‌چهارتن از نقاشانی‌است که تسلط و مهارت زیـاد در کار خود نشان نداده‌اند اینك فهرستی از نامهای ایشان :

۱ـ استاد غلامحسین لاهیجانی ، نقاش آستانهٔ نصیرعلی‌کیا، در دهکدهٔ‌کویه .[2] این مردپدر استاد آقاجان است که نقاشیهای زیادی ازاو به‌جای مانده است .

۱ـ سفرنامهٔ‌مکنزی‌ص۸.   ۲ـ ازآستارا تااستارباد ج۲،ص۳۱۶.

۲ـ استاد آقاجان ولد استاد غلامحسین لاهیجانی که نقاشیهای زیرازاو باقی مانده است :

الف ـ نقاشیهای بقعهٔ آقاسیدحسین در لیالستان در سال ۱۳۲۴ ه.ق.[۱]

ب ـ نقاشیهای بقعهٔ بارکوسرای لاهیجان در محرم ۱۳۳۰ ه.ق.[۲]

ج ـ نقاشیهای بقعهٔ بابوجان‌دره درسال ۱۳۳۵ ه. ق.[۳]

د ـ نقاشیهای بقعهٔ خرشتم رانکوه درسال ۱۳۳۵ ه. ق.[۴]

هـ ـ نقاشیهای بقعهٔ کومس درسال ۱۳۴۲ ه. ق.[۵]

و ـ نقاشیهای بقعهٔ آقا سیدعلی در موتارمحلهٔ نوبیجار در سال ۱۳۵۳ ه.ق .[۶]

ز ـ نقاشیهای بقعهٔ سیدحسین کیا در دهکدهٔ کیسم .[۷]

۳ـ استادرضا کفاش صورتگر، مجالس نقاشی بقعهٔ دموچال لاهیجان را درسال ۱۳۶۶ کشیده است .[۸]

۴ـ استاد ابوالقاسم کلیشمی، مجالس نقاشی بقعهٔ سیدحسین را در کش کلایهٔ رانکوه درسال ۱۳۶۶ ه.ق. ترسیم کرده است .[۹]

ظاهراً ، ازقدیم ، در گیلان بیه‌پس چنین رسم و آیینی نبوده است. زیرا دریك بنای مذهبی دراین صفحات ، نشانی از نقاشی دیده نشد .

از حجاری و بعضی شعب هنری دیگر در گیلان نشانی نیست و

۱ـ از آستارا تا استارباد ج ۲، ص۲۷۲.
۲ـ همین کتاب ج ۲، ص۲۰۷.
۳ـ همین کتاب ج ۲، ص۳۵۶.
۴ـ همین کتاب ج ۲، ص۳۰۱.
۵ـ همین کتاب ج ۲، ص ۳۱.
۶ـ همین کتاب ج۲، ص۲۰۳.
۷ـ همین کتاب ج ۲، ص۱۹۳.
۸ـ همین کتاب ج ۲، ص۱۴۰.
۹ـ همین کتاب ج۲، ص۲۹۰.

کسانی راکه دراین‌فنون مهارتی داشته باشند نمی‌شناسیم . فقط بر سنگ قبر سلطان محمد کیا ، در سر تربت امام که در سال ۸۸۳ حک شده است نـام حجار بدین‌ترتیب دیده‌شد: «عمل استاد محمود حجار قزوینی»[۱] و علم مشبك کاری ظریف بقعهٔ دموچال لاهیجان که در سال ۱۰۷۹ قمری ساخته شده است «عمل یوسف ولد محمدعلی» است .[۲]

۱ــ ازآستارا تاastarباد ج ۲ ص ۳۴۸
۲ــ همین کتاب ج ۲، ص ۱۴۱

درختان کهنسال گیلان

مساجد و بقاع متبرك ، بیشتر در زیر سایه‌های درختان کهنسال هستند. درختان عظیم و کهن تاامروز هم مورد تعظیم و تکریم ساکنان اطراف اندو مردمان جنگل نشین باچشم احترام به آنها می‌نگرند . ازراه دور به زیارت آنها می‌آیند و دخیل به آنها می‌بندند تاحاجت و مرادشان بر آورده شود. درنقاط هموار ساحلی ، تقریباً تمام درختان عظیم ، صرف نظر از نوع و جنس آنها ، مورد ستایشند .

درخت سرو بقعهٔ سید مرتضی درماچیان که گرداگرد تنهٔ آن ۲۹۰ سانتیمتر است .[۱] درخت ون (زبان گنجشك) گورستان قاسم آباد بالا که گرداگرد تنهٔ آن ۴۸۰ سانتیمتر است .[۲] درخت تاغ بقعهٔ آقاسید حسین نـزدیك املش که گرداگرد تنهٔ آن ۴۵۰ سانتیمتر است .[۳] درخت کوب (نمدار) بقعهٔ سیدحسین در اشکرمیدان که گرداگرد تنهٔ آن ۳۲۰ سانتیمتر است .[۴] درخت بلوط گورستان قدیمی سلطان محمود شاه دینوری که گرداگرد تنهٔ آن ۴۲۰ سانتیمتر است[۵] و درخت لی (نارون) بقعهٔ سیدمحمد درسیارستاق رانکوه که گرداگرد تنهٔ آن ۴۰۰ سانتیمتر است ،[۶] تمام مورد احترام و تکریم زائران هستند .

۱ـ ازآستارا تااستاراباد ج ۲، ص ۳۲۰ . ۲ـ همین کتاب ج ۲، ص ۳۳۰ . ۳ـ همین کتاب ج ۲، ص ۲۹۷ . ۴ـ همین کتاب ج ۲، ص ۲۹۲ . ۵ـ همین کتاب ج ۱، ص ۴۲ . ۶ـ همین کتاب ج ۲، ص ۳۲۲ .

از این درختـان که بگذریم ، مردم گیلان به درخت آزاد و کیش علاقهٔ فراوانی نشان می‌دهند و آنها را به‌چشم احترام بیشتری می‌نگرند. شاید بلندی واستواری درختان آزاد و سرسبزی وخرمی درختان کیش در طول سال ، جلب نظر جنگل‌نشینان را کرده بـاشد . تاامروز پـای درختان آزاد شمع می‌افروزند وشاخهٔ کوچکی از درختـان کیش‌را به عنوان «برگ سبز» ، تحفه و هدیه به‌بقاع متبرك می‌برند .

درختان آزاد قابل ذکر بدین‌شرح‌اند :

۱– درخت آزاد زیارت‌دستخط مااده که گرداگرد تنهٔ آن ۷۷۰ سانتیمتر است .

۲– درخت آزاد بقعهٔ لاله‌گفشهٔ لشتنشاه که گرداگرد تنهٔ آن ۶۵۰ سانتیمتر است .[۲]

۳– درخت آزاد بقعهٔ آقا پیرصالح در میشاوندان که گرداگردتنهٔ آن ۶۵۰ سانتیمتر است .[۳]

۴– درخت آزاد بقعهٔ‌سیدعبدالله‌دربندبن رحیم‌آباد که گرداگردتنهٔ آن ۶۲۰سانتیمتراست.[۴]

۵– درخت آزاد بقعهٔ آقاسید احمدیمنی که گرداگردتنهٔ آن ۵۷۰ سانتیمتر است .[۵]

۶– درخت آزاد بقعهٔ سیدابراهیم‌در کلدره که گرداگردتنهٔ آن ۵۷۰ سانتیمتر است .[۶]

۱– ازآستارا تااستارباد ج ۲ ، ص ۱۹۵ .	۲– همین کتاب ج۱ ، ص ۴۴۰ .	۳–همین کتاب ج۱ ، ص۲۹۹ .	۴–همین کتاب ج۲ ، ص۳۳۶ .	۵ – همین کتاب ج ۲ ، ص۱۹۶ .	۶ – همین کتاب ج۲ ، ص ۳۲۴ .

۷ ـ درخت آزاد بقعهٔ سید خلیل در محلهٔ راه‌پشتهٔ لنگـرود که گرداگرد تنهٔ آن ۵۱۰سانتیمتراست.[1]

۸ـ درخت آزاد بقعهٔ آقا سید محمد درسوخته کوه که گرداگرد تنهٔ آن ۴۸۰ سانتیمتر است.[2]

۹ـ درخت آزاد بقعهٔ سیدرضا کیا درناصر کیاده که گرداگردتنهٔ آن ۴۷۰ سانتیمتر است.[3]

۱۰ـ درخت آزاد بقعهٔ آقاسید قاسم درمیان‌محلهٔ لیل که گرداگرد تنهٔ آن ۴۶۰ سانتیمتر است.[4]

۱۱ـ درخت آزاد بقعهٔ سیدجواد در موبندان که گرداگردتنهٔ آن ۴۶۰ سانتیمتر است.[5]

۱۲ـ درخت آزاد بقعهٔ سید خلیل در محلهٔ راه‌پشتهٔ لنگرود که گرداگرد تنهٔ آن ۴۴۱ سانتیمتر است.[6]

۱۳ـ درخت آزاد بقعهٔ شیخ زاهد درچابکسر که گرداگردتنهٔ آن ۴۲۰ سانتیمتر است.[7]

۱۴ـ درخت آزاد آستانهٔ پیچان در میرک‌محله که گرداگرد تنهٔ آن ۳۸۰ سانتیمتر است.[8]

۱۵ـ درخت آزاد بقعهٔ آقا سیدحسین درکش‌کلایه که گرداگرد تنهٔ آن ۳۶۰ سانتیمتر است.[9]

۱ـ از آستارا تا استارباد ج۲، ص۲۷۹.	۲ـ همین کتاب ج۲، ص۱۳۶.
۳ ـ همین کتاب ج ۲، ص ۲۱۲.	۴ ـ همین کتاب ج ۲، ص ۱۶۳.
۵ ـ همین کتاب ج ۲، ص ۲۷۳.	۶ ـ همین کتاب ج ۲، ص۲۷۹
۷ـ همین کتاب ج ۲، ص ۳۳۴.	۸ ـ همین کتاب ج ۲، ص ۳۲۳.
۹ـ همین کتاب ج ۲، ص ۲۹۰.

۱۶– درخت آزاد بقعهٔ سیدحسین دراشکرمیدان که گرداگرد تنهٔ آن ۳۵۰ سانتیمتر است.[۱]

۱۷– درخت آزاد بقعهٔ آقاسید حسین در کش کلایه که گرداگرد تنهٔ آن ۳۴۰ سانتیمتر است.[۲]

۱۸– درخت آزاد بقعهٔ سید مرتضی درماچیان که گرداگرد تنهٔ آن ۲۵۰ سانتیمتراست.[۳]

درختان کیش قابل ذکر بدین شرح‌اند :

۱– درخت کیش بقعهٔ شیخ بنده‌حیدر در کیاکلایه که گرداگرد تنهٔ آن ۴۲۰ سانتیمتراست.[۴]

۲– درخت کیش بقعهٔ سیدعلی کیا در اطاقور که گرداگرد تنهٔ آن ۱۸۰ سانتیمتر است.[۵]

۳– درخت کیش بقعهٔ سلطان محمودشاه دینوری که گرداگرد تنهٔ آن ۱۵۰ سانتیمتراست.[۶]

۴– درخت کیش بقعهٔ سیدعلی کیادراطاقور رانکوه که گرداگرد تنهٔ آن ۱۵۰ سانتیمتر است.[۷]

۵– درخت کیش بقعهٔ سیدعلی کیا در لیالمان که گرداگرد تنهٔ آن ۱۴۸ سانتیمتر است.[۸]

۶– درخت کیش بقعهٔ سیدعلی کیا دراطاقور رانکوه که گرداگرد

۱– ازآستاراتااستارباد ج۲، ص۲۹۲.
۲– همین کتاب ج۲، ص۲۹۰.
۳– همین کتاب ج ۲، ص۲۵۰.
۴– همین کتاب ج ۲ ، ص ۲۹۳ .
۵– همین کتاب ج ۲، ص ۲۸۷ .
۶– همین کتاب ج ۲، ص ۲۸۷ .
۷– همین کتاب ج ۲ ، ص ۲۸۷.
۸– همین کتاب ج ۲ ، ص ۱۳۷ .

تنهٔ آن ۱۴۰ سانتیمتر است.[۱]

۷ـ درخت کیش بقعهٔ امام‌سلطان محمودشاه دینوری که گرداگرد آن ۱۳۰ سانتیمتر است.[۲]

۸ـ درخت کیش بقعهٔ سیدعلی کیا در لیالمان که گرداگرد تنهٔ آن ۱۰۲ سانتیمتر است.[۳]

در مناطق کوهستانی مرتفع، درخت چنار جای سایر درختان جنگلی دشتهای هموار را می‌گیرد وظاهراً بیشتر این درختان که‌درجوار بقاع متبرك‌اند، دست‌نشانده هستند. درخت‌چنار نزدیك امام‌زاده‌یحیی‌و امام‌زاده شعیب در دهکدهٔ لردسمام،[۴] باید قطورترین درختان سرزمین گیلان باشد. نزدیك بقعهٔ امام‌زاده ابوالحسن و امام‌زاده ابوالفضل در دهکدهٔ رودبار،[۵] دوچناراست که گرداگرد تنهٔ درخت‌بزرگتر آن هشت متروگرداگرد تنهٔ درخت کوچکتر شش متر است.

۱ـ ازآستاراتااستارباد ج۲،ص۲۸۷.		۲ـ همین کتاب ج۱،ص۴۱.

۳ـ همین کتاب ج۲،ص ۱۳۷.		۴ـ همین کتاب ج۲، ص ۳۶۸.

۵ـ همین کتاب ج۱،ص۴۶۵.

سنگهای قبور

از اسنادی که می‌توانند قدمت بقعه و گورستانها را نشان دهند سنگهای قبورند. در گورستان اطراف بقعه‌ها، هرچه تعداد سنگهای قبور بیشتر باشد، می‌توان گفت که به‌همان اندازه اعتقاد و توجه ساکنان دهکده‌های اطراف به‌آن بقعه‌ها زیادتر است. بقعه‌های تورار و گرده کول و فیروزکوه و ملاخروشه و سوری بر بلندترین قله‌های دور از آبادی ساخته شده‌اند و ساکنان دهکده‌های اطراف، بازحمت فراوان اجساد مردگان خود را به‌بالای این قله‌ها می‌رسانند و در آنجا به‌خاك می‌سپارند. تحمل این زحمات طاقت‌فرسا، براثر ایمان واعتقادی است که مردم کوه‌نشین به‌این بقعه‌ها دارند.

سنگهای قبرها را بیشتر از قزوین، برپشت قاطرها تابالای قله‌های کوه می‌برند و برسر گور تازه رفتگان می‌گذارند. براین سنگها معمولا نام صاحب گور ونام پدر او حك شده و تاریخ تولد و روز مرگ او یادشده است. علاوه براینها اشکالی از آلات وادوات زندگی روزانه براین سنگها حك است که ظاهراً یادآور دورانی است که این لوازم بامتوفی به‌خاك سپرده می‌شد.

نقوشی که برسنگهای گورهای مردان است ازاین قرارند:

مهرنماز ــ تسبیح ــ شانه ــ قرآنی بررحل ــ انگشتر ــ سرو ــ خنجر ــ شمشیر ــ تپانچه ــ اسب ــ خود برپایه‌ای رحل مانند ــ گرز ــ

شش‌پر ــ نیزه ــ چوبدستی ــ تبر ــ قمه ــ دهره ــ گرباز[1] ــ بیل ــ گاجمه[2] ــ سجاده ــ گلدان ــ دبهٔ باروت ــ ساچمه ــ تفنگ ــ قلمدان ــ رحل ــ اسب زین کرده باسرافسار وشمشیری آویخته بدان ــ سروشکسته ــ دو پرنده بردوسرو ــ خودی برمحفه ــ کمان سه‌چله ــ کاول[3] ــ لها[4] ــ تیشه و اره و مته‌کمانه ــ قندیل ــ داس ــ منقل و آتشدان ــ دوپرنده ــ کمر شمشیر وحمایل ــ مشعل .

نقوشی‌که برسنگهای گورهای زنان است :

رحل ــ تنگ ــ مهر نماز ــ تسبیح ــ انگشتر ــ گلاب‌پاش ــ سینه‌ریز ــ قیچی ــ آفتابه ــ مشربه ــ بینکی (دلوازه)[5] ــ هکن‌وکن[6] ــ کشکول[7] ــ گوشواره .

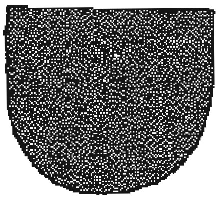
کشکول

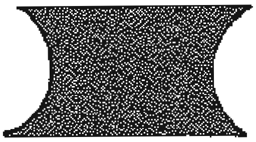
هکن‌وکن

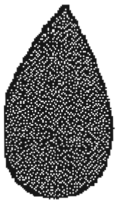
بینکی = دلوازه

۱ ــ نوعی بیل نوك تیز است . ۲ ــ گاوآهن مرسوم گیلان .
۳ ــ گاوآهن مخصوص گیلان . ۴ ــ دوشاخه‌ای که باآن خرمن را پهن می‌کنند . ۵ ــ نوعی سنگ کبود رنگ که در وسط سینه می‌آویزند .
۶ و ۷ ــ نوعی سنگ که ازآلات زینت زنان است.

عجایب هشتگانهٔ بناهای تاریخی گیلان

درسراسر پهنهٔ گیلان از کوه ودشت ، به‌بناهـای تاریخی و آثـار قدیمی بسیاری برمی‌خوریم . شاید درهیچیك از نواحی ایران به‌اندازهٔ گیلان بقاع متبرك نباشد . بعضی‌ازاین‌بناها چندین‌بار روبه‌خرابی‌رفته و بارها تجدید بنا شده‌اند ودراین‌تعمیر ومرمت شکل اصلی وقدیمی خود را از دست داده‌اند. برخی از آنها براثررشد شهرها وتوسعهٔ خیابانهاو نوسازیهای دیگر ، به‌دستور شهردارها و سایر اولیای امور بی‌اطلاع یکسره از میان رفته واثری ازآنها به‌جای نمانده است . پاره‌ای از این ابنیه ، به‌علت دور بودن از شهرها وتعدیات مأموران از همه‌جا بی‌خبر سالیان دراز ، در مقابل بارانها ورطوبت فراوان‌گیلان ایستادگی کرده و تاامروز پایدار واستوار مانده‌اند وبازبان گویایی ، هنرمندی معماران‌و سایر اهل فن را شرح می‌دهند . این بناها که قدیمی‌ترین و عجیب‌ترین بناهای‌گیلان هستند ، نگارنده به نام عجایب هشتگانهٔ بناهای تـاریخی گیلان خوانده است . اینك نام آنها :

۱ــ مقبرهٔ تاج‌الدین محمود خیوی در لمیــرمحلهٔ آستارا مورخ ۷۳۲ هـ. ق.[۱]

۲ــ مسجدی‌بسیارقدیمی در کیش‌خالهٔ‌دیناچال‌به‌نام «اسپیه‌مزگت» که ظاهراً تاریخ بنای آن به‌قرن چهارم هجری می‌رسد .[۲]

۱ــ ازآستاراتااستاراباد ج۱، ص۱۱ــ۱۳.   ۲ــهمین کتاب‌ج۱، ص۷۰ــ۷۲.

۳ـ قلعه رودخان در بیست و سه کیلومتری جنوب فومن که درسال ۹۱۸ه.ق. به امر امیره حسام الدین بن امیره دباج از سلاطین اسحقی تجدید بنا شده است.[۱]

۴ـ منارهٔ آجری مناره بازار گسکر در پانصد متری بقعهٔ آقا سید زکی.[۲]

۵ـ مقبرهٔ شیخ تاج الدین ابراهیم معروف به شیخ زاهد گیلانی در دهکدهٔ شیخانور برسر راه لاهیجان به لنگرود.[۳]

۶ـ گنبد آجری پیرمحله، در دهکدهٔ پیرمحلهٔ رانکوه.[۴]

۷ـ سرتربت امام نزدیك خرابه‌های شارسمام مورخ ۸۸۳ه.ق.[۵]

۸ـ پل آجری انبوه که تمام آب شاهرود از زیر یك دهانهٔ آن می‌گذرد.[۶]

***

تنی چند در گردآوری مطالب این مجلد، با نگارنده همکاری نزدیك کرده‌اند. اینجانب برای همیشه خودرا مدیون ایشان می‌داندو همکاریهای خالصانهٔ آنان را فراموش نخواهد کرد. یاد نام ایشان دراین مقدمه شاید بار سنگین دینی که بر گردن من دارند سبکتر کند.

آقای عبدالرحمن عمادی یادداشتهایی راکه سالیان دراز، دربارهٔ گیلان گردآورده بودند، درعین صفا و صمیمیت دراختیار نگارنده گذاشتندو این یادداشتها در تنظیم مطالب تاریخی مجلد اول ودوم این کتاب بسیار مفید ومؤثر واقع شد.

۱ـ ازآستاراتااستارباد ج۱، ص۱۵۷ـ۱۶۱. ۲ـ همین کتاب ج۱، ص۱۹۴ و۱۹۵. ۳ـ همین کتاب ج ۲، ص ۱۴۸ـ۱۵۷. ۴ـ همین کتاب ج ۲، ص۳۱۳ و ۳۱۴. ۵ـ همین کتاب ج۲، ص ۳۴۳ـ۳۵۵ ۶ـ همین کتاب ج۲، ص۵ـ۹.

آقایان حمزه سعادتمند وسیدهاشم میرراجعی درگردآوری مطالب مربوط به لاهیجان بسیار مساعدت و یاری کردند وراهنمایان تعلیماتی ادارهٔ آموزش وپرورش لاهیجان پیشاپیش نگارنده به دورترین دهکده‌ها می آمدند .

براثر کمکهای آقایان علی جنابی و کریم خاوری وعلی حسن پور آثار تاریخی لنگرود وقسمت غربی جلگهٔ رانکوه در زمانی کوتاه گردآوری شد . درخانهٔ بازوسفرهٔ گشاده ایشان ، مانع می‌شد که اینجانب احساس غربت کنم .

به دستور آقای خلیل پیوندی رئیس ادارهٔ آموزش وپرورش رودسر، آقای محمدرضا حقیقیان و آقای سیدابوالحسن مرتضوی راهنمایی نگارنده را درکوه ودشت به عهده گرفتند. آقای حقیق [illegible] را برای مطالعهٔ آثار تاریخی قسمت شرقی جلگهٔ رانکوه گشودند وهمراه اینجانب ده به ده آمدند وآثار تاریخی را یك به یك نشان دادند . اگر کمکهای آقای مرتضوی راهنمای تعلیماتی سپاه دانش نبود، بیم آن رفت که نگارنده ماهها در کوهستان گیلان سرگردان بماند و کارش چنانکه باید به نتیجه نرسد . از یکایك ایشان ازصمیم قلب سپاسگزارم وتوفیق بیشتری برای ایشان آرزو دارم.

آقای مسعود گلزاری ، دوسه سفراین بنده را همراهی کردند ودر عکسبرداری وگردآوری مطالب یاری نمودند . گذشته از این کارچاپ کتاب را به دست گرفتند وماهها ازعمرخودرا صرف تصحیح وغلط گیری متن کردند. تنظیم عکسهای کتاب نیزبه عهدهٔ ایشان بود وفهرست کتاب را هم ایشان مرتب ومنظم کرده‌اند. اگر کوششهای پی گیر نامبرده نبود، صفحات کتاب به این زودی از زیر چاپ بیرون نمی آمد . الطاف و مراحمش

فراموش نشدنی است واز خداوند موفقیت بیشتری را برای اوخواهان است .

افتخار وسربلندی‌بنده ازاین جهت است که هیأت محترم‌مؤسسین انجمن آثار ملی‌کار، گردآوری آثار تاریخی حاشیهٔ دریای خزررابه‌عهدهٔ اینجانب گذاشته‌اند. الطاف رئیس‌محترم هیأت مدیره جناب تیمسار سپهبد آق‌اولی وهمکاروهمگام ایشان‌جناب آقای سید محمدتقی‌مصطفوی شامل حال این بنده بوده و خواهد بود . براثر مراحم انجمن آثار ملی است‌که مجلد دوم ازاین دوره‌کتب ، از چاپ بیرون آمد وکارمطالعهٔ سرزمین‌گیلان ازنظر آثار تاریخی به‌پایان رسید . بایاری خداوندمتعال پس‌ازاین‌نگارنده به‌تدوین مجلدسوم یعنی آثاروبناهای‌تاریخی‌مازندران خواهد پرداخت .

این‌کتاب‌درچاپخانهٔ بهمن‌به‌چاپ‌رسید . ازرئیس محترم‌چاپخانه آقای محمود مطیر وسایر کارکنان‌که برای چاپ این کتاب زحمتی کشیده‌اند صمیمانه اظهار امتنان می‌نماید .

منوچهر ستوده

سوم اسفندماه ۱۳۵۰

کتابشناسی حاشیهٔ دریای خزر

دنبالهٔ فهرست مجلد اول

آمارجوی شهرستانها در شش‌ماههٔ اول ۱۳۲۹ ، تهران ، ۱۳۳۳ش.
آمار رودخانه‌ها ، نشریهٔ بنگاه مستقل آبیاری ، تهران، ۱۳۲۸ش.
آمار سالیانهٔ رودخانه‌های ایران ، نشریهٔ شمارهٔ ۲ بنگاه مستقل آبیاری، تهران ۱۳۳۰ش.
آمار سالیانهٔ رودخانه‌های ایران، نشریهٔ شمارهٔ ۶ بنگاه مستقل آبیاری تهران ، ۱۳۳۴ ش.
آملی، شمس‌الدین محمدبن محمود : نفایس‌الفنون‌فی‌عرایس‌العیون ، در دو مجلد ، تهران ۱۳۷۹ ﻫ. ق.
احوالات سید جلال‌الدین اشرف ، برادر امام رضا ، مدفون در آستانهٔ لاهیجان، رشت ۱۳۳۱ شمسی. این کتاب به‌نام شرح حال سیدجلاالدین اشرف در تهران نیز چاپ شده است .
احوال تراکمه (ترجمهٔ کتاب بارن نرمان) سال تألیف ۱۲۹۹ ﻫ. ق. (شمارهٔ ۶۲۰، فهرست فیلم‌نسخ خطی ج ۲ ص۱۲۹)
ارزش‌یابی تعاونی تولید و فروش مرکبات شهسوار ، بخش تعاونی تولید دانشگاه تهران ، مؤسسهٔ آموزش‌وتحقیقات تعاونی، شهریور ۱۳۴۷ ، نشریهٔ دانشگاه تهران شمارهٔ ۲۵ .
استیادت، دکتر: بیماریهای‌درختان‌جنگلی، ترجمهٔ دکترعلی‌منوچهری‌و

دکتر قوام‌الدین شریف ، نشریهٔ بنگاه جنگلها ، تهران ۱۳۳۸ ش.
اسرار نفت شمال ، چاپ سربی ، رقعی ۱۸ صفحه.
اسکندری خوئی ، حاجی مهدی : قرن پهلوی یادبود هشتادمین سال تولد رضاشاه ، تهران ، ۱۳۳۵ شمسی.
اعتمادالسلطنه ، محمدحسن خان : جغرافی و تاریخ لار ، ۱۲۹۸ ه.ق. (شمارهٔ ۶۳۹ ، فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملی ص ۱۴۷)
افشار ، جلال: آفات صیفی‌وسبزیجات و نباتات صنعتی در ایران،تهران.
افراشته ، محمد علی : مفتخورالاعیان ، مردم ، ج۱ ش۱۱ ص ۸۰–۶۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۱۸۳).
امیر طهماسبی ، سرلشکر عبدالله : سردارسپه کیست ؟ تبریز ، رقعی ، سربی ، ۲۱ صفحه .
برآوردمخارج راه‌سازی مازندران (شمارهٔ ۸۱۲ ، فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملی ج ۲ ص ۳۴۷)
بررسی امکانات اشتغال صیادان درصورت ممنوعیت صید. مؤسسهٔ مطالعات‌وتحقیقات‌اجتماعی‌دانشگاه‌تهران،گروه تحقیقات‌روستائی، تیرماه ۱۳۴۴.
بینا ، دکترفتح‌الله : سرگذشت رضاشاه(تهران چاپ‌اول ۱۳۲۰ شمسی، چاپ دوم تیر ۱۳۲۱ ، چاپ سوم آبان ۱۳۲۱ ، چاپ چهارم ۱۳۲۲ شمسی .
تاریخ ترکمانیه (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ۳۲)
تعاونی تولید مرکبات رامسر و چابکسر.
جزیرهٔ ، مهندس محمد حسین : حکایت جنگل ، تهران ۱۳۳۸ شمسی.
جزیرهٔ ، مهندس محمد حسین : مونوگرافی گونه‌های آکاسیا ، بنگاه جنگلها ، تهران ۱۳۳۷ شمسی .

جغرافیا و اسامی دهات کشور ، نشریهٔ ادارهٔ آمار و سرشماری(مجلدات مربوط به‌صفحات شمال‌ایران).

جهانبانی . سپهبد امان‌الله میرزا : مرزهـای ایـران و شوروی ، تهران ۱۳۴۵ شمسی.

چایکار، حاجی محمد کاشف‌السلطنه: رسالهٔ دستورالعمل‌زراعت چای، تهران ۱۳۲۵ ه.ق.

حافظ‌ابرو : جغرافیا (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص۶۶).

خدابخشی ، دکترمؤید سهراب : گلهای افتخار ایران ، رضا شاه‌کبیرو زرتشتیان ، تهران ۱۳۳۶ شمسی .

خلعت‌بری ، عبدالصمد : بیاد بیست و نهمین سال انتحار محمد ولیخان خلعت‌بری ، تهران ۱۳۳۳ شمسی .

دانش رشتی (گیلانی) ، حسام‌الاسلام شیخ حسن‌بن اسماعیل (متوفـی ۱۳۴۶ قمری): دیوان، به‌اهتمام هادی جلوه ، مقدمهٔ حسین‌سمیعی‌و پورداود و دکتر محمد معین ، جمعیت نشر فرهنگ گیلان ، رشت ۱۳۲۵.

در صفت قلعهٔ آمل (شمارهٔ ۵۴ از مجموعهٔ شمارهٔ ۲۲۲۹ ، فهرست فیلم نسخ خطی ص ۲۳۸).

رزم‌آرا ، سپهبد علی : جغرافیای نظامـی دریـای مازنـدران ، تهران ۱۳۱۶ شمسی .

رقم وزارت گیلان (شمارهٔ ۳۷ از مجموعهٔ شمارهٔ ۲۲۱۴ ، فهرست‌فیلم نسخه‌های خطی ص۱۵۵۲) .

روزنامهٔ استراباد تألیف سال ۱۲۶۳ ه.ق. (شمارهٔ ۷۴۹ ، فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملی ج۲ ص۲۷۱) .

ریاحی، مهندس ابراهیم: تحقیق درتاریخ قندسازی ایران، نشریهٔدانشگاه شمارهٔ ۴۴۸، تهران ۱۳۳۷ شمسی.

ریاحی، مهندس ابراهیم: قندسازی از نیشکر ، انتشارات دانشگاه تهران شمارهٔ۱۲۹۱، تهران ۱۳۴۹.

سالنامهٔ دبیرستان ایرانشهر لاهیجان سال تحصیلی ۳۳ ـ ۱۳۳۲، تهران.

سالنامهٔ فرهنگ گرگان ، تهران ۱۳۳۷.

سالنامهٔ فرهنگ نوشهر، تهران ۱۳۳۷.

سپنتا ، عبدالحسین بن غلامرضا : اسرار جنگل ، نشریهٔ روزنامهٔ عرفان اصفهان.

ستاری، دکتر محمد : گوسفندداری درایران، انتشارات دانشگاه‌تهران شمارهٔ ۱۲۷۶، تهران ۱۳۴۹ .

سحابی، دکتریدالله: زمین ایران، مرزهای‌دانش شمارهٔ ۳ص۳۰۴-۲۸۹ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ص ۲۳۱).

سفرنامهٔ روسیه تألیف ۱۲۹۸ هـ. ق. (شمارهٔ ۷۳۳ فهرست نسخ خطـی کتابخانهٔ ملی ج۲ ص۲۵۶).

سیاحتنامهٔ یك نفر روسی در سال ۱۸۸۷ میلادی : از مترجم سیدعبدالله مترجم روسی سال ۱۳۰۶ هـ. ق. (شمارهٔ ۸۸۸ فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملی ج ۲ ص ۴۲۲).

سید بوراتی ، ملقب به جلال‌السادات : روزنامهٔ سفر خراسان (شمارهٔ ۸۱۱ فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملی ج ۲ ص ۳۴۷).

سیف‌الدوله سلطان محمدبن فتحعلی شاه : سفرنامهٔ مکه محتملا درسال ۱۲۸۰ هـ. ق. (ازراه رشت ودریای خزر وتفلیس واستانبول)شمارهٔ ۷۶۱ فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملی ص ۲۸۲).

شرکت عمومی ایران ، امتیاز راه شوسه از آستارا تا اردبیل ، تهران ۱۳۲۰ه.ق. باترجمهٔ فرانسه.
شهابی ، دکترعلی اکبر: احوال وآثار محمد بن جریرطبری، نشریهٔ شمارهٔ ۳۱۴ دانشگاه تهران ، ۱۳۳۵ شمسی .
صاحب علی‌آبادی مازندران ، محمد: دیوان ، ۱۸۵۹ میلادی .
طاهری شهاب ، محمد :جشنهای ایرانی ایران ، سالنامهٔ کشور ایران ۳ : ۵۰ – ۷۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ص۲۵۶) .
عدل ، مهندس احمدحسین : آب وهوا و رستنیهای ایران ،تهران۱۳۳۹ نشریهٔ ۵۸۶ دانشگاه تهران .
عدل، مهندس‌احمدحسین: کشاورزی، کتاب‌ایرانشهر، ۲: ۱۶۹۷–۱۵۵۹. (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ص ۲۳۱).
فارغ گیلانی ، حسین‌بن‌حسن : دیوان ، تهران ۱۲۷۴ ه. ق.
فراهانی، محمد حسین: سفرنامهٔ مکه سال ۱۳۰۲ قمری (تهران،قزوین، رشت ، قفقاز استانبول ، جده ، مکه ، ارس، بادکوبه ، لاهیجان ، قزوین ، تهران) ، (شمارهٔ ۵۷۳ فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملی ج۲ ص ۶۹) .
فروغ نیا : طباخی گیلان (طبخ محلی گیلان) به اهتمام فهیمه اکبر ، تهران ، ۱۳۳۸ .
فریار عبدالله : حفریات (کاوشهای هیأت موزهٔ متروپولیتن در تپهٔ سبزپوشان) آموزش وپرورش ج ۹ ش ۳ : ۶۸ – ۵۰ (ترجمه)، (فهرست مقالات فارسی ج۱ش۲۱۹۰) .
قاجار، تیمور،متخلص به امیر: نصاب طبری تألیف ۱۲۶۴ قمری(شمارهٔ ۵۴۸ فهرست نسخ کتابخانهٔ ملی ج ۲ ص ۳۹).
قبل از سلطنت به پادشاه خورشید کلاه روس در باب اطلاق اسرای

گیلانی قلمی شده (شمارهٔ ۸۸ از مجموعـهٔ شمارهٔ ۲۲۱۴ فهرست فیلم نسخه‌های خطی دانشگاه ص ۱۶۵۵).
کامران استرابادی ، محمدبن قاضی: جامع‌الامثال درسرگذشت دوازده امام و فرمانروایان رستمدار (شمارهٔ یك از مجموعهٔ شمارهٔ ۲۸۱۷ فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۷۳۴).
کونن ، هانری : منابع جنگلی ایران ، مهر، ۹ : ۵۶ – ۵۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ شمارهٔ ۱۸۸۰) .
کیا ، سروان‌علی : عملیات در جنگل ، ساحل دریا ، مقابل رودخانـه ، تهران ۱۳۱۹ شمسی .
گنجی . دکترمحمدحسین: آمار بارندگی در ایران، تهران ۱۳۳۸ ش.
گودال‌لاربن – یا – وقایع جنگ شمال ایران .
لامعی جرجانی: دیوان، تهران ۱۲۹۵ قمری (به‌لامعی‌گرگانی دهستانی در کتابشناسی مجلد اول نگاه کنید).
استرانج: جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمهٔ محمود عرفان، تهران ۱۳۳۸ شمسی.
متولیان ، سیدابراهیم : بررسی و طرز تهیـهٔ ماهی‌هـای شور ودودی و منجمد دریای شمال ایران ، نشریـهٔ دانشکدهٔ دامپزشکی ، تهـران ۱۳۳۸ شمسی.
مجلهٔ شمال ، زیرنظر عباس کدیور ، تهران ۱۳۳۲ شمسی .
مختارزاده علی مرداناف ، علی : عمل نوغان ، تبریـز ۱۳۴۳ ه. ق.
مطالعهٔ اقتصادی و اجتماعی مربوط به‌طرح جامع رشت و بندرپهلوی، مؤسسهٔ مطالعات وتحقیقات اجتماعی‌گروه جامعـه شناسی دانشگاه تهران، تیرماه ۱۳۴۶ .
مکتوب‌خان احمدگیلانی (شمارهٔ ۵۳ از مجموعهٔ شمارهٔ ۲۲۲۹فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص۲۳۸).

مکتوب شاهرخ میرزا به ناصرکیا (شمارهٔ ۱۰ ازمجموعهٔ شمارهٔ ۲۳۲۴ فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص۲۵۰).
مکتوب شاه عباس به خان احمدگیلانی (شمارهٔ ۲۸ ازمجموعهٔ شمارهٔ ۲۳۲۴ فهرست فیلم‌نسخه‌های خطی ص ۲۵۱).
ملگونوف ، سفرنامهٔ نواحی شمال ایران سال ۱۸۶۰ میلادی ، ترجمهٔ پطرس (شمارهٔ ۵۷۹ فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملی ج ۲ ص ۷۶)
مهدوی ، محسن : طرح پیشنهادی برای تأسیس شرکتی به نام شرکت نفت شمال ، تهران ،بی تاریخ ، در ۱۴ صفحه.
مهرنوش : تاریخ جنگل ، نشریهٔ روزنامهٔ فریاد لاهیجان ، رشت ۱۳۳۴ شمسی.
میردامادی ، مهندس اسماعیل : چگونه باید قلمستان خوب‌تهیه نمود، وزارت کشاورزی ، تهران ۱۳۳۵ شمسی.
میردامادی، مهندس‌اسماعیل : گیاه‌شناسی جنگل ، تهران ۱۳۳۷شمسی.
میرزاآقاجان محمد صادق: دیوان‌غافل‌مازندرانی، تهران۱۳۳۷ شمسی.
نشریهٔ دانشکدهٔ جنگلداری دانشگاه تهران ، نشریهٔ شمارهٔ ۲۳ دانشگاه تهران ، بهمن ماه ۱۳۴۹.
نفیسی ، سعید : شیخ زاهدگیلانی ، رشت ۱۳۰۷ شمسی.
نوبخت شیرازی ، حبیب‌الله‌بن محمدحسن : سردار پهلوان ، تهران ۱۳۴۲ .
نوری اسفندیار، فتح‌الله : رستاخیز ایران ، تهران ۱۳۳۶ شمسی.
نوعی ، محمد : خزر، تهران ۱۳۳۶ شمسی .
ویلس ، ارنولد : زلزله در ایران (ترجمه از مجلهٔ مدرسةالسنةٔ شرقیه لندن) علمی و فنی ج ۱ ش ۶ : ۳۹ ـ ۳۰ و ج ۲ س ۱ : ۴۰ ـ ۲۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ص۲۳۲).

مآخذ و مراجع کتاب

۱ ـ احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم تألیف شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی معروف به بشاری ، لیدن، ۱۹۰۶ میلادی .

۲ ـ تاریخ اولجایتو تألیف ابوالقاسم عبدالله بن محمد القاشانی ، نسخهٔ عکسی شمارهٔ ۲۴۲ و فیلم شمارهٔ ۱۱۷ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران .

۳ ـ تاریخ خانی تألیف علی بن شمس الدین محمد لاهجی به اهتمام برنهارد دارن پطرزبورگ ۱۲۷۴ قمری.

۴ ـ تاریخ طبرستان و رویان و مازندران تألیف سید ظهیرالدین بن سید نصیرالدین مرعشی به اهتمام عباس شایان ، تهران ۱۳۳۳ شمسی.

۵ ـ تاریخ گیلان تألیف خچکو (CHUDZEKU) = تاریخ گیلان تألیف شودزکو ، ترجمهٔ محمدعلی گیلک ، رشت ، ۱۳۰۸ شمسی .

۶ ـ تاریخ گیلان تألیف ملاعبدالفتاح فومنی به اهتمام برنهارد دارن ، پطرزبورگ ، ۱۲۷۴ قمری .

۷ ـ تاریخ گیلان و دیلمستان تألیف سیدظهیرالدین بن سیدنصیرالدین مرعشی ، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران شمارهٔ ۳۶، دی ماه ۱۳۴۷ .

۸ ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران ملگونوف در سال ۱۸۶۰ میلادی مطابق ۱۲۷۷ قمری ، فیلم شمارهٔ ۱۶۹۸ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران.

۹ ـ تقویم البلدان تألیف عمادالدین اسماعیل بن محمد بن عمر معروف به ابوالفدا متوفی ۷۳۲ قمری ، پاریس ، ۱۸۴۰ میلادی .

۱۰ ـ جامع‌التواریخ تألیف رشیدالدین فضل‌الله وزیـر بن عمادالدوله ابوالخیر ، تهران ۱۳۳۸ .
۱۱ـ حدودالعالم من‌المشرق الی‌المغرب، مجهول‌المؤلف ، سال‌تألیف ۳۷۲ قمری ، این‌کتاب متکـی بـه کتاب جیهـانـی آثار العلویه ارسطاطالیس و جغرافیای بطلمیوس است . تصحیح نگارنـده از انتشارات دانشگاه تهران سال ۱۳۴۱ ش.
۱۲ ـ روضة‌الصفای ناصری تألیف رضا قلـی خان هدایت ، تهـران ، ۱۲۸۰ ه.ق .
۱۳ ـ سالنامهٔ دبیـرستان ایرانشهر لاهیجان سال تحصیلی ۳۳ ـ ۱۳۳۲ گردآوری ابوالقاسم غمگسار .
۱۴ ـ سفرنامهٔ ابت = ABBOTT , K. E. : Narrative of a journey from Tabriz along the shores oy the Caspian sea to Tehran , 1843 – 44 .
۱۵ ـ سفرنامهٔ فریزر = FRASER , J. B. : Travels and adventurers into the Persian provinces on the southern banks of the Caspian Sea , London, 1826 .
۱۶ ـ سفرنامهٔ مازندران فیلم شمارهٔ ۱۶۸۸ کتابخانـهٔ مرکزی دانشگاه تهران .
۱۷ ـ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو –
RABINO, H. L. : Mazandaran and astarabad, London , 1928.
۱۸ ـ سفرنامهٔ مکنزی = Mackenzie . C. F. : Narrative of a Journey from Rasht in Gilan through Mazandaran to Astarabad during the winter and spring of 1858–59.
۱۹ ـ سفرنامهٔ موریه = MORIER ,J. : A second Journey through Persia , Armenia , and Asia Minor to Constantinople London 1818.

۲۰ ــ صریح الملك ، فهرست رقبات موقوفات مرقد شیخ صفی‌الدین اردبیلی عکس شمارهٔ ۴۴۹۸ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران.

۲۱ ــ عالم‌آرای عباسی‌تألیف اسکندربیك منشی‌چاپ مؤسسهٔ‌مطبوعاتی امیرکبیر۱۳۳۵.

۲۲ــ فرهنگ جغرافیایی‌ایران، استان‌یکم، ازانتشارات دایرهٔ جغرافیایی ستاد ارتش.

۲۳ــ فهرست بناهای تاریخی و اماکـــن باستانی ایران تألیف‌نصرت‌الله مشکوتی .

۲۴ ــ کتاب استراباد ومازندران وگیلان و سمنـــان ودامغان و غیـــره ، تاریخ اتمام هشتم ذی‌القعـــده ۱۲۷۷ قمری، عکس شمـــارهٔ ۶۱۴۴ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران.

۲۵ ــ گیلان رابینو = RABINO, H.L.: Provinces Caspiens de la Perse, Paris 1970

۲۶ ــ مجالس المؤمنین تألیف قاضی نورالله شوشتری ، تهران ۱۲۶۸ ه.ق.

۲۷ ــ مجلهٔ تعلیم وتربیت سال سوم از نشریات وزارت فرهنگ‌تهران.

۲۸ــمجلهٔ فرهنگ سال چهارم چاپ رشت .

۲۹ ــ مجلـــهٔ هنـــرومردم‌شمارهٔ ۹۶ و۹۷ مهـــروآبان ۱۳۴۹ صفحـــات ۴۴ ــ ۳۷ جغرافیای لنگرود به قلم علاءالدین آذری .

۳۰ ــ مجمل‌التواریخ‌والقصص به تصحیح ملك‌الشعرای بهار ، تهران، ۱۳۱۸ شمسی .

۳۱ ــ نزهةالقلوب تألیف حمدالله مستوفی قزوینی، به سعی و اهتمـــام لسترانج لیدن ، ۱۹۲۳ میلادی .

دنبالهٔ بخش شانزدهم

بازماندهٔ آثار و بناهای تاریخی نواحی فاراب و خرگام عمارلو

امامزاده طیب و طاهر فرزندان امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ پاکده فاراب عمارلو[1]

بنای اصلی بقعه هشت‌ضلعی است که بر آن گنبدی مدور کمربنددار کاشیکاری زده‌اند. از دو ایوان جنوبی و شرقی دو در ورودی به حرم است. ایوانها دارای ستونهای چهارسو با سرستونهای ساده است. سقف ایوانها، تیری و بام آنها گلی است. (عکسهای شمارهٔ ۱ و ۲)

اطراف امامزاده سنگهای قبور مرمر زیادی است که تاریخ قدیمی‌ترین آنها ۱۲۳۶ و ۱۲۹۲ هـ. ق. است.

قبرستان وسیعی در غرب امامزاده

در مغرب بنای بقعه قبرستانی قدیمی است و سنگهای مرمر نسبةً بزرگی در این قبرستان است. بیشتر این سنگها را از شهر قزوین بدینجا آورده‌اند. نوشته‌های بعضی از آنها به شرح زیر است:

۱ـ در ص ۵۰۰ جلد اول بخش اول کتاب از آستارا تا استارباد از این بقعه یاد شده است. دهکدهٔ پاکده را در محل «پاگی‌ده» گویند.

« وفات مرحوم محمدلطیف‌بیك ولد محمدعلی‌خان بتاریخ سیزدهم شهر صفر ۱۱۹۲. »

از قراری که یکی از بازماندگان این مرد نقل می‌کرد، محمد لطیف بیك یکی از سرداران جنگ قفقاز بوده‌است که درآنجا بقتل رسید و جسدش بدامر پادشاه وقت بدینجا منتقل شد.

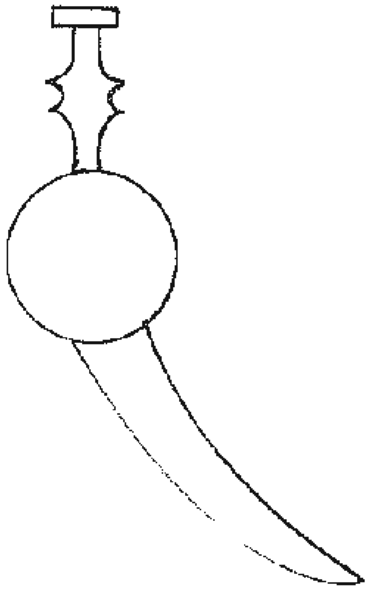

« وفات مرحوم اسکندر ولد مرحوم طالب‌بیك ۱۲۲۷. نشانه‌ها: مردی سوار بر اسب، خنجر، شمشیر، تپانچه و آلتی بدین شکل.»

«وفات مرحوم مغفورتقی‌بیك ولد مرحوم محمد علی‌خان ۱۲۵۸. نشانه‌ها: اسب، تپانچه، شمشیر، مهر، تسبیح و شانه.»

قبرستان قدیمی اسکابن[۱]

قبور قدیمی زیادی در این قبرستان است. پائین این قبرستان در اراضی آرندیمان[۲] اطاقهائی درسنگ کنده‌اند که معروف بدزرگردکان است.[۳]

کافرقلعه = قلعهٔ دزدکمر[۴]

مقابل‌قبرستان قدیمی اسکابن، بربالای قله‌ای منفرد که جزء رشتهٔ کوهی است، قلعه‌ای قدیمی ازسنگ وآجراست. آب انبارآن راکنده وآجرهای آن‌را زیرورو کرده بودند. قسمتی ازبرجها و دیوارهای سنگی آن باقی است.

شیرجوب
دراراضی دهکدهٔ پاکده فاراب عمارلو

ازمنبعی آب که گویا قنات یاچشمه‌ای بوده است، جوئی دراراضی‌تله‌دشتان

۱ـ بفتح الف وضم باء. ۲ـ بفتح راء. ۳ـ درص۱۰۵ مجلد اول بخش‌اول کتاب ازآستارا تا استاراباد ازاین اطاقها یاد شده است. ۴ـ بضم دال اول وکسردال دوم وفتح کاف ومیم.

کنده‌اند. چون این جوی درگودال می‌افتاده است، سنگ‌چینی به‌ارتفاع سه‌چهار متر ساخته وآب را ازبالای آن‌گذرانده‌اند.

گلود[۱]

در اراضی سلوك دشت پاکده

بنائی مربع‌شکل ازسنگ وگچ است که سطح داخلی و شالودهٔ آن، به‌عمق یك متر درسنگ کنده شده است. روی چهار دیواری مربع شکل، طاقی مدور، از سنگ و گچ زده‌اند و درچهار جهت داخلی، چهار صفه ساخته‌اند که یکی از این صفه‌ها، فعلا گذرگاه آب است. در این صفه سوراخی به ارتفاع ۶۰ و عرض ۳۰ سانتیمتر دردل سنگ کنده‌اند که آبی‌که اززمین ودیواراین ساختمان می‌جوشد، ازآن سوراخ خارج می‌شود. یکی دیگرازاین صفه‌ها، در ورودی این بنای مربع شکل است.

مدت دوازده سال بود که‌آب این‌چشمه خشکیده بود. دربهارسال۱۳۴۸ ش. دوباره جوشید وبیرون آمد.

امامزاده علی‌اصغر وعلی‌عسکر پسران امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام دردهکدهٔ جیرین ده فاراب عمارلو

بنای اصلی از داخل چهارگوشه است که هرگوشه را با گوشواری جمع کرده وگنبد مدوری از سنگ وگچ، به ارتفاع تقریبی نه متر از سطح بنابر آن زده‌اند. (عکسهای شمارهٔ ۳ و ٤) ازاره‌ای با چهار ردیف کاشی بردیوارهای داخلی است که حاشیه‌ای از کاشی سیاه بر بالا و پائین این ازاره است. سردر اصلی بنا کاشیکاری است ودر طرفین در دو سکو است. برکاشی نام کاشیکاران وتاریخ۱۳۱٤ ه. ق. دیده می‌شود از در ورودی اصلی به کفش کن که در شمال بنای اصلی است می‌توان‌آمد وازکفش کن، پس ازورود از دری دیگربه‌حرم می‌توان رسید.

۱ــ بضم کاف ولام.

صندوقی بزرگ و زیبا ، قبر این دو تن را پوشانده است. طول آن ۲۱۶ و عرضش ۸۷ و ارتفاعش ۷۲ سانتیمتراست و برپایه‌ای که ارتفاع آن یك‌کاشی و نیم است نصب شده‌است. بدنهٔ صندوق‌شامل سه‌قسمت اصلی‌است یعنی‌تخته‌ای درو‌سطو قاب مانندی بالا و پائین آن است . بربالای قاب ضلع جنوبی، این‌عبارات خوانده می‌شود:

«برخوانندگان‌اینحروف واضح‌بادکه‌ساخت صندوق‌را خدادوست خرگامی بن‌علی‌آسنکوئی وساختن نقاشی را ملایوسف ولد استاد نجم‌الدین نقاش لاهجان درتاریخ جمادی‌الاول سنه ستة عشرة والف.»

برتختهٔ همین‌بدنه، سه گل وبوته دیده می‌شود که میان آنها دوفرشته‌است.

بربدنهٔ تخته‌ای طرف شمال منظرهٔ براق ومعراج حضرت رسول اکرم صلی‌الله علیه وآله نقاشی شده است. برحاشیهٔ بالای این بدنه ، « نادعلیاً مظهرالعجایب » تاآخر و«نصرمن‌الله وفتح قریب» بارنگ وروغن نوشته شده است .

بر بدنهٔ شرقی، سواری که ظاهراً علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام است، براسبی قره‌کهر دیده می‌شود که با ذوالفقار سرشیری را به دونیم‌کرده است.

بر بدنهٔ غربی سه تن با لباسهای سفید که طنابی برگردن هر سه تن است دیدهمی‌شود وشخصی این‌سه تن را به‌طرف سروی که درمقابل ایشان‌است می‌کشد.

برحاشیه‌های بالاکه به‌شکل قاب است با نقاشی حاشیه‌بندی دارد. نقاشیهای بدنه‌ها و حاشیهٔ بالا بسیار ظریف و رنگهای شنگرف و لاجوردآن بسیار اصیل است. صندوقی با این وصف تاکنون درصفحات گیلان دیده نشده است.

دوسه علم دربقعه بود که برقدیمی‌ترین آنها این عبارت خوانده می‌شود:

«وقف جناب امام حسین‌علیه‌السلام نمود محبعلی۱۲۱۰.»

سه سرمجسمه ازکاشی‌لعابدار درگهواره‌ای‌دربقعه‌بود که می‌گفتند سربریدهٔ حضرت علی‌اصغراست.

در حیاط امامزاده، چند سنگ قبر بود. قدیمی ترین آنها سنگهای زیر است:

«وفات مرحوم ملاابوالقاسم ولد مرحوم کربلائی‌جعفر ۱۲۷۷. نشانه‌ها: مهر، تسبیح وسجاده.»

«وفات مرحوم بهرام‌ولد مرحوم‌درویش‌سنه ۱۲۷۷. نشانه‌ها: مهر، تسبیح و شانه.»

«وفات مرحوم خان‌بابا ولد طهماسبقلی جیرندهی ۱۳۱۹. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه، اسب، تپانچه وخنجر.»

دوبقعهٔ دیگر دردهکدهٔ جیرین ده برپاست: یکی ازآنها بی‌بی‌زینب‌خاتون درمیان ده و دیگری امامزاده محمد در خارج است. بنای هر دو ازخشت وگل و سنگ وبام آنها گلی است. آثار تاریخی‌قابل ذکر درهیچیک نیافتم.

باقی‌آثارتاریخی جیرین‌ده وسایرآبادیهای فاراب عمارلو

۱ـ کهنه قبرستان نزدیك ده که سمت دفن‌کردن مردگان قبلی نیست.

۲ـ قبرستان‌قدیمی پشت‌آبادی جیرین ده در دامنهٔ کوه.

۳ـ قلعهٔ کل کوه[1] پشت‌آبادی جیرین ده بربالای قلهٔ کوه.

۴ـ کهریزی قدیمی به‌نام «کلش خانی»[2] که درتابستان سال ۱۳۴۹ یك‌سنگ آب داشت. بعضی سالها براثرخشکی آب آن قطع می‌شود.

۵ـ بقعهٔ آجری ویه، دردهکدهٔ ویه از دهکده‌های فاراب عمارلو.

۶ـ بقعهٔ آجری ناوه، دردهکدهٔ ناوهٔ فاراب عمارلو.

پل انبوه

نزدیك دهکدهٔ انبوه برسامان‌گیلان ورودبار

برسرراهی قدیمی که از قزوین به‌دیلمان و لاهیجان یا اشکور و املش و

۱ـ بضم کاف اول . ۲ ـ بضم کاف وفتح لام .

رحیم‌آباد رانکوه می‌رود، پل‌عظیمی‌است‌که‌به‌نام‌آبادی‌نزدیك به‌آن ـ یعنی‌انبوه‌ـ به این نام معروف است. این راه از قزوین به‌اسماعیل‌آباد والولاك[1] ودستگرد و کینگیرین و چنارك می‌آید وپس ازگذشتن از پل‌انبوه‌که برآب شاهرود زده شده است، به دوشعبهٔ اصلی تقسیم می‌شود:

راهی ازبالای باغهای پل انبوه به‌دهکدهٔ انبوه ونیاوك و کمنی[2] و سرداب‌ـ دره وسایر دهکده‌های اشکورمی‌رود ودنبالهٔ این راه به‌رحیم‌آباد رانکوه می‌رسد. راهی‌دیگرکه بردست چپ‌است، ازسفید پشته‌که سربالائی بسیار تندوتیزی است، بالا می‌رود واز سیاه‌تله و سیاه‌آب وگردنهٔ نواخان به‌دهکدهٔ بزرگ کلیشم می‌رسد. تمام راه درمیان جنگل سقز (بنه) وآسند و اورس است.[3] همین راه به‌شوشه‌کش و تاریك دره ودیلمان وازاین قصبهٔ بزرگ کوهستانی، از کنارشیم رود، به‌سیاهکل‌و لاهیجان منتهی می‌شود. راه دیگری از دیلمان به نیاول و میکال وناتش‌کوه و هلی‌دشت و بلاردکان و املش و رحیم‌آباد می‌رود.

راه قزوین به‌پل‌انبوه، پس ازگذشتن ازدشت قزوین، دامنهٔ جنوبی‌کوههای رودبار را بالا می‌رود وسپس به کنار شاهرود سرازیر می‌شود. اراضی دست راست جاده، قبل از رسیدن به پل، جزء خاك چنارك و اراضی دست چپ، جزء خاك کاکوستان است.

پل‌انبوه بردهانهٔ تنگی‌که از دوپوزهٔ کوه تشکیل شده است، برپاست. این بازوی‌کوه، روزی متصل به‌یکدیگربوده وآب شاهرود آن را بریده است. پوزهٔ سنگی سمت چپ که تالب آب پیش آمده، از لایه‌های سنگی تشکیل شده است. (عکس شمارهٔ ۵) شالودهٔ اصلی پل برسنگهای بادبر محلی است. ارتفاع این دیوارسنگی به‌۲۳۰ سانتیمتر می‌رسد. ملاط وبندکشی پایهٔ سنگی، ساروج‌است.

۱ــ بفتح الف وفتح لام دوم. ۲ــ بضم‌کاف ومیم. ۳ــ سقز همان‌بنه است که درخت پستهٔ وحشی است. آسند به‌کسرسین درختچه‌ای پرخاراست‌که میوه‌ای سیاه رنگ به‌قطر۶ میلی‌متر داردکه بسیار تلخ است. اورس به‌فتح الف و واو، درخت سروجنگلی‌است.

طول این پایه بالغ بر پانزده‌متر است. روی این پایه، بیست رگ آجر چیده شده و بنای اصلی پل باکمی عقب نشینی، روی آن بناشده است.

پایهٔ سمت راست، بر سنگ رودخانه و سنگ بادبر است که رویهم انباشته و درزهای آنها را از ملاط ساروج پرکرده و با این عمل بنیان استواری برای پل به‌وجود آورده‌اند. (عکسهای شمارهٔ ۶ و ۷) ارتفاع این پایه از سطح آب فعلا (۵ شهریور ماه)، شصت سانتیمتر است. روی این بدنه‌که قسمت شرقی آن کمی انحنا دارد، آجر باملاط ساروج چیده‌اند. قسمت کوتاه دیوار، سی‌وشش رگ و قسمت نزدیك به‌گاوپهلوی پل، به‌پنجاه رگ می‌رسد. برهمین بدنه، لوزی آجری گودی است‌که ظاهراً تزیین یانشانهٔ مخصوصی‌است. میان این‌لوزی، لبهٔ آجرها را به‌اندازه‌های مختلف بیرون گذاشته‌اند.

مصالح اصلی‌پل‌آجروگچ سرندی‌است. درجان پناه غربی، آجرهائی‌به‌ابعاد ۱۹×۱۹ سانتیمتر وقطر ۳۵ میلی‌متر دیده می‌شود. باقی آجرها، بزرگتر و به‌ابعاد ۲۴×۲۴ سانتیمتر وقطر ۴۵ میلی‌متر است.

ارتفاع پل از لبهٔ جان پناه تاسطح آب ۱۸٫۸۰ متر است. ارتفاع جان‌پناه دوطرف، یك متر ودرپاره‌ای جاهاکمی‌کمتر یاکمی زیادتراست. عرض پل باجان‌ـ پناهها، ۷۹۰ سانتیمتر وبدون درنظر گرفتن عرض جان‌پناهها، هفت‌متر تمام‌است. سطح پل‌سنگ فرش وبند کشی آن باگچ سرندی است.

درطرف جنوبی سطح پل فضائی هموار است. پس از آن براثر تیزی طاق، سطح آن سربالاست وپس از آن شیبی به‌اندازهٔ سربالائی دارد. پس ازگذشتن‌از سرازیری سطح پل، جهت پل به‌طرف دست راست منحرف می‌شود و بازاویه‌ای به‌طرف دست راست آب می‌رسد. قسمتی از سطح پل که دریك امتداد است، بادر نظرگرفتن قسمت سربالا وقسمت سرازیر آن، سی وپنج متر وقسمتی‌که به‌دست راست منحرف می‌شود، بیست وپنج متراست.

برای‌اینکه‌آجرکمتری درساختمان‌پل‌به‌کار رود وازفشارطاق پل‌کاسته‌شود،

معمار باذوق وهنرمند آن ، از فضای دوطرف تیزی طاق استفاده کرده واطاق ومال‌بندی درآورده است . برای رسیدن به‌اطاق مسکونی شمالی ، از سطح پل شش پلهٔ کوتاه پائین می‌رویم و به ایوانی می‌رسیم که روی آن در بدنهٔ شرقی ساختمان اصلی پل است . (عکس شمارهٔ ۸) این ایوان با دری به‌اطاق و از اطاق با در دیگری به‌ایوان غربی راه‌دارد . اطاق مذکور، به‌طول پنج‌متروعرض سه‌متر است وصفه‌ای به‌طول ۱۸۰ وعرض ۱۰۰ سانتیمتر، درضلع جنوبی اطاق‌ساخته شده‌است .دوطاقچه درطرفین این صفه است . در ضلع شمالی اطاق ، سه‌طاقچه درفواصل معین بنا شده است . عرض درهای شرقی وغربی اطاق ۱۰۵ سانتیمتر وارتفاع آنها دومتر است . ایوانهای شرقی وغربی ، به‌طول سه‌متر و عرض ۱۳۳ سانتیمتراست . لبهٔ ایوانها ، جان پناهی است که از یك رگ آجر تخت و یك رگ آجر نرساخته شده است.[1] طاق اطاق وایوانها وسردرگاهها ، جناقی است .

از فضای زیرشیب جنوبی پل نیز استفاده کرده و اطاقی به‌طول ۶٫۴۰ متر و عرض سه متر ساخته‌اند که ظاهراً مالبند و طویله است . ارتفاع در ورودی این اطاق بادرنظر داشتن تیزی سردرگاه ، دومتر و عرض آن ۱۰۵ سانتیمتر است . در دیوار غربی این اطاق ، دو پنجرهٔ نورگیر با سردرگاه جناقی است . در ضلع شمالی اطاق ، نزدیك در ورودی ، دری کوچك است که به‌اطاق‌کوچکی راه دارد .

در مزارع پائین دست پل ، طرف دست راست آب ، کوره‌ای برای پختن آجرهای پل‌زده بوده‌اند . درانتهای شمالی‌پل‌هم آثار کوره‌های‌گچ وآهك‌تاچندی پیش نمودار بود .

درحدود پنجاه سال قبل ، سیلی عظیم درختی آورد وزیرپل گیرکرد وپشت درخت ، سنگ وگل ودرختان دیگر انباشته گردید. راه عبورآب بسته شد وآب بالازد واز روی سطح شمالی‌پل ، آب رخنه کرد . آخرکار ، فشار آب ، درخت را شکست واین پل‌عظیم از خرابی‌نجات یافت ، اماشکستی برطاق‌آن خورد. مرحوم

۱ــ آجر نر آجری راگویندکه عمودی قرار داده شده باشد .

حاجی‌میرزا تقی عموی احمدخان امیرشاهی ، سنگ فرش سطح پل را مرمت کرد وکم وبیش شکست آن را تعمیر نمود .

درمحل معروف بود که این پل را دو برادر وخواهری از خاندان سلاطین گیلان ساخته‌اند. اینان درقزوین که درآن وقت مرکزحکومت بود، تحت نظر بودند. از قزوین فرار کردند واز این راه به دیلمان می‌رفتند . رودخانهٔ شاهرود سرراه ایشان بود . خواهر خود را به‌آب زد تا به دست مخالفان نیفتد و برادران نیز به‌دنبال او به‌آب زدند وهرسه تن سالم از آب بیرون آمدند. چون جان از مهلکه به‌دربردند قرارگذاشتند پلی برروی این آب بسازند . معماری خواستند و خواهر به‌مباشرت برسرکار ایستاد. روزی با نوکرخود، برای دور ریختن سوختهٔ تنباکوی قلیان گفت و گو می کرد. معمارکه چنین دید، دست از کار کشید. خواهر به‌فراست دریافت وکنار پل آمد واز معمار پرسید : اگر این پل ساخته شود پایهٔ پل کجا خواهد بود ؟ معمار بدو نشان داد . آن زن ، کیسه‌ای پرازسکه درآب انداخت و سپس جای پایهٔ دیگر را پرسید . معمار محل آن را نشان داد . زن کیسهٔ دیگری درآن طرف به‌آب انداخت. معمارمتوجهٔ جریان امرشدو به‌کارمشغول گردیدو پل را تمام کرد .

نگارنده پلهای زیادی درخاک مازندران وگیلان دیده است. ارتفاع هیچیک آنها به‌پل انبوه نمی‌رسد. هنرومهارت معمار دراینجاست که تمام آب شاهرود را از زیریک طاق راه داده است.

وقفنامهٔ قرآنی که دربقعهٔ فیلده‌است وپری سلطان دخترسلطان محمد حاکم کهدم وقف مرقد سید علی کیا کرده بوده‌است[۱]

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الحمدلله‌الذی انزل القرآن علی‌سبعة احرف کلها شاف کاف واف والصلوة... الکتاب محمداً خیرمن اوتی الحکمة و فصل الخطاب وآله وصحبه خیرآل واصحاب هذا المصحف‌المجیدالذی لایاتیه

۱ـ متن‌این وقفنامه به شکل ناقص در ص۴۶۸،ج ۱، بخش یك آمده است .

الباطل من بین یدیه ولامن خلفه تنزیل من حکیم حمید

وقفت صفوة المخدرات السیده الایده العفیفه الرفیعه الجلیله الکریمه الحسیبه دوحة شجرة السلطنة والخلافة والاجلال پری سلطان بنت السلطان بن السلطان المغفور المبرور المنتقل الی جوار رحمة ربه السلطان محمد اسکنه الله الملك الشکور بحابیح الجنة والحور والقصور وهی المهد العلیا للسلطان العادل الکافل... الشامل عدله السلطان بن السلطان بن السلطان امیره اسحق وقاه الله الملك الخلاق من... الافاق نیلا لثواب الله و ذخراً لیوم لاینفع مال ولابنون الا من اتی الله بقلب سلیم علی المشهد المنور المعطر والمرقد المعظم المطهر للسید الامام الهمام الفاضل الفاصل بین الحق و الباطل السید الشهید سیدعلی کیا بن سید الجید السید امیر ضاعف الله تعالی مراتب حسناته فعلی سکان هذا المشهد ومجاوریه ان یقرؤه ویستعملوه لیصل الثواب الی الواقفه عاجلا و آجلا وقفاً مؤبداً وحبساً مخلداً بحیث لایباع ولایوهب ولایرهن الی أن یرث الله وهو خیر الوارثین فمن بدله من بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه ان الله سمیع علیم تحریرا فی غره جمادی الاول سنه احدی تسعمایه.»

برحاشیهٔ سمت چپ پائین باخط شکستهٔ خوش مطالبی است که ظاهراً علت نقل قرآن را ازبقعهٔ سیدعلی کیا به امامزاده فیلده نوشته است واین کلمات ازمتن آن خوانده می‌شود :

«این کلام مجید را که شخصی کهدمی دزدیده بود وبعداز تخصیص بمقبرهٔ سید علیکیا ... نداشت و ده جزء کلام مجید .... علی هذا کلام مجید را بفضیلت وصلاحیت وخیرات... ملامحمدصالح... علاءالدین محمد حسینی عفی عنه.... بتاریخ شهر ربیع الثانی سنه خمس ثمانین والف.... امامزادهٔ واجب التعظیم .»(عکس شمارهٔ ۹)

پاره‌ای از ترجمه‌های قرآنی که پری‌سلطان دختر سلطان محمدکهدمی وقف کرده‌است.[۱] (عکس شمارهٔ ۱۰)

رحمة‌للعالمین ــ بخشایشی برهمهٔ خلق را.

انما یوحی ــ همی پیغام‌آید.	فتنة ــ آزمایشی.
فهل انتم ــ هیچ هستید شما؟	متاع ــ برخورداری.
مسلمون ــ گردن نهادگان.	علی‌ماتصفون ــ برآنچ همی‌صفت کنید.
آذنتکم ــ آگاهی دادم شمارا.	
علی‌سواء ــ براشکارگی.	الساعه ــ رستخیز.

پاره‌ای از ترجمه‌های قرآنی که میرمحمدباقر فیلدهی وقف کرده است:[۲] (عکس شمارهٔ ۱۱)

در تمام موارد «أو» که به‌معنی «یا» است، به «تا» ترجمه شده است.

فاذادخلتم ــ چون درشوید.	نذیر ــ بیم کننده.
انفسکم ــ تنهاء شما.	شریك ــ انباز.
آمنوا ــ بگرویدند.	واتخذوا ــ وهاگرفتند.
لم یذهبوا ــ بنروند.	لانفسهم ــ ازتنی خویش.
یستأذنه ــ دستوری خواهند.	شرکاء ــ انبازان.
استاذنوك ــ طلب دستوری کنند از تو.	یوقدون ــ برفروزید.
فاذن ــ دستوری ده.	عهد ــ پیمان.
ماانتم‌علیه ــ آنچ شما برآنید.	یصلون ــ نه بپیوندند.
تبارك‌الذی نزل ــ پاکا خداوندا آن خدایی که فرو فرستاد.	أن یوصل ــ که بپیوندند.
	وجه ربهم ــ رضای خدایشان.

۱ــ ازاین قرآن در ص۴۶۷، ج۱ بخش یك کتاب ازآستارا تا استارباد یادآوری شده است.

۲ــ ازاین قرآن درص۴۶۸، ج ۱ بخش‌یك کتاب ازآستاراتااستارباد یاد شده‌است.

أقاموا ـ بپای دارند.
یدخلون ـ درمی‌روند.
عقبی الدار ـ عاقبت سرای.
نعم عقبی الدار ـ نیک سرانجام سرای.

یفسدون ـ تباهی کنند.
سوء الدار ـ بدی‌سرای.
متاع ـ برخورداری.

بخش هفدهم

۱ـ جغرافیای تاریخی دیلمان و سیاهکل

زمین دیلمان جائی است محکم — برو بر لشکری از گیل و دیلم
چو دیوانند گاه کوشش ایشان — جهان از دست ایشان شد خروشان
گروهی ناوك استبر دارند — به زخمش جوشن و خفتان گذارند
از آدم تاکنون شاهان بی‌مر — کجا بودند شاه هفت کشور
نه آن کشور به بهروزی گشادند — نه باج خود بر آن مردم نهادند
هنوز آن مرز دوشیزه بماندست — بدان یك شاه کام دل نراندست

«ویس ورامین فخرالدین گرگانی»

دیلمان سرزمین قوم دیلم‌است که درمنطقهٔ‌کوهستانی‌مشرق رودخانهٔ سفید‌ـ رود زندگی می کنند. حدشرقی این سرزمین ازیك منزلی غرب کلارفراترنرفته است. اما هنگامی‌که پسران بویه قدرتی یافتند وطبرستان را تسخیر کردند، این نام به‌منطقهٔ کوهستانی میان قلعهٔ شمیران تارم ودشت‌گرگان اطلاق شد.

دیلمان امروز، شامل ناحیهٔ‌کوچك سیاهکل در دشت و ناحیهٔ کوهستانی دیلمان در جنوب آن است. جمعیت این بخش در زمان رابینو (۱۳۳۱ هـ. ق.) به‌هزار ونهصد وهشتاد وچهارخانوارمی رسید.[۱]

۱ـ گیلان رابینو، ص ۲۷۸.

بخش دیلمان، از شمال به لاهیجـان و آب سفید رود، از غرب به ییلاق رانکوه، یعنی سمام واشکور، از جنوب به‌خاك عمارلو و از غرب به رحمت‌آباد محدود می‌شود.

درازترین قسمت آن از شمال به‌جنوب سی‌وهفت کیلو متر وعرض آن از شرق به غرب بیست و سه کیلومتر است. خارج از حد جغرافیائی ییلاق وقشلاق، تپه‌های جنگلی در این ناحیه است که بیست‌وپنج کیلومتر ونیم وسعت آن است.

اراضی سیاهکل، جزءِ خاك لاهیجان بود. خان دیلمان، به‌اجازهٔ حکومت مرکزی، آن را خریداری کرد وبه خاك دیلمان افزود.

دهکدهٔ برفجان، مرکزاصلی‌سیاهکل بود که درزمان رابینو (۱۳۳۱ ه. ق.) شصت درخانه داشته است. بازار، حمام، مسجد وامامزاده‌ای دارد. این دهکده‌در شانزده کیلومتری لاهیجان و ده کیلو متری کیسم وسی‌کیلو متری دیلمان است. برفجان درمحل آبادی قدیم «بربرجان» بنا شده است. این دهکدهٔ قدیمی، طبق روایت محلی، زمانی هفتصد دکان قلابدوزی ابریشم داشته است.

ساکنان سیاهکل گیلك‌اند وبه زبان‌گیلکی سخن‌می‌گویند. درحدودشصت تن یهودی درسال ۱۲۹۳ ه. ق. از رشت بدینجا آمدند وساکن شدند.

مرکز اصلی‌دیلمان، دهکده‌ای به‌همین نام است[۱] که دردامنهٔ جنوبی‌نخستین رشته‌ای‌که میان گیلان ودرهٔ شاهرود است بناشده است. در زمان رابینو (۱۳۳۱ ه. ق.) ساکنان این دهکده به‌سیصد خانوار می‌رسید. بازاری درحدود سی دکان‌و مسجدی نوساز و درخت چنار زیبای کهن سالی، به‌نام «سلطان درخت»[۲] داشت که

۱ــ دهکدهٔ دیلمان درتقسیمات امروز، مرکز دهستان دیلمان بخش سیاهکل‌شهرستان لاهیجان است‌که درچهل و هشت‌کیلو متری جنوب سیاهکل و هیجده‌کیلو متری غرب امام وهفده فرسنگی شمال غربی قزوین است. ارتفاع آن از سطح دریا ۱۵۰۰ متر است.

۲ــ این درخت براثر فرسودگی فروافتاد. اراضی اطراف آن معروف به‌«زیرسلطان‌درخت» تا امروز معروف است.

مورد احترام اهالی بود . این دهکده بر خرابه‌های دهکدهٔ قدیمی دیلمان بناشده است و کنارو گوشهٔ آن پاره‌های آجرزیاددیده می‌شود. سنگهای‌تراشیدهٔ منقش‌که روزی پایه‌های ستون بوده نیز وجود دارد . در زمان رابینو ، خرابه‌های هفت حمام قدیمی از زیر خاك بیرون آمده بود و تا امروز یکی از این حمامها که به دست میرزا علی میر بلوك تعمیر شده‌است ، مورد استفادهٔ ساکنان این دهکده است . درمحل مسجد جامع ، آجرهای بزرگی یافته ودردیوار مسجد فعلی به‌کار برده‌اند . برآنها عبارت «عمارت کیارکابزن»[1] نقر بود . میرزاعلی کیا درسال ۸۶۷ هـ. ق. در دیلمان عمارت وباغی ساخت .

امیرحسام الدین فومنی قصبهٔ دیلمان را در سال ۹۰۹ هـ. ق. خراب کرد . دهکدهٔ بیلمان‌که بیشتر جغرافی نویسان آن را در چهار منزلی هوسم و در همین فاصله از دولاب دانسته‌اند ، بانام این دهکده ارتباطی ندارد.[2]

ساکنان دیلمان

در کتاب مسالك‌الممالك، دیلمیان «نحیف‌وسبکسر وناپاك» توصیف شده‌اند. اکثراهالی خانواده‌هائی هستند که ازقزوین بدینجا آمده‌اند . بازماندگان‌دیلمیان قدیم ، زمستان را در دهکده‌های کالارده و چوشل و تابستان را در کلاچ خانی می‌گذرانند . ساکنان دهکده‌های دیلمان ، بیشتر دیلمی بوده‌اند ، ولی زمینهای خود را فروخته وبه‌برفجان رفته‌اند .

درسالهای اول‌قرن اخیر ، محمد رضاخان ، عده‌ای اززندانیان رابه‌دیلمان آورد ودرآنجا جای داد. اینان چهارطایفه،به‌نامهای: تالش، کسکری،جهانگیری‌و اشکوری هستند .

کردان عمارلو ، ساکن دیارجان و گولك و کوچی و کلنج باغ و غیاث‌آباد و

۱ــ این آجرها در دیوار مسجد دیلمان به کار رفته بود واندازه‌های آنها را ذیل شرح مسجد دیلمان داده‌ام .　　۲ــ گیلان رابینو، ص ۲۷۹.

زرد رود[۱] و تکام و تنگ رود و عین شیخ هستند.[۲] این کردان پیش از این گله دار بودند و تابستان را درزیر چادرهای سیاه، در کوه تورار به‌سرمی‌بردند. مالیاتهای سنگین و خالی شدن جیب ایشان به‌دست مأموران دولتی، سبب شدکه اینان ده‌نشینی را برگزیدند.

طایفۀ صوفی، از عمارلو به‌دیلمان آمده‌اند ودر زمان رابینو (۱۳۳۱ هـ. ق.) از آمدن آنان پانزده سال گذشته بود.[۳]

از گذشتۀ دور دیلمان اطلاع زیادی در دست نیست. رستم ـ عموی بهرام ساسانی ـ مرزبان دیلمان و خراسان بوده است. در شکست ایرانیان در قادسیه، چهارهزار سرباز دیلمی به‌مسلمانان گرویدند و درجنگ جلولا، یارویاور اعراب شدند وسپس درکوفه سکونت گزیدند.[۴] عده‌ای‌ازساکنان دیلمان، به‌دست حسن بن زید به‌مسلمانی گرائیدند. ناصرالحق ابومحمدحسن‌بن‌علی نیزمجوسیان و بت‌پرستان دیلمان را به دین اسلام دعوت کرد. عدۀ زیادی دعوت اورا پذیرفتند وعده‌ای نیز درحفظ آئین‌مذهبی‌خویش‌کوشیدند. پس‌ازاینها، علویان وکسانی‌که دعوی‌می‌کردند از اولاد علی‌علیه‌السلام هستند به دیلمیان پناه می‌آوردند و دیلمیان نیز به یاری ایشان برمی‌خاستند. درطول بیش ازدوقرن یعنی ازسال ۲۱۰ تا ٤۵۰ هـ. ق. سلسلۀ «جستانیان» برخاك دیلمان حکمروائی داشتند. سلاطین این سلسله کم‌کم به زیر لوای اسماعیلیان آمدند و گاهگاهی ملوك استندار رستمدار زیربازوی ایشان را می‌گرفتند وبرپا می‌داشتند. پس از سقوط مرکز اسماعیلیان، یعنی قلعۀ الموت، سرزمین دیلمان حکمروایان زیاد پیدا کرد. درسال ۷۷۰ هـ. ق. درحقیقت سلطان دیلمان، کیاسیف‌الدین‌کوشیج اسماعیلی بود که درمرجه‌کولی اقامت داشت و نه‌سال پس ازاین تاریخ به دست سربازان سیدعلی‌کیا کشته شد. پس ازاو، یکی دیگراز

۱ـ بفتح دال اول. ۲ـ دهکده‌های قشلاق ولورنیز کردنشینند. این دو دهکده با دهکده‌های عین شیخ و تکام وزرد رود و دیارجان جزء خاك پیر کوه بود. مشیرالسلطنه این دهکده‌ها را جزء خاك دیلمان کرد. ۳و۴ـ گیلان رابینو، ص ۲۸۰.

امیران کوشیج ، درسال ۸۱۹ ه‍. ق. فرمانروای دیلمان شد. درهمین تاریخ کیا ـ مسعودکیا و کیا جهانشاه کوشیج حکمرانان خرگام بودند . در سال ۸۲۰ ه‍ . ق . سلطان بیه‌پیش ، دیلمان را به‌قلمرو خود افزود. درسنهٔ ۱۰۰۰ ه‍. ق.، شاه عباس ـ اول گیلان را فتح کرد و حاکمی برای ادارهٔ امور این ناحیه تعیین کرد . درزمان آقا محمدخان و فتحعلیشاه ، محمد رضاخان ، ازسرشناسان گیلان بود. این مرد همان است کـه هدایت خان را هنگام فرار از انزلی به‌لنکران ، بـا یك گلوله ، در قایق از پای درآورد .[1]

گالشها گله‌دارانی هستند که زمستان را درپای کوه ، در نه یا ده کیلومتری جنوب سیاهکل وپائیزرا درکلهات، یعنی‌ارتفاعات جنگلی میان سیاهکل ودیلمان، مانند: سرداب، آتشکی، ده‌بن و کندوم و تابستان را درییلاق دیلمان می‌گذرانند. گالشانی که در این منطقه‌اند ، به‌تیره‌های زیر تقسیم می‌شوند :

۱ ـ کلاردهی. ۲ـ چهارچاهی. ۳ـ بوری. ٤ـ نظری. ٥ـ گسکری. ٦ـ لیه‌چاك. ۷ـ تالش کولی. ۸ـ درکی.[2] ۹ـ سیه‌کوه. ۱۰ـ چراغ‌کوه . ۱۱ـ صوفی .[3]

با اینکه تختگاه ییلاقی سادات کیا ، در قسمت غربی خاك دیلمان دهکدهٔ سمام (= شهرسمام = شارسمام) و در قسمت شرقی لوسن (درگاه امروز) بود ، چنانکه ازتاریخ سید ظهیرالدین‌مرعشی برمی‌آید، کارکیا سیدمحمد کیا وپسرش کارکیا میرزاعلی کیا به دهکدهٔ دیلمان‌آمده وآنجا را تختگاه ییلاقی‌خودکرده و کاخ و باغ در آنجا ساخته‌اند . همین دهکده مرکز ییلاقی کارکیا سید احمد کیا نیز بوده است . بااینکه در دوران این فرمانروایان ، دهکدهٔ دیلمان روبه‌آبادی می‌رفت ، ظاهراً در زمان گذشته نیز آباد بوده و ساختمانهای قدیمی داشته است . سیدظهیرالدین از زلزلهٔ روز یکشنبهٔ سیم‌شعبان موافق بیست وهشتم آذرماه قدیم سال ۸۸۹ یاد می‌کند ودربارهٔ دیلمان چنین‌می‌نویسد « ودر دیلمان بسیارازعمارات

۱ـ گیلان رابینو،ص۲۸۱. ۲ـ بفتح دال وراء مشدد. ۳ـ گیلان رابینو،ص۲۸۱.

کهنه بیفتاد، اما اهالی را خیر بود و بسیار مواضع دیلمستان از قلل جبال سنگهای عظیم بغلطید و بسیار مواشی را بهلاك آورد.»[1]

از اتفاقات مهمی که در دهکدهٔ دیلمان روی داده است، توقف طولانی رضا شاه در آنجا است. وی در آن وقت رضاخان میرپنج یا رضاخان سرتیپ، خوانده می‌شد. سربازان و اطرافیان میرزا کوچك‌خان در دوستون از گیلان بر کوهستان دیلمان عقب نشینی کردند. یك ستون به دامنهٔ دلفك رفت و ستون دیگری به املش رسید و از راه املش قصد رفتن به قزوین داشت. رضاخان سرتیپ در چنین حالی وارد دهکدهٔ دیلمان شد. مرکز اردو این دهکده بود و درحدود سه هزار سرباز با او بود و مدت سه ماه در دیلمان ماندند و یك بارهم از دیلمان با سربازان به‌دلفك رفت.

میرزا کوچك خان پس از دویست سرباز کشته دادن از آنجا فرار کرد و خود را به لاکان و کسما رسانید. خبر ستونی که از املش به قزوین می‌رفت، در دیلمان به رضاخان سرتیپ رسید. سربازانش از دیلمان به طرف سمام به مقابله رفتند. این ستون نیز پس از مقاومتهائی عقب‌نشینی کرد. رضا خان سرتیپ باز به دیلمان آمد و سربازان خود را به‌کلیشم فرستاد و بعداً خود از دیلمان، ازراه کلیشم به‌انبوه‌وقزوین رفت. درشکست میرزا کوچك خان، خالوقربان‌واحسان‌الله‌خان به خاك روسیه رفتند و خود او از گیلان به راه خلخال رفت.

مدتی را که سربازان رضا خان سرتیپ در دیلمان بودند، میرزا علی‌میربلوك که ازسرشناسان دیلمان بود، آذوقه و مایحتاج ایشان‌را به‌شرح زیرروزانه به ایشان می‌داد:

نان ۱۵۰ من،[2] روغن ٤ من، عسل ٤ من، گوشتی سی‌لش از نرهای‌بزرگ، جو ۲۵۰ من برای هشتصد تا نهصد رأس قاطر و اسب، کاه ۵۰۰ من، علف ۲۰۰

۱ــ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص۴۵۴.

۲ــ من دیلمان موازی هشت کیلواست.

بورمه وهنگامی که سربازان به سمام می‌رفتند چون لباس گرمی نداشتند ، هزار نیم‌تنه برای ایشان تهیه کرد .

رضا خان ده سر از اسبان وامانده را در دیلمان گذاشت و میر بلوك از آنها پذیرائی کرد و پس از یك سال آنها را به تهران برد و تحویل داد .

۲ـ آثار و بناهای تاریخی دیلمان

بقعهٔ آقا سید احمد فرزند امام موسی الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ دیلمان بالای تپه در اراضی غزداربن[1]

بنای اصلی بقعه مربع شکل است وچهارطرف ایوان دارد.(عکس شمارهٔ ۱۲) عرض ایوانهای جنوبی وغربی ۲۷۲ وعرض ایوان شرقی ۱۷۰ وعرض ایوان شمالی ۱۳۰ سانتیمتر است . جلو هرایوان ده ستون چوبین چهارسو است.(عکس شمارهٔ ۱۳) دوستون از ایوان شرقی لاچ لنگری است (عکس شمارهٔ ۱٤) و زائده‌هائی چوبین برآنها کوبیده‌اند که چوب علم بقعه را برآنها قرار می‌دهند. تمام ستونها، سرستون دارد . این نوع تراش سرستونها را در محل « کولك»[2] می‌خوانند ، لبهٔ ایوانها تمام تکائل تختدای است که درمحل «صراحی»[3] می‌گویند .

بریکی از سرستونهای شرقی ، این عبارات با مرکب نوشته شده است :

«زهجرت گذشته هزارو دویست نود هفت دیگر فزون آمدش
بـه عالم ز استاد غلام رضا چنین صنعت‌خوش برون آمدش
بتاریخ سلخ شهر رجب المرجب سنه ۱۲۹۷ .»

برستون مدخل ایوان ، از طرف داخل با مرکب چنین نوشته‌اند :

« برهرکسی که دوستی اظهار می‌کنم
خوابیده دشمنی است که بیدار می‌کنم

۱ـ بفتح غین و سکون راء. ۲ـ بضم کاف وفتح لام . ۳ـ بضم صاد .

از بسکه درزمانه‌یکی‌اهل دردنیست

اظهار درد خویش به‌دیوار می‌کنم

عبدالفانی محمدرضای تفنگ‌ساز قزوینی بتاریخ نهم‌ذی‌القعدةالحرام ۱۲۹۷».

در ورودی بقعه دولنگه، چوبین و ساده است و به‌طرف جنوب بازمی‌شود. صندوقی چوبین و ساده به طول ۱۹۲ و عرض ۱۴۱ و ارتفاع ۱۴۷ سانتیمتر در اطاقی به ابعاد چهار و نیم و چهارمتر است. سقف بقعه و ایوانها واشان کشی و پل کوبی‌است. حمالی در وسط اطاق بقعه‌است که بر دوستون قطور هشت ضلعی متکی است.

اطراف بقعه حیاط محصوری است. پاره‌ای از سنگ قبرهائی که در حیاط است بدین شرح است:

«وفات مرحوم مغفور رمضانعلی ولد مرحوم آقاجعفر ۱۲۶۷. نشانه‌ها: سرو، مهر و تسبیح.»

«وفات مرحوم قربانعلی‌بیك ولد فرضعلی بیك شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۲۴٤. نشانه‌ها: سرو، مهر و تسبیح.»

درحیاط قبری کاشی‌کاری است. براین کاشیها چنین نوشته شده است:

«وفات مرحوم مشهدی محمدعلی عبدالله‌زاده درتیرماه ۱۳۱۵.»

این کاشیها درشهر رشت ساخته شده وکار احمدپوریوسف است.

سنگی‌ازمرمر که رنگ کدری دارد، درایوان بقعه‌است که طول آن ۶۵ و عرض آن ۲۲ سانتیمتر است. این عبارات برحاشیهٔ آن حك شده است:

«هذا المرقدالمنور و التربة المعزز استاد القابل ... خلیفة‌بن سعادت آئین سید علی بیك توفی فی شهر محرم الحرام من [شهور] سنه سبع والف.»

حمام میر بلوک
در دهکدهٔ دیلمان

این حمام یکی از حمامهای قدیمی است که از زیر خاک بیرون آورده‌اند و پس از تعمیر و مرمتی که به دست میرزا علی میر بلوک شد به این نام شهرت پیدا کرد. این حمام با سه پله از سطح زمین به رختکن می‌رود. سطح رختکن ۵×۵ر۴ متر و حوض کوچکی برای پا شستن و یک در ورودی به حمام دارد. صحن حمام هشت ضلعی است، چهار ضلع آن بزرگ و چهار ضلع دیگر کوچک است که یکی درمیان قرار گرفته‌اند. در یکی از اضلاع بزرگ خزینهٔ آب گرم و سه صفه یا شاه‌نشین در سه ضلع بزرگ دیگر است. در یکی از اضلاع کوچک دری به «گرم‌درون» است که روی تون ساخته شده و گرمترین قسمت حمام است. در ضلع کوچک دیگر دری است که به خزینهٔ آب سرد می‌رود. در صحن این قسمت تختگاه بزرگی ساخته‌اند. در ضلع کوچک سوم، دری است که به تنوبرخانه و مستراح می‌رود. شالودهٔ بنا از سنگ و دیوارهای آن از آجر است. ابعاد این آجرها ۴ر۴×۵ر۲۱×۵ر۲۱ سانتیمتر است. پس از تعمیر میربلوک، این حمام دوبار دیگر به‌دست آقای صدرالله خیرخواه تقوی که بازماندهٔ میربلوک است، تعمیر شده‌است. حمام تا امروز دائر است و سنت قدیم درپرداخت مزد حمام هنوز برجاست یعنی هرزن یک نان برای هربار حمام و هرمرد عزب درسال نیم‌من گندم و هرمرد زن‌دار درسال یک‌من گندم بابت مزد می‌دهد.

مسجد میر بلوک
در دهکدهٔ دیلمان

این مسجد نیز بـه دستور میرزا علی میر بلوک تقوی درحدود صد و بیست سال قبل[1] برجای مسجدی قدیمی بنا شده است. مصالح اصلی بنـا، آجرهای

۱ــ فعلا سال ۱۳۴۹ شمسی است.

کهنهٔ قدیمی است که از اطراف و نقاط مختلف دهکدهٔ دیلمان از زیر خاك بیرون آمده است. ظاهراً این آجرها مربوط به کاخهای سلاطین کیائی است که در دیلمان برپا کرده‌اند. مقداری ازاین آجرها از پشت مسجد بیرون آمده و مربوط به کاخ سید رکابزن کیا بوده است.[۱] برپاره‌ای از آنها عبارت «عمارت رکابزن کیا» نقر بود. ابعاد این آجرها ۸×۳۵×۳۵ سانتیمتر است. آجرهای نازکتری نیز دربنای مسجد بکار رفته بود که آنها نیز قدیمی هستند. ابعاد این آجرها ۲ر۴×۲۲×۲۲ سانتیمتر با ۵ر۴×۵ر۲۰×۵ر۲۰ سانتیمتر بود.

بقعهٔ ملاحیدر
دردهکدهٔ دیلمان

بنائی است چوبین و ساده که یك طرف آن ایوان دارد. ستونهای ایوان چهارسو و دارای سرستون است. سراسر بنا لتسر است.

پلی آجری بررودخانهٔ پاشوران
برسرراه اسپیلی به‌دیلمان

رودخانه‌ای که از نزدیکی اسپیلی و دیلمان می‌گذرد، معروف به‌رودخانهٔ پاشوران است. برروی این رودخانه، نزدیك دهکدهٔ دیلمان، پلی‌آجری یك ـ دهانه، ساخته بوده‌اند. این پل برسر راه دیلمان به اسپیلی بوده است. امروز اثری ناچیز از پایه‌های دوطرف آن برجای است.

گنگهای سفالین قدیمی
دردهکدهٔ دیلمان

آب مصرفی دهکدهٔ دیلمان را از قدیمترین ایام با گنگهای سفالین (تنبوشه‌ها)، از چشمه‌های اطراف، مانند: سیاخانی، صوفیان‌سر و کوره‌بن

۱ـ رابینو نیز ازاین‌آجرها یاد کرده است. (گیلان رابینو، ص ۲۸۸)

به این دهکده آورده‌اند. سیاخانی و صوفیان‌سر نزدیك یکدیگرند و تا دیلمان چهارکیلومتر فاصله دارند. چشمهٔ کوره‌بن درپنج کیلومتری دیلمان است. این لوله کشی قدیمی، امروز مورد استفادهٔ اهالی دیلمان نیست.

باغ نو و عمارت کارگیا میرزا علی کیا
در دهکدهٔ دیلمان

سید ظهیرالدین مرعشی دربارهٔ این باغ و قصر چنین می‌نویسد «و واقعاً در موسم بهار، دیلمان رشك روضهٔ برین است. خصوصاً باغ نو که در آن مقام به‌طالع سعد احداث فرموده‌اند و گل و ریاحین بی‌شمار و درختان میوه‌دار، از هر نوع که اگر تعداد آن رود، به‌تطویل می‌انجامد، درآنجا نشانده. ازجمله نزاهت و لطافت آب و هوای آن بقعهٔ مبارکه یکی آنکه اول شکوفیدن گل‌که از تحویل آفتاب به جوزاست تا تحویل آفتاب به‌میزان، بلکه درسالهائی که هوا به‌اعتدال گذرد تا اوایل عقرب درآن بستان همیشه گل سرخ می‌باشد. چنانکه دسته دسته باغبان چیده می‌آرد و آنقدر نیز گاهی‌می‌شکوفد که درفصل‌خزان گلاب‌می‌کشند و به تحفه و هدایا نزد احبا و اخوان ارسال می‌دارند. غرض که چون روز چند به تفرج بهاریات و گشت و شکار مشغول شدند، بنیاد عمارتی فرموده، به اتمام آن سعی نمودند.»[۱]

قبر مادر کارگیا سلطان محمد کیا
در لوسن دیلمان

سید ظهیرالدین تاریخ مرگ اورا چنین ضبط کرده است و دربارهٔ مدفن او می‌نویسد «والدهٔ معظمهٔ حضرت سلطانی روز چهارشنبهٔ بیست ویکم شعبان موافق دهم آذرماه قدیم سنهٔ ۸۵۹ به‌جوار رحمت رب‌العالمین پیوست و با حوران جنان همعنان گشت. واورا درلوسن‌دفن کردند وقبه‌ای عالی‌جهت آن مرحومه بفرمودند ساخت و حفاظ را وظایف تعیین نمودند تا برخواندن قرآن مداومت نمایند.»[۲]

۱ــ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص ۴۲۸. ۲ــ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص۲۷۷.

عمارت کارگیا امیرکیای گوکه
دردهکدهٔ دیلمان

امیرکیای گوکـه از طرف کارگیا سلطان محمد، حاکم دیلمان بـود و عمارتی در آنجا داشت کـه یك شب سلطان محمد را در آنجا پذیرفت.[۱] پس‌از اینکه کارگیا امیرکیای گوکه در دوازدهم رمضان موافق چهاردهم آذرماه قدیم سنهٔ ۸٦۱ فوت شد، پسرش میرزا شهرخ به‌جای پدر به حکومت دیلمان رسید.[۲]

امامزاده محمد و امامزاده هادی پسران امام زین‌العابدین علیه‌السلام معروف به بقعهٔ شاه شهیدان نزدیك دهکدهٔ شاه شهیدان دیلمان

بنای اصلی بقعه ازخارج به‌طول ۱۰٫۵ متر وعرض ۷٫۱۰ متراست. دیوار جنوبی و شمالی و شرقی از آجر و دیوار غربی از سنگ و گچ ومنحنی‌شکل بنا شده است. (عکس‌شمارهٔ ۱۵) آجرهائی که دراین بنا بکار رفته به‌ابعاد ۲۰×۲۰ و قطر چهار سانتیمتر است. (عکس شمارهٔ ۱٦) بنـا از داخل مـدور و قطر آن ۲۵٫٤سانتیمتراست. صندوقی چوبین‌که بدنه‌های‌آن تمام تنکه‌کاری است مرقد را پوشانده است. طول آن ۲۱۰ و عرض آن ۱۲۸ و ارتفاع آن ۱۲۰ سانتیمتراست. قسمت بالای صندوق، حاشیه‌ای به عرض بیست سانتیمتر مشبك است. در ورودی بقعه قدمتی ندارد واین بیت برلنگهٔ راست آن خوانده می‌شود:

«چو روز قیامت شود آشکار غلام‌علی را به‌دوزخ چه کار
۱۳۲۴»

این در به کفش‌کنی به‌طول ۹۸۰ وعرض ۳۳۰ سانتیمتر بازمی‌شود. دراین‌کفش‌کن قبورسران محل‌است. طاق کفش‌کن واشان‌کشی و پل‌کوبی با درزپوش است. در ورودی حرم دولنگه و به‌ارتفاع ۱٦۰ وعرض ۸۳ سانتیمتراست. (عکس‌شمارهٔ ۱۷) بردیوار حرم نقاشیهای مذهبی‌است. این صحنه‌ها بانقاشی متوسطی دیده می‌شود:

۱ـ تاریخ گیلان‌و دیلمستان، ص۲٦۳. ۲ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص۲۸٦.

صحرای کربلا و کشته شدن امام حسین علیه‌السلام ، ذوالجناح ، حضرت علی‌اکبر، حضرت زینب ، معراج پیغمبر و براق وملائکه وشیر، جنگ ازرق‌شامی، زعفر جنی که به‌یاری حضرت حسین به‌صحرای کربلا آمده است و شمر با هفت پستان. برسقف مدور گنبدی شکل بقعه ، نقاشیهای قدیمی بارنگهای اصیل دیده می‌شود. وسط طاق خورشید است‌که شعاعهای بزرگ و کوچك از آن می‌تابد و پنج گل مدور که داخل آنها گل پنج پری است در فواصل شعاعهاست .

نقاشیهای مذهبی زیر بردیوارهای کفش کن است :

حضرت ابوالفضل ، حضرت علی علیه‌السلام با قنبر ، حضرت رضا و انگور زهرآلود ، زهردادن موسی‌بن جعفر در زندان ، ضربت خوردن علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، حضرت‌ابوالفضل، زنده شدن شیران پرده وبردست راست درحرم‌علمی نقاشی شده‌است. شاخ گوزن (= گنج‌گاو) بالای در ورودی‌آویخته است. دوطرف این در، دوستون چهارسوست که دونبش‌آن را پخ زده‌اند. بام سراسر بنا ، قسمتی آهن پوش وقسمتی لت‌پوش‌است . لبهٔ بام‌سه‌پشته است. حیاط بقعه بسیار بزرگ و زمین آن قبرستان اهالی است . چند سنگ مرمر کوچك برقبرها بود . مطالب زیر شرحی است که بردو سنگ دیده شد :

«وفات مرحوم مغفور دوستعلی ولد مرحوم میرزاعلی سنه ۱۲۱۸.»

«وفات مرحوم مغفورقلی ولد مرحوم میرزامحمد سنه ۱۲۸۹. نشانه‌ها: شانه و مهر نماز .»

مسجدچوبی‌نسبهٔ قدیمی‌متصل به‌در ورودی حیاط بقعه‌است باپوشش سفالی. (عکس شمارهٔ ۱۸) چند اصله درخت کهنسال ون (زبان گنجشك) نیز در اطراف بقعه دیده می‌شود.

بقعهٔ باباولی یا مدفن قادر پیغمبر
در دهکدهٔ بابا ولی دیلمان

بنای اصلی بقعه‌اطاقی‌است‌که طول وعرض داخلی‌آن ۳۸۰ × ۳۷۰ سانتیمتر

است . جلو ضلع شرقی ایوانی است که تکائل دارد و ستونهای آن چهارسو است. طرف شمال و جنوب بقعه نیز ایوان است. سقف ایوانها وبقعه واشان کشی وپل‌کوبی است و بام آنها سفال‌سر است .(عکس شمارهٔ ۱۹)

بردیوارهای اطاق بقعه نقاشی‌کرده‌اند . این مجالس را براین دیوارها می‌توان دید : جنگ حضرت قاسم با ازرق‌شامی، آمدن حضرت سیدالشهدا برسر نعش حضرت علی‌اکبر ، ام‌لیلی برسرنعش حضرت علی‌اکبر ، ضامن آهو ، معراج رسول‌اکرم،(عکس شمارهٔ ۲۰) جنگ مسلم با کوفیان ، حارث و دوطفلان مسلم و ام لیلی وحضرت علی‌اکبر. (عکس شمارهٔ ۲۱)

صندوقی در این بقعه است که بر آن نقاشی و کنده کاریهای ظریف است . (عکس شمارهٔ ۲۲) طول آن ۲۲۷ و عرضش ۱۱۰ و ارتفاعش ۷۵ سانتیمتر است . صندوق برپایهٔ چوبینی به‌ارتفاع ۲۰ سانتیمتر از کف بقعه است. عرض قسمتی‌که کتیبهٔ صندوق برآن است ۳۱ و ارتفاع آن ۶۱ سانتیمتر ومتن خود کتیبه به‌عرض ۲۰ و ارتفاع ۵٤ سانتیمتر است . بدنهٔ قبلی و غربی صندوق تخته‌ای است . روی تخته را با رنگهای اصیل نقاشی کرده‌اند و سورهٔ مبارك «یس» با مرکب سیاه برحاشیهٔ بالای صندوق به خط نسخ‌خوش نوشته شده است . بدنهٔ شمالی و شرقی قاب‌بندی است ، یعنی ازبالا به پائین آلتهای چوبین کوبیده و وسط آنها را با تخته‌های تنکه مانند پرکرده‌اند . (عکس‌شمارهٔ ۲۳) برتمام این‌تنکه‌ها ، یکسره کنده‌کاری ظریف است. دروسط بدنهٔ شمالی صندوق کتیبهٔ بسیار خوش خطی است که بالای آن‌تاریخ ۹۹۹ بارنگ اکلیل نوشته‌شده واین دوبیت در زیرآن‌حك شده است : (عکس شمارهٔ ٢٤)

«گذشتگان که درین خاکدان ویرانند
خموش مانده و برحال خویش حیرانند
زاهل قبردردم این ندا درگوش جان آمد
که‌محنت خا[نهٔ]داریم اینجامیتوان آمد»

در ورودی بقعه دولنگه بوده و کنده‌کاری ظریف داشته است که سال گذشته (۱۳۴۸ شمسی)، به‌سرقت رفته‌است. چهارچوب این درقدیمی باقی‌است. برقسمت بالای چهارچوب این کلمات باخط خوش نسخ خوانده می‌شود :

«خیرکرد این در باباولی علیه‌الرحمه را شاه‌مراد بن علی عمل احمد زرگر لاهجی رزدرهٔ بتاریخ شهر محرم اثنی اربعین والف.»

رابینو دربارهٔ این بقعه چنین می‌نویسد «بقعهٔ بابا ولی ، بنائی کوچك مربع شکل است که از سنگ بنا شده است. دراین بنا قبرقادر پیغمبراست. ضریح آن چوبین است ویك رباعی برآن حك‌شده است وتاریخ ۹۹۹ برآن خوانده می‌شود. داخل این بنا دو سنگ قبر زیبا از مرمر است که دو قبـر را پـوشانده است. یکی‌ازآنها نیری‌بیك[1] مقتول درسنهٔ ۹۹۵ ودیگری امام‌وبردی‌بیك متوفی۱۰۱٤ قمری‌است. متولیان دریکی دواطاق متصل به‌امامزاده نشسته‌اند.»[2]

سنگهای قبور قدیمی که در ایوان وراهـرو و حیاط بقعه هستند به شرح زیراند :

سنگ مرمری داخل ایوان‌است که طول‌آن ۱۵۰ وعرضش ۳۷ وارتفاعش ۱۷ سانتیمتر است . برحواشی سطح بالای آن چهارده معصوم با خط خوش ثلث بدین‌شرح حك شده است : (عکس شمارهٔ ۲۵)

«اللهم‌صل علی‌المصطفی محمد وصل علی‌المرتضی‌علی وصل علی‌البتول فاطمه‌وصل‌علی‌السبطین‌الحسن‌والحسین وصل علی‌زین‌العباد علی وصل علی‌الباقرمحمد وصل‌علی‌الصادق‌جعفر وصل‌علی‌الکاظم موسی وصل‌علی الرضاعلی‌وصل‌علی‌التقی محمد وصل‌علی‌النقی علی‌وصل‌علی‌العسکری الحسن وصل‌علی‌حجةالقائم المهدی محمد صاحب الزمان صلوات‌الله و سلامه‌علیهم‌اجمعین‌الطاهرین‌الطیبین‌من آل‌طه‌ویس‌اللهم‌وال‌من‌والاهم‌و عاد من‌عاداهم وانصر‌من نصرهم واخذل من‌خذلهم... وارزقنا شفاعتهم و

۱ــ پیری‌بیك است نه نیری‌بیك. ۲ــ گیلان رابینو ، ص ۲۸۷ .

احشر نامعهم ... دولة محمد سیدالاولین والاخرین واغفر برحمتك یا ارحم الراحمین .»

قسمت بالای سنگ :

«کل من علیهافان ویبقی وجه ربك ذوالجلال والاکرام.»

متن سنگ :

«هذا [قبر] المبرور المغفور المرحوم المظلوم السعید الشهید پیری بیك بن پیری بیك تغمده الله بمغفرته و رضوانه فی تاریخ سنه نهصد و نودو پنج .»

دروسط سنگ درمیان گل و بوته نشانه‌هائی به‌این شرح است :

خودی برمحفه و محفه برپایه‌ای رحل مانند قرار دارد و به دوطرف آن ازپائین دومنگوله آویخته است. گرز ، خنجر ودرپائین سنگ نقش اسبی است بادهانهٔ کشیده وزین‌وبرگ وغاشیه وگرزی به‌طرف‌چپ‌نزدیك رکاب آویخته‌است‌و شخصی جلوی اسب نشسته ، ظاهراً مشغول عزاداری است . (عکس شمارهٔ ۲۶)

برحواشی بالای سطوح عمودی سنگ « نادعلیاً مظهرالعجایب » الخ ، حك شده است .

سنگ مرمر دیگری در ایوان است که این عبارات برآن حك شده است :

«هذا المرقدالمنور والتربة المعزز استادالقابل نادعلی بیك خلیفه‌بن سعادت ائین... سیدعلی‌بیك توفی‌فی‌شهرمحرم‌الحرام سنة اربع‌والف.»

براین سنگ نشانه‌های زیر است :

خود برپایه‌ای رحل مانند ، دو انگشتر، کمان سه‌چله وخنجری بزرگ در وسط .(عکسهای شمارهٔ ۲۷ و ۲۸)

سنگ قبر مرمر دیگری زیرلبهٔ ایوان شرقی بقعه‌است که طول آن ۱۷۰ و عرضش ۳۸ سانتیمتر است . برحاشیهٔ آن دوازده امام و برمتن، عبارات زیرحك شده است:

« هذالقبر المغفور مهدیقلی بیك ابن حمزه‌بیك شاه عود (؟) فی غره محرم سنه ۹۹۸.»

سنگ مرمر دیگری زیر دیوار راهروی بقعه است که طول آن ۱۱۰ و عرضش ۳۴ سانتیمتر است . این عبارات بر آن حك شده است :

«تاریخ وفات مرحوم امامموردی بیك سنه اربع وعشر والف هجریه

صد آه که روح در بدن نیست مرا
این بلبل باغ در چمن نیست مرا
یاران‌و برادران شما خوش باشید
کردم سفری که آمدن نیست مرا
ای چرخ فلك خرابی از کینهٔ تست
بیدادگری شیوهٔ دیرینهٔ تست
ای خاك اگر سینهٔ تو بشکافند
بس‌گوهر قیمتی که در سینهٔ تست»

دوسنگ قبرزیر در حیاط بقعه است:

«وفات مرحوم نقدعلی ولد مرحوم جعفر سنه ۱۲۴۰.»

«وفات مرحوم ملائی مراد ولد مرحوم عیسی‌خان ۱۲۷۲.»

امامزاده قاسم و امامزاده حمزه پسران امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام[1] در دهکدهٔ کومس (= کوه پس) دیلمان

بنای اصلی بقعه با آجر است. کفش کنی درجلو یعنی سمت شرقی است که طول آن چهار متر و عـرض آن ۱۲۰ سانتیمتر است . طرف جنوبی بقعه بتازگی حسینیه‌ای ساخته‌اند. (عکس شمارهٔ ۲۹) بر دیوار بقعه که به‌طرف حسینیه است، نقاشیهای مذهبی است. بردیوارکفش‌کن نیز نقاشیهای مذهبی است . مجلسهائی از

۱ــ راببنو نام‌این امامزادگان را می‌برد وبه‌جای قاسم «کاظم» نوشته است. (گیلان رابینو، ص ۲۸۹)

جهنم، اژدهای هفت سر، ابراهیم، مالك اشتر، مختار وعلم باپرندگانی نظیر کبك دیده می‌شود.

در ورودی بقعه‌که درایوان شرقی است کنده کاریهای بسیار ظریف دارد. ارتفاع دهنهٔ چهار چوب ۱۲۸ و عرض آن از داخل ۸۰ سانتیمتر است. ارتفاع لنگه درها ۱۷۰ و عرض هریك ۴۳ سانتیمتر است. (عکس شمارهٔ ۳۰) هرلنگه شامل چهار پاسار و دوتنکه است. بردو تنکهٔ بالای هر دولنگه کتیبه‌هائی بسیار خوش‌خط حك شده است. این یك بیت بر لنگهٔ دست راست است: (عکس شمارهٔ۳۱)

«بعیش و ناز درین جامخانهٔ عالی
هزار سال نشیناد صاحب منصور»

برلنگهٔ دست چپ این بیت حك شده است:(عکس شمارهٔ ۳۲)

«بسال نهصد و سی شد تمام اینخانه
که باد چشم بد از منظرو در او دور»

با خطی بسیار ریز زیر این بیت رقم استاد چنین است:

«عمل استاد احمدبن محمود دروگر بونی»[1]

این دربه‌اطاقی به‌ابعاد٥ر٥ × ٥متربازمی‌شود.حمال قطوری دروسط سراسر بنا کشیده شده و برستونی قطورکه وسط اطاق است، متکی است.

دو صندوق چوبین ساده که با پارچه پوشیده شده، در این اطاق‌است، طول یکی۱۸۹ وعرض‌آن۱۱۳وارتفاعش۱۱۰سانتیمترو‌صندوق دیگر به‌طول۱۷۸وعرض ۹۶ و ارتفاع ۱۱۰ سانتیمتر است.

بردیوار این اطاق نقاشیهای مذهبی به‌این شرح دیده می‌شود:

آمدن زعفرجنی به‌یاری حسین‌بن‌علی علیه‌السلام، موسی‌بن جعفر درزندان هارون، جنگ مسلم باکوفیان، اسرای صحرای کربلا، حارث و دو طفلان مسلم،

۱ــ بون از دهکده‌های رودبار محمدزمان‌خانی است.

قتلگاه وضامن آهو. عمل مشهدی آقاجان لاهیجانی ۱۳۴۲ قمری.

سقف بقعه و کفش‌کن واشان‌کشی واز رو پل‌کوبی با درزپوش است. لبهٔ بام دوپشته و زیرپشته در اطـراف بقعه شیرسر نصب شده است. سراسر بام سفال است که چند سال پیش آقاملامحمدحسن‌خادمی آنها را تعویض‌کرده‌اند.

درحیاط بقعه سنگ قبری است که کنده‌کاری و خط نستعلیق بسیار زیبائی دارد. این سنگ به‌طول ۱۰۳ وعرض ۵۰ سانتیمتراست. این عبارات برمتن‌سنگ دیده می‌شود:

«وفات مرحوم مغفور مبرور آقاحسینقلی ولد مرحوم کربلائی حسن طالش کلی[1] فی‌سنه ۱۲۵۵.»

برحاشیهٔ سنگ این ابیات‌است:

«صد حیف که از صف جوانان رفتم
وز آمـدن جهـان پشیمان رفتـم
بردم دل پر ز حسرت خود برخاک
ناکام بری نچیدم از جـان رفتم
نخل قد من بود چه سرو آزاد
از تیشهٔ کین بـی سرو سامان رفتم
چون بر فرس عمر نکردم جولان
با مـرکب چوبین ز میدان رفتم»

نشانه‌هائی‌که براین سنگ است: مهر، تسبیح وشانه می‌باشد.

چنارکهن سالی که درحیاط بقعه بوده براثر فرسودگی افتاده و فعلا چناری چند شاخه به جای آن است. درختان ون (زبان گنجشک) ، بقعه نیز کهن سال هستند.

۱ـ طالش کل بضم کاف، از دهکده‌های دیلمان است.

بقعهٔ سیدسرا
بر قلهٔ کوهی نزدیك دهکدهٔ سیدسرای دیلمان

این بقعهٔ چوبین و لت پوش ، بربالای رشته کوهی است که مسلط به جلگهٔ گیلان است . از بالای این کوه ، اگرهوا مه‌آلود نباشد ، یکی از زیباترین مناظر گیلان را می‌توان دید. می‌گویند دراین بقعه‌های چوبین پنج تن ازسادات به‌خاك سپرده شده‌اند که سه تن از ایشان مرد و دوتن زن هستند. اطراف بناها، چنداصله درختان کهن سال است. این بقعه مانند بقعه‌های تورار وگرده کول و فیروزکوه جزء بقاعی است که بربالاترین قلهٔ کوه ساخته شده‌اند.

امامزاده هادی‌بن‌موسی بن جعفرعلیه‌السلام
دردهکدهٔ میکال دیلمان[1]

بنای اصلی بقعه هشت ضلعی است کــه هرضلع طاقنما مانندی دارد . طرح داخلی‌بنانیزهشت ضلعی‌است. میان هریك‌ازاضلاع داخلی، طاقچه‌ای‌بنا کرده‌اند. طول هریك از اضلاع داخل ۲۴۸ سانتیمتر است . مصالح اصلی بنــا آجرهائی است به ابعاد ۴٫۵×۲۲×۲۲ سانتیمتر که با گچ بند کشی شده‌اند . پی اصلی بناسنگ رودخانه است . میان حرم قبری از گچ وآجر به‌طول ۲۲۸ وعرض ۱۸۰ وارتفاع ۱۳۴ سانتیمتراست. سقف بناگنبدی شکل وسفیدکاری است . در ورودی حیاط بقعه ودر ورودی حرم دولنگه، چوبین وساده‌است.گنبدی‌آجری،باکمربند نسبةً بلندی برروی بنا زده‌اند وبالای‌آن را عرقچین مانند کاشی‌کاری‌کرده‌اند. پائین‌کمربندگنبد بربالای دیوارهای بقعه، سطح صافی‌است که‌آبروی گنبداست. (عکس شمارهٔ ۳۳)

داخل بقعه، بردیوارها مجالس نقاشی مذهبی است ، این مجالس به‌ترتیب ازاین قرارند:

۱ــ میکال ، دهی از دهستان دیلمــان بخش سیاهکل و دیلمان ، شهرستان لاهیجان ۷ کیلومتری شرق دیلمان. (فرهنگ جغرافیائی ایران)

معراج رسول اکرم، حضرت علی علیه‌السلام در گاهواره دهان اژدها را پاره می‌کند، حضرت امام زین‌العابدین در بستر بیماری، حضرت ابراهیم درحال قربانی کردن اسماعیل، حضرت موسی‌بن‌جعفر در زندان، حضرت علی‌اکبر درقتلگاه، حضرت امام‌رضا درمجلس مأمون، حضرت ابراهیم‌خلیل‌در آتش، حضرت‌ابوالفضل سوار براسب، حضرت قاسم درمجلس عروسی وحارث ودو طفلان مسلم.

جلو در ورودی بقعه چندین سنگ قبرمرمر نسبةً قدیمی‌است‌که قدیمی‌ترین آنها مورخ ۱۱۹۷ هـ. ق. است. این سنگها به‌ترتیب ازاین قرارند:

«وفات مرحوم زلف‌قار(= ذوالفقار) ولدمیرزاعلی ۱۲۵۶. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، قیچی وآلاتی بدین اشکال.»

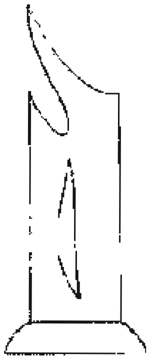

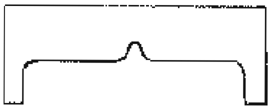

«وفات مرحوم میرزاحسن ولد غلامعلی سنه ۱۲۶۳. نشانه‌ها: مهر، تسبیح و رحل.»

«وفات مرحوم نهال‌چمن جوانی‌آقا رمضانعلی ولد مرحوم‌نظرعلی۱۲۵۶. نشانه‌ها: سرو، مهر، تسبیح وشانه.»

درحاشیه:

«ای خاک‌تیره دلبر ما را عزیز دار
کاین‌نورچشم‌ماست که دربرگرفته‌ای
افسوس قراخان چو گل باغ امید
از صرصر مرگ زود بر غارت رفت
آن تازه گل گلشن اهلیت کرد[1]
از باد خزان دهر با رحمت رفت

۱ــ بضم کاف.

در ماتم وی برادر و خویشان را
هوش از سر و خون ز دل . . . . . .
از پیر خرد چه سال فوتش جستم
حیران شد ازو بخانهٔ فکرت رفت
پای ادب از میانه برداشت روان
گفتا خردم بجانب جنت رفت»

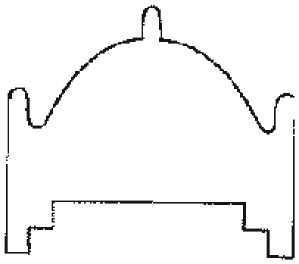

«وفات مرحومه سکینه خانم بنت مرحوم اسمعیل‌خان ۱۲۲۳. نشانه‌ها: دو انگشتر، تسبیح، مهر نماز، یك زوج گوشواره، سینه ریز، قیچی، آفتابه، هکن‌وکن، بینیکی و این نشانه‌ها.»

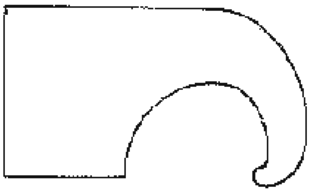

«وفات مرحوم آقا زینا عابدین (=زین‌العابدین) ولد مرحوم علی‌گل‌ناوی ۱۲۴۱. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه و سرو.»

«وفات مرحومه علیاحضرت پری‌زادخانم بنت مرحوم عالیشان صفی‌خان‌ـ سلطان فی‌جمادی‌الاولی ۱۲۱۰. نشانه‌ها: سینه ریز، مهر نماز، تسبیح و دوگوشواره.»

«وفات مرحوم مصطفی‌بیك ولد الله‌ویردی‌سلطان انبارلو ۱۱۹۷. نشانه‌ها: مهرنماز، تسبیح، شمشیر، خنجر، نیزه واسب.»

«وفات مرحوم عباسقلی ولد مرحوم آقا محمد سند ۱۲۳۹.

ای مرگ هزارخانه ویران کردی
در ملك وجود غارت جان کردی

نشانه‌ها: مهر نماز، تسبیح، کمان حلاجی ومشته.»

سه سنگ قبر نسبةً قدیمی درحیاط بقعه بدین‌شرح دیده شد:

«وفات مرحوم مغفور اللّٰه‌ویردی‌سلطان ولد مرحوم خدا ویردی بیك ۱۲۱۵.

گر من گنه جمله جهان کردستم
لطف تو امید است که گیرد دستم
گفتی که بروز عجز دستت گیرم
عاجزتر ازین مخواه کاکنون هستم»

«وفات مرحوم اللّٰه‌داشت ابن کربلائی نقدعلی ۱۲٤۳. نشانه‌ها: مهر نماز، تسبیح، انگشتر، شانه، قلمدان و رحل.»

«وفات مرحومه مغفوره جواهر بنت سبزه‌علی سنه ۱۲٦۰.»

تونل زیرزمینی
درده‌کدهٔ میکال دیلمان

این تونل یا سمج که گویا فرارگاه قدیمی دهکدهٔ میکال یا فرارگاه قلعهٔ قدیمی این دهکده بوده است، یك‌سر آن در طویلهٔ حاجی طهماسبی معروف به‌پورمهدی است ویك سر آن لب رودخانه است.

سنگ دنگ
دراراضی کشتزار دهکدهٔ نوروزمحلهٔ دیلمان

دراین‌اراضی‌چهارسنگ نتراشیده وطبیعی‌است‌که تقریباً به‌طول ۸۰وعرض‌و ارتفاع ۵۰ سانتیمتر است. وسط این سنگها گودالی نیم کره شکل کنده‌اند. قطردایرهٔ یکی از گودالها ۳۱ و عمق آن ۱۷ سانتیمتر بود. (عکس شمارهٔ ۳٤) اهالی نوروزمحله می‌گویند که اینها سنگهای دنگهای برنج‌کوبی است وبه‌همین

مناسبت خرابه‌های این منطقه را که آثار فراوانی دارد، به‌این نام خوانده‌اند.[۱] درمیان خاکها، جوش کورهٔ آهنگری زیاد است. شاید روزی چندین دکان آهنگری در این‌جا بوده است. سفال شکستهٔ زیادی دراین محل و اراضی‌کشتزار اطراف آن است.

بقایای حمام قدیمی
درنزدیکی سنگ دنگ نوروزمحلهٔ دیلمان

حمامی قدیمی برساحل چپ دره‌ای کم عمق که ازشرق اراضی سنگ دنگ می‌گذرد، قراردارد. درخرابه‌های این حمام‌آجری درست نیافتیم‌که ابعاد آن را اندازه‌گیری کنیم. قطراین‌آجرها ۴۳ × ۵۳ × ۶۰ میلی‌متر بود. اهالی‌می‌گفتند که شمع جهان خانم درحدود صد و پنجاه بار از آجرهای این حمام را برای ساختمان خود، به‌اسپیلی‌برده‌است. آب حمام باکنگهای سفالین‌ازچشمهٔ «لبار» می‌آمده‌است.

قرآنی خطی
در دهکدهٔ بنه‌زمین نزدیك پیرکوه

قرآنی است بزرگ وخطی وساده بدون جدول وحاشیه. این قرآن را بنده ندیدم.

بقعهٔ آقا سیدابراهیم‌بن موسی‌الکاظم علیه‌السلام
یا امامزاده تورار برفراز قلهٔ کوه تورار

این‌بقعه که بنائی‌مربع‌شکل و گنبدی مدوردارد برفرازکوهی بلنداست‌که در ۲۶۰ درجه درجنوب جنوب‌غربی‌قلهٔ فیروزکوه قرار گرفته واز اطراف نمایان است. دراصلی بقعه رو به‌جنوب است و طرفین‌آن دو سکو دارد و طاقنما مانندی

۱ــ نظیر این گودال در سنگ به صورت مخروط ناقص که قاعدهٔ آن در بالا است، درسرپل زهاب، منطقهٔ ریجاب کرمانشاهان ونزدیك غارچشمه سهراب برسر راه کرمانشاه به دینور، زیاد دیده شده است که تماماً آتشدان می‌باشند. با توجه به وضع منطقه و آثار مشهود دراطراف این گودال، ظن قوی می‌رود که آتشدان باشد نه‌سنگ دنگ.

بر بالای در است . دوسکوی دوطرف و راهروی وسط باسنگهای قبور فرش شده است . طرف چپ نمای جنوبی ، پلکانی‌است که بر بام می‌رود و طرف راست این قسمت طاقنمائی‌است که قرینه سازی کرده‌اند. بام بنا ازدوقسمت تشکیل می‌شود. قسمت وسط گنبدی مدور واطراف گنبد لت‌پوش است . (عکس شمارهٔ ۳۵) مصالح بنا ، آجروگچ است و طرح بنا درنقشه نشان داده شده است. جلوبنا دودرخت ون کهن برپاست که شاخهای بزکوهی و کنج گاو (=گاو کوهی = گوزن) که سابقاً بدانها کوبیده بودند ، امروز پوست درخت مقداری از آنها را درخودگرفته است. (عکس‌شمارهٔ ۳۶) در ورودی بقعه که ساکنان دهکده‌های اطراف برای‌آنها ارزش زیاد قائلند ، نه قدیمی است و نه ظرافتی دارد و اغلاط فراوان در متن نوشته‌های آن دیده می‌شود . با خط بد نسخ کنده‌کاری زیادی براین دولنگه به‌این شرح شده است :

برحاشیهٔ لنگه دست راست:

«بسم‌الله الرحمن‌الرحیم نصر من‌الله وفتح‌قریب ومن یتوکل علی‌الله فهوحسبه افوض امری الی‌الله ان‌الله بصیر بالعباد یاغافرالخطایا یا کاشف‌البلایا[1] یا منتهی الرجایا یامجری العطایا یاواهب الهدایا یا رازق البرایا یا قاضی المنایا یاسامع الشکایا یاباعث البرایا یامطلق الاساری یاذاالحمدوالثنایا یاذوالفخروالهیاما (؟) یاذوالمجدوالعلایا یا ذوالعفو و الرضایا یا ذوالمن و العطایا یاذاالقضا یاذا العزوالبقا یا ذاالآلاء والنعما اللهم انی اسئلك باسمك یاصانع یاواضح یارافع یا صانع یاسایل یاجامع یاشافع یاواسع یاموسع یاصانع کل مصنوع یاخالق کل‌مخلوق یارازق کل‌برایا یاملك کل‌مملوك یاکاشف‌کل مکروب.»

حاشیهٔ پائین همین لنگه

۱ــ شاید: خفایا.

«یا ناصر کل مخذول یا ساتر کل معیوب یاملجاکل.. »

وسط لنگهٔ دست راست:

«یاعلی دریاب یاعلی دریاب نادعلیا مظهرالعجایب تجده عون‌لك فی النوائب کل‌هم وغم سینجلی بعظمتك یاالله بعزتك یاالله بقدرتك یاالله بجلالك‌یاالله نبوتك‌یامحمد و بولایتك‌یاعلی یاعلی‌یاعلی بنبی‌عربی‌و رسول مدنی واخیه اسدالله مسمی بعلی وبزهرا بتول[1] و بامر ولدتها و بسبطه وشبله الحلالی و بسجاد والبـاقر والصادق حق وبموسی وعلی و تقی ونقی وبذی‌العسکر والحجة و القائم بالحق‌الذی یضرب بالسیف[2] بحکم الازلی صلواتی و سلامی الف نهارولیال وغدو وعشی اجب الیوم دعائی وترحم جمراتی کل‌الهی وولی وتقبل‌لمقبول حسن رب‌دعاءزرت بعلی وعلی وعلی[3] اللهم‌صل‌علی‌محمد و آلهم الطیبین الطاهرین و حجةالمقبولین المعین یا علی مدد یاعلی مدد.»

بردماغه ازطرف داخل این بیت بی‌وزن و بی‌قافیه ، حك شده است:

« در آستانه بهرزه باز مکن
چون درآئی بکبر سجده مکن»[4]

برچهارچوبهٔ طرف راست در از سمت داخل:

«قل یاایها‌الکافرون← لکم دینکم ولی دینی.»

بردماغهٔ همین در ازطرف صحن:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الم‌نشرح لك صدرك← الی‌ربك فارغب.»

برچهارچوب بالا از داخل:

الهی‌بحق محمدالهاشمی وآله وحرمت‌ابراهم لك خشع یاعلی‌مدد.»

۱ـ درمتن با طاء مؤلف نوشته است. ۲ـ دراصل با صاد نوشته است.

۳ـ عربی بی سروتهی است. ۴ـ ترکیب صحیح این بیت این طوراست:

در مسجد بهرزه بـاز مکن چون در آئی بجز نماز مکن

برهمین چهارچوب ازطرف صحن :

لك‌الحمد یا [ذاا] لجود و المجد ویعلی (والعلی) تبارکت تعطی (؟)
وصل علیه مادعاك و موحدنا جاك الخیار رابع (؟) یا مفتح الابواب...»

حاشیهٔ لنگهٔ سمت چپ:

بسم‌الله الرحمن‌الرحیم وبه‌نستعین اللهم‌انی‌اسئلك بأسمك یا کریم یا رحیم یاعلیم یاحکیم‌یامقیم‌یاعظیم خلصنا من‌النار یارب یاسیدالسادات یا مجیب الدعوات یاقاضی‌الحاجات یارافع‌الدرجات یامعطی مسئلات یاغافر الخطیئات یاقابل‌التوبات یاسامع الصلوات یادافع‌البلیات یا خیرالغافرین یاخیرالفاعلین یاخیرالناصرین یاخیرالوارثین یاخیر-الحامدین یاخیرالذاکرین یاخیرالمنزلین یاخیرالمحسنین یامن‌له العزوالجمال یامن‌له‌القدر والکمال یامن‌له‌الملك والجلال یا من هو الکبیرالمتعال یا من هو منشیء السحاب الثقال یا من هوشدید العقاب یامن‌عنده‌حسن‌الثواب یامن‌عنده‌الکتاب اللهم انی اسئلك باسمك یاحنان یامنان یادیان یابرهان یاسامع الصلوات یا غفران.»

وسط لنگهٔ سمت چپ:

«یاعلی‌ادرکنی یاعلی‌ادرکنی انا فتحنالك فتحاً مبینا— نصراً عزیزا. هـذا عمل استاد غلامحسین ابن مرحوم زین‌العابدین کلیشمی غفرالله ذنوبه سنه‌احدی وخمسین ومائتان بعدالف وقف هذا محمودبن‌محمد-خان بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم لیلاف قریش— من‌خوف. بسم‌الله‌الرحمن-الرحیم الم‌تر کیف فعل‌ربك باصحاب‌الفیل— وجعلهم کعصف مأکول. صدق‌الله یاعلی ولی‌الله یاعلی ولی‌الله.»

برچهارچوبهٔ سمت چپ ازطرف داخل:

«تولج‌اللیل فی‌النهار— ترزق من‌تشاء بغیرحساب یا مفتح‌الابواب یا رازق‌الانام.»

برهمین چهارچوب ازطرف صحن:

«قل اللهم مالك الملك توتی الملك من تشاء—انك علی كل شیء قدیر.»

طرف شرقی صحن اطاقی است که بر در ورودی آن عبارات زیر است :

برلنگهٔ دست راست :

«الهی بحرمت قدرپیمبر بحق حیدر و اولاد حیدر ازجرم خادم بیچاره بگذر الهی تـراشنده را رحمت کنی ـ مقامش بفردوس جنت کنی. همایت [کذا] کننده را یا ذوالجلال غنی کن مراد وازمال حلال بعون الله تعالی.»

برلنگهٔ دست چپ:

«نظر لطف خدا ام شامل مهرعلی است
وز ره صدق و صفا باعث خیر جلی است
سنهٔ احدی و خمسین و مأتان بعدالف
وقف نمود این در را استـاد نظرعلی
بجهة مرحوم مهـر علی کلیشمی غفرالله له ذنوبه و جزاه ائمه فی یوم الحشر والنشور.»

ازقدیم جسد مردگان را بدین بقعه می آورده اند و در قبرستان اطراف آن به خاك می سپرده اند. سنگ قبرها بیشتر مرمرسفید بود و قدیمی ترین آنها تاجائی که این جانب دقت کرد به سال ۱۲۲۰ هـ. ق. می رسید . اینك شرح پاره ای ازاین سنگها :

«وفات مرحوم مغفور محمدقاسم ولد مرحوم محمدیوسف ۱۲۲۰.»

« وفات مرحوم خداویردی سلطان ولد مرحمت پناه اللهویردی سلطان ۱۲۲۱. نشانه ها: مهر، تسبیح ، شانه ، دوتپانچه، قمه، شمشیر و اسب.»

«وفات مرحوم دانیال ولد علیخان ۱۲۲۲
ای خاك تیره دلبر ما را عزیز دار
این نور چشم ماست که دربر گرفتهٔ »

«وفات مرحومه مغفوره امی‌کلثوم‌خانم بنت مرحوم الله‌ویردی سلطان شهر رجب ۱۲۲۲

ای که برما بگذری دامن‌کشان   از سر اخلاص الحمدی بخوان

نشانه‌ها: مهر، تسبیح، قیچی، بینیکی، سجاده وهکن و کن.»

«وفات مرحوم الله‌بداشت ولد حسنعلی ۱۲۳۳. نشانه‌ها: گرباز، بیل و گاجمه.»

«وفات نهال چمن جوانی علی‌اکبر بیك ابن‌عالیشان عبدالله‌بیك ۱۲۳۸

ای جان پدر هیچ نداری خبر من
کز گردش ایام چه آمد بسر من
من تازه‌گلی بودم اندر چمن دهر
نشکفته فروریخت همه‌بال‌وپر من

نشانه‌ها: مهر، تسبیح، انگشتر ورحل با قرآنی بر آن.»

«وفات مرحوم ملاعلی‌خان ولد کربلائی حاجی ۱۲۴۰. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه و دوانگشتر.»

«وفات مرحوم خدیجه بنت ملاحیدر فی‌شهر شوال ۱۲۴۱.»

«وفات مرحومه ریحان خانم بنت مرحوم الله‌ویردی سلطان ۱۲۴۳. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، دوانگشتر، سینه‌ریز، آفتابه، قیچی، بینیکی، هکن و کن، کشکول و نشانه‌ای بدین شکل که شناخته نشد.»

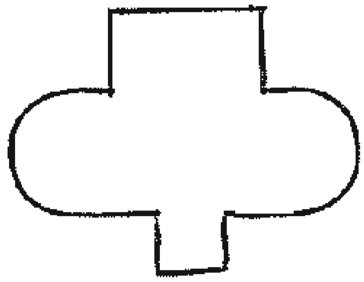

«وفات مرحوم آقابیك ولد مرحوم حسن‌خان بیك ۱۲۴۸

صد حیف که از صف جوانان رفتم
از تیشهٔ کین بی سر و سامان رفتم

نخل قد من بود چو سرو آزاد
ناکام بری نچیدم از جان رفتم
بردم دل پر ز حسرت خود درخاك
وز آمدن جهان پشیمان رفتم»

در بالای این سنگ بزرگ دو سنگ کوچك است که بر آنها «هوالعلی و هوالباقی» حك شده‌است.

«وفات مرحوم آقا ظهراب علی ولد مرحوم آقا قربان‌علی ۱۲۵۱. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه، سجاده، تبر، دهره و گلدانی دروسط.»

«وفات مرحوم علی اکبر بیك ولد مرحوم سهراب خان ۱۲۵۳. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه سجاده، خنجر، اسب با شمشیری آویخته به‌آن، دو تپانچه، دبهٔ باروت و ساچمه.»

«وفات مرحوم میرزاخان ولد مرحوم محمد ۱۲٦۰. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، تفنگ، تپانچه، تبر و چوبدستی.»

«وفات مرحوم کربلائی غلامعلی ولدمرحوم اللّهویردی ۱۲۷۱. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، انگشتر، قلمدان، رحل، سروشکسته وشانه.»

«وفات مرحوم مغفورملاقاسم ولد مرحوم ملاکاظم سنه۱۲۷۳. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه، قلمدان ورحل.»

«وفات فرضعلی ولد استاد قربان ۱۲۷۷. نشانه‌ها: انگشتر، مهر، تسبیح وشانه.»

«وفات مرحومه فاطمه بنت آقاآشورعلی ۱۲۸۱. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، دوعدد انگشتر، بینیکی، هکن‌وکن وآفتابه.»

«وفات مرحوم اوستادقربان حداد ابن کربلائی شاه‌ولد ۱۲۸۹.»

«وفات مرحوم حسنقلی ولد کربلائی علی‌حسین ۱۲۹۲. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه، سجاده، تفنگ، دوتپانچه وآلتی نظیر تپانچهٔ اوله‌بلند.»

«وفات مرحوم حسین ولد موسی‌خان تنکابنی ۱۲۹۵. نشانه‌ها: مهر، شانه، تسبیح، خنجر و چوبدستی.»

سنگهای قبور دیگری که تاریخ آنها مؤخر برسنوات بالاست زیاد است، ازذکرآنهاخودداری شد.ظاهراً ساکنان اطراف به‌این‌امامزاده زیاد اعتقاد دارندو جسد مردگان خودرا از دورترین نقاط واز بدترین راهها، بدین‌جا می‌رسانند.

غارهای دلفک

کوه دلفك درجنوب جنوب شرقی رشت ودر ۲۶۰ درجهٔ جنوب جنوب‌غربی اسپیلی و ۲۹۰ درجه ازقلهٔفیروزکوه است. ارتفاع آن از ۲۴۰۰ تا ۳۰۰۰ متراست‌و درآنجا دوغار است. دریکی ازآنها یخ ودردیگری جانوران وآدمیان سنگ‌شده دیده می‌شود. کاپیتان «مکنزی»[1] در سال ۱۲۷۶ هـ. ق.(۱۸۵۹ م.) این دوغاررا دیده است ودربارهٔ آنها می‌نویسد:

دریکی از این غارها که نزدیك قله است یخ بلوری فراوان بود ودر دومی چیزی جزاستلاگتیت فراوان نبود که مردمان خوش‌باور رحمت‌آباد گمان کردند اینها مجسمهٔ آدمیان و جانداران است.[2]

راههای قدیمی خاك دیلمان

درخاك دیلمان راههای قدیمی فراوان است ورروزی دیلمان برسرراه اصلی گیلان بوده است. پیش از اینکه راه کنونی گیلان ساخته شود، برای ورودبه‌خاك گیلان، دوراه اصلی بود: راه گیلان بیه‌پس، ازتارم وخلخال وماسوله می‌گذشت و به فومن وگسکر و سایر بخشهای گیلان بیه‌پس می‌رفت. راه گیلان بیه‌پیش، از قزوین به رودبار ودیلمان و لاهیجان یا اشکور ورانکوه (= رحیم‌آباد) منتهی می‌شد. ازهمین راه قزوین به لاهیجان، شاه‌عباس در سال ۱۰۰۰ هـ. ق. خود را

1- Mackenzie
2- گیلان رابینو، ص۲۸۲.

به‌لاهیجان رسانید. احتمال دارد درسفرسال ۱۰۲۱ه.ق. بازگشت او به‌قزوین ازراه رانکوه‌واشکور بوده‌است. چه مؤلف عالم‌آرا می‌نویسد که او از رودسر به‌قزوین رفته است.[۱] همین مؤلف ازراه دیلمان که از کنار رودخانهٔ شیم‌رود می‌گذرد و به گیلان بیه‌پیش وارد می‌شود، نیزیاد کرده است.[۲]

راه قدیمی
سیاهکل به دیلمان

قبل از اینکه بـه دستور شاه عباس اول این راه ساخته شود، راهی قدیمـی بـرساحل چپ یا راست شیم رود وجود داشته است. راه کنونی مالرو از سیاهکل به‌شب خسب لات (=شاغوزلات) ـ توتکی ـ بالا رود که تی‌تی‌کاروانسرا در اینجا بناشده‌است ـ سالارزمین ـ حمزاپرد[۳] ـ سرداب که کاروانسرائی‌قدیمی‌نیز دراینجا است ـ لارخانی[۴] ـ دیلمان می‌رود.

راه قدیمی باباکوه
ازسیاهکل به‌دیلمان

قسمت اول این‌راه کناررودخانهٔ شیم‌رود است و از محلهای سیاهکل ـ شب خسب لات (= شاغوز لات) ـ توتکی ـ بالا رود می گذرد. از بالارود راه باباکوه ازکنار تی‌تی‌کاروانسرا جدا می‌شود وبه‌لش گیج[۵] ـ باباکوه ـ اغوزچال[۶] ـ تول‌دره‌ـ آتشکی[۷] ـ چلمه رود[۸] ـ سنگ‌ریز ـ لارخانی ـ دیلمان می‌رود.

راه قدیمی
دیلمان به قزوین

به دستورشاه عباس اول این راه قدیمی دستکاری و مرمت شد و پل عظیم و عجیب انبوه را بـرروی رودخانهٔ شاهرود برسر همین راه بساختند. این راه از

۱ـ عالم‌آرا، ج ۲، ص۸۵۳. ۲ـ عالم‌آرا، ج۲، ص۴۶۲. ۳ـ بفتح حاء مهمله وضم پ. ۴ـ بکسرداء. ۵ـ بفتح لام. ۶ـ بفتح الف. ۷ـ بکسر تاء. ۸ـ بفتح ج.

محلهای زیرین می‌گذرد: دیلمان ـ باباولی ـ فیگورسر[1] ـ شاداران ـ زین‌پشته ـ ایژگی ـ باچه سرا ـ کلیشم ـ نواخانی ـ کرپی‌انبو ـ کین گیرین ـ دستگرد ـ تلهٔ کما سار ـ سیاسنگ ـ احمدخانی ـ سیردر ـ رودخانهٔ انگشتك ـ الولك ـ گردنهٔ نیاق ـ ترتین[2] ـ اسماعیل‌آباد ـ قزوین.

راه قدیمی
دیلمان به املش

چندین فرسنگ ازاین راه در زمان شاه‌عباس اول ساخته و مرمت شد وپل عظیمی‌ازآجر بررودخانهٔ املش نزدیك بلوردکان زدند ودرهمین محل‌کاروانسرای عظیمی به‌سبك‌کاروانسراهای گیلان ساختند. این‌راه از محلهای زیرین می گذرد:

دیلمان ـ کومس[3] (کوپس)[4] ـ نیاوول ـ زیل بره ـ سیدسرا ـ شیرچاك ـ دیلمان دوراه ـ ناتش کوه ـ زردشتان ـ خسیل دشت ـ خرکال ـ میان لنگه ـ های‌دشت ـ بلوردکان ـ حسین‌آباد ـ لات‌لیل ـ کهلستان ـ املش.

ازخسیل دشت‌راهی‌به‌امام[5] ـ چاك‌رود ـ بنه‌زمین ـ پیر کوه ـ تورار ـ کلیشم و ازآنجا به قزوین می‌رودکه دنبالهٔ آن درشرح راه دیلمان به قزوین آمده است.

راه قدیمی‌دیگری
ازدیلمان به املش

این راه درتابستان وزمستان باز و قابل استفاده است وآمدو رفتی دارد واز نقاط زیر می‌گذرد:

دیلمان ـ کومس ـ نیاوول ـ زیل‌بره ـ لارنه ـ گنج‌گویشته ـ لیارو ـ سرلیل ـ آتشه سره ـ لات‌لیل ـ املش. شاید از همین راه کارکیا میرزا علی کیا پسر سید محمدکیا درسال۸۸۵ ه. ق. به‌دیلمان رفته است. سیدظهیرالدین می‌نویسد:

«روزشنبهٔ بیستم ربیع‌الاول موافق بیست ودوم شهریورماه قدیم، عازم ییلاق

۱ـ Feyguresar ۲ـ بفتح تاء وکسرراء. ۳ـ بکسرمیم. ۴ـ بفتح پ.
۵ـ بضم الف اول.

دیلمان گشتند. شب یکشنبه به قریهٔ سرلیل نزول همایون واقع شد. همین روز یکشنبه به‌طالع سعد، به دیلمان تشریف فرمودند.»[۱]

سالهای بعد نیز کارگیا میرزاعلی‌کیا ازهمین راه به رانکوه (= رحیم‌آباد) بارها رفته است. نگاه کنید به‌صفحات ٤٤٦ و٤٥٥ و٤٥٧ تاریخ گیلان و دیلمستان سید ظهیرالدین مرعشی.

راه قدیم دیگری
از دیلمان به رحیم‌آباد

دیلمان ـ کومس ـ آشورآباد ـ دیارجان ـ بویه (بوئی) سیاخلوک[۲] ـ شوک[۳] (= شهوک)ـ پلام[۴]ـ پلام رود (= پلورود) ـ رحیم‌آباد.

راه آهتکوه (= عطاکوه)
از دیلمان به‌لنگرود یا لاهیجان

دیلمان ازسرمرز[۵] تا، ترین[۶]ـ لیل ـ فورده[۷]ـ سرچشمهٔ شاه‌خانی ـ اتاکوه (= عطاکوه) ـ دیوشل ـ لنگرود یا لاهیجان.

راه نو
ازسمام به رودسر

این راه ظاهراً درسال ۸٤۰ هـ. ق. ساخته شده است. هنگامی که میان کارگیا امیرسید احمد وکیاناصرکیا اختلاف پیداشد به کارگیا امیرسیداحمدگفتند چون کیاناصر کیا دررانکوه (= رحیم‌آباد) است، از راه رانکوه به‌رودسر رفتن پسندیده‌نیست مباداکه از کیا ناصرکیا حرکتی ناشایست دیده‌شود. بدو گفتند «که دراین جنگل راه پیداکنیم وبسازیم چنانکه به کنار پلورود بیرون رویم. از آنجا

۱ـ تاریخ گیلان ودیلمستان ، ص۴۲۶. ۲ـ بضم خاء. ۳ بفتح شین و واو.
۴ـ بضم پ . ۵ـ یعنی ازسرتیرهٔ کوه. ۶ـ بکسر تاء وفتح یاء. ۷ـ بفتح راء و کسر دال.

به رودسر تشریف فرموده آید. فرمودندکه خوش باشد، همچنان بایدکرد. الغرض برقلهٔ کوه راهی بساختند و آن سال ازآن راه به گیلان تشریف بردند وآن طریق اکنون(سال ۸۹٤) برجاست وراه نو می‌خوانند.»[1] سال بعدنیزکارگیا امیرسیداحمد ازهمین‌راه ازسمام به گیلان رفت.[2] تابستان سال‌بعدکارگیا رضاکیاپسرامیرسیداحمد ازرودسر، از راه‌نو به‌سمام رفت.[3] کیامحمد سپه‌سالار اشکور «بالشکردیلم به‌راهی که ازآن‌راه مردم رودسر به‌سمام عبورداشتند، متوجهٔ رودسرشد.»[4] کارگیا رضاکیا یك‌بار دیگرپس ازشکست درگیلان، ازاین راه‌متوجهٔ سمام شده است.[5]

رابینو دربارهٔ این راه می‌نویسد که راه‌نو راهی است که ازسمام به‌رانکوه[6] می‌رود، این راه را کارگیاسیداحمد در سال ۸٤۰ هجری بساخت. این راه دربالای تیرهٔکوه است وسپس ازجنگل می‌گذرد وبه کنار پلورود ختم می‌شود.[7]

راه کنار سفیدرود به دیلمان

ازکنارسفیدرود به‌دیلمان، راهی قدیمی‌است‌که از نقاط زیر می‌گذرد:

قهوه‌خانهٔ کتله[8] این قهوه‌خانه قبل از ساختن سد سفیدرود، برسرگدار این رودخانه بود. محل آن در دو کیلومتری رستم‌آباد، سرراه منجیل به‌رشت، برساحل چپ رودخانه بود. تونك‌بن(= توتکی)ـ سندس[9]ـ چلده‌بر[10] ـ چره[11] ـ چلکاسر[12] ـ دره دشت[13] ـ چمل[14] ـ لیاوول سفلی ـ سوسف[15] ـ بره سر[16] ـ پشت کلا ـ ناش ـ آسیاب برـ دیلمان.

۱ـ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص ۲۲۹ و ۲۳۰. ۲ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۲۳۲. ۳ـ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص۲۳۴. ۴ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۲۳۶. ۵ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۲۴۵. ۶ ـ اگر منظور رابینو از رانکوه،رحیم‌آباد امروزی‌است صحیح نیست زیرا ناصرکیا که با امیرسیداحمد دشمنی‌داشت در رانکوه بود. اگر مقصود از رانکوه ناحیهٔ رانکوه است، باز صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا هرراهی ابتدائی وانتهائی می‌خواهد وانتهای این راه رودسر امروزی بوده است. ۷ـ گیلان رابینو، ص ۲۸۳. ۸ـ بفتح کاف و کسرتاء. ۹ـ بکسر سین و دال. ۱۰ـ بکسر چ ودال و فتح باء. ۱۱ـ بکسر چ و تشدید راء. ۱۲ بکسر چ. ۱۳ـ بفتح دال‌وراء. ۱۴ـ بضم چ‌ومیم. ۱۵ـ بکسرسین‌دوم. ۱۶ـبفتح‌باء‌وسین.

باقی بناها و آثار تاریخی خاك دیلمان

۱ـ بقعهٔ نیاوول در دهکدهٔ نیاوول دیلمان.[۱]

۲ـ بقعهٔ بندبن در دهکدهٔ بندبن دیلمان. آستانه‌ای قدیمی است وگالشهای اطراف سمام بدان سوگند یاد می‌کنند.

۳ـ بقعهٔ رزدره در دهکدهٔ رزدره دیلمان. بقعه ایست چوبین، طرف در ورودی آن ایـوانی دارد، صندوقی چوبین ساده در وسط بنای اصلی است. سراسر بنا و ایوان لت‌پوش است.

۴ ـ بقعهٔ عین‌شیخ دردهکدهٔ عین‌شیخ دیلمان. بقعه ایست چوبین، که یك طرف آن یعنی طرفی که در ورودی بقعه در آن است، ایوان دارد. بام بقعه وایوان لت‌پوش است.

۵ ـ بقعهٔ تالش‌کول در دهکدهٔ تالش‌کول دیلمان. بقعه ایست چوبین و لت‌پوش.

۶ـ بقعهٔ خانمزبیده دردهکدهٔ تنگه رود دیلمان. بنائی است چوبین با بامی لت‌پوش.

۷ـ غار کاش‌کوه درپشت دهکدهٔ تالش‌کول دیلمان. غاری است که در میان بند وپرتگاهی است. ازراه میان‌سرای‌شیدان و بعد اسپهبدان، می‌توان بدان راه یافت. احتمال دارد در این غارآثاری از گذشته‌ای بسیار دور پیدا شود. رابینو از این غاریاد کرده است.[۲]

۸ـ بشکفته‌سنگ، نزدیك دهکدهٔ ملومه[۳] دیلمان. شکافی عمیق و طولانی درکوه است. چون طبیعی‌است،ازنظرآثارتاریخی اهمیت چندانی ندارد. شاید چاه نزدیك ملومه ارزش تاریخی داشته باشد.

۹ـ بقعهٔ زیارتگاه نزدیك دهکدهٔ زیارتگاه دیلمان.

۱ـ گیلان رابینو، ص ۲۸۹. ۲ـ گیلان رابینو، ص ۲۸۳. ۳ـ بضم میم اول.

قبرستانهای قدیمی خاك دیلمان

۱ـ قبرستان قدیمی در مرادتپه نزدیك سیاکاربن.[۱] ازاین قبرها دستبند و گوشوارطلا ومجسمه‌های‌مار وسنگ‌پشت‌گلی و سفالین و گوزن سفالین، به‌دست آمده است.

۲ـ قبرستان قدیمی پیله‌شاه نزدیك دهکدهٔ پیله‌شاه دیلمان.

۳ـ قبرستان قدیمی اروشکی نزدیك دهکدهٔ اروشکی دیلمان.

۴ـ قبرستان قدیمی آقاسیدمحمد طرف شمال‌شرقی دهکدهٔ لنگل[۲] دیلمان. ازاین قبرها مجسمه‌های فلزی گوزن وکل (قوچ وحشی) ، بیرون آمده است .

۵ـ قبرستان قدیمی زرکول[۳] در شمال‌غربی دهکدهٔ آسیاب‌بر دیلمان . از این‌قبرها گوشوار وانگشترطلا، کشف شده‌است.

۶ـ قبرستان قدیمی ایشه‌کوه در شمال دهکدهٔ ایشه‌کوه دیلمان . از این قبرستان مجسمهٔ کل سفالین ، درآورده‌اند.

۷ـ قبرستان قدیمی لورتخت[۴] نزدیك دهکدهٔ لور دیلمان.

۸ـ قبرستان قدیمی در شمال دهکدهٔ لور دیلمان . از این قبرها مجسمهٔ قورباغه ، گوزن فلزی ، قمه و تیروکمان به‌دست آمده است.

۹ـ قبرستان درسوگل[۵] در شمال‌شرقی دهکدهٔ قشلاق دیلمان . ازاین قبرها جامهای شیشه‌ای بلورین به‌قطر۵ر۱سانتیمتر، به‌دست آمده‌است.

۱۰ـ قبرستان قدیمی در محمد سالار نزدیك دهکدهٔ سیاکاربن دیلمان . از این قبرها مجسمهٔ گوزن گلی و کاسه‌های گلی ، پیدا شده است .

۱۱ـ قبرستان قدیمی در سیاه‌کوه دیلمان . برای رسیدن به‌این قبرستان ازامام[۶] به خوش‌خانی وازآنجا به سیاه‌کوه می‌رود .

۱ـ بضم باء. ۲ـ بفتح لام وضم گاف. ۳ـ بفتح زاء. ۴ـ بکسرراء.
۵ـ بضم سین وگاف. ۶ـ بضم الف‌اول.

۱۲ـ قبر باباملحد سرراه سیاهکل به دیلمان میان راه کاروانسرای سرداب تا فیکورسر. محتمل‌است اینجا گور یکی‌ازسران اسماعیلی‌باشد.

۱۳ـ قبر باباملحد در سمت جنوب بقعهٔ باباولی دیلمان. اینجا نیز ممکن است گور یکی از بزرگان اسماعیلی باشد.

۱۴ـ قبرستان قدیمی درسمت جنوبی بقعهٔ باباولی که به قبرستان باباملحد معروف است. ازاین قبرستان سپروشمشیر بیرون آورده‌اند.

۱۵ـ قبرستان قدیمی در یهودی‌محلهٔ‌دیلمان. فعلا از یهودیان و بناهای ایشان‌آثاری برجای نیست. سنگهای ساختمانی دراراضی این‌محلهٔ قدیمی، بسیار است. این سنگها طبیعی است و تراشی ندارد. از کوه نقاره‌کول با کنگ، آب بدینجا آورده بوده‌اند. سفال فراوان دراراضی اطراف دیده می‌شود.

۱۶ ـ قبرستان قدیمی خرساخانی[1] در دهکدهٔ دیلمان. از این گورها مجسمه‌های سفالین کل و گنج گاو (= گوزن) و بز کوهی، درآورده‌اند. در کوه مقابل این‌قبرستان کنگهای[2] زیاداست که دنبالهٔ آن به خرساخانی می‌رود. مسلماً روزی از این چشمه، آب بدینجا می‌آمده است.

کنگهائی که در صفحات دیلمان با آنها لوله کشی کرده‌اند به طول ۳۴ سانتیمتر وقطر دایرهٔ طرف گشاد آن ۱۳ وطرف تنگ آن ۹ سانتیمتر است.

تی‌تی کاروانسرا

برسرراه سیاهکل به دیلمان

برساحل راست رودخانهٔ شیمرود برسردوآب شیمرود وباباکوه،کاروانسرائی قدیمی ازسنگ رودخانه وآجروگچ غربالی، بنا شده است. بانی این‌بنا ظاهراً زنی به‌نام «تی‌تی»[3] است. درمیان زنان خاندان سادات‌کیائی و اسماعیلوند، افرادی به‌نام تی‌تی بوده‌اند.

۱ـ بفتح خاء. ۲ـ «کنگ» بضم گاف اول و سکون نون و گاف دوم، نوعی تنبوشهٔ‌دراز وباریك است. ۳ـ «تی‌تی»درلهجهٔ گیلکی به‌معنی«شکوفه»است.

زنی به‌نام «سلطان تی‌تی» صندوق مزار میرشمس‌الدین را درمحلهٔ اردوبازار لاهیجان ، ساخته است . درمحل معروف است‌که بانی این کاروانسرا عمهٔ شاه عباس به‌نام «تی‌تی»، بوده‌است . این بنده هیچگونه سندی دربارهٔ این زن نیافتم.

این‌کاروانسراکه فعلا درآبادی بالارود است ، هیچگونه استفاده‌ای ازنظر کاروانیان ندارد. ساکنان محل،گاو وگوسفند درآن جا می کنند.

دیوارهای خارجی‌این‌کاروانسرا به‌قطر۸۱سانتیمتر وتا ارتفاع۱۴۰سانتیمتر ازسنگ رودخانه باملاط‌گچ چیده شده‌اند، باقی دیواربا آجر و گچ غربالی است. (عکس‌شمارهٔ۳۷)آجرهائی‌که دراین‌بنا به‌کاررفته‌اندبه‌ابعاد۴٫۵ X ۱۹٫۵ X ۱۹٫۵و ۴٫۵ X ۲۰ X ۲۰ سانتیمتر است . عرض در ورودی کاروانسرا ۲۴۰ سانتیمتراست . ازاین در به‌فضائی سرپوشیده با طاقی مدورآجری، وارد می‌شویم.(عکس‌شمارهٔ۳۸) طرفین این فضا دوایوان است. میان هـریك از ایوانها مدخلی به اطاقهای طرفین است. ازاین فضای سرپوشیده که طول‌آن شش‌متر وارتفاعش تا زیرطاق، نیز شش متراست به‌حیاط کاروانسرا می‌توان رفت. وسط حیاط حوضی مدوربوده است که امروزاثرکمی ازآن‌باقی‌است.آب‌ازدوچشمهٔ کاشکو ویکابرك[1] باگنگ به‌این‌حوض می‌آمده‌وبا طاق[2] اززیردر ورودی‌کاروانسرخارج‌می‌شده‌است.درچهارکنج‌کاروانسرا، چهار اطاق ۳X۳ متر است که درهای ورودی آنها، دارای مدخلی سرپوشیده و به‌شکل پنج‌ضلعی است‌که دوضلع بیرونی آنها درازتر ازسایراضلاع است.(عکس شمارهٔ ۳۹) مقابل درورودی ، درضلع دیگر کاروانسرا ، شاه‌نشین مانندی است که عرض دهانهٔ آن ۴متراست. دو در ورودی در طرفین این شاه‌نشین است که هریك به‌اطاقی که چسبیده به‌اطاقهـای کنجی‌است ، می‌رود . (عکس شمـارهٔ ۴۰) در ضلع شرقی و غربی کاروانسرا میـان اطاقهای زاویه، دومال‌بند است. شکل اصلی کاروانسرا مربع وهریك ازاضلاع آن ۲۰ متراست.

طاق‌فضای سرپوشیدهٔ متصل به در ورودی وطاقهای اطاقهای زاویه‌آجری و

۱ــ بفتح باء وراء.   ۲ــ مجاری‌فاضل‌آب زیرزمینی که طاق‌آن‌را باآجرمی‌زده‌اند.

مدوراست. طاق اطاقهای طرفین فضای سرپوشیدهٔ نزدیك در ورودی وطاق مال ـ بندها وطاقهای شاه‌نشین و اطاقهای طرفین‌آن وطاقهای فضاهای جلواطاقهای زاویه جناقی زده شده است. (عکس شمارهٔ ۴۱)

کاروانسرای سرداب

سرراه سیاهکل به دیلمان

این کاروانسرای نسبةً قدیمی در دو فرسنگ و نیمی کاروانسرای تی‌تی است. ازبانی آن خبری در دست نیست. نزدیك کاروانسرا قهوه‌خانهٔ معموری برپاست ودرجوار آن‌چشمهٔ آبی‌گواراست. بااینکه چندین‌بار به‌عزم‌مطالعه و بررسی در راه سیاهکل به‌دیلمان رفتیم ولی موفق به‌عکسبرداری و اندازه گیری از این کاروانسرا نشدیم.

حمزاپرد

نزدیك کاروانسرای سرداب

برآب شیم‌رود نزدیك کاروانسرای سرداب وزیر دست‌آن، پلی قدیمی از ازآجر ساخته بوده‌اند که فعلا قسمتی ازپایه‌های آجری آن درطرفین رودخانه دیده می‌شود.

دژها و قلعه کوتیهای خاك دیلمان

«کوتی» در لغت دیلمی به معنی تپه است. دهکده‌های قدیم خاك دیلمان، به شکل قلعه بربالای این ارتفاعات ساخته می‌شدند. نزدیك دهکده‌های قدیمی که تا امروز برجایند، یك یا دوقلعه کوتی است. این قلعه کوتیها معمولا کنار رودخانه یا نزدیك به چشمه‌ای پرآب است و از چشمه‌هائی که دور بوده‌اند با کنگ، آب بدین قلعه‌ها آورده‌اند.

دژها بر قلل سنگی منفرد که معمولا اطراف آنها پر تگاه و بند است، بنا شده و مستحکمتر از قلعه کوتیها ساخته می‌شد و برای دفاع آماده‌تر بود.

۱ـ کافر قلعه: در جنوب دهکدهٔ ایشه کوه دیلمان که یك طرف سنگ کوه را تراشیده‌اند و بالای آن را قلعه ساخته‌اند.

۲ـ برج تله‌گلو:[1] سمت شمال دهکدهٔ آسیاب بر دیلمان. اطراف این برج را حفاری کرده‌اند، آب انبار مانندی بیرون آمده است.

۳ـ کافر قلعه: در دهکدهٔ عین‌شیخ دیلمان. آثاری نظیر حمام در آن باقی است.

۴ـ کافر کول: نزدیك دهکدهٔ سیاسر دیلمان.

۵ـ قلعه‌کوتی کومس (= کوه‌پس): دردهکدهٔ کومس دیلمان. پشت دهکده، سرراه نوروزمحله.

۶ـ قلعه کوتی میکال: نزدیك دهکدهٔ میکال دیلمان.

۷ـ قلعه‌کوتی بالا وپائین: دردهکدهٔ قشلاق دیلمان. درطرف جنوب ده دو تپهٔ مجزا دریك رشته کوه است که برسرآن آثار بنا وسنگهای فراوان و سفالهای لعابدار، دیده می‌شود.

۸ـ کهنه خونا مقر:[2] تپه ایست درجنوب دهکدهٔ نوروزمحلهٔ دیلمان. آثار سفال فراوان براین تپه دیده می‌شود.

۹ـ شالان دورور: تپه‌ایست درنزدیکی دهکدهٔ نوروزمحلهٔ دیلمان. سفال شکستهٔ فراوانی دراطراف آن دیده می‌شود.

۱۰ـ زنگبارخانی: نزدیك دهکدهٔ نوروزمحلهٔ دیلمان. دراطراف این چشمه سفال شکسته و آجرپارهٔ فراوان است.

۱۱ـ قلعه‌کوتی: دردهکدهٔ دیلمان. اطراف خرابه‌های این قلعه سفال شکستهٔ زیادی دیده می‌شود.

۱ـ بفتح تاء و گاف. ۲ـ یعنی مقروجای خانه‌های کهنه وقدیمی.

قبرستانهای قدیمی پیرکوه

در پیرکوه از دهکده‌های فاراب عمارلو
که از نظر آبریز جزء خاک دیلمان است

۱ـ بقعهٔ سوکوتی با قبرستان قدیمی‌آن، درجنوب دهکدهٔ پیرکوه.
۲ـ امامزاده سیدابوالقاسم با قبرستان قدیمی آن ، در بهارنشین.
۳ـ قبرستان سرچال در بنه‌زمین دوکیلومتری پیرکوه .
٤ـ بقعهٔ کلك[1] با قبرستان قدیمی‌آن ، درغرب پیرکوه.
٥ـ قبرستان قدیمی اشتهامرز درغرب کلك پیرکوه.
٦ـ قبرستان وحمامی قدیمی درچاکرود پیرکوه.

قلعه‌ها وقلعه کوتیهای پیرکوه

۱ـ قلعهٔ قاسم‌چاك[2] در کلك پیرکوه.
۲ـ قلعه‌ای قدیمی به‌نام «سولاخ‌سنگ» درغرب پیرکوه.
۳ـ قلعهٔ کوتی دردهکدهٔ بنه‌زمین دوکیلومتری پیرکوه.
٤ـ قلعه‌ای قدیمی درخرپو[3] از دهکده‌های فاراب عمارلو.

۲ـ آثار و بناهای تاریخی سیاهکل

بقعهٔ آقاسیداسماعیل و آقاسیدابراهیم فرزندان امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام درسیاهکل محلهٔ سیاهکل

بنای اصلی بقعه اطاقی است با دیوارهای آجری به‌طول ٥٢٥ و عرض ٤٥٥ سانتیمتر. در ورودی بقعه شمالی وبه‌بلندی ۱۷۰ وپهنای ۸۰ سانتیمتراست. بر در ورودی این عبارات را ابتدا ازچوب بیرون آورده وبرروی در چسبانیده‌اند:

برلنگهٔ سمت راست:

۱ـ بفتح کاف ولام. ۲ـ بکسر میم. ۳ـ بفتح خاء و راء.

«یاقاضی‌الحاجات یارفیع‌الدرجات.»

«یامفتح‌الابواب یامسبب‌الاسباب.» (عکس شمارهٔ ۴۲)

بر لنگهٔ سمت چپ:

«یاولی‌الحسنات یاغافر.»

«یامفتح‌الابواب یامسبب‌الاسباب.» غلط حک شده .(عکس شمارهٔ ۴۳)

درسه جهت اصلی دیگرنیز سه در ورودی است وبالای این درها پنجره‌های مشبك چوبین تعبیه شده است .

دوصندوق چوبین قدیمی درامتدادهم دراین اطاق است . (عکس شمارهٔ ۴۴) میان این‌دوصندوق راهرو مانندی است که درطرف شرقی‌آن در ورودی ودرغرب پنجره‌ای مشبك به‌پهنای۹۳ و بلندی ۲۰۰ سانتیمتراست . (عکس‌شمارهٔ ۴۵)

مجموع اینها دارای سقفی واحد مشبك و گهواره‌ای است . طول صندوقها ۳۳۰ وعرض‌آنها ۲۲۸ وارتفاعشان۱۱۲ سانتیمتر، وارتفاع قسمت سقف گهواره‌ای‌ـ شکل ۱۰۸ سانتیمتراست. پایه‌هائی‌که طاق برآنها استواراست، درعرض صندوقها می‌افتد . درشرقی دولنگه‌ایست و عرض چهارچوب دولنگه از داخل ۵۲ وارتفاع آن ۱۰۶ سانتیمتر است. بر چهارچوب بالای در راهـروی میان دوصندوق ، این عبارات باخط خوش نسخ ومرکب نوشته شده است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

هر که درین روضه درآید بصدق

هست دعـایش به یقین مستجاب

هر کس که بدرگاه توآید به نیاز

محروم زدرگاه تو کـی گـردد باز

العبدالمذنب‌الاحقر محمدسعید دیلمانی.»

بر لنگهٔ سمت راست این عبارات با مرکب نوشته شده است:

«تاریخ وفات محمدحسین‌بیك فرزند مرحوم کلوباك(؟) در روزدوشنبه

بیست‌و هشتم جمادی‌الاول سنه ۱۱۳۷.»

کتیبه‌ها و کنده‌کاریهای صندوقها نیز مانند درها نوعی تازه است. یعنی کتیبه‌ها و نقشهارا قبلاً کنده و تهیه‌کرده‌اند وسپس‌روی بدنهٔ صندوقها چسبانیده‌اند.

کتیبهٔ صندوق شمالی به‌این‌شرح است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

هم محمد رضا و والد او عامل این ضریح بابرکات
کرد صادق سؤال تاریخش گفت . . . . . . تاریخات
کردگارا بحرمت شهدا بندگانرا برآوری حاجات
خاصه‌برمؤمنان‌صاحب‌خیر روزمحشر[مبندراه] نجات
از تواریخ هنرفزودیك (؟) بر محمد و آل او صلوات

کتبه محمدلاریجانی عطاء دیلمانی سنه ۱۱۱۵.»

دروسط بدنهٔ جنوبی صندوق شمالی، آیاتی ازکلام‌الله‌مجید به‌این شرح‌است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یس ـ تا ـ تنزیل عزیز رحیم. والله لااله‌الا هوالحی‌القیوم ـ تا ـ هوالعلی‌العظیم.»

بربدنهٔ شمالی صندوق جنوبی، آیاتی از قرآن مجید به‌این شرح است:

«نادعلیاً مظهرالعجایب ـ تا ـ یاعلی یاعلی یاعلی.» (عکس شمارهٔ ٤٦)

دروسط:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یس والقرآن‌الحکیم‌ـتاـعلی‌صراطمستقیم.»

بالای سطر دست راست افقی باخط ریزتر ازمتن، چنین نوشته شده‌است:

«این مشهد منورسادات‌العظام سیدکیامکی معمورساخته است.»

قسمت پائین:

«عمل استادمیرحسن درتاریخ سنه‌احدی‌خمسین وتسعمایه.»

میان سقف بقعه سرکشی (=حمالی) کشیده و واشانها را برروی دیوارها و این سرکش استوار کرده‌اند. روی واشانها پل‌کوبی با درزپوش است.

چهارطرف بقعه ایوان دارد. جلوهریك ازایوانها، هشت ستون باسرستون است. لبهٔ بام چهارپشته است. طاق ایوانها، واشانکشی واز رو پلکوبی بادرزپوش است. طول ایوانها ۸٫۱۰ متروعرض آنها ۲۱۰ سانتیمتراست. لبهٔ ایوانها تکائل مشبك ودر ورودی ایوان نیزمشبك است.

بنای بقعه درجنگلی ازدرختان کیش وآزاد است. علمبندی بقعه شب اول محرم و علم واچینی روزعاشورا بعداز ظهراست. اطراف بقعه قبرستانی است که سنگهای قبور آن مؤخربرسال ۱۲۰۰ هـ. ق. است. پارهای از آنها بدین شرحاند :

«وفات مرحوم مغفورمبرور آقامحمدحسین ولدمرحوم احمدآقانارزی فیغرهرمضان ۱۲۱۳. نشانهها : مهر،تسبیح ، شانه ، انگشتر و رحل.»

«وفات مرحوم کربلائیقربان ولد مرحـوم شمسی ۱۲۲۰ . نشانهها : مهروتسبیح .»

«وفات مرحوم حاجیبابا ولد مرحوم کربلائینصیرصفیآبادی ۱۲۲۱. نشانهها : مهر، تسبیح وشانه.»

«وفات مرحوم میرزاهاشم ولد مرحوم برخورداربیك دیلمانی ۱۲۲۹. نشانهها : مهر، تسبیح ، انگشتر، شانه ، قلمدان واسب.»

بقعهٔ پیله همشیرهخانم[1]

درهمین محل بقعهٔ دیگری بهنام پیله همشیرهخانم یعنی همشیرهٔ بزرگ ، است. اطاقیاست زگالی باصندوقی چوبین بزرگ دروسط. سقف بقعه واشانکشیو پلکوبیاست. چهارطرف بقعه ایوان دارد. سقفایوانها نیز واشانکشیاست وبعضی قسمتهایآن پلکوبی با درزپوش است. هرایوان هفت ستون چهارسو با سرستون دارد. لبهٔ بام دوپشته و بـامبنا، سفالسراست. سه سرداب عظیم در اینبقعه است.

۱ـ«پیله» درلهجهٔ گیلکی بهمعنی «بزرگ» است.

بقعهٔ کوچه همشیره[۱]

بقعهٔ کوچه‌همشیره یعنی همشیرهٔ کوچك، بنائی ساده و گلی است. ایوانی جلو در ورودی است. لبهٔ بام پره‌ای وبام آن سفال‌سراست. این بنا درمیان‌جنگلی از درختان کیش است.

بقعهٔ سیدابو نصار بن موسی بن جعفر علیهما السلام درده‌کدهٔ پائین مالفجان‌سیاهکل

بنای اصلی زکالی وشامل یك اطاق و چهار ایوان است. صندوقی بزرگ سادهٔ تخته‌ای در وسط اطاق است. چهار طرف ایوان دارد و هر ایوان دارای شش ستون هشت‌ضلعی با سرستون است. تکائل ایوان تخته‌ای است. سقف ایوانها و بقعه واشان‌کشی واز رو پل‌کوبی با درزپوش است. لبهٔ بـام سه‌پشته و بام سفال‌سر است. درورودی ایوان وبقعه، شمالی است وپنجرهٔ کوچکی طرف شرق بقعه دارد. این بقعه میان انبوهی ازدرختان کیش و آزاد است. محیط یکی از درختان کیش ۱۲۵ سانتیمتر بود.

بقعهٔ آقاسیدبازو در بالامحلهٔ مالفجان سیاهکل

بنای اصلی بقعه اطاقی زکالی است که چهارطرف آن ایوان دارد. هرایوان دارای پنج ستون چهارسو با سرستونهای قدیمی است. صندوقی سادهٔ تخته‌ای، در میان اطاق است. سقف بقعه واشان‌کشی و پل‌کوبی است. سقف ایوانها پل‌کوبی ندارد. سراسر بام لت‌پوش است. بنای بقعه درمیان جنگل انبوهی از درختان کیش وآزاد کهنسال است. علم‌بندی این بقعه سوم محرم و علم‌واچینی شب قتل امام‌حسن‌علیه‌السلام یعنی عصر بیست‌وهشتم صفر، است.

۱ـ «کوچه» درلهجهٔ گیلکی به‌معنی«کوچك» است.

بقعهٔ آقاسیدمحمدبن امام‌موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در بالامحلهٔ مالفجان سیاهکل

این بنا برسربلندی و مسلط بر بیجارهای اطراف است. بنای اصلی، اطاقی زگالی است که سه طرف شرقی و شمالی و جنوبی ایوان دارد. هریك از ایوانها داری هفت ستون چهارسو است. لبهٔ ایوانها، تکائل کوتاه مشبك است. صندوقی چوبین وساده درمیان اطاق، قبر سیدمحمد را پوشانده است. در ورودی بقعه شرقی است وازطرف غرب پنجره‌ای دارد. سقف اطاق واشان‌کشی وپل‌کوبی است. سقف ایوانها فقط واشان‌کشی است. لبهٔ بام دارای شیرسر و سه‌پشته است. سراسر بام سفال‌پوش است. بنای بقعه در میان جنگلی ازدرختان کیش و آزاد است. علم‌بندی این بقعه سوم محرم و علم‌واچینی آن عصرعاشوراست.

بقعهٔ آقاسیدرضابن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در بالاملحهٔ مالفجان سیاهکل

بنائی ساده باایوانی جلو در ورودی است. این ایوان شش ستون باسرستون دارد. سقف بقعه و ایوان واشان کشی و پل‌کوبی است و روی پلها را درزپوش کوبیده‌اند. وسط اطاق بقعه را سرکشی (=حمال) کشیده وبریك ستون هشت‌ضلعی‌استوار کرده‌اند. بقعه درمیان جنگلی ازدرختان‌کیش وآزاد است. علم‌بندی این بقعه دوم‌محرم و علمواچینی‌آن عصر عاشوراست. سنگ قبری مورخ ۱۲۲۹ـ ه. ق. دراین بقعه دیده شد.

بقعهٔ آقا پیله‌آقا
دردهکدهٔ بیدرون سیاهکل

شامل بنائی سادهٔ زگالی است که دوطرف جنوبی و شرقی آن ایوان دارد. هرایوان دارای پنج ستون چهارسو با سرستونهای قدیمی است. لبهٔ ایوانها تکائل مشبك دارد. در ورودی بقعه کوچك وجنوبی‌است. سقف بقعه وایوانها واشان‌کشی

است. این بقعه درمیان جنگل درختان کهنسال کیش و چهار اصله درخت آزاد قطور است .

بقعهٔ آقاسیدمحمدصالح و آقاسیدسلطان‌حسین پسران امام‌موسی‌الکاظم علیه‌السلام درلمش مهربن[1] سیاهکل

بنای اصلی شامل اطاقی‌است به‌ابعاد ٤ × ٥ متر باخشت و دیوارهای کاهگلی. صندوق چوبین تخته‌ای دروسط است‌که ضریحی مشبك چوبین به‌طول ۲۵۰ و عرض ۲۲۰ وارتفاع ۱۸۰ سانتیمتر اطراف آن است . میان اطاق سرکشی (= حمالی) تراش‌دار برروی دو ستون چوبی بزرگ سرستون‌دارهشت‌ضلعی زیبا، استوار است. سقف بنا واشان‌کشی وپل‌کوبی است ودرزپوشها شکاف پلها را پوشانده است . چهار طرف بقعه ایوان دارد. ازایوانهای شرقی‌وشمالی، دو دربه‌بقعه بازمی‌شود. (عکس شمارهٔ ٤۷) دیوارغربی بقعه پنجره‌ای به‌ایوان غربی دارد. هریك ازایوانهادارای هفت ستون چهارسوی سرستون‌دار است . در ایوان شمالی ، دوستون بزرگتر از سایرستونها است ولاچ‌لنگری مارپیچ راست بدچپ است. سقف ایوانها واشان‌کشی است ومتکی بردوشیرسراست. پل‌کوبی ولبهٔ بام‌آنها سه‌پشته وسراسر بام، سفال‌سر است. جلوچهار ایوان، تکائل تخته‌ای است . علم‌بندی این بقعه دراول محرم و علم‌واچینی بعضی سالها هفتمین روزپس از قتل حضرت سیدالشهدا وبعضی سالها سرمحصول است.

دراطراف بقعه یکی دوسنگ مورخ بداین شرح بود:

«وفات‌محمدقاسم ولدملانصرالله ۱۲۲۱ . نشانه‌ها :مهر، تسبیح ، سرو و دوپرنده بردوطرف سرو.»

«وفات مرحوم‌حسین ولدمرحوم حسن‌خان۱۲۲۳. نشانه‌ها: مهر،تسبیح ،

۱ــ «لمش» بفتح لام وکسر میم وبا صورت اضافه به«مهربن». و «مهربن» بکسرمیم و راء و ضم باء تلفظ می‌شود .

شانه و خنجر.»

«هذا المرحوم صفر ولد چراغعلی ۱۳۳۰. نشانه‌ها: مهر وشانه.»

قلعهٔ لمش
نزدیك دهکدهٔ لمش

بربالای قله‌ای منفرد، آثار قلعه‌ای قدیمی است. امروز محل قلعه و اطراف آن را جنگلی عظیم پوشانده است. (عکس شمارهٔ ۴۸)

بقعهٔ آقاسیدحسین بن امام‌موسی الکاظم علیه‌السلام
درده‌کدهٔ ازبرم[1] سیاهکل

بنای اصلی بقعه ازخشت وطول آن‌ازخارج ۶۲۰ وعرض آن ۵۸۰ سانتیمتر است. صندوقی تخته‌ای ساده در وسط و ضریحی مشباك مورخ صفرالمظفر ۱۳۲۰ــ ه. ق. آن را احاطه کرده است. (عکس شمارهٔ ۴۹) درازای این‌ضریح ۲۴۹و پهنا ۱۴۹ و بلندی ۱۴۶ سانتیمتر است و سقفی افقی دارد. این ضریح ساخت استادمیرزا ابراهیم‌خلخالی شاگرد ملاهادی دیلمانی است. در ورودی بقعه در ایوان شمالی‌باز می‌شود و بردیوارهای شرقی وغربی بقعه دوپنجرهٔ مشباك است.

چهارطرف بقعه ایوان است. هرایوان دارای هشت‌ستون چهارسو است. میان ستونهای ایوان شمالی دو عدد لاچانگری درطرفین در ورودی ایوان، است. سقف بقعه وایوانها، واشان‌کشی وازرو پل‌کوبی‌است. واشانهای ایوان‌که بردیوار بقعه می‌افتند برشیرسر دوپشته‌ای استواراند. لبهٔ بام ایوان سه‌پشته وعرض هریك از ایوانها، دو متر است. سراسر بام بقعه و ایوانها سفال‌سراست. تکائل جلو ایوانها مشباك‌کاری است. زیربنای اصلی سه ردیف سرداب است که جسد مردگان را با کفن در آنها می‌گذارند و سپس در سرداب را می‌چینند. درمحوطهٔ ایوان جسد مردگان را در صندوق می‌گذارند و دفن می‌کنند. علم‌بندی این بقعه روز

۱ــ بکسر الف وسکون زاء وفتح باء و راء.

سوم محرم و علم‌واچینی پس ازبرداشت محصول است . بقعه درمیان جنگلی از درختان کیش و آزاد قراردارد .

سنگ قبری دراین بقعه است که برآن عبارات زیرخوانده می‌شود:

«وفات مرحوم میرزاحسن ولد عالیجناب آخوند ملااسمعیل‌تحریرآفی ذیقعده سنه ۱۲۲۳. نشانه‌ها : مهر،تسبیح ، انگشتر ، شانه ، رحل و قلمدان.»

قلاکوتی کلدم‌سرا ۱

برسرکوهی به نام کلدم‌سرا در چهارکیلومتری سیاهکل

برسرقلهٔ کلدم‌سرا آثار قلعه‌ای قدیمی است . برای رسیدن به‌این‌کوه از سیاهکل به‌مهربن وشب‌خسب‌لات(=شاغوزلات) و کلدم‌سرا می‌روند . ازاین قلعه پایهٔ برجی ازسنگ وآب‌انباری مربع شکل ازآجر وملاط ساروج که طاق آن فروریخته است ، برجای است . برخرابه‌های قلعه درختان عظیم روئیده است .

قلاکوتی کلام‌سر ۲

قلعهٔ‌کلام‌سر بربالای پشته‌ای به نام کرف‌پشته[۳] است . بالای آن پایه‌های بنائی ازآجر و ملاط ساروج دیده می‌شود . آثارسمجی طویل که فرارگاه قلعه بوده‌است، برجای است. دردامن پشته، چشمه‌ای به‌نام «گلزارچشمه» یالالارچشمه» است . اهالی نزدیك به‌چشمه ازآب آن استفاده می‌کنند. درمحل معروف بود که این قلعه یکی از کاخهای خان‌احمدخان گیلانی است .

دزدك ۴

نزدیك چای باغ اکبرخان پرتوی

بربالای کوهی مخروطی شکل قلعه‌ای به نـام «دزدك» است . بناهای این

۱ـ «قلا» شکل دیگری ازقلعه و«کوتی» به‌معنی‌تپه‌است. «کلدم» بضم‌کاف وسکون لام و ضم دال. ۲ـ «کلام» به‌ضم‌کاف به‌معنی«ساختمان گالش‌نشین»است. ۳ـ «کرف» بفتح کاف و راء ودر بیه‌پس گیلان «خرف» بفتـح خاء و سکون راء به معنی«سرخس» است.
۴ـ «دزدك» به‌ضم دال وسکون زاء وفتح دال دوم به‌معنی «قلعهٔ کوچك»است .

قلعه از آجر وساروج بوده است .

کل نادم[۱]

در کیش‌محلهٔ سیاهکل

برسرراه سیاهکل به‌دیلمان ، درجنوب توشی، برقله‌ای‌که مسلط به‌رودخانهٔ شیم‌رود است ، مزار کل‌نادم است . زیر این مزار داخل کوه ، سه‌آب‌انبار قدیمی است که هنوز پراز آب است .[۲]

سیدظهیرالدین در دو مورد برسرراه لاهیجان به‌دیلمان ، از قریهٔ کلینادان یاد می کند. درمورد دوم ، این قریه را جزءِ خاك گوکه می‌داند .[۳]

زیارت دستخط امام زین‌العابدین علیه‌السلام

در دهکدهٔ کلام‌سر[۴] سیاهکل

بنائی‌است دوطبقه وچوبین.(عکس‌شمارهٔ ۵۰) در ورودی بقعه ساده‌وتخته‌ای است که به اطاق طبقهٔ اول بازمی‌شود . بالا وپائین دیوارهای این اطاق تخته‌کوبی است و میان آنهـا درچهار دیوار ، پنجره‌هـای چوبی مشبك است . از طبقهٔ اول بانردبانی‌که درغرب اطاق است به‌طبقهٔ دوم می‌روند . طبقهٔ دوم اطاقی است مربع به‌ابعاد ۲۴۵ سانتیمتر. چهارطرف ایوانی به‌عرض۶۵ سانتیمتردارد . ایوان‌شرقی و شمالی هریك دارای چهارستون چهارسو باسرستونهای ساده و ایوانهای جنوبی و غربی نیز هریك چهارستون دارد . یکی از ستونهای ایوان جنوبی هشت‌ضلعی و ستون دیگری تراش‌داراست . چهـارستون ایوان غربی لاچ‌لنگری است.دوستون لاچ‌لنگری شکسته ویك ستون مارپیچ راست به‌چپ است . طبقهٔ دوم برروی چهار ستون چوبی قطور که دارای تراش است ، استوار است . درمیـان اطاق طبقهٔ دوم صندوقی‌چوبین به‌درازای۶۶ وپهنای۴۴ وبلندی۴۵سانتیمتراست. می گفتندقرآنی

۱ــ بفتح کاف وکسر لام و دال . ۲ــ گیلان دابینو،ص ۲۸۵ . ۳ــ تاریخ گیلانو دیلمستان، ص۴۳۲ و۴۴۶ . ۴ــ بضم کاف وفتح سین .

کوفی به خط حضرت امام زین‌العابدین در این صندوق است . نگارنده برای باز کردن و دیدن صندوق به‌مخالفت متولی روبرو شد که با کمك ژاندارمری سیاهکل، درصندوق را گشود . متأسفانه ازقرآن قدیمی نشانی نیافت وبه‌جای آن قرآنی به‌خط نسخ متوسط دیده شد . کهن‌ترین تاریخ پشت قرآن تاریخ تولد یکی از فرزندان خانوادهٔ صاحب قرآن مورخ ۱۲۰۸ قمری بود . برای استمطار ، صندوقی که قرآن درآن بوده است ازاینجا به‌بقعهٔ دیگری می‌برند واگر باران بابودن در آن بقعه باران نیامد ، باز به‌بقعهٔ دیگری نقل می کنند . بنای چوبین زیارت دستخط درمحوطهٔ وسیعی است که درختان آزادکهنسال برآن سایه انداخته است . مراسم علم‌بندی زیارت دستخط اول محرم ومراسم علم واچینی عصر عاشورا برپا می‌شود.

بقعهٔ آقاسید احمدبن موسی‌بن‌جعفر علیهماالسلام
در دهکدهٔ فشتال سیاهکل

بنای‌اصلی‌بقعه شامل‌اطاقی‌است‌که ازداخل به‌ابعاد ۳۷۰سانتیمتر است. دراین اطاق‌صندوقی‌است‌که آن‌راضریح‌مشبکی‌احاطه‌کرده‌است. درازای‌ضریح ۲۱۴ و پهنا ۱۲۰ و بلندیش ۱۶۵ سانتیمتراست . بالای ضریح باز و بدون سقف وپوشش است . برچهاردیوارداخلی‌نقاشیهای‌مذهبی ودر زیراین‌نقاشیها اشعاری ازهفت‌بند محتشم کاشانی‌است. در ورودی درایوان شمالی‌است. چهارطرف‌بقعه‌ایوانهائی‌به‌عرض ۲۱۰ سانتیمتر است . هرایوان هشت ستون سادهٔ چوبین باسرستون دارد . جلو ایوان تکائل بلند تخته‌ای است . سقف اطاق بقعه لمبه‌کوبی‌ساده بدون درزپوش و سقف ایوانها واشان‌کشی و پل‌کوبی با درزپوش است. مراسم علم‌بندی این بقعه دوم محرم‌الحرام ومراسم علم‌واچینی سوم امام یا روز سیزدهم محرم است . این بقعه علم دیگری دارد که روز بیست وهشتم ماه صفرکه روز قتل امام حسن علیه‌السلام است ، وامی‌چینند . سه‌اصله درخت‌آزاد کهنسال درمحوطهٔ بقعه است که زنجیر بست ، به‌آنهاکوبیده شده بود.

سنگ قبر زیر در این بقعه دیده شد :

«وفات مرحومه فاطمه بنت پنجعلی[1] ۱۲۳۲.»

بقعهٔ آقاسید محمد و آقاسید محمود پسران امام موسی الکاظم علیه السلام در دهکدهٔ لشکریان سیاهکل

بنای اصلی بقعه شامل اطاقی است آجری که از خارج به طول ۵۶۰ وعرض ۳۹۰ سانتیمتر است . دری شرقی ودری جنوبی دارد . هردو در ورودی ، دولنگه و منبت کاری دارای شمسه های خورشیدی است.(عکس شمارهٔ ۵۱)چهارطرف بقعه ایوان دارد . هر ایوان دارای هفت ستون چوبی چهارسو با سرستونهای ساده است . سقف بقعه وسقف ایوانها، واشان کشی و پل کوبی با درزپوش است. لبهٔ بام ، دوپشته و بام بنا، سفال سر است . صندوقی تخته ای ساده درمیان اطاق است که اطراف آن را ضریح مشبك نسبة قدیمی احاطه کرده است. طول ضریح ۲۲۵ و عرض ۱۳۰ وارتفاع ۱۴۰ سانتیمتر است. سقف ضریح گهواره ای وارتفاع آن ۶۰ سانتیمتر است. بردیوار ایوان، اشعاری از هفت بند محتشم کاشانی و تاریخ ۱۲۸۰ هـ . ق . دیده می شود . علمی با رنگ و روغن روی دیوار کشیده اند.(عکس شمارهٔ ۵۲) مراسم علم بندی این بقعه روز اول محرم ومراسم علم واچینی آن روز سیزدهم محرم که سوم امام است، برپا می شود . بنای بقعه داخل جنگلی ازدرختان کیش کهنسال است.

بقعهٔ سیدابراهیم و سیداسماعیل پسران امام موسی الکاظم علیه السلام در دهکدهٔ برفجان[2] سیاهکل

بنای قدیمی بقعه را خراب کرده و بنائی نوساز وسیع به جای آن ساخته شده است .

۱ـ یعنی پنجه‌علی .　　۲ـ بفتح فاء .

کهنه حمام
در دهکدهٔ برفجان سیاهکل

نزدیك بقعهٔ سید ابراهیم وسیداسماعیل‌حمامی قدیمی‌است‌که خرابه‌های آن برجای است. تاریخ بنا وقدمت آن معلوم نشد.

بقعهٔ آقاسید نجف‌الدین بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در پائین محلهٔ چوشل سیاهکل

بنای فعلی بقعه نوساز وآجری است. چهار طرف ایوان دارد. ازهرایوان دری به‌بقعه باز می‌شود. هرایوان نه‌ستون چهارسوی ساده، بدون سرستون‌دارد. لبهٔ ایوانها تکائل تخته‌ای است. سقف بقعه واشان‌کشی و پل‌کوبی وسقف ایوانها فقط واشان‌کشی است. بام سراسر بنا، لت‌پوش است.

بقعهٔ آقاسید قاسم
درخورتو چوشل سیاهکل

بنای اصلی‌بقعه سکتی[1] واطاقی است‌که چهارطرف ایوان دارد. در ورودی بقعه درایوان شرقی است. صندوقی تخته‌ای ساده مرقد را پوشانده است. ایوانها دارای ستون چهارسو وتکائل تخته‌ای است. سقف اطاق واشان‌کشی و پل‌کوبی و سقف ایوانها فقط واشان‌کشی است. بام سراسر بنا، لت‌پوش است.

بقعهٔ آقا سیدخلیل
در بالامحلهٔ چوشل سیاهکل

بنای اصلی بقعه سکتی وشامل یك اطاق است. چهارطرف ایوان دارد. در ورودی بقعه درایوان شمالی است. ایوانها دارای ستون چهارسو و تکائل تخته‌ای است. سقف‌اطاق واشان‌کشی وپل‌کوبی وسقف ایوانها واشان‌کشی‌است. سراسر بام‌بنا، لت‌پوش است.

۱ـ بفتح سین وکاف.

بقعهٔ آقا سیدقاسم
در روراور[۱] چوشل سیاهکل

بنائی است نوساز وشامل اطاقی است که سه طرف آن ایـوان دارد طرف غربی‌بدون ایوان است . ایوانها دارای ستون چهارسو و تکائل مشبك است. سقف اطاق واشان‌کشی و پل‌کوبی و سقف ایوانها فقط واشان‌کشی است . سراسر بام بنا ، لت‌پوش است. این بقعه درمیان درختان عظیم‌کیش و آزاد قراردارد .

باقی بناها و آثار تاریخی خاك سیاهکل

۱ـ بقعهٔ آقا سیدحسین بن‌امام موسی‌الکاظم در بیدرون سیاهکل .
۲ـ بقعهٔ آقا سیدحسین در کته‌شت‌آبادان سیاهکل .
۳ـ بقعهٔ آقا سیدحسین دربازارده .
٤ـ بقعهٔ آقا سیدمصطفی بن عبدالله بن محمد حنفیه درشیکاش .
۵ـ سه‌سرداب دربقعهٔ آقا دوبرادران درسیاهکل محلهٔ سیاهکل.

۱ـ Rowrâvar

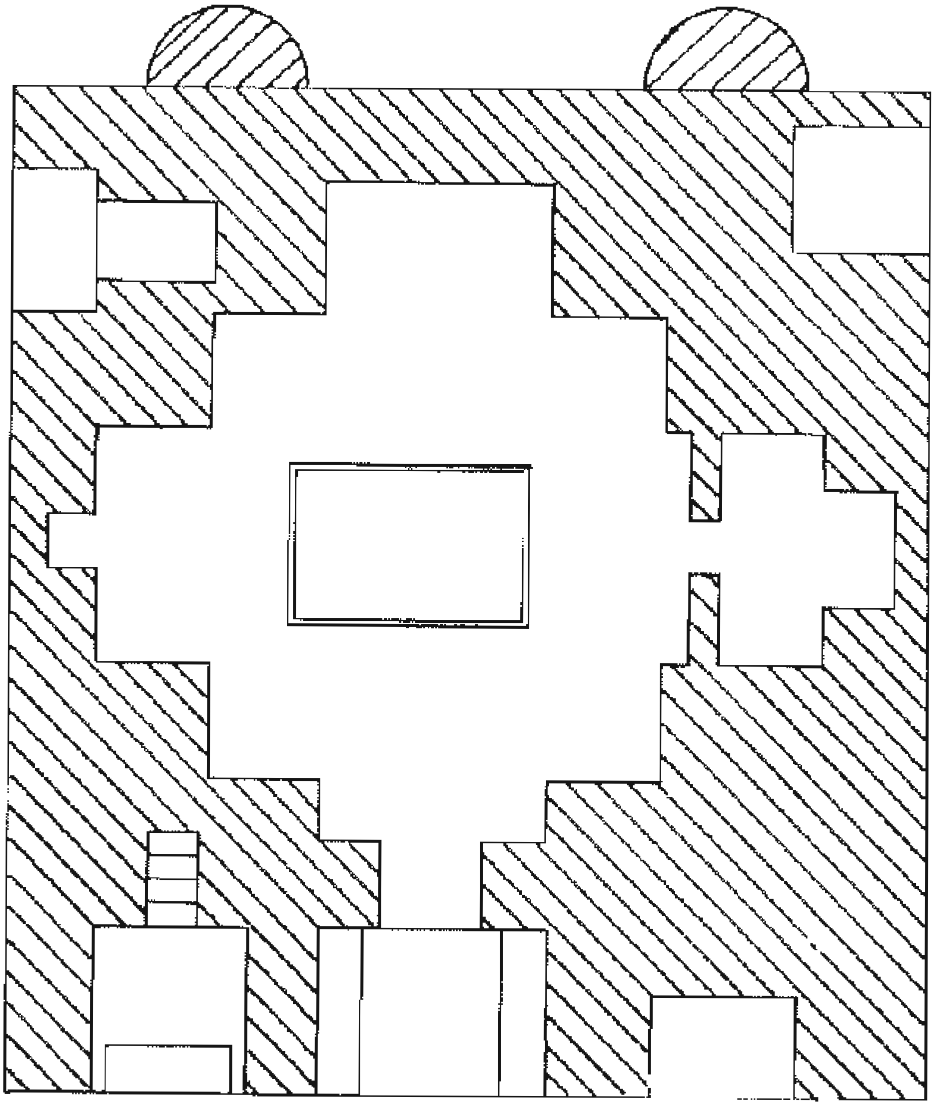

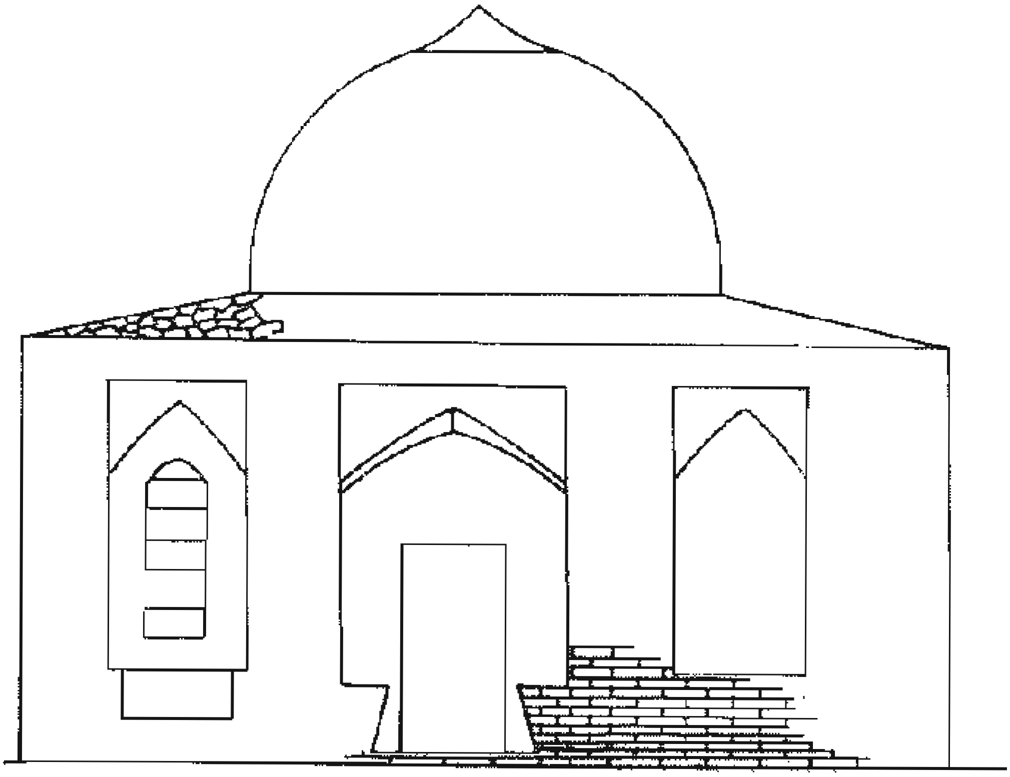

بقعة تورار

بخش هیجدهم

۱- جغرافیای تاریخی لاهیجان

لاهیجان قدیمی‌ترین ومهمترین بخش گیلان است . ازشمال به دریای خزر ، ازمشرق به‌لنگرود و رانکوه ، ازجنوب به‌سمام ودیلمان،ازجنوب‌غربی به‌سیاهکل، ازغرب به سفیدرود و موازی ولشتنشاه ، محدود می‌شود . بیشتر اراضی آن دشت و سهل‌است . فقط چند کوهی درجنوب آن دیده می‌شود . درازی خاک آن ، ازشمال به‌جنوب ، یعنی از مصب قدیمی سفیدرود تا سرلیل ، چهل‌و چهارکیلومتر وپهنای آن از شرق به‌غرب ، یعنی از کیسم به دزبن ، بیست‌و پنج‌کیلومتر است .[۱]

شهر لاهیجان زیباترین شهر شمالی ایران است . این شهر در کنارهٔ راست رودخانهٔ لنگرود (= لاهیجان رودخانه) و درچهل‌و پنج کیلومتری مشرق رشت‌و دوازده کیلومتری لنگرود، بنا شده است . ارتفاع این شهرازسایرشهرهای‌گیلان‌و شمال ایران بیشتر است و چون اطراف آن باز است ، هوایش بهتر از سایر نقاط گیلان است . حمدالله مستوفی ، در قرن هشتم می‌نویسد «لاهیجان شهری بزرگ است و دارالملك جیلانات ، آبش از جبال بر می‌خیزد وحاصلش برنج‌و ابریشم و اندك غله می‌باشد ونارنج‌و ترنج ومیوه‌های گرمسیری فراوان دارد .»[۲] این‌شهر ، روزی مهمترین شهرگیلان ومرکز اصلی اراضی دشت و سهل بوده است .

۱- گیلان رابینو ، ص ۲۹۱ . ۲- نزهة‌القلوب ، ص ۱۶۳ .

بنا بر روایات قدیمی ، این شهر به دست «لاهیج‌بن‌سام‌بن‌نوح» بناشده‌است . درایام گذشته ، به‌نام «دارالاماره» یا «دارالامان» و سپس بدنام «لاهجان المبارك» خوانده‌اند . این شهر ، در سال ۷۰۵ هـ . ق . به دست اولجایتو فتح شد و در سال ۸۰۶ هـ . ق . امیر تیمور ، امیر شیخ ابراهیم را به گیلان فرستاد . امیران گیلان از توجه شاهزاده بالشکری‌گران، خبردار شدند . تحف و هدایای زیاد به‌خدمت تیمور فرستادند . وسید رضای کیا[1] که تواناترین امیران بود ، نزد تیمور رفت‌و قبول مالیات گیلان را کرد . مال گیلان در این وقت ، پانزده هزار من ابریشم و هفت هزار اسب و سه هزار دینار کپکی بود . از مالی که به سیدرضای کیا و امیر محمد رشتی می‌رسید ، ثلثی را به سیدرضا بخشید ومحصلان را دستور داد ثلث‌مال را مطالبه نکنند .[2] پس از امیرتیمور سیدامیرکیا – از سادات کیائی – بر شهر لاهیجان دست یافت . وپس ازسقوط سلسلهٔ کیائی ، حکام صفوی بیه‌پیش ، درآنجا جای گزیدند .

این شهر در دوران زندگی خود گرفتار زمین لرزه‌ها ، آتش سوزیها ، طاعونها و امراض ساری دیگر بوده است .

سیدظهیرالدین می‌نویسد که در زمین‌لرزهٔ سال ۸۹۰ هـ. ق. این شهر قربانی زیاد نداد ، اما حرکت زمین در این شهر شدید بود .[3]

درسال ۹۰۸ هـ . ق . ، لشکریان امیره‌حسام‌الدین‌فومنی ، این شهررا غارت کردند . غنایم ایشان ، شامل نقدینه و جواهر و ابریشم و اسب و قاطر و ظروف مسی وکاسه‌های چینی و قرآن و سایر کتب بود . پانصد تن زنان و دختران‌جوان نیز به دست لشکریان افتاد که بعداً ایشان را به والدین و شوهرانشان فروختند . در سالهای ۹۱۰ و ۹۱٤ هـ . ق . نیز این شهر غارت شد و مهاجمین قلعهٔ شهر را خراب کردند .

۱ــ سیدرضا ازسادات کیائی است که برناحیهٔ بیه‌پیش گیلان حکمروائی داشت ومرکز حکومت او شهر لاهیجان بود . ۲ــ روضةالصفا ، ج ۶ ، ص ۱۴۲ . ۳ــ گیلان سیدظهیرالدین ، ص ۴۳۹ .

بنا بر روایات محلی، در ابتدای سلطنت صفویه ، آتش سوزی بزرگی در شهر روی داد و خانه‌های شهر را که تا بازکیاگوراب ، ادامه داشت ، سوزاند و پانصد دکان قلاب‌دوزی ابریشم را تبدیل به‌خاکستر کرد .

در شوال سال ۱۰۰۰ هـ . ق . که شاه عباس ، پس از آواره کردن خان‌احمد خان ، به‌لاهیجان آمد ، درختان باغ پیش‌قلعه را ریشه‌کن کرد و دوهزار جریب زمین را صاف کرد ومرکز چوگان بازی وقپق‌اندازی نمود . عبدالفتاح فومنی این کینه‌توزی وخرابکاری را چنین شرح می‌دهد :

«روز جمعهٔ هشتم شهر شوال سنهٔ ۱۰۰۰ ، هشت ساعت و هجده دقیقه ازروز مذکورگذشته ، شاه‌عباس به فراز تخت دولت خان‌احمدخان نزول نمود .[۱] وفرمان داد که بیلداران ، باغ پیش‌قلعه را که از انواع و الوان گل و ریاحین غیرت خلدبرین وازوفور اشجار میوه‌دار نمودار سپهر دواربود ، هموار سازند. بیلداران مذکور ، حسب‌الامر عمل نموده وجای‌آن زمین جنت تزئین‌را برهم زده ، اشجارو ازهار و خیابانها را باخاك یکسان نمودند و اثری از آن باقی نگذاشتند و قریب دوهزارجریب زمین را که اکنون به «سبزه میدان»[۲] اشتهار دارد، جهت چوگان‌بازی و قپق‌اندازی ترتیب دادند و درخت قپق نصب کردند. شاه‌عباس‌بنفسه متوجه شده ، به اتفاق امرا ومخصوصان و معتبران ، به‌لعب چوگان‌بازی و قپق‌اندازی مشغول شده ، لوازم وشرایط امور مذکور به‌عمل‌آوردند وکردند آنچه کردند.»[۳]

شاه عباس در سال ۱۰۰۳ هـ . ق .[۴] و دو سال بعد یعنی سال ۱۰۰۵ هـ . ق .[۵] به شهر لاهیجان آمد ودرسال ۱۰۲۴ هـ. ق. ، از راه گیلان[۶] به‌فرح‌آباد مازندران و اشرف‌البلاد[۷] رفت .

۱ـ تاریخ گیلان ، ص ۱۰۳ . ۲ـ این اراضی تاسال ۱۳۳۰ شمسی به‌شکل‌اصلی باقی بود ، ابتدا دوائر دولتی و سپس مردم درآنجا بنا ساخته‌اند . ۳ـ تاریخ گیلان ، ص۱۰۳و۱۰۴. درروضةالصفا، ج۸ ، ص۱۰۸، شرحی دربارهٔ تسخیر گیلان دراین‌تاریخ آمده است . ۴ـ روضةالصفا ، ج ۸ ، ص ۱۱۴ . ۵ـ روضة الصفا ، ج ۸ ، ص ۱۲۱ و ۱۲۲ . ۶ ـ روضةالصفا ، ج ۸ ، ص ۱۷۱ . ۷ـ اشرف البلاد ، بعداً اشرف و امروز بهشهر خوانده می‌شود .

قطب‌الدین لاهیجی مؤلف محبوب‌القلوب، از آتش‌سوزی سال ۱۰۵۸ ه. ق. یاد کرده و بسیار متأسف بوده از اینکه خانهٔ او با کتابخانه‌ای که ششصد مجلد کتاب داشت، سوخته است.[۱] وهمو از زمین‌لرزه‌ای که در روز چهارشنبه عید قربان سال ۱۰۸۸ ه. ق. روی داده است یاد می‌کند و می‌نویسدکه این زمین‌لرزه ده ساعت طول کشید و تمام مساجد، خصوصاً مسجدجامع و مناره‌های آن وامامزاده‌ها و حمامها و پلها و خانه‌های بی‌شمار را خراب کرد.

روسها در سال ۱۱۳۸ ه. ق.[۲] و سپس در سال ۱۱۳۹ ه. ق.[۳] وارد خاک گیلان شدند. درسال ۱۲۱۹ ه. ق. جنرال شفت روسی، از ساحل دریای خزر وارد خاك گیلان شد و میرزا یوسف مستوفی گرجی اشرفی مأمور دفع او گردید. جنرال شفت شکست خورد و از راه آمده بازگشت.[۴]

روسها در دوران تسخیر گیلان، دوقلعهٔ مستحکم درشهر لاهیجان ساختند و خندقی دور شهر کندند. از این زمان، لاهیجان مرکزیت اصلی خود را از دست داد و دهکده‌های بیه‌پیش و بیه‌پس روی در خرابی آورد. زیرا برای این دوناحیه، یك حاکم تعیین شد که مرکز حکومت او شهر رشت بود.

طاعون سال ۱۲۴۷ ه. ق.[۵] از جمعیت شهر لاهیجان کاست و اهالی عمارلو پس از مرگ ابراهیم میرزا درسال ۱۲٤۹ ه. ق.، این شهر را غارت کردند. وبای سال ۱۲٦۱ ه. ق.[۶] و آتش‌سوزی بیست و یکم صفر سال ۱۲۹۷ ه. ق.، لاهیجان را خرابتر از پیش کرد.

فریزر[۷] درسال ۱۲۳۸ ه ق. ، ازسمت رودسر و لنگرود، به‌لاهیجان آمده و دربارهٔ مسیر خود و شهر لاهیجان چنین نوشته است:

۱ــ گیلان رابینو، ص ۲۹۲. ۲ــ روضة‌الصفا، ج ۸، ص ۲۱۹ و ۲۲۰.
۳ــ روضة‌الصفا، ج ۸، ص۲۲۳. ۴ــ روضة‌الصفا، ج ۸، ص۱۶۸. ۵ــ رابینو این ناخوشی‌را وبای سال۱۲۴۸ قمری‌می‌داند.(گیلان رابینو، ص۲۹۳) ۶ــ روضة‌الصفا، ج ۱۰، ص ۶۲. ۷ــ Fraser

«رود شلمان سر راه بود . از پهلوی رشته تپهٔ کوتاهی گذشتیم که در امتداد آن مسیر مـا چندین پیچ می‌خورد . استخرها و آبگیرهای زیادی در کنار این رشته تپه ساخته‌اند. قسمت اعظم مسیر ما به‌طرف لاهیجان ، درراه شاه‌عباسی بود. سنگهائی که روزی برای فرش این راه به‌کار رفته‌بود ، در بعضی‌جاها دیده می‌شد و به اشکال عبور ما ازاین راه می‌افزود . پس از بیست و دو میل راه‌پیمـائی به‌شهر لاهیجان رسیدیم .[۱]

بهترین قسمت راه ، همان راه شاه‌عباسی است که مانند راههای خوب اروپا است ، به شرطی که سنگهای بزرگ در مسیرراه نباشد و فقط روی زیرسازی راه حرکت کنیم . درمحل توقف ما در سرراه امامزاده‌ای بود که شبیه امامزادهٔ ساری است و موضوع جالبی برای بررسی ومطالعه است .[۲] برای اینکه کسی به‌ملاقات من نیاید درکاروانسرای شهر ماندم . اما این عمل مانع دید و بازدید نشد .[۳]

شهر لاهیجان پانزده‌هزار جمعیت دارد . بازار آن مانند بازار آمل ، پر از مال‌التجاره است . ابریشم مال‌التجارهٔ اصلی است و ازاین شهر به رشت و انزلی و اصفهان فرستاده می‌شود . لاهیجان سه‌چهار کاروانسرای خوب ویك مدرسه دارد .[۴]

خسروخان حاکم سابق گیلان ، خریـد و فروش ابریشم را انحصاری کرد ، اما محمدرضامیرزا حاکم فعلی که به رشت آمده است ، آن را از انحصار بیرون آورد .[۵]

روز نوزدهم می ، پس‌ازطی دوازده میل از شهر لاهیجان ، به کنار سفید‌رود آمدیم . از این رودخانه ، با قایقی که پنج شش اسب را باسوار جای می‌داد ، گذشتیم وپس از طی بیست و هشت میل به شهر رشت وارد شدیم .»[۶]

ابت[۷] درسال ۱۲۵۹ هـ . ق . از راه اردبیل وارد خـاك گیلان شد و از رشت

۱ــ سفرنامهٔ فریزر ، ص ۱۱۷ . ۲ــ منظور نویسنده بقعهٔ شیخان‌ور است . ۳ــ سفرنامهٔ فریزر ، ص ۱۱۸ . ۴ ــ سفرنامهٔ فریزر ، ص ۱۱۹ . ۵ــ سفرنامهٔ فریزر ، ص ۱۲۰ . ۶ــ سفرنامهٔ فریزر ، ص ۱۲۲ ــ ۱۲۴ . ۷ــ Abbott

به‌لاهیجان آمد و شرحی که دربارۀ مسیر خود وشهر لاهیجان نوشته است ، از این قرار است :

«از رشت به راه افتادیم . جادۀ ما رو به بدی می‌رفت . از محلی که راهی از آنجا به‌طرف غازیان (= بندر پهلوی) می‌رفت گذشتیم و به‌کوچسفهان رسیدیم . این آبادی دکانهای زیادی داشت . پاره‌ای از آنها درتمام روزهای هفته‌باز است . اما تمام دکانها روز چهارشنبه باز می‌شود . از رشت تا رودخانۀ سفیدرود پانزده میل است . درکنار سفیدرود ، اسبها را در قایق گذاشتیم و آن طرف رودخانه به‌دهکدۀ کیسم وارد شدیم . درشش‌میلی کیسم ، شیم‌رود است، ولی دو دهانه داشت. در ده میلی به‌لاهیجان رسیدیم واز رودخانه‌ای که به‌طرف لنگرود می‌رفت گذشتیم و به شهر وارد شدیم . از شهرلاهیجان بیرون رفتیم و به راهی افتادیم که سنگفرش بود . فرش آن به‌قدری خراب بود که قابل عبور نبود و از راههای فرعی دوطرف جاده عبور می‌کردیم . این راه معروف بـه راه شاه عباسی است و از پـای تپه‌ها می‌گذرد . درحدود دو میل‌ونیمی لاهیجان به‌امامزده‌ای رسیدیم کـه بسیار زیبا و کنار راه است .[۱] درهشت میلی به‌طرف شمال منحرف شدیم و راه شاه‌عباسی را از دست دادیم و به راهی آمدیم که پس از طی دومیل به‌لنگرود رسیدیم .»[۲]

مکنزی[۳] در سال ۱۲۷۵ هـ. ق ، راهی راکه «ابت» طی‌کرده بود ، پیموده و وارد شهرلاهیجان شده وشرح زیر را نوشته است :

«دریك‌فرسنگ‌ و نیمی رشت ، راه پشته‌ای درحدود پانصد فوت است . راه ازاینجا بدترمی‌شود وچاله‌های زیادی دارد. درفاصلۀ سه‌ربع فرسنگی کوچسفهان، به للەرود رسیدیم . پل‌آن خراب بود وما ازطرف چپ پل به‌آب زدیم.[۴] از اینجا به‌بعد ، برروی رودخانه‌ها ، پلهای چوبی‌کوچکی بودکه نبودن آنها بهتر از بودن آنهاست . ازرشت تاکوچسفهان هفت پل برسرراه است . روزهای بازارکوچسفهان

۱ـ سفرنامۀابت، ص ۲۵و۲۶. ۲ـ سفرنامۀابت، ص ۲۸. ۳ـ Mackenzie

۴ـ سفرنامۀ مکنزی، ص۲.

روزهای یکشنبه و چهارشنبه است . پس از حرکت از کوچسفهان از این آبها گذشتیم : سراجو، رودباریك ، اربه‌جو ، تش‌جو، سپس‌وارد محلهٔ پیرموسی‌شدیم و قبل از رسیدن به سفیدرود ، از رشت‌آباد گذشتیم . سفیدرود در یك فرسنگی کوچسفهان است . خاك لاهیجان برساحل راست سفیدرود است . پس ازگذشتن از سفیدرود به بازارکیسم رسیدیم . خارج‌کیسم ، پل آجری زیبائی برروی رودخانهٔ کوچکی ساخته‌اند . فاصلهٔ‌کیسم تالاهیجان سه فرسنگ است وسمت راه ، شرقی و شرق جنوب شرقی است . ازکیسم که بیرون‌آمدیم ازچهار رودگذشتیم وررودخانهٔ پنجم شیم‌رود بود که به سفیدرود می‌ریزد . پلی چهار دهانه دارد که «فریزر» و «ابت» ذکر آن را کرده‌اند.[۱] آخرین رودخانه ، «لاهیجان رودخانه» است . میان کیسم ولاهیجان دهکده‌های‌کولده، تجن‌گوکه و بازی‌کی‌گوراب برسرراه ما بود و چهار امامزاده دیدیم که مهمترین آنها «آستانه» است‌که درحدود یك فرسنگی لاهیجان است . سید جلال‌الدین اشرف پسر امام موسی الکاظم وبرادر امام رضا علیهما‌السلام ، دراینجا به‌خاك سپرده شده است . از «لاهیجان رودخانه» به آب زدیم . عمق آب آن ، دوفوت ونیم بود . کوچه‌های لاهیجان ازرشت پهن‌تراست . دراول شهر تکیه‌ای بودکه بردیوار آن نقاشیهائی از صحرای‌کربلا دیده می‌شد . این نقاشیها کار شوشتری نقاش بود و ایلچی فرنگی بالباس برازنده‌ای نقاشی شده بود .[۲] شهر لاهیجان محلات متعدد به این شرح دارد : خومرمحله ــ پردسر ــ کاروانسرابر ــ شعرباف محله ــ میدان ــ گاوبنه ــ اردوبازار . در این شهرپنج کاروانسرا ویازده مسجد وهشت مناره وهفت تکیه وشش‌مدرسه وده حمام وبیست‌و دو امامزاده است.[۳] مزار ومشهد امامزادگان در ایران زیاد است ولی در گیلان بیشتر از هرجاست . اگر اینان اولاد امامان باشند ، امامان بیش‌از اندازه تولید نسل کرده‌اند.» مکنزی ازسبزه میدان وکوه شاه‌نشین و سمام‌کوه شرحی‌نوشته و

۱ــ سفرنامهٔ مکنزی، ص ۵.   ۲ــ سفرنامهٔ مکنزی ، ص۶ .   ۳ــ سفرنامهٔ مکنزی ، ص ۷.

از شهر خارج شده است.[۱] «از سبزه میدان به راه سنگفرش رسیدیم که مسیر آن به‌طرف مشرق بود واز کنار استخر می‌گذشت و به پوزهٔ کوه شاه‌نشین می‌رسید. استخر لاهیجان درحدود دویست قدم عرض وهفتصد قدم طول دارد. در وسط آن جزیره‌ایست و در جزیره بنائی از دوران قدیم ساخته‌اند. بر بالای کوه شاه‌نشین، خرابه‌های خانهٔ معتمدالدوله دیده می‌شد. پس از گذشتن از استخر، راه باشیبی به‌طرف تپه‌های لیلاکوه می‌رود. عرض این‌راه زیاد نیست و دوطرف آن، درختان جنگلی و بیشتر درختان شمشاد، است. طرف دست‌راست جاده، مسجدی جلب‌نظر می‌کرد. راه ما درحدود هفت میل یکنواخت بود وهمان راه قدیم شاه‌عباسی‌بود. این راه اکنون کمترمورد استفاده قرار می‌گیرد وراههای فرعی طرفین آن‌بیشتر آمد و رفت دارد. درراه اصلی سنگهای فرش‌بیرون‌آمده وگیاهان وحشی‌روئیده و اسباب زحمت کاروانیان است. راه لاهیجان به لنگرود، بهتر از راه کوچسفهان به لاهیجان است. دو تکیه طرف راست جاده است و دریای خزر روزهای صاف از این‌راه دیده می‌شود. امامزاده‌ای طرف‌راست جاده است که شکل عجیب وزیبا دارد.[۲] درنیم فرسنگی لنگرود راه سنگفرش را رها کردیم واز لیلاکوه به‌طرف دست چپ گشتیم و کنار رودخانه‌ای افتادیم. از اینجا راه سنگفرش تازه‌ای بود و چهار پل‌کوچك با وضع بسیار خوبی برسر راه ما بود که از آنها عبور کردیم و به شهر لنگرود رسیدیم.»[۳]

رابینو درسال ۱۳۳۳ هـ. ق.، شهر لاهیجان را دیده است ومی‌نویسد که این شهر هفت محله، دوهزار ودویست وشصت‌خانه باجمعیتی در حدود یازده‌هزار تن، پانزده مسجد، پنج تکیه، بیست و یك امامزاده که شش‌تای آنها متصل به‌مساجداست، حمامهای متعدد، چهار مدرسه، شش‌کاروانسرا و سه‌بازار باسیصد دکان دارد. دراین شهر دو زورخانه نیز بنا شده است. محله‌های شهرلاهیجان

۱ــ سفرنامهٔ مکنزی، ص ۸.
۲ــ منظور نویسنده بقعهٔ شیخان‌ور است که جلب نظر «فریزر» را نیز کرده است.
۳ــ سفرنامهٔ مکنزی، ص۹.

درزمان رابینو به‌نامهای زیر خوانده می‌شدند :

۱ـ خومر کلایه:ـ خانهٔ حاکم شهر نیز دراین‌محله‌است ـ باغریب آباد سیصدو پنجاه در خانه و سه مسجد دارد . یکی از این مساجد معروف به مسجد سلیمانیه است و متصل به مدرسه‌ای است . این محله چهار امامزاده دارد .[1]

۲ـ محلهٔ اردوبازار: این محله نزدیك سبزه میدان است و سابقاً به محلهٔ قلعه مشهور بود. این‌قلعه‌که این‌محله به‌نام‌آن شهرت‌پیدا کرده است، درسال ۹۱٤ قمری به‌دست سربازان امیره‌حسام‌الدین‌فومنی‌خراب شد وسلطان‌احمدخان‌دوسال صرف تجدید بنای آن کرد . درسال هزار هجری، شاه‌عباس دراطراف همین قلعه اردوزد و نام «اردوبازار» ازاین وقت به‌وجود آمد . همین قلعه مدت مدیدی جایگاه حکمرانان صفوی بیه‌پیش بود. پس‌ازاین نمی‌دانیم درچه تاریخی خراب شده است . تپه‌ای کوچك و مقداری‌آجر، محل این قلعه را مشخص می‌کند. این محله سیصد درخانه دارد.[2]

۳ـ محلهٔ میدان: این محله مهمترین محلهٔ شهرلاهیجان است . در اطراف میدانی است که دورتادورآن دکانهائی بنا شده است . بیشتردکانها و کاروانسرای شهر دراین محله است . مزارمورد احترام این‌سرزمین یعنی بقعهٔ چهارپادشاه‌هم، دراین محله است .

٤ـ محلهٔ گابنه : پانصد درخانه در این محله است . بقعهٔ آقاپیرعلی و آقامیرابراهیم وخرابه‌های مسجدی زیبا به‌نام اکبریه که درسال ۱۲۳۹ قمری بنا شده است، دراینجاست . مسجدآقا و مسجدی متصل به‌بقعهٔ آقاپیرعلی نیز دراین محله است .[3]

۵ـ شعرباف محله : که سابقاً به‌نام « کوهستانکی » معروف بوده است .

۱ـ گیلان‌رابینو، ص ۲۹۳ و ۲۹۴. رابینو نام این محله را خرماکلایه ضبط‌کرده و متوجه نشده است که «خومر» به معنی «سفالگر» است. ۲ـ گیلان رابینو، ص ۲۴۹.
۳ـ گیلان رابینو، ص۲۹۷.

دویست و پنجاه درخانه دراین‌محله‌است. ساکنان این محله درزمان رابینوحیدری بوده‌اند. بقعهٔ آقاسیدمحمدیمنی ویك مدرسه و مسجدآقاسیدحسین ودوامامزاده که یکی به‌نام سرم‌علی[1] است، دراین محله است.[2]

۶ ـ محلهٔ پردسر[3]: کلمهٔ «پرد» درگیلکـی به معنی پل است و ترکیب «پردسر» یعنی «سرپل» وچون این محله‌کنار پل تخته‌ای رودخانهٔ لاهیجان بوده، به این نام معروف شده است. پل‌تخته‌ای بعداً آجری شده و هنوز برپاست.

در این محله دو مسجد و مزار ملاعاقل و بقعهٔ آقاسیدابراهیم جزء آثار تاریخی شمرده می‌شود.

۷ـ محلهٔ کاروانسرابر: این محله ومحلهٔ پردسررا چون همجوار هستند، معمولا با یکدیگر نام می‌برند. درتکیه‌ای از این محله بقعهٔ آقاسیدجمال‌الدین اشرف است.

مردم لاهیجان

مردم لاهیجان بیشتر گیلك هستند. گالشهـا درکوه و ارتفاعات وگیلکها در زمینهای هموار و دشت زندگی می‌کنند. از قزوین وطالقان خاندانهائی بدینجـا آمده و مقیم شده‌اند. زبان ساکنان شهرگیلکی است ولی با گیلکی رشت وفومن اختلاف دارد. جمعیت حومه بدون ساکنان شهر به ۴۹۲۳۵ تن می‌رسد. مردم بیه‌پیش‌چون به‌دست ناصرالحق‌مسلمان شده‌بودند،اغلب زیدی بودند. ناصرالحق درفاصلهٔ میان سالهای ۳۰۴تا۳۱۵ ه.ق. فوت شد. دوام این‌مذهب تا زمانی‌بود که کارکیا سلطان‌احمدخان والی بیه‌پیش شد. چون او شیعی اثنی‌عشری شده بود، رعایـای خود را نیز کم‌کم وادارکرد تا به‌این مذهب بگروند. تاریخ این تغییر مذهب ازمادهٔ تاریخ «ترك طریق زیده»[4] معلوم می‌شود.

۱ـ بضم سین وفتح راء. ۲ـ گیلان رابینو، ص۲۹۷. ۳ـ بضم پ و کسر دال وفتح سین به‌معنی«پل». ۴ـ این‌حروف باحساب جمل،معادل سال ۹۶۰ه.ق.است.

۲- بلوك مختلف لاهیجان

۱- کوهپایه و کنار شهر: شامل دهکده‌های اطراف لاهیجان و پای‌کوه در جنوب وشرق شهر.

۲- پشم‌چاه : بدون شك همان بلوك قدیم «پاشیجا» است . درسال ۷۹۱ ه.ق. اشتنشاه قسمتی‌از پاشیجا شد اما کمی بعد به‌دست سید رضی‌کیا ، بخش‌جداگانه‌ای به‌حساب‌آمد. این‌بلوك درشمال لاهیجان تاحاشیهٔ دریای‌خزر وازغرب‌به‌اشتنشاه ، ازجنوب به راه شاهی بالا، ازشرق به راه شاهی پائین محدود می‌شود.

۳- کنارفریضه و راه شاهی پائین: درشمال لاهیجان واز شمال به‌دریای‌خزر، از غرب به پشم‌چاه ، از جنوب به سفیدرود و راه شاهی بالا و از شرق به لنگرود محدود می‌شود .

٤- راه شاهی بالا : درجنوب راه شاهی پائین وغرب جنوب غربی لاهیجان ، از مشرق به‌کوهپایه و کنارشهر و از جنوب به‌گوکه محدود می‌شود .

۵ - گوکه : در غرب لاهیجان ، بر کنارهٔ راست سفیدرود ، از شمال و شرق به راه شاهی بالا ، از جنوب به سیاهکل و ازمغرب به سفیدرود محدود می‌شود .

٦- چهار ده : درحقیقت شامل شش دهکده بر کنارهٔ چپ سفیدرود روبروی گوکه است که متعلق به بلوك موازی بود .

۷- اشتنشاه : سابقاً جزء لاهیجان بود . غیرازدهکده‌هائی‌که متعلق به‌خان لاهیجان بود ، در زمان خسروخان و منوچهرخان که دهکده‌های آن را خریدند، بلوك جداگانه‌ای شد و این دهکده جزء زمینهای شاهی درآمد .

در زمان رابینو درحدود شصت سال‌بوده‌که لنگرود از لاهیجان جدا شده و جزء رانکوه به حساب رفته است .

راهها

لاهیجان بر سر راه رشت به رودسر است . راه قدیم شاه عباسی از لاهیجان

ازراه ملاط به‌تمیجان رانکوه می‌رفت. آثار آن تقریباً ازمیان‌رفته‌است. چندمتری ازراه سنگفرش جلو ملاط باقی است.

۳- بناها و آثار تاریخی محلهٔ اردوبازار لاهیجان

بقعهٔ آقا سید احمدبن امام موسی الکاظم علیه‌السلام معروف به‌آقا میرشهید

بنای اصلی بقعه شامل اطاقی است به‌ابعاد ۴۸۰ سانتیمتر که چهارکنج آن را با چهارگوشوار جمع کرده‌اند وبالای آن راگنبد مدوری زده‌انـد و طاق‌گنبد را با شیشه‌های رنگین، شیشه نشان کرده‌اند. این بنا دارای چهار در، درچهار جهت اصلی‌است. درهای‌غربی وشمالی هریك دراطاق بزرگی باز می‌شود و درهای‌شرقی و جنوبی‌هریك به‌ایوان بزرگی راه دارد. درها چوبین وساده، ارتفاع هریك۱۹۰ و عرضشان ۱۲۰ سانتیمتراست. بالای هریك با کچ‌کاری مشبك، خفنگی‌ساخته‌اند. (عکسهای شمارهٔ ۵۳ و ۵۴) سردرگاهها وطاقهای‌گوشوارها، طاق جناقی تیز است. برکمربند گنبد، اشعاری ازهفت‌بند محتشم‌کاشانی ودر فواصل مصراعها «یا حسین مظلوم» باخط نسبةً خوش، گچ‌بری شده است.

رقم آخرکتیبه چنین است:

«حرره علی‌نقی خلف صدق آقا میرزا علی‌رضا ۱۲۰۶».

مرقـد در وسط بنا، ازگل وگچ ساخته شده و اطـراف آن ضریحی چوبین مشبك ظریف است. (عکس شمارهٔ ۵۵) طول این ضریح ۲۶۰ سانتیمتر وعرض آن ۱۸۳ سانتیمتر وارتفاعش ۱۶۷ سانتیمتر است. برحاشیهٔ بالای بدنهٔ جنوبی ضریح این عبارات با خط نستعلیق متوسط خوانده می‌شود:

«لااله‌الاالله محمدرسول‌الله علی‌ولی‌الله

چون محمدمحسن ازاخلاص‌دل این‌کارخیر

کرد یارب سعی‌او گردد دراین درگه قبول

همچو محسن سائل است تاریخ سال این ضریح
زد رقم گردد بگرد مرقد آل رسول
سنه ۱۱۳۳ عمل استاد حسین منجیلی.»

طول ایوان جنوبی بقعه ، ۱۲٫۵ متر و عرض آن ٤٥ سانتیمتر است. دراین ایوان ، یازده ستون چهارسو است که هفت عدد آنها سرستون دارد. ایوان شرقی به طول ۱۰٫۵ متر و عرض ۳۰ سانتیمتر است . طاق هردو ایوان لمبه‌کوبی است . لبهٔ بام سه‌پشته و بام‌بنا، سفال‌سر است . بالای در ورودی نقاشی نسبهٔ ظریفی است . (عکس شمارهٔ ٥٦)

علم بزرگی دراین بقعه است که مطالب روی آن به‌علت زنگ زدگی خوانده نشد. درقسمت مشبک‌کاری علم «تسبیح بحمدربك» خوانده شد. برحاشیهٔ بدنهٔ اصلی علم ، نام دوازده امام حك شده است .

سنگ قبری ازمرمر به‌درازای ۹۲ و پهنای ٤۲ سانتیمتر درایوان بقعه قرار داردکه این عبارات برآن حك است : (عکس شمارهٔ ٥۷)

«سنه هوالحی‌الذی‌لایموت ۱۲۲٤
از بار گنه شد تن مسکینم پست
یارب چه شود اگر مرا گیری دست
گر در عملم آنچه تو را شاید نیست
اندر کرمت آنچه مرا باید هست
میرزا احمد بود پاکیزه فرزند رسول
آنکه در ماتم او بس دل‌عالم‌شد ملول
ارشد اولاد مؤمن بضعهٔ میرزا قوام
کرد درفردوس اعلی پیش جدش او نزول
خامهٔ انشاء بتاریخش نوشت‌و عقل گفت
میرزا احمد بشد فرمان حق بادا قبول»

رابینو از بقعهٔ میرشهید یاد می‌کند و می‌نویسد که نزدیک سبزه‌میدان بنائی است که مرقد میرشهید است. این سید از فیروزکوه بدینجا آمد و در این محل در قرن هشتم هجری کشته شد.[۱]

بقعهٔ آقا میرشمس‌الدین بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام

رابینو چند سطری دربارهٔ این بقعه به شرح زیر نوشته است:

«بنائی است در محلهٔ اردوبازار که مسجدی بدان متصل است. مرقد میر-شمس‌الدین صندوقی دارد که بر یك طرف آن عباراتی است که نشان می‌دهد، اینجا مدفن میرشمس‌الدین موسوی است. ساختن این صندوق در سال ۱۰۱۷ قمری شروع شده و کتیبه‌های آن به خط سید محمدبن داود کیا است. بر طرف دیگر صندوق نوشته است. این صندوق که مرقد امیرشمس‌الدین حسینی را پوشانده است، به‌امر خان سلطان بی‌بی، هنگامی که درویش‌قاسم تولیت این بقعه‌را داشت، درسال ۱۰۱۸ به اتمام رسید. هردو کتیبه قلم یك نویسنده است.»[۲]

وضع کنونی بنای بقعه وحسینیهٔ متصل به‌آن

زمین صحن و سطح بنای بقعه، به شکل مربع مستطیل است، که در ضلع جنوبی و شرقی آن از خارج دکانهائی بنا شده است. این دکانها جزء موقوفات بقعه است. قبل از ورود به‌صحن، مدخل شرقی آن جلب توجه می‌کند. بلندی این مدخل ۷ متر و پهنای آن ۳ متر و بر پایه‌های طرفین آن بنائی دوطبقه است که بلندی آن به ۱۲ متر می‌رسد. برهریك از پایه‌ها، دو اطاق و بر بالای بام مدخل نیز یك اطاق کوچك است. بام این اطاق به شکل گنبد کوچکی است که سطح خارجی آن‌از کاشیهای کوچك وظریف سبزرنگ، پوشیده‌شده‌است. برپاره‌ای از این کاشیها حرف «عین» دیده می‌شود. نظیر این مدخل، در اضلاع جنوبی و غربی نیز بوده است که در سالهای اخیر، آنها را خراب کرده و به جای آنها

۱ــ گیلان رابینو، ص ۲۴۹.
۲ــ گیلان رابینو، ص ۲۹۴.

دکانهائی ساخته‌اند. درقسمت شمال صحن، بنائی از چوب به نام حسینیه است که روی در خرابی دارد. (عکس شمارهٔ ۵۸)

بنـای اصلی بقعه از خارج چهارضلعی و از داخل هشت ضلعی و در وسط، صحن است. هرضلع داخلی آن ۲۴۸ سانتیمتر و در هرضلع، درگاهی پنج ضلعی به‌ابعاد ۱۵۸ و ۸۹ و ۸۵ سانتیمتر و به‌عمق ۲۰۵ سانتیمتر است.(عکس شمارهٔ ۵۹) نمای این هشت‌درگاه، کاشیکاری دوران قاجاری است. دور بنا، از داخل ازاره‌ای درهفت‌کاشی و یك لبهٔ حاشیه مانند که عرضش از نیم‌کاشی کمتر است، دیده می‌شود. بلندی این ازاره ۱۲۲ سانتیمتراست. طاقهای درگاهها، مقرنس‌ساده (عکس شمارهٔ ۶۰) و حاشیهٔ هلال طاق، گچ‌بری ظریف دارد .(عکس شمارهٔ ۶۱) بالای‌درگاهها، رف مانندی دورچرخیده است. باساختن گوشواری در زوایای هشت‌ضلعی، هشت ضلعی را به دایره تبدیل کرده‌اند وگنبدی مدور برآن زده‌اند.

چهار در ورودی درچهار جهت اصلی نصب کرده‌اند و بالای هریك خفنگی تعبیه شده است. بالای درهای جنوبی‌و شرقی، دو نورگیر مشبك باشیشه‌های‌رنگین قرار دارد.(عکس شمارهٔ ۶۲) درهای جنوبی‌و شرقی‌و غربی درایوانها بازمی‌شود و درشمالی به حسینیه راه دارد.

درطرفین هلال‌طاق درگاهها، گچ‌بری ظریفی‌است وحد وسط بین دودرگاه، میان هلالین نیز گچ‌بری ظریفی دیده می‌شود. بالای طاقهای هشتگانه، میان دو حاشیهٔ گچ‌بری قصیده‌ای پانزده بیتی با قافیهٔ کاف از گلشن‌تخلصی، باخط نستعلیق خوش،گچ‌بری شده است. ابیات اول و آخر این قصیده چنین است:

«ازآن کیست این خلوتگه پاك

که کمتر پایه‌اش اجرام افلاك

پی تاریخ وی گلشن همی گفت

جنان بنهاده اینجا چهره درخاك»[۱]

۱ــ ماده‌تاریخ معادل ۱۲۷۴ هـ.ق. است.

در این قصیده نامی از میرشمس‌الدین است که او را فرزند هفتم قبلهٔ دین دانسته است و یادی از عباس نامی می کند که در دوران سلطنت ناصرالدین شاه، این بقعه را بنا کرده است.

کف بقعه ازکاشیهای مربع به‌ابعاد ۲۵ سانتیمتر، فرش شده است در سال ۱۳۴۸ شمسی مشغول آئینه‌کاری طاق بقعه بودند.

در شرقی به ایوانی بزرگ به طول ۱۴٫۵ متر و عرض ٤ متر باز می‌شود. ازارهٔ این ایوان با کاشیهای هشت ضلعی، کاشیکاری شده است. این ایوان دارای چهار فیلپای آجری‌است که قسمت پائین‌آنها مربع و وسط آنها هشت‌ضلعی و قسمت بالای آنها نیز به‌شکل مربع است. برچهارطرف هریك ازاین فیلپاها «کل‌شیء هالك‌الاوجهه» گچ‌بری شده است. گچ‌بری فیلپاها پرکار و حاشیهٔ ظریفی دارد. سه حمال بزرگ روی این فیلپاهاست و واشانهای سقف روی حمالها می‌آید. سقف ایوانها از رو پل‌کوبی و لبهٔبام سه‌پشته و سراسر بام‌و گنبد، سفال‌سر است. (عکس شمارهٔ ۶۳) در شمالی به‌ایوانی که دارای دو ستون سرستون‌دار است، باز می‌شود. کاشیهای ازارهٔ این ایوان، شش‌ضلعی و گچ‌بریهائی به‌شکل حاشیه‌بندی دارد. و دو در به دو اطاق زاویه دراین ایوان است.

در غربی به حجره مانندی که مدفن افراد محلی است، باز می‌شود ودو در به‌دواطاق زاویه وسه در و سه پنجرهٔ نورگیر به‌خارج دارد.

ایوان جنوبی دارای دوستون باسرستون و تکائلی آهنی است و دو در به دو اطاق زاویه دارد. اطاق زاویهٔ جنوب‌شرقی آن کفش‌کن است. زائران از پلکانی از طرف جنوب به‌پاگرد می‌آیند و ازآنجا به ایوان بزرگ شرقی و سپس از در شرقی به حرم وارد می‌شوند. نقش دو علم بردوطرف در ورودی بقعه است.

صندوق مزار، در وسط بنای اصلی و اطراف آن ضریحی مشبك چوبین به‌درازای ۳۰۵ وپهنای ۲۰۵ وبلندی ۲۰۵ سانتیمتر قرار دارد. بلندی خودصندوق ازسطح زمین بالغ بریك متراست. در وسط گنبد بالای ضریح، چلچراغی بلورین

آویخته است .

کتیبه‌های صندوق بدین شرح است :

درحاشیهٔ بالای دور صندوق :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یس والقرآن‌الحکیم ... الخ .»

بر بدنهٔ جنوبی صندوق عبارات زیر به‌خط نسخ متوسط ، دیده می‌شود :

« انما هوالعالم بما فی‌الصدور وناشرالاموات من القبور هذا المشهد للسید المؤید امیرشمس‌الدین‌الحسینی‌رحمه‌الله و وقفت هذا الصندوق خلاصةالعفایف خان‌سلطان تی‌تی فی‌زمان تولیت فخرالمشایخ درویش قاسم سنه ۱۰۱۸ .»

کتیبهٔ وسط بدنهٔ جنوبی :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الله لااله‌الاهوالحی‌القیوم-تا-هوالعلی‌العظیم. کتبه سیدمحمدبن داود کیا . »

برطرف دیگر همین بدنه :

«این صندوق مشهد منور معطر امامزاده واجب‌التعظیم و التکریم امیرشمس‌الدین‌الموسوی علیه‌الرحمة والمغفرة درسنهٔ سبعةعشروالف صورت اختتام یافته است .»

رابینو درسفرنامهٔ خود متن این دو کتیبه را باکمی اختلاف آورده است .[۱]

علم‌بندی این بقعه عصر پنجم محرم وعلم واچینی غروب روز عاشوراست .

بقعهٔ حسن‌بگ دشت

بنای اصلی بقعه ، اطاقی ساده است . مرقد و مزاری در آن نبود . بتازگی مشتاقعلی نام - از دراویش لاهیجان - را در آنجا بـه خاك سپرده‌انـد . جلو بنا ایوانی است که بردیوار آن مناظری از صحرای کربلا نقاشی شده است . (عکس شمارهٔ ٦٤)

۱- سفرنامهٔ مازندران واستراباد ، ص۵۹ و ۶۰ .

بقعهٔ آقامیرصادق[1]

بنای اصلی بقعه، مربع شکل به ابعاد ٤٥٥ سانتیمتر است. سه در ورودی درسه جهت شرقی و جنوبی و غربی دارد. درها تخته‌ای ساده به‌بلندی ۱۹۸ و پهنای ۱۳۸ سانتیمتر است. بالای هریك خفنگی مشبك‌چوبین ظریف است. با ساختن چهارگوشوار درچهارکنج، مربع‌را به‌شکل دایره درآورده و گنبدی مدور برآن زده‌اند. گوشوارها دارای طاقهای جناقی تیز است.

صندوقی ساده‌و چوبین بدون نقش وکنده‌کاری در وسط و ضریحی مشبك چوبین ظریف به‌درازای ۲۷۰ وپهنای ۱۶۲ و بلندی ۱۵۳ سانتیمتر اطراف صندوق است. (عکس شمارهٔ ٦٥) خارج دیوار بقعه، گچ‌بریهای ظریف وزیرسقف‌حاشیه‌بندی دارد. بردیوارها نقاشیهای مذهبی ومناظری ازصحرای کربلاست.

طرف شمالی بقعه، آبدارخانه وانبار ودرهای جنوبی و غربی و شرقی به‌مسجدی تازه‌ساز، باز می‌شود.

علم بقعه برنجی و نسبةً قدیمی است. بریك طرف آن «یاالله یامحمد یاعلی فتح‌لك ۱۲٤۲» خوانده می‌شود. بربدنهٔ اصلی علم «الله محمد علی فاطمه حسن‌و حسین ـ یامنان یاحنان» حك شده ومیان این‌قسمت «یاحسین شهید» مشبك‌کاری گردیده‌است. درهمین‌قسمت «ماشاءالله ـ لاحول ـ ولا ـ قوة ـ الابا ـ الله» خوانده می‌شود. برطرف دیگرعلم «فاطمه ـ حسن ـ حسین ـ نصرمن ۱۲٤۲ ـ انافتحنا ۱۲٤۲» حك شده است.

سبزه‌میدان و بناهای شاه‌نشین

سبزه‌میدان درمشرق شهرلاهیجان است ودرمشرق‌سبزه‌میدان‌کوههای‌کوتاه جنگلی خرم شاه‌نشین است. پای این کوه استخری به درازای هفتصدگام وپهنای دویست‌گام که مخزن‌آبی برای آبیاری مزارع برنج است، دیده می‌شود. دروسط این استخر روی جزیرهٔ کوچکی بنائی قدیمی وجود داشته است. رابینو از قول

[1]ــ قسمتی ازمحلهٔ اردوبازار امروز به‌نام محلهٔ «آقاصادق» معروف‌است.

امین‌الدیوان می‌نویسد که پادشاه لاهیجان در این عمارت بود و یکی از فرستادگان روسیه به‌خدمت اورسید. شاه برای اینکه قدرت و تسلط خود را به افراد و رعایا، حتی جانداران وحشی این مرزوبوم به او نشان دهد، شب هنگام که قورباغه‌ها سروصدای زیادی می‌کردند وسفیررا ناراحت کرده بودند دستورداد، روده‌هائی را که قبلا برای‌این‌کار آماده کرده بودند بادکردند ودراستخر انداختند. قورباغه‌ها روده‌ها را مار انگاشتند و فوراً ساکت شدند. فرستاده از این امرمتعجب شد و قدرت و تسلط اورا تصدیق کرد.

ازاین کاخ که متعلق به میرزاکاظم بوده است درزمان خچکو[1] چندآجری باقی مانده بوده است. خچکو می‌نویسد که این آجرها بسیار زیبا و خوش‌تراش بوده‌اند.

دو بنای معتمدالدوله را هم مکنزی دیده است و می‌نویسدکه هردو درپای کوه شاه‌نشین بنا شده‌اند ودریای خزرچشم‌انداز این دو بناست.[2]

باقی بناها و آثار تاریخی محلهٔ اردوبازار لاهیجان

۱ـ بقعهٔ چهل‌گیسو.

۲ـ مسجد پاشویان. ظاهراً بامسجدی که سید ظهیرالدین درتاریخ گیلان و دیلمستان ص ۲۶، از آن یادمی‌کند، یکی است.

۳ـ مسجد متصل به‌بقعهٔ آقا میرسید شهید.

۴ـ بقعهٔ آقاسید رسول.

۴ـ بناها و آثارتاریخی محلهٔ پردسر[3] لاهیجان

بقعهٔ ملاعاقل[4] (= عاقلیه)

بنای اصلی بقعه شامل اطاقی است به طول ۵۶۰ سانتیمتر و عرض ۵۰۰

۱ـ Chudzku ۲ـ گیلان رابینو، ص ۲۹۹. آقای ابوالقاسم غمگسار درسالنامهٔ دبیرستان ایرانشهرلاهیجان درصفحات ۱۶ و ۱۷ و ۱۸، مطالبی دراین‌باره نوشته‌اند.
۳ـ بضم پ وکسردال. ۴ـ گروهی این بقعه‌را به‌نام «ملاعقیل» می‌شناسند.

سانتیمتر. حمالی درمیان درطول قرار داردکه واشانهای طاق برآن متکی است . کف اطاق گچ وخاك است . طاق لمبه‌کوبی وبام سراسربنا ، سفال سراست . درهای ورودی بقعه شمالی وشرقی‌است وهریك به‌ایوانی‌باز می‌شود . جلوهریك‌ازایوانها چهارپایهٔ آجری نظیرفیلپاست.[۱] پائین وبالای پایه‌ها مربع ومیان‌آنها هشت‌ضلعی است . محیط این هشت ضلعی بالغ بر ۲۱۶ سانتیمتر است . (عکس شمارهٔ ۶۶) درغربی به مسجد محقری باز می‌شود که فعلا متولی درآن ساکن است . قبری به‌درازای ۱۸۹ وپهنای ۸۶ وبلندی ۴۰ سانتیمتر دراین اطاق است . این‌قبر روزی پوشیده از کاشیهای هشت‌ضلعی گلدار بوده است . این کاشیها امروز به‌هم‌خورده و مقداری ازآنها درروی قبر وپهلوهای آن به‌طور نامنظم به‌کار رفته است.(عکس شمارهٔ ۶۷) فواصل قسمتهائی‌که کاشیکاری‌آن مرتب است ، کاشیهای ستاره‌ای‌به‌کار برده‌اند . طول هرضلع کاشیهای هشت ضلعی، ۵٫۵ سانتیمتر وفاصلهٔ دوضلع مقابل ۱۲ سانتیمتر است . عبارات زیر روی کاشی شکسته‌ای که در روی قبر است ، به‌نظر رسید :

« بولایتك یاعلی یاعلی یاعلی بتاریخ شهر محرم‌الحرام سنه تسع و تسعین و [تسعمایه ؟].»

قبرهای این‌بقعه سه مرتبه‌ایست. یعنی‌سه‌جسد برروی‌هم در دخمه‌هائی که طاقهای مدورآجری دارند ، نهاده شده‌است . اطراف بقعه درختان آزاد ، چنار و لی(= نارون جنگلی)، دیده می‌شود .

بقعهٔ آقامیرجمال‌الدین اشرف بن‌موسی الکاظم علیه‌السلام

بنای اصلی بقعه اطاقی است به‌طول ۶۹۰ وعرض ۳۸۰ سانتیمتر که در آن ضریحی مشبك چوبین نزدیك به‌ضلع شمالی قرار گرفته‌است . درازای این‌ضریح ۲۰۸ وپهنای آن ۱۳۰ وبلندی آن ۱۲۸ سانتیمتر است که روی پایه‌ای به‌ارتفاع ۲۰ سانتیمتر نهاده شده است . در ورودی درایوان غربی وپهلوی درپنجرهٔ کوچك

۱ـ نیمی ازیکی ازپایه‌های ایوان شرقی در دیوار است.

نورگیری نصب است. درضلع جنوبی بقعه، پنجرهٔ آهنی تازه‌کاری تعبیه کرده‌اند. لبهٔ بام بقعه سه‌پشته و بام آن، سفال‌سر است. درزاویهٔ جنوب‌شرقی حرم، گلدسته‌ایست که بلندی آن درحدود ۱۲ متر است . نمای خارجی آن هشت‌ضلعی است که کاشیکاری سبزرنگ ظریف دارد. داخل گلدسته پلکانی آجری مارپیچ است که تابالای گلدسته می‌رود . بالای گلدسته علمی فلزی است که در هلال صفحهٔ آن «نصرمن‌الله وفتح قریب» دیده می‌شود . در ایوان بقعه سنگ قبری از مرمر به‌درازای ۷۱ و پهنای ۲۳سانتیمتر است که عبارات زیر برآن حك است :

«هو الحی‌الذی لایموت

چون فتاده است مرا برسر این راه گذر

همه کس را بود ای خواجه براین راه گذر

برسر تربت ما چون گذری فاتحه خوان

بدعا روح مرا شاد کن ، آنگاه گذر

وفات مرحمت و غفران‌پناه جنت‌و رضوان آرامگاه‌الواصل‌الی‌رحمت[1] الله‌الملك الغنی کربلائی معصوم طاب‌ثراه و جعل‌الجنة مثواه ابن محمدهادی سنه ۱۱۸۹.»

نزدیك به‌بقعه، مسجدی است‌که دری از ایوان غربی بقعه به‌این‌مسجد باز می‌شود . این مسجد جدیدالبناست و برشالودهٔ مسجدی قدیمی ساخته شده است . بردرهای ورودی مسجد دو قسمت کنده‌کاری برچوب از صندوق یادری قدیمی ، وسط دوقسمت در نصب کرده‌اند وفعلا بارنگ آبی بدرنگی، این نقش‌ونگار زیباو پرکار را رنگ زده‌اند . در مقابل بقعه ومسجد، حسینیه‌ای با بام سفال‌سراست .

بقعهٔ آقاسید مرتضی درگورستان عمومی شهر که درمحلهٔ پردسر قرار دارد

ساختمان قدیمی این بقعه مستطیل شکل بود . درقسمت غربی اطاقی‌مربع

۱ــ ظاهراً باتاءگردصحیح است .

شکل‌قرارداشته‌است که قبر سید مرتضی به‌بلندی ۲۰ سانتیمتردرآن گچکاری شده بود. کف حرم از کاشیهای بزرگ سبزرنگ، مفروش بود. بربالای قبر علمی برنجی به‌ارتفاع یك متر نصب بودکه دروسط هلال آن آیهٔ «نصرمن‌الله وفتح‌قریب» خوانده می‌شد. دردیوارجنوبی حرم پنجره‌های مشبك باشیشه‌های رنگین داشت. اطاق متصل به‌حرم مسجد مانندی بود که دو دیوار آن پنجره‌های مشبك داشت. درجلو بقعه ومسجد، ایوانی سراسری‌بود. درجلو ایوان پنج پایهٔ آجری فیلپا مانند ساخته بودند که سرتال و واشانهای ایوان برآنها متکی بود.

این بنای قدیمی امروز از میان رفته و به‌جای آن بنائی با بتون و آهن ساخته‌اند ومسجد بقعه، مقبرهٔ خانوادگی سرشناسان لاهیجان شده است.

بقعهٔ آقاسید محمد یمنی بن موسی بن جعفر علیهما‌السلام درگورستان عمومی

بنای قدیمی بقعه را خراب کرده وبه‌جای آن بنائی نوساز باآهن وآجرو سیمان ساخته‌اند. ضریح نسبةً قدیمی مشبك به‌درازای ۲۶۰ وپهنای ۱۶۰ وبلندی ۱۴۰ سانتیمتر اطراف مرقد را پوشانده است. سقف این ضریح تخته‌ای و صاف است. (عکس شمارهٔ ۶۸)

باقی بناها وآثار تاریخی محلهٔ پردسر

۱ـ بقعهٔ آقاسیدابراهیم.

۲ـ بنای دومسجد دراین محله.[۱]

۵ـ بناها وآثار تاریخی محلهٔ خومرگلایهٔ لاهیجان

بقعهٔ سیدمحمدرشیدبن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام

بقعهٔ قدیمی با دیوارهای اطراف آن خراب شده بود. بتازگی بنائی تازه

۱ـ گیلان‌رابینو، ص۲۹۸.

به‌جای بقعهٔ قدیمی ساخته بودند . مرقد سید محمد بین دو قبر دیگر که متعلق به دو تن از سران مذهبی بوده‌اند ، قرار دارد . مسجد معروف محلهٔ خومر کلایه متصل به همین حرم است. جرزها و دیوار جنوبی حرم قدیمی است وبقیهٔ بنا را هنگام تعمیر بقعه، مرمت کرده‌اند.

فیلپاهای داخل مسجد نیز قدیمی است و در دیوار قدیمی یك ردیف طاقچه است که بالای آن اشعاری از محتشم کاشانی با حروف برجستهٔ نستعلیق ، گچ‌بری شده است. منارهٔ مسجد هشت ضلعی و قدیمی ودر زاویهٔ جنوب شرقی حرم قرار گرفته است . ارتفاع این مناره درحدود پانزده متر و از راهروی مارپیچی داخلی آن، پس ازبالارفتن بیست وهفت پله به‌گلدسته ومأذنه می‌رسد.

باقی بناها و آثار تاریخی محلهٔ خومر کلایهٔ لاهیجان

۱ـ بقعهٔ آقا سیدعلی‌کیا.

۲ـ بقعهٔ آقا سیداسماعیل.

۶ ـ بناها و آثار تاریخی شعرباف محلهٔ لاهیجان

شعرباف محله سابقاً به نام «کوهستانکی» معروف بوده است . در زمان رابینو(۱۳۳۱ ه.ق.)، دویست وپنجاه درخانه داشت وساکنان آن حیدری بوده‌اند. بقعهٔ آقـا سید محمد معروف به‌یمنی که به قول رابینو شش قرن پیش ، از یمن به‌لاهیجان آمده بود ، دراین‌محله است . دراین محله یك مسجد به‌نام مسجدآقا سیدحسین ویك مدرسه ودو امامزاده که یکی‌ازآنها به‌نام سرم علی[1] است، تازمان رابینو برجای بوده است.[2]

بقعهٔ سید محمد یمنی

این بقعه درمنتهی‌الیه جنوب شرقی شهر درگورستان قدیمی‌لاهیجان،است .

۱ـ بضم سین وراء.   ۲ـ گیلان رابینو، ص۲۹۷.

بنای قدیمی بقعه را درحدود پنجاه سال قبل خراب کرده و بنائی دیگر به جای آن ساخته‌اند. این بنانیز بتازگی تجدید شده‌است . درقسمت شمالی حرم‌آرامگاه خانوادگی یکی ازسرشناسان شهراست .کاشیهای قدیمی‌را دربنای فعلی‌دردیوارها و ستونها تاارتفاع یک‌متر، به‌کاربرده‌اند .

سنگ مزار شعرباف محله

این سنگ درکنار کوچه درمیدانگاه کوچکی است . داخل آن خالی واز خارج به‌شکل مکعب مستطیل به‌درازای۱٦٤وپهنای۳٦وبلندی٦۳ سانتیمتراست. روزهای پنجشنبه وجمعه مردم به‌زیارت‌آن می‌آیند ودورآن‌شمع روشن‌می‌کنند. سابقه وعلت‌احترام سنگ راکسی نمی‌دانست ومتولی بقعه‌هم دراین زمینه‌اطلاعی نداشت . در سطوح جانبی آن آیاتی از کلام‌الله مجید حك شده است که باران و تابش آفتاب آنها را سائیده واز میان برده است . پاره‌ای از نوشته‌های آن بدین شکل خوانده شد :

«قال‌الله سبحانه تبارك وتعالی

قل یا عبادی‌الذین اسرفوا علی انفسهم لاتقنطوا من رحمة‌الله»[۱]

این سنگ درزیر شش درخت‌آزاد نسبةً کنهسال است .

این‌سنگ نظیرسنگ قبرهائی است‌که یکی ازآنها دربقعهٔ پیرقطب‌الدین نزدیك دهکدهٔ باغچه سرای آستارا[۲] ، وهفت عدد دیگر در دهکدهٔ امیر بکندهٔ خشك‌بجار خمام موازی[۳] و یکی ازآنها در سفیدبقعهٔ لنگرود دیده شده است .

مسجد شعربافان

بنای قدیمی مسجد را خراب‌کرده بودند ، وبنائی تازه به‌جای آن ساخته بودند . ازآثار قدیمی این مسجد منارهٔ آجری‌هشت ضلعی است باگلدستهٔ‌آجری،

۱ ــ سورة الزمر ۳۹ ، آیهٔ: ۵۳. پاره‌ای از کلمات این آیه ریخته است .
۲ــ از آستارا تا استارباد ، ج اول ، بخش‌اول ، ص ۲۲. ۳ــ ازآستارا تا استارباد، ج اول ، بخش اول ، ص ۳۰٦.

بام این گلدسته از آجر وهرمی شکل است. (عکس شمارهٔ ۶۹) قبر یکی از امامان جماعت دراین مسجد است.

باقی بناها و آثار تاریخی شعرباف محله

۱ـ مدرسهٔ محلهٔ شعرباف.
۲ـ مسجد آقا سیدحسین.
۳ـ بقعهٔ سرم‌علی.

۷ـ بناها و آثار تاریخی محلهٔ کاروانسرابر لاهیجان

بقعهٔ آقاسید جلال‌الدین بن‌موسی الکاظم علیه‌السلام

این بقعهٔ قدیمی را نیز خراب کرده ونوسازی کرده‌اند. امروز مرقد سید جلال‌الدین، قبری گچکاری درمیان مسجدی نوساز مستطیل‌شکل است. دوفیلپای چهارضلعی در میان بنا ودر طول آن ساخته‌اند وحمالی برروی آنها کشیده و واشانهای سقف متکی به‌آن است. درهای بقعه آهنین وسقف آن لمبه‌کوبی و بام‌بنا، سفال‌سر است.

مسجد قدیمی کاروانسرابر

بنای اصلی وقدیمی مسجد مستطیل شکل باچندین درهای ارسی در ضلع شمالی بود و بالای درها پنجره‌هائی نورگیر باشیشه‌های رنگارنگ داشت. جلو این قسمت ایوانی‌سراسری قرارداشت‌که پایه‌هائی ازآجر برلبهٔ آن بناشده بود. سقف‌واشان‌کشی و بام‌بنا، سفال‌سر بود. این‌بنارا درسال۱۳۴۵ه.ش. خراب کردند و بنائی‌نوساز باتیرهای آهن ودرهای‌آهنین وشیشه‌های مات ومحرابی تازه ساختند.

باقی بناها و آثار تاریخی محلهٔ کاروانسرابر

۱ـ بقعهٔ آقا سیدمرتضی.
۲ـ بقعهٔ آسوم‌علی.

۸ ـ بناها و آثار تاریخی محلهٔ گابنهٔ لاهیجان

بقعهٔ آقا میر ابراهیم بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام

بنای اصلی بقعه در مقابل مسجد اکبریه است و اطاقی ساده به‌طول ۶۰۰ و عرض ۵۳۰ سانتیمتر، است. در ورودی در ایوان غربی است و دو طرف آن دوپنجره دارد. درشمالی به‌انباری بازمی‌شود. سقف ایوان واطاق لمبه‌کوبی‌است. فرش کف اطاق کاشی آبی است. درجنوبی بقعه به‌آرامگاه خانوادگی باز می‌شود. ایوان غربی یازده ستون گرد چوبی دارد. لبهٔ بام یك‌پشته و بام سراسر بنا، سفال سراست.

صندوقی در وسط اطاق به‌درازای ۱۸۵ وپهنای ۹۵ وبلندی ۹۹ سانتیمتر قرار گرفته که اطراف آن را ضریحی به‌درازای ۲۵۷ وپهنای ۱۹٤ وبلندی ۱۵۰ سانتیمتر احاطه کرده است.

برحاشیه‌های بالا وپائین وحاشیه‌های عمودی، سورهٔ مبارکهٔ «یس» حك‌شده است. بربدنهٔ شمالی نام چهارده معصوم داخل هشت‌ضلعی‌هائی روی تخته، کنده‌کاری‌شده است. درهمین بدنه تاریخ ساختن صندوق را بدین ترتیب حك‌کرده‌اند:

«بتاریخ غره شهرذیقعدة الحرام درسنهٔ ساحك‌نو[1] ۱۲۵۳.»

برضلع جنوبی در دوستون این عبارات حك شده است:

«الباعث‌الخیر استاد امیربناالمحله غفرالله لك ولوالدیك وخاجه موسی سویاستری سواب این عمل دست گیرد[کذا] یاالله یامحمد.»

درضلع شرقی صندوق نامهای پنج‌تن حك شده است.

بقعهٔ پیرعلی[2]
درمحلهٔ پیرعلی‌گابنهٔ لاهیجان

طرح بقعهٔ پیرعلی بسیار زیبا وهمانند طرح بقعهٔ میرشمش‌الدین در محلهٔ

۱ـ این حروف باحساب جمل، معادل ۱۲۵۳ نیست.

۲ـ رابینو از بقعهٔ پیرعلی ومسجد متصل بدان یادکرده است. گیلان رابینو، ص۲۹۷.

اردوبازار لاهیجان است . بنای اصلی هشت ضلعی است که طول هرضلع آن ۱۹۲ سانتیمتر است . هرضلع شامل صفه‌ای پنج‌ضلعی است . طول اضلاع بلند دوطرف ۸۵ وطول اضلاع متصل به‌این دو ضلع ۷۳ وطول ضلع مقابل ٤۸ سانتیمتر است . عمق هرصفه ۱٤۵ سانتیمتر وفاصلهٔ میان هردو صفه قسمتی از اضلاع هشت ضلعی اصلی است که طول آنها هریك ۲۰سانتیمتراست . چهاردر، درچهار جهت اصلی‌است که به‌ایوانها باز می‌شود وبالای هردر خفنگی مشبك هلالی است . سقف حرم از داخل ، کوتاه وآجری‌است و برجستگی گنبد بسیار کم وتوسری‌خورده‌است .

در کمربند داخلی‌گنبد ابیاتی ازهفت بند محتشم‌کاشانی نوشته شده است‌که تاریخ‌تحریرآن سال ۱۲۳۵ ه.ق. است . روی این اشعار سیاه است وآثارتعمیر و مرمت دیده می‌شود .

چهارایوان درچهارجهت‌است . عرض‌ایوانها ۱٤۰سانتیمتراست . هرایوان هفت ستون چهارسوی‌پخ‌زده ، دارد. مجموع ستونهاکه همانند یکدیگرند ، بالغ بر ۲۸ عدد است . سقف ایوانها واشان‌کشی و از رو پل‌کوبی با درزپوش است . لبهٔ بام یك‌پشته و سراسربام، سفال‌سراست . کف بقعه باکاشیهای سبزچمنی به‌ابعاد ۲۲سانتیمتر،فرش‌شده‌است. صندوق مزارچوبی‌وساده ودروسط بنا است و برپایه‌ای به‌بلندی‌۲۰ سانتیمتر قرار دارد . درازای صندوق ۲۲۰ و پهنای آن ۱۱۸وبلندی آن ۱۱۵ سانتیمتر است .

اطراف‌بنای بقعه صحن نسبةً وسیعی است. درشمال وغرب این‌صحن‌حجرات حسینیه است. درضلع جنوبی صحن ، تکیه‌ای قدیمی‌است . درازای این تکیه ۲۱ متر وپهنای‌آن ۵ متر است . بردیوار تکیه در دوردیف دو کتیبه است. کتیبهٔ بالا ابیاتی از هفت‌بند محتشم کاشانی است ودرتاریخ ۱۳۲۱ هـ ق. نوشته شده است . جلواین تکیه ایوانی‌سرتاسری است. هشت فیلپا که پائین وبالای‌آنهاچهارضلعی و میانهٔ آنها هشت ضلعی است ، ازآجر دراین ایوان ساخته‌اند . پائین فیلپاهارا در چهار ردیف ازکاشی‌سبزرنگ ، کاشیکاری کرده‌اند. سقف تکیه لمبه کوبی ، لبهٔبام

سه‌پشته و بام‌بنا ، سفال‌سر است.

بقعهٔ آقا میرابراهیم

بقعهٔ آقا میرابراهیم شامل اطاقی مربع شکل است که قبری درمیان آن است. صندوقی ازچوب آزاد براین‌قبراست که اطراف آن ضریحی مشبك است . درحاشیهٔ بالای صندوق سورهٔ مبارکهٔ «یس» حك شده است .

مسجد اکبریه

این‌مسجد شامل سه‌طاق بلند درامتداد هم است‌که برشش پایهٔ اصلی‌بناشده است . (عکس شمارهٔ ۷۰) فاصلهٔ میان پسایه‌های اصلی بنا ۷ متر و عرض و طول هرپایه ۱۲۰ سانتیمتراست . طرفین‌این سه‌طاق اصلی سه‌طاق‌کوچك است‌ومجموع هرسه‌طاق طرفین تقریباً شبیه یك راهرو است . بطن‌بنا آجرهای نازك قدیمی‌و ملاط آن گچ و خاك است. درطرفین محراب ، دواطاق کوچك انبار مانند است‌که درهای بزرگی دارند. دیوارها ، ازفاصلهٔ هشتاد سانتیمتری زمین‌کاشی‌کاری است و تمام کاشیها همزمان بنای مسجد است . اطراف محراب وضلع جنوبی بنا کاشیهای تازه کارکرده‌اند.(عکس‌شمارهٔ ۷۱) بالاسر محراب جدید ، «بسمله وتقدیمی‌حاجی عبدالله یزدان» نوشته شده‌است. طرفین محراب سورهٔ «القدر» تاآخر دیده می‌شود . داخل محراب «الله نورالسموات والارض–تا– وهوبکل‌شیء‌علیم.» نوشته‌شده‌است . مجموعهٔ‌بنا بتازگی‌تعمیرشده‌است.درسمت شمال سه‌در ورودی بزرگ به‌محوطه‌ای که حوض وضو وچاه‌آب درآن‌است، نصب کرده‌اند. گلدسته وقسمتی‌از بنا که زیر آن قرارمی گیرد ، تجدید بنا نشده است . (عکس شمارهٔ ۷۲)

کتیبه‌ای برسنگ بردیوار داخلی مسجداکبریه

« بعهد فتحعلی‌شاه شهریار عجم — طراز افسر کاوس‌و زیب مسند جم
شهنشهی که پی خاکبوس درگه او — قد سپهر زبهرو وجود آمده خم
حریم حرمت اورا همال‌می‌جستم — فتاده وهم در اندیشهٔ حریم حرم

فکنده شمسهٔ چترش چه برزمین پرتو کشوده رایت عدلش چو در زمان پرچم
ظلام ظلم بپوشید روی از گیتی لوای جور نگونسار گشت در عالم
زمین درگه او هست بوسه جای ملوك رواق حضرت او گشت سجده گاه امم
زطوق طاعت او کرده اند زیب رقاب بطوع تاجوران ترك و تازی و دیلم
سپهر جاه علی اکبر آنکه از نامش بود علو و بزرگی ممهد و محکم
به یمن و یسر جهانیش در یمین و یسار که آفتاب نوال است و آسمان کرم
بریده داد وی از صعوه مخلب شاهین شکسته عدل وی از گرگ پنجهٔ ضیغم
زنیش حادثه هر جا که شد دلی مجروح نهاده لطف دل آسای او بآن مرهم
کنم چگونه ز کیفیتش بیان کامد کفش بگاه کفایت فزون زکیف و زکم
کمند فکر بقصر نوال او نرسد بلی بچرخ برین کی توان شد ازسلم
بحکم خسرو عادل بشهر لاهیجان فراز مسند فرماندهی نهاده قدم
بذات کعبهٔ طاعت بجان مدینهٔ علم وز آن مدینهٔ علم آمده است بیش نه کم
بنا نهاد چنین مدرس و چنان مسجد که این مدینهٔ علم است و آن حریم حرم
چه مدرس آمده خاکش چو عنبر سارا چه مسجد آمده آبش چو کوثر و زمزم
چه خاك! عالم از او گر کسی بود جاهل چه آب! روشن از او گر دلی بود مظلم
فروغ دانش لقمان در آن بود مضمر هوای روضهٔ رضوان در این بود مدغم
ز بانی این دو بناشد چو اکبریه بنام بماند نام نکویش همیشه در عالم
نوشت از پی تاریخ هردو کلك صبا شده مدینهٔ علم و حرم قرین بهم[1]

کتبه المذنب زین العابدین کاشانی مستوفی دیوان اعلی ۱۲۳۹ .»

باقی بناها و آثار تاریخی محلهٔ گابنه

۱ـ مسجد آقا.[2]

۱ـ این قصیده باتغییراتی در سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو، ص ۷۳ـ۷۵ آمده است .

۲ـ گیلان رابینو ، ص ۲۹۷ .

بناها و آثار تاریخی محله‌های
میدان و تکیه‌بر و جواهرپشته (= فرخ‌آباد)
بقعهٔ چهار پادشاه[1]

این‌محل درابتدا مرقدسیدخرم‌کیا یا سیدخورکیا مقتول درسال ٦٤٧ هـ. ق. بود. چون سایرسادات‌زیدی کیائی را درجوار سیدخرم کیا به خاك سپردند، این محل به‌نام چهار پادشاه شهرت پیدا کرد.[2]

شرحی که رابینو دربارهٔ این بقعه نوشته، ازاین قراراست:

«قسمت اعظم بنای چهارپادشاه، مزارسیدهادی کیاست. این بنا وقتی برپاشد که اجساد برادرانش سیدعلی‌کیا و سیدحسن کیا و اجساد افراد دیگر یعنی سید-ابراهیم‌کیا و سیدعبدالله کیا پسران سیدعلی‌کیابن‌سیدناصرکیا را در اینجا به خاك سپردند. اینان درسال ۷۹۱ قمری در جنگ رشت کشته شدند. اجساد ایشان پنج ماه پس‌ازکشته شدن بدینجا منتقل شد.»

سیدظهیرالدین دربارهٔ انتقال جسد ایشان چنین نوشته است:

«سیدهادی کیا نزد امیره دباج فومنی فرستادند و بنیاد دوستی و صداقت کردند ورسل ورسایل‌ازطرفین روان‌کردند وقراررفت‌که شهدای رشت‌را به‌لاهجان آرند وهمچنان‌که عهد کرده بودند، امیره‌دباج علما وصلحای آن دیاررا بفرستاد، تا سادات را نبش نموده به مردم لاهجان بسپارند . و از لاهجان علمـا و فقهـا و صلحا و حفاظ و خواجگان معتبر ، مجموع لباس سوگواری دربر کرده با انواع صدقات وموهبات روان گشتند و سادات را ازرشت نقل کرده با تکبیر وصلوات و ختم قرآن وفقرا و مساکین را صدقات وهبات به نیت ارواح مطهرهٔ سادات کرام تقسیم نمایان به‌لاهجان درآوردند و سیدهادی کیا با فرزندان و سایر بزرگان پا-برهنه به استقبال اقدام نمود وبه سر بازار لاهجان به قرب جوار سید مغفرت‌پناه

۱ــ ثبت تاریخی‌این‌بقعه به‌شمارهٔ ۳۲۲ ودرفهرست‌بناهای‌تاریخی‌واماکن‌باستانی‌ایران ص۱۳۰، شرحی راجع به‌این بقعه است. ۲ــ گیلان ودیلمستان سیدظهیرالدین، ص۹۳.

سیدخورکیا دفن فرمودند. ومردم لاهجان را ازفقها وصلحا وشهریان ولشکریان، آش تعزیت دادند وهفت روز به‌ختم قرآن و خواندن وعظ و تقسیم درهم و دینار جهت رفع مظالم شهدا مشغول گشتند و بربالای آن مزار بنیاد عمارت عالی کردند و جهت مستحقان ومترددان و فقرا و مساکین اوقاف تعیین نمودند.»[۱]

کتیبه‌های صندوقها خوش‌خط ومتعلق به‌قرن هشتم واوایل قرن نهم ه. ق. است. درهای ورودی چوبی است و کنده‌کاری دارد. تاریخ کتیبهٔ آنها به‌۱۰۱۵ه.ق. می‌رسد. دراین کتیبه شجرهٔ نسب سیدخورکیا و نام هدیه کنندهٔ آن یعنی قاضی‌محمدخان، دیده می‌شود. خط کتیبه از محمدبن داود کیا و نجار آن عبدالفتاح لاهیجی است.

در ورودی دیگر کاراستاد شهاب‌الدین بن نظام‌الدین درودگر قزوینی است. کتیبه‌ای دارد که نشان می‌دهد این قسمت از مزار در سال ۷۹۱ ه. ق.، به‌دستور الحاج‌خواجه حاجی‌زنگی‌شاه‌ناظر، ساخته شده است.

بریکی ازصندوقها که برمزار سیدخورکیاست که در ربیع‌الاول سال ۶۴۷ ه.ق. کشته شده‌است، کتیبه‌ایست که نشان می‌دهد، این‌صندوق به‌دستور حاجی‌علی‌بن‌شهاب‌الدین لاهیجی ساخته شده است.

برصندوق دیگر کتیبه‌ایست‌که ازمطالب آن معلوم می‌شود که درزیر این صندوق سیدرضی‌کیا پسر سیدعلی کیاالحسینی متوفی روز اول جمادی‌الاولی سال ۸۲۹ ه.ق.، مدفون است. خط‌کتیبه ازحسین‌بن‌علی‌الصالحی‌الجیلی است. روی پاره تخته‌ای که برای تعمیر صندوق به‌کاررفته است ومربوط به جای دیگر است، نام سیدعلی‌بن‌امیر، خوانده می‌شود.

این‌مزار دوقرآن‌قدیمی دارد، یکی به‌خط کوفی‌است‌که‌چندصفحه‌ای‌ازاول و آخر آن افتاده است. قرآن دیگرمورخ سال ۸۸۳ ه. ق. است وبه‌خط نظام‌الدین بن شمس‌الدین مداحی نوذری است. مسجدی نیز در جوارمزارچهارپادشاه است.[۲]

۱ــ گیلان ودیلمستان سیدظهیرالدین، ص۹۵و۹۶. ۲ــ گیلان رابینو، ص۲۹۵.

مرحوم سعیدنفیسی تحقیقی دربارهٔ مدفونین دربقعهٔ چهارپادشاهان کرده و مطالبی به‌این شرح نوشته است:

«احوال سیدخورکیا درکتاب تاریخ رابینومفصلا نگاشته شده وتنها نکته‌ای که می‌توان از احوال این سیدخورکیا دانست این است که قطعاً او از خاندان سادات معروف به‌کیائی بوده که‌یك سلسلهٔ ایشان در مغرب مازندران دراواخرقرن هفتم و اوایل قرن هشتم حکمرانی داشته‌اند و یك سلسلهٔ دیگر در مشرق گیلان مقیم بوده‌اند ومخصوصاً بعضی ازایشان درلاهجان سکونت داشته‌اند. یکی‌ازسادات این خانوادهٔ دوم معروف به‌سیدامیرکیا به خیال سلطنت گیلان افتاد ودرسال ۷۶۳ رحلت‌کرد وپس‌ازاوپسران وی به‌حکمرانی گیلان رسیدند ومدتی نزدیك به‌۲۳۷ سال یعنی‌ازسال (۱۰۰۰–۷۶۳)، وقتی‌که خان‌احمدخان‌آخرین پادشاه ازاین‌سلسله منکوب شاه‌عباس‌صفوی‌شد وبه‌استانبول فرار کرد، این خاندان درگیلان‌حکمرانی داشته‌اند. سیدخورکیا از همین سلسله بوده است و درلاهیجان ساکن بود و در آنجا به سال ٦٤٧ کشته شد. ازمقامات او والقابی که برصندوق مزار او نوشته‌اند، معلوم می‌شود، درزمان خویش‌یکی ازپیشوایان دینی‌بوده واین نکته‌کاملا باتاریخ موافقت دارد. زیراکه این سلسله پیش ازآنکه به‌سلطنت برسند چه درگیلان و چه در مازندران پیشوایان دین و اولیای مذهب شیعه بوده‌اند وهم در زمانی که حکومت داشته‌اند، پیشوائی دین خودرا با سلطنت توأم ساخته‌اند وچون ازاولاد ائمه بوده‌اند، همواره مردم را نسبت به ایشان اعتقادی بوده است. صندوق مرقد سیدخورکیا نمونه‌ایست ازصنعت مخصوصی‌که درگیلان به‌اوج‌کمال رسیده است و آن عبارت است ازمنبت کاری ونقاشی ونقاری برچوب و به‌اصطلاح صنعتگران، کنده کاری.»

اطاقی جداگانه درشرق بنای چهارپادشاه

اطاقی به‌طول ۷٤٥ و عرض۲۹٥ سانتیمتر در شرق بنای چهار پادشاه است. دراین اطاق صندوقی به درازای ۱۸۰ وپهنای ۱۲۰ و بلندی ۱۰۰ سانتیمتراست.

ازصندوق قدیمی فقط بدنهٔ شمالی آن به‌جای است. سه بدنهٔ دیگر صندوق و قسمت بالای آن به یغما رفته است و به‌جای آن صندوقی کثیف و رنگین ساخته و بدنهٔ شمالی را در آن جای داده‌اند و روی این بدنه را با شیشه‌ای یك پارچه پوشانده‌اند.

بدنهٔ شمالی به‌سه قسمت اصلی تقسیم می‌شود ومیان هر دو قسمت حاشیه‌ای کنده‌کاری دارد. تمام کتیبه‌های این بدنه به‌خط ثلث است. (عکس شمارهٔ ۷۳)

کتیبهٔ افقی بالاوپائین بدنهٔ شمالی:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم‌ق والقرآن المجید ـ تا ـ وعندنا کتاب حفیظ.[۱] بل کذبوا بالحق لماجاءهم ـ تا ـ کل زوج بهیج تبصرة.»[۲]

این عبارات برحاشیهٔ قسمت سمت راست بدنهٔ شمالی این صندوق حك است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم اللهم صل علی محمد المصطفی وعلی المرتضی وعلی البتول فاطمه والسبطین الحسن والحسین وصل علی زین العباد علی والباقر محمد والجعفر الصادق وموسی الکاظم والرضا وعلی محمد التقی و علی النقی الزکی والحسن العسکری حجة‌الله وخلیفته القائم المنتظر المظفر الهادی صاحب العصر و الزمان خلیفة الرحمن سیدالانس و الجان صلوات‌الله علیهم اجمعین حرره العبد الاحقر محمد جعفر بن محمد اللاهجانی عمل استاد رسول نجار بن اکبر قزوینی.»

کتیبهٔ قسمت وسط بدنهٔ شمالی صندوق:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم عم یتسآءلون عن النبأ العظیم ـ تا ـ وخلقناکم ازواجا.»[۳] (عکس شمارهٔ ۷۴)

در ورودی این اطاق در دیوار شمالی و دو پنجره درطرفین آن است. یك پنجره نیز در دیوار غربی اطاق است.

۱ـ سورهٔ ق ۵۰، آیات: ۱ـ۴. ۲ـ سورهٔ ق، آیات: ۵ـ۷ ویك کلمه ازآیهٔ: ۸.

۳ـ سورة النبأ ۷۸، آیات: ۱ـ۸.

دراین اطاق سنگهای قبر مرمر زیادی است که تاریخ آنها میان ۱۲۱۸ و ۱۲۴۳ هـ.ق. است. یکی‌ازسنگها که نقوش‌ناشناخته‌ای برآن بود، جلب نظر کرد. مطالب و نقوش حک‌شدهٔ براین سنگ ازاین قراراست:

«وفات المرحوم المبرور المغفور آقایوسفعلی طاب ثراه فی سنه ۱۲۱۸. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه، خنجر، تپانچه و آلاتی بدین‌شکل.»

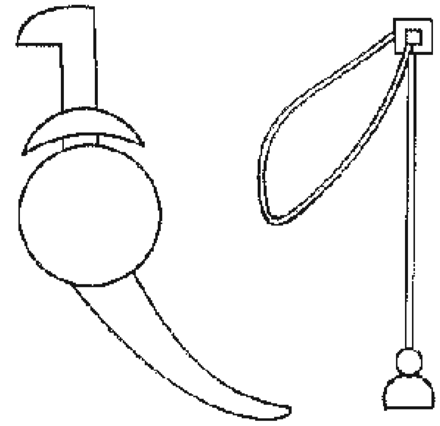

مرحوم سعیدنفیسی درمجلهٔ تعلیم و تربیت دربارهٔ حجرهٔ اول چهارپادشاهان چنین نوشته است:

درحجرهٔ اول‌سه‌قبراست. برصندوق‌اول‌کتیبه‌ایست‌که درآن نام سیدرضی‌کیا بن سید علی‌کیا متوفی در اول جمادی الاولی سنه ۸۲۹ است. این سیدرضی کیا ازهمان سادات سلاطین‌کیائی گیلان است‌که درلاهیجان سلطنت داشته است.

سیدظهیرالدین‌مرعشی‌درتاریخ‌گیلان ودیلمستان،درباب رحلت‌وی می‌نگارد:

«چون ازتقدیر ربانی سال هجری به‌سنهٔ ۸۲۹ رسید،روزدوشنبهٔ غرهٔ جمادی الاولی موافق دوازدهم تیرماه قدیم‌که‌آفتاب جهان‌فروز شب سیزدهم به‌برج‌شرف خودکه اول نقطهٔ اعتدال ربیعی است، تحویل کرد... سیدرضی‌کیا دعوت حق را لبیك گفت.» این تاریخ با تاریخ کتیبه موافقت دارد ومسلم می‌شودکه سیدرضی‌کیا روز دوشنبه غرهٔ جمادی‌الاولی سال ۸۲۹ هـ. ق. درگذشته است.

اما درکتیبهٔ صندوق قبر دوم نام ابوتراب سیدرضابن سیدعلی‌بن سیدامیر کیاست و نسب او تا حضرت رسول درکتیبه آمده است ودرآخر تاریخ آن چنین است:

«فی‌اول جمادی‌الاول یوم‌الاثنین سنة تسع وعشرین وثمانمائه.»

در باب این شخص که معلوم می‌شود از بزرگان سادات صحیح‌النسب و از اولیای زمان خویش بوده است، کتب تاریخ ذکری به میان نیاورده‌اند. همین‌قدر معلوم‌است‌که وی به‌پانزده پشت به‌امام اول علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام، می‌رسیده و جد ششم اوعلی غزنوی‌است. ازعجایب تصادف این‌است‌که این ابوتراب رضابن‌علی درهمان روزدوشنبه غرهٔ جمادی‌الاولی‌سنهٔ ۸۲۹ هـ. ق. که امیرسیدرضی‌کیا، پادشاه گیلان درگذشته است، نیزرحلت‌کرده وشگفت است دونفر که مزار هردو درجوار یکدیگرواقع شده دریك روز رحلت کرده باشند وآنهم یکی سیدرضی ودیگری سیدرضا نام داشته است.

برصندوق قبرسوم نام سیدعلی‌بن امیرالحسینی خوانده می‌شود. این‌شخص پدرهمان سیدابوتراب‌رضا است‌که درسال۸۲۹ هـ.ق. درگذشته است. چون پسر او دراوایل قرن نهم درگذشته، به‌سیاق طبیعت بایستی این پدر از اواخرقرن هشتم و به‌فاصلهٔ سی الی چهل سال پیش از پسرخود درگذشته باشدواین مصادف است با سال ۷۹۹ یا ۷۸۹ هـ. ق.

یك جفت درکهنه در این حجره مانده است‌که‌گویا درزمانهای قدیم دراین حجره بوده وبعدازآن چون‌کهنه شده بود،آن را عوض کرده‌اند وبه‌جای‌آن دری تازه‌ترساخته‌اند. براین‌درنوکتیبه‌ای‌نیست امابردرکهنه‌کتیبهٔ زیرخوانده می‌شود:

«امربعمارة هذه‌البقعة الشریفة الحاج خواجه حاجی زنگیشاه الناظر فی‌سنه احدی وتسعین وسبعمائه عمل استاد شهاب‌الدین‌بن استادنظام‌الدین درودگرقزوینی.»[1]

این در درسال۷۹۱ هـ. ق. ساخته شده وازآن معلوم‌است‌که این‌بقعه را نیز درهمان سال بناکرده‌اند. پس این حدس که سیدعلی‌بن امیرالحسینی به سال ۷۹۹ یا ۷۸۹ هـ. ق. درگذشته است چندان دورنیست وچون بقعهٔ وی را درسال۷۹۱هـ.ق.

۱ ــ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو، ص ۵۷ و ۵۸.

ساخته‌اند، ممکن است وی درهمان‌سال یعنی ۷۹۱ درگذشته باشد و این ظن نزدیك به یقین است.

پس به‌طور کلی بقعهٔ چهارپادشاه، مزارچهارتن از بزرگان لاهیجان است، به‌این شرح:

۱ـ سیدخورکیا متوفی درسال ٦٤٧ هـ. ق.

۲ـ سیدعلی حسینی متوفی درسال ۷۹۱ هـ. ق. (ظاهراً)

۳ـ سیدرضاحسینی متوفی درسال ۸۲۹ هـ. ق.

۴ـ سیدرضی کیا متوفی درسال ۸۲۹ هـ. ق.

از این‌جا معلوم است که نخست سیدخورکیا در سال ٦٤٧ درگذشته و وی را دراین محل دفن کرده‌اند و حجره‌ای و بقعه‌ای برای مرقد وی ساخته‌اند. پس‌از آنکه سیدعلی درسال ۷۹۱ هـ. ق. (ظاهراً) یعنی چهل وچهارسال بعد رحلت‌کرده، درطرف‌چپ آن حجره، حجره‌ای دیگرساخته‌اند ووی را در آن به‌خاك‌سپرده‌اند. شاید برای‌آنکه درحجرهٔ اول جائی نبوده است. زیرا آن حجره چنانکه‌می‌نماید جا برای یك مرقد بیشترندارد. پس‌از آن درسال ۸۲۹ هـ. ق. یعنی سی وهشت سال بعد سیدرضاحسینی‌پسرسیدعلی درگذشته وی‌را درجوارپدرش به‌خاك سپرده‌اندو چون درهمان روز سیدرضی‌کیا پادشاه گیلان نیزرحلت‌کرده، وی را درهمان‌حجره دفن کرده‌اند. ازاینجاست که این بقعه به‌نام چهارپادشاهان معروف شده، زیرا که یکی از مدفونین آن سیدرضی‌کیا پادشاه گیلان است و سه نفر دیگر از اولیای مشایخ دین. در ایران همیشه معمول بوده است‌که اولیا و پیشوایان دین و عرفای نامی را پادشاه وقت خویش می‌خواندنـد و این سه نفـر پیشوا را نیـز پادشاه خوانده‌اند، لهذا نام چهارپادشاه پیدا شده است.[1]

۱ـ مقاله‌ای در موضوع چهارپادشاه به‌قلم مرحوم سعیدنفیسی در مجلهٔ تعلیم و تربیت سال سوم، ص ۲۶۶ به‌بعد.

اطاق شمارهٔ یك
مرقد سیدعلی کیا و سیدرضی کیا

دراطاق اول صندوقی به‌درازای ۲۳۲ وپهنای ۱۱۹ وبلندی۹۱سانتیمتراست. بدنهٔ شمالی صندوق شامل سه قسمت اصلی است ومیان هردوقسمت حاشیه مانندی گلو بوته‌دار کنده‌کاری شده است. (عکس شمارهٔ ۷۵) برقسمت وسط ، این عبارات به خط بسیار خوش نسخ حك شده است :

«کل شیء هالك الاوجهه
هذا المرقد المنور و المشهدالمعطر للسیدالمرحوم المغفور المنتقل
الی رحمة ربه الغفورالسیدرضی‌کیابن‌السیدالامام‌السیدعلی‌کیاالحسینی
نورالله تعالی‌قبره فی اول‌جمادی‌الاول سنة تسع وعشرین وثمانمایه من
هجرة خیرالبریه.»[1] (عکس شمارهٔ ۷۶)

برحاشیهٔ بالای همین بدنه :

«[انا نحن نحی‌الموتی و نکتب‌ما] قدموا و اثارهم وکل ـ تا ـ قالوا
ربنایعلم انا الیکم [لمرسلون].»[2]

بدنهٔ شرقی‌دروسط نقش‌ونگاروطرفین چهارحاشیهٔ‌کنده‌کاری دارد. برحاشیهٔ بالای همین بدنه:

«الا البلاغ‌المبین ـ تا ـ طایرکم معکم.»[3] (عکس‌شمارهٔ ۷۷)

بربدنهٔ جنوبی‌صندوق‌نام ابوتراب‌رضابن‌سیدعلی باشجرهٔ نسب او وبرحاشیهٔ بالای آن آیاتی ازسورهٔ مبارکهٔ «یس» به‌این شرح است :

«هذاالمرقد المنور والمشهدالمعطر للسید المرحوم المغفور المنتقل
الی رحمة ربه‌الغفور ابی‌تراب رضابن علی‌بن امیربن‌حسین‌بن‌حسن‌بن

۱ــ این کتیبه با اختلافاتی در سفرنامهٔ مازندران و استرآباد رابینو ص ۵۹ ، دیده می‌شود.
۲ــ سورهٔ یس۳۶، قسمتی‌ازآیهٔ:۱۲ وتمام‌آیهٔ:۱۳و۱۴و۱۵ وقسمتی‌ازآیهٔ:۱۶.
۳ــ سورهٔ یس ۳۶، قسمتی ازآیهٔ: ۱۷ وتمام‌آیهٔ: ۱۸ وقسمتی ازآیهٔ:۱۹.

علی‌بن احمدبن علی‌الغزنوی‌بن محمدبن ابی‌زیدبن حسین‌بن احمدبن عیسی‌بن علی‌بن حسین‌الاصغربن علی‌بن حسین‌بن علی‌ابن عم رسول‌الله صلی‌الله علیه‌وعلی آله وسلم فی اول جمادی‌الاول یوم‌الاثنین سنة‌تسع و عشرین وثمان‌مائه من هجرة‌خیرالبریه.»[1] (عکس شمارهٔ ۷۸)

برحاشیهٔ بالای همین بدنه:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یس والقرآن الحکیم ـ تا ـ فاغشیناهم فهم لا[یبصرون].»[2]

برپائین بدنهٔ جنوبی صندوق این کتیبه باقی است:

«ندمت‌الهی ماکتسبت جهالة وانت غفور عبدك‌العفو آمل
تقبل‌خضوعی‌واعف‌عنی‌خطیئتی فانت کریم عبدك العفوسائل
کتبه حسن‌بن علی‌الصالحی الجیلانی.»[3]

طرف چپ این بدنه قسمتی ریخته یا به‌سرقت رفته است وبه‌جای آن‌کتیبهٔ دیگری ازمحل دیگر یا صندوق دیگر این‌بقعه، برجای آن نصب کرده‌اند. این عبارات براین قسمت خوانده می‌شود:

«هذا المشهدالمنوروالمرقدالمعطر للسیدالسعید والامام‌الشهیدالمقتول المظلوم علی‌بن امیرالحسینی نورالله مضجعه.»[4]

صندوقی دیگر دراطاق شمارهٔ یک

بالای سرصندوق اصلی صندوقی تخته‌ای به‌درازای ۱۳۹ وپهنای ۱۰۰ وبلندی ۸۸ سانتیمترقرار دارد که برآن کتیبه‌ای دیده نشد.

۱ـ این کتیبه با اختلافاتی درسفرنامهٔ مازندران واستراباد رابینو، ص۵۹ آمده‌است.
۲ـ سورهٔ یس۳۶، آیات: ۱ـ۸ وقسمتی‌ازآیهٔ۹. این‌قسمت‌ریختگی ودست‌خوردگی‌زیاد دارد.
۳ـ این دو بیت با رقم‌آخرآن درسفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو ص۵۹، دیده می‌شود.
۴ـ دنبالهٔ آن شکستگی و ریختگی دارد. این‌کتیبه درسفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو ص ۵۹، نیزآمده است.

این دوصندوق دراطاقی به‌درازای ۹۸۰ و پهنای ۱۴۰ سانتیمتر قرار گرفته‌اند. این اطاق شامل سه در ورودی است. درشمالی دروسط به بلندی ۲۰۴ و پهنای ۱۲۵ سانتیمتر است. این دولنگه درنوساز و قسمتهای کهنهٔ دری را به بلندی ۱۷۳ و پهنای ۴۸ سانتیمتر، برآنها نصب کرده‌اند. دماغهٔ در قدیمی‌است وبر لنگهٔ نوساز نصب شده است.

بربالای لنگهٔ سمت چپ این در، عبارات زیرخوانده می‌شود:

«امر بتجدیدعمارةهذاالمشهدالمنورصاحب السعادةوالسجایاوالتأدب و...»

بربالای لنگهٔ سمت راست این عبارات است:

«الشجاعه تاج‌الدین‌الثارادامت(؟) الله‌فی‌تاریخ سنة عشرین وثمانمائه.»

طرفین این در، دو در به‌اندازهٔ دربالاست وهر دو نوساز ند.

دربالای هرسه در ، خفنگی مشبك چوبین ظریف است‌که بالای‌آنها هلالی‌شکل است.

درسمت شرقی اطاق در ورودی مشبك ظریفی‌دیده می‌شود.در ورودی‌مسجد درسمت غربی ودر ورودی انبار درسمت جنوبی اطاق است.

سقف تمام بنا،لمبه‌کوبی با درزپوش خطدار است.

اطاق شمارهٔ دوچهارپادشاه

این اطاق درردیف اطاق اول ودرغرب آنست. امروز به‌جای مسجد از آن استفاده می‌شود و کتیبه و آثاری ندارد. احتمال دارد اجساد سیدابراهیم و سیدعبدالله‌کیا پسران سیدعلی‌کیابن‌سیدناصرکیا یاافراد دیگررا که اهمیتی‌نداشته‌اند، دراینجا به‌خاك سپرده باشند.

اطاق شمارهٔ سه چهار پادشاه

دراین اطاق‌نیزمانند اطاق دوم‌کتیبه واثری نیست وامروزبه‌جای‌آبدارخانه از آن استفاده می‌شود. محتمل است دراین‌اطاق نیزاجساد افرادی‌ازخاندان‌کیائی به‌خاك سپرده شده باشد .

اطاق شمارهٔ چهار
مرقد سیدخورکیا

اطاقی است مربع شکل با چهار صفه درچهارجهت اصلی . ابعاد اصلی اطاق ۸۶۰ و دهانهٔ صفه‌ها ۴۸۰ سانتیمتر است . در ورود اصلی که از نظر هنری ارزش داشته است درحال حاضر در موزهٔ ایران باستان نگهداری می‌شود . (عکس شمارهٔ ۷۹) درفعلی به بلندی ۱۹۸ وپهنای آن ازلبهٔ چهار چوب ۱۱۰ سانتیمتر است . در فعلی دولنگه وپهنای هر لنگه ۵۰ وبلندی آن ۱۶۷ سانتیمتراست . دردیوارشرقی اطاق دری به‌آبدارخانه بازمی‌شود . بالای هردو درخفنگی مشبك چوبین است .

درحاشیهٔ بالای اطاق، ابیاتی ازهفت‌بند محتشم کاشانی گچ‌بری شده ودرفواصل مصراعها «یاحسین مظلوم» خوانده می‌شود. سراسر سقف بنا ، لمبه‌کوبی است . و ازآنجا که چهارکنج بنا حالت جمع شدن دارد، محتمل است که در اصل ، بنا دارای گنبد بوده است واهالی نیز براین امر گواهی می‌دادند.

صندوقی چوبین مرقد سیدخورکیا را می‌پوشاند که به علت قراردادن ضریح چوبین مشبك به درازای ۳۲۵ و پهنای ۱۹۰ و بلندی ۱۶۵ سانتیمتر دورصندوق و اضافه کردن شیشه از داخل درپشت ضریح، مطالب حك شدهٔ روی صندوق درست خوانده نشد. (عکس شمارهٔ ۸۰) آنچه از نوشته‌های صندوق که به خط ثلث ونسخ خوش است وخوانده شد ازاین قراراست :

بربدنهٔ شمالی صندوق:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یس والقرآن‌الحکیم ـ تا ـ فهی‌الی‌الاذ.»[1]

این آیات بربدنهٔ شرقی صندوق است :

فان‌فهم‌مقمحون ـ تا ـ وسواء علیهم.»[2]

این آیات بربدنهٔ جنوبی صندوق است:

۱ـ سورهٔ «یس» ازاول تا آخرآیهٔ: ۸.

۲ـ سورهٔ یس، از اواخر آیهٔ : ۸ تا ابتدای آیهٔ : ۱۰.

«أأنذرتهم ام لم تنذرهم ــ تا ــ اذجآءها المرسلون.»[1]

این آیات بر بدنهٔ غربی صندوق حك است:

«اذارسلنا الیهم ــ تا ــ وماانزل.»[2]

کتیبهٔ اصلی بدنهٔ شمالی بدین شرح است :

«هذا الصندوق المشهد المبارك الامام الهمام الناسك المرحوم الشهید السید خورکیا نورالله مرقده وانارمضجعه قتل فی شهر ربیع الاول سنة سبع واربعین وستمایه الهجریه امر بعمارة هذا الصندوق حاجی علی بن شهاب الدین اللاهجی.»[3]

در ورودی فعلی درجهت شمال است و درمحل معروف بود که این در را از امامزاده هاشم بدینجا آورده‌اند. این عبارات بر آن حك بود:

بر بالای دماغهٔ در :

«عمل استاد بایزید.»

بر تنکهٔ لنگهٔ سمت چپ :

«الله مفتح الابواب.»

و بر حاشیهٔ بدنهٔ همین لنگه:

«هذا [ال]مرقد المنور والمشهد المعطر الامام بن الامام الخامس الطاهر الطاهر محمد الباقر بن الامام علی زین العابدین علیهم السلام قال النبی الامی العربی المدنی... صلوات الله علیه و آله وسلم... الله الله فی اهل بیتی من اذاهم فقد اذانی ومن اذانی فقد اذی الله ومن اذی الله...»

بر تنکهٔ پائین همین لنگه :

۱ــ سورهٔ یس، از اوایل آیهٔ: ۱۰ تا انتهای آیهٔ: ۱۳. ۲ــ سورهٔ یس، از اوایل آیهٔ: ۱۳، تمامی آیهٔ ۱۴ وقسمتی از آیهٔ: ۱۵. ۳ــ این کتیبه باتغییراتی درص ۵۸، سفرنامهٔ مازندران واسترآباد رابینو، آمده است. ودرمجلهٔ تعلیم وتربیت سال سوم از صفحهٔ ۲۶۶ به بعد مرحوم سعید نفیسی مطالبی دربارهٔ این محل نوشته است.

«عمل علی نجار التبریزی .»

بر تنکهٔ بالای لنگهٔ سمت راست:

«الله مسبب الاسباب.»

وبرحاشیهٔ بدنهٔ همین لنگه:

«قال الله تبارک وتعالی رحمة الله وبرکاته علیکم اهل البیت انه حمید مجید وقال سبحانه وتعالی .»

دنبالهٔ این قسمت آیاتی از قرآن مجید است.

بر تنکهٔ پائین همین لنگه:

«عبدالکاتب خواجکی الکرمانی.»

برحاشیهٔ سمت راست همین لنگه:

«[قال] محمد علیه التحیة والسلم مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح من رکب فیها نجا ومن عطف عنها غرق صدق رسول الله صلی الله علیه وسلم.»

کتیبهٔ در ورودی قدیمی مرقد سید خورکیا

«چون مشهد و درنو سید خوریکیا
ماند بباغ خلد و در منظر بهشت
واعظ که از لآلی نطق کلام اوست
گوش زمانه پر ز در و گوهر بهشت
تاریخشان نگرچه مناسب فتاده است
کان روضه گشته وین شده همچون در بهشت
بهر بنای مشهدو در گفته قطعهٔ
از لطف می‌تراود از او کوثر بهشت

باعانة مفتح الابواب وقع نجّر هذا الباب اوان دولت السلطان الاعظم فتاح اقالیم العالم صاحب النسب النبوی والحسب العلوی ابی الفتوح شاه عباس الحسینی الموسوی الصفوی دامت دولته صدرة الصدور

الامجد العظیم‌الشأن مفتاح باب‌الفضل والاحسان قاضی محمدخان[1] دامت سعادته حسب اشارة الوالی‌العالی الداعی لدوام دولـة المقدم والتالی عبدالوحید الواعظ ابدت افادته ـ کتبه‌العبد؟ محمدبن‌داو[د] کیا فی‌سنه ۱۰۱۵ ـ اللهم صل علی قدوة الانبیاء و قبلة الاولیا ابی‌القاسم محمدالمصطفی وصل علی‌سیدالاوصیاء و سندالاصفیاء علی‌المرتضی و صل‌علی‌سیدة‌النساء فاطمة‌الزهرا وصل‌علی‌سبط المصطفی الحسن‌المجتبی وصل‌علی‌صاحب‌المحنة‌والبلاء الحسین‌الشهید‌بکربلاو‌صل‌علی‌علی‌زین‌ـ العباد والعباد وصل‌علی‌البحرالزاخر محمدالباقر وصل‌علی‌شمس‌الشارق جعفرالصادق‌وصل‌علی‌الامام‌العالم‌موسی‌الکاظم وصل‌علی‌الامام‌ابی‌الحسن علی‌بن‌موسی‌الرضا وصل‌علی السیدالجوادمحمدالتقی وصل‌علی‌الامامین الهمامین‌المدفونین بسرمن رای کاشفی‌الضر والمحن علی‌النقی الزکی و حسن‌العسکری وصل‌علی‌الامام التمام بقیةالله فی‌الانام محمد المهدی. الهادی صلوات‌الله علیه وعلیهم اجمعین ـ نسب‌السید الاعظم الارشد و السندالاکرم الامجد ذی‌الحسب الطاهر المنیف والنسب‌الشریف‌الطاهر السید السندالسعید المقبول المملوم المقتول المظلوم ابی‌المحاسن السیدخرم‌کیابن ابی‌الرضابن علی‌بن‌یحیی‌بن محمدبن علی‌بن محمدبن عبدالله بن محمد بن حسن بن محمد الطباطبا ابـرهیم بن اسمعیل دیبـاج‌بن ابراهیم‌بن حسن مثنی‌بن الامام‌الحسن‌بن علی‌ابن‌ابی‌طالب صلوات‌الله‌وسلامه‌علیهم‌ـ عمل عبدالفتاح نجار لاهجی.»[2] (عکس شمارهٔ ۸۱)

۱ـ دربارهٔ قاضی‌محمدخان که دراین کتیبه لقب صدرالصدور به‌اوداده شده است‌وظاهراً مردی بزرگ وسرشناس بوده است خبری نداریم. عبدالفتاح فومنی درتاریخ گیلان خود، از مردی به‌نام درویش‌خان‌اروملو حکمران لاهیجان، نام می‌برد که درهمین ایام می‌زیسته‌است. ولی هیچگونه دلیلی نمی‌توان یافت‌که این مرد بااین قاضی‌محمدخان یکی باشد.

۲ـ سفرنامهٔ مازندران واستراباد رابینو، ص ۵۶ و۵۷.

ایوان شمالی چهار پادشاه

درشمال چهاراطاق اصلی چهارپادشاه، ایوانی به طول ۲۹٫۷۴ متر وپهنای ۳۳ر۵ متراست. عرض ایوان تا لبهٔ بیرونی فیلپاها چهارمتر وقسمت زیر پره سه‌پشتهٔ ایوان، ۱۳۳ سانتیمتر است. (عکس شمارهٔ ۸۲) طاق ایوان لمبه‌کوبی با درزپوش پهن است وپرهٔ ایوان بردو شیرسرمتکی‌است. سراسر بام اطاقها وایوان، سفال‌سر است.

دراین ایوان شش در و دو پنجرهٔ مشبك نورگیر و هفت خفنگ نورگیر است. طاق ایوان برشش فیلپا استوار است و در طرفین این فیلپاها دو فیلپانما ساخته‌اند. پائین وبالای فیلپاها مربع ومیان آنها هشت‌ضلعی دوبدو برابر است. پائین‌آنها ازاره‌ای ازکاشی به‌پهنای ۱۷۰ و بلندی ۸۵ سانتیمتر کاشی‌کاری است. (عکس شمارهٔ ۸۳) کاشیها گل‌وبوته‌دار ونقوش دیگری غیرازگل و بوته درآنها دیده می‌شود. ابعاد کاشیهای قدیمی ۱۲×۱۲ و ۱۸×۱۸ بود. در مطالعهٔ بعدی کاشیهای نو به‌جای کاشیهای قدیمی گذاشته بودند. (عکس شمارهٔ ۸٤)

فضائی درمقابل این ایوان و ایوان اطاق جداگانهٔ چهارپادشاه است. این حیاط دارای دو درغربی وشمالی است.درشمالی قدیمی وقاب وگره است. بر بالای چهارچوب آن این آیات از سورهٔ فتح با خط نسخ حك شده است:

«السوء علیهم دائرة السوء و غضب‌الله ــ تا ــ تسبحوه بکرة واصیلا.»[۱]
(عکس شمارهٔ ۸۵)

قرآنی با خط نسخ جلی متعلق به‌بقعه

این‌قرآن به‌درازای۴۳وپهنای۵ر۳۱سانتیمتراست. درهر صفحه ترجمهٔ‌آن‌به فارسی نسبهً کهنه نوشته شده است. کلمات معرب وسرآیه‌ها، دایرهٔ مطلای شش قسمتی‌است. درحاشیهٔ پاره‌ای ازصفحات نقش دیده می‌شود، نقشها ازاکلیل‌وسرنج‌و

۱ــ سورةالفتح ۴۸، قسمتی از آیهٔ : ۶ وتمام آیات : ۷ و ۸ و ۹.

طلاست. نشانه‌های موارد وقف وسایر علامات درمتن دیده می‌شود. خط سرسوره‌ها سفید، حاشیهٔ آنها طلا واطراف آنها لاجورد است. صفحهٔ اول قرآن افتاده و از صفحهٔ چهار تاصفحهٔ ۱۲۸۱ جزء قرآن اصلی‌قدیمی‌است. جلد وشیرازه، تازه‌تعمیر شده و صفحات افتاده، نونویس شده است.

نمونه‌ای‌ازکلمات ترجمه شدهٔ فارسی:

«بدشخواری ـ بگستردم ـ نه‌آسان ـ دردمند ـ پشت‌برکند، به‌آنچه کرد ـ گروگانست ـ بگردیدیم ـ چنانك ـ برنه‌انگیزد ـ بپسودیم ـ بشنود ـ بانك (= به انك) ـ سیستکاری ـ و دربسرند ایشان را در دوزخ.»

نقاره وعلمهای چهارپادشاه

چهارپادشاه نقاره داشت وتا شهریورهزار وسیصد وبیست مورد استفاده بود. معمولا در مواردی که این بقعه معجزه می‌کرد، نقاره را به صدا درمی‌آوردند. این بقعه علمهای متعدد داشته است. دوعلم اصلی آن فعلا درمنزل حاجی توکلی است.

علم‌بندی‌این بقعه روزسوم محرم ساعت یازده تاپنج بعدازظهر وعلم‌واچینی روز بیستم صفرکه چهلم امام‌است، صبح تاظهرانجام می‌شود. گذشته از علمها، این بقعه یك شش‌گوشه و دوحجله دارد. شش‌گوشه یادآور قبرحسین‌بن‌علی‌علیه‌السلام است، آن‌را تزئین می کنند وچهارتن بردوش می‌گیرند ودرایام محرم باحجله‌های آئینه‌بندی شده به‌حرکت درمی‌آورند.

متولیان بقعهٔ چهار پادشاه، به خاك سپرده شدگان ایـن بقعه را به این ترتیب می‌شناسند: ۱ـ سیدخورکیا. ۲ـ سیدعلی کیـا. ۳ـ سیدرضی کیـا. ٤ـ سیدیحی کیا.

مسجد جامع [1]

مسجد جامع که مهمترین مسجد شهر لاهیجان است، درمحلهٔ قدیمی میدان بنا شده است. طاقی تاریك و سرپوشیده به نام «طاق گبری» متصل به این مسجد است. می‌گویند قسمتی از آتشکده‌ای قدیمی بوده است که این مسجد را به جای آن بناکرده‌اند.

مسجدجامع بنائی ساده است. درحدود یك قرن پیش ازتاریخی که رابینو کتاب تاریخ گیلان خود را می‌نوشت، یعنی سال ۱۳۳۱ ه.ق. ، حاجی‌علی‌اکبر نامی ـ حاکم لاهیجان ـ این مسجد را توسعه داده بود .

بنای‌کنونی به شکل مستطیلی است که طول آن دو برابر عرض است. پنج فیلپای اصلی در امتداد یکدیگر در میان مسجد است و ده فیلپای دیگر که نیمی از آنها در دیوارهای طرفین است ، روبروی این پنج فیلپا قرار گرفته‌اند . فاصلهٔ فیلپاها ازیکدیگر، درعرض وطول بنا، شش‌متراست. عرض وطول فیلپاها یك‌متر و نیم است . طاق سراسر مسجد براین فیلپاها استوار است و طاق میان هر دوفیلپا که درطول قرار می‌گیرد ، گهواره‌ای است.

طرف شرق مسجد ، چهار در ورودی است‌که دو در آن به آبدست و محل وضو ساختن می‌رود. طرف غرب فقط یك در است که به مدرسهٔ متصل به مسجد راه دارد.

دراین مدرسه چاهی قدیمی است که می‌گویند حضرت امام‌حسن‌علیه‌السلام ازآن چاه برای وضوساختن، آب کشیده‌است، مردم طلا وپول درچاه می‌اندازندو برلبهٔ آن شمع روشن می‌کنند .

سطح دیوارها و فیلپاها تا ارتفاعی بیش ازیك متر ازاره‌ای کاشیکاری دارد . کاشیهای ازارهٔ دیوارها منقوش وگل و بوته‌دار است. کف مسجد را که از کاشیهای

---

۱ ـ این همان مسجدی است که کارگیا سلطان محمد کیا روز شنبه عید قربان سال ۸۹۳ه. ق. درآن نماز گزارد.

ظریف قدیمی مفروش بوده ، کنده‌اند و به‌جای کاشیها «بتون» ریخته‌اند. سراسر بام مسجد، سفال‌پوش است. بالای مسجد مناره‌ای کوتاه و قدیمی است. (عکس شمارهٔ ۸۶)

می‌گویند که تاجری غلام خود را برای خرید اجناس تجاری با پولی فراوان به لاهیجان فرستاد. غلام پولی که در دست داشت صرف بنای این مسجد کرد. پس از مدتی غلام نزد تاجر رفت. تاجر دربارهٔ خرید مال‌التجاره از او پرسش کرد. غلام گفت «من اجناسی خریده‌ام که به‌کار این جهان نیاید.» سپس شرح داد که مبلغ مذکور را به‌چه مصرفی رسانده است. تاجر برای عمل خیری که غلام انجام داده بود، آزادش کرد.

کتیبه‌ای بر سنگ
در مسجد جامع لاهیجان

«رسالت پناه   وائمهٔ طیبین صلوات‌الله علیهم‌اجمعین

هوالسلطان المتعال حکم جهان مطاع شد آنکه وزیر گیلان بیه‌پیش بشفقت شاهانه سرافراز گشته بداند که چون از هنگامی که مهرهٔ انجم بر تختهٔ زرنگاز فلك آبگون سیماب‌نمون بدست قضا چیده کعبتین عاج نیرین جهت تحصیل نقد سعادت کونین بنقش شش جهة گردیده گنجور گنجینهٔ وجود بموٌدی حقانیت اقتضای قول «اللهم‌مالك‌الملك توتی‌الملك من‌تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من‌تشا وتذل من‌تشا بیدك‌الخیر انك علی کل‌شییءٍ قدیر» درهم و دینار تمام‌عیار دولت‌و اعتبار وزرده دهی پادشاهی و فرماندهی عرصهٔ روزگار را جهت این دودمان خلافت و امامت و خاندان نبوت وولایت در مخزن هستی در کمال تردستی محفوظ ومضبوط داشته جهة سپاس این‌نعمت بی‌قیاس‌و ادای شکر این عارفهٔ محکم اساس در این عهد سعادت مهد که عذرای دولت روزافزون در آغوش و لیلای سلطنت ابد مقرون دوش بدوش و اولین‌سال جلوس میمنت مأنوس واوان شکفتگی گلشن آمال عامهٔ نفوس

است همت صافی طویت معدلت گستر و ضمیر منیر مهر اضاءت شریعت پرور بحکم آیهٔ وافی هدایهٔ «الذین مکناهم فی الارض اقاموا الصلوة و آتوا الزکوة و امروا بالمعروف ونهوا عن المنکر» باجرای اوامر و نواهی خالق و عقل کل خاتم انبیا و رسل بفحوای صدق انتمای «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول لعلکم تفلحون» معطوف ومصروف داشته امر عالم مطیع شرف نفاذ یافت که بمضمون بلاغت مشحون «قل انما حرم ربی الفواحش ماظهر منها ومابطن» پرده گیان پرده گشا پرده نشین وشاهدان چهره نما خلوت گزین بوده بانامل عصیان نقاب بی شرمی از رخسار عفت باز ننموده دامن زن آتش غضب دادار بی نیاز نگردیده و ساکنان خطهٔ ایمان ومقیمان دارالسعادهٔ ایقان به مضمون حقیقت نمون «یاایهاالذین آمنوا انماالخمروالمیسر والانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون» دست باساس دراز نکرده قبل از آنکه شطرنجی روزگار ایشان را در روز ممات مات وفیل بند حیرت وهیمان هنگامهٔ عرصات ساخته معلوم شود که آنچه نرده درباخته اند سالک طریق اجتناب بوده بهیچوجه پیرامون آن عمل شنیع نگردند و کل وجوه بیت اللطف و قمارخانه و چرس فروشی و بوزه فروشی ممالک محروسه راکه هرسال مبلغهای خطیر میشد بتخفیف وتصدق فرق فرقد سای اشرف مقرر فرمودیم ودر این ابواب صدورعظام وعلمای اعلام و فقهای اسلام وثیقهٔ انیقهٔ علیحدهٔ موکدهٔ بلعن ابدی وطعن سرمدی که موشح ومزین بخط گوهر بنان همیون ماست بسلک تحریر کشیده اند می باید که آنوزارت پناه بعد از شرف اطلاع برمضمون رقم مطاع «لازال نافذاً فی الاقطاع والارباع» مقرردارد که درکل محال ضبطی خود ساکنین و متوطنین بقانون از هر شریعت غرا و طریق اظهر ملت بیضا ناهج منهج صلاح وسداد بوده ومرتکب امورمذکور نگردند وبدکاران

را درحضور اهالی شرع‌شریف وکلانتران و ریش‌سفیدان محلات توبه داده مرتکبین محرمات مزبوره را تنبیه و تأدیب و التزام بازیافت نموده هرگاه اشتغال بآن افعال ذمیمه نمایند برنهج شرع مطاع حد جاری‌ومورد‌مؤاخذه وبازخواست سازد وچنانچه احدی به‌اعمال شنیعهٔ دیگری مطلع گشته اعلام ننماید آن شخص‌را به‌نوعی تنبیه نماید که موجب عبرت دیگران گردد و آن وزارت‌پناه بعلت وجوهات مزبوره چیزی بازیافت ننموده نگذارند که آفریدهٔ بدانجههٔ دیناری طمع و توقع نماید و خلاف‌کننده ازمردودان درگاه الهی و محرومان شفاعت حضرت رسالت‌پناهی وائمهٔ طیبین صلوات‌الله‌علیهم اجمعین ومستحقان لعنت ونفرین ملائکهٔ آسمان و زمین باشد واهالی و اوباش را نیز از کبوترپرانی وگرگ دوانی ونگاه داشتن گاو و قوچ و سایرحیوانات جههٔ جنگ وپرخاش که باعث خصومت وعناد وموجب انواع شورش‌و فساد است ممنوع ساخته سد آن ابواب را از لوازم شمرند و دقیقهٔ دراستحکام احکام مطاعه واشاعت و اجرای اوامر شریفه فروگذاشت ننماید واز جوانب براین جمله روند ورقم قضاشیم معدلت مضمون را برعموم خلایق خوانده برسنگ نقش و درمساجد جامعه نصب‌نماید و در این ابواب قدغن داشته هرساله رقم مجدد طلب ندارند و درعهده شناسند تحریراً فی‌شهرشوال سنهٔ ۱۱۰۶.»[۱] (عکس‌شمارهٔ ۸۷)

کتیبهٔ سنگی دیگری بردیوارایوان مسجدجامع لاهیجان

«هوالعلی

در زمان فخر شاهـان جهان سلطان حسین

وارث ملك سلیمان خسرو مالك رقاب

۱ـ این کتیبه درسفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو ص۷ـ۱۰، باسقاط یك سطر و اختلافاتی چند آمده است.

روی هست از رسوم کارداریها چو تافت

عدل‌جو دستور صاحب رأی طاهرانتساب

با دل شاد از خـرد تاریخ او کردم طلب ۱۱۰۷

گفت دارد دادگر عار از رسوم بیحساب»[۱]

(عکس شمارهٔ ۸۸)

سنگ قبرهائی‌که درایوان مسجدجامع است

«تاریخ وفات مرحومه مغفوره حلیمه مرحمت زوجه وخانم‌غفران‌پناه حاجی‌شیخ‌حسین پیشنماز بنت مرحوم‌آقاشفیع دهکانی به‌تاریخ سلخ شهرشعبان المعظم سنه ۱۲۱۷.

ای خاك تیره دلبر ما را عزیـز دار

کاین نور چشم ماست که دربر گرفتهٔ»

«تاریخ وفات مرحوم مغفور میرزا کریم نو جوان ... بن‌محمدصالح خادم مسجد جامع فی‌یوم بیستم‌شهرمحرم‌الحرام من‌شهورسنه۱۲۲۳.»

«وفات مرحوم مغفورمحمدجعفر ابن‌ملامحمدصالح سنه ۱۲۲۸

ای خاك تیـره دلبر ما را عزیز دارد

کاین نور چشم ماست که در بر گرفتهٔ

نشانه‌ها : مهروتسبیح.»

مـدرسهٔ متصل به‌مسجد جامع

متصل به مسجد جامع مدرسه‌ای قدیمی است که هنوز طلبه‌نشین است و مدرسی چند درآنجا به تدریس مشغول‌اند. بناچوبین است واز نظرهنرمطلبی‌قابل بحث ندارد.

حمام گلشن نزدیك مسجد جامع

این حمام قدیمی‌که قسمتی از آن درخیابان افتاده‌است ، هنوز به‌کار است .

۱ـ این‌اشعار باتغییراتی درسفرنامهٔ مازندران واستراباد رابینو ص۱۰و۱۱، آمده‌است.

سربینه وگرمخانهٔ آن بسیارجالب‌است. ستونهای سنگین وطاقهای‌جناقی‌آن‌حکایت از قدمت بنا می‌کند. مصالح اصلی بنا آجر و گل‌آهك وساروج است.

درسراسر شهرهای معتبر حاشیهٔ دریای خزر حمامهائی به نام گلشن دیده می‌شود و تقریباً سبك بنای آنها یکسان است.(عکس شمارهٔ ۸۹)

بقعهٔ سیدرضی‌بن امام‌موسی‌الکاظم علیه‌السلام

بقعهٔ سیدرضی درکنار خیابان تکیه‌بر و روبروی مسجدی واقع است. این مسجد جزء بنای بقعه‌بود. درحدود سال۱۳۱۷شمسی که خیابان تکیه‌بر را احداث کردند، قسمت غربی‌آن خراب شد.

طرح اصلی بنا مستطیل است واز آجرساخته‌اند. سرکشی (= حمالی) در سراسر بناست که روی چهارفیلپای شش ضلعی استواراست. در حاشیهٔ بالای بنا، اشعاری از هفت‌بند محتشم کاشانی نوشته شده است. صندوقی کنده‌کاری برروی مزار سیدرضی‌است. ایوانهای اطراف بنا ستونهای ضخیم چوبین دارد.

بقعهٔ آقاپیررضابن موسی‌بن جعفر علیهماالسلام

بنای اصلی بقعه هشت ضلعی است. دوضلع مقابل یکدیگر از این هشت ضلعی به طول ۳۵۷ سانتیمتر و دوضلع دیگرکه روبروی یکدیگرند ٦٤سانتیمتر طول دارند. چهار ضلع دیگر را به زوایای قائمه و منفرجه تقسیم کرده و از مستقیم بودن بیرون آورده‌اند. در اضلاع بزرگ درگاههائی به عمق ۸٦سانتیمتر ساخته‌اند. ازارهٔ داخلی بنا کاشیکاری درهفت ردیف به‌رنگ سبز وسیاه وبه‌بلندی یك متر است. سر درگاهها، تمام طاقهای جناقی دارد. درحاشیهٔ زیر سقف اشعاری از هفت‌بند محتشم‌کاشانی نوشته‌است. سقف ازداخل لمبه‌کوبی با درزپوش است. درشرقی وجنوبی بقعه به‌ایوان باز می‌شود وپنجره‌ای به‌خیابان غربی‌دارد. ایوان فیلپاهای‌آجری داشته که فعلا درفواصل‌آنها پنجره‌گذاشته‌اند.درهرطرف پنجره‌های سرتاسری سه فیلپاست.

دروسط بنا صندوقی قدیمی ازچوب آزاد به‌درازای ۱۹۷ وپهنای ۱۰۷ وبلندی ۱۰۵ سانتیمتراست. بدنهٔ شرقی صندوق به سه‌قسمت اصلی تقسیم شده است. پاره‌ای از آن نقش ونگاروگل وبوته است و بردوپارهٔ دیگر آیاتی ازکلام‌الله‌مجید به‌این شرح حک شده است:

برپارهٔ دست چپ :

«بسم‌الله الرحمن‌الرحیم الله‌لااله‌الا هوالحی‌القیوم ـ تا ـ حفظهما و هوالعلی‌العظیم.»

برپارهٔ دست راست:

«لااکراه فی‌الدین ـ تا ـ هم فیها خالدون.» (عکس شمارهٔ ۹۰)

بدنهٔ جنوبی صندوق شامل هفت قسمت‌است: قسمت اول‌نقش ونگار و گل و بوته. قسمت دوم درچهارمربع‌مستطیل عباراتی داخل‌هم‌ودربالا وپائین همین‌قسمت، در دو نیم‌دایره عباراتی حک شده است که خوانده نشد. قسمت سوم نقش ونگار و گل‌وبوته.(عکس شمارهٔ ۹۱) قسمت چهارم دریک نیم دایره ودومستطیل نوشته‌هائی حک شده است ونگاری ستاره مانند دراین قسمت است. قسمت پنجم شامل نقش و نگاروگل وبوته . قسمت ششم درچهارمستطیل ودونیم دایرهٔ بالا وپائین نوشته‌هائی حک شده‌است. قسمت هفتم نقش ونگاروگل وبوته.(عکس شمارهٔ ۹۲)

بر حاشیهٔ دست راست این بدنه با خط خوش نسخ عبارات زیر حک شده است :

«قدامر هذاالصندوق محیط علی‌مضجع الشیخ العالم بحقایق المعارف المخصوص بعنایات‌الملک الاعلی پیررضا فی‌شهورسنه.»

برحاشیهٔ دست راست همین بدنه دنبالهٔ این عبارات چنین است:

«من مأته الاولی مـن‌الف الثانی من هجرة النبویة المصطفویه و کتب هذه‌السطور الفقیر المحتاج الی‌الله الغنی محمدبن داود کیاء الحسینی غفرالله‌لهما.»

بر بدنهٔ غربی صندوق، حدیثی از امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام بدین شرح حک شده است:

«کتب امیرالمؤمنین امام‌الرحمة و یعسوب‌الامة علی‌بن‌ابی‌طالب الی ابنه الحسین علیهما السلام فان‌الصبر کرم والحلم شرف والادب زین والحفظ سودد والرفادة من البرّ مرحمة والتقوی سعادة والصدق حصن والاناة موئل والرفق معدن والعارمنقصة والوقیعه خبث والکذب شین والضغن والحقد والنمیمة تلف وانّ افضل الاخوان من‌کان معیناً علی‌التقوی دلیلاعلی...حافظاً للصدیق راعیا للرفیق مواسیا بنفسه فی‌السرا والضرا والسلام.» (عکس شمارهٔ ۹۳)

بدنهٔ شمالی‌صندوق تمام تعمیری‌است و کتیبه و نوشته‌ای ندارد. درچهاربدنهٔ صندوق در قسمت بالا حاشیه‌ای دارد که کتیبه‌ای به‌این شرح در آن حاشیه آمده است:

«بسم‌الله الرحمن‌الرحیم یسبح‌لله ما فی‌السموات ـ تا ـ ثم استوی علی العرش.»

بقعهٔ آقاپیررضا، از نظرمراسم علم‌بندی‌جزء چهارپادشاه است. چهارم محرم علم‌بندی و روزچهلم سیدالشهدا علم واچینی است. علم طلا و علم‌نقره و کشکول پرارزش بقعه به‌سرقت رفته است. این بقعه زیارتنامه نداشت و از نذورات پول و شمع وتخم‌مرغ به بقعه می‌آورند.

بقعهٔ آقاسیدحسین و آقاسیدابوالقاسم امام‌جمعه

مرقداین دوتن که روزی امام‌جمعهٔ لاهیجان بوده‌اند دراطاقی مربع‌به‌ابعاد ٤٤٥ سانتیمتر است. قبرها گچکاری ساده و بالاتر از سطح زمین است. آقاسید حسین‌پدر وآقاسیدابوالقاسم پسراوست. اطاقهای متصل به‌اطاق اصلی‌مسجد است. این محل مقبرهٔ خانوادگی است.

بقعهٔ سیداحمد یمنی بن موسی بن جعفر علیهما السلام

این مرقد فعلا قبری ساده وکاشی‌کاری است. کف بقعه نیزازموزائیك‌فرش شده است. طاق بقعه لمبه‌کوبی است. بام پیش‌آمده و پره مانندی تشکیل داده است. حسینه‌ای قدیمی در جوار این بقعه است. اطراف بقعه قبرستان قدیمی است. دردامنه‌ای شیب‌دار، دخمه‌های سه‌پشته وچهارپشته با طاقهای نیم دایره‌ای آجری، دیده می‌شود.

مدرسهٔ کیافریدون

حسن‌بیك منشی درشرح وقایع سال ۹۰۰ هـ ق. می‌نویسد که کارکیامیرزا علی والی بیه‌پیش به‌شاه‌اسمعیل که از دست رستم‌بیك می‌گریخت، درمحلهٔ میدان لاهیجان روبروی مدرسهٔ کیافریدون خانه‌ای داد ازاین‌مدرسه‌امروزاثری‌نیست.[۱]

حمام لاهیجان

حمام لاهیجان چنانکه سیدظهیرالدین‌مرعشی نوشته است به‌امرسیدحسن کیا - والی بیه‌پیش - ساخته شده است.[۲]

دخمهٔ کیااسماعیل

دخمهٔ کیااسماعیل درلاهیجان بود و امیره‌فلك‌الدین رشتی را درآنجا دفن کردند.[۳]

باقی بناها و آثار تاریخی محله‌های میدان و تکیه‌بر و جواهرپشته

۱- بقعهٔ شیخ‌باقر.

۲- بقعهٔ سیدمحمد.

۳- بقعهٔ آقاسیداحمد درمحلهٔ جواهرپشته (= فرخ‌آباد).

٤- بقعهٔ آقاسیدحسن والی بیه‌پیش، درباز کیاگوراب.

۱- گیلان رابینو، ص ۲۹۷.

۲- تاریخ گیلان ودیلمستان، ص ۵۰.

۳- تاریخ گیلان ودیلمستان، ص ۳۶۱.

بناها و آثار تاریخی حومهٔ لاهیجان

بقعهٔ آقامیرملک[1] بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام

در دهکدهٔ کوچکده لاهیجان

بنای اصلی بقعه تقریباً مربع‌شکل و به‌ابعاد ۶۱۰ × ۶۲۰ سانتیمتر است. سه طرف بقعه غیراز طرف شمالی ایوان دارد. عرض ایوان جنوبی و شرقی دو متر و ایوان غربی ۲۲۰ سانتیمتراست. صندوق مرقد تخته‌ای و دروسط بنای اصلی بقعه است. سقف سراسربنا لمبه‌کوبی‌است. ستونهای ایوانها چهارسو و دارای سرستون است. لبهٔ بام دو پشته وسراسر بام‌بنا، سفال‌سر است. بربدنه‌های خارجی و داخلی دیوارهای بقعه، نقاشیهای مذهبی ظریف قدیمی است، که پاره‌ای از مجالس آنها کم وبیش محو شده است.

روزهای علم‌بندی و علم‌واچینی، نذرهائی که شامل یك سرته ابریشم، پول، نفت، چراغ و شمع است، بدین بقعه می‌آورند. نمك‌سنگ را دردرگاه در ورودی می‌گذارند وبرای حفظ سلامتی به انسان وحیوان می‌دهند. درمحوطهٔ بقعه‌درختان آزاد کهنسالی بوده است که فعلا بسیاری از آنها را بریده‌اند و سه اصله ازآنها باقی است. مراسم علم‌بندی دراین بقعه، اول محرم و مراسم علم‌واچینی روز قتل امام‌حسن یعنی بیست وهشتم ماه صفر، برگزارمی‌شود.

۱ــ بفتح میم و لام.

بقعهٔ آقابی‌بی‌گوهرخانم

کنار راه نزدیك بازکیاگوراب ازبلوك کنارشهر و کوهپایه [۱]

بنابر نظر اهالی دهکده‌های نزدیك این‌بقعه ، بی‌بی‌گوهر خواهرسیدجلال‌الدین‌اشرف و دختر امام‌موسی‌الکاظم علیه‌السلام است. بنای اصلی بقعه اطاقی‌ساده است وصندوقی چوبین ساده مرقد را پوشانیده است.

در ورودی بقعه جنوبی است که بالای آن خفنگی مشبك تعبیه کرده‌اند. ایوان شمالی بقعه دارای شش ستون است‌که دو ستون آنها لاچلنگری است. سرستونها هریك تراشی جداگانه دارد. (عکس شمارهٔ ۹٤)

مسجدی متصل به ضلع غربی بقعه است که میان آن دو ستون و یك فیلپای آجری مربع در امتداد یکدیگر بنا شده است . واشانهای طاق قدیمی مسجد بر سرکشی (= حمال) است که براین دو ستون چوبی استوار است و فیلپای آجری وسط ، جدیداً بنا شده است . در ضلع شمالی مسجد هفت در ارسی قدیمی است . قسمتی از مسجد بتازگی بنا شده و در این قسمت دو پنجرهٔ جنوبی و دو پنجرهٔ غربی نصب کرده‌اند. چند درخت کیش کوچك و دو سه درخت آزاد در حیاط بقعه است .

بقعهٔ شیربنده

مدفن سیدمحمد وسیدابراهیم فرزندان امام‌موسی‌الکاظم علیه‌السلام

دراراضی بازکیاگوراب لاهیجان

بنای اصلی‌بقعه به‌شکل مربع است وصندوقی ساده وچوبین مرقدراپوشانده است. مسجدی نوساز متصل به‌بقعه بنا کرده‌اند وآبدارخانهٔ مسجد درپشت بقعه ساخته شده است.

۱ــ گیلان رابینو ، ص ۳۰۸.

آستانهٔ آقاپیر زنجیر
دردهکدهٔ بازکیاگوراب ازبلوك کنار شهر وکوهپایهٔ لاهیجان

درمحل اتصال راه فرعی سیاهکل به راه اصلی لاهیجان به‌رشت بقعه‌ای‌است بابنائی ساده که زیاد ازنظرهنری ارزش ندارد.

بقعهٔ آقاپیرجنگی
دراراضی دهکدهٔ بازکیاگوراب لاهیجان

بنای اصلی بقعه‌آجری ونسبةً قدیمی‌است.(عکس‌شمارهٔ۹۵) چهاردرورودی درچهارجهت اصلی بناست. در ورودی اصلی جنوبی است. در شمالی به ایوانی که پشت بناست بازمی‌شود. درورودی شرقی بقعه به‌مسجد متصل به‌آن راه دارد، و در غربی به‌ایوان غربی بقعه بازمی‌شود. این چهار درهریك ازصفه‌ای به داخل بقعه گشوده می‌شوند. اضلاع طرفین صفه‌ها، مستقیم نیست و دارای پیش‌آمدگیها و عقب رفتگیهائی است. اندازه‌های این اضلاع منکسر نیز مختلف است. دو ضلع طرفین صفهٔ جنوبی‌که درجنوبی بقعه درآن بازمی‌شود، ۴۳ سانتیمتروپیش رفتگی طرف غربی این ضلع ۳۵ سانتیمتر و طول دیواری که پس ازاین پیش‌رفتگی در امتداد ضلع اصلی صفه‌است، ۱۰۸سانتیمتر وضلع شرقی‌غربی متصل به‌آن ۱۵۰ سانتیمتراست. بالای هردر ورودی خفنگی کوچك برای رسیدن نورکافی وتهویه، قرارداده شده است.

بالای چهاردرگاه ورودی مقرنسهائی است که روی آنها را سفیدکاری کرده‌اند. درچهارکنج بنا،چهارگوشوارمقرنس گچکاری ظریف‌است وزیرهرگوشوار درطاقچه‌ها نیز مقرنس است.(عکس‌شمارهٔ۹۶) پائین طاقچه‌ها دردوربنا، حاشیه‌ای گچ‌بری وپائین این‌حاشیه، ازاره‌ای از کاشی گلدار درهفت ردیف، به‌بلندی ۱۱۲ سانتیمتراست.

بالای چهار گوشوار بنا دوردیف حاشیهٔ گچ‌بری است. میان این دو حاشیه کتیبه‌ای با خطخوش نستعلیق به‌این شرح حك شده است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم

تبارك الله از این بارگاه عرش نشان
که آستانش بالاتر است از کیوان
زهی شگفت بنائی و محکم ارکانی
که هست گنبد او همچو گنبد هرمان[۱]
خهی رفیع بنائی‌که چهارمین چرخش
ز شمس تابان بنموده شمسهٔ ایوان
چنین بنائی‌عالی وخوب ودلکش ونغز
ندیده چشم‌فلك تا که بوده‌است جهان
چه خوش رواقی پر نقشهای گوناگون
که میبرند براو رشك قصرهای جنان
فضای‌او چو بهشت عاری‌از کدورت‌وعیب
هم از جهات ششش‌نور کردگار عیان
غبار درگــه او زافتخــار می روبنــد
گروه جن و ملك صبح وشام ازمژگان
مراین‌شرافت‌واین قدرومنزلت‌زانست
که هست مدفن‌آقاپیر‌جنگی اندرآن
زیمن مرقدآن پیر باصفاست که خلق
برند سجده برآن آستانه پیر وجوان
پی‌رضای خداوند این عمارت ساخت
جهان فضل و هنر حکمران لاهیجان
یگانه خان زمان میرزا محمد علی
امین دیوان فخر ممالك ایــران

۱ــ دراصل با حاء حطی نوشته شده است.

یگانهٔ که ز وی در جهان پدید آمد
سخای حاتمی و عدل و داد نوشروان
پناه و یاور وی باد تا که هست فلک
بهر زمان و مکان روز و شب امام زمان
بحکم حضرت وی میرزا کمال الدین
که هست ..... و منشی‌خان
ز بهر تاریخ بنوشت این قصیده و خواست
جزای گفتن تاریخ حور از رضوان

حرره الراجی الی‌الله محمدتقی الایروانی غفرله فی ۱۲۷۹ ه‍.ق

باچهارگوشواری که ذکر آن رفت، کنجهای بنا راجمع‌کرده وگنبدی‌مدور بر آن زده‌اند.

صندوقی سادهٔ چوبین در میان این بناست که ضریحی مشبك ظریف آن را احاطه‌کرده است. (عکس‌شمارهٔ ۹۷) درازای این ضریح ۲٦٤ و پهنای‌آن ۱۸۲ و بلندیش ۱۵۵ سانتیمتراست وسقف آن گهواره‌ای است.

درقسمت غربی ایوان شمالی، دری است‌که به اطاقی هشت ضلعی می‌رود که گچ‌بریها و مقرنسهای ظریف داشته و بیشتر آنها خراب شده است و فعلا از این اطاق به‌جای انباراستفاده می‌شود.

درقسمت شرقی بقعه مسجدی است که پنج فیلپای هشت ضلعی، در امتداد یکدیگر درطول بناساخته‌اند. درفاصله‌های چهارفیلپا سه پنجرهٔ سراسری است. درضلع قبلی‌مسجد پنجره‌ای‌کوچك نورگیر ودرضلع شمالی یك پنجرهٔ سراسری و یك درورودی ازحیاط است ودرغربی به‌بقعه بازمی‌شود.

بقعه سیدرضا داورکیا معروف به دوزخ بهشت دردهکدهٔ بیجاربنهٔ لاهیجان

بنای اصلی از آجر و به ابعاد ٤٦٥ سانتیمتر است. در ورودی شرقی‌است و

به ایوانی بازمی‌شود. (عکس شمارهٔ ۹۸) در دیوارهای غربی وشمالی داخل حرم، هریك‌سه‌طاقچه وبردیوارهای شرقی وجنوبی هریك دوطاقچه بناشده است. غیراز دیوارغربی، دربالای اضلاع دیگر بالارفی ساخته‌اند. نقاشیهای مفصلی از وقایع صحرای کربلا وسایر مناظرمذهبی بردیوار است.

در وسط حرم صندوقی تخته‌ایست به‌درازای۲۰۸ وپهنای ۱۱۵وبلندی۱۰٤ سانتیمتر. برحاشیهٔ بالا وپائین چهارضلع‌صندوق وحاشیه‌های عمودی دوطرف ضلع شرقی، آیاتی ازکلام‌الله مجید به این‌شرح باخط خوش نسخ حك‌شده است:

برحاشیهٔ بالای ضلع شمالی، این‌آیات حك شده است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یس والقرآن‌الحکیم - تا - علی‌اکثرهم‌فهم.»[1]

برحاشیهٔ بالای ضلع شرقی، این‌آیات خوانده می‌شود:

«لایؤمنون انا جعلنا فی اعناقهم - تا - فهم لایبصرون سواء.»[2]

برحاشیهٔ بالای ضلع جنوبی، آیات زیر حك است:

«علیهم أأنذرتهم املم تنذرهم - تا - اذجاء هاالمرسلون.»[3]

برحاشیهٔ بالای ضلع غربی، این‌آیات حك شده است:

«اذ ارسلنا الیهم اثنین فکذبوهما - تا - الابشر مثلنا وما.»[4]

برحاشیهٔ پائین ضلع شمالی، این‌آیات است:

«حرم‌النبی - تا - عذاب‌الیم قالواطایرکم.»[5]

برحاشیهٔ پائین ضلع شرقی، این‌آیات حك شده است:

«معکم ائن ذکرتم بل‌انتم - تا - اتبعوامن لایسئلکم»[6]

برحاشیهٔ پائین ضلع جنوبی، این‌آیات خوانده می‌شود:

۱- سورهٔ یس۳۶، آیات: ۱-۷. ۲- سورهٔ یس۳۶، آیات: ۸و۹. ۳- سورهٔ یس ۳۶، آیات: ۱۰-۱۳. ۴- سورهٔ یس ۳۶، آیات: ۱۳ و ۱۴. ۵ - درسورهٔ یس ذکری ازحرم‌النبی‌نیست، باقی‌آیهٔ ۱۹ سورهٔ یس است. ۶- سورهٔ یس ۳۶، آیات: ۱۹ و ۲۰ وقسمتی ازآیهٔ ۲۱.

«اجراً وهم مهتدون - تا - قیل ادخل الجنة.»[۱]

برحاشیهٔ پائین ضلع غربی، این آیات حك است:

«قال یالیت قومی یعلمون - تا - من السماء وما کنا منزلین.»[۲]

برحاشیهٔ سمت راست ضلع شرقی صندوق عبارات زیر است:

«قداتفق اتمام هذاالصندوق المضجعه السید المغفور المبرور المشهور بسیدرضا داورکیا علیه الرحمة.»

برحاشیهٔ سمت چپ همین ضلع، عبارات زیر حك شده‌است:

«فی شهر محرم الحرام من سنة ثمان عشر والف هجریة المصطفویه من سعی جناب سعادت واقبال مآب خواجه علی.» (عکس شمارهٔ ۹۹)

دوش‌کشی در وسط سقف اطاق و سراسر سقف لمبه‌کوبی است . چهارطرف بقعه ایوان است. جلو هرایوان ده ستون چهارسو با سرستون است. سقف ایوانها واشان‌کشی است. لبهٔ ایوانها لتازهٔ تخته‌ایست که افقی به‌ستونها کوبیده‌اند . کف بقعه و ایوانها گلی است . لبهٔ‌بام دوپشته و بام سراسر بنا ، سفال‌سر است.

بردیوارخارجی بقعه در چهارطرف نقاشیهای مذهبی است. درداخل بقعه دو شیر، براق‌ومعراج پیغمبر، ضامن آهو، جنگ ابوالفضل، بردن اسرای کربلا به‌شام، صحرای کربلا ونظایر آنهاست.

آستانهٔ آقاسیدرضاکیا بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام در نخجیر کلایهٔ لاهیجان

بنای این بقعه بامسجد درزیریك سقف بنا شده است. معمولا دراین قسمت از گیلان به بناهائی برمی‌خوریم که بقعه‌ها در کنج بناهای مساجد ساخته شده یا قسمتی ازبناهای مساجد را تشکیل می‌دهند.

بقعهٔ سیدرضا درگوشهٔ بنای مسجدی مستطیل شکل است. صندوق وضریحی

۱- سورهٔ یس ۳۶، قسمتی ازآیهٔ ۲۱ و آیات : ۲۲-۲۶.
۲- سورهٔ یس ۳۶ ، آیات: ۲۶-۲۸.

ساده مرقدرا پوشانده‌است.سقف بقعه ومسجد لمبه‌کوبی وبام سراسربنا ، سفال‌سر است. مسجد مدفن اشخاص سرشناس محل است.

بقعهٔ آقامیرحاجی‌بن امام موسی‌الکاظم
در نخجیرکلایهٔ لاهیجان

بنای بقعه متصل به‌مسجدی‌قدیمی است که درهای ارسی پرکار دارد.

صندوق وضریحی چوبین ساده در وسط بناست، در ورودی بقعه نوعی‌قاب‌ـ گره‌است‌که هرنگار آن بدین‌شکل‌است:

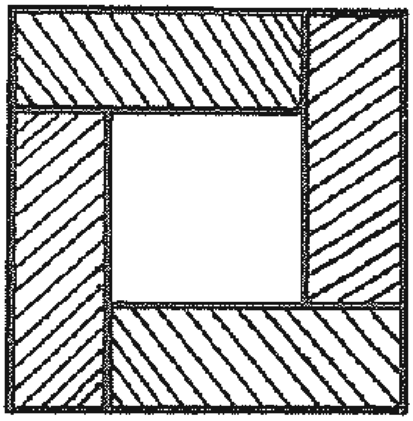

بنای بقعه و مسجد درمحوطه‌ایست که درختان کیش کهنسال دارد.

مدفن شاهزاده حاجی‌محمدمیرزا کاشف‌السلطنه
در کوه‌بیجار لاهیجان

این مرد نخستین کسی است‌که چای را درایران کشت کرد. جسد اورا نیز بنابر وصیت خودش بربالای تپه‌ای دفن کردند که مسلط برباغهای چای است. اخیراً بنائی عظیم برمرقد اوساخته‌اند. (عکس شمارهٔ ۱۰۰)

سنگ قبر او ، سنگ کبود رنگی به درازای ۱۷۲ و پهنای ۷۸ سانتیمتر است و این عبارات باخط خوش نستعلیق برآن حك شده است :

«هوالباقی

جایگاه ومزار شاهزاده حاجی‌محمدمیرزا کاشف‌السلطنه چایکار است که پس از اتمام تحصیلات در اروپا درسنهٔ ۱۳۱٤ هجری در سن ۳۵ سالگی بسمت ژنرال قنسولی هندوستان رفت ودرضمن توقف در آن سرزمین فن زراعت چای را آموخته و این محصول گرانبها را با

هزاران هزار مشقت[1] برسم ارمغان بوطن عزیز خود آورد .
اولکسی بود که چایکاری را در ایران وظیفهٔ همت خود دانسته وتمام عمرعلاوه برخدمات عمده که بردولت وملت نموده بانهایت سعیدراین راه کوشیده ومجدداً برای توسعهٔ کشت چای در سن ۶۵ سالگیمأمور بههندوچین و ژاپون شده و در مراجعت از راه بوشهر درروز شنبه۳۱ فروردین ۱۳۰۸ شمسی دوساعت بعد از ظهر در کتل ملوب با اتومبیل پرت واینجهان را باجهانیآرزو بهجهانیان واگذارد وشهید راه وطن شد ۱۳۰۸ شمسی.»

بقعهٔ آقاسیدابراهیم
در دهکدهٔ بجارباغ کتهشال لاهیجان

بنای اصلی بقعه شامل اطاقی زگالی است. صندوقی چوبین ساده مرقد را پوشاندهاست. چهارطرف بقعه ایوان دارد. هرایوان دارای ششستون چهارسوی-پخزده با سرستونهای پرکار است . دو عدد از ستونهای ایوان شرقی لاچ لنگری است. یکیازاین ستونها چهارسو است که برآن خطوط هفت وهشت مانند ، حك شدهاست ودیگری مارپیچ چپ به راست است . جای علم براین ستونهاست. سقف بقعه وایوانها واشانکشی ، لبهٔ بام دوپشته وسراسر بامبنا، سفالسر است.

علمبندی اینبقعه سوم محرم وعلمواچینی روزهفدهم یاهیجدهم محرم است. ساکنان کتهشال ، بجارباغ ، ستلسر وعلیسره برای شرکت در مراسم علمبندی و علمواچینی بهدین بقعه میآیند.درمحوطهٔ اطراف بقعه پنج درخت آزاد کهنسال و مقدار زیادی درختان کیش است. ساقههای جوان درخت کیش را بهعنوان دخیل بهتکائل وصندوق میزنند.

---

۱ ــ صدورتخم چایدراین تاریخ ازهندوستان ممنوع بود . کاشفالسلطنه داخل عصای خودراخالیکردومقداری تخمچای درآن پنهان نمود وباخود بهایران آورد .

بقعهٔ آقامیرمظفر
در دهکدهٔ سوستان (= سیستان) لاهیجان

بنای اصلی بقعه اطاقی است به‌طول پنج‌متر و نیم وعرض چهارمتر. ضریحی مشبک چوبین دروسط بناست که درازای آن ۱۹۰ و پهنای آن ۱۰۰ و بلندیش ۱۱۰ سانتیمتر است. سرکشی (= حمالی) درطول بنا دروسط کشیده وواشانها را بر دیوار و این سرکش قرار داده‌اند. سقف داخل بقعه لمبه‌کوبی و دارای درزپوش است. دو در ورودی در دوجهت شمال و جنوب است. درجنوبی کوچکتر از در شمالی است. چهارطرف بقعه ایوان است و هرایوان هشت ستون چهارسو دارد. سقف ایوانها فقط واشان‌کشی است. بام بنا سفال‌سر و بنا کرسی بلند است.

علمی بسیار بزرگ دراین بقعه‌است که درازای قسمت پائین یعنی قسمت اصلی آن، ۸۶ سانتیمتر و پهنایش ۷۲ سانتیمتر و بلندی آن تا زیرتیغه ۲۲۵ سانتیمتر و بلندی تیغه ۱۳۰ سانتیمتر است. در طرفین قسمت اصلی علم دواژدهای ریختگی است. (عکس شمارهٔ ۱۰۱) این نوشته‌ها براین علم مشبک‌کاری شده‌است:

دور قسمت اصلی علم:

«نامهای چهارده معصوم ودرقسمت بالا آیهٔ اول از سورهٔ مبارکهٔ نور.»

درقسمت وسط:

«علی‌بن ابی‌طالب امیرالمؤمنین حیدر لب بمهر [خوانده نشد].»

این بقعه دارای علمی دیگر است که مفرغی و قدیمی است. بالای آن سه‌شاخه وطرفین آن دو اژدهای ریختگی است. درقسمت اصلی علم «الله محمد علی» خوانده میشود. (عکس شمارهٔ ۱۰۲)

علم‌بندی این بقعه روزسوم محرم وعلم‌واچینی روزسوم امام یعنی عصرروز دوازدهم محرم، است. روز جمعه روز زوارکشی این بقعه است. درمحوطهٔ اطراف بقعه درختان آزاد وپلت و انار فراوان دیده می‌شود.

بقعهٔ فتح منصور
در دهکدهٔ ده سر تخم‌شل لاهیجان

بنای اصلی بقعه، اطاقی سادهٔ سکتی است. صندوقی تخته‌ای ساده مرقد را پوشانده است. چهارطرف بقعه ایوان دارد. هرایوان دارای شش ستون چهارسوی ساده است. لبهٔ ایوانها تکائل تخته‌ای دارد که وسط تخته‌هارا لوزی درآورده‌اند. سقف بقعه و ایوانها، واشان‌کشی است . در ورودی بقعه شرقی است. بام‌بنا لت‌پوش است. شاخه‌های جوان کیش را به عنوان دخیل به درزهای تکائل ایوان می‌زنند. در محوطهٔ بقعه یك درخت «تره‌کوچین» و دو درخت آزاد کهنسال و جنگلی از درختان کیش است.

بقعهٔ آقاسیداسماعیل بن امام‌موسی‌الکاظم علیه‌السلام
درمیان محلهٔ تخم‌شل لاهیجان

بنای اصلی بقعه اطاقی سکتی به طول ۳۸۰ و عرض ۳۲۰ سانتیمتر است . صندوقی‌تخته‌ای دروسط وضریحی‌مشبك چوبین به‌درازای۲۲۸وپهنای۱۵۸وبلندی ۱۵۵سانتیمترآن‌را احاطه کرده‌است. بالای ضریح هرمی باقاعدهٔ مستطیل،ازچوب ساخته‌اند وعلمی بربالای هرم قرارداده‌اند. دودرورودی دردوجهت شمال وجنوب است. درشمالی مشبك ودرجنوبی تخته‌ایست .(عکس‌شمارهٔ ۱۰۳) بلندی در شمالی ۱۶۰ وپهنای آن ۷۱ سانتیمتر است . در دیوار غربی بنا، پنجره‌ای مشبك درشت است.(عکس شمارهٔ ۱۰٤) چهار طرف بقعه‌ایوان است وهر ایوان هفت‌ستون دارد. ستونها چهارسو است و سرستونهای پرکار وظریف دارد. پهنای ایوانهای شمالی و جنوبی ۲۲۰ وپهنای ایوانهای شرقی وغربی ۱۷۵ سانتیمتر است. لبهٔ ایوانها تکائل تخته ایست که مثلث‌هائی میان تخته‌ها درآورده‌اند. (عکس شمارهٔ ۱۰۵) تکائل ایوان جنوبی قدیمی‌است ووسط تخته‌ها را مربع درآورده‌اند. سقف تمام ایوانها،

واشان‌کشی است. لبهٔ بام یك‌پشته و سراسر بام بنا، سفال‌سر است . در محوطهٔ بقعه جنگلی از درختان کیش وچند درخت آزاد است.

مراسم علم بندی بقعه روز چهارم یا پنجم محرم برگزار می‌شود و مراسم علم‌واچینی اگر روزبیست وهشتم صفر که قتل امام‌حسن است برپا نشد، دریکی از شبهای جمعهٔ بعداز بیست و هشتم علم واچینی می‌کنند و اگر موفق نشدند، علم تا سرمحصول سال بعد می‌ماند. در سرمحصول مراسم علم‌واچینی برپا می‌شود.

بقعهٔ آقاسید پرنور بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام دردهکدهٔ تخم‌شل لاهیجان

طول بنای اصلی بقعه از خارج ۵۲۰ و عرض آن ٤٧٠ سانتیمتر است . ضریحی مشبك چوبین صندوق مرقد را احاطه کرده است. دو دروروددی دردوجهت شمالی و جنوبی بقعه است. چهار طرف بنا ایوانهائی به‌پهنای ۱۵۰ سانتیمتر دارد. هر ایوان دارای هشت ستون چهارسوی پخ‌زده است . ستونها دارای سر ستونهای ظریف است . بریکی از ستونهای غربی این عبارت نوشته شده است:

« عمل استاد میرزاعلی و استاد میرعلی ابن استاد غلام رضای خلخالی
من نمانم روزگار خط بماند یادگار سنه ۱۳٤٦.»

سقف بقعه وایوانها واشان‌کشی واز رو پل‌کوبی با درزپوش‌زده است . یك سر واشانهای ایوانها برروی شیرسراست. لبهٔ بنا سه‌پشته و بام‌آن، سفال‌سر است. جنگلی از درختان کیش ودرختان‌آزاد، بنای بقعه‌را دربرگرفته است .

مراسم علم‌بندی‌این‌بقعه بعدازظهردوم‌محرم ومراسم‌علم‌واچینی روزسوم‌امام یعنی‌عصردوازدهم‌محرم، برگزار می‌شود. روز زوارکشی این‌بقعه، روزجمعه است.

بقعهٔ آقاسید محمدبن موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ سوخته‌کوه لاهیجان

این‌بقعه اطاقی سادهٔ سکتی‌است به‌ابعاد۳٦۰سانتیمترکه اطاق دیگری‌متصل

به آن است. (عکس شمارهٔ ۱۰۶) صندوقی تخته‌ای مرقد را پوشانیده است. قسمت بالای آن مشبك است و قدیمی‌تر به نظر می‌رسد. بدنهٔ تخته‌ای صندوق روزی نقاشی ظریفی داشته است. درازای این صندوق ۲۰۵ و پهنای آن ۱۲۲ و بلندی آن ۱۲۸ سانتیمتر است. سقف بقعه واشان‌کشی و پل‌کوبی با درزپوش‌زده است. میان سقف قسمتی مشبك است. میان این قسمت مشبك مستطیلی است که در آن جملهٔ «انا المحمود [خوانده نشد] واللهم صل علی محمد و آله» مشبك کاری شده است. (عکس شمارهٔ ۱۰۷) قسمتهای دیگر نوشته و حاشیهٔ آن که با خطی ریز نوشته شده بود، خوانده نشد. گویا این قسمت مشبك‌کاری متعلق به صندوقی قدیمی بوده است که هنگام تعمیر در سقف جای داده‌اند، یا مربوط به قاب‌کاری خود سقف است. بر بدنهٔ داخلی دیوارها، نقاشیهای مذهبی ظریف و قدیمی است که دستی توانا آنها را مجلس‌سازی کرده است. ابیاتی از هفت‌بند محتشم بر بالای نقاشیهاست.

طرف جنوبی بنا، پنجره‌ای مشبك چوبین ظریف و طرف شرقی آن در کوچکی است که به اطاقی انبارمانند می‌رود. درورودی بقعه شمالی است و سابقاً نقاشیهای ظریفی داشته است. پهنای این در ۸۲ و بلندی آن ۱۶۲ سانتیمتر است.

علمی در بقعه است که درسال ۱۲۰۸ هـ. ق. ساخته شده است. این آیات و جملات بر آن حك شده است:

در قسمت بالای علم «یاالله» در قسمت وسط و اطراف بدنهٔ اصلی آن «نصر من الله و فتح قریب ـ عمل استاد غلامعلی.»

چهارطرف بقعه ایوان دارد. ایوان شمالی دارای یازده ستون چهارسو است. ستونها دارای سرستون است و دو سرستون دوطرف درورودی بسیار پرکار و ظریف است. (عکس شمارهٔ ۱۰۸) ایوانهای غربی و شرقی هریك هفت‌ستون و ایوان جنوبی ده‌ستون دارد. طول ایوانها ۱۳٫۹۰ متر و عرض آنها ۲۵۰ سانتیمتر است. لبهٔ ایوانها تکائل مشبك درشت دارد.

سنگ مرمری به‌درازای ۴۱ و پهنای ۲۳ سانتیمتر در این بقعه است که این

عبارات بر آن حك است :

«وفات مرحوم آقاحسن ولدمرحوم عنایت بیك ۱۲٤۲. نشانه‌ها : مهر، تسبیح وشانه.»

علم این بقعه را شب چهارم محرم می‌بندند وروز سوم امام یعنی عصر دوازدهم محرم، بازمی‌کنند. این علم را دوباره می‌بندند وروز بیست وهشتم صفر که روز قتل امام حسن است، بازمی‌کنند.

جنگلی از درختان کیش کهنسال بقعه را دربرگرفته ودرخت آزاد کهنسالی درمحوطهٔ بقعه بود که محیط آن از یك متری زمین ٤۸۰ سانتیمتر بود.

بقعهٔ آقا سیدحسین بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ سوخته کوه لاهیجان

بنای اصلی بقعه اطاقی است ساده که چهارطرف آن ایوانی نوساز دارد. عرض ایوانها درحدود یك‌متر است. ایوانهای جنوبی وشرقی هریك هفت‌ستون و ایوان غربی شش ستون وایوان شمالی هشت‌ستون دارد.

در ورودی بقعه شرقی است. سقف بقعه لمبه‌کوبی وسقف ایوانها واشان ـ کشی است. لبهٔ بنا یك پشته و سراسر بام بنا، سفال‌سر است. این بقعه درمیان جنگلی از درختان کیش قرار دارد.

علم بندی این بقعه با بقعهٔ آقا سید محمد که پیش ازاین ذکرآن رفت، یکی است.

بقعهٔ سید علی کیا بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ لیالمان لاهیجان

بنای اصلی بقعه اطاقی است مربع به‌ابعاد ۶۷۵ سانتیمتر که دو در ورودی در دو طرف شمال وجنوب دارد. ضریحی چوبین مشبك به درازای ۲۷۰ وپهنای

۱۹۵ وبلندی ۱٤٥ سانتیمتر مرقد را احاطه کرده‌است . سقف ضریح گهواره‌ای و مشبك است . درهریك از اضلاع بنا دوطاقنماست که طاق جناقی دارد. چهارطرف بقعه ایوانهائی به درازای ۱۳٫۳۰ متر و پهنای ۲۸۰ سانتیمتر است . هر ایوان یازده ستون چهارسو بدون سرستون دارد . لبهٔ تمام ایوانها تکائل تخته‌ای ساده است وطاق آنها لمبه‌کوبی است .

در ورودی بقعه شمالی است . پهنای آن ۱۱٥ و بلندی آن ۱٦٥ سانتیمتر است . کار لنگه درها نوعی قاب‌گره است که نگار اصلی آن بدین شکل است :

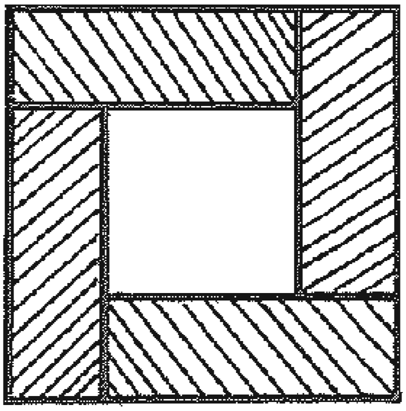

بالای بدنهٔ دیوارهای داخلی‌بقعه شیرسرهای متعدد تعبیه شده‌است . لبهٔ بام یك پشته است و کف بقعه ازکاشیهای بزرك سبزرنك مفروش است . اطراف‌بقعه محوطهٔ وسیعی است که چندین اصله درختان آزاد و کیش قدیمی درآن است . محیط دایرهٔ یکی از درختان‌کیش ۱٤۸ ودیگری ۱۰۲ سانتیمتر بود .

بقعهٔ ملاپیر شمس‌الدین
دردهکدهٔ لاشیدان‌حکومتی لاهیجان

بنای اصلی‌بقعه شامل‌ساختمانی‌آجری استکه ازخارج به‌ابعاد ۷۳۰ × ۷۲۰ سانتیمتر واز داخل ٥٤٥ × ٥٤۰ سانتیمتر ومسجدی متصل به‌آن است.(عکس شمارهٔ۱۰۹) میان اطاق صندوقی چوبین مرقد را پوشانیده‌است.کارصندوق‌نوعی قاب گره استکه نگار اصلی آن بدین شکل است :

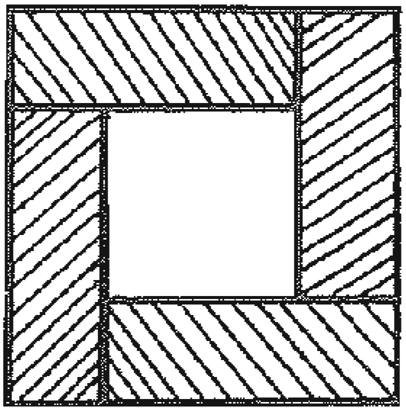

ضریحی مشبك ظریف و پرکار

صندوق را احاطه کرده است. (عکس شمارهٔ ۱۱۰) درازای آن ۲۶۰ و پهنای آن ۱۸۵ و بلندی آن ۱۸۰ سانتیمتر است. کف بقعه از کاشی سبزرنگ فرش شده و دور تا دور ازاره‌ای از کاشی گلدار به‌ارتفاع ۱۰۴ سانتیمتر که شامل هفت ردیف کاشی‌است، ساخته‌اند. در ورودی بقعه جنوبی‌است و بالای آن خفنگی نورگیر است. در ورودی شرقی دولنگه، به‌پهنای ۸۸ و بلندی ۱۷۲ سانتیمتر است و برتنکه‌های بالای آن با کنده‌کاری متوسطی این دو مصراع بر آنها حك شده است:

«پی‌شادی صاحب این باب بگشا یامفتح الابواب»

برهریك از دیوارهای داخلی‌بقعه سه‌طاقنمای بلند باطاق جناقی تیز است. ابیاتی از هفت بند محتشم کاشانی در دو ردیف در بالای طاقنماها نوشته شده‌است و درپائین‌این اشعار مجالس نقاشیهای مذهبی‌است. سقف بقعه واشان‌کشی و پل‌کوبی با درزپوش‌زده است.

ایوان شرقی بقعه به‌درازای ۱۰٫۵ متر و به پهنـای ۲۹۰ سانتیمتر است. لبهٔ ایوان دوفیلپای هشت ضلعی است که محیط آن ۲۴۰ سانتیمتر است. پائین و بالای این فیلپاها چهارضلعی است. انتهای شمالی این ایوان دیواری کشیده‌اند و پنجره‌ای روبه محوطهٔ بقعه در آن نصب کرده‌اند. درازا و پهنـای ایوان جنوبی همچون ایوان شرقی است ولبهٔ آن دارای چهار فیلپا باهمـان مشخصات فیلپاهای ایوان شرقی است. (عکس شمارهٔ ۱۱۱)

بربدنهٔ خارجی دیوار بقعه مجالس نقاشیهای مذهبی است ودرحـاشیهٔ زیر سقف ابیاتی از هفت‌بند محتشم کاشانی‌است. پائین دیوارها وسه فیلپای ایوانهـا، ازاره‌ای از کاشی دوران قاجاری است. لبهٔ ایوانهای بقعه سه‌پشته و طاق ایوانها واشانهای رنگین‌کشیده‌اند وبعداز پل‌کوبی، درزپوشهای رنگین برپلها‌زده‌اند. بام سراسر بنا، سفال‌سر است. بردیوار شرقی بقعه سنگ مرمری به‌ابعـاد ۳۲ و ۵۸ سانتیمتر است‌که این عبارات برآن حك شده است:

«هذاالمرقد المنور المطهر النورانی پیرملاشمس‌الدین علیه‌الرحمة و

الرضوان قدتوفی فی‌عشر شهر ذالحجه بتاریخ‌سنه‌تسع وخمسین‌وتسعمایه هجریه النبویه علیه‌السلام تعمیر کردن بقعهٔ مبارکه درقوئیل سنهٔ هزار و دویست و هفتاد و پنج ۱۲۷۵ حاصل موقوفات حضرت باستصواب کربلائی سیدهادی است.» (عکس شمارهٔ ۱۱۲)

در بالای این سنگ کاشی رنگینی است به‌ابعاد ۱۵ سانتیمتر که این عبارات بر آن خوانده می‌شود :

«سنه ۱۲۷۹

افسوس که عمر بی عبادت چکنم
طبعم بگناه کرده عادت چکنم
گویند کریمست گنه می‌بخشد
گیرم که ببخشد زخجالت چکنم

بتاریخ روز جمعه نوشته‌شد یادگار ملاعلی لاشیدانی پسر کدخداهادی غریق رحمت باد کسی‌که‌کاتب را باالحمدی یادکند.»

بقعهٔ آقاسیدحسین بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام درده‌کدهٔ دموچال لاهیجان

بنای اصلی بقعه اطاقی آجری است‌که از داخل درازای آن ۵۲۷ وپهنای آن ۴۷۵ سانتیمتر است.(عکس شمارهٔ ۱۱۳) صندوقی تخته‌ای ساده در وسط بناست که مرقد را پوشانده است . ضریحی چوبین مشبك به‌درازای ۲۶۰ و پهنای ۱۸۰ و بلندی ۱۶۰ سانتیمتر صندوق مذکور را احاطه کرده است . سقف ضریح چوبین و مشبك و به‌شکل هرم مستطیل‌القاعده است .

بر دیوار بقعه نقاشیهای مذهبی درمجالس مختلف دیده می‌شود . یکی ازمجالس دوطفلان مسلم ودیگری حضرت‌علی‌اکبر است.(عکسهای شمارهٔ ۱۱۴ و۱۱۵) سه در ورودی بقعه درسه‌جهت شرقی وغربی وجنوبی است .

درغربی دولنگه وبه‌اندازهٔ در شرقی است . این چهارلنگه در روزی برسر جای‌اصلی خود بوده‌اند. ظاهراً درتعمیرومرمتی آنها را جابه‌جا کرده‌اند ویکی‌از درهارا واژگون قرارداده‌اند. نگارنده درشرح ودرعکسها لنگه‌ها را به‌جای خود قرار داد. وضع آنها پس ازتغییر وجا به‌جا کردن به‌شرح زیر است :

بربالای لنگهٔ سمت راست درغربی عبارت زیرحك شده است :

«یامسبب الاسباب.»

بربالای لنگهٔ سمت چپ عبارت زیرحك شده است :

«یامفتح الابواب.»

برقسمت وسط در وتنکه‌های پائین گل وبوته‌های ظریف کنده شده است . پهنای این دولنگه ۹۰ وبلندی آن ۱۶۰ سانتیمتر است . (عکس‌شمارهٔ ۱۱۶)

برلنگهٔ سمت راست درشرقی‌که یکی ازلنگه‌های‌آن دردرگاه غربی‌گذاشته شده بود یکی دوآیه ازسورهٔ مبارکهٔ «یس» بدین ترتیب حك شده است :

برلنگهٔ سمت راست :

« لایؤمنون اناجعلنا فی‌اعناقهم اغلالا.»[1]

برلنگهٔ سمت چپ :

«فهی‌الاذقان فهم مقمحون وجعلنا.»[2] (عکس‌شمارهٔ ۱۱۷)

بریکی ازستونهای ایوان شرقی این عبارات خوانده می‌شود :

«عمل استادخانجان واستاد تقی اشکوری الاصل بتاریخ شهرمحرم ـ الحرام لوی‌ئیل ۱۲۹۸ حرره‌الاقل اب را ه ی م.»

برجدار خارجی و داخلی دیوارهای بقعه نقاشیها مذهبی است و برجدار داخلی برطرفین در ورودی دوعلم نقاشی شده که بردو طرف هریك دو تورنگ (=قرقاول) کشیده‌اند. نقاشیها ازرضاکفاش صورتگر ومورخ ۱۳۶۶ قمری است .

۱ــ سورهٔ یس ۳۶، آخرآیهٔ:۷ وقسمتی‌ازآیهٔ : ۸. ۲ــ سورهٔ یس۳۶، قسمتی‌از آیهٔ: ۸ و ابتدای آیهٔ:۹.

سقف بقعه لمبه‌کوبی ساده ، بدون درزپوش است . میان سقف شمسه‌ای داردکه‌میان شمسه عبارت «الحق‌مع‌علی» را در دوجهت مخالف یکدیگر نوشته‌اند. بالای دو در ازدرهای ورودی بقعه دوخفنگ چوبین مشبك ظریف نصب شده‌است. (عکس شمارۀ ۱۱۸)

ایوان جنوبی برسه فیلپا وچهار ستون متکی است . پائین و بالای فیلپاها بشکل مربع ومیان آنها هشت ضلعی است . سرستونها ظریف ورنگین وحمالهای بالای آنها نیزرنگین است وکنده‌کاری دارد . طول ایوانها ۱۲٫۴۰ متروعرض آنها ۲۸۰ سانتیمتر است . سقف ایوانها واشان‌کشی و پل‌کوبی با درزپوش زده است . بالای دیوار ایوانها ، شیرسرهای زیادی است که واشانهای ایوانها برآنها متکی هستند . لبۀبام بنا سه‌پشته وسراسر بام‌بنا، سفال‌سر است.

این‌بقعه علمی‌قدیمی داردکه برسرآن «یافتاح» وبربدنۀ اصلی «نصرمن‌الله و فتح قریب» وبرطرف دیگر بالای قسمت اصلی « یاالله یامحمد یاعلی » ودر سمت پائین «عمل محمد یوسف ولد محمد علی سنه ۱۰۷۹ » مشبك کاری‌شده است .

بقعۀ آقاسیدقاسم
درمیان محلۀ رودبنۀ لاهیجان

بنای اصلی بقعه نوساز وصندوقی چوبین ساده دارد . ایوانی در مقابل در ورودی بقعه است . سقف بقعه و ایوان لمبه‌کوبی است . مسجدی تازه ساز متصل به‌بناست . ازبنای قدیمی هیچگونه نشانی نبود .

بقعۀ آقاسیدحسن بن موسی بن‌جعفر علیهماالسلام
در دهکدۀ لاکمه‌سر [1] رودبنۀ لاهیجان

بنای اصلی بقعه‌آجری است. (عکس شمارۀ ۱۱۹) صندوق وضریح ودرها

۱ـ لاکمه‌سر زمانی‌جزء آستانه وگاهی جزء رودبنه بوده است . این دهکده‌درچهار کیلومتری شمال آستانه وشش‌کیلومتری دهشال است.

آثار هنری زیادی ندارد. ایوانهای بقعه شرقی وشمالی وجنوبی است. ایوان شرقی دارای سه فیلپاست که درفواصل آنها هشت ستون چهارسو باسرستون قرار دارد. ایوان شمالی دارای دوفیلپاست که درمیان آنها دوستون چوبی چهارسو با سرستون است. ایوان جنوبی دارای سه‌فیلپاست که قاعدهٔ آنها مربع است وپنج ستون چهارسوی چوبین درفواصل آنهاست. طرف غرب بقعه، مسجدی تازه ساز است که متصل به‌بقعه است. ظاهراً ایوان غربی را خراب‌کرده ومسجد را به‌بقعه وصل‌کرده‌اند. سقف بقعه‌وایوانها لمبه‌کوبی، لبهٔ بام‌سه‌پشته وسراسربام سفال‌سراست.

علمی قدیمی در این بقعه است که درحاشیهٔ بدنهٔ پائین‌آن چهارده معصوم و در وسط «الله محمدعلی» شبکه‌کاری شده است. (عکسهای شمارهٔ ۱۲۰و۱۲۱)

آستانهٔ دوبرادران
درموتار محله = موتال محله = متعلق محلهٔ نوبیجار
از بلوك كوهپايه ۱ وكنار شهر لاهيجان

این دوبرادر به‌نام آقا سیدتقی وآقاسید ابراهیم شهرت دارند. از پدرآنان نام ونشانی نیافتیم. بنای بقعه برقلهٔ کوهی است که مسلط برباغهای چای وشالی‌زارهاست وبسیاردید وسیعی دارد ومناظر اطراف آن روح افزاست. این بقعه اطاقی ساده است که سه‌طرف آن ایوان دارد. عرض ایوانهای شمالی و جنوبی ۲ متر و عرض ایوان شرقی ۱۳۰ سانتیمتر است. سقف بقعه واشان‌کشی و پل‌کوبی است وایوانها فقط واشان‌کشی دارد. ستونهای ایوانها، چهارسو و ساده، بدون سرستون وبن‌نال است.

باقی بناها وآثارتاریخی حومهٔ لاهیجان

۱ـ امام مزار وآقاسید حسین در دهکدهٔ لیالستان.

۲ـ بقعهٔ آقاسید حسین وپیرملاحسین دردهکدهٔ نالکیاشر.

۱ـ متعلق‌محلهٔ نوبیجار، ده‌ازدهستان حومهٔ بخش‌مرکزی‌شهرستان‌لاهیجان‌پنج کیلومتری شمال‌شرقی‌لاهیجان، سه‌کیلومتری شمال راه لاهیجان‌به‌لنگرود. (فرهنگ جغرافیائی‌ایران)

۳ـ بقعهٔ آقاسیدرضا بن‌موسی‌الکاظم علیه‌السلام‌در دهکدهٔ شاده‌سر=شیداسر.

٤ـ بقعهٔ آقا سید یحیی و آقا سید ذکریـا معروف به‌دوبرادران در دهکدهٔ حاجی سلیم‌محله .

٥ـ بقعهٔ آقافضلعلی معروف به‌فرض‌علی ، دردهکدهٔ دمچال .[1]

٦ـ بقعهٔ آقاسید شفیع درنال‌کیاشر .[2]

۷ـ بقعهٔ سید رضاکیا در دهکدهٔ سیدور[3] = سی‌ور ناصر کیاده .

۸ـ بقعهٔ آقاسید نصیربن امام موسی الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ سراجار[4] که دارای ستونهای چوبی جالبی است .

۹ـ بقعهٔ میرمسعود وبقعهٔ شیخ حسن در دهکدهٔ ده بنه .

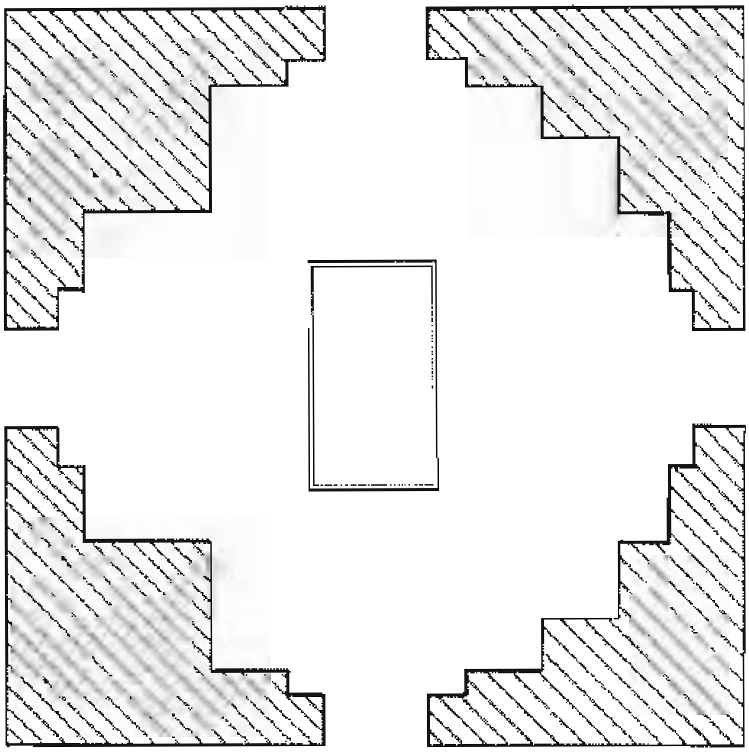

بقعهٔ آقا پیرجنگی در اراضی باز کیاگوراب

۱ـ بضم دال ومیم . ۲ـ بفتح شین. ۳ـ بفتح واو . ۴ـ بضم سین.

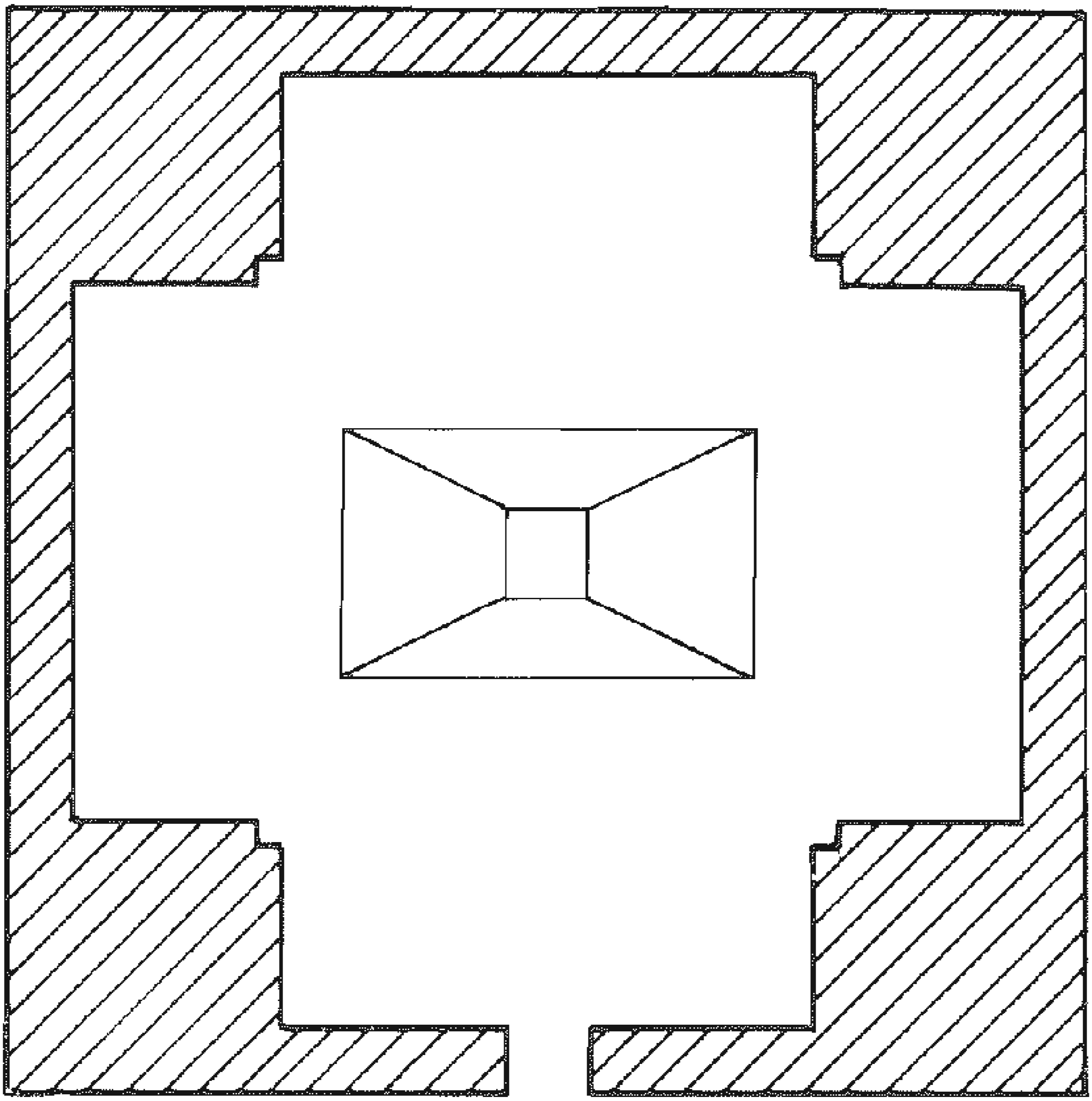

اطاق چهارپادشاه ـ مقبرهٔ سید خورکیا

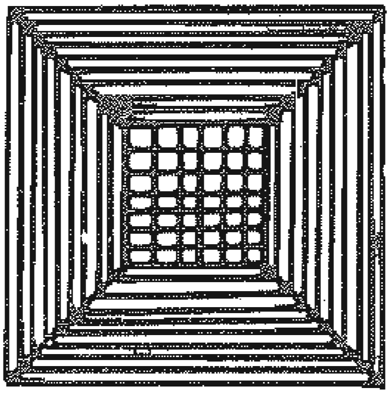

نگار اصلی ضریح مقبرهٔ سید خورکیا

بناها و آثار تاریخی بلوک لاهیجان

۱- بناها و آثار تاریخی بلوک کوهپایه و کنار شهر لاهیجان

طاق کیاجو

سیدظهیرالدین دربارهٔ طاق کیاجو وحفر نهری برای مزارع گوکه و کیسم و لاهیجان به‌امر سیدعلی‌کیا، شرح زیررا نوشته است:

«چون مردم ولایت گوکه وکیسم وبعضی‌ازلاهجان جهت زراعت برنج‌ازقلت آب درزحمت می‌بودند، مردم‌کاردان‌را بفرستادند تاملاحظه نمایند که‌هیچ‌ممکن هست‌که آب سفیدرود را بردارند وجهت مزارع مذکوره جاری سازند. در سنهٔ سبع وثمانین وسبعمایه، عمال وکارکنان ومبصران و معتمدان که جهت تحقیق آن حال رفته بودند، چنان رسانیدندکه برموضعی‌می‌توان طاقی بستن وبالای‌آن‌جوی آب جاری ساختن وجهت جریان آن حفرجوی‌کردن. اما کاریست عظیم وخرجی بسیار درخورست. چون صورت حال را معلوم فرمودند، اشارت کردند از ولایت تنکابن وشکورمردم را خبردهند تا گیل‌ولوم(؟) مجموع، جهت‌کارخیرجمع‌شوندو نیت عمل برّ بکنند و بدان مهم ساعی ومجدگردند تاهرخرجی‌که باید از دیوان بیت‌المال رجاءً للثواب وطلباً لمرضات‌الله کرده‌آید. چون این امر به‌سمع اهالی ملك رسید، بلاتوقف وتأنی وبلااجبار واکراه، جمع شدند و امامت پناهی بنفسه سوار شده بااولاد واخوان برسرکار رفت وبنیاد طاق‌کردند واستادان بنّارا برآن

داشتند ومردم به‌اعتقاد تمام با بیل وکرباس به‌حفرجوی مشغول شدند وبه‌مدت دو سال آن طاق وآن‌جو به‌اتمام رسید . وآن آب جاری شد . الحمدلله علی جزیل نعمائه . وآن طاق تاایام حکومت مغفرت پناهی سید ناصرکیا نورقبره ابن سید غفران شعاری کارکیا امیرسید محمد برّدمضجعه برحال خود بود . وبعداز آن خلل برآن طاق‌راه یافت وفرو افتاد ومغفرت پناهی مشارالیه ، بالاتر از آن حفر جوی عظیمی فرمودند ومتصل بدان جوی اول ساختند والحال هذه همچنان‌آب جاری و ساری است . ومردم ممالك مذکوره از آن انتفاع می‌یابند.»[۱]

خشت پل
بر رودخانهٔ شیمرود

درفاصلهٔ نیم‌کیلومتری بقعهٔ سیدحاجی دان آقا ، رودخانهٔ شیم‌رود در بستر اصلی خود جریان دارد . نزدیك این بقعه براین رودخانه پلی‌آجری قدیمی‌است که دارای پنج چشمه است. چشمهٔ میانین ازچشمه‌های دیگر بزرگتر است ودر هرطرف این چشمه دوچشمهٔ کوچکتر است . طاق چشمه‌ها هلالی است . بلندی لبهٔ طاق چشمهٔ میانین از سطح آب بیش از چهارمتر است . طول پل‌بیش ازیازده متروسطح آن سنگ‌فرش است .

خشت پل
بر رودخانهٔ‌سیم رود (=سیم‌جو) نزدیك شهر لاهیجان

میرظهیرالدین مرعشی در ذکر وقایع سال ۸۹۲ هـ. ق. می‌نویسد : «دراین سال جناب افضل المتقدمین واعلم المتأخرین مولانا نعمت‌الله طبیب خلد فضله و کمالاته که درعلوم متداوله علامهٔ دوران واعجوبهٔ زمان بود بتخصیص درعلم‌طب که درآن فن‌ازعلمی‌وعملی‌نفس‌مسیحا ویدبیضا [داشت] رغبت‌نمود که ثواباًلله تعالی و طلباً لمرضاته به‌رودخانه‌ای‌که مشهور و ملقب است به‌سیمرود برگذر شهر لاهجان

۱ــ تاریخ گیلان ودیلمستان سیدظهیرالدین ، ص ۷۳ و ۷۴ .

مبارك، احداث پلی از خشت وسنگ و آهك بفرمایند. فلهذا از خدام خلیفهٔ رحمانی اجازت طلبیده، استدعای همت عالیهٔ خسروانه نمود وتوقع فرموده که به طلب استاد یعقوب بنّای رویانی نزد ملوك کلارستاق خلد ملکهم بفرستند تا حاضر گردد، در آن مهم مبارك شروع نماید. بنابر توقع فضایل مآبی، اشارت شد که به طلب حرفت مآبی بفرستند. بنابر امر اعلی، استاد یعقوب را حاضر ساختند. واسباب آن عمارت را حکمت پناهی، خرج بسیار کرده، مهیا ساخته بود. روز شنبهٔ دوازدهم جمادی‌ـ الاول موافق آبان ماه قدیم را بنیاد آن عمارت عالی کردند واز جانب مشرق و مغرب دو طاق بزرگ، ودر وسط طاقین، یك طاق کوچك بر آوردند وخدام حضرت خلافت پناهی، همت عالی مصروف داشته، به انواع امداد عنایت فرمودند وغرهٔ محرم سنهٔ ۸۹۲ اثنی وتسعین وثمانمائه را که چهارسال وهفت ماه وهشت روز باشد آن عمارت صورت تتمیم پذیرفت.»[۱]

رابینو درسال ۱۳۳۱ هـ. ق. یا کمی مقدم براین تاریخ این پل را دیده و متوجه شده است که همان پل نعمت‌الله طبیب است. درحدود صدوهفتاد سال پیش مردی خیرخواه به‌نام حاجی جعفر کاشانی، پل آجری کنونی را به‌جای پل سابق بنا کرد.

این پل پس ازخرابی به‌دستور عمهٔ حاجی امین‌الدیوان مرمت شد ودرسال ۱۲۷۱ قمری، تاجری لاهیجی به‌نام حاجی قربان، این پل را از نوساخت. وسط این پل برآمده است وزاویهٔ آن به‌سی‌درجه می‌رسد.[۲]

این پل محکم برروی رودخانهٔ لاهیجان است که به لنگرود وچمخاله می‌رود و سرچشمهٔ معینی ندارد و از نشت آب زمینها تشکیل می‌شود و جریان آبش از مغرب به مشرق است. این پل شامل دو چشمهٔ اصلی و دو چشمهٔ کوچکتر درطرفین این دوچشمهٔ اصلی است. عرض دهانه‌های اصلی ۱۲٫۷۰ متر و ارتفاع

۱ـ تاریخ گیلان ودیلمستان سیدظهیرالدین، ص۴۴۲. ۲ـ گیلان رابینو، ص۳۰۴.

آن ازسطح آب ۵ر۱۰ متر وعرض دهانه‌های کوچك ۲۳۰ وارتفاع آنها ازسطح زمین ۲۵۰ سانتیمتر است . طاقهای هرچهار چشمه جناقی تیز است . راهروئی در پایهٔ میان دو دهانهٔ بزرگ بنا شده که عرض آن ۱۵۰ سانتیمتر است . در طرفین پل از بالا یعنی محلی که گذریان عبور می‌کنند ، جان پناهی به‌ارتفاع ۸۰ سانتیمتر از آجر و گچ ساخته‌اند . فاصلهٔ میان دو جان‌پناه یعنی عرض پل بدون درنظر گرفتن پی جان‌پناهها، ۴۷۰سانتیمتر وطول پل، هفتادمتراست . جلوپایهٔ اصلی که میان دو طاق بزرگ پل است سیل برگردان مدوری ساخته‌اند . همچنین پهلوی دهانهٔ کوچك جنوبی نیزسیل برگردانی بناشده‌است . درامتداد لبهٔ شمالی دهانهٔ بزرگ، دیواری از آجر، درکنار رودخانه ساخته‌اند، تاآب را به‌داخل دهانه هدایت‌کند. قسمتی از پل که در جنوب قرار می‌گیرد ، دست خورده و تعمیری است . (عکس شمارهٔ ۱۲۲)

بقعهٔ شیخ تاج‌الدین ابراهیم معروف به‌شیخ زاهد گیلانی[۱] دردهکدهٔ شیخانور

قریهٔ شیخانور برسر راه لاهیجان به‌لنگرود ، نزدیك به‌نخجیرکلایه و لیالستان‌است. مرقدشیخ تاج‌الدین‌ابراهیم گیلانی- مرشد شیخ‌صفی‌الدین‌اردبیلی- دراینجاست .

شیخ زاهد درسال۶۱۵ هجری‌قمری در سیاوه‌رود گیلان متولد شد وبعداز عصرسه‌شنبه۲۴ربیع‌الثانی‌سال۷۱۱ه.ق. بدرود زندگانی گفت.خود شیخ‌می‌خواست که مرقدش در سیاوه‌رود باشد ، ولی عده‌ای که به شیخ علاقهٔ فراوان داشتند ، می‌خواستند جسد او را به‌مولد و موطن خود ببرند . شیخ زاهد ، داماد و شاگرد خود- شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی- را بخواست ونظرخود ودیگران را بدو بازگفت. شیخ‌صفی‌الدین که علاقهٔ اورا به‌سیاوه‌رود می‌دانست، وسایل‌حرکت اورا به‌سیاوه-

۱- درفهرست بناهای تاریخی‌واماکن باستانی ایران،ص۱۳۰ و۱۳۱ ، شرح‌مختصری راجع به‌این بقعه است .

رود فراهم آورد واو را بدین محل رسانید. پس از چهارده روز اقامت در آنجا، شیخ زاهد خرقه تهی کرد وجان به‌جانان فرستاد. جسدش را به خاك سپردند و حرمی گرد آن بساختند.

حسن بیك روملو درشرح وقایع سال ۸۹۲ هجری می نویسد[۱] که سلطان حیدر صفوی دراردبیل به‌خواب دیدکه شیخ ابراهیم زاهدگیلانی، او را مخاطب ساخته است ومی گوید که مزار من نزدیك است درآب دریا فرورود وبه او دستور داد تا جسدش را به‌جائی دیگر که درامان است، حمل کند. سلطان حیدر، از اردبیل به‌شیروان رفت وازآنجا با بنّایان و نجار به کشتی نشست و به‌گیلان آمد. جسد او را به‌جائی دیگر برد وبقعه‌ای عالی برای او بنا کرد. مزاری‌که امروز برسه کیلومتری لاهیجان بابنائی زیبا وگنبدی چهارگوش عجیب، بردامن‌کوهی دیده می‌شود، همان بناست. گنبد این‌بقعه هرمی‌شکل وکاشیهای‌آن بسیار ظریف‌است. شاید تنها راهی‌که برای باقی ماندن این‌گنبد به‌نظر معماران زمان رسیده است، ساختن‌آن به‌شکل‌هرم است تاآب باران به‌سرعت از روی آن بگذرد ورطوبتی باقی نگذارد.(عکس شمارهٔ ۱۲۳)

این‌مزار صندوقی‌چوبین منقش وکنده‌کاری شده داشته است‌که رابینومعتقد است که دریکی ازآتش‌سوزیهای قبل اززمان او (سال۱۳۳۱ هجری‌قمری) طعمهٔ حریق شده است.

مرحوم سعید نفیسی نیز همین اعتقاد را دارد و می‌نویسد که درحریق سال ۱۲۸۲ یا ۱۲۹۲ ویابین آنها صندوق چوبین‌مرقد از میان رفته است.[۲]

خوشبختانه کتیبه‌های این مزار در کتاب درن[۳] و دیگران محفوظ مانده و

۱ـ آقای ابوالقاسم غمگسار درسالنامهٔ دبیرستان‌ایرانشهرلاهیجان صفحات ۱۶و۱۷و ۱۸، شرحی راجع به‌شیخ نوشته‌اند و تاریخ وفات اورا درماه رجب سال ۷۰۰ هجری ذکر کرده‌اند. ۲ـ مرحوم سعید نفیسی درمجلهٔ فرهنگ سال‌چهارم، صفحات۴ـ۱ و۱۱ـ۳۷ و۴۴ـ۴۳ و۶۹ـ۷۸، شرحی راجع به‌این مزار نوشته‌است. ۳ـ Dorn.

رابینو درسفرنامهٔ مازندران و استراباد خود ازآنها یادکرده است . ازمجموع این کتیبه‌ها مطالب زیر به‌دست می‌آید .

ازکتیبهٔ صندوق مستفاد می‌شودکه جسد شیخ‌زاهدکه درروز سه‌شنبه بیست‌و چهارم ربیع‌الاخر سنهٔ ۷۱۱ ه.ق. فوت شده دراینجاست ونجاری صندوق‌کار عبدالله درو[د]گراست . دیگراینکه در ورودی را سید رضی‌بن مهدی باشکجانی در سال ۸۲۲ هجری تقدیم کرده است ونجارآن استاد احمد یادگار بوده است. اینك اصل کتیبه‌ها :

کتیبهٔ صندوق مقبرهٔ شیخ زاهد

« کل شییء هالك الاوجهه ـ له‌الحکم والیه ترجعون ـ هذا المرقد للسالك فی‌مسالك المعارف ذی الریاضة المرضیة العارف العابد الشیخ الزاهد وتاریخ وفاته بعدالعصر من‌یوم الثلثاء اربع‌وعشرین ربیع‌الثانی سنة احدی عشر وسبعمایه ـ تاریخ وفات شیخ فاضل و مقتدی الکامل شیخ الزاهد المرحوم طاب‌ثراه و جعل الله فی الجنة مثواه آخر روز سه‌شنبه بیست و چهارم ماه ربیع الاخر سنه احدی عشر وسبعمایه ـ عمل عبدالله دروگر. »

کتیبه‌ای بر در ورودی

« امر ... هذا الباب الفقیر سید رضی‌بن مهدی‌الحسینی الباشکجانی[۱] سنة اثنی وعشرین‌وثمانمائه.

براین درگاه این در یادگار است

زاستاد احمد و از یادگار است »[۲]

دراین یکی دو صحیفه مطالب متناقض و آشفته‌ای را پشت سرهم آوردیم

۱ـ ظاهراً باشکجا بعداً باشیجا و امروز پشمچاه شده است .

۲ ـ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو، ص۱۲ .

تانشان بدهیم که مورخین ما تاچه اندازه در نوشتن مطالب تاریخی بی‌دقتی نشان داده‌اند . اگر شیخ زاهددرسه‌شنبه بیست وچهارم ربیع‌الثانی سال ۷۱۱ فوت شده و در همین‌جا به‌خاك سپرده شده باشد ، چگونه اورا ابتدا به‌دستور شیخ صفی‌الدین اردبیلی به‌سیاوه‌رود آورده‌اند وپس ازچهارده روز در آنجا فوت شده است وسپس درسال۸۹۲هجری سلطان‌حیدر، قبراورا نبش‌کرده وجسد اورا بدین‌جاآورده‌است.

دیگراینکه امروزقبری زیرگنبد هرمی‌شکل است‌که باید مزارشیخ زاهد باشد. زیرا این‌گنبد زیبا واین‌بنای‌عظیم را برای مردی‌بزرگ چون‌اوباید ساخته باشند . ولی برگوری‌که درزیرگنبد است ضریحی‌است‌که نشان می‌دهد اینجا مزار سید رضی‌بن مهدی‌الحسینی‌الباشکجانی است‌که درسال ۸۳٤ هجری روی درنقاب خاك کشیده است . اینك کتیبهٔ این صندوق :

« کل‌شیی‌ء هالك‌الاوجهه هذا المرقدالمنور والمضجع المعطرللسید المکرم والشیخ المعظم السید رضی‌بن مهدی الحسینی الباشکجانی و انتقل فی‌شهرالله المبارك رمضان سنة اربع وثلثین وثمانمائه عمل‌استاد محمودبن شهاب‌الدین دروگر .

قد کان صاحب هذا القبر لؤلؤة
عــزّ لقــد صاغها الباری مــن اللطف
عزّت ولــم تعرف الایام قیمتهــا
فرّدهــا غیرةً منها الــی الصدف »[1]

وبردری که همزمان این صندوق بوده است و فعلا اثری از آن نیست این عبارات خوانده می‌شده است :

« عمل استاد یادگار دروگر سنة خمس وثلثین وثمانمائه . »

دیگر اینکه اگر به‌قول رابینو ومرحوم سعید نفیسی ، صندوق مزار شیخ

۱ــ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو، ص ۱۱. درحاشیهٔ بالای این صندوق سورهٔ یس ــ تا ــ خشی‌الرحمن ، باخط خوش نسخ، حك شده‌است.

زاهد ودر ورودی آن را که سید رضی‌بن مهدی الحسینی الباشکجانی تقدیم کرده است ودر آتش سوزیهای سال ۱۲۸۲ یا ۱۲۹۲ یادر فواصل این سالها طعمهٔ حریق شده‌است ، چرا صندوق قبر سیدرضی متوفی سال ۸۳٤ که در همین اطاق بوده تاامروز باقی مانده است ؟ احتمال دارد که صندوق مزار شیخ زاهد و در ورودی بقعهٔ آن‌که ارزش‌تاریخی وهنری‌داشته‌است مانند صندوق‌عظیم میربزرگ درآمل یاصندوق‌چهارپادشاهان درلاهیجان وصدها صندوق ودر دیگر، به‌یغما رفته باشد.

این سید رضی‌بن مهدی الحسینی الباشکجانی که در ماه رمضان سال ۸۳٤ هجری بدرود زندگی گفته است ، غیر ازسید رضی کیا پسر سید علی کیاست که خود یکی از شاهان لاهیجان بوده و در سال ۸۲۹ هجری مرده است.[1] این سید رضی شایدآن کسی‌است‌که میرظهیرالدین درصفحهٔ ۱۸۳ کتاب تاریخ گیلان خود اورا یاد کرده‌است .

باشکجان که درمتن کتیبه آمده است ، شاید همان دهکدهٔ پاشیجاست که یکی از دهکده‌های لفمجان است که زمانی شاه‌نشین بوده و میر ظهیرالدین در تاریخ گیلان خود بارها نام این محل را آورده است . این نام در فرهنگ جغرافیائی به‌شکل « پشم چاه » ضبط شده است .

وضع کنونی بقعهٔ شیخانور

سه طرف بنای اصلی دارای ایوان است . درازای ایوان جنوبی و درازای بدنهٔبنا ۸۲۵ سانتیمتر وپهنای‌ایوان ۲٦۰ سانتیمتر، درازای‌ایوان شرقی و درازای بدنهٔبنا ۸۹۰ سانتیمتر وپهنای‌ایوان۲۸۰ سانتیمتر، درازای ایوان شمالی۲۰ مترو پهنای‌آن ۲۸٦ سانتیمتر است . از ایوان شمالی که وارد حجرهٔ اول‌می‌شویم ، قبر سید رضی‌بن مهدی الحسینی الباشکجانی را باصندوق چوبین آن می‌بینم ، بلندی درورودی شمالی ۱۸۷ سانتیمتر وپهنای‌آن۱۱۰سانتیمتر است. دردیگری به‌همین پهنا و بلندی دربقعه است. هردوساده و تخته‌ای هستند. بنای اصلی بقعه ازداخل

۱ــ سید ظهیرالدین درکتاب گیلان ودیلمستان خود مکررازاین مرد یادکرده است.

مربع شکل وابعادآن ۶۱۰ سانتیمتر وباچهارگوشوارکه برچهارکنج بنا ساخته‌اند، طاق را جمع کرده و به شکل گنبد درآورده‌اند و بقیهٔ بام بنا ، سفال‌سر است . بدنهٔ بنا تا ۱۴۳ سانتیمتر از زمین کاشی‌کاری است وابعاد کاشیها ۱۲سانتیمتر است. کاشیها به‌رنگ زرد و آبی ونقش علمی درمیان آنهاست . چهار در در چهار طرف بناست واز در غربی آن به‌اطاق مجاور می‌روند .

بر دیوارشرقی‌سنگ مرمری‌است‌که اشعارزیررا باخط خوش‌نستعلیق برآن حك‌کرده‌اندونشان می‌دهدکه میرزا ابوطالب نامی‌را درسال۱۱۷۱ه.ق. دراین‌محل به‌خاك سپرده‌اند :

«قوام شکر و تمکین و شهدشان ونیکوئی
چراغ دودمـان زبـدهٔ اولاد پیغمبر
چوعرفانش‌زهمت پشت‌پا برملك هستی‌زد
بفردوس برین گردید لطف ایزدش رهبر
مه تـابندهٔ اوج شرف میرزا ابوطالب
که از نور صفاتش برج عزت یافتی زیور
طراز گلبن عزت بهار گلشن فطرت
سحاب مزرع دانش محیط علم را گوهر
دلیل سالکان راه‌حق تهـذیب اخلاقش
زتحریر کمالش عاجزآمد عقل دانشور
سروش غیب گفت از بهـر تاریخ وفات او
فتاد اکلیل‌دانش گشت علم‌ومعرفت بیسر
۱۱۷۱
بهار گلشن عز و شرف میرزا ابوطالب
چو بوی‌گل‌مسافرشدازاین بستان‌بیحاصل
ندای ارجعی ازعالـم غیبش به‌گوش آمد
روانش شد ببزم لامکان راجع‌ازاین‌منزل

زفیض ناخدا و لطف ایزد کشتی جان را
کشیدازیك نفس زین بحر پر آشوب بر ساحل
چوازجان طالب حق بود سال رحلت اورا
خرد گفتا بمطلوب حقیقی گشت اوواصل
۱۱۷۱

صندوق مزار سید رضی بن سید مهدی دراین اطاق است . درازای آن ۲۷۵ سانتیمتر و پهنای آن ۱٦٤ سانتیمتر و بلندی آن ۱٦۰ سانتیمتر و برلبه‌ای که ۲٥ سانتیمتر از کف بالاست ونمای آن را یك ردیف کاشی‌کاری کرده‌اند ، قراردارد. ضریحی چوبین شمع ودستك دور ایــن صندوق است . طاق این ضریح نیز شمع و دستك گهواره‌ای شکل است .

از در غربی مزار سیدرضی، به‌اطاق غربی که طول آن شرقی غربـی است ، می‌روند . درازای این اطاق ۱۱ متر و پهنای آن ٤۳۰ سانتیمتر است . کف اطاق کاشی‌کاری است و دیوارها به‌بلندی ۱۱۰ سانتیمتر نیز کاشی‌کاری دارند .

ضلع جنوبی این اطاق طاقنما دارد که کف یکی از طاقنماها به‌ارتفاع یك متری از کف اطاق است . دو طاقنمای دیگر از کف اطاق ۲٥ سانتیمتر بالاتر بنا شده‌اند . در ضلع غربی بنا ، سه پنجرۀ چوبین و در ضلع جنوبی چهار پنجرۀ چوبین ودری درضلع شمالی ودری درضلع شرقی دارد .

در فاصلۀ دومتری ضریح چوبین این اطاق قبری کاشی‌کاری است کـه بالای آن گهواره‌ای است . بلندی این قبر از سر گهواره تا کف اطاق ۱۲۰ سانتیمتر و درازی آن ۲۱۰ سانتیمتر وسراسر روی آن کاشیکاری قدیمی نقش‌دار است .

مزار ضریح‌دار این اطاق را مرقـد شیخ زاهد می‌دانند و گوری کـه در جوار آن و کاشی‌کاری‌است، می گویند قبرغلام شیخ است.اما رابینو این‌گوررا گور یکی ازپسران تیمور می‌داند.[۱]

۱ــ گیلان‌دابینو، ص ۳۱۰. مرحوم سیدنفیسی درمقالۀ خود یکی‌ازدختران تیمور نوشته‌است.

آقای صالحی درمجلهٔ نوبهار، مقاله‌ای به‌عنوان «گنبدشیخانور» نوشته‌اندو بدون مراجعه به‌محل، مزار سید رضی‌بن سید مهدی باشکجانی را مرقد آقا سید حسین کیا دانسته‌اند ومرحوم‌کسروی‌هم درشمارهٔ بعدهمان مجله صفحهٔ۱۶۴، انتقاد مفصلی برمقالهٔ ایشان نوشته‌اند.

کتابچهٔ سودمندی هم آقای محمد علی گیلك به‌نام «شیخ زاهدگیلانی» در ۱۳۱صفحه نشرکرده‌اند. اما چون باورنداراند که‌آرامگاه شیخ ممکن است روزی نزدیك سفیدرود و دریا بوده باشد، درباب درستی جای آرامگاه تردیدی پیش آورده‌اند.

یادآوری مطالب زیر شاید کمی این مطلب را روشن‌کند وبرای جغرافیای تاریخی این سرزمین نیز مفید باشد.کسانی‌که باجغرافیا سروکار دارند، می‌دانندکه رودهای‌بزرگ نزدیك دهانه ومصب خود به‌شاخه‌هائی تقسیم می‌شوند وجزیره‌ها و دلتاهائی‌می‌سازند ودرطول‌زمان بسترخودرا درنزدیکی‌مصب گاه‌به‌گاه‌تغییرمی‌دهند. سفیدرود هم ازاین سیرطبیعی برکنار نبوده است و بی گفتگو بارها بستر خود را درنزدیکیهای‌مصب جابجا کرده‌است. سفیدرود امروز نزدیك‌آستانه پیچ‌می‌خوردو به‌سمت شمال‌غرب منحرف می‌شود ودر حسن کیاده به‌دریا می‌ریزد. ولی درگذشته این چنین نبوده است. در روستاهای شمال لاهیجان بستری از سفیدرود برجاست که روستائیان آن‌را «کئنه سفیدرود» یعنی سفید رود کهنه و قدیمی می‌نامند. این بستر که هم اکنون برجاست و دلیل زندهٔ جابجا شدن سفیدرود در جلگهٔ گیلان‌است، ازکیسم به‌آستانه وازآنجا به‌کمچال[1] وکنف‌گوراب[2] وسپس به‌رودبنه می‌رسد واز روستاهای پهمدان[3] ــ کابیه (= کاویه) ــ شیرجوپشت ــ بینه‌کلا[4] ــ رودپشت ــ فشوش پشته (= فوش‌پشته) ــ نوشر ــ کچلم[5] ــ ایوان سل ــ ناصر- کیاده ــ هسنال ده (= حسنعلی ده) ــ تیته ورزه (= تی‌تی پریزاد) و پائین رود-

۱ـ بضم کاف. ۲ـ یعنی روستاهائی‌که به‌لاهیجان وشیخانور نزدیکند ۳ـ بفتح پ ومیم. ۴ـ بفتح باء ونون. ۵ ـ بفتح کاف و چ وضم لام.

پشت می‌گذشت و در دهکدهٔ جیرباغ به‌دریا می‌پیوست. دهکدهٔ دهنه‌سر، مقابل جیرباغ، بندر آن زمان بشمار می‌آمده است. (خود واژهٔ دهنه در گیلکی به‌معنی مصب رود است.) اما زمانی رسید که سفیدرود راه خود را کج کرد و برای خود بستر تازه‌ای گشود. ناگزیر این بستر کهن در طول دهها کیلومتر همچون خشکرودی برجا ماند و دهکده‌های آن سامان را که به‌نام «مالاجَش[1] = مالادان= مالفجان» شهرت داشت و به معنی سرزمین ماهیگیران است و پیش از این هم بر اثر گودی رودخانه کم‌آب بود، یکباره بی‌آب کرد.

کم‌کم میان روستائیان، برای علت جابجا شدن بستر سفیدرود که از لحاظ طبیعی امری عادی بود، داستانهائی پدید آمد. گروهی گفتند که چون آب رودخانهٔ سفیدرود از کنار آستانه یعنی آرامگاه سیدجلال‌الدین‌اشرف، می‌گذشته و بیم آن بوده است که یکباره آنجا را بشوید و ببرد، امامزاده آن را برگرداند. در نتیجهٔ این جابجا شدن چون روستاها و شالیزارها بی آب ماند، مردی به‌نام سید علی اکبر، نهری ازموضع سغلسان[2] (= صیقلستان) یا کیسم‌جو که درازای آن به‌یك فرسخ می‌شد از سپیدرود جدا کرد و آب‌آن را در بستر کهن سپیدرود جاری ساخت تاروستاها بی‌آب نمانند. این رود که درهمان بستر کهنهٔ سفیدرود احداث شد «سید علی‌اکبری» نامیده شد. سپس چون آب این جو برای روستاها کافی نبود، درزمان انقلاب جنگل، دکترحشمت از نزدیك کیاجو (یعنی نهری‌که به‌امر سادات کیاکنده شد وشرح آن را میرظهیرالدین در تاریخ‌گیلان ودیلمستان آورده‌است)،[3] نهردیگری‌احداث‌کرد وآب‌را بافشار بیشتری به‌نهرسیدعلی‌اکبری پیوست.

برای جابجا شدن بستر سفیدرود از تاریخ‌گیلان میرظهیرالدین نیزمی‌توان گواهی آورد. اومی‌نویسد که سیدمحمد کیا وسیدرضی کیا، برادر خود- سیدحسین کیا-

---

۱- بفتح ج. ۲- بفتح سین وغین وسکون‌لام. ۳- تاریخ گیلان ودیلمستان سید ظهیرالدین، ص ۷۳ و ۷۴.

را که شریك پادشاهیشان بود، دستگیر و بر کنار ساختند و از برخی اراضی بخش کرده بدو دادند. « از آن جمله به‌کنار سفیدرود، قریب به‌فرضهٔ لنگرود، قریه‌ای که موصوف وموسوم است به راه‌پشته بدو بخشیدند ...»[1]

اگر قریهٔ راه پشتهٔ لنگرود روزی نزدیك به سفیدرود بوده است ، احتمال آن را می‌توان داد که دهکدهٔ شیخانور نیز روزگاری کنار سفیدرود بوده و از راه رفت و آمد کشتیهـا دراین رودخانه به‌دریا نزدیکی داشته است . این نوع امور جزئی و وسایل کوچك را نباید دستاویزی برای کاستن ارزش یك آرامگاه تاریخی ساخت .[2]

مرقد فاطمه خاتون دختر شیخ زاهد گیلانی

درحرمخانهٔ شیخ صفی‌الدین اردبیلی درشهر اردبیل ده قبر است که قبر دوم مرقد فاطمه خاتون دخترشیخ زاهدگیلانی وهمسر شیخ صفی‌الدین اسحق اردبیلی است که درسال ۷۳۵ هجری‌قمری فوت شده است. صندوق مرقد اوبه‌درازای ۱۹۰و پهنای ۶۳ وبلندی ۱۱۵ سانتیمتراست و این عبارت برآن حك است :

« هذاالمرقد المنور لابنة العارف بالله الشیخ ابراهیـم الزاهد و زوجة الواصل الی الله صفی الحق والدین قدس الله ارواحهـم وفیت فی سنة خمس و ثلثین و سبعمائه . »

باغ و عمارت منجم باشی لنگرودی در دهکدهٔ دیوشل

دردهکدهٔ دیوشل که درنه‌کیلومتری‌لاهیجان ، برسرراه لاهیجان به‌لنگرود و میان دو دهکدهٔ لیله‌کوه و دزدبن است ، منجم‌باشی لنگرودی عمـارتی ساخته و باغی احداث کـرده است کـه ساکنان این نواحی بدان می‌نـازند . باغش همانند باغهائی است که درسایر نقاط ایران احداث شده است .

۱ـ گیلان ودیلمستان ، ص۲۰۱.   ۲ـ از یادداشتهای آقای عبدالرحمن‌عمادی.

این باغ در پای کوهی جنگلی است و آبی دائمی در میان جویهای سنگی آن جاری است. درختان سرو و کاج و سایـر درختان غیربومی آن بسیار شاداب است وگلهای مختلف فراوانی دراینجا کاشته‌اند.[۱]

عمارت خلوگا

بربلندترین قلهٔ اهتکو (= اتاکوه = عطاکوه)

سید ظهیرالدین دروصف قلهٔ اهتکومی‌نویسد «اهتکو ازکوهستان دیالمه‌و طوالش است وکوهی است در میان گیلان واقع کـه هیچ طرف ازاطرافش متصل به‌کوه دیالمه نیست»[۲] و در جای دیگر می‌نویسد «امیره سید محمد بداهتکو در آمد که آن جبل مشرف است برملاط.»[۳] باز در جای دیگر می‌نویسد که امیره انوز از تومه‌شل (= تخمه‌شال) خود را به‌دامن اهتکو رسانید.[۴] بنابراین قله‌ای که امروز در جنوب شرقی لاهیجان و معروف به عطاکوه است قابل تطبیق باهمین قله است.

کارگیا سید ناصر کیا (متوفی ۸۵۱ هـ. ق.) برسر این قله عمارتی ییلاقی ساخته است. سید ظهیرالدین دربارهٔ این عمـارت چنین می‌نویسد «در این زمان چون هوا گرم بوده ومتعفن وایشان را به کوه رفتن عادت شده بود وجهت حوادث معلومه آن سال به‌شکور تشریف بردن تعذر داشت، دراهتکو بموضعی‌که خلوگا می‌خوانند و قله‌ایست از سایر قلل اهتکو ارفع، آنجا عمارت فرموده، تشریف داشتند.[۵]

مزار و راه زیرزمینی اهتکو

برقله و دامن اهتکو

رابینو دربارهٔ این مزار و راه زیر زمینی که‌آن را غار خوانده‌است، چنین

۱ـ گیلان رابینو، ص ۲۱۱.

۲ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۲۱۳.

۳ـ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص ۱۰۵.

۴ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۲۶.

۵ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۲۱۲.

می‌نویسد «عطاکوه را مورخین محلی قدیمی «اهتکو» ضبط کرده‌اند. این کوه درپشت دهکدهٔ دیوشل وطرف مشرق آن قرار گرفته است. برسر قلهٔ آن مزاری است. درجوار این مزار غاری است که چیزهای کوچك نظیر دستمال، یاحیوانات کوچکی مانند گربه را جلوآن بگذارند بخود می‌کشد». [1]

غاری که رابینو ازآن یاد می‌کند، معروف به «چاه باد» است و ظاهراً دنبالهٔ راه زیر زمینی وسمجی‌است‌که ازاینجا به‌قلعهٔ دزدبن می‌رفته است.این راه ازنزدیك شیخانور، درمکانی معروف به «سنگ عمر» می‌گذرد وتا چندی پیش دهانهٔ آن باز بود.

پاره‌ای از ده نشینان سالمند می‌گفتند دنبالهٔ این راه به ساختمان شاه‌نشین که برپوزهٔ شیطان‌کوه و مسلط به‌استخر لاهیجان بوده، می‌رسیده است.

بقعهٔ آقا سید سالاربن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ کته‌شال نزدیك دهکدهٔ سوسان

بنای اصلی بقعهٔ مستطیل و طول شمالی جنوبی آن ۵۱۳ سانتیمتر و عرض شرقی غربی آن چهار متر است. چهار طرف بقعه ایوان دارد. عرض ایوان شرقی ۱۵۰ و عرض ایوان شمالی ۱۵۷ و عرض ایوانهای جنوبی و غربی ۱۲۵ سانتیمتر است. سقف بقعه وایوانها لمبه‌کوبی است.(عکس شمارهٔ ۱۲٤) ستونهای ایوانها چهارسوی پخ زده، باسرستون وچهار ستون آن لاچلنگری است.(عکس شمارهٔ ۱۲۵) صندوق بقعه مشبك درشت به‌درازای۲٦۰ و پهنای۱٦۰ وبلندی ۱٤۰ سانتیمتراست. بام سراسر بقعه و ایوانها، سفالپوش است.

شمعدانی سفالین وقدیمی دربقعه بود که ردیف اول آن که طرف پائین بود، جای هشت شمع و ردیفهای دوم و سوم و چهارم جای هفت شمع داشت. در ردیف چهارم جای دو شمع اضافه برطرفین و بالای دو دستهٔ شمعدان بود. ردیف بالا یا ردیف پنجم نیز جای هفت شمع داشت.(عکس شمارهٔ ۱۲٦) نذورات امامزاده

۱ـ گیلان رابینو، ص۳۱۱.

گهوارهٔ کوچك برای بچه‌دار شدن ، چراغ و نفت و شمع است . لوازمی کـه در امامزاده دیده شد شامل : شیپور وطبل وسنج وپارچه‌های روپوش مزار وچند علم بود . افراد مریض باانواع ناخوشیها برای شفا به‌این امامزاده می‌آیند . نزدیك امامزاده خم نفت سیاهی است که نفت‌آن را برای گوش درد می‌برند .

مراسم‌علم‌بندی روزسوم‌محرم‌وعلم‌واچینی روزنوزدهم‌محرم برگزارمی‌شود. بقعه زیر درختان‌آزاد و کیش است . مسجدی حلب‌پوش نزدیك بقعه است .

چهل ستون
در دهکدهٔ زاکله بر[1]

چهل ستون یا زیارت آقا سید ابراهیم‌بن موسی الکاظم علیه‌السلام صندوقی چوبین تازه وضریحی‌آهنین نوساز دارد . بنای اصلی بقعه که دروسط چهار ایوان است به‌عرض۵۸۰ سانتیمتر وطول شش‌متر تمام است . عرض ایوان جنوبی ۲۳۰و عرض ایوان غربی ۱۹۰ و عرض ایوان شمالـی ۲۵۰ و عرض ایـوان شرقی ۲۴۰ سانتیمتر است. وسط ایوان شرقی‌را ازدوطرف ستون بندی‌کرده وسرسرا مانندی بوجود آورده‌اند . تمام ستونها چهارسو و دارای سرستون است . (عکس شمارهٔ ۱۲۷) سقف بقعه وایوانها پل‌کوبی با درزپوش‌زده است. ستونهای‌ایوانها سی‌وشش عدد وستونهای سرسرا مانندی‌که درایوان شرقی‌است، چهارعدد است وروبهمرفته تعدادآنها به‌چهل‌عدد بالغ می‌شود، به‌همین‌جهت این‌بقعه به‌نام چهل‌ستون شهرت یافته‌است. لبهٔ بنا ازبیرون چکش‌گردان و سه‌پشته ودارای لمبه‌کوبی حاشیه‌دارو جلو ایوانها به‌جای لتازه، قابسازی‌ازچوب‌کرده‌اند. ستونهای مقابل بقعه به‌طرف شرق‌لاچ‌لنگری‌است. بام‌تمام بقعه سفال‌پوش‌واطراف‌آن درختان‌کیش‌وآزاد است.

مراسم علم‌بندی دراین‌بقعه شب‌چهارم محرم ومراسم علم واچینی بعدازظهر روزقتل که شب یازدهم‌محرم‌الحرام‌است ، برگزار می‌شود. می‌گویند این‌بقعه تور (= دیوانه) وکور وتب‌دار را شفا می‌بخشد و روزهای پنجشنبه و جمعه روزهای

۱ـ بسکون کاف و فتح لام و باء .

زوارکشی است وزائران این‌محل گالشهای : ملاگوبر[1]، رسکوتی[2]، چیشنه‌کوتی[3]، زاکلی‌بر و خورتا هستند.

شمعدانی سفالین کهنه نظیر شمعدان بقعهٔ آقاسید سالاربن‌امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام ، دربقعه است .

بقعهٔ آقا شیخ ابوالوجیه
در کهله‌بر دهکدهٔ زاکله بر

بنای اصلی بقعه اطاقی‌است تقریباً مربع شکل به‌ابعاد ۵۰۰سانتیمتر در ۵۱۰ سانتیمتر . چهار طرف بقعه دارای ایوان است . عرض ایوان شرقی ۲۴۰ سانتیمتروایوان شمالی ۲۵۰ سانتیمتر وایوان جنوبی ۱۴۰ سانتیمتروایوان غربی ۱۶۰ سانتیمتر است . سقف بقعه و ایوانها ، واشان‌کشی و روی واشانها پل‌کوبی با درزپوش‌زده است. ستونهای ایوانها چوبی چهارسوی پخ‌زده است . تمام ستونها سرستون دارد . لبهٔ بام سه‌پشته و دور تا دور دارای چکش‌گردان است . چهار ستون مقابل در ورودی بقعه ، لاچ لنگری است. برآمدگی قبر از سنگ و گل و دورآن دارای ضریح مشبکی‌است . حاشیهٔ بالای ضریح سورهٔ «یس» است‌که باخط خوش نسخ حك شده است . این حاشیه ، باقی ماندهٔ صندوق قدیمی بقعه مورخ محرم الحرام سنهٔ ۹۴۸ هجری بوده که پس از اینکه صندوق ازمیان رفته است ، کتیبهٔ حاشیهٔ آن را برضریح نصب کرده‌اند وکتیبهٔ اصلی صندوق را که برتخته پاره‌ای بوده‌است وشاید روزی درصندوق کارگذاشته بوده‌اند، فعلا دردست متولی‌و درخانهٔ اوست ، که شرح آن بعداً خواهد آمد . کف اصلی بقعه نوسازی شده و موزائیك‌فرش کرده‌اند. کف ایوانها گل است. بام سراسربنا، سفال‌سر است .آب و گل بقعه را برای شفای انسان و چهارپایان مریض و محصولات آفت‌زده می‌برند . آب چاه نظر کرده است و تب و امراض دیگر را رفع می‌کند . می‌گویند این امامزاده نور (= دیوانه) و مصروع را معالجه می کند .

۱ـ بضم میم وفتح باء . ۲ـ بفتح راء و سکون سین. ۳ـ بسکون شین و کسر نون.

مراسم علم‌بندی روز اول محرم و علم واچینی روز سیزدهم است. هنگام خشکی مراسم شیلان‌کشی دارند. اطراف بقعه درختان کیش و آزاد است .

کتیبهٔ چوبی مشهد آقا شیخ ابوالوجیه در کهله‌بر دهکدهٔ زاکله‌بر

«الله محمد علی

این مشهد منور و مرقد مقدس حضرت وحیدالزمان فی العالم الفقه المحصل الشیخ الکامل العلام استاد الفقها والعلما المحققین المجتهد الساعی لبیان الفروع و اصول الدین الشیخ ابوالوجه [کذا] المشهور بین الانام الشیخ باچویه علیه الرحمة والرضوان می‌باشد ومجتهد بمذهب اهل البیت علیهم السلام و در عصر امیره پهلوان العادل بل‌الله ثراه بالمغفرة والرحمة ودر عصر خود ازجملهٔ اورع واتقی وافضل و اعلم بوده واورا مرتبت ورفعة عظمی بدرجهٔ کبری رسیده واواهل ریاضات و کشف اسرارکه بتحریرمیسر ند ومشهور ومعروف زمانه واین صندوق مرقد منور درمحرم‌الحرام سنه ثمان واربعین وتسعمایه هجریة نبویه ازفرموده خواجه معظم خواجه‌کمال صراف لاهجی تقبل حسناته وقوع یافته‌است قبول باد عمل استاد شاه‌حسین اللاهجی کتبه العبد علی بن احمد السیستانی[۱] عفی عنه والسلام والاکرام م م.» (عکس شمارهٔ ۱۲۸)

این کتیبه برروی تخته‌ای‌که درازای آن ۶۹ وپهنایش ۲۴ سانتیمتر می‌باشد، حك شده است .

بقعهٔ آقا سید ابراهیم در کهل‌بن[۲] لاهیجان

بنای اصلی چهارضلعی است به درازای ۳۸۰ وپهنای ۲۸۰ سانتیمتر. چهارطرف ایوان دارد . در بقعه درایوان شرقی است‌که عرض آن ۱۳۰ سانتیمتراست. عرض ایوان

۱ــ سیستان یاسوسان از دهکده‌های لاهیجان‌است. ۲ــ بضم کاف و باء .

جنوبی ۱۱۰ سانتیمتر و عرض ایوان غربی ۷۰ سانتیمتر و عرض ایوان شمالی ۱۰۰ سانتیمتر است. قبر در وسط بنای اصلی است. درازای صندوق ۱۹۰ و پهنای آن ۸۰ و بلندی آن ۷۰ سانتیمتر است. در حدود سی سال پیش در این محل آتش‌سوزی شده است و بقعه و مسجدی که در جوار آن بوده سوخته است. بقعه را تعمیر کرده‌اند ولی مسجد به‌حال خرابی باقی‌مانده است. خود بقعه برسر بلندی و زیر درختان آزاد و کیش است. بام بقعه و ایوانها سفال‌پوش است.

بقعهٔ آقا سید قاسم
در میان محلهٔ لیل[1] لاهیجان

بنای بقعه بربالای بلندی وزیر درختان آزاد و کیش است. قطر یکی از آزادها که جلب نظر کرد از یك متری زمین، ۴۶۰ سانتیمتر بود. براین درخت چندین شاخ گوزن را افقی نصب کرده بوده‌اند که فعلا بیشتر شاخها جزئی از تنهٔ درخت شده است. فقط نوك تیز یکی دوتا از آنهـا بیرون بود و پوست تنهٔ درخت بیش از پانزده سانتیمتر روی بدنـهٔ شاخهـا پیش آمده و آنهـا را پوشانده و به شکل پستانی شده بود. طول بنای بقعه ۴۰۰ سانتیمتر و عرض آن ۳۸۰ سانتیمتر است. صندوقی به‌درازای ۱۵۰ سانتیمتر و پهنای ۸۰ سانتیمتر و بلندی ۱۰۰ سانتیمتر برمدفن امامزاده نصب شده است. چهارطرف این بنا را ایوانی فرا گرفته است. عرض ایوان جنوبی ۱۹۰ سانتیمتر است ودر ورودی بقعه دروسط این ایوان قرارگرفته است. عرض ایوان شرقی وشمالی وغربی ۱۲۰ سانتیمتر است.

تمام ستونها دارای سرستونهای زیباست که پاره‌ای از آنها کنده‌کاری مارپیچ دارد ومقطع بعضی از ستونهای جلو ایوان اصلی هشت‌ضلعی است. اطراف ایوان لتارهٔ مشبك ظریف دارد وخود در ورودی نیز مشبك ظریف است. پرهٔ آن سه‌پشته است و

۱- لیل دهی است درطالشستان لاهیجان محکم ومضبوط وراهها ناهموار وشوارع صعب المسالك وطرق دشوار دارد ودر زمان حکام لاهجان زندان جای ایشان بود وهرکس را غضب می‌کردند یادر قتل تأملی داشتند بدان صوب می‌فرستادند. (عبدالفتاح فومنی، ص ۲۲۰)

سراسر بام‌بنا ، سفال‌پوش است .

مراسم علم‌بندی و علم واچینی در این امامزاده برپا می‌شود . رویهمرفته بنای امامزاده و محیط اطراف آن بسیار جالب است و یادآور معابد دور افتادهٔ هندوان است . قبرستان اطراف امامزاده سنگ قابل توجهی نداشت .

بقعه‌های دیگر بخش لیل

۱ـ پیش‌مزار در بالا لیل .

۲ـ مهرعلی بزرگوار در بالا لیل .

۳ـ بارکلی[۱] آستانه مجاور بارکلی.

٤ـ بانو بزرگوار وحمید بزرگوار در باندر[۲] محلهٔ لیل .

۵ ـ تنارو[۳] بزرگوار درتناروی لیل .

۶ـ پنسی[۴] (= پنج سو = پنج سید = پانصد سید) در بالای سر لیل . معروف است که پانصد سید دراینجا آرمیده‌اند .

۷ ـ دو بزرگوار در خرمابن[۵]

۸ ـ خانم بزرگوار درمحل بیسه باغ[۶]

۹ ـ شیخ طاهر بزرگوار ومختار بزرگوار در سل‌اوکش[۷]

غار گیلیژگه[۸]
نزدیك دهکدهٔ سر لیل

درسر لیل درمیان جنگلی که به‌نام گیلیژگه معروف است، غاری است سنگی که مانند اطاق‌ازسنگ تراشیده‌اند وبرای‌رفتن به‌درون آن ازپله‌هائی‌که درسنگ کنده‌اند باید بالارفت وازاین‌اطاق به‌وسیلهٔ پله‌هائی به‌اطاقهای دیگرمی‌توان‌رفت.

۱ـ بکسر راء وکاف . ۲ـ بضم دال. ۳ـ بفتح تاء . ۴ـبضم پ وسکون نون.
۵ـ بضم خاء وباء. ۶ـ بفتح باء اول. ۷ـ Sel-ow-Kaš ۸ـ بفتح گاف دوم.

سپالشکر[1]
نزدیك دهکدهٔ لیل

نزدیك آبادی گالش‌نشین بیرم، جائی به‌نام سپالشکر است. در اینجا نشانه‌های آبادانی کهن فراوان است.

امامزاده ابراهیم و امامزاده خلیل
در دهکدهٔ لیلا کوه

بنای اصلی بقعه چهارضلعی به‌درازا وپهنای ۷۰۰سانتیمتر است. چهارطرف آن ایوان دارد. ایوان شرقی وشمالی وجنوبی به‌عرض ۲۳۰سانتیمتر وایوان غربی به‌عرض ۱۱۰ سانتیمتر است. قبر این دوتن در بنای اصلی درفاصلهٔ کمی‌ازیکدیگر بنا شده‌است. در زیارتنامه‌ای که دراین‌بقعه است، پس‌از زیارت وارث، زیارتنامهٔ مختصری به‌نام این‌دوتن‌هست ولی‌پدران آنها معلوم‌نیست. این‌بقعه برسر بلندی‌و مسلط به‌سهل لنگرود است وشهر لنگرود پس‌از بیجارها دیده می‌شود. فعلااطراف بقعه چایکاری است و در شمال بقعه کارخانهٔ چای اخوان بنـا شده است. سراسر بام‌بنا، سفال‌سر است.

قلعهٔ دزدبن[2]
نزدیك دهکدهٔ دزدبن

دهکده‌ای‌که پای قلعه افتاده‌است به‌نام دزبن یادیزبن یادزدبن مشهوراست. این دهکده برسرراه لاهیجان به‌لنگرود، میان لیالستان ودیوشل است. برکوهی که درپشت‌این آبادی‌است، غاربزرگی بوده که روزی پناهگاه راهزنان‌بوده‌است وبا پناه بردن به‌آن، شب‌وروز باخیالی راحت به‌کار راهزنی‌خودمشغول‌بوده‌اند. چنین مشهوراست‌که روزی تاجری‌لاهیجی‌چند مار سمی‌خطرناك راگرفت ودرصندوقچهٔ جواهری پنهان‌کرد. دزدان صندوقچه‌را زدند وبه‌پناهگاه خود بردند. درگشودن

۱ــ بضم سین.   ۲ــ دیزبن، ده از دهستان حومهٔ بخش‌مرکزی شهرستان‌لاهیجان، هشت‌کیلومتری مشرق‌لاهیجان، کنار راه لاهیجان به‌لنگرود. (فرهنگ جغرافیائی ایران)

همان ویکایك ایشان ازپای درآمدن همان. ازاین راه خلایق را از آزار راهزنان خلاص کرد. زمان این داستان برما پوشیده است شاید قبل ازاینکه بربالای این کوه قلعه‌ای ساخته شود وآبادی دزبن درپای قلعه وجود پیدا کند، این دزدان به‌راهزنی مشغول بوده‌اند.

باکتب تاریخ که سروکار پیدا می‌کنیم معلوم می‌شودکه گور سالوك مرداویج که ازسرداران بنام شاهان کیای لاهیجان و از رزم آزمودگان دیلم بود، دراین قریه است. میرظهیرالدین می‌نویسد «که سالوك مرداویج، یکی ازطرفداران و اطرافیان سید علی‌کیا بود، اما بعداً بااو دشمنی ورزید و علیه اوقیام کرد. بعدها امیر علاءالدین فومنی، او را به‌یاری سید حسین کیا که باسید هادی کیا مخالفت داشت، فرستاد. چون به‌کوتمك ملاط دولشکر به‌هم رسیدند، محاربه قائم‌گشت و شکست برسید حسین‌کیا افتاد وبه‌انهزام تمام بازگشتند وبگریختند. اسواران در عقب ایشان می‌تاختند و اسواری می‌کردند. وهرکه را می‌یافتند، از اسب انداخته، دستگیر می‌کردند. و بعضی را به‌قتل آوردند. فرزند سید هادی کیا ـ ابراهیم کیا نام ـ بامسعود محمد نام اسواری، در قریهٔ دزدبن به‌سالوك مرداویج رسیدند واز اسب انداخته به‌قتل آوردند.»[1]

قلعهٔ دزبن در زمان میرظهیرالدین آبادبوده‌است. این‌مؤلف درشرح وقایع زمان ناصرکیا درحدودسالهای۸٤٥و۸٤٦هجری می‌نویسد.«برفورخلابران رانکوه را بفرمود تامجموع، جبه وجوشن بپوشیدند وسیدمحمد را(که درزندان ناصرکیا بود) سوار ساخته، بدیشان بسپرد وگفت به‌قلعهٔ دزبن لاهجان برید و به‌کوتوال قلعه بسپارید.»[2]

درسال ۸۳۳ هجری بازاری در دزبن برپا می‌شد ودرسال ۹۱۲ هجری سدید نامی که نیابت سلطنت خان احمدخان را داشت، به ساختن قلعهٔ مستحکمی در اینجا دست زد تابتواند علیه‌خان احمدخان قیام‌کند و با او دشمنی ورزد. پس از

۱ـ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص ۱۰۱. ۲ـ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص ۲۲۱.

ساختن قلعه کوتوالی آن را به یونس - غلام خود - داد.[۱]

گملین[۲] می‌نویسد « هنگامی که روسها گیلان را در سالهای ۱۱۴۵-۱۱۳۵ قمری (=۱۷۲۲ تا ۱۷۳۲ میلادی) تسخیر کرده بودند، می‌خواستند غار را بشکافند و خزائنی را که گمان داشتند در اینجا مخفی است، به‌دست آورند.»[۳]

امروز از بناهای این قلعه بجز قسمتی از دیوار قلعه (عکس شمارهٔ ۱۲۹) و آب انباری که در بالاترین نقطهٔ قلعه‌بنا شده است، آثاری بر جای نمانده است. (عکس شمارهٔ ۱۳۰) این آب‌انبار به درازای ٤ متر و پهنای ۳۱۳ و بلندی ٤۱۵ سانتیمتر، بناشده است. طاق آن فروریخته است. بلندی مدخل آب انبار ۲۸۰ و پهنای آن ۱۱۰ سانتیمتر است. سنگهای کوهی که قلعهٔ دزدبن بر آن بناشده است سنگهای ساختمانی است ومدتی است که سنگهای آن را می کنند ودر شهرها به فروش می‌رسانند، دیری نخواهد گذشت که از خودکوه نیز اثری نماند. (عکس شمارهٔ ۱۳۱)

گورسالوك مرداویج[۴] در دهکدهٔ دزدبن

سیدظهیرالدین درتاریخ گیلان ودیلمستان درمورد محل گورسالوك مرداویج چنین نوشته‌است که پس از تسلط سیدهادی کیا بر دوتن برادرزادگان خود سیدحیدر و سیدحسین، از امرای بیه‌پس کمك خواستند وجنگی در کوتماك برپا شد، شکست برسید حسین افتاد ومخالفان ازایشان هرچه توانستندکشتند و آنان‌را دنبال‌کردند تابه‌قریهٔ دزبن رسیدند. دراینجا سید ابراهیم کیا - پسر سیدهادی کیا - بامسعود محمد به‌سالوك مرداویج رسیدند واورا کشتند وبدان موضع‌که‌او کشته‌شد اکنون (سال ۸۹٤ قمری)، به کیشه‌سنگ مشهوراست، بربالای او تودهٔ سنگ ریخته‌اند و

۱- تاریخ خانی، ص ۳۰۲ و ۳۰۳.	۲- Gmelin	۳- گیلان رابینو، ص ۳۱۲ و ۳۱۳.	۴- سالوك دزد وراهزن ومرد قلدر را گویند. اعراب صعلوك گویند. (شهریاران گمنام، ص ۵۹)

درخت شمشادی درمیان آن سنگها بر آمده‌است. بعضی مردم از عابرین سبیل که نمی‌دانند که آن چه موضع است، به تصور آن که زیارت بزرگی است فاتحه می‌خوانند و وصلهٔ کهنه برشاخه‌های آن‌درخت می‌بندند و آنها که می‌دانند در شیب آن تودهٔ سنگ چیست و کیست که آنجا قرین مالك دوزخ است، لعنت می کنند و می‌گذرند.[۱]

باغ منظریه
در کوه بجار

کوه بجار نزدیك لاهیجان است. در اینجا باغی متعلق به‌میرزا کاظم‌خان لاهیجی‌وجود داشت که در آن انواع‌درختان‌میوه وگلهای سرخ فراوان بوده‌است.[۲]

بقعهٔ آقاسیدحسین بن‌موسی الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ کوه بجار

بنای اصلی‌بقعه به‌ابعاد شش‌متر است، طرف جنوب ایوانی به‌طول بقعه و به‌عرض‌سه‌متر دارد. طاق ایوان و بقعه لمبه‌کوبی‌است. سه‌طرف‌ایوان به‌جای لتازه مقواکوبی‌کرده‌اند. ستونهای ایوان ساده و چهارسو، بدون سرستون است. لبهٔ بام یك‌پشته وبام سفال‌پوش‌است. مقبرهٔ امامزاده‌ازسنگ‌و گل‌وروی‌آن کاشی کاری‌است. اطراف مقبره‌ضریحی‌با آلتهای آهنین‌دارد. بنای بقعه زیر درختان آزادوکیش‌است.

مراسم علم بندی دراین بقعه، عصرپنجم محرم یعنی شب ششم ومراسم علم‌واچینی روزقتل امام حسن برپا می‌شود.

عمارت و باغ حاجی امین‌الدیوان
در دهکدهٔ سوستان (= سیستان)

سوستان درپای تپه‌های نزدیك لاهیجان است ومتصل به‌نمکایه و کوه‌بجار است. در اینجا حاجی امین‌الدیوان عمارتی ساخته ودر دامن تپه باغ مرکباتی

۱ـ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص۱۰۲ و۱۰۳.   ۲ـ گیلان رابینو، ص۳۱۲.

گرفته است.[۱]

باغ شاه
در دهکدهٔ چهارخانه‌سر

در دهکدهٔ چهارخانه‌سر که گاهی چاهانه‌سر نیز می‌خوانند، کاشف‌السلطنه باغی احداث کرده‌است. دراینجا انواع درختان غیربومی را به‌دستور مظفرالدین‌شاه ازهندوستان آورده وکاشته است. بوتهٔ چای یکی از آنهاست.[۲]

بند چمنك[۳]
در دهکدهٔ چمندان

دریکی از دره‌های این دهکده چمناك نـامی سدی بسته وقصد داشته است پس‌ازجمع شدن آب، آب سدرا به‌لاهیجان ببندد وشهررا خراب کند. در زمان رابینو(۱۳۳۱ه.ق.) چهل‌سال ازاین‌امر گذشته‌بود وآثارسدکم‌وبیش‌نابود شده‌بود.[۴]

باقی بناها و آثار تاریخی بلوك
کوهپایه وکنار شهر لاهیجان

۱ـ سنگهای تراشیده در دهکدهٔ کمبل[۵]

۲ـ بقعهٔ چهارسیدان درمحلهٔ زیارتگاه دهکدهٔ کلرودبار.[۶] کلرودبارشامل سه‌محلهٔ بالا و پائین وزیـارتگاه است. بقعهٔ چهارسیدان بنـائی قدیمی در محلهٔ زیارتگاه است.

۳ـ بقعهٔ آقا سید احمد دردهکدهٔ دیوشل.[۷]

٤ـ آستانهٔ دهکدهٔکوشال. این آستانهٔ قدیمی درمحلی به‌نام جالکه[۸] استو روستائیان اطراف به آن احترام زیـاد می‌گذارند. از همین دهکده، در آغـاز

۱ـ گیلان رابینو، ص۳۱۶.   ۲ـ گیلان‌رابینو، ص۳۱۷.   ۳ـ بفتح چ ومیم‌ونون.
۴ـ گیلان رابینو، ص۳۱۷.   ۵ ـ بضم کاف و باء.   ۶ـ بکسر کاف و سکون لام.
۷ـ گیلان رابینو، ص۳۱۱.   ۸ـ بفتح لام و کاف.

مشروطیت آخوندی به‌نام شیخعلی‌شاه به‌دشمنی بامحمدعلی‌شاه قاجار برخاست، او را دستگیرکردند ودم توپ گذاشته وکشتند.

۵ـ بقعهٔ آقا سیدحسن والی بیه‌پیش دردهکدهٔ بازکیاگوراب. بنای زیبائی است وخیابانی دارد که دوطرف آن درختان آزاد کاشته‌اند.[۱]

۶ـ بقعهٔ آقا سیدمظفر در دهکدهٔ سوستان (=سیستان).

۷ـ بقعهٔ عطا دردهکدهٔ دیوشل.[۲]

۲ـ بناها و آثار تاریخی بلوك کوهپایه وراه شاهی بالا

زنجیر آستانه = آستانهٔ امامزاده سید علی غزنوی بن امام جعفرالصادق علیه‌السلام در دهکدهٔ تجن‌گوکه

دهکده‌های تجن وگوکه که بعدها تجن‌گوکه[۳] خوانده شده، از دهکده‌های کهن ونامدار لاهیجان است. دهکدهٔ تجن بیش ازهزارسال پیش آبادان بوده ونام آن درحدود العالم آمده‌است.[۴] ازاین دو دهکده‌مردان بنامی برخاسته‌اند وزمان درازی شاه‌نشین‌کوچکی بوده است. پاشاکیای تجنی[۵]، از همراهان وموافقان سید امیر کیای ملاطی(سردودمان شاهان‌کیائی‌لاهیجان) ازآنان است. امیرکیای‌گوکه[۶] مدتی بایکی ازشاهان‌کیائی لاهیجان جنگیده است.

رابینو درسفرنامهٔ خود می‌نویسد «بعداز عبور ازگیودره یا سیاه‌رود، از روی پل‌آجری نزدیك گوکه که درجوار دهکدهٔ تجن‌گوکه است، گذشتیم وبنای امامزاده علی‌غزنوی راکه از اولاد امام جعفرالصادق‌است مشاهده‌کردیم.»[۷] سپس

۱ـ گیلان رابینو، ص۲۰۸. ۲ـ دیوشل: ده ازدهستان مرکزی بخش‌لنگرود شهرستان لاهیجان، ۳ کیلومتری جنوب غربی لنگرود، نزدیك راه لنگرود به لاهیجان. (فرهنگ جغرافیائی‌ایران) ۳ـ تجن گوکه: ده ازدهستان حومهٔ بخش‌آستانهٔ‌شهرستان لاهیجان، ۶ کیلومتری غرب‌آستانه. (فرهنگ جغرافیائی ایران) ۴ـ حدود العالم، ص ۱۴۹. ۵ـ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص۱۷. ۶ـ تاریخ گیلان و دیلمستان درصفحات مکرر. ۷ـ سفرنامهٔ‌گیلان و مازندران، ص ۳۷.

درصفحهٔ ۲۲۶همین کتاب متن کتیبهٔ صندوق اورا نقل کرده‌است.

رابینو در کتاب گیلان نیز از این کتیبه یادکرده واین مزار را متعلق به‌سید علی غزنوی دانسته‌است‌که یکی‌ازاسلاف امیر کیا ـ حکمران بیه‌پیش ـ است . و سپس می‌نویسد این همان محل است‌که میرظهیرالدین در تاریخ‌گیلان به‌نام بقعهٔ رفیع غزنوی خوانده وبرسرراه‌کیسم به‌لاهیجان بوده است.[1]

قاضی نورالله شوشتری دربارهٔ این مرد می‌نویسد : «سید علی‌غزنوی ، بنابر آنکه چندگاه در مدرسهٔ مولانـا عبدالوهاب غزنوی به‌تحصیل اشتغال داشت بدین لقب موسوم‌گردید .»[2] فرزندان وپسران سید علی غزنوی در کتیبهٔ سرتربت سمام هم نام برده شده‌اند .

بنای اصلی آستانهٔ سیدعلی غزنوی، اطاقی‌است به‌طول وعرض۶۴۵سانتیمتر، چهارگوشوار درچهار کنج بناست و گنبدی مدور وبلند برسردیوارها وگوشوارها بناشده است . درچهارجهت اصلی چهار درورودی دارد . بلندی درها ۲۴۵ وپهنای آنها ۱۲۵ سانتیمتر است . بالای هر درخفنگی چوبین ومشبك بوده است . امروز فقط یکی ازآنها برجای است . (عکس شمارهٔ ۱۳۲)

صندوقی ظریف وپرکار قاب وگره در وسط بنـاست که درازای آن ۲۳۷ و پهنـایش ۱۱۵ وبلندیش ۹۴ سـانتیمتر است وبرچهـار پـایهٔ چوبین به‌بلندی ۲۸ سانتیمتر قراردارد . (عکس شمارهٔ ۱۳۳) بدنهٔ شمالی آن شـامل سه‌قسمت اصلی است . قسمت وسط‌کتیبهٔ تاریخ وطرفین آن دوقسمت‌گل وبوته‌دار است .کتیبهٔ‌وسط باخط خوش نسخ بدین شرح حك شده است :

« کل شیئٍ هالك الاوجهه امره الواثق بـالصمدالغنی علی‌بن محمد الحسینی فی سنة احدی وسبعین وثمانمائه» (عکس شمارهٔ ۱۳۴)

درحاشیهٔ زیر همین‌کتیبه باخط ریزتر، این‌کلمات حك است :

«عمل استاد محمدبن یادگار بن حاجی مسافرتبریزی»

۱ـ گیلان رابینو، ص۳۳۱. ۲ـ مجالس المؤمنین ، ج ۲، ص ۳۷۱.

برحاشیهٔ بالای همین‌بدنه سورهٔ مبارکهٔ «یس» باخط خوش نسخ، بدین‌شرح حك شده است :

«بسم‌الله الرحمن‌الرحیم یس والقرآن‌الحکیم ـ تا ـ اغلالاوهی الی.»
(عکس‌شمارهٔ ۱۳۵)

دنبالهٔ آن بربدنهٔ شرقی بدین ترتیب است :

«الاذقان فهم ـ تاـ ام لم‌تنذرهم.» (عکس‌شمارهٔ ۱۳۶)

بدنهٔ جنوبی :

«لایؤمنون ـ تا ـ اذارسلناالیهم اثنین.» .

بدنهٔ غربی :

«فکذبوهما فعززنا ـ تا ـ وماانزل‌الرحمن.» (عکس شمارهٔ ۱۳۷)

سطح بالای صندوق کنده‌کاریهای‌پرنقش ونگار است .

چهار طرف بنای اصلی، چهارایوان دارد . ایوان غربی سـابقاً درهای ارسی داشته وبه‌جای مسجد بقعه از آن استفاده می‌شده است . درازای این ایوان ۱۴٫۵ متروپهنای‌آن۴۲۰ سانتیمتراست.درازای‌ایوانهای دیگرهمانند ایوان‌غربی‌است و پهنای آنها بدین ترتیب است :

پهنای ایوان شمالی ۳۵۰ وایوان جنوبی ۲۰۰ وایوان شرقی ۲۹۰سانتیمتر است . پایه‌های جلوایوانها آجری است . هرایوان بادرنظر داشتن پایه‌هـای دو کنج ، هفت پایه‌دارد. طاق ایوانها لمبه‌کوبی خطدار، لبهٔ بام سه‌پشته ، وبام سراسر بنا ، سفال سراست . طول‌بنا از خارج ۱۷٫۵۳ متر و عرض آن ۱۶٫۱۰ متر است . بنا کرسی بلنداست و بلندی کرسی آن از سطح زمین۱۹۰سانتیمتر است . مصالح اصلی‌بنا،آجر است .

گلدسته‌ای آجری بربالای بناست‌که سابقاً راه‌آن دردیوار غربی‌بوده است. فعلا این راه را بسته‌اند وبانردبانی چوبین‌ازطرف شرق به‌پشت گنبد می‌روند وبه طرف شمالی می‌گردند وازغرب داخل‌گلدسته می‌شوند .

محوطهٔ اطراف بنا بسیار زیبا و فرح‌بخش است. درختان آزاد متعدد و قطور منظرهٔ خوشی به بنا داده‌است. سردر این محوطه شامل پنج اطاق و یك تالار بزرگ است.

مراسم علم بندی در این بقعه اول محرم و مراسم علم‌واچینی سیزدهم محرم برگزار می‌شود.

دری دولنگه در ورودی به‌راهروی گلدسته بوده است. یك لنگهٔ آن درحدود پنجاه سال پیش به‌سرقت رفته و لنگهٔ دیگر نزد آقای اکبر محمدزاده است. این لنگه به‌بلندی ۱۶۹ و پهنای ۴۷ سانتیمتر است. (عکس شمارهٔ ۱۳۸) برتنکهٔ بالای آن این بیت باخطی خوش حك شده است:

«بردرت جا کنند اهل نجات　　　رفع‌الله قدرهم درجات»

(عکس شمارهٔ ۱۳۹)

بر بائوهای طرفین و تنکهٔ وسط و پائین و چهار پاسار بالا و پائین کنده‌کاریهای ظریف و بسیار پرکار دارد.

دری نوساز برای پاکخانه (=غسالخانه) ساخته‌اند و چهار قسمت از سطح بالائی صندوق مرقد را بیرون آورده و برای تزئین درتنکه‌های بالا و پائین این دربکار برده‌اند.

سنگ قبر مرمری دربقعه به‌درازای ۵۰ و پهنای ۲۶ سانتیمتر دیده شد که این اشعار و عبارات برآن حك بود:

«ای مرگ چه‌خانه‌ها که ویران کردی

در ملك وجود غارت‌جان کردی

هردانه [...] آمد به جهان

بردی و بزیر خاك پنهان کردی

تاریخ وفات مرحوم مغفور حاجی محمدعلیخان ابن‌حاجی محمدحسین سنه ۱۲۱۶ عمل سیدمهدی.»

بقعهٔ آقا سیدمحمد بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
درده‌کدهٔ امیرهندهٔ تجن‌گوکه

بنای اصلی بقعه اطاقی است به‌درازای ۵۴۵ و پهنای ۵۰۰ سانتیمتر. صندوقی چوبین ساده در وسط بناست. درازای صندوق ۱۷۸ و پهنایش ۱۰۳ و بلندیش ۱۰۵ سانتیمتر است. در ورودی اصلی در ایوان شرقی است. دراین ایوان پنج ستون چهارسوی چوبین است. در دوجهت شمال وجنوب نیز در دارد. بنا کرسی‌بلند و کرسی آن آجری است. مصالح اصلی بنا نیز آجر است. سقف سراسر بنا واشان‌کشی ولبهٔ بنا دوپشته وسراسر بام‌بنا،سفال‌سر است. درمحوطهٔ بنا چند درخت کیش ویك اصله‌درخت آزادتنومند ویك اصله درخت عناب بود.

بقعهٔ امیرسلطان برادرسیدجلال‌الدین اشرف و
پسرامام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
درده‌کدهٔ امیرهندهٔ تجن‌گوکه

بنای اصلی بقعه به‌درازای ۵۷۵ و پهنای ۴۷۰ سانتیمتر است. در ورودی اصلی درایوان جنوبی است ویك در ورودی درطرف شمال نیزدارد. ایوان شمالی دارای هفت ستون چهارسوی چوبین است. ایوان غربی یازده ستون چهارسوی چوبین دارد. درجنوبی بقعه درایوانی است که هفت‌ستون چهارسوی چوبین‌دارد. درایوان شمالی دری است‌که وارد مسجد می‌شود. این‌مسجد بنائی تازه‌ساز است.

سقف اصلی بنا لمبه‌کوبی خطدار و درحاشیهٔ زیرسقف، اشعاری از هفت‌بند محتشم‌کاشانی گچ‌بری شده است. در قسمت پائین این‌کتیبه، گچ‌بری ریزوساده‌ای است. زیر این‌گچ‌بری، درداخل طاقچه‌هاو بر بدنهٔ دیوار، نقاشیهائی ازعلم‌وطاووس‌و تورنگ وچندقسم گل، دیده می‌شود.

صندوق بقعه نسبةً قدیمی است ومنبت‌کاریهای آن ترسیمی‌است. قسمتی‌از آن شطرنجی وقسمتی لوزی شکل است. صندوق نوشته وتاریخی نداشت.

ضریحی مشبك چوبین و نوساز به‌درازای ۲۳۴ وپهنای ۱۵۳ وبلندی ۱۵۴

سانتیمتر صندوق را احاطه کرده است. سقف ضریح گهواره‌ایست.

علم بندی در این بقعه روز دوم محرم و علم‌واچینی غروب دوازدهم محرم است و گاهی تابیست وهشتم ماه‌صفر، علم‌بسته باقی می‌ماند.

درسمت شمال غربی این بقعه، بقعهٔ سادهٔ دیگری است که چهار طرف آن ایوان دارد. این بقعه معروف به «کوچك‌بقعه» بود واخیراً به‌نام آقا سید ابراهیم خوانده شده است. در ورودی این بقعه درایوان جنوبی است.

بقعهٔ آقا سیدحسین بن‌امام جعفرالصادق علیه‌السلام در دهکدهٔ تجن‌گوکه

این بقعه‌برطرف راست راه‌کیسم به‌لاهیجان است ومیان تجن‌گوکه وشیم‌رود قراردارد.[۱] بنای اصلی بقعه، اطاقی است به‌درازای ۵۹۰ وپهنای ۵۴۰ سانتیمتر. بنای قدیمی این بقعه درسه جهت غربی‌وشرقی وشمالی ایوان داشت. بنارا خراب کرده و نوسازی کرده بودند.

صندوقی چوبین در گوشهٔ جنوب شرقی اطاق است‌که ضریحی چوبین مشبك آن را احاطه‌کرده‌است. این‌ضریح متعلق به‌بقعهٔ خواهرامام درشهررشت‌بوده‌است که در اسفند سال ۱۳۴۵ بدینجا منتقل‌کرده‌اند. درازای این‌ضریح ۲۳۵ وپهنای آن ۱۵۸ وبلندی‌آن ۱۶۰ سانتیمتر است وسقفی گهواره‌ای دارد. قسمت بالای ضریح مشبك وپائین‌آن نوعی‌مشبك‌کاری است بدین‌صورت‌که ابتدا تختهٔ نازکی را مشبك می‌کنند وسپس روی تختهٔ کلفت‌تری می‌چسبانند.

بقعهٔ مراد دهنده در دهکدهٔ مراد دهنده

بنای اصلی بقعه در وسط وچهار طرف آن ایوان است. درازای دیوارهای شمالی وجنوبی بنای اصلی ۶۳۵ ودرازای دیوارهای شرقی و غربی ۶۰۷ سانتیمتر است. عرض ایوان شمالی ۲۴۰ وعرض ایوان شرقی ۱۷۰ و عرض ایوان جنوبی

۱ــ گیلان دارابینو،ص ۳۳۱.

۱۸۰ وعرض ایوان غربی ۱۵۰ سانتیمتراست . دری درایوان شمالی ودری درایوان جنوبی به‌بنای اصلی بقعه بازمی‌شود . وسط بنای اصلی بقعه سرکشی(= حمالی) چهارسو کشیده و واشانها را بر آن قرارداده وسراسر سقف را لمبه‌کوبی کرده‌اند. سقف‌ایوانها، پل‌کوبی با درزپوش است. هشت عدد ازستونهای‌ایوانها،لاچ‌انگری‌و مابقی چهارسوی ساده یا چهارسوی پخ‌زده است . تمام ستونها سرستونهای ظریف دارد . لبهٔ ایوانها لتازهٔ چپ‌و راست است . لبهٔبام دوپشته وبام‌بنا ، سفال‌سر است .

مراسم علم‌بندی اول محرم ومراسم علم واچینی روز سیزدهم محرم برگزار می‌شود . روزهای پنجشنبه و جمعه روزهای زوارکشی است . اهالی معتقدند که این بقعه‌تور (= دیوانه) وشل ومصروع ورویگازی را شفا می‌بخشد . آب و گل از امامزاده برای شفای آدمیان ودامها می‌برند . نذرهای مردم برای این بقعه ، چراغ وشمع ونفت وپارچه‌های سبزاست . مسجدی درجوار بقعه است .

درمحوطهٔ بقعه درختان توی وبه ودرختان‌آزاد بلند است .

سنگ قبر زیر دراین بقعه دیده شد :

«وفات مرحومه مغفوره گل‌خاتون بنت مرحوم‌آقاکاظم دیلمانی۱۲۶۱.
نشانه‌ها : مهر، تسبیح ، انگشتر، سینه ریز، قیچی،آفتابه وبینیکی .»

خشت پل
در دهکدهٔ تجن‌گوکه

این پل‌آجری شامل دوچشمه باطاقهای جناقی است . (عکس شمارهٔ ۱۴۰) در دوپایهٔ طرفین این دوچشمه دواطاق‌کوچك ودرپایهٔ میان دو چشمه نیز اطاق کوچك دیگری است.(عکس شمارهٔ ۱۴۱) درازای پل ۶۰ متر و پهنای آن ۴۲۵ سانتیمتر است . پهنای دیوارهای آجری جان پناه ۳۵ سانتیمتر وپهنای سنگ‌فرش وسط ۳۳۰ سانتیمتر است . بلندی پل از وسط تیزی جناق طاق تاسطح آب ۶۳۰ سانتیمتر وقطرپل ازتیزی جناق طاق تاسطح پل،۱۲۰ سانتیمتر است .

دربازوی جنوبی یك اطاق ویك دهانهٔ‌کوچك است . قطرطاق این دهانه، از

تیزی طاق تاسطح پل ۶۵ سانتیمتر و پهنای این دهانه ۲ متر است. اطاق بازوی شمالی، مربع‌شکل و به‌ابعاد ۱۳۵ سانتیمتر که در دوطرف پل‌دودر ورودی به‌پهنای ۶۳ و بلندی ۱۴۵ سانتیمتر دارد. در دنبالهٔ این بازو، هلال جناقی طـاقی نظیر بازوی جنوبی است که فعلا زیرخاك رفته است.

بقعهٔ سید حسن بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ لفمجان [1]

رابینو دربارهٔ این بقعه می‌نویسد که بنای آجری کوچکی است و مدرسه و مسجدی متصل به‌آن است و دور هرسه بنا دیوار است.[2] نگارنده پس از جستجو درمحل معلوم کرد که مسجد ومدرسه‌ای متصل به‌این بقعه نبوده است.

بنای اصلی بقعه به درازای ٤ متر و پهنای ۳۸٤ سانتیمتر است، صندوقی چوبین دارد که اطراف آن‌را ضریحی مشبك به‌درازای ۱۸٤ وپهنای ۱۰۸ وبلندی ۱۱۵ سانتیمتر احاطه کرده است. بالای ضریح گهواره‌ای شکل و بلندی آن ۹۰ سانتیمتر است. در ورودی شمالی مشبك تخته‌ای، یعنی تخته‌ای را پس از اینکه مشبك‌کرده‌اند برتختهٔ دیگری چسبانیده‌اند ودرجنوبی مشبك است و با آلتهـای ظریف ساخته‌اند. درشرق وغرب بنا دوپنجرهٔ نورگیراست. چهارطرف ایوان‌دارد. ستونهای ایوانها چهارسو وبدون سرستون است. ایوانهای جنوبی وشمالی هریك یازده‌ستون وایوانهای شرقی وغربی هریك ده‌ستون دارد. سقف سراسر بنا لمبه‌کوبی، لبهٔ بام دوپشته وبام سراسر بنا، سفال‌سر است.

سنگ قبر مرمری درحیاط بقعه به‌این شرح دیده شد:

«وفات مرحوم محمدباقر ولدآقاحسنقلی فی‌شهرربیع‌الاول‌سنه ۱۲۶۵.

نشانه‌ها: مهر، تسبیح وشانه.»

سنگ‌کوچك سیاه رنگ دیگری به‌این شرح دیده شد:

«وفات مرحومه بلقیس بنت مرحوم آقاصفر ۱۲۷۸. نشانه‌هـا: مهر،

۱ــ بفتح لام وسکون فاء و فتح میم.   ۲ــ گیلان رابینو، ص ۳۲۹.

تسبیح ، مشربه ، آفتابه و بینیکی.

بقعهٔ آقاسید اسماعیل بن موسی بن جعفر علیه‌السلام در دهکدهٔ کلنگران[۱] لفمجان

بنای اصلی اطاقی ساده است . صندوقی مشبك چوبین ساده در وسط اطاق است . سقف بقعه لمبه‌کوبی است . چهار طرف ایوان دارد . در ورودی بقعه در ایوان شرقی است . سقف ایوانها واشان‌کشی است . لبهٔ ایوانها تکائل چوبین دارد. لبهٔ بام سه‌پشته و بام سفال سراست . درمحوطهٔ اطراف بنا درختان آزاد کهنسال و درختان کیش زیاداست .

باقی بناها و آثار تاریخی بلوك کوهپایه و راه شاهی بالا

۱ـ بقعهٔ آقا سیدحسین در دهکدهٔ دراپشتان[۲] لفمجان .

۲ـ بقعهٔ آقا سید نصرالله در بازارسرای گوکه .

۳ـ بقعهٔ آقا سید محمد دردهکدهٔ امیرهندهٔ لفمجان .

٤ـ بقعهٔ ملك شاهمیران دردهکدهٔ تهام[۳] لفمجان .

٥ـ بقعهٔ آقاسید مرتضی دردهکدهٔ جوپیش لفمجان .

٦ـ تازه آستانه دردهکدهٔ لاحشر لفمجان .

۷ـ بقعهٔ آقا سید حاجی دردهکدهٔ پاشاکی.[۴]

۸ـ مقبرهٔ بی‌بی خانم عمهٔ شاه عباس بزرگ ، در دهکدهٔ شکاکم .[۵]

۹ـ خشت‌پل در دهکدهٔ شکاکم .

۱ـ بضم کاف وفتح لام وسکون نون وفتح گاف. ۲ـ بفتح دال و ضم پ.

۳ـ بضم تاء . ۴ـ رابینو می‌نویسد نام این دهکده دراصل پاشاکاجی بوده‌است. (گیلان رابینو، ص۳۳۰)

۵ـ بفتح‌شین وضم‌کاف دوم .

۳- بناها و آثار تاریخی بلوک آستانهٔ لاهیجان

بقعهٔ آقا سیدحسن یا سید ابراهیم
معروف به‌سلطان سید جلال‌الدین اشرف بن
امام موسی الکاظم علیه‌السلام
درده‌کدهٔ آستانه [1]

آستانه برکنارهٔ شرقی سفیدرود ومتصل به‌دهکده‌های چورکوچان[2] و نیاکوه است . نام قدیمی این دهکده ظاهراً کوچان یا کچان بضم‌کاف بوده و نامهای چور-کوچان (= کوچان بائر وخراب) و سیاکوچه و کوچسفهان (= کوچ + اسپاهان) که تمام درنزدیکی آستانهٔ فعلی هستند یادآور نام قدیمی این‌محل است. خصوصاً نام «چورکوچان» خودشان می‌دهدکه روزی دهکده‌ای به‌نام‌کوچان در این محل بوده وبعداً خراب شده است .

سید ظهیرالدین در تاریخ گیلان خود از مردی به‌نام دائی (؟) کچائی[3] یاد می‌کندکه ازپیروان وسرداران سیدعلی‌کیا - سلطان لاهیجان - بوده‌است . ظاهراً این مرد منسوب به‌همین «کچان» مورد بحث ماست .

رابینواصراردارد‌کلمهٔ «پلته‌استان» راکه درکتاب‌تاریخ‌گیلان سیدظهیرالدین دیده است ، با «پیله‌آستانه» که درگیلکی به‌معنی‌آستانهٔ بزرگ است، یکی‌بداند و این تحریف و تصحیف را به‌گردن نساخ بیندازد . به‌نظر من «پلته‌استان» به‌معنی کانون ومرکز ومحل روئیدن درخت پلت (= افرا) است ونظیر این نام‌گذاری در هلیستان (= هلی‌اسان)[4] می‌توان دید که به‌معنی مرکز «هلی» است که در گیلکی به معنی آلوچهٔ جنگلی است و هیچگونه تحریف و تصحیفی دراین نام روی نداده است .

۱- آستانه درتقسیمات سی‌سال قبل‌جزء بلوک کنارفریضه وراه‌شاهی پائین بوده است.

۲- بفتح چ و واو به‌معنی بائر و خراب است . ۳- بضم کاف. ۴- دهکده‌ای نزدیک نوشهر امروز است .

رابینو می‌نویسد که دهکدهٔ آستانه روزی برساحل غربی سفیدرود بوده است. مدفن سیدجلال‌الدین‌اشرف که مورد احترام تمام‌گیلانیان‌است، در اینجاست. هنگام به‌دست آمدن نوغان، زائرین این محل چندین برابر می‌شود و بازاری برای خرید وفروش این متاع دراین محل برپا می‌گردد.

بنای این مزار ابتدا درسال ۳۱۱ هجری[۱] برمدفن سیدجلال‌الدین اشرف از اولاد واحفاد حضرت امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام برپا شد. این‌سید بزرگوار درجنگ باسران گیلان، در اینجا کشته شده است. چون روی جسد او نوشته‌ای یافتندکه‌گور او باید درمحلی باشد که آب سفیدرود به‌آن برسد، او را دراینجا به‌خاك سپردند. سیلاب سفیدرود بقعه را خراب کرد و چندسالی است‌که بنای‌آن را ازنوساختند ودرهای‌کنده‌کاری برای آن تهیه‌کردند وبام بنارا باحلب‌پوشاندند. دوزوج ازاین درها را یکی ازاهالی رشت‌خریداری‌کرده وبرده است. کتیبه‌های این درها بایکدیگر سازش ندارد و ناقص است. کتابی که به‌نام زندگانی سید جلال‌الدین اشرف، درتبریز به‌چاپ رسیده است، فاقد جنبهٔ تاریخی است وارزش زیادی ندارد.[۲]

این بقعه چندین بارگرفتار سیلابهای عظیم سفیدرود شده و یکی دوبسار یکسره از میان رفته است. آخرین بار، درحدود هشتاد سال پیش، بنای بقعه را سیلاب سفیدرود یکسره خراب کرد. امام جمعهٔ لاهیجان کمرهمت به‌تجدیدبنای آن بست وباکمك مردمان خیراندیش آن را از نوساخت. پس از مدتی میرزا فتح‌الله خان سردار منصورکه خیالی‌شده بود، گنبدفملی را برآن بناافزود.

متولیان بقعه می‌گفتندکه چهار تن از اولاد موسی بن جعفر علیه‌السلام از یك مادر و پدرند:

۱ـ حضرت امام رضا علیه‌السلام. ۲ـ حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله علیها.

۱ـ معلوم نشد این تاریخ را رابینوازکجاپیداکرده‌است؛ شاید اوهم گرفتار کلمهٔ «قرو» شده‌است. ۲ـ گیلان رابینو، ص۳۲۱.

۳ــ بی‌بی هیبت درشهر بادکوبه. ٤ــ سیدحسن معروف به سلطان سید جلال‌الدین اشرف درآستانه.[۱]

ایشان اظهار می‌کردند که قدیمی‌ترین سند این بقعه علمی است‌که بر بالای گنبد است واین‌عبارات بر آن حك شده است :

« بانی بقعهٔ متبرکـهٔ سلطان سید جلال‌الدین‌اشرف گوهرشادخانم بنت کیارستم درسنهٔ « قروه »[۲] یا « فروه »[۳]. ».

ازگوهرشادخانم دخترکیارستم اطلاعی نداریـم اما عبدالفتاح دربارهٔ پدرش چنین نوشته‌است: کـه کیارستـم مدتِ ده سال درقلعهٔ الموت حبس بود ودر زمـان خدابنده محمدشاه خلاص شد و به‌لاهجان آمد و به‌منصب سپه سالاری رسید وخان احمدخان سه ماه اورا دردهکدهٔ لیل حبس کرد تادرسال ۹۸۹ قمری اورا درهمان جا به‌قتل آوردند ودرسیاهکله‌رود ، درآستانهٔ سید حسین ناصر ، دفن کردند.[۴]

ازکیارستم نامی که درحدود سالهای ۲۹۱ تا ۳۱۱ هـ. ق. درگیلان سرشناس بوده باشد هیچگونه اطلاعی دردست نیست وضبط سنوات باحروف جمل نیزدراین سالها رسم نبوده است .

متولی دیگرمی‌گفت‌که وزن این علم ۲۱ کیلواست ودر گوشهٔ‌آن «هوالمتعال» وزیرآن « وقف نمود گوهرشاد خانـم بنت‌کیارستم » حك شده است . درصورتی‌که اظهارات این شخص را صحیح بدانیـم هیچگونه دلیلی نمی‌توان آورد که این علم وقف این بقعه شده باشد.[۵] والله اعلم بحقایق الامور .

بنای کنونی بقعه

بنای اصلی بقعه به‌شکل مربـع به‌ابعاد ۷۶۰ سانتیمتر است ودرچهار جهت اصلی، چهـار در ورودی دارد. درشرقی به‌ایوان و کفش کن، درجنوبی به‌مسجد و

۱ــ این‌اظهارات با هیچیك از مشجرات که در دست است قابل انطباق نیست .

۲ــ حروف قروه به‌حساب جمل معادل ۳۱۱ است. ۳ ــ حروف فروه معادل ۲۹۱ هجری‌است. ۴ــ تاریخ گیلان، ص۳۴. ۵ ــ نگارنده این علم را ازنزدیك‌ندید.

حسینیه ، در غربی به‌مسجد زنانه ودر شمالی به‌مسجدی دیگر باز می‌شود . بالای درها پنجره‌های نورگیر است . داخل بنای اصلی، ازاره‌ای به‌ارتفاع ۱۱۸سانتیمتر شامل یك ردیف کاشی سبز وشش ردیف کاشی گلدار آبی با زمینهٔ سفید است .

بر حاشیهٔ داخلی گنبد ، روی کاشی آبی ، باخط نستعلیق عبارات زیر خوانده می‌شود :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ، آیةالکرسی تاآخر و «وان‌یکاد» تاآخر، در آخر این آیات ، صدق‌الله العلی العظیم وصدق رسوله النبی‌الکریم و نحن علـی ذلك من الشاکـرین[1] والحمدلله رب‌العالمین . معمّر طاق مبارك حضرت اجل ارفع آقامیرزا فتح‌اللّه‌خان سردار منصور وبسعی و اهتمام حضرةالحاج حاجی یعقوب‌کارخانهٔ حاجی یوسف‌کاشی‌ساز رشتی کتبه العبدالفقیر شیخ محمد رشتی‌بن سید احمد قزوینی سنه۱۳۲٤ .»

ضریحی‌فلزی‌دروسط بناست به‌درازای۲۸۵وپهنای۲۰۰وبلندی۱۵۵سانتیمتر. این ضریح برروی پایه‌ای از مرمر به‌ارتفاع ۳۰ سانتیمتر نصب شده‌است. ضریـح مشبك وقرقره و گوی‌دار است .

نمای گنبد و گلدسته از کاشی سبز وباقی بامها سفال‌سر است . (عکس شمارهٔ ۱٤۲) جلو حرم مطهر ایوان بزرگی است . طرفین ایـوان دو کفش‌کن مخصوص زنان ومردان است. درورودی حرم ساده وبتازگی در ورودی قدیمی را که فرسوده شده بـود برداشته و در فعلی را به جای آن گذاشته‌اند . رواق وبالای در ورودی آئینه‌کاری است .

مسجدی مجاور حرم است کـه طول آن درحدود پانزده متر است . دوفیلپا درمیان مسجد ودر طول آن ساخته‌اند . پایهٔ فیلپاهـا ، مربع وسطح جانبی آنهـا کاشیکاری است . ازارهٔ مسجد تاارتفاع یك متر کاشیکاری گلدار است . درهای مسجد نسبةً قدیمی است وبالای آنها پنجره‌های مشبك باشیشه‌های رنـگین دیده می‌شود.[2]

۱ ــ ظاهراً شاهدین .

۲ ــ این قسمت امروز نوسازی شده است .

پهلوی کفش‌کن مردانه کتابخانه‌ایست که درسال ۱۳۳۶ شمسی تأسیس کرده‌اند. صحن بقعه نسبةً وسیع‌واطراف آن را اخیراً دیواری آجری و نردهٔ آهنی کشیده‌اند. گورستانی قدیمی اطراف بقعه است وبتازگی پولداران رشت ولاهیجان، دراراضی این محل، مقبره‌های خانوادگی ساخته‌اند. قبر محقق واعظ لاهیجی، متوفی‌محرم سال ۱۳۲٤ دراین گورستان است.

بقعهٔ آقا سید حسن بن موسی الکاظم علیه السلام در دهکدهٔ حسین‌آباد آستانه

بنای اصلی‌اطاقی به‌درازای ۶۰۰ و پهنای ٥٤۰ سانتیمتراست. باساختن چهار گوشوار، در چهار کنج بنا، بنای مربع شکل را جمع کرده وبه‌دایره تبدیل نموده‌اند وگنبدی مدورآجری بلند بر آن زده‌اند. چهار در ورودی درچهار جهت اصلی است. در شرقی ازایوان وکفش‌کن به‌حرم بازمی‌شود. در جنوبی نیزبه‌ایوان جنوبی می‌رود. (عکس شمارهٔ ۱٤۳) در غربی به‌مسجد متصل به‌بقعه و در شمالی به‌آبدارخانه باز می‌شود. ضریحی چوبین تازه ساز که مشبك چهار گوشه است در وسط بناست که بالای‌آن گهواره‌ای شکل‌است.

بقعهٔ آقا سید جانی بن امام موسی الکاظم علیه السلام دردهکدهٔ سیاه‌کوچهٔ آستانه

این‌بقعه درهفت کیلومتری مغرب‌لاهیجان، برسرراه رشت ودرمحل سیاه‌کوچه بنا شده است. بنای اصلی، اطاقی‌آجری‌است که درازای‌آن ۶۲۰ وپهنایش ٥٥٥سانتیمتراست. چهاردر چوبین درچهار جهت اصلی دارد. خفنگی‌کوچك بالای هر در است. درها به‌ایوانهائی به‌درازای ٥ر۱۱ متر وپهنای ۲۱٥ سانتیمتر باز می‌شود. درلبهٔ هرایوان، شش پایهٔ‌آجری، به‌جای شش ستون قدیمی ساخته‌اند.[۱] ستونهای لاچ‌لنگری ظریف قدیمی را، در طول نصف کرده و دو طرف پایه‌ها کار

۱ ــ ایوان شمالی فقط ٥ پایه دارد.

گذاشته‌اند . (عکس شمارهٔ ۱٤٤) و یکی دو ستون نیم شده را زیر تکائل ایوان خوابانده‌اند. طرفین در ورودی نقش دو علم با چهار تورنگ است .

صندوقی چوبین سادهٔ مشبك به‌درازای ۱۸۰ و پهنای ۱۰۰ و بلندی ۱۳۵ سانتیمتر در وسط بناست. داخل و خارج بقعه نقاشیهای مذهبی با نامهای «پنج‌تن» و «نصر من‌الله و فتح قریب» و «صلوات»، از راست به‌چپ و از چپ به‌راست دیده می‌شود . در حاشیهٔ بالای ایوانها ابیاتی از هفت‌بند محتشم کاشانی نوشته‌شده‌است. نقاشی و نوشته‌ها ، کار استاد آقاجان لاهیجانی ولد استاد غلام حسین نقاش است . سقف بقعه لمبه‌کوبی با درزپوش‌خطدار و سقف ایوانها واشان‌کشی بدون پل‌کوبی است . چند درخت آزاد و یك درخت عناب در صحن بقعه بود . علم بندی این بقعه روز سوم محرم و علم واچینی روز سوم امام یعنی روز سیزدهم محرم است .

بقعهٔ آقا سید محمد بن امام رضا علیه السلام در کماچال آستانه

این بقعهٔ قدیمی را نوسازی کرده بودند. بنای کنونی اطاقی جدید با پنجره‌های آهنی است که وسط آن ضریحی آهنین گذاشته‌اند . مسجدی متصل به‌بقعه است که آن نیز جدیدالبناست .

بقعهٔ آقا سید محمد بن امام جعفر الصادق علیه‌السلام درآستانهٔ اشرفیه

این بقعه درشمال غربی آستانه برسرراه گورستان مشهور به « وادی» است. بنای اصلی مربع شکل و به‌ابعاد ۶۲۰ سانتیمتر است. چهاردر ورودی درچهارجهت اصلی است . بالای درها تازیر سقف خفنگ دارد . در جنوبی ازایوان و کفش‌کن وارد حرم می‌شود . جلو این ایوان هفت ستون چوبی است . در شمالی به‌ایوان‌کم عرضی باز می‌شود که طول آن برابر طول دیوار بقعه است . در دو طرف شرق و غرب بقعه دومسجد وسیع است . سقف سراسر بنا ، لمبه‌کوبی با درزپوش‌خطدار و بام آن سفال‌سر است .

بقعهٔ آقا پیرمزار (= ترک مزار) [۱]
از فرزندان امام موسی الکاظم علیه‌السلام
در نیاکوی آستانه

بنائی سادهٔ زگالی است درمیان شالی‌زار برسرراه نیاکو به‌آستانه . غیر از طرف غربی، سه‌طرف دیگر ایوانی ساده دارد . در ورودی درایوان جنوبی‌است . صندوقی چوبین و ساده در وسط بناست . سقف بنا ، واشان‌کشی و بام آن سفال‌سر است .

بقعهٔ آقا سید محمد ملقب به‌آقای پرنور
از نوادگان امام موسی الکاظم علیه‌السلام
درپائین محلهٔ نیاکوی آستانه

در خاک بیه‌پیش گیلان به‌بقاعی می‌رسیم که بامسجد یک‌جا ساخته شده‌اند ، یعنی حرم بقعه‌ها ، جزئی ازبنای مسجد است . این گونه بقاع گاهی دیوارهائی دارندکه حرم را ازمسجد جدا می‌کند وزمانی ضریح وصندوق درخود مسجد قرار می‌گیرد . حرم آقا سید محمد اطاقی است که جزء بنای مسجد ودر کنج جنوب‌ـ غربی‌آن است . درازای سراسر بنا ۱۰ر۱۴ متر و پهنای‌آن ۹۴۰ سانتیمتر است . بنای اصلی بقعه اطاقی است که ابعاد داخلی آن ۵۹۰ و ۴۷۰ سانتیمتر است . ضریح مشبک چوبین به‌درازای۲۶۰ وپهنای۱۴۰ وبلندی۱۷۰سانتیمتر دروسط این اطاق است که بالای آن‌گهواره‌ای شکل است . درهای ورودی شرقی وشمالی بقعه به‌مسجد باز می‌شود . در ورودی جنوبی به‌طرف صحن است و بالای آن خفنگی مشبک باشیشه‌های الوان ، است.

درديوارشرقی مسجد سه فیلپاست که زیر حمال سقف است ودرفواصل آنها هفت پنجره‌است . در ورودی مسجد که بالای‌آن خفنگی دارد دراین سمت است .

۱ ـ بفتح تاء وسکون راء وکسر کاف .

درضلع شمالی مسجد ، دری و پنجره‌ای نورگیر به کفش‌کن ویك در ویك پنجره به‌صحن دارد . دردیوارشمالی دوفیلپای مدور در وسط وفیلپای چهار گوشهٔ دیگری نزدیك ضلع‌غربی، بنا شده‌است . درضلع‌شرقی‌متصل به‌دیوارجنوبی‌کفش‌کنی زائده مانند درصحن پیش رفته واطراف‌آن درهای ارسی چوبین است . سقف بنا لمبه‌کوبی با درزپوش و سراسر بام‌بنا ، سفال‌سر است .

خشت پل[1] (= پل آجری)
در بالا محلهٔ نیاکوی آستانه

پل آجری نیاکو برسرراه لاهیجان به رشت است . راهی که از لاهیجان به‌حاجی‌آباد و بازکیاگوراب می‌آید ، در آخر آبادی بازکیاگوراب به سه شاخه تقسیم می‌شود : ازاین سه راه ، راهی به سیاهکل و راهی به‌تجن گوکه و کیسم و رشت وراهی‌به‌نیاکو وجسیدان وآستانه ولولمان و کوچسفهان ورشت می‌رود.خشت پل برسرراه سوم درمحلهٔ نیاکو بنا شده است . این پل به‌پهنای ۵۸۰ سانتیمتر ودو طرف جان پناهی‌ازآجربه‌پهنای ۳۷ سانتیمتر وسنگ فرش روی‌آن به‌پهنای ۴۷۰ سانتیمتر است . درازای‌سراسر پل ۵۰ متراست . این پل شامل دودهانهٔ کوچکتر درطرفین‌آنهاست. پهنای دهانه‌های‌بزرگ هریك ۲۳۰ سانتیمتروبلندی‌آنها ازوسط هلال‌شکستهٔ طاق تاکف زمین، ۱۴۰ سانتیمتراست.آجرهائی که برای ساختن این دو دهانه به‌کار رفته است به‌ابعاد ۱۷ سانتیمتر وقطر ٤ سانتیمتر است . درطرفین این دو دهانه ، دوطاق دیگر است که استحکام این دو دهانه را بیشتر می‌کند . بلندی‌کف پل تاسطح آب ٦ متر است . آجرهای دیگری به‌ابعاد ۲۰ سانتیمتر و قطر ٥ سانتیمتر نیز درساختمان این پل بکار رفته است .

۱- بفتح خاء وسکون شین وکسر تاء.

بقعهٔ حاجی سید علی ملقب به‌حاجی دان آقا
از نوادگان امام موسی الکاظم علیه السلام
در بالامحلهٔ نیاکوی آستانه

این بنا همانند بقاعی است‌که بقعه ومسجدآن درزیر یك سقف است . بنای اصلی بقعه تقریباً به‌شکل مربع به‌درازای ۴۵۰ وپهنای ۴۱۰ سانتیمتراست. مسجد در ضلع شمالی بقعه ومتصل بدان است . درازای‌آن ۸۲۰ وپهنایش ۴۳۰ سانتیمتر است و طرف شرقی بقعه نیز دنبالهٔ این مسجد به‌درازای ۵۲۰ وپهنا ۳۰۰ سانتیمتر جلو حرم قرار می‌گیرد . در ورودی مسجد دردیوار شرقی و چهار پنجرهٔ نسبةً بزرگ دردیوار شمالی و سه پنجره و یك نورگیر کوچك در دیوار غربی است . درورودی بقعه دردیوار شرقی وبالای آن خفنگی مشبك است . دردیوار جنوبی و غربی بقعه نیز پنجره‌های نورگیری تعبیه شده است . (عکس شمارهٔ ۱۴۵)

ضریح مشبك چوبینی به‌درازای ۲۲۵ وپهنای ۱۳۸ وبلندی ۱۶۵ سانتیمتر که برروی پایه‌ای به‌بلندی ۱۵ سانتیمتر قرار دارد، دروسط بقعه است . بالای ضریح خیمه‌ای شکل و همچون هرمی مستطیل‌القاعده است . سقف بنای بقعه و مسجد لمبه‌کوبی خطدار و بام سراسر بنا ، سفال‌سر است .

بقعهٔ پیر میر محمد
درکنار رودخانهٔ شیم‌رود و شمال‌غربی بقعهٔ حاجی دان آقا

ساختمان بقعه ومسجد مستطیل شکل است . حرم درگوشهٔ جنوب غربی بناست. درچهار دیوارحرم نزدیك به‌سقف پنجره‌های مشبك نورگیر است . در مسجد پنج فیلپای قدیمی وسه ستون استوانه‌ای چوبین است‌که حمال طاق برآنها متکی است وواشانها ازدو طرف روی حمال می‌آید . صندوق بقعه کهنه وفرسوده شده است وقبر ازشکستگیها آن نمایان است .

بقعهٔ آقا سید محمدبن امام جعفر الصادق علیه السلام در دهکدهٔ پینچا از دیهای آستانه

بنای اصلی شامل اطاقی مربع به ابعاد ٦٤٥ سانتیمتر است. صندوقی در وسط و ضریحی مشبک آن را احاطه کرده است. (عکس شمارهٔ ١٤٦) ایوان جنوبی به پهنای ٢٧٠ سانتیمتر است که دری مشبک چوبین به حرم دارد. و چهار جرز آجری چهارگوشه به جای ستون ساخته‌اند. (عکس شمارهٔ ١٤٧) ایوان شمالی به پهنای ٢٥٠ سانتیمتر ودرازای ١١٫٥ متر است. دراین ایوان دری نظیر در ایوان شمالی است. این در قدیمی است و این عبارات در قسمت بالای سمت راست آن کنده کاری شده است:

«هذا مسجد المبارك لصاحبه ومالكه الفقیر المحتاج الی رحمة الله تعه.»

برسمت راست، دنبالهٔ این عبارات چنین است:

«فقیه احمدبن ابوالرضی بن علی پینچائی سنه ثمانین وسبعمائه.»

ایوان غربی به پهنای ٣٤٠ سانتیمتر و درازای ١٣٫٣٠ متر است. ضلع شرقی ایوانی ندارد. سرتال هریك ازایوانها متکی برچهار فیلپای آجری چهار نبش است.

در ایوان غربی، دری چوبین به‌بلندی ١٨٢ وپهنای ١٠٥ سانتیمتر است. این عبارات برلنگهٔ سمت راست آن خوانده می‌شود:

«بردرت جاکنند اهل نجات   رفع الله قدرهم درجات»

درحواشی این دو مصراع این آیات از کلام‌الله مجید حك شده است:

«ربنا لاتزغ قلوبنا بعداذ هدیتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب ربنا انك جامع الناس لیوم لاریب فیه ان الله لایخلف المیعاد ان‌الذین کفروالن تغنی عنهم اموالهم ولا اولادهم.»[2]

زیر مربع بالا این آیات حك شده است:

۱ــ دراصل: الا.   ۲ ــ سورهٔ آل‌عمران ۳، آیات: ۸ و ۹ ونیمی ازآیهٔ: ۱۰.

«لایکلف‌الله نفساً الا وسعها لها ما کسبت وعلیها مااکتسبت[۱] ربنا ویومن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی ـ تا ـ اولئك اصحاب النارهم فیها خالدون .»[۲]

برقسمت پائین همین لنگه این عبارات حك شده است :

« اتمام این عمارة ... الفقیر المحتاج الی‌رحمةالله فقیه احمدبن فقیه ابوالرضی محمدبن فقیه علی‌بن‌فقیه مرتضی‌بن‌فقیه محمدبن... غفرالله ذنوبهم . »

زیر نام بانی ، این آیات از کلام‌الله مجید حك شده‌است :

« لیزدادوا ایمانا مع‌ایمانهم ولله جنودالسموات والارض وکان‌الله علیماً حکیماً لیدخل المؤمنین والمؤمنات جنات تجری من تحتها الانهار ـ تا ـ فوزاً عظیماً . »[۳]

برقسمت بالای لنگهٔ سمت چپ این در، این بیت حك شده‌است :

« ای درت کعبهٔ ارباب نجات قبلتی وجهك فی کل صلات »

درحواشی دومصراع بالا، این آیات کلام‌الله مجید خوانده می‌شود :

« من‌الله شیئاً واولئك هم وقودالنار کدأب آل فرعون والذین من‌قبلهم کذبوا بایاتنا فاخذهم الله بذنوبهم والله شدید العقاب قل للذین کفروا ستغلبون و . »[۴]

درقسمت پائین آیات بالا ، آیات زیر حك است :

«لاتؤاخذنا ان نسینا اواخطأنا ولاتحمل علینا اصراً کما حملته . »[۵]

درقسمت وسط دراین آیات باحاشیهٔ گل و بوته‌دار حك شده‌است :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم الله لااله الا هوالحی‌القیوم لاتأخذه ـ تا ـ

---

۱ ـ سورة البقره ۲ ، آیهٔ : ۲۸۶ ۲ ـ سورة البقره ۲، آیات: ۲۶۲ و ۲۶۳.
۳ ـ سورة الفتح ۴۸ ، قسمتی ازآیهٔ: ۴ و تمام آیهٔ : ۵ . ۴ـ سورهٔ آل عمران ۳ ، قسمتی‌ازآیهٔ: ۱۰ وآیهٔ: ۱۱ وقسمتی‌ازآیهٔ:۱۲. ۵ـ سورةالبقره۲، قسمتی‌ازآیهٔ :۲۹۱.

من الغی[۱] باالله .»

درحاشیهٔ تنکهٔ پائین در، آیاتی ازسورهٔ فتح بدین‌ترتیب خوانده می‌شود :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم انافتحنا لك فتحاً مبیناً ـ تا ـ فی‌قلوب المؤمنین .»[۲] (عکس شمارهٔ ۱٤۸)

بردیوارغربی بقعه ازخارج نقاشیهای مذهبی به‌این شرح‌کشیده شده‌است :

صحرای کربلا، امام حسین درمیدان جنگ باعلی اصغر دربغل وزعفر جنی درپشت سراو، درویش عرب ونامه رسان.

درطرف چپ شکلهای زیر است :

ابوالفضل العباس بامارد بن سدیف .

بردیوار شمالی این نقاشیهاست :

علی اکبر و املیلی و گهوارهٔ علی اصغر و رباب ، خوابیدن حضرت امام زین العابدین ، حضرت قاسم باازرق شامی و پسرانش . عمل استاد آقاجان نقاش لاهیجانی.

بردیوار جنوبی بقعه نقاشیهای زیر است :

سوار شدن پیغمبر بربراق ورفتن بمعراج. (عکس شمارهٔ ۱٤۹) حرکت اسیران کربلا واجساد شهدا درمیدان کربلا .

ابیاتی از هفت‌بند محتشم‌کاشانی درحواشی‌این‌نقاشیهاست تاریخ۱۳۳۳قمری درذیل رقم ومیان اشعار دیده می‌شود.

درطرفین در ورودی اصلی، دوعلم ودو تورنگ نقاشی شده‌است .

سقف بقعه وایوانها، واشان‌کشی وارروپل‌کوبی بادرزپوش‌زده است .

مراسم علم بندی در این بقعه روز اول محرم و مراسم علم‌واچینی شب دوازدهم که شب سوم امامت است ، برپا می‌شود .

۱ـ سورةالبقره۲، آیهٔ ۲۶۱: ۲۶۱وقسمتی ازآیهٔ: ۲۶۲.
۲ـ سورةالفتح ٤۸، آیات: ۱ تا ۳ وقسمتی ازآیهٔ : ۴ .

درصحن بقعه دو درخت آزاد کهنسال دیده شد .

بقعهٔ میرعلی
دریك کیلومتری جنوب بازکیاگوراب
سرراه لاهیجان به رشت

بنائی است قدیمی به‌شکل مربع که چهار گوشهٔ آن را باچهارگوشوار جمع کرده وگنبدی مدور باآجر وگچ برآن زده‌اند . درهرضلـع از داخل طاقنمائـی بزرگ ساخته شده و بالای طاقنماها گل و بوته‌هـای زیبائی گچ بری شده است . درسه جهت بقعه ایوانهای‌کم عرضی است. لبه‌های ایوانها پایه‌های آجری به‌جای ستون چوبی‌ساخته‌اند وسرتال و واشانهای ایوانها برآنها قراردارد. ازارهٔ داخلی بقعه و پائین پایـه‌های ایوانهـا کاشیکاری است . کاشیهای داخل حرم هشت ضلعی است . مسجد بقعه متصل به‌بنای بقعه است . اضلاع جنوبی و غربـی آن دیوار و اضلاع شمالی وشرقی آن درهای ارسی چوبین است .

بقعهٔ آقا سید محمد بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
دردهکدهٔ پائین‌لسکوکلایه[۱] از دهکده‌های آستانه

بنائی است آجری‌که ابعاد داخلی‌آن ۵ر۳×۴ متراست . میان بنا ضریحی مشبك چوبین باسقف‌گهواره‌ای است . چهار طرف ایوان دارد. طرف شرقی وغربی چهار جرز آجری جلو ایوانها به‌جای ستون ساخته‌اند . دوطرف جنوبی وشمالی ایوانها ، هریك سه جرزآجری ودوستون چوبی دارد . ستونهـا سرستون ندارد . دودر ورودی بقعه دردوجهت شرقی وغربی است. سقف بقعه وایوانها، واشان‌کشی‌و پل‌کوبی است . لبهٔبام دوپشته وسراسر بام‌بنا، سفال‌سر است .

مراسم علم‌بندی روزاول‌محرم ومراسم‌علم‌واچینی روزسوم‌امام برپا می‌شود.

۱ــ لسکوکلایه:ده ازدهستان دهشال، بخش‌آستانهٔ شهرستان‌لاهیجان، هجده کیلومتری شمال شرقی آستانه ، شش‌کیلومتری حسن‌کیاده. (فرهنگ جغرافیائی‌ایران)

بقعهٔ آقا سید زکریا
در دهکدهٔ لفوت از دهکده‌های آستانه

بنای اصلی آجری است وچهار طرف ایوان دارد . به‌جای ستونها جرزهای آجری، جلو ایوانها ساخته‌اند . لبهٔ بام یك‌پشته وسراسر بام‌بنا، حلب‌سر است.

باقی بناها و آثار تاریخی بلوك آستانهٔ لاهیجان

۱ـ بقعهٔ آقا سید محمد دردهکدهٔ ششکل[1] دهشال .

۲ـ بقعهٔ گیلده دردهکدهٔ گیلده[2] دهشال .

۳ـ بقعه‌های دهکدهٔ فوشازده[3] دهشال .

٤ ـ بقعهٔ آقا سید اکبر در دهکدهٔ لفوت .[4]

٥ ـ بقعهٔ دهکدهٔ دهکا[5] ازدهکده‌های دهشال .

٦ ـ بقعهٔ آقا زینل در جیررودپشت دهشال .

۷ ـ نام کهنه کلکه[6] در دهکدهٔ جیررودپشت که یادآور پرستشگاه و معبدی قدیمی است .

۸ ـ محل دیگری به‌نام « اسپه شورون » در دهکدهٔ جیررودپشت است و برکنار « پیله خاله » (= شاخهٔ بزرگ رودخانه) قرار دارد . می‌گویند در قدیم استخر بزرگی برای شست وشوی اسبان پادشاهان درست کرده بوده‌اند .

۱ـ ششکل : ده از دهستان بخش‌آستانه، شهرستان لاهیجان ، چهار کیلومتری شمال شرقی دهشال، شانزده کیلومتری آستانه.(فرهنگ جغرافیائی ایران) ۲ـ گیلده : ده از دهستان دهشال بخش‌آستانه، شهرستان لاهیجان، هجده‌کیلومتری شمال شرقی‌آستانه، شش‌کیلومتری دهشال. (فرهنگ جغرافیائی‌ایران) ۳ـ فوشازده: ده ازدهستان دهشال بخش‌آستانه، شهرستان لاهیجان.(فرهنگ جغرافیائی‌ایران) ۴ـ لفوت:ده از دهستان مرکزی بخش‌آستانه، شهرستان لاهیجان، ده‌کیلومتری شمال‌آستانه، هشت کیلومتری شمال پل‌سفیدرود.(فرهنگ جغرافیائی‌ایران) ۵ـ بفتح دال . ۶ـ بفتح کاف و لام.

٤- بناها و آثار تاریخی بلوك کنار فریضه و راه شاهی پائین لاهیجان

بقعهٔ آقا سید حسین کیا پسر امام موسی الکاظم علیه‌السلام معروف به‌امامزاده ذوالفقار در دهکدهٔ کیسم

بنای اصلی بقعه اطاقی است به درازای ٤٩٠ سانتیمتر و پهنای ٤٠٠ سانتیمتر، چهارطرف ایوان دارد وجلوهریك از ایوانها هفت ستون چوبی چهار-سوی پخ زده است. طول هریك از ایوانها ٥ر١٠ متر است. پهنای ایوان شمالی کمتر وایوانهای شرقی وغربی وجنوبی پهن‌تر وعرض آنها ١٩٠ سانتیمتر است. ایوان جنوبی یك ستون لاچ‌لنگری هفت وهشت ضلعی دارد. تمام ستونها سرستون دارند. (عکس شمارهٔ ١٥٠)

صندوق بقعه درمیان بنای اصلی‌است وبدنهٔ جنوبی‌آن هشت تکه کنده‌کاری ظریف دارد و برپایه‌ای از گچ به‌بلندی ٢٠ سانتیمتر برقرار است. (عکس شمارهٔ ١٥١) درازای صندوق ٢١٨ وپهنایش ١١٨ وبلندی‌آن٧٠ سانتیمتر است. ضریحی مشبك چوبین صندوق را احاطه کرده است. (عکس شمارهٔ ١٥٢)

بردیوارها ازداخل، نقاشیهای مذهبی به‌قلم استاد آقاجان لاهیجانی است و زیر لبهٔ طاق ابیاتی از هفت‌بند محتشم کاشانی است ودرفواصل مصراعها «اللهم‌صل علی محمد وآل محمد» گچ‌بری شده است.

سقف بقعه واشان‌کشی وازرو پل‌کوبی با درزپوش‌زده است. ازارهٔ دیوارهای بقعه، درپنج ردیف کاشی‌کاری به‌ارتفاع ٨٠سانتیمتراست. سقف ایوانها واشان‌کشی، لبهٔ بام یك‌پشته وسراسر بام‌بنا، سفال‌سر است. تخته‌ای ازصندوق قدیمی درایوان بود که درازای آن ٦٨ و پهنایش ٢٦ سانتیمتر بود و کنده کاری بسیار داشت. (عکس شمارهٔ ١٥٣)

درایوان جنوبی یك‌تخته ازچوب صندوق قدیمی‌را به‌دوستون لاچ‌لنگری‌و

ستون پهلوی آن میخ‌کوب کرده بودند. این قسمت از آیات کلام الله مجید بر آن خوانده می‌شود.

«[لایؤ]منون انما تنذر من اتبع الذکر وخشی الرحمن بالغیب فبشره بمغفرة و اجر کریم. انا نحن نحی الموتی ونکتب ماقدموا وآثارهم وکل شیء احصیناه فی امام مبین و اضرب لهم مثلا اصحاب القریة اذجاءها المرسلون.»[1] (عکس شمارهٔ ۱۵٤)

رابینو از این بقعه یاد کرده است.[2]

بقعهٔ آقا سید شفیع
در دهکدهٔ بجاربست‌سر

بنای اصلی بقعه مستطیل و ابعاد شرقی و غربی آن ۷ متر و ابعاد جنوبی و شمالی آن ٤٦۰ سانتیمتر است. طرف شمال بقعه، آبدارخانه‌ای بنا شده است. طرف شرق و جنوب بقعه ایوانی است. عرض ایوان شرقی ۳۳۰ وعرض ایوان جنوبی ٤۸۰ سانتیمتر است. سقف داخل بقعه و ایوانها لمبه‌کوبی است. لبهٔ بام یک‌پشته و بام سفال‌سر است. مراسم علم‌بندی دوم محرم و مراسم علم واچینی روز بیست وهشتم ماه صفر که قتل امام حسن مجتبی است، برگزار می‌شود. روز علم بندی سرته می‌آورند و گوسفند قربانی نذر می‌کنند.

قرآن کوفی
در دهکدهٔ مالده

رابینو می‌نویسد که دراین دهکده قرآنی است که می‌گویند به‌خط علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام است و بنائی که این قرآن در آن است، به «دستخط امیرالمؤمنین» مشهور است.[3]

۱ـ سورهٔ یس۳۶، قسمتی از آیهٔ: ۱۰ وآیات: ۱۱و۱۲ و۱۳. ۲ـ گیلان‌رابینو، ص ۳۲۹. ۳ـ گیلان رابینو، ص ۳۲۷.

این بنا ، بنائی است چوبین ودوطبقه . ابعاد داخلی طبقهٔ بالا ۳۷۰ × ۴۵۰ سانتیمتر است . میان این بنا صندوقی بزرگ است‌که داخل‌آن صندوقی‌کوچکتر قرار دارد. صندوق بزرگتر به‌درازای ۱۱۸و پهنای ۷۱ و بلندی ۹۰ سانتیمتر است و صندوق‌کوچکتر به‌درازای ۵۷ و پهنای ۴۶ و بلندی ۴۵ سانتیمتر است.

چهار طرف این‌بنا ایوان است ودیواره‌ای تخته‌ای دارد . درهرطرف بنا سه پنجره است . سقف بنای اصلی واشان‌کشی و پل‌کوبی است و سقف ایوانها فقط واشان‌کشی است. طبقهٔ زیرین‌این‌بنا مسجد است . درمحوطهٔ اطراف این‌بنا درخت آزاد کهنی است‌که محیط‌آن ۷۷۰ سانتیمتر است .

بقعهٔ فضل عیار معروف به‌آقای رکابدار
در بالا محلهٔ دهکدهٔ کیسم

بنای اصلی بقعه اطاقی ساده است‌که ابعاد داخلی آن ۴۴۰ × ۴۲۰ سانتیمتر است . درمیان این بنا ، صندوقی مشبك تخته‌ای است . سقف صندوق به شکل هرم مستطیل القاعده است‌که درازای آن ۱۹۰ و پهنایش ۱۰۲ و بلندیش ۱۱۰ سانتیمتر است. این صندوق برپایه‌ای کاشیکاری به‌بلندی ۱۵ سانتیمتر قرار دارد. ازارهٔ بنا را رنگ‌کاری کرده‌اند . سقف بقعه واشان‌کشی و پل‌کوبی بادرزپوش است . چهار طرف بنا ایوان است . طول ایوانها ۸۷۰ وعرض آنها ۱۶۰ سانتیمتر است . هرایوان دارای هفت ستون با سرستون است . سقف ایوانها واشان‌کشی و قسمتی پل‌کوبی با درزپوش‌زده است. لبهٔ بام دوپشته وسراسر بام‌بنا، سفال‌سر است.

علم بندی این بقعه روز اول محرم و علم واچینی آن در روز بیست و هشتم صفر است . روز زوارکشی معینی ندارد .

بقعهٔ آقا سید احمد یمنی بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام
درمیان محلهٔ دهکدهٔ کیسم

بنای اصلی این بقعه را بنا به‌گفتهٔ اهالی،آب یکسره برده است و فعلا بقعهٔ آقا سید محمد مکی به‌جای آن است .

بنای اصلی این بقعه مربع شکل است که از خارج ابعاد آن ۴۶۰×۴۸۵ سانتیمتر است . چهار طرف بنا ایوان دارد . درازای ایوانها ۷۴۰ سانتیمتر وپهنای آنها غیر از ایوان جنوبی که ۵۰ سانتیمتر است ، ۲۰۵ سانتیمتر می باشد . هر ایوان، هفت ستون باسرستون دارد سه عدد ازستونهای ایوان شمالی لاچ لنگری است . دو عدد که در دو طرف قرار می گیرند هشت ضلعی هفت وهشت وستون وسط دردو قسمت مارپیچ راست به چپ است. بقعه دارای دو در ورودی در ایوانهای شمالی و شرقی است که یکی از آنها مشبك تخته‌ای به پهنای ۹۳ و بلندی ۱۶۰ سانتیمتر است.
درمحوطهٔ این بنا چند اصله درخت آزاد است که محیط یکی از آنها بالغ بر ۵۷۰ سانتیمتر است .

خشت پل
بر رودخانهٔ حشمت رود دردهکدهٔ کیسم

این پل برسر راه شاهی است که از لاهیجان به کیسم می رفته است . مصالح اصلی آن آجر و درازای آن ۲۱ متر وپهنای آن ۳۲۵ و بلندی آن ازسطح آب ۵۷۰ سانتیمتر است . این پل شامل یك دهانه باطاق جناقی است که بلندی طاق آن ۹۰ سانتیمتر است.(عکس شمارهٔ ۱۵۵) پهنای جان پناه آجری آن ۶۵ سانتیمتر است. در ساختمان این پل دو نوع آجر به ابعاد ۴×۲۱×۲۱ و ۵ × ۲۳×۲۳ سانتیمتر بکار رفته است .

بقعهٔ آقا سید عبدالله بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام
معروف به آقا سید بازو
در دهکدهٔ بازان کیسم

بنائی است ساده که چهارطرف آن ایوان دارد . هر ایوان دارای هفت ستون چهارسو بدون سرستون است. این بقعه دارای صندوقی تخته‌ای سادهٔ بدون نقش است. بر دیوار گلی بقعه نقاشیهای مذهبی کرده‌اند. سقف بنا واشان کشی، لبهٔ بام یك پشته و بام بنا سفالسر است .

بقعهٔ آقا سید رسول وسیده حوری در دهکدهٔ تجن کیسم

بنائی ساده ونوساز که چهارطرف ایوان دارد. هرایوان هفت ستون چهارسو دارد . صندوق چوبین‌که میان اطاق قرار دارد قبر این دوتن را پوشانده است . در ورودی بقعه، درایوان جنوبی‌است. سقف بنا و ایوانها واشان‌کشی وبام سراسر بنا، سفال‌سر است .

بقعهٔ سید زکریا بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام در میان کوی حسن کیاده

این بنا اطاقی ساده است که ازبیرون نمای آن هشت ضلعی است‌که اضلاع آن دو به‌دو مساویند و از داخل مربع مستطیل است . چهارطرف بنا ایوان دارد. ستونهای ایوانها چوبی و ساده است . داخل بنا ضریحی مشبك چوبین صندوق را پوشانده است . بام بنا حلب‌سر است .

بقعهٔ آقا سید لنگرکیا در اشکم چال ۱

بنای اصلی بقعه ساده وگلی وزگالی است . چهار طرف بنا ایوان است. جلو هرایوان سه جرزآجری و شش ستون است. لبهٔ ایوان تکائل مشبك چوبین کوتاه دارد . درمیان بنا صندوقی است کـه ضریحی مشبك چوبین بزرگ آن را پوشانده است. قسمت پائین ضریح تخته‌ای ساده وقسمت بالای‌آن مشبك است. سقف ضریح گهواره‌ای است . لبهٔ بام بنا یك‌پشته وسراسر بام‌بنا، سفال‌سر است .

مراسم علم‌بنـدی این بقعه روزهـای اول و دوم و سوم محرم و علم‌واچینی عصر روز دوازدهم محرم برگزار می‌شود .

۱ــ بکسر الف وضم کاف.

دهکدهٔ تی‌تی پریزاد

این دهکده متصل به‌حسنعلی‌ده و ناصرکیاده است. می‌گویند این آبادی را تی‌تی دخترخان احمد خان والی لاهیجان احداث کرده است. عبدالفتاح فومنی تی‌تی را دختر قرامحمدچپك و زن‌خان احمدخان می‌داند.[۱]

باقی بناها و آثار تاریخی بلوك کنارفریضه و راه شاهی پائین لاهیجان

۱- بقعهٔ آقا سید مزار یا شهیدمزار. بنای این بقعه میان حسن‌کیاده و لسکوکلایه است.[۲]

۲- بقعهٔ آقا سید ابوجعفر بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام.

۳- بقعهٔ امامزاده محمد دردهکدهٔ کیسم.[۳]

۴- بقعهٔ آقا سید حاجی دردهکدهٔ پاشاکی.

۵- بقعهٔ دهکدهٔ کماچال میان بازکیاگوراب و رودبنه.

۶- بقعهٔ دهکدهٔ گوهردان.

۷- بقعهٔ سه برادران در دهکدهٔ بجاربست‌سر، که به بجارپردسر نیز مشهور است.

۸- بقعهٔ آقا سید نصرالله در دهکدهٔ بازارسر.

۹- پل آجری برآب کیسومك.[۴]

۱۰- بقعهٔ آقا شیخ سلیمان دردهکدهٔ لاشه (= لاشك).[۵]

۱۱- بقعهٔ آقا سید ابراهیم بن امام موسی‌الکاظم دردهکدهٔ کشل.[۶]

۱۲- بقعهٔ آقا سید محمدبن امام موسی الکاظم دردهکدهٔ ماشك.[۷]

۱۳- مسجد پیله‌خاکی نزدیك دهکدهٔ ماشك.[۸]

۱- گیلان‌دابینو، ص۳۲۵. ۲- گیلان‌دابینو، ص۳۳۲. ۳- گیلان‌دابینو، ص۳۲۹. ۴- گیلان‌دابینو، ص۳۲۶. ۵- گیلان‌دابینو، ص۳۳۳. ۶- بفتح کاف وشین. ۷- بکسر شین. ۸- عبدالفتاح فومنی ازاین مسجد یادکرده است. (گیلان دابینو، ص ۳۳۳)

۵ـ بناها و آثار تاریخی بلوک چهار ده ورودبنهٔ لاهیجان
بقعهٔ آقا سید نصرالدین بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
دردهکدهٔ گوکهٔ لاهیجان

بنای اصلی بقعه اطاقی است آجری به‌درازای ۷۴۰ و پهنای ۴۵۰ سانتیمتر. دو در جنوبی وشرقی ازدو ایوان ودر غربی ازمسجد متصل به‌بنا در حرم بقعه باز می‌شود . سقف بنا واشان‌کشی و پل‌کوبی با درزپوش است. ضریحی مشبک چوبین نسبةً قدیمی به‌درازای ۲۱۰ و پهنای ۱۴۰ وبلندی ۱۶۰ سانتیمتر قبر را پوشانده است . طاق ضریح گهواره‌ای وبلندی آن ازسقف ضریح ۶۰ سانتیمتر است .

ایوانهای شرقی وجنوبی هریك هفت ستون چهارسوی ساده بدون سرستون دارد . سقف ایوانها واشان‌کشی وپل‌کوبی است . لبهٔ ایوان تکائل مشبك چوبین و لبهٔ بام سه‌پشته و سراسر بام‌بنا، سفال‌سر است.

سنگ قبری‌ازمرمر به‌درازای ۵۴ وپهنای ۳۵ سانتیمتر دربقعه قرار دارد که عبارات زیر برآن حك‌است :

«وفات مرحوم کربلائی میرزا ولد مرحوم مرتضی قلی ۱۲۴۲ .

چون فتادست مرا قبر براین راهگذر
همه‌کس‌رابودای خواجه براین راه‌گذر
برسرتربت ما چون گذری فاتحه خوان
بدعا روح مرا شادکن آنگاه گذر»

سنگ مرمر دیگری به‌درازای۶۵ وپهنای ۲۹ سانتیمتر دراین‌بقعه بود که این‌عبارات برآن حك بود:

«وفات مرحوم فیروزه خانم بنت مرحوم آقا محمد قاسم بتاریخ شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۲۳۵ .

ای خاك چه طالع منور داری — هرجا که پری‌رخیست دربرداری
خوبان‌جهان سیرزعالم شده‌اند — تو سیرنمی‌شوی چه درسر داری

نشانه‌ها : مهر، تسبیح ، انگشتر وسرو . «

مراسم‌علم‌بندی این‌بقعه روز اول‌محرم وعلم‌واچینی روزقتل امام‌حسن یعنی بیست وهشتم صفر است . این بقعه درمیان درختان آزاد کهنسال است .

حمامی قدیمی در بازارسر گوکه جزو موقوفات این بقعه بوده است . خرابه‌های این حمام امروز برجاست .

پلی آجری
نزدیك دهكدهٔ گوكه

پلی آجری یك‌دهنه نزدیك دهكدهٔ گوكه است . درازای آن۱۰ متر و پهنای آن ۲۵۰ وبلندی‌آن ازسطح آب ۲٤۰ سانتیمتر است. بنای این پل از دو نوع آجر است . آجرهای بزرگتر به‌ابعاد ٤ ×۲۸ × ۲٤ سانتیمتر و آجرهای کوچکتر به‌ابعاد ٤ × ۱۸ × ۱۸ سانتیمتر است .

بقعهٔ سید ناصرالدین بن امام موسی الکاظم
در کاچا محلهٔ چهار ده لاهیجان

برای رسیدن به‌چهار ده ، باید نزدیك اولمان ازآب سفیدرود گذشت و به‌ساحل‌راست رودخانه رفت . دهی بزرگ وآبادان است . از بناهای تاریخی این دهکده ، بقعهٔ سید ناصرالدین است که از نظر سبك معماری ، قابل دقت وبررسی است . بنای اصلی بقعه ازداخل چهارگوشه وازچهار جهت چهار در ورودی دارد . درها در درگاهی صفه مانند قراردارند. عرض دهانهٔ صفه‌ها ۱۵٦ وعمق آنها ۸۵ سانتیمتر است . در چهار کنج بنا ، چهارگوشوار است که باساختن‌آنها ، گوشه‌را جمع کرده وتوانسته‌اند گنبد مدوری براین بنای چهارگوشه بزنند . زیر هریك ازگوشوارها دوطاقچه است . بالای هریك ازدرهای ورودی، خفنگی نورگیر ساده است که طاقهای جناقی دارد .

ضریحی مشبك چوبین به‌درازای ۱۳۸ و پهنای ۱۳۰ وبلندی ۱۵۹ سانتیمتر

میان بنای اصلی است کـه قبر را پوشانده است . طاق آن نیز مشبك است واز دو طرف چون بامهای شیروانی، شیب دارد .

در شرقی بقعه به‌ایوانی مربـع شکل باز می‌شود کـه سمت شرقی آن باز است . درطرفین شمال وجنوب دو اطاق است که ابعاد آنها از داخل دومتر است . کنج جنوب‌غربی اطاق شمالی وکنج شمال‌غربی اطاق جنوبی بادو کنج بقعه مماس است . پنجره‌های این دو اطاق پنجره‌های ارسی بوده که قسمت پائین آنهـا عوض شده است .

اضلاع اصلی بقعه ازخارج ۷۸۰ سانتیمتراست و سه طرف شمالی وغربی و جنوبی آن ایوان دارد . عرض هر یك از ایوانها ٤ متر است . ایـوان غربی دارای چهار فیلپاست‌که پائین آنها مربع وبالای آنها هشت‌ضلعی است . درفواصل فیلپاها ، ستونهای چوبین چهارسو ، بدون سرستون است .

ایوان جنوبی نه‌ستون چهارسوی ساده ، بدون سرستون ویك فیلپای‌آجری دارد و ایوان شمالی دارای چهارستون ویك فیلپاست . ابعاد زمینی کـه قسمتهای مختلف بنابـرآن است ۱۳٫۳۰ متر است . مصالـح اصلی بقعه آجر ، جدارهـای داخلی بنا ، سفیدکاری ودیوارهـای بقعه را تازه رنگ کرده بودند.

مراسم علم‌بندی این‌بقعه اول ماه محرم‌الحرام وعلم‌واچینی‌آن بیست وهشتم صفـر است و اگر دراین روز مـراسم علم واچینی برپـا نشد ، سرخرمن علم را وا می‌چینند.

مقابل‌ایوان‌شرقی، تختی‌برای تعزیه‌خوانی ساخته ومسقف‌کرده‌اند. لبه‌های تخت، ده ستون‌چوبین لاچ‌لنگری‌است. دوراین‌تخت، هشت فیلپا نظیرفیلپاهای‌بقعه است وهیجده ستون چوبین درفواصل‌آنهاست . سقف این تخت واشان‌کشی وبام‌آن سفال‌سر است . گورستان نسبةً وسیعی اطراف بقعه است .

بقعهٔ آقا سید عبدالرضا بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام در گاچرای چهار ده لاهیجان [۱]

بنای اصلی بقعه تقریباً چهارگوشه وابعاد آن ۵۵۲ × ۵۵۶ سانتیمتراست. چهار طرف آن ایوان است. عرض ایوانها ۲۲۰ سانتیمتراست. بقعه دارای سه در اصلی غربی وشمالی وجنوبی است که دراین ایوانها باز می‌شوند. ایوانها هریك دارای نه ستون چوبین‌چهارسوی ساده بدون سرستون می‌باشند. سقف ایوانها، و سقف بقعه واشان‌کشی و لمبه‌کوبی است. لبه‌های ایوانها تکائل چوبی‌است. دو در ایوان شمالی وجنوبی تخته‌ای ساده ودر ایوان غربی مشبك است.

ضریح بقعه مشبك وچوبین است که درازای آن ۲۲۰ وپهنایش ۱۱۸ و بلندیش تاقاعدهٔ مثلث طاق،۱۴۵سانتیمتراست. طاق ضریح مشبك شیروانی شکل‌و ازدو طرف شیب دارد. اطراف بقعه محوطه‌ای باز و گشاده‌است. مصالح اصلی بنا آجر است.

بقعهٔ آقا سید ابراهیم در دهکدهٔ نوبیجار لاهیجان

بنای اصلی بقعه ازآجروازخارج به‌ابعاد ۳۹۵×۳۲۰ سانتیمتراست. چهار طرف‌بنا، چهارایوان‌ودرچهارگوشهٔ ایوانهاچهارجرزآجری‌است‌که میان‌هردوجرز، چهارستون چهارسوی قرار دارد. پاره‌ای ازستونها گرد است وتراش ندارد. عرض ایوان جنوبی ۲۱۰ و عرض ایوان غربی ۱۱۵ وعرض ایوانهای شمالی و شرقی ۱۳۵ سانتیمتراست. دراصلی ورودی بقعه شرقی است. لبهٔ بام دوپشته و بام سراسر بنا، سفال‌سر است. اخیراً سقف بقعه وایوانهارا لمبه‌کوبی کرده بودند.

مراسم علم‌بندی این بقعه روز سوم محرم و علم‌واچینی بیستم صفر یاچهلم امام، برپا می‌شود. درمحوطهٔ اطراف بقعه درختان کهنسال خوج وآزاد زیاد بود.

---

۱ ـ رابینو درکتاب گیلان خود ص ۳۳۴، ازاین بقعه نام‌برده واز بقعهٔ دیگری به‌نام سید رضا نیز یاد می‌کندکه نگارنده آن را نیافت.

بقعهٔ آقا سید علی بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام
دردهکدهٔ موتار محلهٔ (= متعلق محله) نوبیجار لاهیجان

بنای اصلی بقعه آجری وازخارج به‌ابعاد ٥٦٤ × ٦٨٠ سانتیمتراست ، در سه‌جهت‌شمال‌وغرب وجنوب ، ایوان دارد. عرض‌هریك‌ازایوانها۲۸۰سانتیمتر‌است. ایوان‌شمالی‌وغربی‌هریك هفت ستون چهارسو باسرستون وایوان جنوبی شش‌ستون چهارسو باسرستون دارد . در اصلی بقعه جنوبی است .

ضریحی مشبك چوبین درمیان بنای اصلی است‌که درازای‌آن ۲۳۰ وپهنایش ۱۵۵ وبلندیش ۱۷۲ سانتیمتر است .

بردیوار خارجی بقعه نقاشیهـای مذهبی ، کار استاد آقاجـان ولـد استاد غلامحسین‌نقاش لاهیجانی است‌که مورخ به‌سال ۱۳۵۳ هجری قمری است. بربالای دومجلس ازاین نقاشیها ، این عبارت دیده می‌شود :

« باعث وبانی این دومجلس مشهدی صفرعلی کدخدا ولد علی اکبر و کربلائی جعفر ولد اصغر متعلق محلهٔ . »

سقف بقعه واشان‌کشی ولمبه‌کوبی بادرزپوش‌است. سقف ایوانها واشان‌کشی‌و لمبه‌کوبی است .

درهای ورودی بقعه شمالی وجنوبی است .

برلنگهٔ سمت راست در شمالی این‌عبارات حاك شده است :

« خدای تعالی رحمت کند باعث وبانی را سنه ۱۲۲٤ . »

برلنـگهٔ سمت چپ همین در، چنین حك شده است:

« عمل میرزا حسن نجار ابـن مرحـوم میرزا محمد علی ساکن کوشال غفرالله لك ولوالدیك . »[1]

لبه‌های بنا دوپشته وسراسر بام‌بنا، سفال‌سر است. علم‌بندی این‌بقعه روزاول محرم وعلم‌واچینی بیست وهشتم صفر است .

۱ــ ظاهراً : له ولوالدیه .

مسجدی ازطرف شرق متصل به‌بقعه است . درورودی ایـن مسجد از ایوان شمالی‌است. وسط این‌مسجد دوفیلپاست وطرفین فیلپاها سه ستون چوبین‌است. سقف مسجد واشان‌کشی و لمبه‌کوبی است . در محوطهٔ بـاز اطراف بقعه ، درختان آزاد کهنسال است .

بقعهٔ آقا سید حسن بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ لاکمه‌سر لاهیجان

بنای اصلی بقعه به‌ابعاد ۵۶۵ X ۶۳۰ سانتیمتر است . درسه جهت شرقی و جنوبی و شمالی ، ایوان است . عرض ایوانهـای شرقی وجنوبی چهار متر و عرض ایـوان شمالـی ۳۱۰ سانتیمتر است . ایوان شرقی دارای سه جرز با هشت ستون چوبین سادهٔ چهـارسو با سرستون و ایـوان جنوبـی دارای دو جـرزوشش ستون چهارسوی ساده است‌که سه‌تای‌آنها سرستون دارد . ایوان شمالی دارای دوجرز و دوستون چوبین چهارسو باسرستون است .[۱]

بقعه سه در ورودی به‌سه ایوان دارد ودر غربی به‌مسجدی که متصل به‌بنای بقعه است باز می‌شود . سقف بقعه وایوانها لمبه‌کوبی با درزپوش است وبام سراسر بنا، سفال‌سر است. علمی قدیمی دراین‌بقعه بودکه برحاشیهٔ آن «صلوات‌کبیر» ودر وسط آن « الله محمد علی » مشبک‌کاری شده بود . دو طرف علـم دوازدهای خوش تراش بود.

مراسم علم بندی این بقعه روز سوم محرم ومراسم علم واچینی روز بیست و هشتم صفر برپا می‌شود .

بقعهٔ آقا سید مقصود بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در رعیت محلهٔ (=سادات محله) گاویهٔ لاهیجان

بنای اصلی بقعه چهـار ضلعی وچهـار طرف آن ایوان است . سقف بقعه و

۱ــ جرزهای کنج ایوانها از دو طرف به حساب آمده است .

ایوانهـا واشان‌کشی و پل‌کوبی ، لبهٔ بام سه پشته وسراسر بام‌بنا ، سفال‌سر است . ایوانها دارای ستونهای چوبین با-رستون است.

بقعهٔ آقا سید امیرکیا بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ شیرجوپشت [1] رودبنهٔ لاهیجان

بنای اصلی بقعه ازآجر وملاط آن فرش وآهك وبه‌ابعـاد ٦٥٠ X ٦٥٠ سانتیمتر است . صندوقی چوبین در وسط بناست کـه ضریحی مشبك چوبین پر کار به‌درازای ۲۹۱ وپهـنای ۱۸۰ وبلندی ۱٥٤ سانتیمتر آن را احاطه کـرده است . سقف این ضریح مشبك وبه‌شکل شیروانی‌است. بقعه دارای سه در اصلی شرقـی و شمالی وجنوبی‌است . درهای شمالی وشرقی ساده وجنوبی‌کنده‌کاری دارد . (عکس شمارهٔ ۱٥٦)

بر دولنگهٔ سمت راست و چپ ، ایـن‌بیت برتنکه‌های بالا، باخط نسخ حك شده است .

« هیچ نگشاید زدرهـای دگر آن در زتست

ربنـا افتح بیننا ذا انت خیـر الفاتحین »

(عکـسهای شمارهٔ ۱٥۷ و ۱٥۸)

چهارطرف بقعه ایوان دارد. عرض ایوان جنوبی ۲٤٤ وایوان شمالی ۲٥۰و ایوان غربی ۲٤۲ وایوان شرقی ۳۰۰ سانتیمتر است . چهـار فیلپا جلو هرایوان است. پائین فیلپاهـا مربعی به‌ابعاد ۸۰ X ۸۰ سانتیمتر است ، قسمت وسط آنهـا مدور وقسمت بالای‌آنهـا نیز چهارگوشه است . (عکس شمارهٔ ۱٥۹) نقاشیهـای مذهبی بردیوار خارجی بقعه است و بالای آنهـا آیاتـی از کلام‌الله مجید نوشته شده است .

سقف ایوانها پل‌کوبی ، لبهٔ بام دوپشته وبام سراسر بنا، سفال‌سر است .

۱ــ شیرجوپشت : ده از دهستان رودبنه ، بخش مرکزی لاهیجان.(فرهنگ جغرافیائی ایران) این‌دهکده کنار بستر قدیمی سفیدرود است .

مسجدی نزدیك به‌ضلع جنوبی بقعه است .

سنگ مرمر تیره رنگ قدیمی در ایوان شمالی بود که این عبارات بر آن حك بود :

« وفات مرحوم مشهدی خواجه محمد ولد حاجی علی‌اکبر فی‌تاریخ دهم شهر ذی‌الحجة الحرام ۱۲۴۶ .

پیدا چه گهر زقطرهٔ آب شدیم　　از دست اجل چه دُرّ نایاب شدیم

بودیم بخواب در شبستان عدم　　بیدار شدیم وباز درخواب شدیم

نشانه‌ها : مهر ، تسبیح ، دوانگشتر، سجاده و زیر آنها گلدانی باگل وبوته . »

بقعهٔ سید جلال‌الدین اشرف کوچك‌ابن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ بالارودپشت رودبنهٔ لاهیجان [۱]

بنای اصلی بقعه چهارضلعی وضریحی‌چوبین مشبك میان‌آن‌است. چهارطرف آن ایوان دارد . ایوانها دارای ستونهای چوبین چهارسو و دو ستون لاچلنگری مارپیچ وهفت وهشت است. ستونهای سه ایوان دارای سرستون است . درچهار کنج ایوانها چهار جرز آجری است . ایوان شرقی شش ستون بدون سرستون ، ایوان شمالی هفت ستون باپنج سرستون که یکی ازستونهای آن لاچلنگری‌است . ایوان غربی شش ستون با چهارسرستون که یکی‌ازستونهای آن لاچلنگری‌است. ایوان جنوبی شش ستون دارد که چهارتای آن دارای سرستون است . سقف بقعه لمبه‌کوبی وسقف ایوانها واشان‌کشی وپل‌کوبی است. لبهٔ بام دوپشته وسراسر بام‌بنا، سفال‌سر است .

بقعه آقا سید موسی پسر موسی‌بن جعفر علیه‌السلام[۱] دردهکدهٔ بارگوسرای لاهیجان

ابعاد بنای اصلی بقعه ۶۲۰ × ۶۶۵سانتیمتراست . ضریحی مشبك چوبین

۱ ــ این دهکده کنار بستر قدیمی سفیدرود قرار دارد .

ظریف به‌درازای ۱۹۳ و پهنای ۱٤۳ و بلندی ۱٤۸ سانتیمتر در وسط بناست. طاق این ضریح مشبك و شیروانی شکل است. چهارطرف بنای بقعه ایوان است و چهار کنج ایوانها، چهار جرز است. هر ایوان، هفت ستون چهارسو باسرستون دارد. سه در ورودی، در سه جهت شرقی و شمالی و جنوبی به ایوانها باز می‌شود. لبهٔ ایوانها دارای تکائل تخته‌ای ساده است. سقف بنای بقعه واشان‌کشی و پل‌کوبی است و واشانها بر شیرسر متکی‌است. سقف ایوانها، واشان‌کشی و پل‌کوبی بادرزپوش است. در ایوانها نیز واشانها بر شیرسر اتکا دارند. لبهٔ بام چهارپشته و سراسر بام سفال‌سر است. برجدار داخلی و خارجی دیوارهای بقعه، نقاشیهای مذهبی است. بالای سر در ورودی جنوبی بقعه، این عبارات نوشته شده است:

«تعمیرات این بقعهٔ متبرکه از بنیاد تا این مکان باعث و بانی آقا مشهدی علی‌اکبر کدخدا ولد مرحمت پناه آقا مشهدی جبار بامشهدی صفرعلی ولد مرحوم مشهدی نظر محمد ساکنان بارگوسرا عمل استاد آقاجان ولد مرحمت پناه استاد غلامحسین نقاش ساکن لاهیجان بتاریخ شهر محرم الحرام هذالسنه ۱۳۳۰.»

علم‌بندی این بقعه روز سوم محرم و مراسم علم واچینی عصر روز دهم محرم برپا می‌شود. اطراف بقعه محوطه‌ای وسیع و باز بود.

بقعهٔ آقا سید حسن
در دهکدهٔ سغل‌بنه ۱ لاهیجان

بنای اصلی بقعه آجری و به‌درازای ٤۸۷ و پهنای ۳۸۰ سانتیمتر است. ضریحی چوبین مشبك وسط بناست. چهار طرف بقعه ایوان دارد. در هر ایوان شش ستون چهارسو باسرستون است. لبهٔ ایوان تکائل چوبی ساده دارد. سقف بقعه و ایوانها واشان‌کشی و پل‌کوبی است. واشانها متکی بر شیرسر هستند. لبهٔ بام سه‌پشته و بام سفال‌سر است. برجدار داخلی و خارجی دیوارهای بقعه نقاشیهای

۱ــ بفتح سین وغین‌وباء.

مذهبی‌است ودرحاشیهٔ بالا ، اشعاری ازهفت‌بند محتشم کاشانی نوشته شده است .

بقعهٔ فوشا (= بقعهٔ سید ابوجعفر) بن امام رضا علیه‌السلام درسادات محلهٔ بارگوسرای لاهیجان

بنای اصلی بقعه ۴۷۰ × ۵۱۶ سانتیمتر است . صندوقی سادهٔ چوبین وسط بناست . دو پنجرهٔ مشبك چوبین دربناست . چهارطرف بقعه ایوان دارد. دوکنج ایوان شرقی، دوجرزآجری است ومیان آنها پنج ستون چهارسو باسرستون است . ایوانهای شمالی وجنوبی هریك شش‌ستون وایوان غربی‌پنج‌ستون‌چهارسوی‌چوبین دارد . بقعه دارای دو در ورودی است ، در جنوبی چوبین وساده است ودر شرقی ظریف ودارای کنده‌کاریهای زیر است .

کنده‌کاریهای لنگهٔ سمت راست :

برباثوی سمت چپ :

« الله لااله الا هوالحی القیوم ـ تا ـ یشفع عنده الاباذنه یعلم . »[۱]

برپاسار پایین همین لنگه :

« مابین ایدیهم وماخلفهم . »[۲]

برباثوی سمت راست همین لنگه :

« ولایحیطون بشیء من علمه الا بماشاء ـ تا ـ ولا یؤده حفظهما و هوالعلی العظیم . »[۳]

برپاسار بالای‌همین‌لنگه:

« لااکراه فی‌الدین . »[۴]

برتنکهٔ بالای همین‌لنگه:

« الله محمد علی فاطمه حسن حسین یاقاضی الحاجات . »

برپاسار دوم بالای همین لنگه :

۱ـ سورة البقره ۲، قسمتی‌ازآیهٔ :۲۶۱. ۲ـ سورة البقره۲، قسمتی‌ازآیهٔ:۲۶۱.
۳ ـ سورة البقره ۲ ، دنبالهٔ آیهٔ : ۲۶۱. ۴ـ سورة البقره ۲، قسمتی‌ازآیهٔ : ۲۶۲.

« کتبه کمترین بخش‌علی طالقانی المسکن سوهانی [1] فی‌سنة ۱۲۶۵ .»
بر پاسار دوم پایین همین‌لنگه :

« این راکند اوستاد امیر بن استاد .... المسکنی ۱۲۶۵ . »

کنده‌کاریهای لنگهٔ سمت چپ :

بر باهوی سمت چپ :

« من الغی فمن یکفر بالطاغوت ـ تا ـ لاانفصام لها والله سمیع علیم . » [2]

بر پاسار پایین همین‌لنگه :

مقداری از حروف تراشیده شده بود و کلمات آن خوانده نمی‌شد .

بر باهوی سمت راست همین لنگه :

« من الظلمات الی النور والذین کفروا ـ تا ـ فیها خالدون. » [3]

بر پاسار بالای همین لنگه :

مقداری از حروف آن تراشیده شده بود و کلمات آن خوانده نمی‌شد .

بر تنکهٔ بالای همین‌لنگه :

« یاعلی مددی ازتو شفاعت میخواهم درروز قیامت . »

بر پاسار دوم بالای همین‌لنگه :

« باعث وبانی این آستانهٔ متبرکه مشهدی علی‌عسکر ناز لوئیه . »

بر پاسار دوم پایین همین‌لنگه :

یادافع البلیات یارفیع الدرجات مددی سنه ۱۲۶۵ . »

سقف بقعه وایوانها واشان‌کشی وپل‌کوبی بادرزپوش است . واشانها برشیر‌سر متکی‌است . لبهٔ بام سه‌پشته وسراسر بام‌بنا، سفال‌سر است.

---

۱ ـ سوهان ازدهکده‌های طالقان است . ۲ ـ سورة البقره ۲، قسمتی از آیهٔ : ۲۶۲ . ۳ ـ سورة البقره ۲ ، قسمتی‌ازآیهٔ : ۲۶۳.

بقعهٔ آقا سید محمدبن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ شه‌شال ۱ رودبنهٔ لاهیجان

بنای اصلی بقعه چهارضلعی و آجری است. چهارطرف ایوان دارد. ایوانها دارای ستونهای چهارسوی چوبین است. بنای اصلی دارای یك در ورودی است. سقف بقعه و ایوانها واشان‌کشی و پل‌کوبی است وسراسربام سفال‌سر است.

درمحل معروف بود که دهکدهٔ شه شال معمور و آبادان بوده است. پس از کشته شدن سید محمد به‌دست اهالی و به‌خاك سپردن دراین دهکده، این آبادی بزرگ رو به‌ویرانی‌نهاد.

بقعهٔ آقا سید محمد در دهکدهٔ فشوپشتهٔ لاهیجان

بنای اصلی بقعه به‌ابعاد ۴۸۰ × ۵۴۰ سانتیمتر است که از آجر بنا شده است. ضریحی مشبك چوبین به‌درازای ۲۲۰ وپهنای ۱۳۲ و بلندی ۱۴۶ سانتیمتر که طاق آن صاف است، دروسط بناست. چهار طرف بقعه ایوان دارد. چهارکنج ایوانها، چهارجرزآجری است وفواصل‌آنها پنج ستون چهارسوی ساده باسرستون است. لبهٔ ایوانها تکائل تخته‌ای است. بقعه دارای دو در شرقی و جنوبی است.

برتنکه‌های‌بالای لنگه‌های راست وچپ درشرقی‌این‌بیت حك شده‌است:

«هیچ نگشاید زدرهای دگر آن درزنست

ربنا افتح بیننا ذا انت خیر الفاتحین»

(عکس شمارهٔ ۱۶۰)

برجدارهای داخلی وخارجی دیوارهای بقعه، نقاشیهای مذهبی است. برحواشی نقاشیهای داخل، ابیاتی از هفت‌بند محتشم کاشانی است. نقاشیها مورخ ۱۳۲۵ قمری است ونام نقاش درآنها پیدا نشد.

---

۱ ــ بکسرشین اول.

سقف بقعه وایوانها واشان‌کشی وپل‌کوبی و واشانها متکی برشیرسراست. لبهٔ بام چهارپشته و بام سراسر بنا، سفال‌سر است.

بقعهٔ آقا سید رضا کیا بن امام علی النقی علیه‌السلام در دهکدهٔ ناصر کیاده رودبنهٔ لاهیجان

بنای اصلی بقعه از خارج ۱۳٫۰۸ X ۱۱٫۲۵ متر است. ضریحی مشبك چوبین به‌درازای ۲۶۸ وپهنای ۱۸۶ وبلندی ۱۴۶ سانتیمتر دروسط بناست. طاق آن مشبك وشیروانی شکل است. درازای داخلی بقعه ۱۰٫۵ X ۸ متر است. هرضلع بقعه دارای دوپنجره است ومحرابی داخل بقعه دیده می‌شود. بقعه دارای دو در ورودی شرقی و غربی است.

بر در گنجه‌ای که داخل بقعه بود، تکه‌های کنده‌کاری وکتیبهٔ دری را نصب کرده بودند. این کتیبه باخط خوش ثلث ومطالب آن ازاین قراراست:

برلنگهٔ سمت راست:

« دیده روشن از سجود خاك این درشد مرا

شکرها گویم که این دولت میسر شد مرا »

(عکس شمارهٔ ۱۶۱)

برلنگهٔ سمت چپ: ۷۷۹

« بردرت جاکنند اهل نجات رفع الله قدرهم درجات »

(عکس شمارهٔ ۱۶۲)

داخل بقعه، دوفیلپای هشت ضلعی است‌که اضلاع آن دوبه‌دو برابر است. درفواصل فیلپاها سه‌ستون چوبین چهارسوی پخ‌زده‌است که حمالهای سقف برآنها استوار است وواشانها برحمالها متکی است. سقف بقعه واشان‌کشی وپل‌کوبی بادرزپوش است.

در داخل بقعه بردیوار شرقی این‌عبارات خوانده می‌شد:

« عمل محمد حسین بنّا لنگرودی ۱۳۳۶. »

ایوان بقعه شرقی است ودو جرز آجری مربـع درد و کنج آن است . طاق ایوان واشان‌کشی وپل‌کوبی بادرزپوش است . واشانهای لبهٔ ایوان برسرنال چهار-سوئی متکی است . لبهٔ بـام بنا سه‌پشته ، وسراسر بـام سفال‌سر است . جلو ایوان حفاظی ازتخته است که دری ورودی دارد .

بر کنج شمالی این ایوان این‌عبارات دیده می‌شود :

« تاریخ تعمیر اول شوال روز پنجشنبه ۱۳۳۶ شمسی عمل استاد محمد حسین بنّا لنگرودی . »

درمحوطهٔ بازاطراف بقعه، یك درخت آزادکهنسال به‌محیط ٤٧٠ سانتیمتر است . درخت انجیری درارتفاع سه متری ازمیان‌آن روئیده ودونوع شاخ وبرگ ازیك تنهٔ درخت دیده می‌شود .

بقعهٔ آقا سید علی‌بن سید خرم‌کیا در دهکدهٔ بالاچاف[۱] رودبنهٔ لاهیجان

بنای اصلی بقعه چهار ضلعی است . سه طرف شمالی و شرقی وجنوبی ایوان دارد. بنای اصلی دارای دو در ورودی است. ضریحی‌چوبین مشبك در وسط بناست. سقف بقعه واشان‌کشی ولمبه‌کـوبی بادرزپوش است . ایوانهـا دارای ستون چوبین چهارسوی ساده است . سقف ایوانهـا واشان‌کشی ولمبه‌کوبی بادرزپوش است . بام سراسربنا، سفال‌سر است . درمحوطهٔ باز اطراف بنا یك درخت آزادکهنسال دیده می‌شود .

بقعهٔ آقا سید یحیی ازنوادگان امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در پائین‌چاف رودبنهٔ لاهیجان

بنای اصلی بقعه چهارضلعی است وچهـار در ورودی درچهـار طرف است . ضریحی مشبك چوبین دروسط بناست . چهـار طرف بقعه ایوان دارد . چهـار کنج

۱ـ چاف : ده ازدهستان رودبنهٔ شهرستان لاهیجان . (فرهنگ جغرافیائی ایران)

ایوانها چهار جرز آجری است . هر ایوان ده ستون چوبین چهارسو دارد که بر دو طرف ستونها ناوهائی در امتداد بلندی ستونها، جهت درهای ارسی، درآورده‌اند . سقف بنا وایوانها واشان‌کشی ولمبه‌کوبی بادرزپوش است . بام سراسر بنا، سفال‌سر است .

راه شاه‌عباس از لاهیجان به‌رشت و دیلمان

راه‌ازلاهیجان به‌پردسر(=خشت‌پل)وازپردسروارد باغ شیخ‌مرتضی‌می‌شود که دردهنهٔ کیاجوب است ، جاده دوباره بەرودخانهٔ لاهیجان می‌رسد . ازرودخانه کنارنهر کیاجوب درمسیر راه قدیمی لاهیجان بەشکاکم پیش می‌رود . درشکاکم ازروی خشت‌پل موجود می‌گذرد ، سپس به‌گلرودبار وازآنجا بەسیاهکل می‌رسد . درسیاهکل راه شاه عباسی دوقسمت می‌شود یك‌شعبهٔ آن به‌دیلمان می‌رود وازتی‌تی کاروانسرا وکاروانسرای سرداب که هردو شاه‌عباسی‌است، می‌گذرد و به‌دیلمان می‌رسد. شعبهٔ دیگر ازسیاهکل به‌پاشاکی (= پاس‌کیاده) وازآنجا به‌رشت می‌رود.

باقی بناهاوآثارتاریخی بلوك چهار ده و رود بنهٔ لاهیجان

۱ ــ چاه بالای کوه‌آهندان که به‌تونلی ختم می‌شود .
۲ ــ درلیالستان آثاری اززمان شاه‌عباس برپوزهٔ کوه دیده می‌شود.
۳ ــ در زربوته که ازراه فودره می‌رود، سنگهای‌تراشیده دیده می‌شود.
۴ ــ بقعهٔ نوبیجار دست چپ جادهٔ لاهیجان بەلنگرود .
۵ ــ بقعهٔ حاجی سلیم محله (= هسلیم‌محله) نزدیك به‌لنگرود.
۶ ــ بقعهٔ لیالمان .
۷ ــ بقعهٔ داخل دردهکدهٔ داخل شمال لاهیجان.
۸ ــ بقعهٔ پائین محلهٔ درگاه در شمال لاهیجان.
۹ ــ پلی نزدیك دهکدهٔ پینچا .

۱۰ ـ بقعهٔ آقا سید مرتضی دردهکدهٔ جوپیش لفمجان .

۱۱ ـ بقعهٔ آقا سید ابوالقاسم درمیان محلهٔ رودبنه .

۱۲ ـ بقعهٔ متعلق محلهٔ ارباستان .

۱۳ ـ بقعهٔ آقا شیخ مراد دردهکدهٔ پایین محلهٔ پاپکیاده .

۱٤ ـ بقعهٔ بالا محلهٔ پاپکیاده .

۱۵ ـ بقعهٔ خالکیاسر .

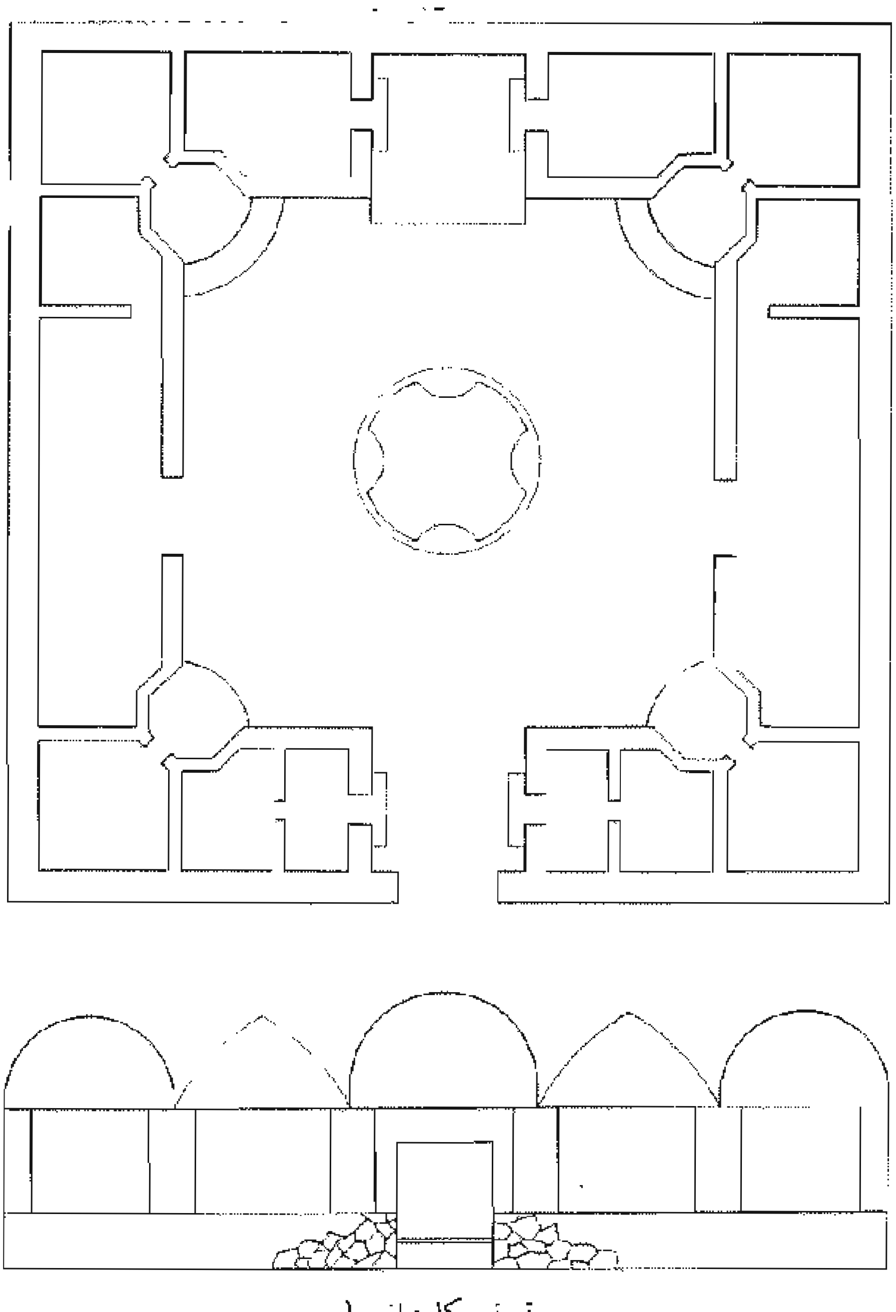

تی‌تی کاروانسرا

بخش نوزدهم

۱ - جغرافیای تاریخی رانکوه

بخش رانکوه آخرین بخش شرقی گیلان است. ازشمال به‌دریای خزر، از شرق به‌تنکابن مازندران، ازجنوب به‌رودبار الموت ورودبارحسینقلی‌خانی یارودبار محمد زمان خانی وازغرب به‌دیلمان ولاهیجان محدود می‌شود. حداصلی رانکوه درمشرق دریاسر بوده‌است، اما درحدود صد سال است که لنگرود ودهکده‌های اطراف آن، ازلاهیجان جدا شده وبه‌رانکوه ملحق شده است. ازآن وقت تاامروز این بخش به‌نام رانکوه ولنگرود خوانده می‌شود. پهنای آن ازکناره‌های لنگرود تارود سورخانی[1] که مازندران‌را ازگیلان جدا می‌کند، چهل وچهارکیلومترودرازای آن ازمصب پلورود تا گردنهٔ گون‌کل[2]، پنجاه وسه کیلومتر است. زمین هموار و دشت آن، ازپای ارتفاعات تاکنارهٔ دریای خزر، در امتداد املش، نوزده تابیست کیلومتر ودرنزدیکی‌سامان مازندران به‌سه کیلومترمی‌رسد واراضی کوهستانی آن شامل اشکور وسمام وشاهجان‌است.

گذشتهٔ رانکوه زیاد برما روشن نیست. پاره‌ای ازنویسندگان که رابینو نیز ازآنهاست رانکوه را همان جبال «روینج» جغرافی‌نویسان قدیم دانسته‌اند که در شمال ری بوده است.

۱ــ بضم سین، به‌معنی سرخ‌چشمه است.　　۲ــ بفتح گاف وواو وکسرنون وضم کاف.

ابن اسفندیار می‌نویسدکه رانکوه قسمتی ازطبرستان بودکه ازغرب تاملاط می‌رسید. واشکوررا مثل اینکه جزءِ کوهستان دیلمان به‌حساب آورده است.[۱]

کوتم[۲] وهوسم- سابقاً مرکزمهم واصلی رانکوه شهرکوچك کوتم بوده‌است. همین نام است‌که جغرافی‌نویسان هوسم ضبط کرده‌اند. مقدسی درسال ۳۷۵ هـ. ق. دربارهٔ این شهر می‌نویسد: بازارش معمور است و مسجد جامع آن نزدیك خانهٔ سلطان است. رودخانه‌ای‌ازمیان شهرمی‌گذرد وجسری بر آن تعبیه کرده‌اند. دراین وقت داعی برآنجا حکومت داشت.[۳] ایـن شخص همان داعی محمد [بن] حسن-الاطروش است که درنیمهٔ دوم قرن سوم، سلطان مستقل این صفحات بود. ابوالفدا در۷۲۱ هـ. ق. باغهای این شهررا ستوده‌است.[۴] حمدالله مستوفی درسال ۷۴۰ هـ. ق. می‌نویسد «کوتم ازاقلیم چهارم است ودرکنار دریا افتاده‌است وبندرگاه کشتی‌که از گورگان وطبرستان وشیروان [آید] ازآنجا بیرون می‌آید وحاصل عظیم دارد.»[۵]

اسپهبد حسام‌الدوله شهریار (۵۰۲ - ٤٦٦ هـ. ق.) پادشاه مازندران پس از آنکه به‌خاطر پسرش - نجم‌الدوله قارن (۵۱۰ - ۵۰۲ هـ. ق.) ازسلطنت کناره‌کرد درهوسم انزوا اختیار کرد وساکنان ازجیل و دیلم به‌دور اوگرد آمدند.[۶] پس از این، شهر هوسم رو به‌خرابی رفتـه است. زیرا میرظهیرالدین می‌نویسد کـه سید رضی‌کیا (۸۲۹- ۷۸۹هـ ق.) سلطان‌لاهیجان، این‌شهررا ازنوبساخت و دو نهر برای آوردن آب به‌شهر ودهکده‌های کنار ساحل ازرودخانهٔ پلورود[۷] جدا کرد. یکی‌از این‌نهرها ازحاشیهٔ تپه‌ها می‌گذشت وداخل سدی‌که دردره‌ای بسته بودند می‌ریخت. دیگری به‌کاورود می‌ریخت وتا ولیسه امتداد می‌یافت. سید رضی‌کیا، هوسم راکه بعدها رودسر نامیده شد تعمیرکرد زیرا «ازآن ایام‌که هوسم ویران گشته بودکسی چنانکه شرط است، به‌عمارت آن قیام ننمود واکثر اهالی آن ملك را خط ترخانی

۱- تاریخ‌طبرستان، ص۵۶و۷۴. ۲- بضم‌تاء. ۳- احسن‌التقاسیم، ص۳۶۰.
۴- تقویم‌البلدان، ص۴۲۸ و۴۲۹. ۵- نزهة‌القلوب، ص۱۶۳. ۶- گیلان‌درابینو، ص ۳۳۵ و۳۳۶. ۷ - بضم پ و لام.

دادند و از تکالیف دیوانی محفوظ و مصون گردانیده، بجز آنك خرج دستوری مقرری می‌دادند و باهیچ کس غیری را کاری نبود... بعد از آن موضعی را قریب به کنار گوارود انتخاب کرده، مسجدجامع احداث فرمودند و به در مسجد، میدان بزرگ بساختند و به طرف شرقی آن میدان بازار و دکان بنیاد کردند و به در مسجد حمام بنیاد کرده، تمام ساختند و بعد از آن طرف جنوبی آن میدان حرمسرای را احداث نموده، قصر مرغوبی در آنجا انجام کردند و طویلهٔ اسبان و موضع و مسکن متردّدان و صفهٔ اهل دیوان را به سعی تمام به اتمام رسانیدند و رودخانه‌ای که از آب فلام‌رود (=پلورود) به نیم فرسخی شهر جاری بود، بفرمود به چندقدم بالاتر آن رودخانه چنان جوی کنند که آب آن به پهلوی آن حرمسرا به طرف جنوبی جاری شد و آن نهر را شیرارود (=شیررود) می‌گویند و اکنون (درزمان میرظهیرالدین) نیز همچنان جاری است و به رودخانهٔ گوارود منضم گشته به دریا می‌رسد. و از آن جوی دو نوع فایده تصور کرده بودند: یکی آنك مردم شهر رودسر را از آن آب منفعتی باشد. دوم آنك چون به آب گوارود ملحق گردد جهت کشتی‌بانان، کشتیهای بزرگ را آسان‌تر باشد که عبور به دریا نمایند و اسطلخی عظیم در پایان قریهٔ کله‌دره بنیاد کرده، به اندك مدت تمام فرمودند.»[1]

فریزر درهجدهم ماه مه ۱۸۲۲ (۱۲۳۸ هـ.ق.) از رودسر گذشته است و دربارهٔ این شهر می‌نویسد «از نورود (= کیارود) که از وسط آبادی می‌گذرد گذشتیم. فراز و نشیب پل این رودخانه بقدری زیاد بود که یکی از اسبهای ما هنگام بالارفتن برزمین افتاد. پس ازطی سه میل به دهکدهٔ زموجان رسیدیم در این دهکده رودی آرام بودکه پلی با طاقی جناقی بسیار تیز داشت.»[2]

خچکو جمعیت رودسر را درسال ۱۲۵۵ هـ. ق. (=۱۸۳۹ میلادی) چهارصد خانواده نوشته است و این عدد صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا مکنزی که بیست سال پس از این تاریخ شهر را دیده است می‌نویسد که رودسر صدو ده دکان، دومسجد، پنج امامزاده، چهار تکیه وصدوبیست درخانه وچهارصد تن سکنه دارد.

۱ـ گیلان میرظهیرالدین، ص۱۴۳ و ۱۴۴. ۲ـ سفرنامهٔ فریزر، ص ۱۱۷.

«ابت» درسال ۱۲۵۹ هـ.ق. درسفرنامهٔ خود ازرودسر چنین یاد کرده‌است «در هشت میلی لنگرود به‌دهکدهٔ رودسر رسیدیم. رودخانهٔ کیارود میان این دهکده است ویلی یك دهانه باشیبهای تند دارد. این دهکده ملك شخصی حاکم لاهیجان است. جمعیت آن به‌صد خانوار می‌رسد. بازار کوچکی دارد ودریك میل و نیمی ساحل دریاست. از رودسر که بیرون آمدیم، درفاصلهٔ کمی سنگهای قبور قدیمی بانوشته‌های عربی بود. داخل این سنگها خالی بود. شاید برای آسانی حمل ونقل به‌این‌کار پرداخته‌اند.[۱]

مکنزی درسال ۱۲۷۵ هـ. ق. دربارهٔ رودسر چنین نوشته است «نزدیك رودسر راه بهترشد واز روی پل آجری بسیاربلندی گذشتیم. این‌پل دودهانه دارد ولی‌ابت یك دهانه یاد می‌کند. روز بازار رودسر روز یکشنبه است. رودسردارای دومسجد، دوحمام، چهار تکیه وپنج امامزاده است. نزدیك خانهٔ ما مقبره‌ای خرابه ازقدیم الایام باقی مانده بودکه بسیار زیبا بود. درفضای اطراف آن سی وسه اصله درخت آزاد است. ازرودسر به سیاهکله‌رود رفتیم. دو میل و نیمی خارج رودسر قبرستانی است‌که ملاامیره نامیده می‌شود. سنگهائی‌صندوقی شکل دراین‌قبرستان است که نوشته‌های عربی داشت ومن نتوانستم آنها را بخوانم. بازار رودسر یك میل ازدریا فاصله دارد. رودسر جزء رانکوه است ولی ملکیت آن متعلق به‌حاکم لاهیجان بود.»[۲]

ملگونوف درذیل فصلی‌که دربارهٔ ولایت‌گیلان نوشته‌است، به‌بلوك ومحالات‌و حاکم نشینهای گیلان می‌پردازد و دربارهٔ تقسیمات شرقی گیلان چنین می‌نویسد:

«ولایت لاهجان، مجاور است با مازندران یا تنکابن و سخت‌سر، درشرقی‌آن رود سفید تمیشه، درغربی سفیدرود و شیمرود و لاله‌رود نیز آنجاست. شهرلاهجان بیست ورستی دریاست.

بلوك لنگرود، درشرقی‌لاهجان است بارودخانه‌های شلمان و رودسر.

۱ــ سفرنامهٔ ابت، ص۲۸. ۲ــ سفرنامهٔ مکنزی، ص۱۳و۱۴

محال رودسر، ازشرقی وشمالی لنگرود است تاشرقی پلورود .

بلوك رانکوه ، درشرقی رودسر است .[۱]

رودسردرسی وهفت درجه وشانزده دقیقه عرض‌شمالی وپنجاه درجه وچهارده دقیقه طول شرقی واقع است . فاصلهٔ آن از لنگرود، سیزده کیلومتر وتاآب گرم سختر (= رامسر) چهـل وسه کیلومتر راه است . شامل دومحله‌بـه‌نام : رودسرو سرپل است. در رودسرمحله پلی قدیمی برروی رودخانهٔ گوارود است ونزدیك‌آن مسجدی وبازاری بزرگ به‌شکل کاروانسرائی‌که چهار در دارد، بنا شده‌است .[۲]

محلهٔ سرپل، برکنارهٔ راست شیررود بنا شده است . درزمان رابینو بازاری داشته‌که ازبازار رودسر چهارصد وپنجاه مترفاصله داشته است. مردم ازپلی چوبین بدان طرف رود می‌روند .

تمیجان

تمیجان پس‌ازهوسم مرکزمهم و اصلی رانکوه شد. تمیجان یاتیمجان درسال ۷۰۶هـ.ق. به‌دست‌امیره محمدبود واو درآنجا حکومت داشت. سربازان اودرمقابل اولجایتو یکی‌دوبار ایستادگی کردند ولی‌درآخر امیره محمد تسلیم‌اولجایتو شد.

درسال ۸۲۰ سیدرضی ــ پسر وجانشین سید علی‌کیا ــ سلطان بیه‌پیش شد . درتمیجان قصری عالی ازآجر وساروج ساخت‌که درسال ۸۹۰ هـ. ق. زمین لرزه‌ای آن‌را خراب کرد. سراهائی برای پذیرائی سفراومهمانان ، طویله‌هائی‌ازسنگ‌و گل وآجر بابامهائی سفالین ساخته بود .

در گوراب‌بـالا مسجدی زیبا ساخت وتیرها وستونهای آن را ازصنوبرهائی (کاجهائی)که درسیجران (= سجیران امروزی) بودند بساخت . بـازاری تـازه پایین‌تر از بازار اولی ساخت وگوراب سفلی نـامید . بـازارنو برساحل ولیسارود

۱ــ نسخهٔ عکسی سفرنامهٔ مازندران ، ص ۹۴ ، فیلم شمارهٔ ۱۶۸۸ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران. ۲ــ گیلان‌رابینو، ص ۳۳۷.

(= ولیسه رود) بود وامر کرد که بازرگانان تمیجان ، مال‌التجارهٔ خود را بدانجا نقل کنند.[۱] بازرگانان ازمکان جدید و ترک مقام قدیم آزرده خاطر بودند نقدینه‌ای دادند و اجازهٔ بازگشت گرفتند .

تمیجان به‌نام رانکوه یا گوراب رانکوه یا شاهان‌گوراب معروف بوده‌است.[۲] این شهر درسالهای ۹۰۸ و ۹۱۰ و ۹۱۴ به‌دست سربازان حسام‌الدین فومنی غارت شد . باسقوط سلسلهٔ سلاطین امیرکیا درسال ۱۰۰۰ ه. ق. ، شهر تمیجان روبه‌خرابی رفت ودیگر مورخان نامی از آن به‌میان نیاوردند .

فریزر فاصلهٔ میان تمیجان و رودسر را پراز درختان جنگلی دیده ومناظر آن‌را ستوده است ومی‌نویسد که شهرواطراف آن را سیلاب رودخانه، بسیارخراب کرده. پلی قدیمی‌که میان آن زیاد برجسته است ، راه عبور ناهمواری برای مسافران است . سپس ذکری ازبازار آن می‌کند .

بازاری راکه او یادکرده است دیگر اثری از آن باقی نیست . تمیجان در چهار یاپنج کیلومتری رودسر وسی‌وپنج کیلومتری لاهیجان است .[۳]

درسال ۱۲۵۵ ه. ق. (=۱۸۳۹ میلادی) ، خچکو صوفیان را مرکز اصلی و مهم رانکوه می‌داند . پس ازآنکه لنگرود به رانکوه ملحق‌شد . مرکزاصلی‌ومهم رانکوه شهرلنگرود شده است .[۴]

۲ـ جغرافیای تاریخی لنگرود

نام لنگرود نخستین بار درسال ۵۱۲ ه. ق. دیده می‌شود . دراین سال ، پس ازمرگ سلطان محمدبن ملکشاه بن‌الب‌ارسلان،[۵] فرامرز بن مرداشاه‌لنگرودی،

۱ــ گیلان رابینو، ص۳۳۹. تاریخ گیلان ودیلمستان، ص۱۴۰ و۱۴۱. ۲ــقصر رانکوه و سرەسران درکنارهٔ غربی‌شاهان‌گوراب و برساحل شرقی ولیسارود بوده است .

۳ــ گیلان رابینو ، ص۳۴۰. ۴ــ گیلان رابینو، ص۳۴۱. ۵ــ دوران حکومت سلطان محمد از ۲۳ جمادی الاولی ۴۹۸ تا ۲۴ ذی‌الحجه۵۱۱ ه. ق. بود.

از زندان بیرون آمد و باعلاءالدوله علی ـ شاه مازندران ـ از اصفهان به طبرستان و ازآنجا به‌لنگرود آمد.

درحدود سال ۷۹۰ هـ. ق. که میان پسران سید علی‌کیا ـ سید حسین‌کیا و سید رضی‌کیا وسید محمدکیا ـ برسرپادشاهی بیه‌پیش نزاع درگرفت، سید حسین کیا ازبرادران خود شکست خورد وبه قولی سه‌سال وبه‌روایتی پنج سال درزندان دو برادر دیگرماند. سپس او را رهانده، املاکی چند به‌او دادند تاسرگرم باشد. سیدظهیرالدین مرعشی دراین‌باره چنین می‌نویسد:

«چون ازحبس کارکیا سیدحسین‌کیا سه‌سال یا پنج سال والعلم عندالله بگذشت و درملك قراری پدیدآمد، او را خلاص دادند وبه‌انواع، نصایح گفتند وپاشیجا را بدومسلم داشتند. چون شش ماه‌کمابیش ازآن بگذشت، سید حسین‌کیا توقع نمود که اورا به‌لاهجان جای بدهند تا به‌عبادت حق‌تعالی مشغول گردم‌که درپاشیجا بودن نمی‌توانم. برموجب ارادت او درلاهجان موطن ومسکن‌که خاطرخواه بود، تعیین کردند ودر شهر وبازار وقراء هرجا نصیبی افراز نموده بدو دادند. ازآن جمله به‌کنار سفیدرود قریب بفرضهٔ لنگرود، قریه‌ای‌که موصوف وموسوم است براه‌پشته بدو بخشیدند. وآن قریه را اراضی غامربیش از عامر بود وسبب‌خراب بودن آن مقام قلت آب بود که جهت مزارع برنجار وفا نمی‌کرد. سیدحسین کیا سعی بسیار نمود وآبگیری وسطلی[1] در آن مقام احداث فرمود. چنانکه تمامی خرابیهای قریه برآن آب آبادان ومعمور گشت. والحاله هذه عمران آن‌مواضع ازآن برکه وآبگیراست.[2]

در دوران حکومت سلجوقیان و خوارزمشاهیان، لنگرود جزء سرزمین بیه‌پیش به‌حساب می‌آمد وبه‌دست سادات کیائی اداره می‌شد.

۱ـ بفتح سین و طاء به‌معنی استخر است. ظاهراً این کلمه را باید با تاء نوشت.

۲ـ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص ۱۱۸. درزمان سیدظهیرالدین مرعشی آبادانی آن مواضع ازآن استخر بود و امروز نیزچنین است.

در زمان صفویان خصوصاً دوران حکومت شاه‌عباس‌اول، به‌نام لنگرود زیاد برمی‌خوریم. از آن جمله درمورد جنگ فرهادخان ــ سردارلشکریان شاه‌عباس ــ باخان احمدخان است. صاحب تاریخ عالم‌آرای عباسی دربارهٔ این جنگ چنین نوشته است:

«خان‌احمد، بعداز رفتن لشکریان، از نقود و جواهر واسباب خزاین و طلاآلات ونقره آلات، آنچه دست مکنتش بآن می‌رسید، فراهم آورده، بجانب لنگرود و رودسر فرستاد که درکشتی نهاده وآمادهٔ فرار باشد ومخدرات حرم را مصحوب‌کیا فریدون که از امرای‌معتبر گیلان وسالار حرم بود، ازلاهیجان‌بیرون فرستاد وخود منتظر بودکه ازپردهٔ غیب چه‌صورت روی نماید»[1]

شاه‌عباس که مادرش از سادات مرعشی مازندران بود، به صفحات ساحلی دریای خزر علاقهٔ فراوان داشت واغلب برای شکار زنگل به‌صفحات گیلان که مرکز شکارخوك بود می‌آمد. صاحب تاریخ عالم‌آرا دراین باره مطالب زیر را نوشته است:

«چند روزی هوای سیردریا کنار ونشاط شکارخوك درخاطر همایون جای گرفته. درجنگل گیلان محلی است‌که خوك بسیار می‌باشد و همیشه حکام گیلان درفصل بهار، به‌شکار آن‌کوهسار رفته، خوك بسیار صید می‌نمایند وبه‌شکار زنگل اشتهار دارد و فی‌الواقع تماشای غریبی است.

راقم حروف درصیدگاه درملازمت اشرف بود وملاحظه نمودکه حضرت‌اعلی ده پانزده خوك بزرگ قوی هیکل‌که هریك برمثال گاوی بود، به‌نوك ناوك‌دلدوز شکار فرمودند.»[2]

هنگامی‌که افغانان درمرکزایران حکومت می‌کردند، خاك گیلان راروسها اشغال کردند، ولی نادرایشان را بیرون راند.

درزمان سلطنت نادرشاه، لنگرود اهمیتی پیدا کرد ومرکز نیروی‌دریائی

۱ــ عالم‌آرا، ج ۲، ص۴۵۰. ۲ــ عالم‌آرا، ج ۲، ص ۴۹۲.

شمال شد . سرپرسی سایکس ــ مؤلف تاریخ ایران ــ دراین باره چنین می‌نویسد :

«نادرشاه نخستین پادشاه ایران است که ارزش نیروی دریائی را درك نمود و از این حیث شایستهٔ احترام است . دریاسالار یا دریابیگی او بااینکه وقتی که این شغل را به‌عهده گرفت ، هیچ کشتی ندیده بود ، ازسیاست دریاداری نادرپشتیبانی می‌کرد . درژانویهٔ سال ۱۷۴۳ میلادی ، جان التن[1] به‌ریاست کل کشتی‌سازی تعیین شد و به‌لقب «جمال بك» مفتخر گردید.» اینك دنبالهٔ جریان کشتی‌سازی جان التن و سیاست دریاداری نادرشاه را از سفرنامهٔ هنوی که خود شاهد وناظر و دست در کار بوده است دراینجا نقل می‌کنیم :

لنگرود از نظر هنوی

درسوم دسامبر سال ۱۷۴۳ (۱۱۵۶ ه. ق.) به‌بندر لنگرود رسیدم. ناخدای کشتی به‌من خبر دادکه مسترالتن از رشت به‌لنگرود آمده است تاامور دریاداری این محل را که به‌عهده گرفته است ، اداره کند . من ورود خود را بـه‌اطلاع او رساندم . دوتپانچه وچیزهای دیگر را که بـا میل علیقلی‌خان تهیه شده بود، به‌او دادم .[2] مسترالتن بااین مرد طرح آشنائی ریخته‌بود ، چون روشن می‌دیدکه‌روزی پادشاه ایران خواهد شد وچهارسال بعد، این‌امر اتفاق افتاد .

محل اقامت مسترالتن درلنگرود ، هشت‌میلی ساحل بود . این‌محل‌درمیان جنگلی است‌که اطراف آن را باتلاق فراگرفته است و راه رسیدن به‌آن بسیـار مشکل‌بود وپای کوه بلندی‌که مسلط به‌دریا بود قرارداشت . این کوه مانع‌جریان هوا بود ومنطقه‌ای ناسالم بوجود آورده بود . گیلان را پارکین‌ایران دانسته‌اند، اما لنگرود پارکین‌گیلان است . چون فصل بارانی بود وهوای گیلان در همه‌جـا رطوبتی یکسان دارد ، احساس ناراحتی نمی‌کردیم . هفت روز بااین‌مرد گذراندم و بیشتر وقت ما صرف بحث تجارت دریای خزر می‌شد .

۱ــ John Elton ۲ــ سفرنامهٔ هنوی، ج ۲، قسمت۳،فصل‌پانزدهم ، ص۱۰۶ .

نادرشاه برای مدتی طرحهائی تهیه کرده بودکه کشتیهائی در دریای خزر بسازد. منظور اومرتب کردن اوضاع کشتیرانی این صفحات بود ومی‌خواست که به‌سرکوبی تاتارهای لزگی‌نیز بپردازد. لزگیان کوه‌نشینان شجاعی بودندکه‌درمقابل لشکریان ایران ایستادگی‌کرده بودند. شاه می‌دانست قشون‌کشی به‌سرزمین ایشان بدون کمکهای خارجی‌که باید ازراه دریا به‌او برسد، غیر ممکن است. واز روسها نیز کشتی خواستن‌نتیجه ندارد. زیرا ایشان مایل‌بودندکه ازلزگیها طرفداری‌کنند، چون ایشان سد محکمی درمقابل روسها بودند.

تاتارهای ترکمن‌ساحل‌شرقی دریای خزرنیز، باحملات مداوم، قوای ساحلی نادررا رانده‌بودند وگشودن‌این‌سرزمین‌ازراه دریانیز بهتربود. سهیم‌بودن درتجارت دریای خزر و تسلط براین دریا نیز ازعواملی است‌که باید نادر را وادار به‌کشتی سازی دراین دریا کرده باشد.

نادر چند سال قبل سفیری به‌دربار روسیه فرستاده بود وکشتی سازانی خواسته‌بود. ملکهٔ روسیه جواب داده بودکه کشتی‌سازان اونیز ازکشورهای دیگر آمده‌اند وطبق قرارداد باید در روسیه کار کنند وملکه حق فرستادن ایشان را به‌کشورهای دیگر ندارد.

ایرانیان می‌دانستندکه مسترالتن قصد ساختن‌کشتی ندارد، بلکه می‌خواهد نادر را برای انجام‌این‌طرحها مشغول نگاه دارد. اما ظاهراً بسیارکوشا بود ونشان می‌داد که می‌تواند برمشکلات فائق آید.

ایرانیان از وضع موجود خود شکایت داشتند، تاچه رسد به‌اینکه بخواهند مالیات تازه‌ای برای‌ساختن کشتی‌بدهند، درحالیکه هیچگونه اطلاعی‌از دریاداری ندارند. دهقانان نه‌تنها بیگاری می‌کردند، بلکه وسایل زندگی خود را خودشان باید تهیه کنند. عده‌ای کار زراعت برنج ونگهداری نوغان را ترک‌کرده وبه‌کار پرزحمت تازه پرداخته بودند. عده‌ای به‌محض آمدن به‌محوطهٔ کشتی‌سازی فرار می‌کردند، زیراکارگزاران وسایل زندگانی‌ایشان را مرتب‌نمی‌کردند. بیشتر فراریان

بی‌دست‌وپا تنبیه می‌شدند ، به‌این‌معنی که گوش‌ایشان را بدنبال کشتی‌می‌کوبیدند. پس‌از اینکه‌چندساعتی‌بدین‌وضع می‌ماندند، تبرزینی‌به‌سر ایشان نزدیك می‌کردندو ایشان مجبورمی‌شدند سرخودرا کناربکشند. بدین‌ترتیب‌گوشهای‌ایشان پاره‌می‌شد.[۱]

مستر التن الوار خوبی درگیلان پیدا کرده بود، امـا راههـای خراب مانع آوردن این الوارها به‌بندرگاه بود . درمازندران سنگ آهن هست ولی کسی کـه لنگر بسازد نیست . مسترالتن درجستجوی لنگری بودکه چند سال قبل روسها در اینجا گم کرده بودند. بادبانها را ازپنبه وطنابهارا ازکنف ساخته وحاضر کرده‌بود اما احتیاج مبرمی به‌نجار داشت. اوچند نفر هندی وچندتن روسی نومسلمان‌را با یك تن‌کشتی‌ساز انگلیسی‌که‌کشتی ناخدا «وودروف»[۲] را رهاکرده بود،گردآورده بود. بااینهمه کاری ازپیش نمی‌رفت . التن بامشکلاتی روبرو بود امااین مشکلات زیاد اورا ناراحت نمی‌کرد .[۳]

هنوی دوباره روز ۲۶ فوریـهٔ سال ۱۷٤٤ از لنگرود گذشته و به‌رشت رفته است.[۴] وبازبرای بـار سوم صبح روز پنجـم اپریل درلنگرود بوده ومسترالتن را ملاقات کرده است . دراین سفر دربارهٔ لنگرود می‌نویسد که کشتیهای ساحل دریا راگرفته‌اند تالوازم ومصالح بنا را به‌بلخان ببرند، زیرا نادرشاه قصد دارد دربلخان نیز استحکاماتی بسازد تا ترکمانان را بترساند.[۵]

هنوی‌دربارهٔ کشتی‌سازی بندرلنگرود چنین‌می‌نویسد:«اوایل‌ماه اپریل‌مستر التن دماغهٔ دنبالهٔ کشتی را ساخته بود. کشتی‌سازان اغلب هندی بودند وکار خودرا بادقت انجام می‌دادند اما بسیار کندکار می‌کردند و کارهای بزرگ را نمی‌توانستند انجام دهند. میرزا مهدی‌خان، دریادار لنگرود است اما تاکنون‌کشتی‌ندیده‌است.»[۶]

۱ــ سفرنامهٔ هنوی، ج ۲ ، قسمت ۳ ، فصل‌پانزدهم، ص۱۰۷ .
۲ــ Woodroofe
۳ــ سفرنامهٔ هنوی، ج۲ ، قسمت۳ ، فصل‌پانزدهم،ص۱۰۸ .
۴ــ سفرنامهٔ هنوی، فصل۳۲، ص۱۵۳ .
۵ ــ سفرنامهٔ هنوی ، قسمت سوم ، فصل چهلم ، ص۱۸۰ .
۶ــ سفرنامهٔ هنوی، قسمت سوم، فصل چهلم ،ص ۱۹۲ .

هنوی از لنگرود به‌طرف استراباد می‌رود ودرسیزدهم ماه‌مه سال ۱۷۴٤ میلادی قاصدی راتزد مستر التن می‌فرستدتاجریان رفتن کشتیهارا به بلخان باناخدا «وودروف» به‌اوخبردهد. همین قاصد خبر می‌آورد که گاومیشها برای حمل الوار دراستراباد حاضرمی‌باشند. اینها قوی‌تر ازگاو رهستند. بسیار بانیروهستند واززمین باتلاقی و آب خوششان می‌آید.[۱]

هنوی باز در بیست وسوم ژوئیه به‌لنگرود می‌رسد ودرباره کشتی سازی لنگرود چنین می‌نویسد: «کشتی مستر التن که برای شاه می‌خواست، حالا روبه‌اتمام است. به‌آب انداختن این کشتی مشکلی دیگر بود. زیرا کشتی برکنار بندرگاهی بودکه پهنای آن ازطول کشتی کمتر بود. کشتی درآبی که شش فوت عمق آنست باید به‌آب انداخته شود. عمق آب اینجا در بعضی جاها فقط چهار فوت بود. پیشنهاد کردند سدی بسازند تاسطح آب بالا بیاید وکشتی بتواند درآب رود. کارهای قسمت پائین کشتی تمام است. بادشمال سطح آب را مقدار زیادی بالا می‌آورد اما ازلبهٔ باتلاقها فرو می‌ریزد. مستر التن ازدزدان دریائی روسیه هم وحشت داشت، زیرا ایشان قصد داشتندکشتی‌را بسوزانند. التن بادبانی اضافی برای کشتی ساخت تابتواند کشتی‌را ازتنگنا بیرون آورد ونگهبانی برای حفاظت آن معین کرد وپیشنهاد کردکه زمین همواری در مرداب به‌وجود آوردند ویك عراده توپ درآنجا تعبیه‌کنند. این دزدان دریائی‌که التن ازایشان وحشت داشت، چندین کشتی ایرانیان را نزدیك باکو دزدیده بودند.»[۲]

هنوی باز روز دوازدهم اوت به‌لنگرود می‌آید و می‌نویسد حالت مزاجی مستر التن مثل سابق بود. از مسئولیتی که برعهده دارد وضع دماغیش مختل شده است.[۳]

۱ـ سفرنامهٔ هنوی، قسمت سوم، فصل چهل‌وسوم، ص۱۹۸. ۲ـ سفرنامهٔ هنوی، قسمت سوم، فصل چهل‌و هشتم، ص ۲۲۰. ۳ ـ سفرنامهٔ هنوی، قسمت سوم، فصل چهل‌وهشتم، ص۲۲۱.

لنگرود از نظر ابت در سال ۱۲۵۹ ه.ق.

«ده بزرگ یا قصبه‌ایست که در دو طرف رودخانه ساخته شده‌است. آب رودخانهٔ لنگرود بسیار کند حرکت می‌کند. آبادی لنگرود در هشت میلی دریاست. زیرزمینهای این شهر پرازشن دریا وگوش ماهی است و معروف است که آب دریا چند سال یکبار اینجا را فرا می‌گیرد. ولی فعلا سی‌سال گذشته که آب دریا به‌این شهر نیامده است. هنوی می‌گوید که این پیشروی آب هرسی‌سال یکبار تجدید می‌شود. این شهر بناهسای خوبی دارد که متعلق به‌تجار وصاحبان املاك است. رودخانه، پلی آجری ودوچشمه وپلی چوبین‌صاف دارد. قایقهای بسیاری که برنج ازمازندران آورده‌اند، کنار رودخانه لنگر انداخته‌اند. مناظر اطراف این‌شهر زیباست، ولی باتلاقهای فراوان اطراف آن، هوای شهررا خراب کرده‌است. در همین شهر لنگرود است که در زمان نادرشاه، التن مأمور ساختن کشتیهای جنگی شد. این کشتیها، کشتیهای بزرگ نبوده‌اند، زیرا عرض رودخانه نزدیك شهر درحدود هفتاد فوت وعمق آن نیز زیاد نیست. باقیماندهٔ یکی‌ازاین‌کشتیها، دریکی ازمردابهای نزدیك شهر دیده می‌شودکه ظاهراً یکی‌ازکشتیهای‌شکستهٔ‌التن‌است.»[۱]

مکنزی دربارهٔ لنگرود درسال ۱۲۷۵ ه. ق. در سفرنامهٔ خود چنین نوشته است: «درنیم فرسخی لنگرود راه سنگ‌فرش را رها کردیم واز لیلاکوه، به‌طرف دست چپ منحرف‌شدیم وکنار رودخانه‌ای افتادیم. ازاینجا راه سنگ‌فرش‌تازه‌ای بود وچهارپل کوچك باوضع بسیارخوبی برسرراه‌ما بود. درشهرلنگرود، درخانه‌ای طرف راست رودخانه وارد شدیم، کمی بالاتر بررودخانه پل‌آجری دو دهانه و نزدیك خانهٔ ما مسجدی بود. درلنگرود چهارمسجد وچهار تکیه وهشت‌امامزاده و چهارحمام است. از لنگرود حرکت کردیم. طرف‌چپ جاده امامزادهٔ دوبرادران است[۲] وامامزادهٔ بی‌نام ونشان دیگری کمی جلوتر وآن نیز طرف چپ‌جاده‌است.

۱ــ سفرنامهٔ «ابت»، ص ۲۶ و۲۷و۲۸.

۲ــ اراضی این امامزاده امروز به‌خانقاه‌تبدیل شده‌است.

در اینجا از روی پل آجری کوچکی عبور کردیم . استخری طرف راست نزدیك جاده و پر از درخت است . آخرین آبادی متعلق به حومهٔ لنگرود کی‌کلایه (= کیاکلایه = شاه‌کلایه) است. درحدود یك میل انگلیسی از لنگرود، خانه‌ایست متعلق به حاجی میرزا رضاکه داماد منجم‌باشی است و پل آجری کوچکی و مسجدی[۱] نزدیك اینجاست . پس از اینها پل دیگری است وجاده بسیار خوب می‌شود، بطوریکه ما توانستیم چهارنعل ویرتمه برویم . سپس به پل آجری دیگر و امامزاده‌ای رسیدیم . از اینجا بخش رانکوه شروع می‌شود. دهکدهٔ کلیدبر در دوطرف جاده است وقبل از رسیدن به‌این دهکده ، طرف راست جاده امامزاده‌ای به چشم می‌خورده در این امامزاده چاهی است که مردم برای سلامتی خود پول در آن می‌اندازند . پس از کلیدبر قسمتی از راه خوب است وپس‌از آن تا رودسر بسیار خراب است .[۲]

ملگونوف در کتابی که دربارهٔ سواحل دریای خزر نوشته مطالب زیر را درباره لنگرود آورده است :[۳]

«لنگرود در زمینی هموار ویك فرسخ ونیمی دریاست. معروف است‌که‌این شهر نخست درکنار دریاولنگرگاه‌بوده است . دهنهٔ لنگرود را چمخاله می‌گویند. اجارهٔ شیل[۴] این شهرسیصد تومان است .

محلات لنگرود : ۱ـ محلهٔ فیشکلی‌که بقعهٔ آقا سیدحسین درآنجاست .

۲ـ درمسجد . ۳ـ راه‌پشته . ٤ـ گسکرمحله . ٥ـ کی‌کلا . ٦ـ انزلی‌محله .

در این شهر، سه‌باب کاروانسرا وهفت دربقعه وچهار درحمام وچهار درتکیه‌وصدو

۱ـ خانهٔ‌آجری وخرابه‌های پل‌ومسجد تاامروزباقی‌است. ۲ـ سفرنامهٔ مکنزی، صفحات ۹ـ۱۲. ۳ـ این کتاب درسال ۱۲۷۷ قمری = ۱۸۶۰ میلادی نوشته شده‌است و عین‌این مطالب در ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران ملگونوف ص ۱۲۲ و ۱۲۳ ، نیزآمده است .

۴ـ کلمهٔ «شیل» گیلکی وبه‌معنی بندوسدی است‌که درآن ماهی می‌گیرند. این‌کلمه درزمان سلاطین قاجار به «شیلات» جمع‌بسته شده است .

پنجاه دردکان و پانصد وچهل درخانه است.»

رابینو دربارهٔ این شهرچنین نوشته است:

«لنگرود در دوازده کیلومتری شرق جنوب شرق لاهیجان وده کیلومتری غرب شمال غرب رودسراست. این شهر در فاصلهٔ ده‌کیلومتری حاشیهٔ دریا و کنار رودخانهٔ لنگرود است که ازاراضی‌لاهیجان سرچشمه می‌گیرد. مردابهای‌اطراف و گرمای تابستان، هوای آن را عفونی می‌کند و کسانی که توانائی مالی دارند به کوهستان پناه می‌برند.»

هنوی می‌نویسد: «اگر گیلان را پارگین ایران بدانیم، لنگرود پسارگین گیلان است.»

رابینو بانظر او مخالف است ومی‌نویسد:« از کنارەهای رودخـانهٔ لنگرود شهر لنگرود زیباترین منظره‌ایست که من درایران دیده‌ام.»

این‌شهرهم مانند شهررشت ولاهیجان، چندین بارگرفتار آتش سوزی‌شده است. بااین همه جمعیت واهمیت تجاری آن در صدسال اخیر روبه‌افزایش رفته است. در زمان رابینو، این شهرهشت محله وهزارخانه داشته است. دویست در از این خانه‌ها، بامهای سفالین ومابقی گالی‌پوش بوده است. خانه‌ها از یکدیگر دور وباغها وحیاطها حد فاصل میان آنها می‌شده است.

خچکو درسال ۱۲۵۵ هـ. ق. = ۱۸۳۹ میلادی، خانه‌های لنگرود را بیش ازصدوده درنمی‌داند وبیست سال پس از این تـاریخ مکنزی می‌نویسد « لنگرود چهارصد درخانه وصدوچهل‌وهشت دردکان، سه‌کاروانسرا، چهارمسجد، چهارتکیه، هشت امامزاده، پنج حمام و دوهزار تن جمعیت داشته است.»

در زمـان رابینو(۱۳۳۱ هـ. ق.) این شهر چهارصد وپنجاه دکان، نه‌حمـام، بازاری جدید شـامل شصت دکان که در دست سـاختمان بوده‌است، هشت مسجد، نه‌امامزاده، پنج تکیه ودرحدود پنج هزارتن جمعیت داشته ودارای محلات زیر بوده‌است:

۱ـ سوتال محله. ۲ـ درب مسجد. ۳ـ فشکالی محله. ٤ـ گشته مردخال.
۵ـ انزلی محله. ٦ـ کاسه‌گر محله. ۷ـ قصاب محله. ۸ـ محلهٔ راه‌پشته.[1]

نویسندهٔ کتاب استراباد و مازندران و گیلان دربارهٔ لنگرود مطالب زیر را نوشته است:

«از دست راست که امامزادهٔ دوبرادران است، رد شده داخل لنگرود می‌شود که بندر لاهیجان و رانکو باشد و کرجیهای بزرگ از مازندران شکر و برنج و روغن و عسل و کنجد و باقلا و قلیان کدو و کل‌نمد[2] و کرباس و پنبه و غیره می‌آورند. و از بندر انزلی (= پهلوی) ماهی‌شور و ماهی خشك و حصیر و نفت می‌آورند [و] به حیطهٔ فروش می‌رسانند.

و آب این رودخانه از لاهیجان می‌آید و یك قنطره پل آجری دوچشمه، در روی رودخانه بنا شده است و کنار رودخانه عمارتهای بسیار خوب بنا کرده‌اند.

[لنگرود] سه محله دارد: اول فیشکلی، دوم درمسجد و سیم راپشته. هفت آستانه امامزاده، چهار باب مسجد، چهارباب تکیه، چهار باب حمام، سه باب کاروانسرا، یك‌صدو پنجاه باب دکان و پانصدو چهل خانه.

کج تابیدهٔ خوب در لنگرود عرض سال هزارمن به‌عمل می‌آید که یك من از سه الی پنج تومان دادوستد می‌نمایند و ابریشم یك من ازچهارده تومان الی شانزده تومان [است]. ودرتابستان هوای بدی دارد.

از بابت اجارهٔ صید حلال رودخانهٔ لنگرود، مبلغ سیصد تومان است. مظنه‌جات و نرخ مأکولات فرضهٔ لنگرود به تاریخ شهر جمادی الاول یکهزار و دویست وهفتاد وپنج:

برنج مازندران یك‌من به‌وزن شاه، یك‌قران وهفت‌شاهی. برنج آکولهٔ تنکابن یك من دوقران، روغن تنکابن یك‌من نه قران. روغن کرمانشاه یك‌من هشت‌قران‌و نیم. نان یك‌من سی‌ودوشاهی. گوشت یك من دوازده عباسی. پنیر یك‌من پنج‌قران.

۱ـ گیلان دابینو، ص ۳۴۲. ۲ـ بضم کاف.

قند یك من چهارده قران . چائی یك گیروانکه سه قران . نبات یك من چهارده قران . شکر مازندران یك من شش قران.[۱] نفت یك من هفت‌عباسی. نمك یك من دوعباسی .

ازپهلوی بازار و خانه‌های لنگرود، به‌دریا دوفرسخ وبه‌لاهیجان دوفرسخ [است]. والحالة هذه حاکم لنگرود ورانکوه میرزامهدی‌خان پسر میرزاعبدالباقی منجم‌باشی است . ابوابجمع مالیات هشت‌هزار تومان [است] . وازلنگرود، کنار دریا[از] راه سفیدرود، به‌فرضهٔ انزلی، دوازده فرسخ‌است. وازراه لاهیجان به‌شهر رشت نه فرسخ [است] .[۲]

چمخاله

چمخاله بندرگاه لنگرود ودریك فرسخی‌شمال شمال‌شرق این‌شهر،درساحل رودخانه است. فاصلهٔ آن ازاین‌شهر نه کیلومتر وششصد متر است.

درزمان رابینو شانزده کرجی برای بارگیری یاخالی‌کردن بارهای‌تجاری میان لنگرود وچمخاله‌کار می‌کردند. جمعیت آن‌گذشته ازگمرکچیان وکشتی‌بانان‌و ماهیگیران، عده‌ای گاومیش‌بان هستندکه زمستان را درکنار رودخانهٔ چمخاله می‌گذرانند.[۳]

۳ـ بلوك رانکوه

۱ـ لنگرود : شامل شهر ودهکده‌های متصل به‌آن.

۲ـ رانکوه : در زمینهای هموار و صاف این بخش شامل : شلمان ، املش و سیاهکله رود.

۱ـ این‌شکر به‌شکر سرخ معروف است که ازنیشکر می‌گیرند و نوعی خورش برنج است. ۲ـ کتاب استرآباد ومازندران وگیلان وسمنان ودامغان وغیره نوشته‌شده دربیستم ذی‌القعدةالحرام ۱۲۷۷، نسخهٔ عکسی کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران به‌شمارهٔ ۶۱۴۴ متعلق به‌آکادمی‌علوم شوروی. ۳ـ گیلان‌رابینو، ص۳۴۲ و ۳۴۴.

۳ـ گزافرود[1] : چند دهکدهٔ جدا از این بخش .

٤ ـ سمام : در جنوب املش محدود به‌عمارلو و رودبار قزوین . این بلوك کوهستانی است، ازغرب به‌دهکده‌های کردنشین دیلمان وازشرق به‌اشکورمحدود می‌شود .

٥ ـ سیادرستاق در دامن کوه ، درمغرب پلورود ومغرب اشکور علیا.

٦ـ اشکورسفلی که به‌نام جیرولایت نیزمعروف‌بوده‌است، منطقه‌ای کوهستانی است. ازشمال به‌رانکوه ، ازغرب به‌سمام، ازجنوب به رودبارقزوین واز شرق به‌اشکور علیا محدود است.

۷ـ اشکورعلیاکه به‌نام بالاولایت نیزمعروف بوده است، منطقه‌ای کوهستانی است. ازشمال به‌رانکوه و سخت‌سر، ازجنوب به رودبارقزوین ، از غرب به‌اشکور سفلی، وازشرق به‌بالااشکورتنکابن محدود می‌شود .

ساکنان رانکوه

ساکنان زمینهای هموار و دشت ، گیلك‌اند و زبانشان گیلکی است . افراد زیادی ازاینان تابستان را در کوهستان می‌گذرانند . پاره‌ای از مردمان کوهستان بازماندگان دیلمیان هستند. جمعیت اصلی این نواحی درنزاعهای داخلی وپی‌درپی ازمیان رفته‌اند . عده‌ای ازطالقان وبیشتر از قزوین بدینجه مهاجرت کرده‌اند . زبانشان گیلکی، ترکی وپارسی است .

بیشتر ساکنان این بخش شیعی مذهب‌اند. مردم رانکوه واشکور، در اواخر قرن سوم هجری به‌دست ناصرکبیر به‌مذهب زیدی گرویدند. یك‌قرن بعد نیز از زرتشتیان دهکده‌های دور افتادهٔ کوهستانی اخباری به‌دست داریم .

درسال ٥۹۰ هـ. ق. که قسمتهای غربی‌سخت‌سر(=رامسرامروزی) تادهکدهٔ ملاط به‌دست ملك هزار اسب بن شهرنوش به‌اسماعیلیان واگذار شد، آئین ایشان جای مذهب زیدی راگرفت . اما در زمان تسلط علویان‌کیائی، رواج مذهب زیدی

۱ـ بضم کاف وکسرفاء.

به‌اوج خود رسید، تازمـان سلطان احمدخان‌کـه او به‌مذهب شیعیان اثنی عشری گرائید، تمام اهالی نیز مذهب اورا پذیرفتند .

٤- بناها و آثار تاریخی لنگرود وحومهٔ آن

بقعهٔ آقا سید حسین و آقا سید ابراهیم ابنان امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام

در فشکالی[1] محلهٔ لنگرود سمت راست رودخانه

بنای این‌بقعه ازآثار تاریخی وباارزش لنگرود است. ظاهراً این بقعه مدفن سید حسین‌کیا ـ برادر سیدرضی‌کیا وسید محمدکیا ـ پسران سید علی‌کیا ـ است. زیـرا این مرد پس‌از مخالفت بابـرادران وبه‌زندان افتادن وخلاصی‌اززندان، در حدود سال ۷۹۶ هـ . ق . ، قریهٔ راه‌پشته را بدو دادند ودر همان جا دوران زندگی خودرا گذراند ودرهمـان جا فوت شد ودراین بقعه به‌خاك سپرده شد.[2] درزمـان رابینو (۱۳۳۱ هـ . ق .) محل سکونت‌او در راه‌پشته، به‌نام بازارده شهرت داشت و چاه آب واستخری به‌نام «سید حسین‌کیا استلخ» ازاو بجای مانده بود .

اهالی می‌گفتند که قبر برادر کوچك اوبنام «سید ابراهیم» نیزنزدیك برادر بزرگ است وزیارتنامهٔ قدیمی بقعه نیز حاکی ازاین مطلب است .

حرم بقعه به‌ابعاد ٤٧٨ سانتیمتر است که چهار کنج آن را باچهار گوشوار جمع کرده وگنبدی مدور برآن زده‌اند. گرداگرد گنبد از داخل، ابیاتی ازهفت‌ـ بند محتشم‌کاشانی است که درفواصل آنها : «یااباعبدالله الحسین ادرکنی»، «بسم‌الله الرحمن‌الرحیـم» و«نصرمن‌الله وفتح قریب» باخط نستعلیق، گچ‌بری شده‌است. در ضلع شمالی وجنوبی، دوخفنگ چوبین با طاقی جناقی است که پهنای‌آنها ۱۰۰ و بلندی آنهـا تازیـر نیزی طاق ۱۱۰ سانتیمتر است. درهمین دوضلـع، دردوطرف خفنگها ، چهـار طاقچه است که طاق آنهـا نیز جناقی است. اطراف بدنهٔ داخلی

۱ـ بضم فاء.   ۲ـ درمقدمهٔ بخش نوزدهم شرح مختصری از زندگانی اورا نوشتیم.

دیوارها، ازاره‌ای ازکاشی آبی رنگ شش‌گوشه، به‌بلندی ۸۵ سانتیمتر بردیوار نصب است. کف حرم بقعه سابقاً باکاشی قالب بزرگ سبزرنگ مفروش بود که آن را درنوسازی به‌موزائیك تبدیل کرده‌اند. درورودی اصلی درضلع شرقی ودرضلع غربی در ورودی دیگری بوده که سابقاً به ایوانی نظیر ایوان شرقی باز می‌شده، امروز به‌حسینیهٔ تازه‌سازی بازمی‌شود. هردو درکنده‌کاری‌است وکتیبه‌هائی به‌خط نسخ دارد.

ضریحی که‌گور این دوبرادر را پوشانده به‌درازای ۲۸۰ وپهنای ۱۸۰ وبلندی ۲۰۵ سانتیمتر است ودرچهار کنج بالای آن، چهار سرستون مانندکه طرح مقرنس دارد وازتکه‌های مختلف چوب ساخته‌اند، نصب کرده‌اند. سقف‌این‌ضریح چوبین‌و کمی برآمده است. دری دولنگهٔ مشبك درجهت شرقی‌ضریح مقابل در ورودی اصلی بقعه است. بلندی آن ۱۲۰ وپهنای آن ۶۰ سانتیمتراست.

در دولنگهٔ شرقی از چوب آزاد و پهنای آن با در نظرگرفتن چهارچوب ۱۳۲ وبلندی آن ۲۱۶ سانتیمتر است. (عکس شمارهٔ ۱۶۳)

عباراتی‌که برلنگهٔ دست راست این در است:

برپاسار بالا:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم.»

برباتوی سمت چپ همین لنگه:

«اللهم بالغ کل خبیر ـ مصنوع یاخالق کلشیئ ـ یارازق کل مرزوق ـ یامالك کل مملوك ه ـ یاکاشف کل مکروب.»

برپاسار پایین همین لنگه:

«یاخارج کل مهموم.»

برباتوی سمت راست همین لنگه:

«یاارحم من کل رحیم ـ یاناصر کل مخذول ویا ـ ساتر کل می وطه(؟) ـ یامن هورب کل شیئ ـ یامن هوالله کل شیئ.»

عباراتی‌که بر لنگهٔ دست چپ این در حك شده است :

بر پاسار بالای همین لنگه:

«انما یعمر مساجدالله من آمن بالله .»

بر بائوی سمت چپ همین لنگه :

«یااعظم من کل عظیم ـ یااکرم من کل کریم ـ یاارحم من کل رحیم ـ یااعلم من کل علیم ـ یااکبر من کل کبیر.»

بر پاسار پایین همین لنگه :

«یااحکم من کل حکیم .»

بر بائوی سمت راست همین لنگه :

«یااخبر من کل خبیر ـ یااشرف من کل شریف ـ یا ابصر من کل بصیر ـ یااریف من کل رؤف ـ حرره حسین طالقانی سنه ۱۲۰۰ .»

در دیوار غربی حرم نیز دری دولنگه ازچوب آزاد، به‌بلندی ۲۱۶سانتیمتر، بادر نظر داشتن چهارچوب وپهنای ۱۳۳ سانتیمتر است که چهار سال پس از آتش‌ـ سوزی لنگرود که در سال ۱۲۶۸ هـ . ق . روی داده، ساخته شده است. (عکس شمارهٔ ۱۶٤) این عبارات بردولنگهٔ آن حك شده بود :

عباراتی‌که بر لنگهٔ سمت چپ خوانده می‌شد :

بر پاسار بالای این لنگه :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم .»

بر بائوی سمت چپ همین لنگه :

«اللهم انی ـ اسئلك باسمك یاالله ـ یارحمن یارحیم ـ یاکریم یامقیم ـ یاعظیم یاقدیم .»

بر پاسار پایین همین لنگه :

«یاعلیم یاحکیم یاحکیم .»

بر بائوی سمت راست همین لنگه

« یـاسبحانك ـ الله الا سبحانك انت ـ یـالااله الاانت ـ الغوث الغوث خلصنا ـ من النار یارب ٥ .»

برچهار پاسارهای میانین همین لنگه :

«یاعلی ادرکنی ـ یاکفیل منك یامقبل ـ یاسندمن لاسندله ـ کتبه حسین فی سنه ۱۲۷۲ .»

عباراتی که برلنگهٔ سمت راست حك شده است :

برپاسار بالای این لنگه :

« یاعلام الغیوب .»

بربائوی سمت چپ همین لنگه :

« یاغفـار الـذنوب ـ یاستار العیوب یـا کاشف ـ الکروب ـ یامقلب القلوب و ـ یامنور القلوب . »

برپاسار پایین همین لنگه :

«یاطبیب القلوب .»

بربائوی سمت راست همین لنگه :

«یاانیس القلوب ـ یامفرج الهموم ـ یامفـرالغموم سبحانك ـ یالااله الا انت ـ الغوث الغوث .»

برچهار پاسارهای میانین همین لنگه :

« انا فتحنالك فتحاً مبیناً ـ خلصنا من النار یارب ـ اللهم انی اسئلك ـ بسمك یاجلیل یاجمیل .»

برخارج دیوار غربی بقعه که امروز درحسینیه افتاده است، سنگ مرمر کدری به پهنای ٤٩ وبلندی ۱۲٦ سانتیمتر نصب است که شرحی دربارهٔ آتش سوزی سال ۱۲٦۸ قمری لنگرود برآن به خط نستعلیق حك شده است. اینك اشعار آن :

«بسم الله الرحمن الرحیم

کل شیی‌ءٍ هالك الا وجهه

لنگرود از حوادث دوران سوخت روزی سیه شود شامش
آستانه که آستانش را بسته بودند خلق احرامش
تکیه گاهی محل ذکر حسین که ملك داشت پاس اکرامش
مسجد و مدرس و محله و شهر منهدم شد نماند جز نامش
بهر تعمیر این عظیم بنا از میان خواص تا عامش
فخر تجار و خیر خلق زمان آنکه حاجی حسن بود نامش
توسن سبقت او بمیدان تاخت ملهم غیب کرد الهامش
آنچه بایست کرد بیش نمود تا بیابد کمال ، اسلامش
سرور[1] تاجران گیلانی همه مستی کنند از جامش
سرعقل آنکه رهنمای[2] همه‌است با همه پختگی بود خامش
آسمان باوجود رفعت شأن خیمهٔ کوچکی است در بامش
باخرد گفتم این بزرگ بنا که زحاجی حسن شد انجامش
درجزایش خدا چه خواهد بود روز محشر بخویش و ارحامش
در جوابم دوبار گفتا خلد هم ازو گیر سال اتمامش

خ	ل	د	خ	ل	د
٦	۳	٤	٦	۳	٤
..	.		..	.	

۱۲٦۸ ماه وتاریخ ساختن آستانه وتکیهٔ لنگرود حاجی حسن انجام رسانید.»

کلمهٔ «خلد» به حساب جمل عدد ٦۳٤ است که مضاعف آن عدد ۱۲٦۸ است که سال تعمیر یانوسازی بقعهٔ سیدحسین‌کیا است . اگر سال آتش‌سوزی را همین سال ۱۲٦۸ بدانیم تاریخ در ورودی اصلی شصت وهشت سال مقدم براین تاریخ و تاریخ دردیگر چهارسال پس‌از این تاریخ است .

۱ـ دراصل : سردار. ۲ـ دراصل راهنمایی.

چهارطرف بقعهٔ آقا سید حسین، ایوانهـای مجلل داشته است. امروز ایوان شرقی تقریباً به‌شکل اصلی باقی مانده است . این ایوان به‌درازای ۱۵٫۴۳ متر و پهنای ۴٫۶۳ سانتیمتر است. بردیوار این ایوان ازاره‌ای ازکاشی به‌بلندی ۶۵ سانتیمتر است‌که در آن کاشیهایی است به‌قطر ۱۱٫۵ سانتیمتر کـه زمینهٔ آنها سفید و نقوش آنها نیلی رنگ است. نقوش کاشیهای این ایوان وکاشیهائی که درایوان شمالی بکار رفته است پرندگانی نظیر: طوطی، طاووس، گنجشک، کبوتر، تورنگ وجانداران دیگر نظیر خرگوش ،آهو، بزکوهی(= کل) و نقشهای دیگری شامل گل وبوته و اسلیمی و نقش زیرگنبدی ونظایر آنها است . تعداد کاشیهای قدیمی ایوان شرقی بالغ بر ۱۰۰ عدد است کـه بریکی از آنهـا نقش اژدها و بر دیگری رقم کاشی‌ساز به‌این‌شرح دیده می‌شود :

«عمل خلیل‌بن احمد کاشی‌گر .» (عکس شمارهٔ ۱۶۵)

برسر در ورودی شرقـی بقعه «بسم‌الله الرحمن الرحیم» ازدوجهت گچ‌بری شده است. بربدنهٔ خارجی دیوارشرقی بقعه، نقاشیهای مذهبی وبالای آنها ابیاتی ازهفت‌بند محتشم‌کاشانی‌است. درمیان مصراعها عبارت «یااباعبدالله الحسین‌ادرکنی» گچ‌بری شده است .

چهارپایهٔ آجری درچهارکنج ایوانها بوده است‌که امروز دوپایهٔ شرقی آنها برقرار است. پایین پایه‌ها چهارگوشه وبه‌ابعاد ۸۸ سانتیمتر است وکمرآنها هشت ضلعی دوبه‌دو برابر است. درمیان این دوپایه، نه‌ستون چوبین چهارسو باسرستون است. جلو ایوان، تکائل مشبک چوبین است‌کـه طرحش نظیر طرح شبکهٔ ضریح است. (عکس‌شمارهٔ ۱۶۶)

ازایوان شرقی درگاهی به‌ایوان جنوبی است . بردیوارهـای ایوان جنوبی نیز مجالسی از نقاشیهای مذهبی دیده می‌شود که قدمت آنها بیشتر است.(عکس شمارهٔ ۱۶۷)

ایوان غربی، فعلا درحسینیه افتاده وبسیار ساده‌است . بالای سر در ورودی

غربی بقعه «بسم‌الله الرحمن الرحیم» ازدوجهت گچ‌بری شده ودرطرفین آن منظرهٔ چهار زیارتگاه قدیمی نقاشی شده است .

قسمتی ازایوان شمالی نیز تاامروز باقی است. بربدنهٔ خارجی دیوار شمالی بقعه دراین ایوان ازاره‌ای ازکاشی به‌ارتفاع ۶۵ سانتیمتر است.

کاشیهای آن نیز مانندکاشیهای ایوان شرقی‌متعلق به‌دورانهای مختلف‌است‌و نقوش کاشیهای قدیمی آن نظیر نقوش‌کاشیهای ایوان شرقی‌است وظاهراً کار همان خلیل‌بن احمد کاشی‌گراست. توکلوی این کاشیها، کاشیهای ستاره‌ای شکل چهارپر قرارداده شده است‌که امروز چند عدد از آنها درهمین بدنه دیده می‌شود. در باقیماندهٔ ایوان شمالی نیز نقاشیهای مذهبی دیده می‌شود. بام ایوانها واشان‌کشی‌و لمبه‌کوبی بادرزپوش پهن است. متن‌بنا آجروساروج است که روی‌آن را سفیدکاری کرده‌اند. سراسربام بقعه وایوانها سفال‌سر است . بربالای تیزی بام ، کاشی‌لعابدار آبی‌رنگ قبه‌مانندی است‌که روزی فوارهٔ سقاخانهٔ بقعه بوده است .

مراسم علم‌بندی این‌بقعه روزاول‌محرم ومراسم علم‌واچینی‌آن روز ۲۸ صفر است . درمحوطهٔ اطراف بقعه، درختان چنار قدیمی دیده می‌شود .

براثر اعتقاد وایمانی‌که ساکنان لنگرود به‌این بقعه داشته‌اند ، ازقدیم این بقعه محل بست بود و بی‌پناهان، یاجنایت‌کارانی‌که می‌خواسته‌اند ازچنگال انتقام خلاصی یابند ، بدین بقعه روی می‌آورده‌اند . در وردی صحن وزنجیر بست آن ، درنوسازیهای اخیر ازمیان رفت . اطراف این بقعه نیز حجرات زیاد داشت‌که مأموران دولتی پیش ازشهریور ۱۳۲۰ خراب کردند .

مسجد آقا سید حسین
نزدیك بقعه درفشکالی محلهٔ لنگرود

بنای اصلی مسجد دست‌کاری شده است و نوسازی کرده‌اند . داخل بنا اثر قابل ذکری ندارد . این مسجد دارای دری کنده‌کاری نسبةً قدیمی درایوان غربی است و به‌نظر نگارنده ظریف‌ترین درکنده‌کاریست که در صفحات رانکوه دیده

می‌شود ـ این در دولنگه و بادرنظر داشتن چهارچوب به‌پهنای ۱٤٤ و بلندی ۲۰۲ سانتیمتر است . چهارچوب و دماغهٔ آن نیز کنده‌کاری دارد . (عکس شمارهٔ ۱٦۸) این در درایوانی به‌درازای ۱۳٫٤۳ متر و پهنای ۲۵۲ سانتیمتراست. دوپایه در طرفین ایوان است . بالا و پائین پایه‌ها چهارگوشه و به‌ابعاد ۸۸ سانتیمتر است . میان پایه‌ها هشت‌ضلعی‌است‌که هرضلع آن یك نیم‌ستون استوانه‌ای‌شکل‌است.هشت ستون‌چوبین سادهٔ چهارسو باسرستون ، میان پایه‌هاست. سقف این ایوان قدیمی، واشان‌کشی‌وپل‌کوبی بادرزپوش زده است. لبهٔ ایوان تکائل چوبین دارد. لبهٔ بالای ایوان سه‌پشته وبام سراسر بنا، سفال‌سر است.

عباراتی که برلنگهٔ سمت راست درحك شده است :

برپاسار بالای این لنگه :

«قوله تعالی‌الله نورالسموات والارض .»

برباٹوی سمت چپ هیمن لنگه :

«مثل نوره کمشکوة ـ فیها مصباح المصباح فی‌زجاجة الزجاجة ـ کانها کوکب دری یوقدمن ـ شجرة مبارکة .»

برباٹوی سمت راست همین‌لنگه :

«زیتونة‌لاشرقیة‌ـ ولاغربیه یکادزیتهایضیءو ـ لولم تمسسه نارنورعلی‌ـ نوریهدی الله لنو.»

برپاسارهای میان همین‌لنگه:

« ره من یشاء ویضرب‌الله الامثال ـ للناس والله بکل شییءعلیم[1] ـ وان یکادالذین کفرو الیزلقونك .»

برپاسار پایین همین لنگه :

«بابصارهم لما سمعوا الذکر ویقولون انه .»[2]

برتنکهٔ بالای همین لنگه :

۱ـ سورة النور ۲۴، آیهٔ : ۳۵. ۲ـ سورة القلم ۶۸، آیهٔ : ۵۱ .

«حبذا مـرحبا ازین استاد که دری اینچنین زنو بنهاد
از بـرای دخول اهل صلاح روی دیـوار مغـربـی بنیاد
راقم احمد ابن کربلائی سید علی عطار.»

بر تنکهٔ پایین همین لنگه:

«سال تـاریـخ در تـراشیدن از خرد خواستم جواب این داد
حل این نکته ازحساب جمل جوی از باب مغربی زا زاد»

این عبارات بر لنگهٔ سمت چپ خوانده می‌شود:

بر پاسار بالای این لنگه:

«اعوذبالله من الشیطان الرجیم.»

بر بائوی سمت چپ همین لنگه:

«الله لااله الا ـ هوالحی القیوم لاتأخذه سنة و ـ لانوم له مافی السموات و ما فی الارض ـ من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه.»

بر پاسار پایین همین لنگه:

«کتبه العبد المذنب محمد حسین طالقانی فی ۱۲۷۷.»

بر بائوی سمت راست همین لنگه:

«یعلم مابین ایدیهـم و ـ وماخلفهم ولا یحیطون بشیء ـ من علمه الا بماشاء وسع کرسیه ـ السموات والارض ولا.»

بر پاسارهای میانین همین لنگه:

«یؤده حفظهما وهوالعلی العظیم ـ لااکراه فی الدین قدتبین الرشد ـ من الغی فمن یکفر بالطاغوت ویؤمن.»[1]

بر تنکهٔ بالای همین لنگه:

«که بنایش زحاجی رجبعلی است بـانیش را خـدا بیامـرزاد
در چوبین که رشك برده از او نقش شاپـور وصنعت فرهـاد»

۱ـ سورة البقره ۲، آیات: ۲۶۱ و ۲۶۲

برتنکهٔ پایین همین لنگه :

«ب ا ب م غ ر ب ی زا ز ا د

۲ ۱ ۲ ٤ ۱: ۲: ۲ ۱۰ ۱۷ ۷ ۱ ٤

۱۲۷۷ »

روی کلاه چهارچوب در این عبارات حك شده است :

« وانا مدینة العلم وعلی بابها ربنا تقبل منّا انك انت سمیع علیم باعث خیرکهف الحاج حاجی رجبعلی انگرودی فی ۱۲۷۷ . »

سقاخانهٔ بقعهٔ آقا سید حسین

درجنوب شرقی بقعهٔ آقاسیدحسین بنائی مستطیل به درازای ۱۱٫۵ متر و پهنای ۲۶۲ سانتیمتر است که درقسمت شمالی آن سقاخانه‌ای بدابعاد۲۸۲ × ۲۷۵ سانتیمتر بنا شده است. درسقاخانه غربی است و بربدنهٔ دیوار شرقی ازداخل، چهار مجلس کاشی‌کاری است که رقم سازندهٔ کاشیها وموضوع مجالس برآنها نوشته شده است. درضلع شمالی وجنوبی بجای دیوار ازدوپنجرهٔ آهنین قدیمی استفاده شده است.

چهار کنج بنای سقاخانه، چهار ستون‌نما ازکاشی است ودر دوطرف سقاخانه نیز نظیر این ستون‌نماها، دو ستون‌نمای دیگر است. (عکس شمارهٔ ۱۶۹) این ستون نماها از چهار قسمت کاشی ساخته شده‌اند. نزدیك به در سقاخانه، حوض آبی مستطیل شکل برای استفادهٔ عموم ساخته‌اند.

مجالسی که برکاشیها نقش شده و شامل چهار مجلس است، در دو ردیف بردیوار چسبانیده شده‌اند. (عکس شمارهٔ ۱۷۰)

برمجلس سمت راست ردیف بالااین عبارات خوانده می‌شود :

« قتلگاه ونعش شهدا ــ آمدن شیر سر بالین کشته‌ها ــ حضرت سید الشهدا ــ سر نعش‌علی‌اکبر ــ عرب شتر سوار ــ قاصد مدینه ــ بانی خیر حاجی علی آش‌پز .»

برروی کاشی دیگر این عبارات نوشته شده است :

« هوالله رقم عبدالله سنه ۱۳۲۰.»

برمجلس سمت چپ ردیف بالا این عبارات نوشته شده است :

« ماه بنی‌هاشم - ابوالفضل العباس- خیمه‌گاه حسین - امام‌زین‌العابدین.»

برمجالس پایین این‌عبارات خوانده می‌شود :

« رفتن سلطان قیس به‌شکار عمل استاد آقائی ـ شمایل سیدالشهدا و درویش کابلی- عمل استاد آقائی نقاش.»

بردو کاشی دیگر :

« بانی‌سقاخانه غلام حضرت عباس‌حاجی‌علی‌آشپز بتاریخ یوم یکشنبه غره ذی‌القعده لوی‌ئیل ۱۳۴۱.»

برسنگ مرمر کوچکی به‌پهنای ۲۳ و بلندی ۲۹ سانتیمتر که داخل حوض سقاخانه‌بود این‌عبارات که پاره‌ای از آن را تراشیده بودند، خوانده می‌شد :

« هو

وقف مؤبّد نمود حاج‌علی.... حسینیه وعباسیه وغریب‌خانه را وقف....

ایام .... با ورثهٔ خود قرار داد فی‌شهر محرم الحرام ۱۳۲۰.»

سقف سقاخانه را ازداخل با شیرسر جمع‌کرده بودند و پس‌ازنصب سه چهار ردیف شیرسر، برآن طاق زده بودند.

مقبرهٔ خانوادگی منجم‌باشی
درجنوب صحن بقعهٔ آقا سید حسین

بنای اصلی این مقبره چهار طاقی‌است که ابعاد آن ۳۰۵ × ۲۸۲ سانتیمتر است. عمق درگاههای چهارطرف ۸۶ سانتیمتر وطاق آنها جناقی است وبرروی جناقهای درگاهها، طاق عرقچینی توسری خورده‌ای زده‌اند. جلو بنا قبل از در ورودی اصلی، ایوانی به‌عرض ۱۴۰ سانتیمتر بوده که درحال حاضر به‌مقبره اضافه

شده است. این محل ازقدیم محل اجتماع اهل علم لنگرود بوده وامروز نیز چنین است .

دراین مقبره دوسنگ قبر بردیوار نصب است . یکی از آنها به‌پهنای ۲۸ و بلندی ۱۰٤ سانتیمتر است که برب‌الای آن «هوالحی الذی لایموت» و ده بیت شعر عربی بر آن است ومورخ ۱۱۷۷ است. نشانه‌ها: مهر، تسبیح وشانه.

برسنگ قبر دیگری‌که مورخ ۱۱۸٦است، شش بیت شعرفارسی باقافیهٔ«باء» دردوازده قسمت حك شده‌است. برب‌الای‌آن «قل‌هوالله – تا – کفواً احد» وبرحاشیهٔ سمت چپ «الله‌لااله‌الا – تا – هوالعلی‌العظیم» وبرحاشیهٔ سمت راست «صلوات‌کبیر» خوانده می‌شود .

احکام ومدارکی که دردست آقای برکاتی
متولی کنونی بقعهٔ آقا سید حسین است
حکم برگذاری تولیت بقعه به‌حسین خادم

«چون تولیت وخدمت‌گذاری آستانهٔ متبرکهٔ آقا سید حسین و آقا سیدابراهیم علیهما الرحمه مفوض بمرحوم مشهدی علی وطایفهٔ اوبود این‌اوقات‌که مشارالیه برحمت ایزدی پیوسته لذا عمل‌تولیت وخادمی بقعهٔ متبرکه را برگذار بحسین خادم پسر عموی مرحوم مشهدی، علی نموده ازقرار این حکم باید مشارالیه ازروی حسن عقیدت وراستی و صداقت و نیکی ذات بعمل خدمت‌گذاری این بقعهٔ متبرکه اقدامات وافیه مرعی‌داشته بهیچوجه تعلل‌وتسامح جایز نداردآنچه ازوجوهات بریه ونذورات را بعدازمصارف لازمهٔ بقعهٔ متبرکه بقیه بصرف مخارج عیال [و] اطفال صغارآن طایفه ومرحوم مشهدی متولی برساند مقرر اینکه عالیجاه‌آقابزرگ‌کدخدا بطوریکه دراین ورقه مسطور ومرتسم است کمال مراقبت واهتمام را دربارهٔ حسین متولی بعمل آورده‌که در

خدمات آستانهٔ مبارکه وسایر لوازمات خادمی ونظافت صحن وجاروب‌کشی وغیره بهیچوجه تعاون وتقاعد نورزد و آنچه تحصیل می‌کند بعد ازمصارف لازمهٔ مقرر بخرج منابر برساند بطوریکه قلمی‌شده‌است....

کوتاهی نورزد فی ۱۲ شهر جمادی‌الاول سنهٔ تنگوزئیل ۱۲۰۷.»

درپشت حکم مهر «منجم باشی» خوانده می‌شود.

حکم برگذاری تولیت آستانهٔ آقا سید حسین بەملامحمد حسن

«غرض ازتحریر این نمیقه وباعث برتسطیراین وثیقه آنست چون امر تولیت آستانهٔ متبرکه و مزار ذوی‌الاقتدار آقا سید حسین رحمه‌الله تعالـی واقعه در محلهٔ فوشکالـی جوار رودخانهٔ فرضهٔ لنگرود مفوض بمرحمت و غفران‌پناه رضوانجایگاه جنت آرامگاه ملا محمد مهدی شیخ‌الاسلام طاب‌ثـراه وجعل الجنة مثواه شده مـادام الحیوة در شغل تولیت مزبوره اشتغال وضبط وربط حاصل وقفیات آن‌را ساعی بعداز ممات او بولـد ارشد و ازهد او عالیجناب شامخ الالقاب علامی‌مطاعی آخوند ملامؤمن دام فضله تفویض از اینکـه عالیجناب سابق الالقاب ارادهٔ تحصیل‌علوم دینیه ومعارف یقینیه‌داشته‌تولیهٔ مسطوره‌را بمرحوم مغفور آقـا محمدجـان اخ عینی خود واگذاشته بود و در این روزها آقا محمد جان رحل اقـامت بجنـة المـأوی انـداخته و عالیجناب معظم‌الیه باستصواب وصلاح علمـا وفضلا واهالـی این ولا تولیهٔ مزار مزبور ووقفیات آنرا به‌برادر عینی‌خود ملامحمد حسن تفویض‌نموده و آقا احمد اخ عینی خودرا هم ازقبل خود امین و قیّم شرعی گردانیده که بضابطهٔ حساب وشرع مستطاب درتعمیر عمارت مزار ذوی‌الاقتدارو ضبط و ربط وقفیات مزار ساعی بوده حق التولیة را صرف خود نموده از جادهٔ شرعمصطفوی تجاوز ننمایند باسترضای جمیع اهل این ولا

مراتب مزبوره بوقوع پیوست چنانچه احدی در این باب متعرض اخوان مزبور گردد مستوجب سخط وغضب الهی ولعن ونفرین حضرت رسالت پناهی خواهد بود تحریراً فی ۱۵ شهر ربیع‌الاول مطابق باهذه السنه پیچیل سنه ۱۲٤۰ محل مهر مرحمت وغفران پناه آقا محمدشفیع امام.»

برحاشیهٔ بالای همین حکم برگذاری، این عبارات خوانده می‌شود:

«بسم‌الله تعالی مضمون الکتاب مقرون بالصدق والصواب ومعینة فی هذا الباب ممدوح عند اولی‌الالباب بل مأجور ومثاب لدی المسبب‌الاسباب و متعرضه ومزاحمه معذب فی یوم الحساب حررها محل مهر غفران پناه جنت آرامگاه ملامحمد شفیع امام.» باشهادت نه‌تن دیگر.

سفارش‌نامه‌ای از نصرالسلطنه به‌منجم باشی حاکم رانکوه و لنگرود دربارهٔ آقا شیخ حسین متولی و خادم آستانهٔ آقاسید حسین علیه‌الرحمه

«جناب جلالتمآب آقای منجم‌باشی حاکم رانکوه ولنگرود دام مجده نظر بسجلات واحکام علماءِ اعلام کثرالله امثالهم از قدیم جدید تولیت بقعهٔ متبرکه ومزار پرانوار آقا سید حسین علیه‌الرحمه اباً عنجد آقا شیخ حسین بوده‌است از آنجائیکه مشارالیه دراین امر پدر برپدر ذوی‌الحقوق وبسیار معیل ومعسر[و] پریشان است کماکان تولیت بقعهٔ مزبور باید باشیخ حسین باشد شما کمال تقویت را دراین باب مرعی داشته ونگذارد از احدی نسبت به‌او تعدی شود مشارالیه هم باید در نهایت خدمتگذاری درتعمیر وتنظیف بقعهٔ متبرکه قیام و اقدام نماید زیاده چه‌نگارد فی ۱۴ شهرجمادی‌الاول تنگوزئیل ۱۳۱۵.»

درپشت نامه مهر «نصرالسلطنه» خوانده می‌شود.

منزل دریابیگی
در محلهٔ راه‌پشتهٔ لنگرود

درکنار رودخانهٔ‌لنگرود، کنارجادهٔ عمومی،دیواری‌آجری‌وبلند که‌دوطرف آن به‌دوبنای‌برج‌مانند ختم می‌گردد دیده می‌شود درنیمهٔ بالای‌این‌دیوار ارسیهای متعدد به‌چشم می‌خورد که پنجره‌های طبقهٔ دوم اطاقهای حواشی وخدمتگزاران است . دو در بزرگ چوبی با گل‌میخها و کوبه‌های قدیمی دراین دیوار نصب شده است. هردو در پس‌ازگذشتن‌ازدالان وهشتی کوچکی به‌حیاط راه دارد. هنگامی که داخل حیاط می‌شویم بنای‌اصلی و ارباب‌نشین این‌خانه درمقابل چشم شما قرار می‌گیرد.(عکس‌شمارهٔ۱۷۱)این‌بنا شامل‌دوطبقه وهرطبقه سه‌اطاق داردکه اطاقهای وسط این دوطبقه شامل تالار و شاه‌نشین است . جلو هردوطبقه نیز ایـوانی چوبی بالتازه‌ای ظریف بناشده‌است. نقشها ونقاشیها وارسیها وگچ‌بریهای تالار وشاه‌نشین طبقهٔ دوم ازشاهکارهای هنری دوران قاجاری است . (عکسهای شمارهٔ ۱۷۲و۱۷۳) اینك شرح این قسمت ازبنا :

تالار وسط به‌درازای۶۴۰وبپهنای۴۲۵سانتیمتر وشاه‌نشین این‌تالار به‌درازای ۳۱۰ وپهنای ۱۹۸ سانتیمتر است. طاق شاه‌نشین سراسر مقرنس‌کاری وطرف مقابل آن سه طاقچه وطرفین راست وچپ‌آن هریك دو طاقچه دارد . بردوقسمت دیوار تالارکه درطرفین شاه‌نشین قرار می‌گیرند، دو طاقچه است‌کـه داخل آنها دوآئینه نصب شده است . این اشعار باخط خوش نستعلیق برحاشیهٔ سمت چپ آئینهٔ سمت راست و حاشیهٔ سمت راست آئینـهٔ سمت چپ از داخل روی شیشه نـوشته شده و برطرفین آئینه نصب شده است :

«ای روی تـو آفتاب ثانی　　وصل تـو نهایت امـانـی
در یکنظر تـو مختصر شد　　مجموع مـراد دو جهـانـی
ازحسن تو چون کنم عبارت　　کز هیچ صفت بیان نداری»

برحاشیهٔ بالای آئینهٔ سمت راست و آئینهٔ سمت چپ این بیت دیده می‌شود :

«جمالت آفتاب هر نظر باد [تو]خوبی‌روی‌خوبت‌خوبتر باد»

بـرحاشیهٔ پایین آئینهٔ سمت راست و آئینهٔ سمت چپ این بیت نوشته شده است :

«دلی کـو عاشق رویت نباشد همیشه غرقه درخون جگر باد»

برحاشیهٔ چپ آئینهٔ سمت چپ وحاشیهٔ راست آئینهٔ سمت راست این ابیات نوشته شده است :

«ای خلعت ملك بـرتو زیبا وی غـرّه دولت از تـو غـرّا
وی دیـدهٔ نـو عروس دولت بـرشکل و شمایل تو شیدا
انـوار شکوه شهـریـاری بـرروی مبـارك تـو پیدا»

درمیان دوپهنای تالار، دو در ورودی دولختی است که روی آنها پرندگان و گلها بارنگ وروغن نقاشی شده‌اند.(عکس شمارهٔ ۱۷٤) بردوطرف هریك ازاین‌درها دوطاقچه است که داخل آنها آئینه‌ای به‌بلندی ۸٦سانتیمتر وپهنای ٤٦ سانتیمتر باقابی‌چوبین ازچوب‌آزاد، نصب شده‌است . دیوارهای تالار و شاه‌نشین ازیك متری دیوار به‌بالا، نقاشیهای ظریف وهنری بارنگ‌و روغن دارد. ازقرارمعلوم یك متر پائین دیوارها نیزچنین نقش ونگاری داشته که براثر تعمیر ازمیان رفته است .

گیلوئی تـالار ، مقرنس‌کاری ظریف است وبرطاق تـالار پس از لمبه‌کوبی پارچه‌ای‌که کمی‌ازعرض وطول تالارکوچکتر است چسبانده وبرآن نقاشی‌کرده‌اند. بالای درهای ورودی طرفین تالار، برروی طاق ، عکس دومرد جوان خوش صورت بالباسی‌بلندکه تاجی برسردارند دیده می‌شوند. در دست یکی‌ازآنها جامی‌شراب و دردست دیگری گلی است .

بعدازاین دوصورت دریك طرف طاق صورت دوزن ودومرد جوان زیبا روی است . زن طرف چپ دسته گلی دردست دارد ومـرد طرف چپ فنجان کوچکی از

قهوه در دست راست و گلی در دست چپ دارد. مرد سمت راست بیاضی از غزل در دست راست دارد و دست دیگر را به کمر زده است و مشغول غزلخوانی است و زن سمت راست آئینه‌ای به‌دست دارد و روی زیبای خود را در آئینه نگاه می‌کند.

ارسیهای تالار شامل پنج قسمت دو تکه‌ایست و متن ارسیها مشبك کاری ظریف است که در فواصل آنها شیشه‌های رنگین بسیار زیبا و خوش‌رنگ، قرار داده شده‌است. (عکس شمارهٔ ۱۷۵)

بسیار بجاست که مسؤولان امر، با خرید و تعمیر این بنا، آن را از خرابی و ویرانی که روی در آن دارد، نگاه دارند.

منزل قدیم منجم‌باشی
در فشکالی محلهٔ لنگرود

بنای منزل منجم‌باشی را اگر نتوان زیباترین بنای رانکوه دانست، می‌توان آن را زیباترین بنای لنگرود خواند[1]. خانه‌ای بسیار وسیع است و طویله‌های بسیار بزرگ دارد. محلی برای تابستان نشین، مسلط بر سبزه میدان بنا کرده‌اند که بر بالای ستونهای چوبین استوار است و بامی سفال‌سر دارد.[2]

ساختمان اصلی این منزل را حاجی آقابزرگ منجم‌باشی برپا کرد. در آتش‌سوزی قبل‌از سلطنت فتحعلی شاه در لنگرود، بنای مذکور نیز طعمهٔ حریق شد و خرابه‌های آن اکنون در صحن بنای کنونی است. حاجی آقا بزرگ پسری به‌نام میرزا عبدالباقی منجم‌باشی داشت. این مرد داماد فتحعلی‌شاه بود و یکی از دختران او را به‌حبالهٔ نکاح درآورده بود. از این ازدواج، میرزا مهدی خان منجم‌باشی پای به‌عرصهٔ حیات گذاشت. قسمتی از بنای کنونی را پس از آتش‌سوزی، همسر میرزا عبدالباقی یعنی دختر فتحعلی‌شاه ساخت و قسمت دیگر آن را میرزا مهدی خان بنا نهاد، این دو قسمت متصل بیکدیگرند. این بنا، بنائی عظیم و دوطبقه است.

---

۱ ـ به‌نظر نگارنده خانهٔ دریابیگی بمراتب از خانهٔ منجم‌باشی زیباتر بوده است.

۲ ـ گیلان‌دابینو، ص ۳۴۳.

دراطاق شمالی طبقهٔ دوم آن دودر ارسی ظریف در دیوار شمالی وشرقی است. این دوارسی آلتهای ظریف وشیشه‌های رنگین زیبا دارد. (عکسهای شمارهٔ ۱۷۶ و۱۷۷)

سردر ورودی این خانه را میرزاموسی منجم‌باشی که رئیس قشون ومنجم‌باشی نایب السلطنه عباس میرزا بود ساخت . (عکس شمارهٔ ۱۷۸) قسمتی ازبنای خانهٔ منجم‌باشی نیز به‌دست میرزا عیسی‌خان - پسر میرزا مهدی‌خان منجم‌باشی- ساخته شده است. این قسمت از بنا که درطرف دست راست کوچهٔ میان دو بنا قرار می‌گیرد، پس‌از میرزا عیسی‌خان به‌حسین فرشود وپس‌از اوبه‌دخترش ایران خانم فرشود می‌رسد. خانم نامبرده این‌قسمت ازبنارا به‌ادارهٔ‌آموزش وپرورش فروخت. آن اداره این بنارا اختصاص‌به‌دبستان دخترانهٔ پرتو داد وخانم نامبرده فعلا مدیرهٔ این دبستان است . این بنا نیز دوطبقه است و درطبقهٔ دوم‌آن سه‌اطاق است . این اطاقها دارای آلتهای بسیار ظریف و شیشه‌های رنگین زیبا هستند که باقیماندهٔ پنجره‌های ارسی قدیمی آنها است . (عکسهای شمارهٔ ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱) یکی از اطاقهای شمالی‌پنجره‌های ارسی باشیشه‌های رنگین زیبائی دارد . (عکس شمارهٔ ۱۸۲) سقف این اطاق قاب بندی ده سانتیمتر درهفده سانتیمتر تقریب است که برهریك نقش‌گلی است . درمستطیل وسط طاق، قابی جداگانه به‌درازای ۱۳۵و پهنای۸۰ سانتیمتر است که میان‌آن ، دونقش تکراری ازدختر وپسری زیبا روی است ووسط این دونقش، شکل خورشید ترسیم شده است . (عکس شمارهٔ ۱۸۳)

حمامی‌معروف به‌میرزااحمدی درشمال‌غربی‌این‌خانه‌است‌که حمام‌خانوادگی منجم‌باشی بوده است . این حمام شامل سربینه ، گرمخانه ودو خزینهٔ‌کوچك آب سرد وگرم است . دور حمام و دورسربینه ، ازاره‌ای از کاشیهای شمایل‌دار دوران قاجاری است‌که نسبةً ظرافتی دارد .

قسمتی ازبنای اصلی منجم‌باشی متعلق به‌آقای عیسی مسیحا است‌که درهای آن بسته بود ونگارنده نتوانست داخل‌آن‌را ببیند. این قسمت ازبناگویا تزئینات فراوانی دارد .

فرمانهای قاب‌شده در تالار پذیرائی

منزل منجم‌باشی

فرمانی از فتحعلی شاه قاجار

«بسم‌الله تعالی شأنه العزیز[۱]

الملك لله

سلطان صاحبقران

قرار در کف شاه زمانه فتحعلی

گرفت خاتم شاهی زقدرت ازلی[۲]

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز[۳] که عالیجاه رفیعجایگاه عزت وسعادت همراه فضیلت وکمالات دستگاه فخامت و مناعت اکتناه اخلاص وارادت آگاه مقرب‌الخاقان فدوی قدیمی حاجی آقا بزرگ منجم‌باشی نایب گیلان بعواطف‌خاطر پادشاهی‌مفتخر ومباهی بوده بداندکه عالیجاه رفیعجایگاه عزت و سعادت همراه مجدت و نبالت انتباه فخامت و مناعت اکتناه اخلاص وارادت آگاه مقرب‌الخاقان اجل‌الخواص معتمدالدولة العلیه ـ العالیه منوچهرخان که شرفیاب حضور آفتاب ظهور گردید کیفیت اوضاع و قرار ومدار امور را مفصلا معروض خدمت همیون داشت و مراتب کارگذاری وکاردانی آنعالیجاه فدوی در مجاری خدمات حجة ظهور یافت وبروثوق و اعتماد خاطر همیون بحسن کفایت و کفالت آنفدوی افزود و از قراری که معروض داشت فدوی مشارالیه و آن فدوی را از بابت تنخواه دیوان وحجتهائیکه ازحکام گرفته‌اند خاطر ـ جمعی حاصل آمده‌است فرامین مطاعه در تأکید سرانجام وجوه‌دیوان و

۱ـ این قسمت زراندود است.

۲ـ این بیت برمهر فتحعلی شاه است.

۳ـ این قسمت زراندود است.

وصول و ایصال آن بهریك از عالیجاهان حکام و مباشرین شرف صدور یافت که در قسطهای مقرره باطلاع و استحضار فرزند مسعود والـی گیلان وآنفدوی ایفاد دارند بامرآنفدوی مراقب بوده نهایت قدغن و اهتمام معمول دارد که تنخواه دیوان بتعویق نیفتد وهریك از قسطهای مقرر واصل و عاید شود اشفاق شاهانه را دربارهٔ خـود بسرحد کمـال دانسته بانهایت استحضارمشغول مناظم مهمات مرجوعه گردیده باشد و مستدعیاتی که داشته باشد عرض .... التفات مشمول بعزّ انجاح وشرف اسعاف مقرون داند و در عهده شناسد تحریراً فـی‌شهر جمیدی‌الاول ۱۲٤۰.»[۱]

فرمانی دیگر از محمدشاه قاجار

«بسم‌الله تعالی‌شانه العزیز[۲]

الملك لله

محمدشاه غازی صاحب تاج و نگین آمد

۱۲۵۰ شکوه ملك وملت رونق‌آئین و دین آمد

الملك لله تعـالی شانـه العزیـز[۳] آنکـه چون اکنـون کـه بتأئید آفریدگـار انجم و افـلاك و تأثیر سیر اجرام تابناك نیّر عالم افروز سلطنت عظمی را از مطلع کشورگشائی آغاز نـورافشانی است و اشعهٔ آفتـاب خلافت بیخلاف در قطع مدارات عدل و انصاف غیرت‌افـزای سعود سیارات آسمانی اگرآسمان ذات‌البروج است در عـروج اختر اقبال مابذروهٔ رفعت و اعتلا از مجرّه کمر اهتمام بر میان بسته و اگر زمین با تمکین است مکمل تقـدیر دولت‌اند اتصال را علی الاتصال در مرصد حصول آمال مترصد نشسته شمشیر شعرا شعاع جنودانجم‌خیر شهریاری در عرصهٔ جهانگیری شعری شعار مـعروف و مشتهر و سپاه

۱ـ این فـرمـان برکاغـذی ساده و بـه انـدازهٔ ۴۱ × ۳۲ سانتیمتـر است .

۲و۳ـ این دوقسمت زراندود است.

ثوابت شمار پادشاهی درسیر منازل منازلت و مجاهدت ستاره‌آثار سیار ساحات هفت کشور آمده ما را که مهبط اینگونه تأئید و مطرح اضواء عنایات‌خداوند مجیدیم‌درحذای‌عطایای‌خدائی‌و ازای مؤیدات‌کبریائی منظور انظارخورشیدبها ومکنون‌خاطر ساطع‌الضیاکه ضیاافزای‌اقطاع و اصقاع و از غایت بها و ضیا اظهر من‌الشمس علی اعلی هزارات الارتفاع است آنستکه از موالیان دولت روزافزون و پرودگان شوکت ابدمقرون آنانکه از مساعدت اختر ساعد و معاونت طالع‌مساعد دست تمسکشان بعروةالوثقی این همیون دولت استوار وطریقهٔسیره خدمت و بندگی را باقدام صداقت رهسپار باشند مدارج اعتبارشان را از تفویض مناصب مناسب افزائیم و در تسعید ساعات روزگارشان دقایق التفات متداول فرمائیم ترسیم رقوم این‌احکام و ترقیم رسوم این ارقام تقویم و تقریر احوال سعادت مآل عالیجاه رفیع‌جایگاه عمدة و سعادت همراه فضایل و کمالات اکتناه مجدت و مناعت انتباه صداقت وعقیدت آگاه نجم سماء فضل و دانش و اختر باضیای برج کمال و بینش نتیجة الاعاظم والافاخم مقرب‌الخاقان میرزا عبدالباقی منجم‌باشی است که اباًعنجدٍ صفحات خدمت‌این‌دولت سدیدرا برقوم صداقت و دولتخواهی موشح و مرقوم داشته و خلفاً بعد سلف از جدول مستقیم رأس پای خلاف بیرون نگذاشته معانی کمالات صوری و معنوی را در صورت استعداد کامل ظاهرکرده و معالی نسب با محاسن حسب برحسب‌قابلیت در پیشگاه قبول خاطر اقدس ما مجتمع آورده ولهذا اجزای حقوق خدمات قدیم در حق مشارالیه ملزوم همت حق‌شناس و تجدید التفاتی جدید دربارهٔ او منظورنظر مهر التباس آمده درهذه‌السنه پیچی‌ئیل خجسته دلیل و مابعدها او را کماکان منجم‌باشی دیوان قدرنشان فرمودیم و از توکیل منصب مزبور که از قرار فرامین خواقین جنت

مکین مبرور و خاقان مغفور نوّرالله مضجعهم بحکم وراثت و استحقاق قابلیت اورا مسلم بوده مایهٔ اعتبارش را افزودیم مواجبی که از دیوان اعلی در وجه مرحوم حاجی آقا بزرگ منجم‌باشی سابق والد عالیجاه مشارالیه مقرر بوده کمافی‌السابق اورا مخصوص داشتیم وقرا ومزارعی که از ملکی و موروثی متصرف بوده‌اند بدستور باز گذاشتیم که بی تحمیل جدید منافع را صرف مخارج خود و دیگر ورثه نماید و مواجب مقرره را بجهة خود بازیافت نموده از روی فراغت خاطر به لوازم خدمت مزبور اقدام و اهتمام معمول دارد مقرر آنکه صدور انجمن وزارت و اولیای دولت ابد آیت مستوفیان دیوان و نایب و دبیران دارالانشای درایت مقرران نظام‌عساکر و محرران دفترخانهٔ‌قدر مراتب مقرب‌الخاقان مشارالیه را منجم‌باشی بالاستقلال دانسته در لوازم احترام و توقیر مشارالیه تقصیر جایز ندانند و هرساله مواجبی که در وجه منجم‌باشی مقرر است رسانیده شرح فرمان را در دفاتر خلود و دوام ثبت و ضبط نمایند و از نوایب تغییر و تبدیل مصون و محروس دانند و در عهده شناسند فی‌شهر جمیدی‌الثانی ۱۲۵۲.»[۱]

فرمانی دیگر از محمدشاه قاجار

«هوالله تعالی شأنه العزیز»[۲]

محمد شاه غازی صاحب تاج و نگین آمد
شکوه ملك وملت رونق آئین و دین آمد[۳]

۱۲۵۰

هوالله تعالی شأنه‌العزیز[۴] که سرحدات و ثغور دولت جاوید آیات

۱ــ این فرمان با حاشیه بندی گل وبوته‌دار اسلیمی زراندود و بهاندازهٔ ۷۰×۵۰ سانتیمتر برکاغذ سمرقندی تحریر شده است.
۲ــ این عبارت زراندود است.
۳ــ این بیت بر مهر محمدشاه حك شده‌است.
۴ــ این‌عبارت زراندود است.

ابـدی علامات مملکت ایران زمین بکفالت و ایـالت سرحدداران و حکمرانان ممالك....[1] چون سدی محکم ومتین است که قضاء مبرم از آن‌سو گذرکردن نتواند و دست برحوادث دوران....[2] کـه سـدی استوار و بنائی برقرار است یاجـوج فتنه چون شخص ستم در زنجیر است و از هرثغری از ثغور که سد سکندری باستحکام و انتظامش اگر لاف برابری زند چون نقش برآب و خانهٔ حباب بی‌پا و بـی‌ثـابـت مأجوج شرّ و الم دستگیر واسیر خاصه سرحد گیلان که ازحـدود و ثغور معتبر دولت جاوید مأثور ایرانست عامه‌آن مرز و بوم کائناً من کان از طلبه علوم وعمله رسوم و عالم فـاضل ومفتی مقبل و خـواقین صداقت‌آئین و ارباب حرف و سکان هرطرف مغمور الطاف و معمور اعطاف‌حضرت‌اقدس همایون ما میباشند بناءً علی‌هذا المراتب مرزبان دارالمرز گیلان بندهٔ بـاید که بفرّ فطنت و فرط کفایت وحسن درایت متحلی و بـرزانت رأی و حصافت عقـل و سجاحت خلق و سمـاحت طبع متجلی باشد تا تکفل این شغل جسیم و تقلد ایـن مهم عظیم را بوجهی نیکو و طرزی پسندیده ازعهده برآید و در معرض اشغال و اعمال دیوانی بزرگان‌آن خطه وحاکمان آن نواحی سمت خدمت اورا ارتسام نموده اطاعت او را الـزام نمـایند از بنـدگان حوزه دیـوان چاکری که باین دلایل موشح و بندهٔ که باین مخایـل مـزیـن است عالیجاه رفیعجایگاه مجدت ونبالت اکتناه شهامت و نباهت‌انتباه‌اخلاص‌و ارادت آگاه فدوی آزادهٔ دولت ابد بنیان مقرب‌الخاقان میرزا عبد ـ الباقی منجم‌باشی است که اصالةً وکفالةً و کفایةً و درایةً تمیامـات مذکوره و علامات مشهوره اختصاص یافته و از بدو چاکـری در حجر ارادت‌نما نموده و بیمن عاطفت ما متربی شده محض آسایش و رفـاه

---

۱ و ۲ــ دراینجا فرمان پارگی داشت‌و چندکلمه خوانده نشد.

حال اهالی گیلان در هذه السنه فرخنده قوی‌ئیل اورا بایالت و حکمرانی دارالمرز گیلان سرافراز و سربلند فرمودیم که دراسعاف اهواء واستمالت دلها و ترفیه قوافل وتنظیم سواحل وتعمیرعمارات و تشخیص مآلات و تنسیق‌امور جمهورآنسرحد سعی وافی و جهد وافر مصروف دارد و حسن ایالت وعدالت و رعیت‌داری خودرا در پیشگاه حضور بمنصهٔ ظهور رساند و براعتماد خاطر و الطافات ظاهرشاهنشاهی در حق خود بیفزاید مقررآنکه قاطبهٔ سکان گیلان از وضیع و شریف و غریب و بومی عالیجاه مشارالیه را حکمران خود دانسته اوامر ونواهی او را متابع ومطاوع باشند ودرعهده شناسند حرر فی شهرصفر سنه ۱۲٦٤.»

فرمانی دیگر از ناصرالدین‌شاه قاجار

«بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

الملك‌لله تعالی

تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت
صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت[۱]

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز که چون عالیجاه رفیع‌جایگاه مجدت و نجدت ....فضایل وکمالات اکتناه فخامت و مناعت انتباه عمدةالاعاظم و الاشباه مقرب‌الخاقان میرزا عبدالباقی‌منجم‌باشی اباًعنجدٍ درین دولت جاوید مدت از روی راستی و صداقت خدمت نموده وطریق عبودیت‌و بندگی را به قدم ارادت پیموده و همیشه پدر بر پدر در این شوکت قوی مکنت از همگنان برتری داشته و از اعطای مناصب عالیه سر

۱ــ این بیت بر مهر ناصرالدین‌شاه حك شده است.

مفاخرت بعرش اعلی می‌افراشته‌اند خود او نیزسالهاست کـه بخلوص نیت خدمت میکند ودر شاهراه چاکری با حسن عقیدت وصفای طویت قدم میزند لهذا حقوق خدمات قدیم در حق عالیجاه مشارالیه ملـزوم همت حق‌شناس حضرت اقدس همایون ما آمده در هذه السنه مبارکـه تخاقوی‌ئیل خیریت تحویل و مابعدها کماکان اورا منجم‌باشی دیوان قدرنشان فرمودیم و از توکیل منصب مزبور کـه از قـرار فـرامین خواقین جنت‌مکین مغفور و شاهنشاه مبرور انارالله بـرهانهم بـحکم وراثت و استحقاق اورا مسلم بود پایهٔ اعتبارش را افـزودیم و مواجبی که از دیوان از بابت مواجب والدش مرحوم حاجی‌آقابزرگ دروجه عالیجاه مشارالیه مقرر بود کمافی‌السابق اورا مخصوص داشتیم قـرا و مزارعی هم‌که‌از ملکی و موروثی متصرف بوده‌اند بدستور بازگذاشتیم که بی‌تحمیل جدید مداخل و منافع را صرف مخارج خـود سازد و مواجب مقرره را نیز دریافت نموده از روی فراغت خاطر بلـوازم و مراسم‌خدمت محوله پردازد مقررآنکه صدور انجمن وزارت‌واولیای دولت ابدآیت مستوفیان دیـوان دیانت و محرران دفترخـانهٔ قدر-سرایت مقرب‌الخاقان مشارالیه‌را منجم‌باشی بالانفراد دانسته درلوازم توقیر واحترام وتبجیل[1] واکرام او تقصیر جایز ندارند ومواجب اورا هرساله بنحو مقرر رسانیده شرح منشور قضا مأثور را در دفاتر خلود ثبت و ضبط نمـوده و در عهـده شناسند حرر فی شهر محرم‌الحرام سنه ۱۲۶۶.»

برحاشیهٔ سمت چپ همین فرمان این عبارات به خط و امضای ناصرالـدین شاه دیده می‌شود:

«میرزا عبدالباقی منجم‌باشی از نوکران خوب ماست و پدرش حاجـی

۱ــ دراصل: تجبیل.

آقا بزرگ در عهد خاقان مرحوم خدمات زیاد کرده است الطافات
ما در حق منجم‌باشی بسیار بسیار است و بهمین منصب که از آبا و اجداد
ارث داشت سرافراز فرمودیم فی‌شهر صفرالمظفر سنه ۱۲۶۶ ه.[۱] امضا

سند دیگری در خانهٔ مرحوم منجم‌باشی است که در آن میرزا عبدالباقی منجم‌باشی مقداری از اراضی دیوشل و چندین فقره جواهرات گران قیمت را به خان بی‌بی‌خانم ملقب به شاه جهان خانم دختر فتحعلی‌شاه و همسر خود واگذار کرده است. ظاهراً این واگذاری به دستور فتحعلی‌شاه صورت گرفته است. این احکام و فرمانها را خانم فاطمه ملقب به شوکت‌السلطنه منجمی در اختیار نگارنده گذاشتند. گشاده روئی و مهمان نوازی و محبت ایشان قابل ستایش و قدردانی است. خانم نامبرده اظهار می‌کردند که شجرهٔ خاندان منجم‌باشی را که از زمان شاه‌عباس‌اول سرشناس بوده‌اند، میرزا کاظم وکیل‌التجار قزوینی خریداری کرد و امروز باید دردست ورثهٔ او باشد.

خشت پل‌لنگرود
بر روی رودخانهٔ لنگرود درفشکالی محلهٔ لنگرود

بر رودخانهٔ لنگرود که عرض آن بالغ بر ۲۷ متر است، پلی آجری دودهانهٔ بلند زده شده است، تا دوقسمت شهر را به‌هم مربوط کند. (عکس شمارهٔ ۱۸٤) این پل به‌نام «حاجی آقا پرد» معروف است و احتمال دارد که حاجی آقا بزرگ منجم باشی این پل را ساخته باشد. بالادست پل آجری، پلی تخته‌ایست.[۲] درسال ۹۱۲ ظاهراً به‌جای این پل آجری پل چوبین بوده است. صاحب تاریخ خانی می‌نویسد که زمانی که سلطان هاشم‌را سربازان سلطان احمدخان تعقیب می‌کردند، درلنگرود از پلی چوبین گذشت و برای اینکه وقفه‌ای درکار دنبال کنندگان پیدا شود، تخته‌های این پلرا کشیدند.[۳]

۱ـ این فرمان بر کاغذ ابریشمی ساده وبدون حاشیه‌بندی است وبه‌اندازهٔ ۶۶ × ۴۶ سانتیمتر است. ۲ و ۳ـ گیلان را ببنو، ص ۳۴۲ متن وحاشیه.

این پل امروز فشکالی محله را به محلهٔ راه‌پشته مربوط می‌کند و برسر راه قدیمی لنگرود به‌لاهیجان نیز بوده است. سطح بالائی پل شامل سه قسمت اصلی است. دروسط سطحی صاف ودر دوطرف شیبی تنداست. مجموع طول این سه قسمت ۳۷ متر است. پهنای پل باجان پناه طرفین ۴۶۵ سانتیمتر و پهنای جان پناه‌ها ۴۷ وبلندی آنها ازسطح پل ۶۰ سانتیمتر است.

دوطرف پل به‌جادهٔ دو طرفه که موازی جریان آب است، ختم می‌شود. برای اینکه انتهای دوشیب پل برجادهٔ اصلی سوار شود، این جادهٔ دوطرفه را از طرفین سربالا ساخته‌اند. چنین طرحی در هیچیك از پلهای گیلان تاکنون دیده نشده است.

قطرپل ازآخرین نقطهٔ تیزی طاق هشتاد سانتیمتر وبلندی آن ازسطح آب باارتفاع جهان‌پناه ۹۷۰ سانتیمتر است. باساختن یك پایهٔ اصلی در وسط رودخانه پل را به‌دو دهانه تقسیم کرده‌اند. عرض هردهانه ۱۱متراست.

طاق پل ابتدا زده شده، سپس آجرهائی در امتدادگردش طاق، از طرفین به‌اندازهٔ دوازده سانتیمتر جلوتر نصب کرده‌اند. چنین به‌نظر می‌رسد که هلال دیگری برروی طاق زده‌اند. پس‌از آن آجرهارا افقی‌چیده وپل‌را تخت کرده‌اند. (عکس شمارهٔ ۱۸۵)

درطرفین‌پایهٔ میانین‌پل، سیل برگردانی مثلث شکل است‌که درازای اضلاع خارجی آن بالغ بر ۳۳۵ سانتیمتر است. قطرپایهٔ پل که متصل به‌قاعدهٔ این مثلث است چهارمتر و بلندی این مثلث ۲۵۰ سانتیمتر است. داخل این پایه، در ارتفاع سه‌متری، دهانه‌ای باطاق جناقی است‌که پهنای آن ۱۱۸ وبلندی آن از ابتدای هلال طاق، ۲۰۸ سانتیمتراست. کف این دهانه آجرفرش است.

در بالای همین دهانه، درگاه دیگری است‌که تقریباً به‌همان اندازه است و طرفین‌آن دوطاقچهٔ بزرگ است. ابتدای این دهانه، درگاه مانند وسپس‌این‌درگاه را جمع کرده وعرض آن را به‌پنجاه سانتیمتر رسانده‌اند. جهت دیگر این‌دهانه

نیز به‌همین‌ترتیب است . بالای دو طاقچهٔ کوچك ، سطحی از آجرهای پل را عقب نشسته‌اند وظاهراً محلی برای کتیبه ساخته‌اند .

پل آجری کوچکی
نزدیك خشت پل بزرگ لنگرود

نزدیك خشت پل بزرگ لنگرود ، برروی نهری‌که فاضل‌آب استخری‌است که‌آب‌آن ازیکی ازنهرهای سفیدرود است ، پلی‌آجری‌کوچك ساخته‌اند تامحلهٔ راه‌پشته در امتداد رودخانه راه داشته باشد . طاق این پل خراب شده ودیوارهای دوطرف آن‌باقی‌است . ظاهراً حاجی‌موسی نامی ازاهالی لنگرود ، یك‌بار طاق این پل را مرمت کرده است .

مسجد کاسه‌گر محله
درکاسه‌گر محلهٔ لنگرود رانکوه

مسجدکاسه‌گر محله مسجدی‌است نوبنیاد ولی در ورودی‌آن متعلق‌به‌مسجد آبیرام (= آقا بهرام) در سبزه‌میدان لنگرود بوده است که در دوران نوسازی لنگرود یعنی سالهای ۱۱-۱۳۱۰ شمسی ، شهرداری لنگرود این مسجد را مانند گنبد پیربهادر خراب کرد. در این‌مسجد خراب شده را حاجی‌احمدخان پسر آقا بهرام به‌منزل خود برد ومدتی درآنجا نگاه‌داشت. چندی بعدآقای محمدحسین‌زاده بانی خیرشدند ومسجدکاسه‌گر محله را بنا کردند وچون خبرداشتند که چنین دری درمنزل حاج احمدخان است نزد نامبرده رفتند ودر را طلب‌کردند که‌دراین مسجدنوبنیاد از آن استفاده کنند. حاج احمدخان هم در را به‌ایشان سپردوایشان آن درقدیمی را در ورودی این مسجد کردند.[۱] این در شامل دولنگه ویك چهارچوب ویك دماغه است . بائوهای سمت راست وچپ و کلاه چهارچوب بهم‌خورده‌و نوساز است . دماغهٔ در نیز قدیمی نیست . احتمال دارد که بر کلاه چهارچوب در ، تاریخی داشته که فعلا ازمیان رفته است . دولنگهٔ درکنده‌کاری است ، اما

۱ــ این‌جریان را خودآقای محمدحسین‌زاده که‌دوران کهولت راطی‌می‌کردند، گفتند.

تخته‌های مربع شکل داخل تنکه‌ها، بدون نقش است. پهنای این در با درنظر گرفتن چهارچوب ۱۲۵ و بلندی آن ۲۰۰ سانتیمتر است.

این عبارات بر لنگهٔ سمت راست حک شده است:

بر پاسار بالای این لنگه:

«لااله الاالله.»

بر بائوی سمت چپ همین لنگه:

«یامن هورب ـ کلشییء و یامن هواله ـ کلشییء یامن هو ـ خالق کلشییء یامن هو ـ صانع کلشییء.»

بر پاسار پایین همین لنگه:

«یامن هو قبل کلشییء یامن.»

بر بائوی سمت راست همین لنگه:

«هو بعد کلشییء ـ یامن هو فوق کلشییء ـ یامن هو عالم کلشییء ـ یامن هو قادر علی کلشییء ـ یامن هو یبقی و یفنی کلشییء.»

بر چهار پاسار میانین همین لنگه:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم ـ قل هوالله احد الله الصمد ـ لم یلد و لم یولد و لم یکن ـ له کفواً احد.»

بر لنگهٔ سمت چپ این عبارات خوانده می‌شود:

بر پاسار بالای این لنگه:

«محمد رسول‌الله علیاً ولی‌الله.»

بر بائوی سمت چپ همین لنگه:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم ـ اللهم انی اسئلك باسمك یاالله ـ یارحمن و یارحیم یاکریم ـ یامقیم یاقدیم یاعظیم یاعلیم ـ یاحکیم [یا] حلیم سبحانك.»

بر پاسار پایین همین لنگه:

«لااله الا انت الغوث.»

بر بائوی سمت راست همین لنگه :

« الغوث خلصنا من‌النار ـ یارب یاخیرالفاتحین یا خیرالناصرین ـ یا خیرالحاکمین یاخیر ـ الرازقین یا خیرالوارثین یاخیر ـ الحامدین یاخیرالذاکرین .»

برچهار پاسار میانین همین لنگه :

«اعوذ برب‌الناس ملك ـ النـاس من شرالوسواس ـ الخنـاس الذی یوسوس فی‌صدور ـ الناس من‌الجنة والناس کتبه‌حسین .»

مسجد انزلی محله
در انزلی محلهٔ لنگرود رانکوه

سراسر مسجد نوسازی شده بود واثرقابل‌توجهی نداشت. دری نسبةً قدیمی میان کفش‌کن وبنای اصلی مسجد بود . پهنای‌آن بادرنظرگرفتن چهارچوب ۱۳۰ و بلندی‌آن ۱۷۰ سانتیمتربود .

این عبارات برلنگهٔ سمت راست حك بود :

برپاسار بالای این لنگه :

«الله لااله الاهو.»

بر بائوی سمت‌چپ همین لنگه :

«الحی‌القیوم لاتأخذه ـ سنة ولانوم له‌مافی‌ـ السموات ومافی‌الارض‌ـ من ذا الذی یشفع عنده .»

برپاسار پایین همین لنگه :

«الا بأذنه یعلم مابین.»

بر بائوی سمت راست همین لنگه :

«ایدیهم ومـاخلفهم و ـ لایحیطون بشیی‌ءمن ـ علمه‌الا بمـاشاء وسع کرسیه ـ السموات والارض .»

بر پاسار وسط همین لنگه :

«لایؤده حفظهما وهو .»

این آیات بر لنگهٔ سمت چپ حك شده بود :

برپاسار بالای این لنگه :

«وهوالعلی العظیم .»

بربائوی سمت چپ همین لنگه :

«لااکراه فی‌الدین قد ـ تبین‌الرشد من‌الغی ـ فمن یکفر بالطاغوت ـ و یومن بالله فقد .»

برپاسار پایین همین لنگه :

«استمساك بالعروة الوثقی.»

بربائوی سمت راست همین لنگه :

« لاانفصام لهـا والله ـ سمیع علیم الله ـ ولی‌الذین کفـروا او ـ لیاهم الطاغوت .»

برپاسار میانین همین لنگه :

«باباقنبر (؟) کتبه حسین رمضانعلی ۱۲۶۸.»

مسجد گلشن = مسجد آقا شیخ یحیی
در محلهٔ راه‌پشتهٔ لنگرود رانکوه

بنای اصلی مسجد مستطیل شکل است . فیلپـائی در وسط بناست وسرکشی چهارسوی پخ‌زده ، برروی فیلپاست . واشانهای‌سقف بردیوار وسرکش متکی‌است. سراسر سقف پل‌کوبی بادرز پوش زده است . ایوانی درطرف قبلی بنابوده‌که فعلا جزو مسجد شده است . بام سراسر بنـا سفال‌سراست . در ورودی مسجد قدیمی و پرکار بوده است . لنگهٔ سمت چپ آن به‌سرقت رفته است و لنگهٔ سمت راست را به‌جای لنگهٔ سمت چپ وارونه قرار داده‌اند و اخیراً روی آن رنگ زده‌اند که کار خواندن‌کتیبهٔ آن را بسیار مشکل کرده‌است. این لنگه به‌پهنـای ٦٤ وبلندی

۱۸۷ سانتیمتر است .

آنچه از این لنگه خوانده شد بدین ترتیب است : بر تنکهٔ پایین که روزی تنکهٔ بالا بوده است :

«بسم‌الله الرحمن الرحیم اللهم صل علی‌النبی الامّی العربی الهاشمی المکی المدنی القرشی. ..»

بردنبالهٔ بائوی سمت راست :

«نادعلیا مظهر العجائب تجده‌عون لك فی‌النوائب‌کل هم وغم‌سینجلی.»

برپاسار پایین همین لنگه :

«بعظمتك یا الله بنبوتك یامحمد بولایتك یاعلی یـاعلی یاعلی ادرکنی بلطفك .»

بر بائوی سمت چپ همین لنگه .

« الخفی من شرّ اعدائی برّی برّی عندك حمدی علیك معتمدی بحـق ایاك نعبدوا ونستعین .»

بر تنکهٔ وسط :

«المسدّد بالمدینه العبد الرسول المؤید المصطفی المحمود حبیب‌الله العالمین المحمود الاحمد ابی‌القاسم محمد اللهم صل‌علی‌سید....»

سنگ قبری قدیمی در گورستان وادی
گورستان عمومی شهر لنگرود

سنگی‌رسوبی به‌درازای۸۶ وپهنای۲۵ وبلندی ۳۷ سانتیمتر دراین‌گورستان است‌که برسطح بالای‌آن نقش سروحك شده است وبریك بدنهٔ‌کوچك آن‌دوموزه کنده‌اند . حاشیهٔ بالای سطوح‌جانبی سنگ ، حاشیه‌بندی دارد وبریکی‌ازبدنه‌های بزرگ آن یك بیت شعر فـارسی است‌که مصراع اول آن به اشکال بدین تـرتیب خوانده شد :

«کاش‌کان روز که درپای توشد خاراجل»

داخل سنگ را برای سبك شدن خالی کرده‌اند . نظیراین سنگ درسفید‌ـ آستانه برسر راه لنگرود به‌کیاکلایه (=شاه‌کلایه) نیز دیده می‌شود .

مسجد آقاشیخ حبیب‌الله
درمحلهٔ راه‌پشتهٔ لنگرود رانکوه

مسجد کوچکی‌است‌که ایوان‌شرقی‌آن نسبةً زیباست. این‌ایوان به‌درازای ۹٫۵ متر وپهنای ۳ متر است . طرفین این ایوان دوپایه است که بدنهٔ آن هشت ضلعی دو به‌دو برابر است . درمیان این دوپـایه پنج ستون چهارسوی پخ زده بـا سرستون است. سقف واشان‌کشی وواشانها برشیرسرهای دوطرف متکی است .روی واشانها ، پل‌کوبی بادرزپوش‌است . لبهٔ بام چهارپشته وسراسربام‌بنا، سفال‌سراست . دروروری اصلی مسجد دراین ایوان است‌که پهنای آن بادرنظر گرفتن‌چهارچوب ۱۱۵ وبلندی آن ۱۹۰ سانتیمتر است .

این عبارات برلنگهٔ سمت چپ حك شده است :

برپاسار بالای این لنگه :

«بسم‌الله الرحمن الرحیم .»

بربائوی سمت چپ همین لنگه :

«الله‌لااله‌الاهو‌ـ الحی‌القیوم لاتأخذه ـ لاتأخذه[1] سنة ـ ولانوم‌له‌مافی.»

برپاسار پایین همین لنگه وارونه نوشته شده است :

«السموات والارض.»

بربائوی سمت راست همین لنگه :

«من ذا الذی یشفع ـ عنده الاباذنه یعلم ـ مابین ایدیهم وماخلفهم‌ـ و لایحیطون بشیی‌ء .»

بریکی ازپاسارهای همین لنگه باخط نستعلیق :

«انا مدینة العلم وعلی بابها ۱۲۷۰ .»

۱ـ این دو کلمه تکرار شده است.

بر لنگهٔ سمت راست این عبارات خوانده می‌شود :

بر پاسار بالای این لنگه :

«من علمه الا بماشاء .»

بر بائوی سمت چپ همین لنگه :

« وسع کرسیه السموات [1] ـ ولایؤده حفظهما ـ وهوالعلی العظیم ـ لااکراه فی‌الدین قدتبین »

بر پاسار پایین همین لنگه وارونه حك شده است :

«الرشد من‌الغی فمن یکفر بالطا .»

بر بائوی سمت راست همین لنگه :

«و ویؤمن‌بالله فقد ـ استمسك بالعروةالوثقی ـ لاانفصام لهاوالله ـ سمیع علیم الله ولی.»

بریکی از پاسارهای میانین همین لنگه :

«انافتحنالك فتحاً مبیناً هو ۱۲۷۰ .»

مسجد جامع
درمحلهٔ درمسجد لنگرود [2]

این مسجد دوسه بار نوسازی شده واثر تاریخی قابل توجهی نداشت. بردر سابق آن این دوبیت حك بود :

«مسجدی‌بود سیصدوسی‌سال — که فروریخت از قضای اله
هـاتفی گفت بهر تـعمیرش — که مکان عبادتست اینجاه» [3]

۱ـ کلمهٔ «والارض» ازمتن افتاده است.
۲ـ درگیلان‌رابینو، ص ۳۴۲، نام این مسجد آمده است.
۳ـ این دوبیت ازگفتهٔ آقای برکاتی نقل‌شد.

گنبد پیر بهادر
درمحلهٔ بازار لنگرود نزدیك مسجد حاجی‌علی

گنبد پیر بهادر بنائی مربع‌شکل است‌که بربالای آن گنبدی است‌که‌درحال خرابی‌است . این‌گنبد نزدیك پل‌وطرف راست رودخانهٔ لنگرود است محتمل که این گنبد گور یکی‌ازسادات یاحکمرانان محلی باشد.[۱] این‌گنبد نزدیك مسجد حاجی‌علی ، در وسط بازار ، سالها باشالوده‌ای از هم پاشیده باسه‌پایه برپای بود . درسال ۱۱ـ۱۳۱۰ شهرداری لنگرود به‌خیال نوسازی، این بنای‌آجری قدیمی را که گنبدآن دوپوش وگنبد بالائی به‌شکل‌کلاه هشت‌ترك درویشی‌بود ، خراب‌کرد. امروز نشانی ازآن برجای نیست .

مسجد حاجی‌علی (مسجد سر بازار)
درمحلهٔ بازار لنگرود

مسجد نوسازی شده است واثر تاریخی‌قابل توجهی درآن نبود . دری‌مورخ ۱۲۴۱قمری داردکه‌کمی دارای ظرافت‌است . بادرنظرداشتن چهارچوب پهنای آن ۱۵۰وبلندی‌آن ۲۰۰ سانتیمتر است. (عکس شمارهٔ ۱۸۶)

این عبارات برلنگهٔ سمت راست درحك شده است :

برپاسار بالای این لنگه :

«گشاده باد بدولت همیشه این درگاه.»

برباثوی سمت چپ همین لنگه :

«اللهم یاصانعك ـ کل مصنوع یاخالق کل مخلوق یارازق کل[۲] ـ یامالك کل مملوك یانسف‌کل فارج ـ مهموم یا کل .»

برپاسار پایین همین‌لنگه :

«یا اغنی من‌کل غنی یااجود من‌کل‌کل .»

۱ـ گیلان‌دراینو ، ص ۳۴۳ ۲ـ کلمهٔ مرزوق ازکتیبه افتاده است .

بربائوی سمت راست از بالا به‌پایین:

«یا راحم مرحوم مکروب ـ یاناصر کل مخذول یـاساتر کل معیوب و یا کل ـ ملجاکل مطرود یامنهورب‌کل‌شیی‌ء یامن‌ـ هواله‌کل‌شیی‌ء یا صانع کل.»[1]

برتنکهٔ بالای همین لنگه:

«انا مدینة العلم وعلی بابها.»

برسه پاسار میانین همین لنگه:

«یااقرب‌کل قریب یااعبر من‌کل عبیر یاابصر من کل ـ یااجبر من‌کل جبیر یااشرف من‌کل شریف کل بصیر ـ یاارفع من کل رفیع‌یااقوی من کل قوی.»

عباراتی که برلنگهٔ سمت چپ درحك شده است:

برپاسار بالای این لنگه:

«بحق اشهدأن لااله الاالله.»

بربائوی سمت راست از پایین به‌بالا:

«یامنهو رب کل شیی‌ء ـ یامنهوله کل شیی‌ء یامنهوخالق‌کل شیی‌ء ـ یامنهوصانع کل شیی‌ء یامنهوقبل‌کل شیی‌ء ـ یامنهوبعد کل شیی‌ء.»

بربائوی سمت چپ همین لنگه، از پایین به‌بالا:

«یامنهوا فوق کل کل ـ شیی‌ء یامنهو عالم کل‌عالم یامنهوقـادر کل‌ـ علی کل‌شیی‌ء یامنهویبقی‌ویفنی‌کل شیی‌ء ـ یااعلم من‌کل‌علیم.»

برپاسار پایین همین لنگه:

«الیه کل یامن شیی‌ء یامن یسبح بحمده کل شیی‌ء.»

برتنکهٔ بالای همین لنگه:

«انامدینة العلم وعلی بابها.»

۱ــ نویسنده و کنده‌کار درنوشتن و کندن این کتیبه‌ها بی‌دقتی‌نشان داده‌اند.

بر سه یاسار میانین همین لنگه :

«یامن خاضع کل شیئء له یامن موکل کل شیئء ـ یامن کل شیئء مسیب الیه یامن خالق کل شیئء ـ یامن قائم کل شیئء به یامن ضار کل شیئء.»[1]

بر دماغهٔ لنگهٔ سمت چپ :

«عمل استاد عبدالرحیم ـ بتاریخ شهرشعبان المعظم سنه ۱۲۴۱.»

بر میان کلاه چهارچوب :

«بسم‌الله الرحمن الرحیم انامدینة العلم وعلی بابها الله محمد...»[2]

مسجد حاجی محمدخان امینی لنگرودی
در راستهٔ زرگرهای لنگرود

مسجد امینی، مسجدی‌است بزرگ وباورنق . درخود مسجد اثری دیده‌نشد. این مسجدرا حاجی محمدخان اگنطی (=اگند)[3] امینی‌متوفی۱۳۰۲ شمسی‌تجدید بنا کرده‌است . درحیاط مسجد اطاقی است‌که مقبرهٔ خانوادگی‌امینی است . سنگی بردیوار این اطاق نصب است که این مثنوی بر آن حك شده است :

چه ماه قوس آمد بار دیگر — جهان پیر از نو شد مکدّر

خزان بگرفت‌گیتی را درآغوش — شده سرو چمن از غصه مدهوش

عروسان چمن از بیقراری — بتن کردند رخت سوگواری

شدند مرغان زباغ و راغ‌محروم — نیاید صوتشان جز نالهٔ بوم[4]

چه‌گل‌ازگلستان شد صوت بلبل — ازین پس نشنوی در شاخهٔ گل

زبستان این مصیبت سربدر کرد — به‌فامیل اگنطی هم اثر کرد

همان حاجی‌محمدخان‌که بودی — یگانه خیرخواه لنگرودی

یگانه خیّر از خود بیخبر بود — به‌ایتام زن بیوه پدر بود

۱ــ کلمات درهم‌ریخته ولایقرء است ومفهوم درستی‌ندارد. ۲ــ دنبالهٔ این قسمت خوانده نشد. ۳ــ همان‌کلمهٔ انگلیسی agent است باتلفظ روسی‌به‌معنی‌نمایندهٔ تجاری.
۴ــ بیتی سست است.

زراه بذل و بخشش بی‌قرین بود
کفش همچون صدف در ثمین بود[1]
از آنجائیکه دنیا دار فانی است
فقط اعمال نیکو جاودانی است
شب پنجشنبه کمین آخر شب(؟)
هزار وسیصد و دو برج عقرب
ندای ارجعی آمد زلولاك
برفت از این جهان بانیّت پاك
ز خود بگذاشت آثاری موقر
بنای مسجد و محراب و منبر
همیشه نام او پاینده باشد
نمیرد این چنین کس زنده باشد

حاجی محمدخان پسری به‌نام حاج حسینعلی محتشم دیوان امینی داشت که او نیز درسال ۱۳۰۸ شمسی فوت ودرهمین مقبره به‌خاك سپرده شده است. پسر محتشم دیوان، علی امینی است که او نیز درسال ۱۳۳۸ شمسی روی درنقاب خاك کشیده ودرهمین مقبره مدفون است.

زیلوهای مسجد امینی، دراردکان یزد بافته‌شده وبرحاشیهٔ آنها این‌عبارات دیده می‌شود:

«وقف نمود حاجی حسینعلی محتشم امینی برمسجد مرحوم حاجی محمدخان اکنط درلنگرود بسعی حاجی‌آقا علی اردکانی سنهٔ ۱۳۴۶.»

حاجی یحیی پردسر[1]

برِرودخانهٔ میان لیالستان ونالکیاشر

راه قدیمی لاهیجان به‌لنگرود، قبل ازاینکه به‌دستور شاه عباس کبیر راه شاهی ساخته شود، بدین‌قرار بود:

لاهیجان ـ لیالستان ـ نالکیاشر ـ کوشالشا ـ سیاهکل ده ـ لوکلایه ـ حاجی ابراهیم ده ـ لنگرود.

این پل‌آجری را حاجی یحیی نامی‌بناکرده است. درازای آن ازسرتیزی

۱ـ ابیاتی سست وبی‌معنی‌است.
۱ـ بضم پ وکسر دال.

جناق طاق یازده متراز طرفین است که مجموعاً به‌بیست و دومتر می‌رسد. بلندی تیزی جناق طاق تاسطح آب ۶۵۰ سانتیمتر وعمق آب در تاریخ ۳ر۴ر۵۰ سه متر است. پهنای پل بادرنظرگرفتن پهنای جان‌پناهها ۳۸۳سانتیمتر وپهنای هرجان‌پناه ۳۵ سانتیمتر است. این پل شامل یك دهانهٔ اصلی در وسط به‌پهنای ۹۹۰ و دو دهانهٔ کمکی درطرفین که هریك به‌پهنای ۲۱۰ سانتیمتر است. سطح پل سنگ‌ـ فرش است. معمار دراول طاقهای دهانه‌را زده وسپس آجرهارا درامتداد آجرهای طاق دوازده سانتیمتر جلوتر قرار داده است. چنین به‌نظر می‌رسدکه طاق‌دیگری برطاق اصلی زده شده است. سپس آجرها را مسطح قرار داده و پشت طاقهـا را پرکرده است. در دوطرف دهانهٔ اصلی دو سیل برگردان درجهت موافق ومخالف مسیرآب ساخته‌اند. اندازهٔ آجرهای پل، ٤ X ۲۰ X ۲۰ سانتیمتراست. (عکس شمارهٔ ۱۸۷)

بقعهٔ آقاسید حسن بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ لیالستان لاهیجان[1]

بنای اصلی بقعه مربع شکل وبه‌ابعاد ۵۵۸ X ۵۵۰ سانتیمتر است. چهـار طرف ایوان دارد. پهنای هریك از ایوانها ۲٤۰ سانتیمتر است. هرایوان هشت ستون چهارسوی پخ‌زده ولاج‌لنگری دارد. درهای ورودی بقعه‌شرقی وغربی‌است. بـالای در شرقی خفنگی چوبین مشبك ودوطرف در نیز دو خفنگ چوبین مشبك است. برجدار دیوارهای داخلی وخارجی بقعه، مجالس‌نقاشی مذهبی کارمشهدی آقاجان ولد مرحوم استاد غلامحسین لاهیجانی است. صندوقی چوبین و ضریحی مشبك چوبین، درمیان بنای اصلی، مرقدرا پوشانده‌است. سقف بقعه‌واشان‌کشی‌و لمبه‌کوبی با درزپوش است. سقف ایوانها، واشان‌کشی و پل‌کوبی بادرزپوش زده است. لبهٔ بام سه‌پشته وسراسر بام‌بنا، سفال‌سر است.

۱ــ این آبادی طرف‌راست رودخانهٔ لنگروداست ودرتقسیمات جزوخاك‌لاهیجان‌است.

درمیان نقاشیهای ایوان این‌عبارات به‌چشم می‌خورد :

«بانی بقعه متبرکه جناب مشهدی سید آقا مباشر ولد مرحوم آقاسید کاظم لیالستانی یونت‌ئیل سنه ۱۳۲٤.»

درمحوطهٔ بازاطراف بقعه ، درختان آزاد تنومند زیاد است .

علم بندی این بقعه چهارم محرم و علم واچینی عصر دوازدهم محرم است .

بقعهٔ آقاسید محمد مشهور به‌سفیدآستانه
برسمت راست جادهٔآسفالته دراراضی کیاکلایه (=شاه‌کلایه) لنگرود ۱

در بنای اصلی بقعه ، اثری تاریخی به‌چشم نخورد . سنگ قبر کوچکی در بقعه بود که این عبارات بر آن خوانده می‌شد :

«وفات مرحوم شهربانو بنت مرحوم قربانعلی ۱۲۵۵ . نشانه‌ها : مهر ، تسبیح ، آفتابه ، قیچی ، دو انگشتر ، بینیکی وهکن وکن .»

درمحوطهٔ بازجلو بقعه ، سنگ‌قبری‌قدیمی‌است به‌درازای۱۷٤وپهنای۵۵ و بلندی۵۰ وقطر۱۰سانتیمتر. میان سنگ را برای‌اینکه سبك شود خالی‌کرده‌اند. برحاشیهٔ بالای آن آیةالکرسی دورتا دور حك شده است. چون سنگ‌راواژگون کرده‌اند وازآن برای‌آبشخور استفاده می‌کنند ، مطالب روی سنگ خوانده‌نشد. (عکس‌شمارهٔ۱۸۸) نظیر این سنگ درگورستان وادی لنگرود نیزدیده شد.

علم بندی سفیدآستانه تابع قصاب محلهٔ لنگرود است که درشب هفتم‌محرم علم را می‌بندند . مراسم علم‌بندی درمحلهٔ راه پشتهٔ لنگرود شب هشتم ودرفشکالی محله شب نهم محرم برپامی‌شود .

بقعهٔ آقا سیدجواد بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ موبندان لنگرود

بنای اصلی بقعه شامل اطاقی است به‌درازای ۵ وپهنـای ٤٫۵ متر. ضریحی

۱ــ درگیلان رابینو ص ۳۴۳، ازاین بقعه‌یاد شده است.

مشبك چوبین به‌درازای ۲۲۰ و پهنای ۱۱۸ و بلندی ۱۲۵ سانتیمتر در وسط اطاق است. سرکشی درمیان سقف بقعه‌است که واشانها بر آن متکی‌است. بالای واشانها پل‌کوبی نادرز پوش‌است. بقعه دارای دو در شمالی وجنوبی‌است که هردوبه‌ایوان بازمی‌شود. در دوطرف غرب وشرق نیزایوان بوده‌است که فعلا جلوآنهارا باآجر چیده و به رواق تبدیل کرده‌اند.

هفت اصله درخت‌آزاد، درمحوطهٔ باز بقعه است که محیط یکی‌از آنها بالغ بر ۴۶۰سانتیمتر است.

بقعهٔ آقا سید کریم
در دهکدهٔ شلمان لنگرود

بنای اصلی بقعه ازخارج چهار ضلعی به‌ابعاد ۵۲۵ × ۵۰۰ سانتیمتر است. ضریحی مشبك چوبین ازچوب آزاد به درازای ۲۶۰ وپهنای ۱۸۵ وبلندی ۱۷۵ سانتیمتر مرقد را پوشانده‌است. سقف ضریح مسطح وچوبین است. بقعه دارای دو در ورودی درایوان شرقی وجنوبی است. طرف غربی بقعه ایوانی ندارد. سایر ایوانها به‌درازای ۹ متر و پهنای ۱۶۰ سانتیمتر است. ایوانها دارای ستونهای چهارسوی پخ زده باسرستون است. ایوان شرقی شش ستون، ایوان شمالی پنج ستون وایوان‌جنوبی نیزپنج ستون دارد. سقف بقعه وایوانها واشان‌کشی وپل‌کوبی است. لبهٔ بام سه‌پشته وسراسر بام‌بنا، سفال‌سر است.

بقعهٔ آقا شیرستون‌الدین
در دهکدهٔ شلمان لنگرود

بنای اصلی بقعه چهار ضلعی است. ضریحی مشبك چوبین در میان بناست. دو در ورودی درایوان جنوبی وغربی است. چهار خفنگ چوبین مشبك درچهار طرف بناست. برجدار داخلی وخارجی دیوارهای بنا، مجالس مذهبی نقاشی‌شده‌و اشعاری از هفت‌بند محتشم کاشانی برحاشیهٔ بالای آنهاست. در ایوان جنوبی

سنگ قبری به پهنای ۳۸ و بلندی ۵۵ سانتیمتر قرار دارد که این اشعار بر آن حك است :

« از مدادش اشك حسرت ریزد از چشم دوات
زار می‌نالد قلم از دوریش مانند نی
چرخ کو[ئی] دایماً در قصد جان آدمیست
دست رد نگذارد این نامهربان بر هیچ‌شیء
میدهد این بیوفا تخت سلیمان را بباد
میرباید تاج شاهی از سر کاوس کی
دوش کردم جستجو در خلوت دل هر طرف
از پی تاریخ سال فوت آن فرخنده پی
ناگهان آمد یکی و بهر تاریخ وفات
گفته شد محشور صادق با نبی و آل وی
نشانه‌ها : مهر، تسبیح و شانه . ۱۱۷۲ »

بقعهٔ شاه اولیا
در دهکدهٔ خاله‌جیر لنگرود رانکوه

بنای اصلی بقعه چهار ضلعی است . ستونی قدیمی و قطور از چوب آزاد در میان بناست . پائین آن چهارسو ومیان آن هشت‌ضلعی است و سرستونی درازو جالب نظر دارد که به‌جای سرکش ازآن استفاده شده است. دو در ورودی شرقی‌و غربی در دو ایوان باز می‌شود . ستونهای ایوانها چوبین چهارسو با سرستون‌است. سقف آنها واشان‌کشی وپل‌کوبی با درزپوش زده است. لبهٔ بام دوپشته و بام‌سراسر بنا،سفال‌سر است . درمحوطهٔ باز اطراف بقعه ، درختان‌آزاد کهن ودرختان پلت ، للیکی ، انار وکیش دیده می‌شود.

خشت پل ولیسه [1]
در دهکدهٔ ولیسهٔ لنگرود رانکوه

در پنجاه متری شمال پل کنونی آهنی و سیمانی رود ولیسه، [2] آثار پل آجری قدیمی در دو بدنهٔ رودخانه دیده می‌شود. بدنهٔ سمت راست فعلا خوابیده و بدنهٔ سمت چپ برپا بود.

مسجدی قدیمی
در دهکدهٔ فتیده لنگرود رانکوه

بنای اصلی مسجد نوسازی شده است. در ورودی مسجد در ایوان شرقی است که ایوانی بسیار قدیمی است. درازای آن ۱۱٫۵ متر و پهنایش ۲۳۰ سانتیمتر است. دو خفتنک مشبك چوبین ظریف در این ایوان است. در دو کنج ایوان، دو پایهٔ آجری چهارگوشه به ابعاد ۸۰ × ۸۰ سانتیمتر است و نه ستون چوبین چهارسوی پخ زده با سرستون میان آنهاست. تکائلی مشبك چوبین جلو ایوان است و در ورودی ایوان نیز مشبك و چوبین است. سقف ایوان واشان‌کشی و پل کوبی با درزپوش زده است. واشانها از طرفین بر شیرسر متکی است. لبهٔ بام یك‌پشته و سراسر بام ایوان و مسجد، سفال‌سر است.

در ورودی شرقی مسجد از درهای مسجد آقا بیرام (=بهرام) یا مسجد حکومتی محلهٔ سبزه‌میدان لنگرود است که معلوم نشد به‌چه طریق به‌اینجا رسیده است. پهنای این در ۱۳۸ و بلندی آن ۱۹۸ سانتیمتر با درنظر داشتن چهارچوب است. این در نسبةً ظریف و پرکار است. (عکس شمارهٔ ۱۸۹)

این عبارات بر لنگهٔ سمت راست در حك شده بود:

بر پاسار بالا:

۱ــ در متن انگلیسی سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو ص۱۷، ازاین پل یاد شده‌است. ۲ــ آب رود ولیسه به‌شلمان‌رود می‌ریزد.

«ان ربکم الله الذی.»

بر بائوی سمت چپ این لنگه:

«خلق السموات ـ والارض فی ستة ایام ثم ـ استوی علی العرش ـ یغشی ـ اللیل.»

بر پاسار پایین همین لنگه:

«النهار یطلب حثیثا و.»

بر بائوی سمت راست همین لنگه از پایین به بالا:

« والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الاله ـ الخلق والامر تبارک الله رب ـ العالمین ٥.»[1]

برسه پاسار میانین همین لنگه:

« ادعوا ربکم تضرعاً وخفیةً ـ انه لا یحب المعتدین ٥ ـ ولا تفسدوا فی الارض بعد »[2]

عباراتی که بر لنگهٔ سمت چپ همین در خوانده می‌شود:

بر پاسار بالا :

«الله نور السموات والارض.»

بر بائوی سمت چپ همین لنگه:

«مثل نوره ـ کمشکوة فیها ٥ ـ مصباح المصباح فی زجاجة ـ الزجاجة کانّها .»

بر پاسار پایین همین لنگه:

«کوکب دری یوقد من .»

بر بائوی سمت راست همین لنگه:

« شجره مبارکة ـ زیتونه لاشرقیة ولا غربیه ـ یکاد زیتها یضیء و لولم ـ تمسسه نار نوره ٥ [کذا].»

۱ـ سورة الاعراف ۷، آیة: ۵۴.   ۲ـ سورة الاعراف ۷، آیة: ۵۵ وقسمتی از آیة: ۵۶.

برسه پاسار میانین همین لنگه:

«علی نور یهدی‌الله لنوره - من یشاء و یضرب‌الله الامثال للناس - والله بکل‌شییء علیم کتبه حسین بن طاهر رحیم ۱۲۸۰.»

سنگ قبری در قلهٔ آهنکوه (اتاکوه)

این سنگ متعلق به‌قبر میرزا محمد رضای محلاتی منشی میرزا عیسی‌خان منجم باشی پسر میرزا مهدی‌خان منجم باشی بود و تاریخ ۱۲۶۵ قمری بر آن خوانده می‌شد. گور این مرد را به‌خیال یافتن گنج شکافتند و سنگ را از محل حرکت دادند. امروز اثری از آن به‌جای نیست.

کهنه حمام
در یکی از باغهای چای کوملهٔ رانکوه

اهالی می‌گفتند که آب این حمام با گنگ از پرش‌کوه می‌آمده است. مصالح اصلی بنای حمام آجر و ملاط آن چیزی مانند ساروج سفید بود. دو دیوار قطور که میان آن دو، حوضی مستطیل شکل بود و متصل به‌یکی از دیوارها و دیواری نیم‌دایره شکل، دیده شد. کف حمام کاشی‌کاری و دیوار آن سفیدکاری بوده‌است. (عکس شمارهٔ ۱۹۰)

خشت پل شلمان‌رود
برسر راه قدیم بر روی رودخانهٔ شلمان

آثار این پل آجری درصدمتری جنوب پل آهنی و بتونی کنونی دیده‌می‌شود. ظاهراً چهاردهنه داشته‌است. پس‌از ریختن طاقهای آن، بالای پایه‌هارا باالوار و تخته پوشانیده بوده‌اند.

راههای لنگرود

۱- راه اصلی لنگرودکه دنبالهٔ راه‌کناره است، ازلاهیجان به‌لنگرود و از

لنگرود پس‌از گذشتن‌ازدریاسر وشلمان به‌رودسرمی‌رسد. فاصلهٔ‌این راه‌ازلنگرود تا رودسر چهارده کیلومتر است .

۲ـ راه‌کومله که از لنگرود شروع می‌شود، درآبادی کلیدبرمی‌پیچد و به کومله می‌رود . فاصلهٔ این راه شش‌کیلومتر است .

۳ـ راه لیلاکوه ، ازلنگرود شروع‌می‌شود وبعدازطی سه‌کیلومتر به‌لیلاکوه می‌رسد .

٤ـ راه گل‌سفید ، از دریاسر ازراه اصلی‌جدا می‌شود وسپس به‌قاضی‌محله و فتیده وپس از آن به گل‌سفید می‌رسد . فاصلهٔ این راه شانزده کیلومتراست.

٥ـ راه لنگرود به‌قزوین‌که مالرواست ، از لنگرود شروع می‌شود وپس‌از گذشتن از کومله وخرشتم واملش وبلاردکان ، در راه شاه عباسی می‌افتد وبالاخره از مرّبو وکلیشم می‌گذرد وپس ازطی رودبار به‌قزوین می‌رسد .

٦ـ راه بندبن، ازلنگرود به‌لیلاکوه وملاط وپرش‌کوه و کومله می‌رود .

باقی بناها و آثار تاریخی لنگرود و حومهٔ آن

۱ـ بقعهٔ پیرملا یابقعهٔ‌کوچك درمحلهٔ درب مسجد لنگرود. (گیلان‌رابینو، ص ۳٤۲)

۲ـ دوتکیه درمحلهٔ درب‌مسجد لنگرود. (گیلان رابینو،ص ۳٤۲) این دو تکیه نزدیك مسجدجامع‌بود. هردورا در دوران نوسازی خراب کرده‌اندوبه‌جای آنها دکان ساخته‌اند .

۳ـ سبزه‌میدان‌درفشکالی‌محلهٔ لنگرود . رابینو می‌نویسدکه این‌میدان‌سابقاً (قبل از سال ۱۳۳۱ هـ ق.) وسیع بوده است . براثر تجاوزات خاندان منجم‌باشی خیلی محدودتر از سابق شده است . (گیلان رابینو، ص۳٤۳) بیشتر اراضی آن امروز تبدیل به‌مدرسه شده است .

۴ـ خانه‌ای آجری درکی‌کلایه.[1] (گیلان‌رابینو،ص۳۵۳) امروز این‌خانه دردست آقای میرزائی است وآثار قابل ملاحظه‌ای نداشت.

۵ـ مسجد کیاکلایه درکیاکلایهٔ لنگرود.(گیلان رابینو، ص ۳۵۳) آثارقابل ملاحظه‌ای نداشت.

۶ـ پل آجری کیاکلایه ، دریك کیلومتر و نیمی مشرق لنگرود.(گیلان‌رابینو، ص ۳۵۳) آثار ناچیزی ازآن بجای مانده بود.

۷ـ بقعهٔ آقا سیدعلی کیا در دهکدهٔ نالکیاشر لنگرود.

۸ـ بقعهٔ آقا سید حسین در دهکدهٔ نالکیاشر لنگرود.

۹ـ بقعهٔ آقاسید عبدالله درفشکالی محلهٔ لنگرود.

۱۰ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ کوشالشاده لنگرود.

۱۱ـ بقعهٔ سیدعلی‌کیا درمحلهٔ راه پشتهٔ لنگرود.

۱۲ـ بقعهٔ آقا سید زینب درفشکالی محلهٔ لنگرود.

۱۳ـ بقعهٔ آقا سیدمحمدبن موسی‌الکاظم علیه‌السلام درقصاب‌محلهٔ لنگرود.

۱۴ـ بقعهٔ آقـا سید محمد در محلهٔ سبزه‌میدان لنگرود. (گیلان رابینو، ص ۳۴۳) اثر قابل ذکری نداشت.

۱۵ـ مسجد اعرابی (عرب زاده) درمحلهٔ سبزه‌میدان لنگرود.

۱۶ـ بقعهٔ آقاسید رضـا بن‌موسی الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ چـالکیاسر لنگرود.

۱۷ـ بقعهٔ آقاسید خلیل درمحلهٔ راه‌پشتهٔ لنگرود. این‌بقعه سراسر نوسازی شده‌بود. دو درخت‌آزاد به‌محیط ۴۴۱ و۵۱۰سانتیمتر درمحوطهٔ بقعه بود.

۱۸ـ مسجد وبقعهٔ آقا سیدعلی کیا درآن‌سر محلهٔ لنگرود. هردو نوسازی شده بود.

۱ـ کی‌کلایه = کیاکلایه = شاه کلایه. نام این‌محل درزمان اعلیحضرت فقید رضا شاه پهلوی به«شاه کلایه» تبدیل شد.

۱۹ـ مسجد و بقعهٔ آقا سید محمد در رکبج‌محلهٔ لنگرود. هردو نوسازی شده بود.

۲۰ـ بقعهٔ سیدعلی‌کیا در رودپس. رودپس بعداً قاضی‌کلایه وپس از آن به قاضی‌محله معروف شد.

۲۱ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ جیربیجار لنگرود.

۲۲ـ مسجد سیدخرم کیا درسیاهکل ده چهار کیلو متری لنگرود از راه کنار رودخانه.

۲۳ـ بقعه‌ای درسیگارود شلمان لنگرود.

۲۴ـ بقعهٔ سید جلال دربالامحلهٔ شلمان لنگرود.

۲۵ـ آستانه ومسجد گاوه‌سرا(=گواسرا)ی رانکوه.

۲۶ـ بقعه ومسجدی در خلیفه محله (=گلستان محله) دربالا محلهٔ شلمان رانکوه.

۲۷ـ بقعه‌ای درچینجان رانکوه.

۲۸ـ خشت‌پل‌لوکلایه درحدود یك کیلومتری گورستان پشت‌وادی‌لنگرود.

بقعهٔ دوازده تن
مقبرهٔ خانوادگی سلسلهٔ کیائی
در دهکدهٔ ملاط رانکوه [1]

همسر سید محمدکیا، در سال ۸۲۰ هـ. ق. بمرد ودر ملاط که مهد سلسلهٔ امیر کیا ملاطی‌بود، به‌خاك سپرده‌شد. شوهرش گنبد مرتفعی‌برگور اوبرافراشت و خود بعدها در همین‌جا روی درنقاب خاك کشید. سید محمد دراینجا قصرومسجد جامع، سراهائی‌ازآجروسنگ وگل، برای‌مسافران واسطبلهای سفال‌سروخانقاه و بازار واستخر ساخت و اطراف آن را بانشاندن درختان مختلف به‌باغ تبدیل‌کرد.

۱ــ ملاط:ده ازدهستان مرکزی‌بخش‌لنگرود شهرستان‌لاهیجان، چهارکیلومتری‌جنوب لنگرود وسه‌کیلومتری لیلاکوه. (فرهنگ جغرافیائی‌ایران)

سید ظهیرالدین مرعشی درباره‌ٔ این بناها و آبادانی چنین می نویسد:

«در آن مابین والدهٔ فرزندان عظام ایشان دعوت حق رالبیك اجابت فرمود. واز آن سبب بسیار ملالت به‌خاطرمبارك راه یافت ونعش مبارکش را به‌قریهٔملاط نقل کرده، دفن کردند. وجهت آن مرحومهٔ مغفوره مشهد عالی بفرمودند تمام کردن. وخودنیز اکنون همانجا مدفونند وبعداز آن عمارات ملاط را به‌اهتمام‌تمام بنیاد نهادند وقصری درغایت لطافت و مسجدجامع درغایت نزاهت، تمام ساختندو خانه‌های چند جهت متردّدان و ابناء سبیل مجموع را از سنگ وگل تمام‌کردند. وطویله‌های‌اسپان واستران به‌اتمام فرمودند رسانید وغماء مجموع‌را باز به‌سفالوی سرخ بپوشانیدند. وگرداگرد مشهد مبارك، دیواری از سنگ در غایت محکمی احداث فرمودند وغماء آن‌را به‌سفالوازآب باران محفوظ ساختند ودرون‌مشهدرا درختهای نارنج و ترنج ولیمو وآبی وآلو بنشاندند و آن موضع را رشك جنت نعیم وخلدبرین‌گردانیدند وحفّاظ را وظایف‌تعیین نموده تاشب‌وروز به‌تلاوت‌قرآن مجید مشغول باشند و اکنون نیز هستند.

وخانقاهی بساختند وامر کردند که صبح وشام را به‌فقـرا ومساکین وابناء السبیل آش بدهند وبردر مسجد حفرچاه آب فرمودند وگوراب بغایت خوبی بفرمودند ساختن ومدرسه‌ای طرف غربی آن گوراب ومسجدتمام کردند. ومرتبهٔ دیگر شیب ازآن‌گوراب،گورابی دیگر بساختند و چاه آبی برسرراه فرمودند کندن تا درتابستان‌که آب رودخانه‌گرم می‌شود، ابناءالسبیل ومتوطنان آن مقام، از آن آب بنوشند وبرسرآن گوراب، دکانهای چند فرمودند ساخت و مردم صنعت‌کار، از هرنوع آنجا بنشاندند وباغ وسیعی‌بنیاد کردند واز هرنوع‌میوه‌های خوب وانگورهای لطیف بفرمودند نشاندن وجهت آب‌خور برنجار ومزارع سکان آن‌مقام، برکه‌ای عظیم بساختند، چنانکه‌مزرعهٔ آن قریه‌وسایر قرا که درحوالی آن قریه‌اند ازآن متمتع و برخوردار گشتند.»[۱]

۱ــ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص۱۴۱ و۱۴۲.

دهکدهٔ ملاط در دامنهٔ کوههای جنوبی لنگرود واقع شده است. این کوهها از نظر وضع طبیعی دارای موقعیت نظامی می‌باشند و شك نیست که سیدعلی کیا و بازماندگان او نیز از همین نظر بدین منطقه روی آورده‌اند. شاید روزی مسکن اصلی سادات کیائی در این دهکده بوده است. در شمال شرقی ملاط استخری است که تاامروز به‌نام «علی کیا استلخ» معروف است.

بقعهٔ ملاط که درهمین‌دهکده بناشده، شامل بنائی مربع‌شکل است که هرضلع آن به‌یازده متر می‌رسد. (عکس شمارهٔ ۱۹۱) چهار طرف آن را ایوانی فراگرفته است. پهنای ایوان شمالی سه‌متر و پهنای ایوان‌شرقی و غربی ۲۴۰ سانتیمتر و پهنای ایوان جنوبی یك متر است. هریك از ایوانها دوازده ستون چوبین چهارسو دارد. بردیوارهای ایوانها نقاشیهای مذهبی است. پله‌های ورودی به‌ایوان شمالی درزاویهٔ شمال‌غربی تعبیه شده است. در ورودی بقعه به‌طرف‌شمال ودری نیز به‌طرف مشرق داردکه فعلا بسته است. داخل بقعه درزاویهٔ شمال غربی، سکوئی است وروی آن سنگی است که براثرمالیدن سنگ‌دیگری برآن، گودشده است وفعلا به‌مقداریك استکان آب داخل این گودی می‌ریزند وسنگ دیگررا در داخل گودی‌می‌سایندو رنگ آب سفید رنگ می‌شود. معتقدین اظهار می‌دارندکه تبدیل به‌شیر می‌شود. این شیر را به‌مرضی می‌دهند تابهبود یابند.

دوازده قبر در دو ردیف دراین بقعه هست. دریکی ازقبرهای ردیف‌غربی دوتن پهلوی یکدیگر دفن شده‌اند ودر هریك از مابقی قبرها یك تن آرمیده است. در ردیف شرقی دوقبر متصل بیکدیگر است، سپس یك قبر منفرد است و پس ازاین، دوقبر در امتداد هم قرار گرفته است. مجموع افرادی که در این بقعه‌آرمیده‌اند به‌دوازده نفر می‌رسد و به‌همین مناسبت این‌بقعه را «دوازده‌تن» نیز می‌گویند. نام این دوازده تن چنانکه در زیارتنامه آمده است به‌این قرار است: سیدعلی‌کیا وسید محمدکیا دوپسر امام زین‌العابدین، سیدیوسف، سیدیونس، سید حسن، سید مظفر، سید موسی، سیدحیدر، سید صالح، سید اسکندر، سیدخاورو

سید ابوذر پسران امام پنجم امام محمدالباقرند .

چنانکه ازمتن زیارتنامه برمی‌آید دوتن ازاینان پسران امام زین‌العابدین علیه‌السلام وده تن دیگر پسران امام محمدالباقر علیه‌السلام‌اند .

سیدظهیرالدین چنین می‌نویسد ، دراینجا مسجد و حمامی نیزبوده است و ساکنان محل این موضوع را تأیید می‌کردند . چاه‌آبی را که سیدظهیرالدین یاد می‌کند ، تاامروز باقی است . درختان نارنج کهنی که امروز دیده می‌شود ، بدون شك متعلق به‌زمان‌آبادی این محل است . شاید زلزله وطاعون دوران فتحعلی‌شاه یاکمی پیش ازآن ، درخرابی و ویرانی اینجا نیز اثر داشته است .

جادهٔ شاه عباسی که از تیمجان به‌لاهیجان می‌رود ولنگرود به‌دست راست این جاده ، در کنار می‌افتد ، از وسط دهکدهٔ ملاط می‌گذرد وآثار آن تا امروز باقی است .

کسانی که در بعقهٔ ملاط به‌خاك سپرده شده‌اند

۱ـ همسر سید محمدکیا درحدود سال۸۲۰ هـ. ق.

۲ـ سیدمحمدکیا که پسرانش‌اورا در دژالموت زندانی‌کرده‌بودند ، درآنجا بمرد وجسدش رااز الموت به‌ملاط آورده ، به‌خاك سپردند . ولادت او درسال۸۲۵ درقلعه لمّسر بود.[۱]

۳ـ سلطان هاشم‌که علیه برادر زاده‌اش ـ سلطان احمدخان ـ قیام‌کرده‌بود، به‌دست سدید ـوزیرسلطان احمدخان ـ کشته شد ودرملاط مدفون شد وبرای او گنبد و بارگاهی ساختند.[۲]

دوسد و دونهر
برای شالی‌زارهای رانکوه

[سیدمحمدکیا] جهت مزارع عموم‌اهالی رانکوه، دوجوی عظیم از رودخانهٔ

۱ـ تاریخ گیلان ودیلمستان ، ص۱۴۶.   ۲ـ گیلان رابینو ، ص ۳۶۰.

پلام رود (=پلورود) حفر کرد. «یکی قریب به‌دامن کوه و بر دره‌ای که در آن مابین مانع گذر آب بود، سد محکمی بفرمودند بستند و جوی آن آب را به‌مزارع مردم آن دیار رسانیدند و شیب آن‌جو، جوی دیگر برداشته، آب را به‌رودخانهٔ گوارود رسانیدند و بر آن رودخانه سدی بسته، از آنجا بگذرانیدند و به رودخانهٔ ولیسا رود آوردند. و تقسیم آب نموده، به‌وجه‌کفاف آب را به‌قرائی که در سواحل بحر واقع است، رسانیدند.»[1]

مسجد جامع، حمام و قصر حرم سرای سید محمد کیا در کنار گوارود رانکوه

«و بعد از آن موضعی را به‌کنار گوارود انتخاب کرده، مسجد جامع احداث فرمودند و به درمسجد، میدان بزرگ بساختند و به‌طرف شرق آن میدان، بازار و دکان بنیاد کردند. و به درمسجد، حمام بنیادکرده، تمام ساختند. و بعد از آن میدان، حرم‌سرای را احداث نموده، قصر مرغوبی در آنجا انجام کردند و طویلهٔ اسپان و موضع و مسکن متردّدان و صفهٔ اهل دیوان را به سعی تمام به اتمام رسانیدند و رودخانه‌ای‌که از آب پلام رود (=پلو رود) به‌نیم فرسخی شهر جاری بود، بفرمود به‌چندقدم‌بالاتر آن رودخانه، چنان جوئی‌کنندکه‌آب‌آن به‌پهلوی آن حرم‌سرا به طرف جنوب جاری شد و آن نهر را «شیرارود» می‌گویند و اکنون (در زمان میرظهیرالدین) نیز همچنان جاریست و به‌رودخانهٔ گوارود منضم‌گشته، به دریا می‌رسد. و از آن جوی دونوع فایده تصور کرده بودند: یکی آنکه مردم شهر رودسر را از آن آب منفعتی باشد. دوم آنکه، چون به آب گوارود ملحق گردد، جهت کشتی بانان، کشتیهای بزرگ را آسان‌تر باشد که عبور به دریا نمایند و این‌دو منفعت، اعظم منافع آن رودخانه است.»[2]

۱ـ گیلان و دیلمستان، ص ۱۴۱ و ۱۴۲. ۲ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۱۴۴.

استخری بزرگ
در پایین دهکدهٔ کله‌دره

«و [امیرسیدمحمد] استلخی عظیم در پایان قریهٔ کله‌دره بنیاد کرده، به اندك مدت تمام فرمودند که مرغابیان بسیار از آنجا صید می‌کردند و مایحتاج مردم شهر از نی و علف که حصیر می‌بافند و سرخانه‌ها بدان می‌پوشانند، حاصل می‌شد.»[1]

بقعهٔ سیدابراهیم ومیرابوالحسن
در دهکدهٔ کوملهٔ رانکوه

بنای اصلی بقعه به درازی ۹۶۰ و پهنای ۵٦۰ سانتیمتر است و ایوانی غربی و به‌پهنای ۲۳۰ سانتیمتر دارد. قبر این دوتن در وسط بنا و به‌درازی ۱۹۵ و پهنای ۱۷۵ سانتیمتر است. درسال ۱۳٤٤ شمسی این بنا را نوسازی کرده‌اند. قبرستان عمومی اطراف این بقعه بود وسنگ قابل توجهی نداشت.

بقعهٔ ملامریم
در دهکدهٔ پرش‌کوه[2] رانکوه

بنای اصلی بقعه به‌ابعاد ٤٤۰ سانتیمتر است. سه طرف آن ایوان است. این بنا که روی در خرابی داشت چهل‌سال پیش به‌دست شیخ فضل‌الله صیحانی تعمیر و مرمت شد. در محوطهٔ باز بقعه درختان آزاد کهنسال و شب خسب (گل ابریشم) زیاد است. دو مسجد قدیمی نزدیك بقعه بود که آنها را خراب کرده وقصد نوسازی داشتند.

۱ــ تاریخ گیلان و دیلمستان ص۱۴۴. این نی به نام «گالی» یا «لیغ» معروف است.

۲ــ بکسر پ و راء و شین. درتاریخ گیلان و دیلمستان ص۲۳، نام این دهکده «پریشکوه» آمده‌است.

بقعه‌ای بی‌نام و نشان
در دهکدۀ مریدان ۱ رانکوه

بنای اصلی چهار گوشه و به ابعاد ۵۷۰ سانتیمتر است. سه طرف شرق و غرب وجنوب آن، ایوانهائی به پهنای ۲۳۰ سانتیمتر دارد. لبۀ جلو ایوانها لتازۀ دستك تکائل دارد. صندوقی چوبین به درازی ۲۰۰ و پهنای ۱۲۰ و بلندی ۱۳۰ سانتیمتر دروسط بنای اصلی‌است. ایوانها دارای‌ستونهای چهارسوی وسرستونهای خوش‌تراش‌است. سقف بقعه و ایوانها واشان‌کشی و پل‌کوبی‌است. سراسر بام‌بنا، سفال‌سر است.

دومسجد بزرگ با پنجره‌های ارسی قدیمی نزدیك بقعه بود که اهالی قصد داشتند خراب‌کنند ومسجدی‌نوبسازند.

بقعۀ آقا سیدعبدالله
در مریدان رانکوه

بنای اصلی بقعه۴۹۰ × ۴۲۰ سانتیمتر است که میان‌آن صندوقی به‌درازی ۱۹۰ و پهنای ۱۵۰ وبلندی۱۲۰ سانتیمترگوررا پوشانده است. مدخل اصلی بقعه در ایوان جنوبی است. پهنای ایوان جنوبی۱۲۰ وایوان شرقی۱۹۰ وایوان‌شمالی ۸۰ و ایوان غربی ۹۰ سانتیمتر است. ایوانها دارای ستونهای چوبین چهارسو با سرستونهای پرکار وزیباست. جلو ایوانها لتازۀ چوبین دارد. (عکس‌شمارۀ ۱۹۲)

مقابل در ورودی بقعه کمی به‌طرف راست، چهارچوبه‌ای به بلندی دو متر که فواصل‌پایه‌ها راچوبهائی‌چپ‌وراست‌کوبیده‌اند، دیده‌می‌شود.بام این‌بنا لت‌پوش بود. به دوچوب چپ‌وراست وسط طاق، سیمی بسته‌بودکه پیه‌سوزی سفالین چهار شاخه به‌این سیم‌آویخته‌بودند. این چهارچوبه یادآورکلکهای جنوب ایران‌است که درتکیه‌ها و حسنیه‌ها دیده می‌شود. درمحل این‌چراغ «چهارچراغ»یا«چراغ واسن» خوانده می‌شود. (عکس شمارۀ ۱۹۳)

۱ــ بضم میم و کسر راء و سکون یاء.

بقعهٔ آقا سیدخلیل و آقا سیدجلیل
در دهکدهٔ شهیدان (= شادان) رانکوه

بنای بقعه درمحلهٔ کفش‌کن‌شهیدان ، درمیان برنجزارها بود . ابعاد این بنا ۴۹۰ سانتیمتر وقبراین دوتن درمیان بنا و چسبیده به یکدیگر بود. درازای آن ۱۹۰وپهنای‌آن۱۱۵ وبلندی‌آن ازکف اطاق،۹۵ سانتیمتر بود. در ورودی بقعه در ایوان شرقی است‌که پهنای‌آن۱۱۰سانتیمتراست. پهنای ایوانهای شمالی وغربی‌و جنوبی ۱۳۰ سانتیمتراست . (عکس شمارهٔ ۱۹۴) بردیوار بقعه نقاشیهای مذهبی است. در مقابل در ورودی بقعه ، کمی به طرف راست ، بنائی چوبین چهارگوشه است‌که بلندی آن به‌دومتر می‌رسد. بام‌بنا لت‌پوش است. ازمیان سقف‌آن، چهار شاخهٔ‌ای‌سفالین‌که با روغن چراغ روشن می‌شود آویخته‌اند. این روغن‌سوز درست مانند چهارچراغ(=چراغ واسن) بقعهٔ آقا سید عبدالله درمریدان بود . (عکس شمارهٔ ۱۹۵)

بقعهٔ سیدعلی کیا
در محمدجعفرمحلهٔ اطاقور بیجارپس رانکوه

بنای بقعه بربلندی است و برمزارع برنج اطراف تسلط دارد. این بنا به ابعاد ۳۷۰ سانتیمتر و چهارطرف‌آن ایوانی به پهنای ۱۵۰سانتیمتراست. پاره‌ای از ستونهای ایوانها، لاچلنگری و دارای سرستونهای زیبا وپرکاری‌است.(عکس شمارهٔ ۱۹۶) صندوق بقعه به درازی ۱۶۰ و پهنای ۷۰ و بلندی ۱۲۰ سانتیمتر است. بقعه دارای علم است و درآن مراسم علم‌بندی و علم واچینی برپا می‌شود. در محوطهٔ باز اطراف بقعه، درختان قطور آزاد وکیش فراوان بود. قطرسه‌اصله درخت‌کیش بدین ترتیب بود : ۱۸۰ و ۱۵۰و۱۴۰ سانتیمتر .

بقعهٔ خانم معصومه
نزدیك اطاقور بیجارپس رانکوه

بنای اصلی بقعه درمیان مزارع برنج است . بنا چهارگوشه وازچهار طرف

ایوان دارد. بام بنا لت‌پوش بود و روی درخرابی داشت. صندوق بقعه را از محل خود برداشته ودر ایوان گذاشته بودند. قبر را بیش از دومترکنده و پائین رفته بودند و زیر دیوارها را نیز نقب زده بودند.

بقعهٔ آقا سیدابوالقاسم
در دهکدهٔ شکرکش[1] بیجارپس رانکوه

طرح بنای اصلی بقعه مربع‌شکل وهریك ازاضلاع آن ۴۸۰ سانتیمتراست. در ورودی بقعه شرقی است. پله‌های در ورودی ایوان در زوایهٔ شمال شرقی بقعه است. چهارطرف بقعه ایوان‌است. پهنای ایوانهای شمالی وجنوبی‌وشرقی یك‌متر و ایوان غربی ۱۱۰ سانتیمتر است. (عکس شمارهٔ ۱۹۷) ایوانها دارای ستونهای لاچلنگری زیبا و سرستونهای پرکار است. (عکس شمارهٔ ۱۹۸)

وسط بنای اصلی‌صندوقی مشبك چوبین به‌درازای ۱۹۰ و پهنا و بلندی ۱۲۰ سانتیمتر قرار دارد. بالای بدنهٔ شمالی‌آن‌عبارات زیرحك شده است:

«یاالله محمد علی فاطمه حسن‌وحسین اذاجاء نصرالله والفتح ورایت
الناس یدخلون فی‌دین‌الله افواجا فسبح بحمدربك و استغفره انه کان
توابا سنه۱۲۹۰».

بربالای دو لنگهٔ در ورودی این‌عبارات حك شده‌است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انافتحنا لك فتحاً مبیناًوکفی‌بالله‌شهیدا محمداً
رسول‌الله نصرمن‌الله وفتح قریب.»

روی لنگهٔ دست راست باخط ریز این عبارات خوانده می‌شود:

«این در را وقف نمود ابراهیم خان.»

سقف بقعه و ایوانها واشان‌کشی و سراسر بنا سفال سر است. درمحوطهٔ باز اطراف بقعه، درختان آزاد کهنسال زیاد بود.

سنگ مرمری پائین ایوان شرقی‌بقعه دیده می‌شودکه عبارات زیر بر آن

۱ــ بکسر شین و بفتح کاف اول و دوم.

حك شده است .

«وفات مرحوم قربانعلی ولد مرحوم آقامحمدگالش ۱۲۴۸. نشانه‌ها : تبر، داس، مهر، تسبیح ، وشانهٔ چوبین .»

برسنگ سیاه دیگری در همین محل این عبارات دیده می‌شود :

« وفات مرحوم آقامحمد ولد مرحوم ملامحمد سنه ۱۲۶۵ . نشانه‌ها : داس ، تبر، مهر، تسبیح، وشانهٔ چوبین .»

برسنگ بزرگ دیگری در همین‌جا این عبارات خوانده می‌شود :

«وفات مرحوم مغفور برجعلی ابن آقاعلی‌محمد سنه ۱۲۷۰.

ای جان پدر هیچ نداری خبر من[1]
از گردش ایام چه[2] آمد بسر من
من تازه گلی بودم اندر چمن دهر
نشکفته فرو ریخت همه بال و پر من

نشانه‌ها : سرو، داس، مهروتسبیح .»

درنزدیك امامزاده مسجدی باپنجره‌های ارسی چوبین است که قدمت زیاد ندارد. سنگی بریکی ازقبور نزدیك این مسجد است که عبارات زیر بر آن دیده می‌شود :

«وفات مرحوم عاشور ولد مرحوم اللهویردی ۱۲۵۹.

چون نامهٔ جرم مابهم پیچیدند — بردند بمیزان عمل سنجیدند
بیش از همه‌کس گناه ما بود ولی — ما را بمحبت علی بخشیدند

نشانه‌ها: مهر، تسبیح وشانه .»

بقعهٔ آقا سیدحسن بن امام محمدباقر علیه‌السلام در دهکدهٔ کش کلایهٔ رانکوه

بنای اصلی بقعه ۵۷۰ × ۵۳۶ سانتیمتراست. سه ایوان در سه طرف جنوبی و

۱ـ در اصل : خبر ازمن . ۲ـ در اصل چو .

شرقی و شمالی دارد. پهنای ایوان جنوبی ۱۹۰ و ایوان شرقی ۲۲۰ و ایوان شمالی ۲۱۰ سانتیمتر است. ایوانها دارای ستونهای چهارسو باسرستون است. لبهٔ ایوانها تکائل چوبین قدیمی است. در ورودی بقعه در ایوان شرقی است. سقف بقعه و ایوانها، واشان کشی و پل کوبی با درزپوش نقش‌دار است. لبهٔ بام سه‌پشته و سراسر بام سفال‌سر است. تمام کارهای چوبین این بنا، بسیار ظریف و قدیمی است.

بر سه دیوار جنوبی و شرقی و شمالی بقعه از خارج، نقاشیهای دورنمای بسیار زشت با رنگهای زننده کشیده شده بود. بالای دورنماها «بسمله و سورهٔ حمد و نامهای دوازده امام و پنج‌تن» نوشته شده و آخر آنها این بیت سعدی است:

«بماند سالها این نظم و ترتیب زما هر ذره خاك افتاده جائی»

رقم ابوالقاسم کلیشمی و تاریخ ۱۳۶۶ درمیان نوشته‌هاست. ظرافت بنای بقعه را این نقاشیها ازمیان برده است.

در زاویهٔ جنوب شرقی بنای بقعه، باچهارپایهٔ چوبین، بنائی از چوب ساخته‌اند. فواصل بین پایه‌ها، از روی زمین ۱۳۶ و ۱۴۰ سانتیمتر است. بلندی این بنای چوبین به‌یك‌مترونیم می‌رسد. پیه‌سوزی ازسقف این بنا آویخته و روشن است. دو شاخ گنج‌گاو (=گوزن) به پایهٔ چوبین جای چراغ پیه‌سوز ویك شاخ به درخت آزاد جلو بقعه که محیط آن ۳۴۰ سانتیمتر است، آویخته بود.

بنای بقعه درمیان درختان کیش و آزاد است. قطورترین درخت آزاد این بقعه به‌محیط ۳۶۰ سانتیمتر بود.

زوارکشی بقعه روز دوشنبه است وبازار کوچکی در اینجا تشکیل می‌شود در فصل تابستان میوه و هندوانهٔ زیادی به‌فروش می‌رسد. علم‌بندی بقعه روز ششم محرم وعلم واچینی عصر سیزدهم محرم است.

بقعهٔ آقا سیدابراهیم و آقا سیدمحمد
در دهکدهٔ شب‌خسب لات رانکوه

بنای اصلی به‌ابعاد ۴۵۰×۴۲۰ سانتیمتر است ودارای دودر ورودی شرقی و

غربی است. صندوقی چوبین در وسط بناست که درازای آن ۱۱۵ و پهنایش ۷۴و بلندیش ۹۰ سانتیمتر است . سه طرف شرق و غرب وجنوب ایوان دارد . پهنای ایـوان شرقی ۱۷۰ و جنوبی ۲۰۰ و غربی ۱۹۰ سانتیمتر است . ایوانها دارای ستونهـای چهارسو با سرستون است . سقف بقعه و ایوانها فقط واشان‌کشی است. بنای بقعه در زیر درختان کیش‌کهنسال بود . یك اصله درخت للیکی کهنسال در محوطهٔ بقعه بود .

بقعهٔ آقا سید بزرگ
در دهکدهٔ آسیاب‌سران رانکوه

بنای اصلی بقعه به ابعاد چهار متـر است . دو در ورودی شرقـی و جنوبی دارد . چهارطرف بنـا ایوان است . پهنای ایـوان شرقی ۲۵۰ و جنوبی ۲۰۰ و غربی ۱۵۰ و شمالی ۱۱۰ سانتیمتر است . ایوانها دارای ستونهای چوبین چهارسو بـا سرستون است . لبهٔ ایوانهـا لتـازه دارد . صندوقی چوبین در وسط بنـای اصلی است . درازای صندوق ۱۳۵ ، پهنایش ۹۰ و بلندیش ۱۰۰ سانتیمتر است . سقف بقعه واشان‌کشی و پل‌کوبی است . سقف ایوانهـا فقط واشان‌کشی است . بر جدار خارجی دیوارهای بقعه مجالس نقـاشی‌مذهبی است . اشعاری نیز در بالای نقاشیها بوده‌که فعلا ازمیان رفته است .

آستانهٔ چهارتن
در دهکدهٔ سیف‌داربن رانکوه

بنای اصلی شامل سه اطاق است‌که اطاق وسط مسجد است .طول بنا ۱۳٫۸۰ متر و پهنای ایـوان جنوبی که جلو سـراسر بناست، ۱۲۵ سانتیمتر است . از در ورودی که در این ایوان است ، ابتدا به مسجد و پس ازآن به بقعه‌ها می‌روند . ایوان دارای ستونهای چهارسو است وبه‌جای لتازه ، پنجره‌های‌ارسی‌مسجدقدیمی را که خراب کرده بودند ، جلو ایوانها نصب شده بود .

درمسجد این بقعه سنگ مرمری است که این عبارات بر آن حك شده است :
«آرامگاه مهدی‌خان بیك چهادهم شهرجمادی‌الثانی ۱۲٦٤».
در فاصلهٔ چهل‌متری شرقی بنــای این بقعه ، بنای دیگری است که ارزش تاریخی ندارد .

بقعهٔ آقا سیدحسن بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در اراضی اشکرمیدان رانکوه

بنای اصلی مربع شکل و به ابعاد ٤۲۳ × ٤۱۰ سانتیمتر است . در ورودی در ایوان شرقی به‌پهنای ۸٦ و بلندی ۱٦۰سانتیمتر است . صندوقی در میان بنای بقعه است که درازای آن ۱۸۰ و پهنایش ۹٦ و بلندی آن ۱۵۰ سانتیمتر است . چهارطرف بنای اصلی ایوان است . پهنای ایوان غربی ۸۵ و ایوان جنوبی ۹۰ و ایوان شرقی ۱۱۰ وایوان شمالی ٦۰ سانتیمتر است . جلو ایوانــها لتازهٔ چوبین است. ستونهای ایوانها چهارسوی پخ زده و یکی ازستونهای ایوان ، لاچ‌لنگری است . سقف ایــوان و بقعــه واشان‌کشی و پل‌کوبی با درزپوش زده است . بــام سراسربنا، سفال‌پــوش است و یك کبوترنشین دارد. بنــای بقعه در زیر درختان سرکشیدهٔ آزاد وکوب (=نمدار) و یك درخت عظیم اوجا(لی) و درخت انجیرو کیشهــای فراوان بود . محیط یکی از درختان قطور آزاد ۳۵۰ و محیط درخت کوب ۳۲۰ سانتیمتر بود .

بقعهٔ آقا شیخ بنده حیدر در دهکدهٔ کیاکلایهٔ رانکوه

صندوق بقعه در وسط بنای اصلی بقعه و به درازای ۱۸۰ و پهنای ۱۱۰ و بلندی ۱۲۰ سانتیمتر بود . دو طرف بنای اصلی ایوان است . پهنای ایوان شرقی ۱۵۰ و پهنــای ایوان جنوبی ۲۸۰ سانتیمتر است . ستونهــای ایوانهــا ، دارای سرستون و یکی از ستونهای ایوان شرقی لاچ لنگری است و بردوستون ایوان

شرقی جای چوب علم است . سقف ایوانها، پل کوبی با درز پوش زده ، لبهٔ بام دو پشته و سراسر بام بنـا ، سفال سر است . بنای بقعه در زیر درختان آزاد و کیش است . محیط یکی از درختان کیش به ۴۲۰ سانتیمتر می رسید .

علم بندی ایـن بقعه روز سوم محرم و علم واچینی سـیزدهم محرم است . مسجدی متصل به بقعه است که سراسر نمای آن پنجره های ارسی تخته ای ساده بود.

بقعهٔ آقاسید زکی بن امام موسی الکاظم معروف به بقعهٔ آقا سید تربت در دهکدهٔ زربیجار رانکوه

بنای اصلی بقعـه ، چهار گوشه و به ابعاد چهارمتر است . طرف شرقی و جنوبی ایوان دارد. پهنای ایوان شرقی ۱۹۰ و پهنای ایوان جنوبی ۱۵۰ سانتیمتر است ، در ورودی بقعه در ایوان جنوبی است و بلندی آن ۱۳۰ و پهنای آن ۸۰ سانتیمتر است . دری هم در ایوان شرقی دارد . صندوقی چوبین ساده مرقد را پوشانده است . درازای صندوق ۱۸۰، پهنایش ۱۷۰ و بلندیش ۱۳۰ سانتیمتر است . ایوانهـای بقعه دارای ستونهای چهارسو با سرستونهای قدیمی و پرکار است . سقف ایوانها فقط واشان کشی است . لبهٔ بام دوپشته و سراسر بام سفال سر است . مسجدی با پنجره های ارسی ساده در جنوب غربی بنای بقعه است . ساختمان بقعه و مسجد درزیر درختان کیش و آزاد و لیلکی است .

بقعهٔ آقاسید معین و آقا سید مبین فرزندان امام موسی الکاظم علیه السلام برسر راه دهکدهٔ املش نزدیک تمیجان رانکوه

بنـای اصلی بقعه ۷۶۰ X ۷۵۰ سانتیمتر است . دو در ورودی جنوبـی و غربی دارد . بالای در ورودی جنوبی خفنگی مشبك ظریف و بالای در ورودی غربی خفنگی مشبك چوبین عادی است . در دیوارهای شرقی و شمالی پنجره های

مشبك نـورگیر است . صندوقی تخته‌ای به درازای ۲۶۰ و پهنای ۱۶۰ و بلندی ۱۳۰ سانتیمتر میـان بناست . برجدارهای دیـوارهای داخلی بقعـه مجالسی از نقاشیهای مذهبی است . ایوانها دارای ستونهای چهارسو با سرستونهای عادی است . ایوان جنوبی دری ورودی مشبك دارد . سقف بقعه و ایوانها واشان‌کشی و پل‌کوبی است .

مراسم علم بندی روز اول محرم و مراسم علم واچینی روز سیزدهم محرم برپا می‌شود .(عکس شمارهٔ ۱۹۹) سنگ قبرمرمری دربقعه‌بودکه تاریخ«چهاردهم شهر ذی‌حجه سنهٔ ۱۱۴۵ برآن خوانده می‌شد .

بقعهٔ آقا سیدابراهیم‌بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در محلهٔ جیراملش رانکوه

بنای قدیمی بقعه به دست جعفرخان یحیی‌پور صوفی املشی خراب شده و گویا قصد دارد نوسازی کند و بیش ازسی و پنج هزار و هفتصد مترمربـع اراضی اطراف بقعهٔ نامبرده را دیواری از بلوك سیمانی کشیده‌اند و دو درآهنی بزرگ در غرب و جنوب این زمین گذاشته‌اند . ازقـرار معلوم می‌خواهند برای شـهر قبرستانی بزرگ ترتیب دهند. خداوندکسانی را که نیت‌خیر دارند ، جزای خیر دهاد .

بقعهٔ آقا سیدحسین‌بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ املش رانکوه

بنای اصلی بقعه شامل چهار پایهٔ آجری در چهارگوشه که فواصل آنهـا جداری مشبك چوبین‌است.(عکس شمارهٔ ۲۰۰) چهارطرف این‌اطاق مشبك، ایوان است .

بنای اصلی به‌ابعاد۵۱۰ X ۴۹۰سانتیمتراست . پهنای دری‌که درمیان جدار شرقی‌است۱۳۰وبلندی‌آن۲۰۰سانتیمتراست. پهنای ایوان‌جنوبی۳۱۰سانتیمتر و

در ورودی به‌این ایوان به‌پهنای ۱۲۰ و بلندی ۲۰۰ سانتیمتر است. در طرفین در دو جرز آجری از آجرمحلی است. پهنای ایوان غربی ۳۳۰ و پهنای ایوانهای شرقی و شمالی هریك ۳۹۰ سانتیمتر است.

ایوانهای شرقی‌وغربی، هریك دارای سه جرز مربع به‌ابعاد ۷۰ سانتیمتر است و ایوانهای شمالی و جنوبی دارای چهار جرز آجری است.

صندوقی مشبك چوبین ظریف در میـان بنـای اصلی است که درازای آن ۱۹۰ و پهنایش ۱۳۰ و بلندیش ۶۰ سانتیمتر است. اطـراف سقف بقعه، لنبه‌کوبی و قسمت وسط آن پل‌کوبی است. سقف ایوانها واشان‌کشی و پل‌کوبی‌است. لبهٔ بام دوپشته و سراسر بام‌بنا، سفال‌سر است. رویهم رفته بنائی بسیار زیباست و بنای اصلی بقعه که تمـام مشبك است، در شب با روشن شدن چـراغ داخل‌آن، بسیار جلب نظر می‌کند. اطراف بقعه قبرستانی قدیمی است.

بقعهٔ سیدعلی کیا بن‌امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در انارستان محلهٔ املش رانکوه

بنای‌اصلی و قدیمی بقعه را واچیده ومشغول‌نوسازی‌بودند. مسجد کوچکی درجواربقعه بود. در محوطهٔ اطراف بقعه درختان کیش و آزادکهن زیـاد بود. روزجمعه وروزهای عید،روزهای زوارکشی‌این‌بقعه‌است.این‌بقعه مراسم علم‌بندی‌و علم‌واچینی نداشت و اگر باران درموقع مقررنبارد، علم‌بندی مختصری می‌کنند. اهالی معتقدندکه خاك این‌بقعه جسد مرده را به‌خود قبول نمی‌کند.

بقعهٔ آقا سید نصیرالدین بن‌امام موسی‌الکاظم علیه السلام در میان‌محلهٔ املش رانکوه

بنای قدیمی را خراب‌کرده و بنائی تازه به جای آن ساخته بودند. بنـای تازه شامل یك اطاق ویك راهرو و دو ایوان شرقی وجنوبی بود. مراسم علم‌بندی روز هفتم محرم وعلم‌واچینی شب سیزدهم‌محرم برپا می‌شود.

سنگ مرمری درقبرستان این بقعه بود که این عبارات بر آن خوانده می‌شد:

« وفات مرحوم آقاحسن ولد مرحوم با قاسم ۱۲۲۹

ای که برمابگذری دامن‌کشان از سر اخلاص الحمدی بخوان

نشانه‌ها : مهر ، تسبیح و چیزی نظیر منقل و آتشدان . »

حمامی قدیمی
در دهکدهٔ کیاکلایهٔ املش رانکوه

حمامهای این نواحی معمولا برسطح زمین بنا می‌شود . بنای این حمام‌نیز بدین‌ترتیب است . حمام دارای سربینه ، گرمخانه وخزینهٔ آب‌گرم است . از شاه‌نشین حمام به خزینهٔ آب سرد نیز می‌توان رفت. در طرفین خزینهٔ آب گرم دو حوضچه برای شستن لنگ است . قسمت پائین بنا را با سنگ رودخانه و گل و آهك چیده‌اند و قسمت بالا و طاقها با آجرهائی به ابعاد ٤ × ۲۰ × ۲۰ ساخته شده است .

خانه‌های قدیمی
در دهکدهٔ املش

در دهکدهٔ املش خانه‌هائی نسبتاً قدیمی متعلق به دوران قاجار است که زیاد جنبهٔ هنری و تزئینی نداشتند . از آنها می‌توان خانه‌های زیر را نام برد :

۱ـ خانهٔ احمدعلی‌خان صوفی. ۲ـ خانهٔ علی‌اکبرخان پیرکوهی . ۳ـ خانهٔ تقی‌خان صوفی. ٤ـ خانهٔ امان‌الله‌خان صوفی.

بقعهٔ آقا سید حسین بن‌سلمان
برسرکوهی مسلط بردشت املش

بنائی است سادهٔ زگالی باچهار ایوان درچهارطرف ، ستونهای ایوانها چوبین چهارسو است . در ورودی بقعه درایوان شمالی است . در محوطهٔ باز اطراف بقعه

درختان کهنسال کیش وللیکی و یك اصله درخست تادانه (تـاغ) به محیط ۴۵۰ سانتیمتر است .

بقعهٔ آقاسید خلیل
در دهکدهٔ کیازنیك رانکوه

بنائی است سادهٔزگالی، چهار طرف ایوان باستونهای چوبین چهارسو دارد. دوسنگ قبر نسبةً قدیمی به‌این شرح دربقعه است :

«وفات مرحوم رستم ولدمحمدخان۱۲۶۳. نشانه‌ها :مهر،تسبیح‌وشانه.»

«وفات مرحوم‌مغفورمحمد حسین

بیك ولدمحمد علی‌خان .

گلی بودم بباغ زندگـانی

جوان مردم نکردم‌کامرانی

نشانه‌ها : مهر ، تسبیح ، شانـه و

آلتی بدین شکل :

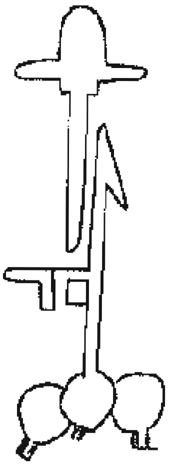

بقعهٔ غریب آقا
در اراضی کیازنیاك رانکوه

بنائی‌است سادهٔ زگالی ، سه‌طرف ایوان باستونهای چهارسوی چوبین‌دارد . درمحوطهٔ اطراف بقعه درختان آزاد وکیش کهنسال فراوان است .

بقعهٔ آقا سیدزکی بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ زربیجار رانکوه

بنائی‌است ساده وزگالی ، دوطرف ایوان باستونهای چهارسوی چوبین‌دارد. مسجدی قدیمی نزدیك بقعه‌است .

بقعهٔ آقاسید اسماعیل و آقاسید ابراهیم
ابنان امام موسی‌الکاظم‌علیه‌السلام
در دهکدهٔ چورکاسر رانکوه

بنائی‌است ساده وزگالی ، سه‌طرف ایوان باستونهای چهارسو دارد. لبهٔ بام دوپشته وبام‌بنا، سفال‌سر است . درمحوطهٔ اطراف بقعه درختان آزادوکیش کهنسال زیاد است .

نهر نومحل
از نهرهای رودخانهٔ پلورود

این نهر در نزدیکی یوسف‌آباد از رودخانهٔ پلورود جدا می‌شود وازمحلهای زیر می‌گذرد : کیازنیاك ـ منده‌محله (میان ده‌محله) ـ جیرمحله ـ پائین املش ـ کیاکلایه ـ مشکله ـ خلیل محله و استاد محله .

بقعهٔ آقا سیدنصیر بن امام‌موسی الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ چلارس ۱ رانکوه

بنای اصلی بقعه مربع و به‌ابعاد ۴۳۰ سانتیمتراست . صندوقی مشبك‌چوبین به درازای ۲۰۰ وپهنای ۹۰ وبلندی ۱۰۰ سانتیمتر در وسط بناست . سه‌طرف‌بقعه ایوان دارد. پهنـای ایوان جنوبی ۱۸۰ وایوان شرقی ۱۹۰ و ایوان شمالی ۲۲۰ سانتیمتراست . ایوانها دارای ستون وستونها دارای سرستون است . سه‌در ورودی بقعه دراین ایوانهاست . در ایوان شرقی مشبك ودرهای ایوانهای جنوبی وشمالی تخته‌ایست . (عکس شمارهٔ ۲۰۱) جلو ایوانها لتازهٔ چوبین است . لبهٔ‌بام سه‌پشته و سراسر بام‌بنا، سفال‌سراست .

برجدار دیوار داخلی وطاقچه‌های بقعه مجالسی ازنقاشیهای مذهبی به‌شرح زیر است :

۱ــ بکسر چ وفتح راء .

تمثال پیغمبر درحال معراج ـ ضامن آهو که برشتر سوار است ـ اما موسی الکاظم درزندان ـ امام حسین باحضرت علی اصغر در بغل او درصحرای کربلا ـ گودال قتلگاه واجساد شهدای کربلا ـ حضرت زینب و سه تن از زنان که برشتر سوارند و به شام می روند ـ طفلان مسلم وحارث وحضرت امام حسن وامام حسین در دامان پیغمبر که دوطرف این تمثال دو آهو رسم شده است که به دو درخت بسته اند .

در درگاه سمت چپ دیوار شمالی گلدانی کشیده شده که دو پرنده دو طرف آن است .

در ایوانها نیز مجالسی ازاین قبیل است : قیام مختار ـ منظرهٔ جهنم ـ جنگ حضرت قاسم باازرق شامی ـ تمثال حضرت عباس و حضرت علی اکبر .

بالای این مجلس اشعاری از هفت بند محتشم کاشانی است . درمیان این ابیات تاریخ ۱۳٤۲ قمری به چشم می خورد .

دوعلم نسبةً قدیمی مفرغی دراین بقعه بود که بریکی «الله محمد علی مدد» و بردیگری «نصر من الله وفتح قریب» مشبک کاری شده بود .

آلتی دیگر دیده شد که شامل ورق آهنین دایره ای شکل به قطر ٦۰ سانتیمتر بود که حاشیهٔ آن سوراخهائی داشت وازهر سوراخ زنجیری به درازای ۵۰ سانتیمتر آویخته بود. وسط این ورق آهن جای دستهٔ چوبین بود ودستهٔ چوبین بلندی به درازای ۱۸۰ سانتیمتر در آن جای داده شده بود . در روزهای محرم ، هنگام سینه زنی ، با آهنگ سینه زنان ، این چوب را برزمین می کوبند واز حرکت زنجیرها صدائی شنیده می شود که سینه زنان را به جوش می آورد .

روز علم بندی بقعه روز اول محرم وعلم واچینی آن شب دهم است . علمها هردو باهم بسته می شود . بردوستون ایوان جنوبی جای چوبهای علمها بود .

بنای بقعه درمیان درختان للیکی ، خوج ، ون ، آزاد ، کوسه ، بید ، کهل ، لی ویك اصله درخت کیش کهنسال است . اطراف بقعه کشتزارهای برنج است .

بقعهٔ آقاسید غلامعلی از فرزندان موسی بن جعفر علیه السلام در مشکلهٔ رانکوه

بنای اصلی بقعه به ابعاد ٥٦٠ X ٤٠٠ سانتیمتر است. دو در ورودی در ایوان شرقی و جنوبی دارد. پهنای ایوان جنوبی ۲۵۰ و پهنای ایوان شرقی ۷۰ سانتیمتر است. صندوقی ساده به درازای ۱٦۰ و پهنا و بلندی ۹۰ سانتیمتر در میان بنای اصلی است. سقف بقعه و ایوانها واشان کشی و پل کوبی با درزپوش زده است. ستونهای ایوانها دارای سرستون است. لبهٔ ایوان لتازهٔ مشبك دارد. لبهٔ بام سه پشته و سراسر بام بنا، سفال سر است.

دراین بقعه دو علم قدیمی مفرغی بود که بالای یکی از آنها سه شاخه و بالای دیگری پنجه‌ای است. در وسط هر دو علم کلمات «الله محمد علی» مشبك کاری شده است. (عکس شمارهٔ ۲۰۲)

مراسم علم بندی بقعه روز ششم محرم و علم واچینی روز سیزدهم محرم است. بنای بقعه درمیان درختان پلت، آج، آزاد، انار، کیش، للیکی، لی و انجیر است.

در گورستان اطراف بقعه دوسنگ قبر دیده شد که مطالب زیر بر آنها حك بود:

«وفات مرحوم محمدعلی ولد مرحوم محمدعلی بیك ۱۲٦۹. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، گل و شانه.»

«وفات مرحوم ملاعلی اکبر ابن محمد اسمعیل ساکن مشکله من قریهٔ رانکوه بتاریخ شهرشوال سنه ۱۲۲۳. نشانه‌ها: مهر، تسبیح وشانه.»

بقعهٔ آقا سیدخلر[1] در دهکدهٔ خرشتم[2] رانکوه

بنای اصلی بقعه به ابعاد ٤۰۰ X ۳۷۰ سانتیمتر است. سه طرف بنا ایوان است.

۱ــ بضم خاء و کسر لام. ۲ــ بفتح خاء و کسر راء وضم تاء.

پهنای ایوان جلو یاجنوبی ۱۶۰ و پهنای ایوان شرقی ۱۱۰ و پهنـای ایوان غربی ۹۰ سانتیمتر است. ستونهای ایوانها چهارسو و دارای سرستون است. سقف بقعه و ایوانها پل‌کوبی با درزپوش‌زده است. برجدار دیوار ایوانها مجالسی از نقاشیهای مذهبی است. بالای مجالس ابیاتی از هفت‌بند محتشم کاشانی است. نقاشیها عمل استاد مشهدی آقاجان ولد مرحوم استاد غلامحسین نقاش لاهیجانی است که در سال ۱۳۳۵ قمری کشیده شده است.

مـراسم علم‌بندی این بقعه هفتم محرم و مـراسم علم‌واچینی روز سیزدهم محرم برپا می‌شود.

شاه نجف

در شسته رود[1] رانکوه

برطرف چپ راهی که از املش به بلوردکان می‌رود، در دل جنگلهای دور افتاده، چهار بقعه است که مجموع را به‌نام «شاه نجف» می‌خوانند. این بقعه‌هـا بسیار آراسته و مرتب و آبادان بود و در امتداد یکدیگر بربالای تیرهٔ کوهی بنا شده بود.

بقعهٔ اول

بنای اصلی بقعه به‌ابعاد ۶۰۰×۳۱۰ سانتیمتر است و دارای دو ایوان جنوبی و غربی است. دوصندوق ساده دربنای اصلی است. در ورودی درایوان غربی است. سقف بقعه وایوانها، واشان‌کشی وپل‌کوبی با درزپوش‌زده است. ستونها چهارسوو دارای سرستون است. لبهٔ بام سه‌پشته و بام‌بنا، لت‌پوش است.

بقعهٔ دوم

بنای اصلی بقعه به‌درازای ۴۴۰ و پهنای ۳۹۰ سانتیمتر است. صندوق‌مرقد کنده‌کاری، باگل و بوته‌ها و اسلیمیهای بسیار ظریف است. دو طرف بقعه ایوان

۱ـ بفتح شین.

است . پهنـای ایوان شرقی ۱۵۰ و پهنـای ایوان جنوبی ۱۸۰ سـانتیمتر است . ستونهای ایوانها تمام از چوب آزاد وچهارسوی پخزده است . دوستون لاچلنگری بسیار ظریف درمیان آنهاست . بردیوار جنوبی وشرقی بقعه مجالسی از نقاشیهای مذهبی‌کار «غلامحسین سال ۱۳۰۹ قمری»است . بالای مجالس ، اشعاری از هفت‌بند محتشم‌کاشانی نوشته شده است .

بقعهٔ سوم

ابعاد بنای اصلی ۳۸۰×۳۷۰ سانتیمتر است . صندوقی چوبین ساده داخل بناست . پهنای ایوانهای شرقی وجنوبی دومتر است . ستونهای ایوانها ، چهارسو است . ایوانها لتارهٔ تختهای دارند . لبهٔ بام دوپشته وسراسر بام حلب‌پوش است . آئینه‌ای بربالای قبر جوانی نصب شده بود که نشانهٔ جوانمرگ شدن اوست .

بقعهٔ چهارم

بنای اصلی بدابعاد ٤٦٠×٤٣٠ سانتیمتر است. سه‌طرف آن ایوانی‌به‌پهنای ۱۹۰ سانتیمتر دارد . در ورودی اصلی درایوان جنوبی است . یکی از ستونهـای ایوانها ، لاچلنگری مارپیچ و مابقی چهارسوی پخزده است . سرستونها قدیمی‌و ظریف است . سقف بقعه وایوانها واشان‌کشی وپل‌کوبی است .

این چهاربقعه درمیان درختان گردو ، اربه ، للیکی ، آزاد ، کیش، خوج و شرم است .

سنگ قبری درجلو این بقعه بود که این عبارات برآن حك شده بود :

«وفات مرحوم امیرعلی ولدمرحوم غلامحسین۱۳۱۵. نشانه‌هـا : مهر، تسبیح وشانه.»

جلو بقعهٔ چهارم بقعهٔ دیگری است که معروف است مدفن خـانمی است . مردان وزنان شکم‌دار را درآنجا راه نیست . مسجدی درطرف شمـال شرقی بقعهٔ چهارم است . چون این‌بقعه‌ها ازآبادی دورهستند ، مراسم علم‌بندی و روز معینی برای زوارکشی‌ندارند .

بقعهٔ سید علی کیا
در دهکدهٔ شکرپس[۱] رانکوه

بنای اصلی بقعه به‌ابعاد ۴۶۰ X ۳۷۰ سانتیمتر است. سه‌طرف ایوان دارد. پهنای ایوان‌شرقی۱۴۰ وپهنای‌ایوان جنوبی۱۶۰ وپهنای‌ایوان غربی۱۳۰سانتیمتر است. صندوقی سادهٔ تخته‌ای در میان بناست که درازای آن ۱۸۰ و پهنایش ۹۰و بلندیش ۱۱۰ سانتیمتر است. ستونهای ایوانها، چهارسو و دارای سرستونهای زیباست. سقف بقعه وایوانها واشان‌کشی وپل‌کوبی با درزپوش‌زده است. لبهٔ بام سه‌پشته وسراسر بام‌بنا، سفال‌سر است.

علمی مفرغی قدیمی دراین بقعه بود که روی آن « نصرمن‌الله وفتح‌قریب‌و بشّرالمؤمنین» مشبک‌کاری شده بود.

علم‌بندی بقعه روز سوم محرم و علم‌واچینی درصورتی‌که مخارج و وسایل آن‌جور شود، روز سیزدهم محرم و در غیر این صورت تا روز اربعین علم بسته باقی می‌ماند.

درختان اطراف این بقعه شامل آزاد، کیش، خوج، انار، لی، للیکی و هلی است.

آستانهٔ سوخته‌کیش
بالای کهنه‌کویهٔ رانکوه

بنای قدیمی بقعه گرفتار نوسازی شده بود و به‌جای آن مسجدی تازه‌ساز دیده‌می‌شد. درخت نارنج کهنسالی درمحوطهٔ آستانه، حاکی ازقدمت بنای آن‌بود.

آستانه‌ای قدیمی
در دهکدهٔ رمشایهٔ رانکوه

بنای قدیمی را خراب کرده بودند ومشغول نوسازی بودند.

۱ــ بکسر شین وفتح‌کاف وپ.

بقعهٔ سیدابراهیم‌بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ سانه‌سرای رانکوه

در میان بنای اصلی بقعه ضریحی‌مشبك بلند است. چهارطرف ایوان دارد. ستونهای ایوانها، چهارسو و دارای سرستون است. سقف بقعه و ایوانهـا واشان‌کشی و پل‌کوبی است. لبهٔ بام دوپشته وسراسر بام‌بنا، سفال‌سر است. مصالح اصلی بنا آجر است. کف ایوانها فرش‌کاشی داشته که فعلا روی در خرابی دارد.

بقعهٔ آقاسیدخورکیای بزرگ و کوچك و
آقا سیدعبدالجواد و آقاسیدعبدالله
در دهکدهٔ چینجان رانکوه

بنای بقعه در دست تعمیر بود. در این بقعه چهارتن از سادات با نامهـای آقا سیدخورکیای بـزرگ و آقا سیدخورکیای کوچك نوهٔ نامبرده و آقـا سید عبـدالله و آقا سیدعبدالجـواد است. ساکنان محل از ایشان خوارق عادت نقـل می‌کردند. سنگ قبری قدیمی در اینجاست که به‌علت فرسودگی خوانده نشد. مسجد قدیمی بقعه، هنگام ساختن راه‌کناره، از میان رفت و فعلا پنج سال است که مسجدی از نو ساخته‌انـد.

رابینو از دو بقعهٔ دیگر در دهکدهٔ چینجان نام می‌برد و می‌نویسد دراین دهکده، در کنار رودخانه‌ای به نـام چینجان، مرقد میرکاظم و مرقد سید رضا است.[۱] نگارنده این دو بقعه را نیافت.

بناها و آثار تاریخی رودسر و حومهٔ آن
مشهد سیدحسین‌ناصر یا کعبهٔ کوچك
یاوادی ملاامیره
در رودسر

پس ازاینکه جسد سیدحسین‌ناصر، از سران و پیشوایان زیدیه در رودسر

---

۱. گیلان رابینو، ص ۳۶۵.

به خاک سپرده شد ، اطراف مرقد او گورستان عظیمی به وجود آمد و اجساد سلاطین و سپه‌سالاران و بزرگان گیلان به‌پیش به‌این‌گورستان آورده شد .

دامنهٔ این‌گورستان قدیمی، از نزدیک پل شرقی امروزی رودسر تا حوالی بنای دادگستری کنونی بوده است . دراین فاصله تپه‌هائی‌کوچک و بزرگ بود که شباهت به تپه‌های میان صفا و مروه داشت . اهالی مازندران و گیلان ، برای آموختن آداب حج بدین جا می‌آمدند و سه‌چهارماه از سال را به تمرین‌آداب و مراسم حج می‌گذراندند ، بدین سبب این گورستان را «کعبهٔ کوچک» خوانده‌اند.

زیر دست دبیرستان ۲۲ بهمن و درطول میدان‌امام‌امروزی ، سرتاسر ، درختان آزاد کهنسال در دو ردیف کاشته شده بود که به نام « آزار رچه »[1] معروف بود . در دو طرف درختان آزاد ، بقعه و مسجد و گورستان بودکه قبل از خراب کردن‌آن ، در زمان حکومت رضاشاه ، به نام « وادی‌ملا-امیره» شناخته می‌شد . در این وقت بقعهٔ معروف این قبرستان به‌نام «سیدمحمد» خوانده می‌شد .

مکنزی می‌نویسد که در رودسر بقعه‌ای زیباست که روی در خرابی دارد . بنای این بقعه نزدیک خیابانی است که درختان آزاد کهنسال ، در دو طرف آن است و سایه برکف خیابان انداخته‌اند. رابینو پس از نقل این مطلب می‌نویسد نزدیک قبرستان قدیمی ملاامیره ، مسجد ومرقد آقا سیدابراهیم است.[2] رابینو محل گورستان قدیمی ملاامیره را بیرون بازار رودسر نوشته است و پس‌از تعیین محل آن می‌نویسد «درخت آزادی بزرگ که مورد احترام‌اهالی است ، در اینجا دیده می‌شود . سنگهای قبور این‌گورستان به شکل صندوق است ونوشته‌هائی که براین سنگهاست ، به مرور زمان محو شده است. سنگها متعلق به قرن نهم هجری است.»[3]

۱ــ در گیلکی درخت‌آزاد را «آزاد» می‌خوانند و «رچه» به معنی ردیف است .

۲ــ گیلان رابینو ، ص ۳۳۸. ۳ــ گیلان رابینو ،ص ۳۳۸ .

همین مؤلف درسفرنـامهٔ مازنـدران واستراباد خود، محل بقعهٔ ملاامیره و گورستان قدیمی آن را بیرون دهکدهٔ رودسر یاد می‌کند.[۱]

آثـاری که از این گورستـان قدیمی برجای مانـده بقعه‌ای نوساز بـه نام سیدمحمد و سنگ قبری است که زیـر درخت آزاد گورستـانی‌است که امروز نیز به نام «قبرستان ملاامیره» معروف است . این سنگ قبر که شکسته است به درازی ۱۶۴ و بلندی ۵۰ و پهنای ۴۰ و قطر ۷ سانتیمتر است. داخـل سنگ را برای آسان شدن حمل‌ونقل در آورده‌اند. این سنگ نظیر سنگ سفیدآستانه ، برسر راه لنگرود به دریاسر و سنگهـای امیر بکندهٔ خشك‌بجارخمام و سنگ قبری در پیر قطب‌الدین باغچه‌سرا است . در چهـارطرف حاشیهٔ بـالای سنگ ، «بسمله‌وآیةالکرسی» است. درسطح بالای سنگ سه حفرهٔ نیم‌کره‌ای شکل‌به‌قطر ۱۷سانتیمتراست. این سه حفره در امتداد یکدیگر ودرطول سنگ است. پهلوی این سه حفره ، حفره‌های کوچکتری نیز نقر شده است .

بقعهٔ آقا سید محمد که نوسازی شده است ، در گورستانی متروك ، درشمال شرقی‌گورستان ملاامیره است . ظاهراً این‌گورستان نیزقسمتی ازگورستان قدیمی سیدحسین‌ناصر است . در این‌گورستان نیز قسمتی از سنگ قبری قدیمی، نظیر سنگ سابق‌الذکر دیده شد که برحاشیهٔ بالای‌آن «آیةالکرسی» وبربدنهٔ اصلی، دوحاشیهٔ نقش‌دار و وسط اشعاری‌به‌زبان‌فارسی‌بوده‌که کلماتی‌از آن خوانده می‌شد.

کسانی که درگورستان قدیمی مشهد سیدحسین‌ناصر به‌خاك سپرده شده‌اند

سیدظهیرالدین‌می‌نویسدکه‌مشهدسیدحسین‌ناصردر رودسراست ودرصفحات چندی از کتاب خود ، کسانی را یادآور می‌شود که در این گورستان قدیمی روی درنقاب خاك‌کشیده‌اند. دربارهٔ سلطان بوسعیدپسر کارگیامیراحمد چنین‌می‌نویسد:

۱ــ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو ، ص ۳۸ .

« کارگیا میراحمد را فرزندی بود بـوسعید نام ، او را علت نقـرس طاری گشت و برائر این مرض بمرد. اورا پهلوی مشهد مبارك سید پاکیزه‌گوهر حسین ناصر علیه‌الرحمة والغفران دفن کردند وعمارت عالی بر آنجا بساختند و حفّاظ را وظایف مقـرر کردند تا متصلة لا منفصله ، به آواز قـرآن مجید روح آن نتیجهٔ آل رسول را شادگردانند.»[1]

در بارهٔ سیدرضی‌کیا چنین نوشته است :

« در قریه‌ای از قـرای رودبـار بامنصوری ، کارگیـا میراحمد و پسرش سیدرضـی‌کیا به خانهٔ کدخدا فرود آمدند او را نوکری بود ـ حاجی‌حسن نام ـ خواست که اسب خود را به زیر آن خانه درون ببرد و باز دارد. ستونـی در راه خانه مانع بود . آن بی‌دولت ندانست‌که خانه را قیام بر آن ستون است. چون آن ستون ببرید ، به‌یکبار خانـه فرود آمد و کارگیا میراحمـد و فرزندش رضی‌کیا، در شیب آن گل و سنـگ بماندند .... از قضای ربانی کارگیا میراحمد را زنده یافتند و فرزندش را مرده برداشتند . کارگیا میراحمد فرزند را بر نعشی نهاده باسپهسالارخود ـ حسام‌الدین ـ همراه‌گردانیده به گیلان فرستاد. اورا به رانـکوه بردند وپهلوی برادرش ـ سلطان بوسعید ـ در رودسر ، دفن کردند.»[2]

در بارهٔ سلطان حسین چنین می‌نویسد :

« سلطان حسین برادر سلطان علی‌میرزا حاکم گرجیان بود . شب چهارشنبه پنجم ماه رمضان مطابق بابیست‌وسوم اسفندیارماه قدیم سنه ۸۸۵ فوت شد. جسد او را به‌مزار حسین‌ناصر به رودسر آوردند.»[3]

در سال ۹۰۸ قمری سلطان محمد ـ بزرگترین پسرسلطان حسن بیه‌پیش ـ نیز در همین‌جا مدفون شد. درسال۹۸۹ قمری کیارستم ـ سپهسالارخان احمدخان ـ نیز در این‌گورستان به خاك سپرده شد.[4] ایـن مرد مدت ده سال در قلعهٔ‌المـوت

۱ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص۲۲۳. ۲ـ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص۲۵۱و ۲۵۲. ۳ـ تاریخ گیلان و دیلمستان ، ص ۴۲۹. ۴ـ گیلان دا ببنو ، ص ۳۳۹.

حبس بود و در زمان خدابنده محمدشاه خلاص شد و به‌لاهجان آمد و به منصب سپهسالاری رسید. خان احمدخان، سه‌ماه اورا در لیل‌حبس کرد و در سال ۹۸۹ درهمانجا اورا به‌قتل‌آوردند و درآستانهٔ سیدحسین ناصر مدفون ساختند.[۱]

خشت‌پل رودخانهٔ رودسر
بر رودخانهٔ گوا رود در مغرب شهر رودسر

بالادست پل بتونی‌کنونی‌که برسر راه لنگرود به رودسر و متصل به شهر رودسر است، روزی پل‌آجری عظیمی برپای بوده است. آنچه ازپایه‌ها نمودار است، ظاهراً دارای دودهانهٔ اصلی بوده است. برسمت راست ومتصل به‌دیوارپل، آثاری از یك حلقه چاه و بنائی آجری نیم‌دایره‌ای نظیر سیل برگردان، دیده می‌شود. زیرخانه‌ای که متصل به این بناست آثار دیوارهای متعدد از آجر دیده می‌شود. روزی که این پل بنا می‌شد، این رودخانه به‌نام «گوارود»[۲] یا «کویارود» شهرت داشت. در زمان رابینو «کیارود» می‌خواندند.[۳] غیر از پل، آثاری که ازآن یاد کردیم، مسجد و بازاری بوده که به شکل کاروانسرای چهار در ساخته بوده‌اند.[۴] رابینو درسفرنامهٔ خود ازاین پل یاد کرده و می‌نویسدکه بسیار بلند و پرشیب بوده است.[۵]

تمیجان و آثار تاریخی آن

دهکدهٔ تمیجان برسرراه املش ویك فرسخی غرب رودسر است. بناهای تاریخی ونیمه ویران آن نشان می‌دهدکه روزی بسیار آبادان بوده است. آبادی آن درسال ۸۲۰ ه. ق. به‌دست سیدمحمدکیا شروع شد وظاهراً پیش‌ازاین تاریخ نیز آبادانی داشته است. سید ظهیرالدین دربارهٔ این دهکده چنین می‌نویسد: «وبازار تیمجان سابقاً درهمین موضع که اکنون است هم بوده است. اما

۱ــ تاریخ گیلان عبدالفتاح، ص ۳۴. ۲ــ بضم گاف. ۳ــ گیلان رابینو، ص ۳۴۹.
۴ــ گیلان رابینو، ص ۳۳۷. ۵ــ متن انگلیسی سفرنامهٔ مازندران واسترآباد، ص ۱۷.

دکان خرابی چند که مناسب دولت قاهرهٔ ایشان نبوده ، بود . بفرمود تا آن بازار را به سر گوراب نو که احداث فرموده بودند نقل کنند. واز دوطرف برسر آن میدان، دکانهای مرغوب مستحسن ، به اندك مدت تمام ساختند وبقال وبزاز تیمجان را امر شد که رخت خود را بدانجا برند وآن مقام از یمن عالی عاطفت آن حضرت چون روضهٔ خلدبرین گشت و تاریخ احداث آن بازار و گوراب را به خط مبارك سیادت قبابی نوشته دیدم که عشرین ذی‌حجه سنهٔ عشرین وثمانمائه بود . و وقتی که تمام شده بود ، مؤلف حقیررا برخاطر است که مردم تیمجان که بدان بازار نقل کرده بودند، بسیار تضرع و زاری می‌نمودند که مسکن وموطن پدران مادر تیمجان است و از آنجا تااینجا تردد نمودن برایشان صعوبت تمام دارد وملك موروثی وخانه‌های قدیمی خود را بازگذاشتن وبدینجا نقل نمودن هم متعذر، ملتمس ایشان را بعداز دوسال قبول کردند ومبلغی که آن جماعت بنابرآن برخودگرفته‌بودند ، بستاندند و باز شهر و بازار را بدان مقام اصلی نقل فرمودند وآن جماعت بدان راضی و خشنود گشتند .»[۱]

سیدظهیرالدین دوسه بار از «شاهان‌گوراب» درنزدیکی تمیجان یاد می‌کند.[۲] برای ما روشن نیست که این شاهان‌گوراب همان کهنه‌گوراب کنونی است که دهکده‌ای درنزدیك تمیجان است یانام قدیمی تمیجان.

خشت پل
بر رودخانهٔ تمیجان رانکوه

درآبادی تمیجان ، پل آجری عظیمی ازبناهای شاه‌عباس دیده می‌شود . این پل برسر راهی است‌که شاه‌عباس درسراسر مازندران وگیلان‌کشیده بود وبه‌اردبیل متصل می‌شد . این راه از رودسر (=هوسم) به کلاکسرا[۳] ، از آنجا به کرف‌محله ، ازآنجا به‌تمیجان واز تمیجان به‌کهنه‌گوراب‌که تاامروز برسرچاه کهنه‌گوراب پل

۱ـ تاریخ گیلان ودیلمستان ، ص ۱۴۱. ۲ـ تاریخ گیلان ودیلمستان ، صفحات ۱۰۷ و ۱۰۸و۲۴۳. ۳ـ بفتح کاف اول.

آجری راه باقی‌است.[۱] از آنجا به‌استادکلایه‌که هنوز آثار پل‌آجری این محل‌نیز باقی است . از آنجا میان چهارده بالا وپائین ، ازپل آجری می‌گذشت وبه‌چهارراه کومله می‌رسید. از کومله تالاهیجان راه شاه‌عباسی‌تاامروز در دامن‌کوه باقی‌است.

طول پل تمیجان ۶۰ متر و عرض آن ۵ متر تمـام است . درطول پل‌سه‌دهنهٔ اصلی و دو دهنهٔ کوچك درطرفین دهانه‌های اصلی است . بلندی طاق جناقی‌دهانهٔ اول از سطح آب ۶۲۰ سانتیمتر و بلندی دهـانهٔ دوم‌که مقداری از کف آن از گل پرشده است، ۴۵۰ سانتیمترو بلندی دهانهٔ سوم‌که دهانهٔ شرقی است ، ۳۸۰سانتیمتر است . در دوطرف طاق جناقی میانین ، دواطاق کوچك ، درمیان پایه‌های‌پل‌ساخته شده است که درهرطرف پل دوپنجره دارند. طاق این دواطاق‌آجری ومدوراست. دواطاق‌کوچك دیگر نیز دردل پایه‌هائی‌که میان طاقهای‌کوچك دوطرف ودو دهانهٔ طرفین‌است ، بناشده‌است. دوطرف عرض پل‌جان‌پناهی‌آجری به‌بلندی ۵۰سانتیمتر ساخته‌اند تا از افتادن افراد وچهار پایان جلو گیری‌کنند .(عکس‌شمارهٔ ۲۰۳)

راهی که از روی این پل می‌گذرد ، ازطرف شرق به کرف محله[۲] ، دیودره و ناصرسرا می‌رود .

پل‌آجری کوچکی درنزدیکی مسجدجامع واین پل بزرگ است که برسر راه سورکو ، شیخ‌آباد ، گواسرا و ولیسه است و سپس به جادهٔ کناره ، یعنی راه آسفالت امروزی می‌رسد.

مسجد جامع نزدیك پل‌آجری
درتمیجان رانکوه

بنای مسجد از آجر است . فیلپائی‌که مقطع آن ستاره‌ای شکل است ، در وسط بناست‌که سرکشی (=حمالی) برآن قراردارد و واشانهای سقف بردیوارهای دوطرف واین سرکش متکی است . در ورودی مسجد ساده وچوبین ورو به مشرق

۱ــ از رودسر به دیودره وناصرسرا نیز راهی است‌که درهمین مسیر قرار می‌گیرد .
۲ــ بفتح‌کاف وراء .

گشوده می‌شود . صحن مسجد شامل دو قسمت اصلی است . قسمتی که مخصوص زنان است ، باچوب بناشده وسطح آن درحدود دو متر بالاتر ازکف اصلی مسجد است . برپالای طاقنماهای اطراف مسجد ، گچ‌بریهای قدیمی است . محرابی در طرف قبلی مسجد است ودو پنجره در دوطرف آن است .

دراین مسجد سنگ مرمر سفیدی به‌درازای ۵۰ وپهنای ۲۵ سانتیمتر است که این عبارات برآن حک شده است :

«لااله الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله بتاریخ شهر ذیقعدةالحرام‌سنه ۱۰۷۵ حاجی‌محمدصالح تیمجانی ولدحاجی‌خور توفیق ساختن حوض و لاکه ومنار یافت یارب ذخیرهٔ روز موعودش گردان .»

آثار حوضی شش ضلعی که هرضلع آن ۶۰ سانتیمتر است ، در زیر چهار اصله درخت آزاد ، درطرف چپ جاده‌ای که به‌املش می‌رود و آثار لاکه که منبع آب کوچکی است به درازای ۱۹۰ وپهنای ۱۲۰ سانتیمتر ، در طرف راست همین جاده نزدیک مسجد تا امروز برجای است . گنگی (=تنبوشه) سفالین نیز در این لاکه دیده می‌شودکه ظاهراً آب را به‌حوض می‌رسانیده است . پایهٔ آجری مناری مدور نیز ، نزدیک همین لاکه تاامروز باقی است .[1]

سنگ قبری به‌درازای ۴۱ وپهنای ۳۱ سانتیمتر دراین مسجد است‌که‌بالای آن جناقی است . این عبارات ونشانه‌ها برآن است :

« وفات مرحوم میرزا حسین ولد میرزا محمد ۱۲۲۲ .»

بالای‌سنگ مهر،تسبیح، دوانگشتر ویک‌شانه وپائین آن‌شکل اسبی‌است که در دوطرف آن دوبلبل وگل وبوته حک شده است .

حمام خرابه‌ای
درتمیجان رانکوه

درمشرق پل‌آجری عظیم تمیجان ، کرف‌محله است . درنزدیکی کرف‌محله

۱ــ در تیرماه ۱۳۵۰ که این مسجد مورد بررسی مجدد قرارگرفت ، معلوم شد پایهٔ آجری منار ذیربنائی نوسازکه متصل به‌مسجد ساخته‌اند ، رفته است .

خرابه‌های حمامی قدیمی دیده می‌شود . این حمام همان حمامی است که یکی از رقبات موقوفات سرتربت امام[۱] بوده است و در کتیبهٔ وقفنامهٔ آن به‌نام « حمام تیامه‌جان» آمده است . اطراف این حمام ، پاره‌آجرهای فراوان درجاده‌ومزارع‌و نهرها دیده می‌شود که نمودار آبادانی مفصل این ناحیه است .

ضرابخانهٔ شاه اسماعیل
در تمیجان رانکوه

در دهکدهٔ تمیجان ، در زمان سلطنت شاه اسماعیل اول ، ضرابخانه‌ای بنا کرده بوده‌اند . سکه‌هائی که دراین محل‌ضرب شده است ، تاامروز باقی است .[۲]

قبور سادات مرعشی
در تمیجان رانکوه

عده‌ای‌ازسادات مرعشی مازندران‌که به‌سلاطین‌گیلان پناهنده شده‌بودند، در تمیجان به‌خاك سپرده شده‌اند که ذیلا به‌نامهای ایشان اشاره می‌شود :

سید ناصرالدین (۸۳۶ هـ . ق .) و برادر زادهٔ او عبدالوهاب بن غیاث بن کمال‌الدین و زین‌العابدین برادر عبدالوهاب وپسران او و علی‌اکبر کمال‌الدین و عبدالعزیز و سید احمد بن ظهیرالدین بن قوام‌الدین مرعشی‌آملی . گورستانی‌که ایشان درآن به‌خاك سپرده شده‌اند به‌نامهـای : سیاسر ، سیاه سره یـا سارەسران تمیجان هوسم خوانده شده‌است .[۳]

خانم‌آستانه
در تمیجان رانکوه

بنای اصلی بقعه مستطیل شکل است . چهار طرف بنای اصلی ایوان دارد . ایوانهادارای ستونهای‌چوبین‌چهارسو وسرستون‌است. لبهٔ ایوانها تکائل‌چوبین‌است.

۱ــ بضم‌الف . این‌حمام را سلطان میرزا علی‌کیا درسال ۸۸۳ ه.ق. وقف برسرتربت کرده‌است وظاهراً به‌امر سیدمحمدکیا ساخته شده است.

۲ــ گیلان دابینو، ص۳۶۴.

۳ــ گیلان رابینو،ص۳۴۰.

سقف بقعه وایوانها واشان‌کشی و بام سراسر بنا ، سفال‌سر است . درختان کهنسال کیش ، مرخ[۱] ، کنوس[۲] ، لی و کهل[۳] براین آستانه سایه انداخته‌اند .

گنبد آجری پیرمحله
در دهکدهٔ پیرمحلهٔ رانکوه

دهکدهٔ پیرمحله ، ده‌کیلومتری رودسر است. از حسن‌سرا که‌هفت‌کیلومتری شرق رودسر است ، جاده‌ای به طرف جنوب می‌رود و از دهکده‌های اسماعیل‌آباد (= بی‌بی‌نظیر) ، سال‌محله (= سالومحله) ،کیان پشته (=کیوان‌پشته) و احمد ـ آباد می‌گذرد . نرسیده به دهکدهٔ رودمیانه ، راه پیرمحله ، از دست راست جاده جدا می‌شود ومستقیماً به پیرمحله می‌رود . این دهکده‌گیلك نشین وجمعیت آن به سی خانوار می‌رسد.

در این دهکده گنبدی آجری باملاط گچ است که نسبت به بناهای تاریخی گیلان بی سابقه است . (عکس شمارهٔ ۲۰٤) این بنا شامل گنبدی هشت ضلعی در جنوب ودو اطاق ویك راهرو متصل به‌آن ، در شمال است . درزیر گنبد دوپوشی که قسمت اصلی‌بناست ، روزی جسدمرد بزرگی یااجساد خاندان سرشناسی به‌خاك سپرده شده است .[۴] دواطاق متصل به آن نیز مخصوص حفّاظ بنا شده است تا در آنجا به‌خواندن کلام‌الله مجید مشغول باشند. ازقرار تقریر آقای سیدهاشم‌سجادی، کف بقعه یابنای اصلی شش پله داشته است . این پله‌هابه نظر نویسنده به‌سردابی که زیر کف فعلی بقعه است، می‌رفته است.

بنا،کرسی بلند وکرسی آن آجری است . ضلع شرقی آن ۸۸۰ وضلع شمالی

۱ـ بکسرمیم وراء . ۲ـ بضم‌کاف. ۳ـ بضم‌کاف و هاء. ۴ـ دراعلام جغرافیائی‌حاشیهٔ دریای‌خزر، معمولا کلمهٔ «محله» بانام‌اهل‌حرف وصنایع‌نظیر: آهنگرمحله، خومرمحله و شرباف‌محله. یا بانام تیره وطایفه نظیر : آخوندمحله ، شیخ‌محله و پیرمحله ترکیب می‌شود. شاید نام دهکدهٔ «پیرمحله» ارتباط بانام پیری داشته‌باشدکه دراینجابه‌خاك سپرده شده است.

۹۵۵ وبلندی کرسی از سطح زمین اصلی۳۰ سانتیمتر وپهنای کرسی ٤٥ سانتیمتر است. درازای شرقی بنا ۸۲۰ ودرازای اضلاع خارجی گنبد ۳٦۰ سانتیمتر است. دهنهٔ درگاه هرضلع ۲۲۰ وپهنای مدخل اصلی بناکه شمالی است ۱۸۰ و بلندی آن ۳۳۰ سانتیمتر است. پهنای درورودی گنبد اصلی ۱۱۰ ودر ورودی اطاق شرقی وغربی ۹۰و پهنای راهرو میان دو اطاق ۱۸۰ ودرازای آن ۲۸۰ سانتیمتر است . وپهنا ودرازای اطاق غربی ۱۹۰ × ۱۸۰ سانتیمتر است . دهنهٔ در ورودی پلکان بام که دراین اطاق است ۷۰ سانتیمتر وهمین دهنه پس از بالا رفتن از دو پله ۸۰ سانتیمتر می‌شود. بلندی پله‌ها ۲۵ سانتیمتر و درازا و پهنای اطاق شرقی ۲٤٥ × ۱۸۵ سانتیمتر و درازا وپهنای پنجرهٔ شرقی و غربی گنبد ۱۰۰ × ۸۰ سانتیمتر است . در ورودی شرقی و غربی که زیر دو پنجره ها قرار دارد، به پهنای ۱۰۵ سانتیمتر و بلندی ۱۸۰ سانتیمتر است . درازای داخلی اضلاع گنبد ۱۸۵ و دهنهٔ هر درگاه میان اضلاع، ۱۳۰ سانتیمتر است . قطر دایرهٔ گنبد ازدو کنج مقابل هم ٤۸۰ سانتیمتر وقطر دایره از داخل طاقنماها ٥۳۰ سانتیمتر است. دهنهٔ محراب گنبد ۹۰ و بلندی آن ۱۷۰ سانتیمتر است . بلندی طاقنماهای داخلی به ۳۳۰ سانتیمتر می رسد . عمق طاقنماهای درونی وبیرونی گنبد ٤۰ سانتیمتر وقطر دیوار گنبد ۱۱۵ سانتیمتر و قطر دیوار اطاقها ٦٥ سانتیمتر است.

دراطاق غربی پلکانی است که با هیجده پلهٔ بیست و پنج سانتیمتر به بام اطاقها و راهرو می رود. عظمت گنبد ازبام بیشتر محسوس است . بلندی کمربند گنبد ۱۸۵ سانتیمتر ومحیط دایرهٔ این کمربند بیست متر تمام است . بلندی گنبد بیرونی ٥٥۰ سانتیمتر و قطر طاق آن ۷۰ سانتیمتر و فاصلهٔ میان گنبد درونی و بیرونی ٥۰ سانتیمتر است .

اگر برای بناهای تاریخی گیلان عجایب هفتگانه‌ای در نظر بگیریم، گنبد پیرمحله بی‌شك یکی از آنها خواهد بود.

بقعهٔ سیدنصر الدین بن امام موسی الکاظم علیه السلام
در دهکدهٔ کولکاسرای رانکوه

بنای اصلی بقعه به درازای ۷۵۰ سانتیمتر و پهنای ۵۵۰ سانتیمتر است. دو در ورودی شرقی و جنوبی دارد. بالای در شرقی پنجره‌ای مشبک بدون شیشه و بالای در جنوبی پنجره‌ای مشبک شیشه‌دار بسیار ظریف تعبیه شده‌است. (عکسهای شمارهٔ ۲۰۵ و ۲۰۶) بر دیوار داخلی و خارجی بقعه، سراسر نقاشیهای مذهبی است. چهارطرف بقعه چهار ایوان به پهنای ۲۵۰ سانتیمتر است. ستونهای ایوانها چهارسوی پخ‌زده و لتازهٔ آن از دو طرف مشبک است. در ورودی ایوانها در وسط ایوان غربی است. بر سنگ مرمری که در ایوان شرقی بر دیوار نصب بود این اشعار حک شده بود:

«مکانی شد بنا چون قصر فردوس
ملایک بر درش صف بسته چون طیر
نه بیند اینچنین جائی بفیضی
بصارت گر کند گرد جهان سیر
چو جستم سال تاریخش خرد گفت
بود حاجی امین بانی این خیر»

داخل بقعه دو سنگ مرمر کوچك است. بر یکی از آنها این عبارات حك شده بود:

«وفات مرحوم ربیع ولد موسی ساکن نصرسرای ۱۲۰۷. نشانه‌ها: تسبیح، مهر و شانه.»

و بر دیگری عبارات زیر خوانده می‌شد:

«وفات مرحوم کربلائی محمد علی ولد محمد صفی قرداقلی ۱۲۰۹. نشانه‌ها: تسبیح، مهروشانه.»

سنگ مرمری جلو در ورودی است و این عبارات بر آنست:

«وفات مرحومه نازدارخانم بنت مرحوم دائی علی مردان ۱۲۱۲. نشانه‌ها:

مهر، تسبیح ودوانگشتر.»

برسنگ بزرگ دیگری عبارات ونشانه‌های زیر است :

« وفات مرحوم مغفور فاطمه نسا خانم بنت مرحوم آقا محمد باقر ۱۲۳۶. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، گردن بند، دوانگشتر، آفتابه، قیچی، بینیکی وشکلی کوزه مانند .»

اطراف بقعه را درختان کیش، آزاد وانار فراگرفته است . محیط دایرهٔ یکی ازآزادها شش متر تمام بود.

آستانهٔ سید حبیبه معروف به‌خانم خانمها
در چیرکویهٔ رانکوه

بنای اصلی بسیار ساده است. قبری ساده بدون صندوق وضریح دروسط بقعه است. دوایوان ساده دردوطرف باستونهای چهارسو است. بام حلب‌پوش است. اطراف بقعه را درختان آزاد وکیش فراگرفته است.

آستانهٔ نصیرعلی کیابن امام موسی الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ کویهٔ رانکوه

بنای اصلی بقعه مربع شکل وبه ابعاد شش متر است و دارای دودر ورودی شمالی وجنوبی است. صندوقی مشبک ساده درمیان بنای اصلی‌است و «آیةالکرسی تا فیها خالدون» با خط خوش نسخ برآن حک شده است. برسطح داخل وخارج دیوارهای بقعه ، سراسر نقاشیهای مذهبی است .(عکس شمارهٔ ۲۰۷) نقاشیها عمل مردی به‌نام غلامحسین لاهیجانی‌است. درحاشیهٔ نقاشیهای داخل‌بقعه این‌عبارات و اشعار نوشته شده است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم خورشید آسمان وزمین نور مشرقین- پروردهٔ کنار رسول خداحسین - یاامیرالمؤمنین یاحیدر - شدکشته‌حسین‌وز غم‌آزاد شدآدم - درحق پدر این پسرالحق پدری کرد - یااباعبدالله

اغثنی ـ دربارگاه قدس که جای ملال نیست ـ سرهای قدسیان همه‌بر
زانوی غم است.... روزی که شد به‌نیزه سر آن بزرگوار ـ خورشید
سربرهنه برآمد زکوهسار ـ یااباعبدالله اغثنی.»

برسطح دیوارهای خارج نیزکم وبیش همین‌اشعار واشعاردیگری ازهفت‌بند محتشم‌کاشانی باخط متوسط نستعلیق، نوشته شده‌است.

چهارطرف سقف داخل بقعه، سه چکش‌گردان دارد وواشانها روی‌چکش‌گردان سومین متکی است. بالای واشانها پل‌کوبی با درزپوش‌زده است.

بر دو لنگهٔ چپ و راست یکی از درهای ورودی اشعار عربی ذیل دیده می‌شود:

«بلغ‌العلی بکماله ـ کشف‌الدجی بجماله
حسنت جمیع‌خصاله ـ صل‌الله‌علیه و آله» [کذا]

تاریخ برحاشیهٔ لنگهٔ دست راست، نزدیك چهارچوب است و سال ۱۳۱۲ هجری قمری رانشان می دهد. زیارتنامهٔ بقعه باخط خوش نسخ و مورخ به سال ۱۳۱۶ هجری قمری است.

سه طرف بنای اصلی بقعه، ایوان است. ایوان شمالی وغربی به‌پهنای ۲۵۰ سانتیمتروایوان شرقی سه‌متراست. سقف ایوانها واشان‌کشی است وبرسه چکش‌گردان دوطرف متکی‌است.(عکس‌شمارهٔ ۲۰۸) روی واشانها پل‌کوبی بادرزپوش‌زده است. ستونهای ایوانها چهارسوی پخ‌زده و سه‌تای آنها لاچ‌لنگری است. سرستونها ظریف و پرکار است. لبهٔ بام پنج چکش‌گردان ویك‌پشته است و بسیار زیباوهنرمندانه کارشده‌است. لبهٔ ایوانها لتازهٔ چپ وراست وطرف غربی، دیواری کوتاه جای لتازه را گرفته است. سراسربام بقعه و ایوانها سفال پوش است.

مراسم علم‌بندی روز سوم محرم و علم واچینی روز سیزدهم همان ماه اجرا می‌شود.

بقعهٔ عاشورعلی کیا
در پائین لشکاجان رانکوه

بنای اصلی بقعه متصل به‌مسجد است. سه‌طرف‌آن‌ایوان است. سقف بقعه و ایوانها واشان‌کشی و روی واشانها پل‌کوبی بادرزپوش زده است . ستونها چهارسو باسرستون ویکی ازستونها لاچ‌لنگری است. درخت آزادکهنسالی درمحوطهٔ‌بقعه است.

بقعهٔ سیدبگم برادرزادهٔ سید حبیبه
دردهکدهٔ کرفستان رانکوه

بنای اصلی بقعه دروسط وچهار طرف‌آن ایوان‌است. پهنای ایـوان شمالی یك مترونیم وایوانهای شرقی وجنوبی یك متر و ایوان غربی ۸۰ سانتیمتر است. سقف بقعه واشان‌کشی و روی آن تخته کوبی است . وسقف ایوانها واشان و روی واشانها پل‌کوبی با درزپوش‌زده است. ستونها چهارسوی پخ‌زده وچهارستون‌ایوان جلو، لاچ‌لنگری است.ستونها تمام دارای‌سرستون است. لبهٔ‌بام دوپشته وبام‌سفال‌ـ سراست.لبهٔ‌ایوانها دورتا دورلتازهٔ چپ‌و راست دارد. اطراف‌بقعه رادرختان‌کیش و آزاد ویك اصله‌کوب ویك اصله‌توی وچند اصله‌کنوس فراگرفته است .

مراسم‌علم‌بندی شب‌اول‌محرم‌ومراسم علم‌واچینی روزاربعین است. روزهای جمعه روضه‌خوانی و زوار کشی است.

بقعهٔ آقاسید احمد و آقاسید محمود
درسله‌سر (=استلخ‌سر) کرفستان رانکوه

در دوطرف جنوب وشرق‌بقعه، ایوانی‌به‌پهنای۱۱۰ سانتیمتراست. ستونهای ایوانها چهارسو وبدون سرستون است. لبهٔ‌ایوانها،لتازهٔ تخته‌ای است. سقف‌بقعه و ایوانها واشان‌کشی است. لبهٔ‌بام دوپشته وبام‌حلب پوش‌است . درختان کهن آزاد و

کیش بر بقعه سایه انداخته‌اند. مراسم علم‌بندی در این بقعه روز اول محرم و مراسم علم واچینی روز سیزدهم همین ماه برپا می‌شود.

آستانه‌ای بی‌نام و نشان در دهکدهٔ اشکرمیدان رانکوه

بنای اصلی بقعه زگالی و ایوانهای آن درسه طرف غرب و جنوب و شرق، بنا شده است. صندوقی ساده و تخته‌ای در کنار محوطهٔ بنای اصلی است. سقف بقعه واشان‌کشی واز رو پل‌کوبی وسقف ایوانها فقط واشان‌کشی است. ستونهای ایوانها چهارسو و بدون سرستون است. لبهٔ ایوان لتازهٔ تخته‌ای است. سه دروروودی بقعه در سه ایوان سابق‌الذکر باز می‌شود. لبهٔ بام دوپشته و بام سفال‌پوش است.

مراسم علم‌بندی در این بقعه روز هفتم و مراسم علم واچینی روز سیزدهم محرم برپا می‌شود.

برسرسه‌راهی اشکرمیدان آستانه‌ای قدیمی بوده است که فعلاً خراب کرده بودند. مسجدی قدیمی و مسجدی نوساز نزدیک خرابهٔ این بقعه بود. درختان کهنسال کیش و پلت و آزاد برمحوطهٔ بقعه سایه انداز بود.

حمامی قدیمی و خراب دردهکدهٔ پیش بیجار رانکوه

کنار جاده‌ای که به پیش‌بیجار وارد می شود، حمامی آجری قدیمی است که دارای سربینه و گرمخانه و یك خزینهٔ آب گرم و یك خزینهٔ آب سرد است. چاه آبی درجاو حمام و حوض مربع شکلی نزدیك آن است. آب چاه، پس از کشیدن و ریختن در این حوض باتنبوشه به حوض سربینه و خزینه‌ها می‌رفته است.

حمامی آجری و قدیمی دیگر در این محل است که آن نیز روی در خرابی داشت.

خانه‌های قدیمی پیش‌بیجار بسیار عظیم و پنجره‌های مشبك و ارسیهای آن بسیار زیبا و هنرمندانه ساخته شده بود.

بقعهٔ سید مرتضی بن امام زین‌العابدین علیه‌السلام در دهکدهٔ ماچیان رانکوه

بنای اصلی بقعه شامل اطاقی است به درازای ٦٦٠ و پهنای ٦٣٠ سانتیمتر و قطر دیوار آن ٩٠ سانتیمتر است، چهار طرف این اطاق ایوان دارد. درازای هر يك از ایوانهای چهارطرف یازده متر و پهنای آنها ازاین‌قرار است: ایوان‌شرقی و شمالی وغربی ١٩٠ سانتیمتر و ایوان جنوبی ٢٢٠ سانتیمتر. بلندی در ورودی بقعه ١٥٠ وپهنای آن ٩٥ سانتیمتر است. درمیان بنای اصلی بقعه صندوقی سادهٔ تخته‌ای است که اطراف آن راضریح مشبکی به‌درازای ٢٦٠ وپهنای ٢١٠ وبلندی ١٥٠ سانتیمتر فرا گرفته است. سقف داخل بقعه پنج شیرسر تخته‌ای دارد. وسط سقف مربعی است که سطح آن گودتر از سایرقسمتهای سقف است و پنج تختهٔ ٢٠ سانتیمتر داخل آن راپوشانده‌است. سقف ایوانها، ازطرف دیواربقعه، دارای دوشیراست واز طرف ستونهای ایوان دوپشته است. بالای شیرسرها وپشته‌ها، واشان چهارنبش و بالای آنها پل‌کوبی با درزپوش‌زده است. جلو ایوانها، ستونهای چوبین چهارسوی پنجزده وشش عدد لاچ‌لنگری مارپیچ و هفت و هشت است. لبهٔ ایوانها لتازه و ایوان جنوبی‌که در ورودی بقعه درآن است، تکائل دارد. ستونها دارای‌سرستون و پره‌های ایوانها، چهارپشته است. بام سراسربنا، سفال‌سرخ است.

بردیوار شرقی وغربی داخلی بقعه دوخورشید ترسیم شده است. دروسط و حاشیهٔ اطراف، اشعاری ازهفت‌بند محتشم‌کاشانی و درفواصل مصراعها «یااباعبدالله اغثنی» خوانده می‌شود. دردوطرف خورشیدها، عبارت «الحق مع‌علی» ازراست به چپ وازچپ به راست نوشته شده‌است.

برنمای خارجی دیواربقعه، درضلع جنوبی «الله محمد علی» ودو گوزن در

طرفین وزیر آنها دو طاووس و طرفین طاووسها، دوعلم وزیرتمام این نقوش و نوشته‌ها، اژدهای بزرگی ترسیم شده‌است(عکس شمارهٔ ۲۰۹).

برنمای خارجی دیوار غربی، حضرت ابوالفضل سوار براسب است وحضرت زینب مشکی دردست دارد وبدو می‌دهد. سایرزنان صحرای کربلا، هریك کاسه‌ای به‌دست دارند. طرفین تمثال، دوشیرشمشیر به‌دست وزنجیر به‌گردن دیده می‌شود. طرف راست این تمثال، عبارت «الهم‌صل‌علی‌محمدو آل‌محمد» وزیرصلوات، مصراع «درمدیحش مدایح مطلق» خوانده می شود.

برنمای خارجی ضلع شمالی عبارت «الهم‌صل‌علی‌محمدو آل‌محمد» و «الحق مع‌علی» ونامهای پنج‌تن، ازراست به‌چپ وازچپ به‌راست نوشته شده‌است. طرفین نامهای پنج‌تن دوعلم نقش‌شده‌است. درحاشیهٔ بالا، اشعاری‌ازهفت‌بند محتشم‌کاشانی‌و فواصل مصراعها عبارت «یااباعبدالله اغثنی» خوانده می‌شود.

برنمای خارجی‌دیوارشرقی دربالا،عبارت «خیرالبشرعلی»گچ‌بری شده‌است. حضرت رقیه دروسط وفرشتگان درطرفین‌او ایستاده‌اند. عبارات «الحق‌مع‌علی» و «نصرمن‌الله وفتح قریب» و«درمدیحش مدایح مطلق ـ ذهق‌الباطل‌است، جاءالحق» برچپ وراست تمثال ازراست به چپ وازچپ به راست دیده می‌شود. بالای این نوشته‌ها و نقشها، جای دوآئینه بوده است‌که بالای آئینه‌ها « تجده عونالك فی النوائب» وبالای‌آن کبوتری ترسیم شده است.

علم‌بندی دراین بقعه روزهفتم محرم وعلم‌واچینی روز دهم همین ماه یعنی عاشوراست. زوارکشی این بقعه روزهای جمعه است.

اطراف بقعه درختان بلند لیلکی، کیش، انار،گردو، آزاد، به وسرواست. محیط دایرهٔ تنهٔ سرو تر وتازه وبلندو رسای این بقعه بـه ۲۹۰ سانتیمتر ومحیط دایرهٔ تنهٔ آزادکهن سال‌آن، به۲۵۰ سانتیمتر می‌رسید (عکس‌شمارهٔ ۲۱۰).

بقعهٔ آقاسید محمد نوهٔ امام موسی الکاظم علیه السلام
معروف به فضل و فاضل
در سیارستاق رانکوه

طول و عرض بنای اصلی بقعه پنج متر و در ورودی آن به بلندی ۱۶۰ و پهنای ۱۱۰ سانتیمتر در میان دیوار جنوبی است. چهار طرف بنای اصلی ایوان است. درازای ایوان جنوبی ۸۶۰ سانتیمتر و پهنای آن دومتر، درازای ایوان شرقی ۸٤۰ و پهنای آن ۱۸۰ سانتیمتر، درازای ایوان شمالی ۸۷۰ و پهنای آن ۱٤۰ سانتیمتر است. صندوقی در وسط بنای اصلی بقعه است. صندوق آلت دار و میان آلتهای آن باقابهای چوبین پرشده است. در ورودی بنانیز به همین ترتیب ازچوب ساخته شده است. سقف داخل بقعه دارای پنج شیرسر است که مربع وسط آن کمی گودتر از سایر قسمتهای سقف است.

سقف ایوانها، ازطرف دیوار بنای اصلی بقعه و سرنال ستونهای ایوان، دو شیرسر دارد. واشانهای چهارسو برشیرسرهاست و بالای واشانها، پل‌کوبی با درزپوش زده است. یازده ستون این بقعه لاچ‌لنگری است. نوع لاچ‌لنگریها مارپیچ و منکسر است. در ورودی ایوانها غربی است و تمام ایوانها تکائل دارند. تکائل ایوان جنوبی مشبك است (عکس شمارهٔ ۲۱۱).

مراسم علم‌بندی در این بقعه هفتم محرم و مراسم علم واچینی سیزدهم محرم یاروزسوم از قتل حسین بن علی علیه السلام برپا می‌شود.

مسجدی کهنه و قدیمی درغرب بقعه است که ارسیهای بزرگ و پرکار دارد. درشرق وغرب این مسجد دو پنجرهٔ مشبك ظریف دیده می‌شد.

اطراف بقعه و مسجد درختان لی (= نارون)، نارنج، للیکی، انار، به، کنوس (= ازگیل) سیب، خوج و گردو است. محیط دایرهٔ تنهٔ یکی از نارونها چهارمتر تمام بود.

آستانهٔ پیچان
در دهکدهٔ میرک محلهٔ [۱] سیارستاق [۲]

درازا و پهنای بنای اصلی بقعه چهارمتراست . در ورودی بقعه غربی است . چهارطرف بقعه ایوان است . درازای هریک از ایوانها ۷۵۰ سانتیمتر و پهنای ایوان شرقی ۱۷۰ وجنوبی ۲۱۰ وغربی ۱۹۰ وشمالی ۱۴۰ سانتیمتر است . در ایوان جنوبی سه ستون لاچ لنگری است که دوتای آنها مارپیچ و یکی هفت و هشت است . برهر سه ستون جای علم تعبیه شده است. هفده ستون دیگر، چهارسوی پخ زده است. تمام سرستونها دهان اژدری است. طرفین ایوانها، یعنی طرف دیوار بقعه وطرف سرنال ستونها، شیرسر ظریفی داردکه روی آنها واشانهای چهارسو و روی واشانها ، پل کوبی با درز پوش زده است. سقف اصلی بقعه نیز مانندسقف ایوانهاست. پرهٔ ایوانها سه پشته است وبام سراسر بنا، سفال پوش است.

مراسم علم بندی روزهفتم محرم وعلم واچینی عصرسیزدهم محرم برپا می شود. بنای اصلی بقعه بامسجدی که درجوار آن است، میان درختان کیش، آزادو خوج است ، محیط دایرهٔ تنهٔ درخت آزادکهنی که دراینجاست به ۳۸۰ سانتیمتر بالغ بودو براین درخت شاخ گنج گاو (= گوزن) شش ساله کوبیده بودند.

بقعهٔ آقا سید ابراهیم بن امام موسی الکاظم علیه السلام
در دهکدهٔ کلدرهٔ [۳] رانکوه

بنائی است زگالی ومربع شکل. در ورودی بقعه شرقی است. چهار ایوان درچهار طرف بقعه است. ایوانها دارای ستون چوبین چهارسو باسرستونهای پر کاراست. ایوان شرقی هفت ستون دارد که یکی از آنها لاچ لنگری هفت وهشت است . سه

۱ـ تلفظ محلی: مرک محله (بفتح میم و کسر راء). ۲ـ سیارستاق شامل نه پاره آبادی به این شرح است: صبادمحله، قاضی محله، کوگا «Kowgâ»، شاهمرادمحله، علی اوسط محله، کندبن، کندسر، جانبازمحله ، بزاستان (بکسر باء). ۳ـ بفتح کاف و دال.

ایوان دیگر هریك شش ستون دارد. پائین ستونها چهار ضلعی ومقطع بالای آنها هشت ضلعی دوبه‌دو برابر است. چشمه‌ای جلو بقعه است ودرخت آزادی کهنسال که محیط دایرهٔ آن ۵۷۰ سانتیمتراست ، نزدیك این چشمه است .

بقعهٔ آقاسید زکریا
در دهکدهٔ سالومحلهٔ رانکوه

بنای اصلی بقعه مربع شکل است. دودر ورودی درجنوب وشرق دارد چهار طرف بقعه ایوان است. هریك ازایوانها هفت‌ستون چهارسو دارد. یکی ازستونهای ایوان شرقی لاچ‌لنگری است . سقف بقعه وایوانها واشان‌کشی وپل‌کوبی‌است .لبهٔ بام دوپشته وسراسر بام‌بنا، سفال‌سر است . مسجدی‌نزدیك بقعه‌است که پنجره‌های ارسی قدیمی دارد.

بقعهٔ امیر حیدر وامیر احمد
در دهکدهٔ امیربندهٔ رانکوه

بنای اصلی بقعه ۱۷ × ۱۲ متراست . داخل اطاقی دوصندوق چوبین ساده است. میان دوصندوق جداری مشبك چوبین ونزدیك این‌جدار، ستونی‌قطور لاچ‌ـ لنگری باسرستونی زیبا است. سرکشی درعرض بنا، روی‌این‌سرستون است. چهار طرف بقعه ایوان دارد. پهنای ایوان قبلی ۲۵۰ سانتیمتر وپهنای ایوانهای شرقی‌و غربی وشمالی هریك ۱۴۰ سانتیمتراست. لبهٔ ایوانها تکائل چوبین مشبك ظریف است. ایوانهای شمالی وجنوبی هریك‌یازده ستون وایوانهای شرقی وغربی هریك هشت ستون دارد . دوستون لاچ لنگری درایوان قبلی است (عکس شمارهٔ ۲۱۲). سقف ایوانها وبقعه‌ها سه ردیف شیرسر داردکه سقف بربالای ردیف آخرزده شده است . لبهٔ بالای ایوان سه چکش‌گردان ویك پشته دارد (عکس‌شمارهٔ ۲۱۳) . بام سراسر بنا سفال سراست . مسجدی نسبةً قدیمی درجواربقعه است . درمحوطهٔ باز اطراف بقعه درختان قطور آزاد است .

در کاوشی که در خرداد ماه سال ۱۳۴۵ در این بقعه می‌شد، ساختمانی باکاشی‌ـ کاری و زینتهای گوناگون پیدا شد. از طرف دادگاه دستور داده‌شد تارسیدن مأموران باصلاحیت دولتی، نگذارند کسی در آنجا دستکاری کند. هنوز روشن نیست که این بنا چیست؟

مسجد قدیمی گیلاکجان
در دهکدهٔ گیلاکجان رانکوه

مسجد گیلاکجان از مستحدثات امام ناصر کبیر است. هنگامی که سیدعلی کیا در حدود سال ۷۷۲ ه. ق. قصد تسخیر رانکوه را داشت و یکی دوبار با امیره نوپاشاـ از شاهان محلی این ناحیهـ جنگید، «یک هفته در این مسجد بماند و مردم ولایت رانکوه از اطراف و جوانب به‌اعتقاد صادق می‌آمدند و بیعت می‌کردند و از فسق و فجور و عصیان متحرز و مجتنب می‌گشتند و در مقام اطاعت و فرمانبرداری وظایف عبودیت به‌تقدیم می‌رسانیدند.»[1]

از دهکدهٔ کالاکجان (= گیلاکجان) در جامع التواریخ رشیدی به‌نقل از تاریخ حسن صباح نیز یاد شده‌است. در آنجا می‌نویسد «... کیااسماعیل بالشکری بفلام‌ـ رودبار[2] رفت به‌جائی که کالاکجان خوانند و بجنگ بگرفتند و پنجاه شصت کس را بکشتند.»[3]

مسجد امروز گیلاکجان، بنائی است که ابعاد داخلی آن ۱۰٫۶۰ × ۱۰٫۲۰ متر است. قطر دیوارهای آجری آن ۹۰ سانتیمتر است. در فاصلهٔ ۵۵۰ سانتیمتری دیوار قبلی سرکشی در طول بناست که بر ستونی عظیم چوبی لاج‌لنگری متکی است. این ستون دارای سرستونی بزرگ و پرکار و خوش نقش است. کف مسجد سابقاً با کاشیهای هشت ضلعی به قطر ۱۴۵ سانتیمتر مفروش بوده است. بر کاشیها گل و

۱ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۳۷. رابینو در ص ۳۵۷ گیلان خود از این مسجد یاد کرده است. ۲ـ این ناحیه به‌نامهای «پلام رود» و «پلام رودبار» و «فلام رود» و «پلورود» و «پلورودبار» نیز خوانده شده‌است. درمتن جامع التواریخ «فلام‌رودبار» آمده‌است.
۳ـ جامع التواریخ رشیدی، قسمت اسماعیلیان، ص ۱۵۹.

بوتـه‌های سفید برزمینه‌ای فیروزه‌ای کار شده است و به‌نظر می‌رسد که متعلق به دوران پیش ازصفویان است. فرش امروز مسجد، کاشیهای شش ضلعی است‌که قطر آنها ۲۴ودرازای هرضلع ۱۴سانتیمتراست . سقف مسجد واشان‌کشی‌است . واشانها برسرکش وسط ودیوارهای دوطرف متکی است. بالای واشانها پل‌کوبی بادرزپوش است .

محرابی‌طرف قبلی است ودوطرف آن دوپنجرهٔ شیشه داراست‌که به‌محوطهٔ باز اطراف مسجد گشوده می‌شود . دوخفنگ نورگیر مشباك چوبین نیز درهمین طرف است . درطرف شمال دودر ورودی‌بزرگ به‌بلندی ۱۸۶وپهنای ۱۶۰سانتیمتر است‌که بالای هریك خفنگی نورگیر مشباك‌چوبین است . سقف بنایك پشته وبام آن سفال‌سر است .آجرهای بنابه‌ابعاد ۴×۱۹×۱۹ سانتیمتر است .

نهرهائی‌که ازرودخانهٔ پلورود جدا می‌شوند

نهرهای زیردرمشرق رانکوه هستند واز نهراصلی‌ماچیان منشعب می‌شوند:

۱ــ نهر شیرارود، ازماچیان تاشلمان راآبیاری می‌کند .

۲ــ نهرلاکلایه، ازلاکلایه تا کلان‌کلایه ادامه دارد .

۳ــ کلدره،[1] سربندآن ماچیان است . به‌کلدره ولاکلایه وترشایه[2] تا جادهٔ آسفالت پیش می‌رود .

۴ــ نهر سیارستاق ، آبادیهـای سادات‌محله و قاضی‌محله و هادی‌کیاشر را آبیاری می کند .

۵ــ نهرهردورو، ددامحله ، پیرمحله ، سرچومحله[3] ، ماسایه واسبومحله و گسکرمحله را آبیاری می‌کند .

۶ــ نهرانارستان که‌تا میرك محله کشیده شده است .

۷ــ نهرچناربن‌که دهکده‌های چناربن، احمدآباد ، سلطان‌سرا وکوتکان را آبیاری می‌کند.

۱ــ بفتح‌کاف و دال. ۲ــ بضم تاء وکسر یاء. ۳ــ بضم سین و چ.

۸- نهر بلالم، [1] از بلالم به سیاوان محله و وشال [2] می‌رود.

۹- نهر خالکه به‌کیان پشته ومیرون‌محله و بهادرمحله می رود و شعبه‌ای از آن به گیلاکجان و شیرمحله می‌رسد.

۱۰- نهر گیلاکجان که گیلاکجان وسالومحله را آبیاری می‌کند.

۱۱- نهرسالومحله که قسمتی ازسالومحله وتمام‌حسنك‌سرا راآبیاری‌می‌کند.

راه شاه‌عباسی
درناحیهٔ شرق رانکوه

ازسورخانی به دریاپشته، به‌گاوماست واجارگاه به‌بندبن واجارگاه، به‌سالاک‌جان واجارگاه، به‌نعمت‌سرا، به‌گلدشت، به‌کان‌کالایه [3] می‌رود. سپس از بالای دهکدهٔ آزاربن وباغهای چای سی‌ور [4] می‌گذرد.

قلاکوتی فشکل‌پشته [5]
درفشکل‌پشتهٔ واجارگاه رانکوه

این‌قلعهٔ قدیمی امروز به‌باغ چای تبدیل شده است. کندوکاوی که درمحل کرده بودند، نشان می‌داد که آجر جزء مصالح اصلی بنابوده است.

قلاکوتی واجارگاه
در دهکدهٔ واجارگاه رانکوه

سطحی که روزی قلعه بر آن بناشده‌است، بیش ازهزار ودویست مترمربع است. دراین اراضی آجر پاره و سفال پیدا می‌شود. طرف شرق قلعه، رودخانهٔ لزوجان [6] وطرف جنوب آن دیودره است.

۱- بفتح باء ولام‌دوم. ۲- بکسرواو. ۳- بفتح‌کاف‌ولام. ۴- بکسرواو.
۵- بفتح فاء و کاف. ۶- بفتح لام وکسر زاء.

قلاکوتی شب‌خسب‌کله
درشب خسب‌کلهٔ واجارگاه رانکوه

دوراین قلعه خندق است. درمحل قلعه که درحدود ۱۳۰۰ مترمربع است آثار سنگ وآجر وسفال پیدا می‌شود. این اراضی امروز به‌باغ چای تبدیل شده است.

قلاکوتی گزاف‌رود ۱
در اراضی کلاچای رانکوه

درمحل قلعه آجر وسنگ وسفال پیدا می‌شود. پهلوی این قلعه چاه بزرگی است. این چهار قلعه یعنی قلاکوتی فشکل‌پشته‌ و قلاکوتی واجارگاه و قلاکوتی شب‌خسب‌کله وقلاکوتی گزاف‌رود، درامتدادهم و ازجنوب به‌شمال قرارگرفته‌اند. نظیراین قلعه‌ها که درامتدادهم ازپای کوه به‌لب‌دریا کشیده شده‌اند درچلندرکجور نیز دیده می‌شود.

قلاکوتی سلیم‌سرا
درمیان رودخانهٔ سلیم‌سرا
دردهکدهٔ سلیم‌سرای واجارگاه رانکوه

این قلعه داخل رودخانه است وازچهار طرف آن آب گذر می‌کند. دربالای اراضی مسطح آن بقایای آجر وسنگ وسفال پیدا می‌شود.

درسیاهکله‌رود نیز قلعه‌ای نظیراین قلعه‌هاست.

بقعهٔ آقا سیدعبدالله
دردهکدهٔ سیاهکله‌رود اطاق‌ور رانکوه

بنائی است ساده باچهار ایوان‌کتابی درمیان جنگلی ازدرختان کیش کهنسال.

آقا مار آستانه
دردهکدهٔ سیاهکله‌رود اطاق‌ور رانکوه

بنائی است ساده‌باچهارایوان وستونهای چهارسو درمیان جنگلی ازدرختان آزاد کهنسال.

۱- بضم گاف وکسرفاء.

بقعهٔ آقاسیدحسین
دردهکدهٔ چایجان سیاهکله‌رود رانکوه

بنای اصلی بقعه زکالی‌است. صندوقی سادهٔ چوبین دروسط بنای بقعه‌است. چهارایوان درچهارطرف باستونهای چهارسو دارد. ستونها دارای سرستون زیباو خوش‌تراش است. لبهٔ ایوان تکائل چوبین دارد. نقاشیهای مذهبی برجداردیوارهای داخلی وخارجی بقعه دیده می‌شود. سقف بقعه‌را باشیرسرهای متعدد جمع کرده‌و بدین‌ترتیب طاق زده‌اند. سقف ایوانها واشان‌کشی وپل‌کوبی بادرزپوش است. دو شاخ گنج‌گاو (= گوزن) بردوطرف درنصب شده است. شاخهٔ کیش را به عنوان تبرك به‌بقعه می‌آورند. کندوبا زنبورعسل وبرنج جزء هدایای بقعه‌است.

راه شاه‌عباسی
درحوالی قاسم‌آباد رانکوه

این راه‌قدیمی ازشرق به‌غرب از ملك‌میان بـه پائین‌قاسم‌آباد وازآنجا به سیاهکله‌رود وسجیدان وباجی‌گاور می‌رود.

قلعهٔ بندبن قاسم‌آباد
دردهکدهٔ بالاقاسم‌آباد رانکوه

مکنزی می‌نویسد که پائین دست دهکدهٔ بندبن، درفـاصلهٔ کمی ازچایجان برجی قدیمی به‌ارتفاع نه‌تا دوازده متراست که راهی زیرزمینی نیزداشته است.[۲]

بنائی‌که مکنزی ازآن یادمی‌کند، برجی‌تنهانیست بلکه قلعهٔ نسبةً بزرگی است که برپوزهٔ‌کوهی که مسلط بردهکدهٔ بندبن است ساخته شده است. برجی‌که مکنزی ازآن یادمی‌کند برج نگهبانی وديدبانی این‌قلعه است‌که درآخرین نقطهٔ جنوبی قلعه،بربالاترین نقطهٔ‌کوه ساخته شده است (عکس‌شمارهٔ ۲۱۴). قطرداخلی این برج سنگی ۴۶۰ سانتیمتر وقطر دیوار آن ازیك متری کف موجود، ۱۷۰

۱ـ بضم گاف و کسرفاء ۲ـ گیلان رابینو،ص۳۵۴.

سانتیمتر است. بلندی برج از کف اصلی درحدود هفت متر است وهشت سنگ‌انداز سالم دارد (عکس شمارهٔ ۲۱۵). دیواری ازسنگ و گچ نزدیک این برج است که درازای آن ۴۲۰ سانتیمتر وپهنایش ۱۲۰ سانتیمتر است. نیمهٔ شمالی برج را گنج‌گیران برای یافتن دفینه خراب کرده‌اند واحتمال دارد باقی آن نیز فروریزد. در شمال این برج بر پوزهٔ کوه که شیبی ملایم دارد، آثار و باقی‌مانده‌های دیوارهای سنگی دیده می‌شود. درطرف شرق این پوزه نیز در ورودی قلعه که بلندی آن به یک متر می‌رسد، تا امروز برجای است. درسایر نقاط کوه آثار برج و باروست که یادآور بزرگی واستحکام این قلعه است. درختان زیادی درمحوطهٔ قلعه وبردیوارها روییده که شکل اصلی آن را ازمیان برده‌اند. نام اصلی این قلعه و گذشتهٔ آن برما روشن نیست.

بقعهٔ امیرعسکر
درد‌هکدهٔ بندبن قاسم‌آباد رانکوه

بنای اصلی بقعه زگالی است و صندوقی چوبین ساده میان آن است. چهار طرف ایوان باستونهای چهارسوی ساده دارد. اطراف بقعه گورستانی قدیمی است.

گورستان قدیمی
درد‌هکدهٔ بالاقاسم‌آباد رانکوه

میان این گورستان قدیمی درخت زبان گنجشکی (=ون) است که محیط آن ۴۸۰ سانتیمتر است.

بقعهٔ سید ابوجعفر تایری حسنی
در دهکدهٔ میانده اوشیان

سیدظهیرالدین ازمزار شیخ‌المشایخ ابوجعفر هوسمی یادمی کند [1] که‌باید همین مرقد سید ابوجعفر تایری حسنی باشد. رابینو در کتاب گیلان خود ازمرقد

۱ــ تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۳۴۶.

این مرد نام برده ومی‌نویسد که امروز نشانی از آن برجای نیست[1] اما درصفحهٔ ۳۶۱ این کتاب ازمرقد سید جعفر دردهکدهٔ میانده رانکوه نام می‌برد وشرح زیر را دربارهٔ آن می‌نویسد:

«میانده درمیان جنگل، در دوازده کیلومتر وهشتصد متری آب گرم سخت‌سر(= رامسر) ودرسه کیلومتری مغرب «سفیدتمیشه» است. این دهکده بر کنار رودی به‌نام«رودمیانده»است. درجنوب میانده، تپه‌های جورده‌است. منافع‌ماهیگیری رودخانهٔ میانده وقف‌بقعهٔ سیدجعفر است. الطاهر بالله هنگامی که ازمازندران‌عقب‌نشینی‌کرد، درناحیهٔ سیاهکله‌رود، دردهکدهٔ میانده پایگاهی تهیه کرد. درزمان سید ظهیرالدین‌خرابه‌های مدرسه‌ای‌که اوبناکرده‌بود،دیده می‌شد وهمچنین‌مرقد اوکه موقوفات زیاد داشت برپای بود. سلطان محمد- والی بیه‌پیش - اورا داروغهٔ این محل‌کرد وپس‌ازمرگ دستور داد تابنائی برای مرقد اوبسازند.»[2]

درازای‌بنای این بقعه‌باایوان ۱۱ متروپهنای‌آن ۸ متراست. درورودی‌بقعه شمالی‌است (عکس شمارهٔ ۲۱۶) . ایوان شمالی‌که نسبةً تازه‌ساز است به‌درازای ۸ مترو‌پهنای ۲متر است . درجلو ایوان شمالی، جداری مشبك چوبین‌به درازای۱۱ متراست که به شش قسمت اصلی تقسیم می شود. در ورودی مشبك ایوان درمیان این قسمتهاست. در ورودی جدار مشبك به رواقی به‌پهنای ۱۴۳سانتیمتر باز می‌شود واین رواق باهمین پهنا چهارطرف بنای بقعه می‌گردد. درورودی اصلی بقعه دررواق شمالی‌است وشامل چهار قسمت اصلی است . دورهٔ در کنده‌کاری وقاب‌گره مثلث شکل است. وبالای‌آن مشبك‌کاری است(عکس‌شمارهٔ ۲۱۷). این‌در دولنگه‌و بلندی آن ۱۶۳ و پهنای‌آن ۱۱۰ سانتیمتر است . هرلنگه شامل دوازده قسمت ستاره‌ای شکل ونظیر کار قاب وگره است (عکس شمارهٔ ۲۱۸) . کلاه چهارچوب بسیار زیباست و کنده‌کاری دارد . این عبارات برآن دیده می شود :

«عمل استاد علی‌بن استاد ابراهیم تمیجانی غفرالله ذنوبه مشهدالمبارك

۱- گیلان دابینو، ص ۳۳۹ . ۲- گیلان دابینو، ص۳۶۱.

المهیمن (؟) امیراعظم ابوجعفر الثایری الحسنی نورالله قبره بتاریخ
اثنی واربعین وثمانمئه باشارهٔ بزرگمردبن سیدمحمدکیا ویحیی‌قاضی‌و
تایب احمد وکاتب الحروف حاجی محمد.» (عکس شمارهٔ ۲۱۹)

درازای حرم ۳۷۰ وپهنای‌آن ۳۳۰ سانتیمتراست. دروسط بنا ستون چوبین قطوری‌است که سرکشی برسرستون‌آن متکی‌است. سقف واشان‌کشی وپل‌کوبی با درزپوش‌زده است. روی‌تخته‌های پل‌کوبی سقف، گل‌و بوته‌هائی‌نقاشی‌شده که‌قدیمی به‌نظر می‌رسد. دیوارهای حرم‌آجری است وروی‌آن راسفیدکاری کرده‌اند. ازارهٔ کاشی شش ضلعی‌آبی رنگ قدیمی به‌بلندی ۷۳ سانتیمتر بردیوارهای حرم است. قطر این‌کاشیهای شش‌ضلعی ۹ ودرازای هرضلع‌آن شش‌سانتیمتر است.

صندوق مرقد ازچوب آزاد وکنده‌کاری است. درازای‌آن ۲۲۰ و پهنایش ۱۰۰ وبلندی‌آن ۸۶ سانتیمتر است وبرپایه‌ای چوبین‌به بلندی ۱۵ سانتیمترقرار گرفته‌است. دوبدنهٔ دراز صندوق شامل سه‌قسمت اصلی‌است که وسط هردوقسمت دوحاشیهٔ‌کنده‌کاری دارد(عکس‌شمارهٔ ۲۲۰). سروته‌صندوق شامل یك‌قسمت اصلی‌و دوحاشیه دراطراف است.

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ شمالی این‌آیات ازکلام‌الله مجید حك بود:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یس والقرآن الحکیم ـ تا ـ لقدحق القول علی‌اکثرهم.» (عکس شمارهٔ ۲۲۱)

برحاشیهٔ بالای بدنه شرقی:

«فهم لایؤمنون ـ تا ـ الی‌الاذقان فهم.»

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ غربی:

«مقمحون وجعلنا من بین ایدیهم ـ تا ـ اتبع‌الذکر وخشی‌الرحمن.»

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ غربی:

«بالغیب فبشره بمغفرة ـ تا ـ ما قدموا وآثارهم.»

بروسط بدنهٔ شمالی این عبارات باخط نسخ حك شده بود:

«امر هذا الصندوق السلطان الاعظم محمد سلطان خلد سلطنته هذا المرقد المنور ومشهد المعطر امامزاده سید ابوجعفر ثایری طیب الله مضجعه فی تاریخ سنه خمس وخمسین وثمانمائه.»

دوطرف در ورودی بقعه، دوستون چوبین است. این عبارات بر ستون سمت راست خوانده می شد:

«عمل استاد قلی توبنجنی بااخوان محمدکاظم تائب ابن مرحوم حسین حاج ملاصادق ابن میرمحمد رضا سنه ۹ ۱۳.»

عبارات زیر برستون سمت چپ نوشته شده بود:

«عمل خیرالزوار استادقلی با اخوان محمدکاظم کاتب الطالقانی التاریخ سنه ۱۳۱۹ درعهد سلطنت مظفرالدین شاه خادم استاد رضا.»

دربالای سرکش ایوان، این عبارات باخط نسخ وقلم ومرکب نوشته شده است:

«روزگار نامناسب آدم ناسازگار

گه زدست چرخ نالم گه زدست روزگار

حرره خیرالزوار استاد قلی واستاد کاظم واستاد عبدالله ازهمه التماس دعا داریم مارفتیم خداحافظ خداحافظ سنه ۱۳۱۹.»

برتختهٔ پهلوی درهم نظیر این عبارات تکرار شده است.

محوطهٔ وسیعی اطراف بقعهٔ سید ابوجعفر است که قبرستان قدیمی است. سنگهای قبور زیر درآن دیده شد:

«وفات مرحوم میرمراد ولد مرحوم میرسلیم ۱۰۴۵.

رحم کن [برمن و] بیفاتحه از من مگذر

بهریك فاتحه [من] خاك رهت گردیدم

نشانه‌ها: مهر، تسبیح و شانه.»

«وفات مرحوم محمد اسماعیل ولد مرحوم آقاقربان ۱۲۷۵. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه وخنجر.»

بقعهٔ آقا سیدحسین
دردهکدهٔ سورخانی چابکسر اوشیان

بنای اصلی بقعه مستطیل شکل است که چهارطرف آن ایوان دارد. ایوانها دارای ستونهای چوبین چهارسوی پخ‌زده است. سقف بقعه وایوانها واشان‌کشی و زیگال (=پردو) کوبی است. لبهٔ بام یك‌پشته وبام حلب‌سر است.

بقعهٔ آقا شیخ زاهد
دردهکدهٔ شیخ زاهد محلهٔ چابکسر اوشیان

بنای اصلی بقعه زگالی ومربع شکل‌است. صندوقـی چوبین ساده دروسط این‌بناست. اطراف بقعه ایوان‌است. ایوانها دارای ستون چهارسوست. جلوایوان قبلی تکالل چوبین مشبك ظریف است. در ورودی بقعه مشبك‌کاری است که بعداً روی تختهٔ صاف نصب‌کرده‌اند. بالای لنگهٔ سمت راست این‌عبارات خوانده‌می‌شد:

«بتاریخ سنه ست وثمانین والف محمدرضا منجیلی.»

درمحوطهٔباز اطراف بقعه درختان آزادکهنسال‌است. محیط تنهٔ یکی ازآنها به ٤۲۰ سانتیمتر می رسد.

پل آجری سجران [1]
نزدیك سجران رانکوه

میرظهیرالدین می نویسد که میرزاعلی‌کیا نزدیك سجران روی رودخانه‌ای به‌همین نام پلی‌آجری بناکرده است. رابینو درسال۱۳۳۱ ﻫ. ق. آثار این پل را ندیده وجا ومحل‌آن را نشناخته است. [2]

قصرسلطنتی رانکوه

«چون خاطر [سیدمحمد کیا] ازجانب مردم دیلم ودیلمستان بکلی‌آسوده

۱ــ بکسرسین.   ۲ــ گیلان رابینو، ص ۳۵۰.

گشت، به‌تعمیر ولایت رانکوه واشکوراقدام نمودند. چون عمارات امیران ناصرود همچو ایام دولت ایشان بی‌ثبات و بی‌بنیاد بود وازچوب‌وگل ساخته بودند، مجموع صورت انهدام پذیرفته‌بود ودراشکور خود ازساختهٔ هزاراسپی چیزی‌نبود وآنچه بود درآن انقلاب منهدم گشته وویران شده بود. بفرمود تابنّایان ماهر برسرکار آیند ودر رانکوه طرح قصری بغایت خوب فرمود انداختن واز آجر وصاروج ساختند. وبعدازآن‌بنّایان خانه‌ها وجایها‌که محل فرودآوردن ایلچیان ومهمانان باشد، هم‌ازآجر وصاروج تمام‌کردند وطویله‌های اسپان واستران بعضی‌ازسنگ و گل و بعضی را از خشت به اتمام رسانیدند و غماء مجموع را به سفالوی سرخ بپوشانیدند.»[۱]

مسجد سیدمحمدکیا
در رانکوه

«و به‌سر گوراب بالای رانکوه بنیاد مسجدی عالی کردند وستونها‌وچوبهای آن را از ناحیهٔ سی‌جیران چوب صنوبر بفرمود آوردن که آن چوبها در روزگار دراز می‌ماند و به‌سنگ خارا برابری می‌کند.»[۲]

این دو بنا یعنی قصرسلطنی سیدمحمدکیا ومسجدی که به‌امراو ساخته‌شده است، باید درتاریخ ۸۱۹ هـ. ق. به‌اتمام رسیده باشد، زیرا محلی‌که برای‌خلابران ساخته و بازاری که پس از آن پرداخته است در تاریخ بیستم ذی‌الحجه سنهٔ ۸۲۰ هـ. ق. تمام شده است.

قلعه‌ای قدیمی
در چاچان رانکوه

پشت دهکدهٔ چاچان، کوهستان وییلاق جوردشت است. دراینجا قلعه‌ای قدیمی و دهکده‌ای که دورآن را باروکشیده‌اند، برجای‌است.[۳]

۱ــ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۱۴۰.
۲ــ گیلان رابینو، ص۳۶۵.
۳ــ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص۱۴۰.

سیدظهیرالدین نزدیك چاجان، «قلعهٔ سپاهی تل‌دشت»[1] را نام‌می‌برد.[2]

بقعهٔ آقاسیدعبدالله‌بن امام‌موسی‌الکاظم علیه‌السلام
دربندبن رحیم‌آباد

بنائی است زگالی با صندوقی چوبین ساده، سه‌طرف جنوبی وشمالی وغربی ایوان دارد. ایوانها دارای ستونهای چوبین لاچلنگری زیباست. لبهٔ بام سه‌پشته و سراسر بام، سفال‌سر است. درمحوطهٔ باز اطراف بقعه درختان‌آزاد کهنسال است. محیط قطورترین آنهسا به ۶۲۰ سانتیمتر می‌رسید. بردرخت دیگری شاخهسای گنج‌گاو دیده می‌شد که بیخ آنها دردرخت جوش‌خورده بود. شاخهای دیگری بر ستونهای بقعه آویخته بود.

مسجد ومنارهٔ سیاهکله‌رود
در سیاهکله‌رود رانکوه

دهکدهٔ سیاهکله‌رود درمیان تپه‌هاست و دریای خزر ازاین محل منظره‌ای زیبا دارد. مکنزی درسال ۱۲۷۶ هـ. ق. (۱۸۵۹ میلادی) این محل را دیـده و از ببروپلنك و بزکوهی و گاوکوهی آن سخنی بمیان آورده است. این دهکده مسجدی دارد که از میان طاق آن منـاره‌ای برپاست و بیشتر چراغ بربالای آن می‌افروزند تا راهنمای مسافران باشد.[3] امروز ازاین‌مناره اثری نیست.

قلعهٔ سنگ‌نو
دربندبن سیاهکله‌رود

در این قلعه قدیمی‌غاری است سنگی ودراز، ازاینرو این‌قلعه را سنگ‌نو یعنی «ناوسنگی» خوانده‌اند. در سالهای قبل ازشهریور۱۳۲۰ جذامیان اینجا را پناهگاه خود کرده بودند.

۱ـ بفتح تاء وکسرلام. ۲ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص۱۰۶. ۳ـ گیلان رابینو، ص۳۶۳.

دهکدهٔ سیاهکله‌رود در ۲۳ کیلومتری شرق رودسر و دوکیلومتری جنوب راه شهسوار است .

باقی‌بناها و آثار تاریخی رانکوه

۱ـ بقعهٔ آقاسیدعلی در دهکدهٔ پیرپشتهٔرانکوه . دهکدهٔ پیرپشته درغرب دهکدهٔ گل‌سفید است و از چمخاله دور نیست .[۱]

۲ـ بقعهٔ آقاسیدمحمد در دریاسررانکوه . درجادهٔ لنگرود به رودسر ، در نیم‌فرسخی لنگرود.[۲]

۳ـ برجی آجری در نیم‌فرسنگی اطاق‌ور رانکوه . دهکدهٔ اطاق‌ور درپای تپه است ومسجدی نیز دارد . بربالای تپه‌ای در نیم‌فرسنگی‌آبادی برجی‌آجری است.[۳]

٤ـ سنگاسنگی در کندسرکومله که سنگهـای بزرگ صاف و چاه عمیقی دارد .

۵ـ آستانهٔ گاچاور املش پشت دهکدهٔ زربیجار .

٦ گورستان وادی چاف‌جیر و بقعهٔ آقاسیدابراهیم ومسجدآن.

۷ـگورستان وادی رودسر با بقعهٔآقاسیدمحمد .

۸ـ بقعه‌های دهکده‌های ناصرسرا ، چورکالایه ، دیودراکل و مردابون در اطراف رودسر .

۹ـ دو بقعه در سال‌محله (سادات‌محله) .

۱۰ـ بقعهٔ بازارسرا .

۱۱ـ دو بقعه در دهکدهٔ روشنابسر.

۱۲ـ بقعه وگورستان صیدرمحله .

۱ـ گیلان دابینو، ص۳۶۲. ۲ـ گیلان دابینو،ص۳۵۵. ۳ـ گیلان دابینو،ص ۳۶۲.

۱۳ـ بقعهٔ سیدعیسی در دهکدهٔ بلالم ومسجد قدیمی این دهکده.[1]

۱۴ـ بقعهٔ لر دمحلهٔ رحیم آباد.

۱۵ـ بقعهٔ مریخ‌محله (میرک‌محله) رحیم آباد.

۱۶ـ بقعهٔ چالک‌سرای رحیم آباد.[2]

۱۷ـ غار شالوک در کلن‌کلایه.

۱۸ـ بقعهٔ نورعباس (نقره‌عباس) درچاچان‌رانکوه.[3]

۱۹ـ بقعهٔ حاجی‌محمدامین در جواهردشت سیاهکله‌رود.

۲۰ـ بقعهٔ سه‌برادر در جواهردشت سیاهکله‌رود.

۲۱ـ شاه‌سماموس درقلعهٔ سماموس در جواهردشت سیاهکله‌رود.

۲۲ـ دوگورستان قدیمی محلهٔ بالاوپائین جواهردشت سیاهکله‌رود.

۲۳ـ تلابنهٔ سیاهکله‌رود، چاهی‌است باسنگهای سفید رسوبی. معروف‌است راه زیر زمینی قلعهٔ بندبن قاسم آباد با این‌چاه ارتباط دارد.

۲۴ـ قلعهٔ راشک در جواهردشت سیاهکله‌رود.

۱ـ بلالم: ده از دهستان حومهٔ بخش رودسر، ۵ر۴ کیلومترجنوب شرقی رودسر کنار راه رودسر بشهسوار. (فرهنگ جغرافیائی ایران)

۲ـ چالکسرا: ده از دهستان‌رحیم آباد بخش‌رودسر، ۱۱ کیلومتری جنوب رودسر۵ر۲ کیلومتری غرب رحیم آباد.

۳ـ گیلان دابینو، ص ۳۶۵.

بخش بیستم

بناها و آثار تاریخی ناحیهٔ عمارلو و شاهجان

راه شاه عباسی
از املش به قزوین

این راه که راهی کاروانی و پررفت و آمد بوده است، از نقاط زیر می‌گذرد: املش ـ کهلستان ـ لات لیل ـ گرسك[1] ـ بلاردکان ـ هلودشت ـ میان لنگه ـ خرکال ـ خسیل‌دشت ـ زردشتان ـ ناتش کوه ـ شیرچاك ـ شیه ـ قیساباد ـ کلارود ـ بنه‌زمین ـ ملامحله ـ تلاسر ـ تورار ـ گاوخس[2] ـ ناوه‌خان[3] ـ کرپی انبوه ـ تیان‌دشت ـ چنارك ـ تله‌کماسار ـ قهوه‌خانهٔ کماسار ـ سیاسنگ ـ احمدخانی ـ سیردر ـ انگشتك ـ الولك[4] ـ گردنهٔ نیاق ـ ترتن[5] ـ اسماعیل‌آباد ـ قزوین.

ازهمین‌راه، راه دیگری جدامی‌شود و ازخسیل‌دشت به‌چاك‌دشت و کلکامرز و امام و چاکرود می‌رود و در بنه‌زمین به‌راه اصلی متصل می‌گردد.

از همین راه، راه دیگری ازکلکامرز جدا می‌شود و به‌کجید و متلاکوه و سیاخولك و زازل و لله‌جار و چاکرود می‌رود و در بنه‌زمین به راه اصلی متصل می‌شود.

۱ـ بفتح گاف و سکون راء و فتح سین. ۲ـ بضم‌خاء. ۳ـ راه دیلمان از کلشیم به ناوه‌خان می‌رسد. ۴ـ بفتح الف. ۵ـ بفتح تاء وراء وکسر تاء دوم.

ازهمین راه ، راه دیگری درکلکامرز جدا می‌شود و به‌زرچاك وبهارکش‌و خوش‌خانی و لورود و مربّو وگرماور می‌رود و در بنه‌زمین به‌راه اصلی‌می‌پیوندد .

راه سرلیل
از بلاردکان به‌دیلمان

این راه‌که راهی بسیار قدیمی‌است از مشرق پل‌بلاردکان ، طرف دست‌چپ رودخانهٔ سرلیل شروع می‌شود وبه‌دهکدهٔ سرلیل و لیارود ولارنه ونیاول ودیلمان می‌رود. در زمان‌قدیم سادات‌کیائی ازلاهیجان به‌لیل وازآنجا به‌سرلیل‌می‌آمدندو ازهمین راه به‌دیلمان می‌رفتند .

پشت راه [1]

راهی است قدیمی‌که از دیلمان به رانکوه [2] می‌رود.

کاروانسرای شاه‌عباسی
در بلاردکان (بلوردکان) املش

برسر راه قدیمی املش به‌قزوین در محل بلاردکان ، کاروانسرائی قدیمی است‌که ظاهراً به‌امرشاه‌عباس ساخته شده است . درازای این‌کاروانسرا چهل‌مترو پهنای آن چهارمتر است . بلندی دیوارآن تا زیرنعل درگاه ۱۸۰سانتیمتر است. دوازده‌آخور در هرردیف است . دهانهٔ هرآخور ۱۲۰ سانتیمتر است. در ورودی کاروانسرا، دارای جلوخانی است مسقف‌که برچهار جرز استوار است . ابعاد این جلوخان ، ازلبهٔ خارجی‌جرزها۶۰۰ × ۴۴۰ سانتیمتراست. ابعاد هریك ازجرزها یك مترتمام است. لبهٔ بام‌بنای‌کاروانسرا دوپشته و پهنای‌آن ۱۲۰ سانتیمتر است . سراسر بام‌کاروانسرا سفال‌سر است. اندازهٔ آجرهائی‌که در این بنا بکار رفته است ۴ × ۱۹ × ۱۹ سانتیمتر است. بنای قدیمی‌کاروانسرا ، دوطبقه بوده و از دوطرف

۱ــ بکسرتاء. به‌معنی راه‌پشت‌است .

۲ــ ظاهراً رانکوه قابل‌تطبیق با رحیم‌آباد امروز است. رابینو درکتاب گیلان خود ص۳۸۳، ازاین راه یاد می‌کند .

در طبقهٔ بالا اطاق داشته‌است . درحدود سی‌و‌پنج سال قبل کاروانسرا دچار آتش‌سوزی شد و به‌شکل کنونی یعنی یك طبقه تجدید بنا گردید(عکس شمارهٔ ۲۲۲). مساحتی‌که زیر بنای کاروانسرا وشاه‌نشین که درقسمت جلوخان است وحیاط میان آن دو، ۴۰×۱۳متراست .

پل شاه‌عباسی
در بلاردکان املش

پل آجری بلاردکان برروی دو رودخانهٔ سیاه‌رود و زیل‌بره است . آب‌سیاه‌رود ازمغرب و آب زیل‌بره از شمال‌غرب بلاردکان می‌آیند واز زیرپل‌می‌گذرند. آب سیاه‌رود ازپهلوی بدنهٔ شمال‌غربی پل‌می‌گذرد. در این‌قسمت پل احتیاط‌کافی کرده‌اند و دیواری سنگی قطور ومستحکم در کنار بدنهٔ پل ساخته‌اند. بطوری‌که درست در زیر پل ، آب سیاه رود به‌آب زیل‌بره می‌ریزد .

طاق دهانهٔ اصلی پل، به‌علت سنگین بودن بارآن فرو ریخته است. درازای قسمت‌باقی‌ماندهٔ جنوب شرقی پل۴۰ر۲۹متر، دهانهٔ طاق فروریختهٔ آن ۷۲۵سانتی‌متر ودرازای‌باقی‌ماندهٔ شمال‌غربی‌آن۱۴متراست . بدین‌ترتیب درازای‌سراسرپل، ۶۵ر۵۰ متربوده‌است(عکس‌شمارهٔ۲۲۳). دهانهٔ بزرگ۲۰ر۱۲متر ودو دهانهٔ‌کوچك دوطرف ، ۳۶۰ سانتیمتر وپهنای‌گذرگاه پل ۵ مترتمام است. در دوپایهٔ اصلی،چهار سوراخ به‌دهانهٔ ۴۰ سانتیمتر است کـه به فضای خالی بالای پل راه داشته است . طاق دهانهٔ اصلی وطاقهای دودهانهٔ طرفین را ابتدا باآجروگچ زده‌اند وبالای‌آنها را باسنگ وگل و آهك پرکرده‌اند. شاید فشار همین سنگها سبب شده است که طاق دهانهٔ اصلی فروریزد . دو سیل برگردان دوطرف رودخانه است‌که سیلاب را به‌داخل دهانهٔ اصلی‌هدایت می‌کنند .

قلاکوتی خرگال [۱]

برطرف راست جادهٔ کوهستانی املش به‌قزوین ، در فاصلهٔ بین میان‌لنگه و

۱ـ بفتح خاء وسکون راء .

خسیل‌دشت، بر بالای قله‌ای منفرد، آثار قلعه‌ای قدیمی است. در پاره‌ای جاها دیوارهای کوتاه که از سنگ و گچ چیده شده باقی است.

داخل سنگ کوه، حوضی مربع که هر ضلع آن سه‌متر است کنده‌اند. بلندی این حوض، پس از پرشدن مقداری از کف آن از خاك و سایر مصالح ساختمانی، ۱۲۰ سانتیمتر است. آجر پاره و سفال شکستهٔ بی‌لعاب روی این قله زیاد است. طرف شمال وغرب اراضی قلعه، پرتگاه عظیمی است که به جنگل ختم می‌شود.

شارسمام (شهرسمام)
مقابل سرتربت برسمت چپ رودخانه

سلسلهٔ کیائی لاهیجان، دو مرکز ییلاقی درخاك دیلمان قدیم داشته‌اند، یکی اوسن (= درگاه) نزدیك جورکلایهٔ اشکور و دیگر شارسمام در پنج کیلومتری دهکدهٔ امام[1]. اولی در شرق خاك دیلمان و دومی درغرب آن قرار داشت.

سیدظهیرالدین دربارهٔ دوران آبادانی شارسمام چنین می‌نویسد:

«سیدمحمدکیا درسالهای ۸۱۷و۸۱۸ بنیاد عمارت دیلمستان کردند ودرناحیهٔ شهوك[2]، به‌موضعی که مشهور است به‌سمام استاد اجل پیرعلی‌بنّا را به‌سرکارداشته، قلعهٔ مرغوبی ازخشت پخته بفرمودند ساخت و طویله‌های اسبان و ایوان خانه‌ها به‌انتها رسانیدند. آنچه‌ازضروریات‌بود، ازهر نوع‌عمارت جهت ملازمان‌ونوکران‌و سپه‌سالاران گیل و دیلم تمام فرمودند کرد. و آن مقام را تخت ییلاق خود گردانیدند.»[3]

رابینو دربارهٔ شارسمام چنین نوشته است:

«دهکدهٔ کوچکی است در نیم‌فرسخی‌مشرق‌امام ودر دامنهٔ غربی‌کوهی‌قرار دارد. آب شهرسمام به‌درهٔ عمیق درمغرب این محل می‌ریزد. وسپس به‌چاك‌رود

۱ـ بضم‌الف. ۲ـ امروزشوك بفتح‌شین و واو گویند. دهکده‌ایست نزدیك‌دهکدهٔ تارش وجزء ناحیهٔ سمام بـه حساب می‌آورند. ۳ـ تـاریخ گیـلان و دیلمستان، ص ۱۴۴ و ۱۴۵.

متصل‌می‌شود. میرظهیرالدین می‌نویسد که سیدرضی کیاوالی بیه‌پیش، قصری از آجر با دیوانخانه ومحل اسبان نزدیك شوئیك درمحلی که به‌نام سمام بود ساخت واین محل بعدها مرکزوشهر اصلی ییلاق شد.»[1]

محل‌اصلی قصر ییلاقی‌شارسمام و آنچه از آن بجای است :

شارسمام وسرتربت میان‌دهکده‌های کجید، تماجان، اربوداردشت، کرف‌کش، هلوچال، کام‌کوه والاکلنگا قرار دارد. میان‌قصرییلاقی‌شارسمام‌وسرتربت رودخانه‌ایست‌که از اربوداردشت سرچشمه می‌گیرد.[2]

قصر ییلاقی شارسمام سمت چپ و سرتربت سمت‌راست آب بربالای بلندی ساخته‌شده‌اند. درمحل‌شارسمام‌آثارخرابهٔ زیاد امروزدیده‌می‌شود. پاره‌های آجرو سفال شکسته ، دراین دامنه‌که شیب‌آن به‌طرف دهکدهٔ بابوجان‌دره است، فراوان است.آثار باروئی‌مربع مستطیل‌شکل که روزی حصار وباروی این قصربوده‌است، نمایان است.آثار استخر ومنبع‌آب‌آن نیزباقی‌است ومسیر گنگها (= تنبوشه‌ها) نیز روشن است که آب را از زیر اربوداردشت به‌کاخ برده بوده‌اند. محلی نیز به شکل‌حمام بود که بسیارخراب و فرسوده شده است .

سرتربت امام
در اراضی کشاچاك ، مقابل شارسمام قدیم

سیدظهیرالدین دربارهٔ مرگ سلطان محمدکیا در سال ۸۸۳ ومدفن او چنین می‌نویسد :

« اواسط محرم چون مرض حضرت اعلـی رو به‌انحطاط آورد ، از چاکرود

۱ــ گیلان دا بینو ، ص۳۶۸. این‌بنا ظاهراً به‌دست سلطان محمدکیا ساخته شده‌است.

۲ــ آب ایـن رودخانه پس ازگذشتن از میان این دو بنای قدیمی بـه هلوچال وکام‌کوه می‌رود وآب رودخانهٔ سراسر (بضم سین) به‌آن می‌ریزد وسپس به دهکـدهٔ کجید می‌رسد . درکجید آبهای دیمانجان‌کش و سیاه‌استلخ به‌آن می‌پیوندد . نزدیك دهکدهٔ دول‌بره ، پس از پیوستن‌آب امام وکاکرود و سیاخولك به‌آن، در دول‌بره به‌آب چاکرود ملحق‌می‌شود.

نقل نموده ، به‌سمام تشریف فرمودنـد . بازمرض مولم صورت تضاعف پذیرفت و اطبای حاذق به‌تخصیص نعمت‌الله طبیب .... به تداوی مشغول گشتند و درآن باب مساعی جمیله به‌تقدیم می‌رسانیدند . اما چون با تقدیر ربانی علم و عمل انسانی وجودی ندارد، صباح چهارشنبهٔ سلخ ربیع‌الاول‌سنهٔ مذکوره ندای ارجعی‌رااستماع نموده، به‌مقعدصدق جایافت....ونعش‌مبارك بنابروصیت درسمام‌به‌موضعی‌که‌مشهور است به «کشینه‌چاك» مدفون ساختند .»[1]

علی‌بن‌شمس‌الدین‌لاهجی دربارهٔ مرگ ومدفن‌سلطان محمدکیا چنین‌نوشته است :

«چون‌آن محل فصل شتا بود و شتاب شتا از حدود اعتدال متجاوز ، فلهذا اوقات مبارکات به‌سمام‌گذرانیدند ...قضاراچون درانقضای‌عمرحضرت سلطان‌محمد مرحوم قصدسمام بود، برمزاج مبارکش زحمت وجع‌معده اعاده‌کرد ومنجرومفضی به‌استمرار زحمت‌گشت.... باز زحمت‌اعاده نمود واشتداد وجع‌معده استیلای تمام یافت و درتخت سمام، به تاریخ‌سنهٔ ثلاث وثمانین وثمانمائه هنگام صبح راهنگامه وداع‌کرد .... وجسد پاك را به‌خاك کشنه‌چاك مدفون‌گردانیدند .»[2]

رابینو دربارهٔ این‌بنا ومنضمات‌آن چنین نوشته است :

آن طرف آب سمام، مقابل شهرقدیم سمام بنائی است‌که به‌نام « سرتربت » شهرت دارد . درحیاط این‌بنا ،گورهای سلطان محمدکیا- والی‌لاهیجان ـ که سلخ ربیع‌الاول‌سال ۸۸۳هجری فوت شد وپسرش‌کارکیا میرزاعلی‌کیا که در پنجم‌رمضان سال ۹۱۲ کشته شد و پری‌سلطان دختر سلطان‌محمد که درسال ۹۰۸ هجری فوت شد وگور حسنی[3] که در صفر۹۰۲ هجری بمرد ، دراینجاست .

کتیبه‌ای‌برسنگ مرمر به‌دیوارحیاط است‌که نشان می‌دهد این‌بنا به‌دست «میرزاعلی» بنا شده است و اراضی کشینه‌چاك که این مرقد درآن است و دهکدهٔ

۱ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص۴۱۲ و ۴۱۳. ۲ـ تاریخ خانی ، ص ۸ و ۹.

۳ـ درمتن سنگ ذکری ازاین‌نام‌نیست وفعلا محل نام شکستگی دارد .

تماجان[1] ودهکدهٔ کلایه واطراف آن دوکه ناحیهٔ سمام است وده جفت زمین نقره بیجار (زربیجار) وحمام بزرگ رودسر ویك حمام درتیامه‌جان وحمام دیگری درلنگرود، دوازده دکان درلاهیجان و مزرعهٔ عنابی در رودبار به‌نام سلطانابادلمسر ، از رقبات موقوفات این محل است . این وقفنامه مورخ ۸۸۳ ه. ق. است .

کتیبهٔ دیگری به‌نام بنّا «استادحسین بن استادعلی بن استاد احمدالمسافر مورخ ۸۸۳ هجری است .» نزدیك این مرقد مسجد کوچکی است . میرظهیرالدین این محل‌را کشینه‌چاك‌خوانده‌است . دره‌ای‌که سرتربت‌را ازشهرسمام‌جدا می‌کندبه‌نام باباجان‌دره است .[2]

آنچه از بنا وقبورسرتربت به‌جا مانده ، بدین شرح است :

سرتربت چهار دیواری است مستطیل شکل ، شامل دو اطاق کوچك برای حفّاظ و حیاطی که شش قبر در آن است (عکس شمارهٔ ۲۲۴) . چهار قبر دارای سنگ ودو قبر بدون سنگ است .

احتمال دارد دراین دوقبر بدون سنگ ، کسی را به‌خاك نسپرده باشند، یا افرادی دفن شده‌اند که اهمیتی نداشته‌اند .

در ورودی حیاط قبلی‌است. بلندی‌آن دومتر وپهنای‌آن ۸۵سانتیمتراست . دو طرف در ورودی ، از داخل ، دو طاقنما به‌بلندی ۲۴۵ و پهنای ۲۱۰ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۲۲۵).

مصالح بنای دیوارهای حیاط و دو اطاق دعاخانه که مخصوص حفّاظ است ، سنگ لانه[3] و سنگهای مکعب مستطیل‌شکل سفیدرنگ کوه است که از محل «رف‌سنگ» پلام‌چال در فاصلهٔ میان تماجان وکجید آورده‌اند . ملاط سنگها ، گچ است‌که ظاهراً درمحل پخته شده است .

اطاق غربی دعاخانه ، درگاهی ورودی از حیاط دارد . بلندی این درگاه ،

۱ــ دهکدهٔ تماجان درفاصلهٔ دوکیلومتری شمال سرتربت است. ۲ــ گیلان‌دا بینو، ص ۳۶۸. ۳ــ نوعی سنگ طبیعی تخت‌که قطرآن از سه چهارسانتیمتر بیشتر نیست .

۲ متر و پهنای آن ۸۹ سانتیمتر است . این اطاق درگاهی به اطاق دوم دارد که تنها مدخل آن است. طاق هردو اطاق، گهواره‌ایست وازهمان سنگ وگچی که ذکرشده، زده شده است. هریك از اطاقها، جای پنجره‌ای به‌خارج دارد. جای پنجرهٔ اطاق دوم به‌بلندی ۱۲۰ وپهنای ۸۰ سانتیمتر است .

سنگ قبر سلطان محمد کیا

سنگ قبرسلطان محمدکیا که در وسط حیاط است ، ازسنگ مرمر زرد یك‌پارچه به‌درازای ۱۶۸ وپهنای ۶۲ وبلندی۳۳ سانتیمتر است(عکس شمارهٔ ۲۲۶).

این آیات وعبارات بر آن حك شده است :

در قسمت بالای سطح سنگ در مربعی مستطیل :

«لااله‌الاالله محمدرسول‌الله علی‌ولی‌الله .»

پایین همین مربع مستطیل :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم .»

برحاشیهٔ داخلی‌سمت‌چپ سنگ از بالابه‌پایین :

« الله‌لااله‌الا هوالحی‌القیوم لاتأخذه سنة ولانوم له مافی‌السموات وما فی‌الارض من‌ذاالذی یشفع عنده الابأذنه .»

برحاشیهٔ داخلی پایین سطح سنگ :

«یعلم مابین ایدیهم وما خلفهم ولا .»

برحاشیهٔ داخلی‌سمت‌راست سنگ از پایین به‌بالا :

«یحیطون بشیء من‌علمه الا بماشاء وسع‌کرسیه‌السموات والارض ولا یؤده حفظهما وهوالعلی‌العظیم .

برسطوح جانبی سنگ عبارات و آیات زیر است :

برسطح جانبی‌سمت‌راست سنگ عبارات زیرحك شده است :

«هذاالمشهدالمنور والمرقدالمعطر للسلطان المغفورالمبرور المنتقل من‌دارالغرور الی‌دارالسرور ذوالنسب‌الطاهر والحسب‌الباهر الذی ملك

ممالك الجيل والديلم بانفان .»

برسطح جانبی پایین سنگ دنبالهٔ عبارات چنین است :

«الامور الشرعية المصطفويه و نهى المناكير البدعة الملحديه اربعين سنة .»

برسطح جانبی سمت چپ سنگ دنبالهٔ عبارات چنین حك شده است :

«وهو السلطان الاعظم الامجد السلطان محمد بل الله ثراه بمياه الرحمة و الغفران ابن السيد المعظم مالك رقاب الامم مولى ملوك وارباب السيف و القلم كاركيا السيد ناصر كيا ابن سيد المرحوم المبرور المغفور سيد محمد بن السيد الاعظم .» (عکس شمارهٔ ۲۲۷)

برسطح جانبی بالای سنگ دنبالهٔ عبارات چنین آمده است :

«الاكرم و هو الذى دعى مع اخيه السيد الفاضل العالم العادل .»[۱]

برحاشیهٔ خارجی سطح بالای سنگ دنبالهٔ عبارات چنین است :

المشهور بالشجاعة والسخا الامام الامة بين الورى السيد على كيا دعوة الحق على الجمهور وخرجا .»

برحاشیهٔ خارجی سمت چپ سنگ دنبالهٔ عبارات بدین صورت حك شده است :

بالسيف رجاء لثواب الله يوم البعث والنشور و هما ابنا السيد المعظم امير كيا الملاطى ابن سيد الاجل سيد حسين بن الحسن بن على بن احمد بن عيسى بن على بن حسين الاصغر بن على زين العابدين .»

برحاشیهٔ خارجی پایین پای سنگ :

«بن الامام الحسين الشهيد المرحوم بكربلا بن على المرتضى .»

برحاشیهٔ بیرونی سمت راست سطح سنگ از پایین به بالا دنبالهٔ عبارات چنین است :

۱ـ از اینجا دنبالهٔ عبارات به حاشیهٔ بیرونی سطح بالای سنگ می‌آید .

«صلوات‌الله علیه و علی اولاده الطیبین الطاهرین و قد توفی‌السلطان المذکور المزبور صبیحة یوم‌الاربعا سلخ‌ربیع‌الاول مضی‌سبعة عشر یوماً من‌آبان ماه القدیم فی‌سنة مورخة تاریخها ثلث و ثمانون و ثمانمائة.»

بر پایین سطح جانبی پایین پای سنگ عبارات زیر است:

«عمل استاد محمود حجارقزوینی غفرله کتبه العبدالمحتاج الی‌الله محمودبن قطب‌الدین غفرالله لهما و لوالدیهما.»[1]

سنگ قبر میرزا علی‌کیا

در همین حیاط سنگ قبرمیرزاعلی‌کیا به‌درازای ۱۸۰ وپهنای ۶۰وبلندی ۳۶ سانتیمتر، ازسنگ یك‌پارچهٔ مرمر زرد است که درجهت شمال و جنوب‌قرار گرفته است (عکس شمارهٔ ۲۲۸).

این آیات وعبارات برسطح بالای سنگ حك شده است:

در مربعی‌مستطیل بالای سطح سنگ:

«لااله الاالله محمد رسول‌الله علی‌ولی‌الله.»

در حاشیه‌ای در زیرهمین مربع مستطیل:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الله‌لااله‌الا.»

برحاشیهٔ داخلی سمت‌چپ سطح سنگ:

هوالحی‌القیوم لا تأخذه سنة ولا نوم‌له ما فی‌السموات وما فی‌الارض من ذاالذی یشفع عنده الا باذنه یعلم مابین ایدیهم و ماخلفهم ولا یحیطون بشیء‌من علمه الا بماشاء وسع کرسیه‌السموات والارض ولا یأوده[2] حفظهما و هوالعلی‌العظیم.»

برحاشیهٔ داخلی سمت راست سطح سنگ:

۱ــ این کتیبه در سفرنامهٔ مازندران واسترا‌باد رابینو صفحات ۶۰ و ۶۱ با اغلاط و اختلافاتی چند نقل شده است.

۲ــ در متن به همین شکل آمده است.

صدق الله العظیم و بلغ رسوله الکریم و نحن علی ذلک من الشاهدین.»[۱]
برحواشی بالای سطوح جانبی سنگ عبارات زیر است:
برحاشیهٔ بالای سطح جانبی سمت راست :

«هذا المشهد المقدس النورانی والمرقد المطهر الصمدانی الروحانی للسلطان الاعدل الاعلم الاکمل السعید السید الشهید السند المانح النقی فی التقی والکریم السخی المقبول المقتول بالسنان .» (عکس شمارهٔ ۲۲۹)

برحاشیهٔ بالای سطح جانبی پایین پای سنگ:

«المحیی للقرآن وما النقل ولا فیه الفرض السلطان ظل الله فی الارض المغفور المتصل الی رحمة .»

برحاشیهٔ بالای سطح جانبی سمت چپ سنگ :

«الله الملک المتعالی السلطان کارکیا میرزا علی المغفور الذی قتل بالواد و هلک بالعاد و بعد القتل والاهلاک دفن کما الفقراء و المساکین فی رحبة المسجد الجامع المبارک النادی لرانکو و نبش من بعد مامضی من الیوم الذی دفن فیه من .»

برحاشیهٔ بالای سطح جانبی بالای سرسنگ عبارات زیر است :

«ایام العرب الهلالیه والاسلامیه ستة وعشرین شهراً فوجد کما دفن .»

برحاشیهٔ بالای سطح سنگ :

«ولم ینفصل فیه العظم و لا العضو ولم ینقطع لکل ولی الاجر الاجمل ثم هذا المشهد .»

برحاشیهٔ خارجی سمت چپ سنگ:

«المغفور فداوصی ذاک السعید الازلی بذلک فی حال الصحة و اوان السلامة وهو ابن السلطان الاکرم السلطان محمد بن السید المعظم کارکیا الناصر کیا بلّ الله تعالی بمیاه الرحمة الشامله ثراهما بن السید المغفور

۱ــ دنبالهٔ این مطالب مربوط به حواشی سطوح جانبی است که بعداً نقل می‌شود.

السید محمد ابن السلطان الامجد الا.»

برحاشیهٔ بیرونی پایین پای سطح سنگ دنبالهٔ عبارات چنین است:

«جل الذی دعی مع اخیه الفاضل العالم المعروف بالشجاعة و السخا.»

برحاشیهٔ بیرونی سمت راست سطح سنگ:

«امام الامة بین الوری السیدعلی کیا دعوة الحق و هماابنا السید امیر کیا الملاطی ابن السید الحسین بن الحسن بن علی بن احمدبن عیسی بن حسین الاصغر بن علی زین العابدین بن امام الحسین الشهید بکربلا بن علی المرتضی صلواة علیه واولاده اجمعین.»

دنبالهٔ حاشیهٔ داخلی سمت راست سطح سنگ:

«وقع ذلك الخطب العظیم و الامر الخطیر فی الیوم الخمیس الخامس من رمضان المبارك من شهور سنة اثنی عشر وتسعمایة هجریة.»[۱]

سنگ قبر پری سلطان

قبر پری سلطان ـ دختر سلطان محمدکیا و خواهر میرزاعلی کیا ـ پایین پای پدرو کمی متمایل به طرف قبله است. چهارطرف قبر سنگهای تراشیدهٔ عمودی کار کرده اند. بالای سر و پایین پا دو سنگ عمودی بلندتر قرار داده اند. بر سنگ پایین پا که به بلندی ۸۲ و پهنای ٥٤ سانتیمتر است عبارات زیر حك شده است:

«هذه الروضة المقدسة والتربة المنورة الزکیه النقیه للحضرة المرحومه المبرورة العفیفة القالحة السترة الصالحة المرتحلة من دار الغرور الی

۱ـ این کتیبه با اغلاط و اختلافاتی چند در صفحات ۶۱ و ۶۲ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو آمده است. سنگهای قبور سلطان محمد و میرزاعلی را که داخل آنهاخالی است ازمعدن سنگ مرمر همدان با عرابه وگاومیش تا «یال گرماه کنار شاهرودآورده اند. از این محل این سنگهارا کارگران با «لاتوش» یعنی چوب وطناب پیچیدن وبردوش گرفتن، به سرتربت آورده اند.

دارالسرور المتصلة الی رحمةالله تعالی الـرحیم المنّان پری‌سلطان بنت‌السلطان محمد برّد مضجعهما ونوّرمرقد هما انّ واقعه هذه‌الموت وقفت سنة ثمان وتسعمایة هجریة .»[۱](عکس‌شمارهٔ ۲۳۰)

سنگ قبر حسنی

نزدیك قبر پری سلطان و درجهت قبلی آن قبر زنی دیگر به‌نام « حسنی» است .[۲] درازای گور او ۱۴۲ وپهنای آن ۵٤ سانتیمتر است (عکس‌شمارهٔ ۲۳۱).

دراین گور نیز مانند گور پری‌سلطان ، سنگهای تراشیدهٔ عمودی درچهار طرف قبرقرارداده شده است. برسطوح جانبی‌این سنگها این‌عبارت دیده‌می‌شود:

برمیانهٔ سطح جانبی سنگهای عمودی سمت‌چپ قبر:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یس والقـرآن الحکیم انك‌لمن المـرسلین علی صراط المستقیم تنزیل العزیزالرحیم .»

برسطح جانبی سنگهای بالاسر:

« هذا المرقد المنور والمنزل‌المعطر و المقام المطهر.»

برسطح جانبی سنگهای سمت راست قبر:

«و المقر المفخم للمرحومة المغفورة السترة الصالحه العفیفه الفالحه الضعیفه المنتقلة من‌الدار الدنیا الفانی الی‌الدارالعقبی الباقی‌المتصلة الی‌جوار رحمة الرب الغفور .»

برسطح جانبی سنگهای پایین پای قبر:

الرحیم العفو الغنی [شکستگی] برّدمضجعها و.»

دنبالهٔ سطح جانبی سمت‌چپ سنگ :

۱ــ این کتیبه در صفحات ۶۲ و ۶۳ سفرنامهٔ مازنـدران و استرآباد رابینو نقـل شده است . ۲ــ از این نام امروز نشانی‌نیست . رابینو در ص ۶۳ سفرنامهٔ مازندران و استرآباد خود از این نام یاد کرده است .

«نوّر مرقدها توفّت المرحومه‌السعیده الصفیه فی‌سنة اثنین وتسعمایة هجریة.»[۱] (عکس شمارۀ ۲۳۲)

کتیبۀ وقفنامه

میرزاعلی‌کیا، در زمان حیات خود، برای مستحقان وعابران وکسانی‌که بر سر گور او وپدرش قرآن بخوانند رقباتی چند را وقف‌کرده وبرسنگی‌که بردیوار جنوبی دارالحفّاظ است نصب کرده است. بلندی این‌کتیبه ازآخرین نقطۀ تیزی هلال سنگ ۱۱۰ و پهنای آن ۷۰ سانتیمتر و شامل سه تختـه سنگ است که بربالای یکدیگر جداگانه سوارکرده‌اند(عکس شمارۀ ۲۳۳).

عباراتی‌که برسنگ هلال داربالا، در سه سطرحك شده است:

«امر بعمارة هذاالمشهد المبارك السلطان الاعظم خليفة ابيه‌المكرّم و وصيّه فی‌الدين و الدنيا بين‌الجيل و الديلم السلطان ميرزاعلـی خلّد ملكه و وقف السلطان المذكور لابيه المبرور ولاجله.»

قسمت دوم سنگ شامل چهار سطر است به ترتیب زیر:

«نيلاً لثواب يوم البعث و النشور وقفاً صحيحاً لاصحاب الاستحقاق و العبور ولمن قرأ قرآناً مجيداً فی‌الهذا المقام ليوم الـنذّر المشهور طلباً لغفران السلطان المسرور والتعمير المشهد المذكور الضياع و الدور و البساتين و الدكاكين والحمامات الی أن يبقی‌السنة و الشهور ليكون ثلثاً ثواب هذه الاوقاف عايداً الـی روح مطهر ابيه المغفور و ثلثه.»

قسمت سوم سنگ شامل پنج سطر به‌ترتیب زیر است:

«لاجل الواقف المزبور و تذكر الاوقاف مفصلاً انشاءالله الغفور اولا

۱ــ این‌کتیبه در سفرنامۀ مازندران و استرآباد رابینو آمده است.

هذا المقام المبارك يقال له كشاجاك[۱] و قرية تماجان[۲] و قرية كلايه‌رو[۳] مع توابعها في ناحية سمام و في معمورة رانكو عشر الآف جرز[۴] الارز[۵] من الاراضي المعمورة يقال لما نقره بجار[۶] و الحمام الكبير في رودسر[۷] و الحمام في تيامه‌جان[۸] و الحمام في اللنجرود[۹] و اثني عشر دكاكين في لاهجان[۱۰] ومزرعة يحصل منها الاعناب والاثمار المساة بسلطاناتاباد في

۱ــ امروز هم اراضی سرتربت به کشاچاك معروف است واز رقبات وقف سرتربت است.
۲ــ قریهٔ تماجان در فاصلهٔ دوکیلومتری جنوب جنوب غربی سرتربت است . این دهکده امروز آبادان است ، اما از رقبات موقوفات سرتربت نیست . تعداد خانوار تابستان‌نشین سی و زمستان‌نشین شش خانوار است . تخم‌کار گندم این دهکده چهل‌خروارو صدوبیست کیلو است . باغهای فندق آن دو هزار بوته فندق دارد که هریك در حدود دوکیلو بار می‌دهد . علف‌چین آن هزار ریسه ومحصول سیب زمینی و باقلا ولوبیای آن به سه خروارمی‌رسد. این دهکده ششصدرأس گوسفند وصد رأس گاو دارد. ۳ــ دهکدهٔ کلارود میان بنه زمین و پیرکوه و چاکرود و گرماور و گلك(بضم گاف وفتح لام) درده کیلومتری جنوب غربی سرتربت است وامروزجزء رقبات موقوفه نیست. تعداد خانوار زمستان‌نشین و تابستان‌نشین آن دوخانوار. تخم‌کار گندم آن چهل‌خروار است که بیشتراراضی آن را اهالی دهکده‌های پیرکوه و بنه‌زمین و گرماور می‌کارند. علف‌چین آن دوهزار ریسه است. ده رأس گوسفند و سه رأس گاو دارد.
۴ ــ در متن وقفنامه « حرز » با حاء حطی است . معنی مفرد این کلمه معادل کلمهٔ «درز» گیلکی است که بیست و چهار مشته (= قبضه) برنج بریده شده است . در پاره‌ای از قسمتهای رانکوه یك «درز» معادل ۴۸ مشته‌است. ۵ــ کلمهٔ «ارز» باذاء منقوط است .
۶ــ نقره‌بجار را با اراضی زربجار امروز یکی می‌دانند. بهرحال هیچیك امروز از رقبات موقوفات نیست . ۷ــ این حمام درابتدای میدان امروز رودسر بود یعنی ازلنگرودکه وارد خیابان اصلی رودسر می‌شدیم طرف دست راست اول میدان فلکه که ابتدای آزار رچهٔ قدیم‌است، قرار داشت . در سال ۱۳۴۰ شمسی دو سنگ مرمر زرد تراشیده به‌ابعاد ۵۰ و قطر ۱۰ سانتیمتر از این اراضی درآمدکه درست همانند سنگهای سرتربت بود. ازاین حمام امروز اثری نیست. ۸ــ خرابه‌های حمام تیامه‌جان(= تمیجان) امروز برسرراه املش در دهکدهٔ تمیجان ، درمشرق پل‌شاه عباسی باقی‌است. ۹ــ حمام لنگرود ظاهراً همان کهنه حمام لنگرود نزدیك منزل علی‌امینی لنگرودی است. ۱۰ــ از ایــن دکاکین امروز اثری نیست .

روبار لم[۱] فی‌سنة ثلث وثمانین و ثمانمایة الاستاد حسین‌بن علی‌بن‌احمد المسافر.»

سنگ قبری درمیان سنگهای فرش‌سرتربت به‌کار رفته‌است. این‌سنگ را به‌علت کم بودن سنگ‌فرش‌حیاط از بیرون‌آورده ودر درگاه ورودی کارکرده‌اند. چنانکه متولی‌اظهارمی‌داشت، جسدی درزیراین‌سنگ مدفون‌نیست. این عبارات براین سنگ دیده شد:

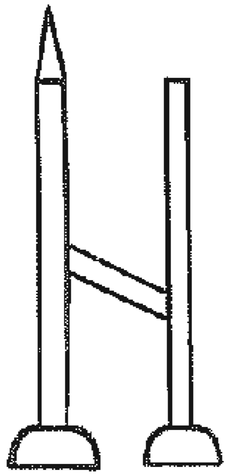

«وفات مرحوم‌آقامحمدقلی ولدآقا قربانعلی ۱۲۵۸. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانــه، قیچی و گلی در وسط وآلتی بدین‌شکل که شناخته نشد.»

تاریخ بنا و نام بنای سرتربت

در صفه‌ای که در دیوار جنوبی و طرف شرقــی در ورودی است، کتیبه‌ای سنگی به درازای ٤٦ و پهنای ۳۳ سانتیمتر، در دیوار جنوبی صفه نصب شده‌است. (عکس شمارهٔ ٢٣٤) این عبارات با خط نسخ برآن حک شده است:

«عمل الاستاد الاحد الاستاد حسین بن الاستاد علی بن الاستاد احمد المسافرالبناءاللاهجانی عفی‌عنهم فی‌تاریخ سنة ثلث وثمانین‌وثمانمایة هجریة.»[۲]

مسجد سرتربت

در محوطهٔ خارج از چهار دیواری سرتربت و در مشرق‌آن مسجدی‌قدیمی

۱ـ محل مزرعهٔ سلطاناتاباد و رودبارلم (بفتح‌لام وسکون میم) شناخته نشد. ظاهراً رودبارلم همان رودبارلمسراست. ۲ـ این کتیبه در سفرنامهٔ مازندران واسترآباد رابینو ص۶۴نیزآمده است. در دوم امرداد سال۱۳۵۰ که برای بار دوم به سرتربت رفتم این سنگ به سرقت رفته بود.

برپای بوده است . این مسجد به مرور زمان خراب شد . در حدود هفتاد سال پیش از ثلث مال مرحوم کربلائی میرزاحسن سرگالش ساکن کرف‌کش[1] سمام ، مسجد آجری کنونی را برجای مسجد اصلی ساختند . مسجد امروز بنائی است مستطیل به ابعاد ۱۱ × ۷٫۵ متر که از آجرهای قدیمی که همزمان بنای سرتربت است ، ساخته شده است .

حمام سرتربت

نزدیك خانهٔ تابستانی آقای محمدصمدی ـ متولی سرتربت ـ حمامی قدیمی برجای بود . آب این حمام از سفیدچشمهٔ سیاه‌کوه امام بود که با نهر به محل حمام آورده بودند. تا سی سال قبل بیشتر قسمتهای این حمام وسقفهای آجری آن برقرار بود . آقای جعفر یحیی‌پور صوفی طاق آن خراب کرد و آجرهای طاق ودیوارهای آن بامقداری از آجرهای قصر شارسمام را به امام برد وبرای خود خانه‌ای ساخت .

بقعهٔ آقا سید کاظم بن آقا سیدابراهیم بن‌موسی‌الکاظم علیه‌السلام دربابوجان درهٔ (= باباجان دره) سمام

دره‌ای که میان شارسمام (= شهرسمام) و سرتربت است به نام بابوجان (= باباجان دره) معروف است. بقعهٔ امامزاده آقا سیدکاظم در این دره میان شار-سمام و محل گالش نشین کرف‌کش است .

گالشها هنگام کوچ ، لوازم و اثاث خود را در این امامزاده می‌گذارند و بدو می‌سپارند و معتقدندکسی نمی‌تواند بدانها دستبرد بزند.[2] ضلع غربی بنای اصلی این بقعه پنج متر و ضلع جنوبی آن ۷۱۵ سانتیمتر است. سه طرف این بنا ایوان دارد . پهنای ایوان شرقی ۱۱۰، غربی ۱۷۰ و جنوبی ۲۲۰ سانتیمتر است. صندوق مرقد ساده و تازه ساز است و روکشی سیاه دارد . درازای آن ۲۱۵ ، پهنای آن ۱۱۰ و بلندی آن نیز ۱۱۰ سانتیمتر است . سقف داخل پل‌کوبی برروی واشان

۱ـ بفتح کاف اول ودوم . ۲ـ گیلان دلا بینو، ص ۳۶۸ .

با درزپوشهای‌زده است . دیوارداخلی بقعه‌سفیدکاری بانقاشیهای مذهبی کارآقاجان لاهیجانی مورخ ۱۳۳۵ ه . ق . شامل مناظر :

حارث و دوطفلان مسلم ، سلطان قیس ، رفتن حضرت زینب به شام، قتلگاه، طلب آب نمودن علی‌اکبر از پدرش ، فاطمهٔ زهرا در عروسی قریش، امام‌موسی‌الکاظم و حکیم فرنگی، ضامن آهو ، جنگ مسلم با اهل‌کوفه .

اما مناظرخارج به‌این‌شرح است: محاربهٔ حضرت قاسم با ازرق شامی، رفتن حضرت علی‌اکبر به‌میدان ، محاربهٔ ابوالفضل‌العباس باسدیف ، رفتن‌حضرت‌سیدالشهدا به‌میدان ، درویش‌کابلی، معراج پیغمبر، حضرت‌امیر وقنبر، خروج‌مختار، منظرهٔ جهنم ، طاووس یك جفت ، تورنگ یك عدد .

برحاشیهٔ بالای دیوارهای داخلی بقعه، ابیاتی ازهفت بند محتشم‌کاشانی‌است که درفواصل آنها «اللهم صل‌علی‌محمد وآل محمد» و «یا اباعبدالله‌الحسین اغثنی» نوشته شده است . این کتیبه‌ها ، کار استاد رضا لاهجانی و مـورخ ۱۳۳۵ ه . ق . است .

طاق ایوان ، واشان‌کشی و پل‌کوبی با درزپوش‌زده است . لبهٔ بام سه‌پشته و سراسر بام‌بنا ، لت‌پوش است . ستونهای ایوان چهارسو باسرستونهای دهن اژدری است . دو عدد از ستونها لاچ‌لنگری است . بریکی از ستونهای لاچ‌لنگری این عبارات خوانده می‌شود :

«عمل استاد محمد ولد مرحوم قربانعلی ساکن بالامحلهٔ تعاجان هذه السنه یونت‌ئیل۱۳۰۲۰۴.»

لبهٔ ایوانها لتازهٔ تخته‌ای دارد . شاخهای گنج‌گاو متعدد ، کوچك و بزرگ در داخل و خارج بقعه نصب شده است . ویك چهارشاخهٔ سفالین قدیمی که روغن در آن می‌ریخته‌اند ، در داخل بقعه آویخته است .

این بقعه قبرستانی نسبةً قدیمی دارد . نوشته‌های پاره‌ای از سنگها بدین شرح است :

«وفات مرحوم نقد علی ولد مرحوم محمدعلی ۱۲۰۲ ، با نشانه‌ای نظیر قندیل .»

«وفات مرحوم کرمعلی ولد آقا قنبر ۱۲۲۳ . نشانه‌ها : مهر ، تسبیح و شانه .»

«وفات مرحوم آقا علی ولد مرحوم محمد سنه ۱۲۴۵. نشانه‌ها: مهر ، تسبیح ، شانه و سروشکسته .»

«وفات مرحوم مغفور امیرعلی ولد مرحوم کربلائی رمضان سنه ۱۲۵۱.

صد حیف که از صف جوانان رفتیم
و ز آمدن جهان پشیمان رفتیم
یك دم نزدیم دلخوشی در عالم
سرگشته در آمدیم و حیران رفتیم

نشانه‌ها : مهر، تسبیح ، شانه و سروشکسته .»

مراسم علم‌بندی این بقعه هفتم محرالحرام و مراسم علم‌واچینی سیزدهم همان ماه برپا می‌شود . مراسم علم‌بندی بقعهٔ تارش نیز نظیر اینجاست .

میل امام
بر تپه‌ای نزدیك سوماسره (= صومعه سرا)

درفرهنگ جغرافیائی ایران مطالب زیر دربارهٔ این میل نوشته شده است:

«ازآثار ابنیهٔ قدیم برجی در ۵۰۰ متری شمال‌خاوری قصبه روی تپه‌ای به‌نام صومعه‌سرا که ارتفاع آن در حدود ۷ متر است و بقایای ابنیهٔ قدیمی از قبیل آجر و سفال و غیره ، در گذشته قبوری شبیه قبور زردشتیان مشاهده شده‌است . احتمال می‌دهندکه این برج آتشکده بوده است . و ممکن است این برج از برجهای خبری باشدکه دراکثرنقاط حساس‌کشورمشاهده می‌شود . دومزرعهٔ کوچك به‌نام صومعه‌سرا وخوش‌خوانی که دو سه خانوارسکنهٔ دایمی دارد ونزدیك به‌امام واقع شده‌اند ، جزء قصبه هستند .»

آنچه از این میل برجای است بدین شرح است :

در مشرق آبادی امام در فاصله‌ای‌که به خط مستقیم ، درحدود یك‌کیلومتر برفراز قله‌ای سنگی وخاکی میله‌ای ازسنگ نتراشیده و گچ بنا شده است.شکل این‌میل استوانه‌ایست‌که‌کمی روی درمخروط دارد . بلندی‌این‌میله۶۶۰سانتیمترو محیط دایرهٔ خارج ، ازیك‌متری زمین۲۰ر۱۴متروقطردیوار ازهمین‌ارتفاع ، ۱۴۰ سانتیمتر ودر بالای بنا ۱۱۴سانتیمتروقطر دایرهٔ داخل از یك‌متری زمین ، ۱۵۵ سانتیمتراست . درداخل ، در ارتفاع۱۹۰ سانتیمتری زمین‌تیرهائی موازی کف بنا کار کرده بودند که فعلا یکی از آنها باقی است . قطر این تیر ۱۲سانتیمتر بود . جای مابقی تیرها نیزمعلوم است . طاقی دیگر در ارتفاع ۷۰سانتیمتری‌این‌طاق و طاق سوم در ارتفاع دو متری از طاق دوم قرار داشت . احتمال می‌رودکه سر برج جمع می‌شده و آبروی آن یکسره از روی بدنـهٔ خارجی بوده است . فعلا بیش از یك متر از بالای آن را خراب کرده‌اند . روی سراسر بدنهٔ خارجی را با گچ غربالی و درشت‌تر سفید کرده بوده‌اند تا از دور نمایان باشد . این برج را باید جزء برجهای راهنما دانست .(عکس شمارهٔ۲۳۵)

بقعهٔ سید غیاث‌الدین بن‌سید عبدالوهاب بن سیدغیاث‌الدین بن سید کمال‌الدین بن سیدقوام‌الدین مرعشی در دهکدهٔ امام سمام

سیدظهیرالدین ازاین‌مرد نام می‌برد ومرقد اورا در دهکدهٔ امام می‌داند .[۱] درمحل‌پس‌از تحقیق‌معلوم‌شدکه‌بر بالای‌قراتپه که مسلط به‌دهکدهٔ‌امام‌است، بقعه‌ای محقر و ساده است‌که ظاهرا مدفن سیدغیاث‌الدین است . این بنا از سنگ و گل است ، ایوانی کتابی در طرف شرق دارد و صندوقی تخته‌ای ساده در بناست که

۱ـ تاریخ طبرستان و رویان ومازندان، ص۳۸۵ . رابینو در ص۳۷۲ گیلان خود از این سادات نام می‌برد . اما درشجرهٔ نسبت آنان اشتباه کرده است.

مرقد او را پوشانده است.

سیدظهیرالدین از سید دیگری از همین خاندان به نام سیدکمال‌الدین بن سیدنصیرالدین بن سیدکمال‌الدین بن سیدقوام‌الدین مرعشی یاد می کند و می نویسد:

«قبرش درامام من قری سمام دیلمستان است یلی قبر سید غیاث‌الدین بن سیدعبدالوهاب بزّد مضجعهم واعقاب ایشان در گیلان و دیلمستان‌اند.»[1]

بقعهٔ سیدجمال‌الدین بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ کاکرود سمام

بنائی است ساده باصندوقی چوبین ساده دروسط و در دوطرف غربی وجنوبی ایوانی به‌پهنای سه‌متر است. هر ایوان هفت ستون چهارسوی چوبین باسرستونهای ظریف دارد. بالای سر نال از طرف داخل یك چکش‌گردان و از طرف خارج دو چکش‌گردان دارد. واشانها برچکش‌گردان داخل و دیوار بقعه متکی است. لبهٔ بام یك‌پشته و سراسربام، لت‌پوش‌است. ساکنان دهکده اظهارمی کردند که‌مدفون در این بقعه برادرکسی است‌که در بقعهٔ قراتپهٔ امام به‌خاك سپرده شده است.

قلعه‌ای قدیمی برساحل‌چپ رودخانهٔ کاکرود مقابل میلهٔ امام

رودخانهٔ کاکرود از بهارکش سرچشمه می‌گیرد و آب آن به رودخانهٔ امام و پس از آن به‌آب کجید می‌ریزد. برساحل چپ این رودخانه مقابل میلهٔ امام بر بالای کوهی منفرد، قلعه‌ای قدیمی است‌که‌گنج‌گیران آن را زیرو رو کرده‌اند.

مسجدی قدیمی در دهکدهٔ کجید سمام

درازای این مسجد از داخل ۱۰ متر و پهنای آن ۷٫۵ متر است. فیلپائی

۱ــ تاریخ طبرستان و رویان ومازندران، ص۳۸۵. رابینو در ص۳۷۲ گیلان خود از این‌سادات نام می‌برد. اما در شجرهٔ نسبت آنان اشتباه کرده است.

چوبین‌که پایین و بالای آن چهارسو و میان آن هشت ضلعی دو به‌دو برابر است نزدیك به ضلع جنوبی مسجد است . سرکشی چهارسوی قطور در پهنای مسجد بر روی این فیلپا متکی است . طاق مسجد واشان‌کشی و پل‌کوبی است .

بر یکی ازسرستونهای غربی‌که روزی ستون‌ایوان بوده وامروز داخل‌دیوار مسجداست ، این عبارات خوانده شد :

«عمل صفرعلی و غلامعلی فی‌شهرجمادی الاول فی سنة ترکیه‌ایت ایل مطابق سنه ۱۲۵۶.»

مقابل در ورودی مسجد مدرسی قدیمی است که تا چندی پیش طلاب علوم دینی در آن به‌تحصیل مشغول بوده‌اند. امروز این مدرس ، مکتب‌خانه شده‌است. در سه طرف مسجد محوطه‌ای بازوگشاده است که قبرستان عمومی دهکدهٔ کجید است . پاره‌ای از سنگهای قبورآن به شرح زیر بود :

«وفات مرحوم علی مراد ولد مرحوم سبزعلی ۱۲۴۹ . نشانه‌ها : مهر، تسبیح ، شانه ، تبر ، اره ، مته و کمانه .»

«وفات مرحوم‌محمد شریف ولد نوروز ۱۲۵۰ . نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه ودر وسط سنگ : کاول (گاوآهن‌محلی)وگرباس(بیلی‌نوك‌تیز) و لها (چهار شاخ) .

«وفات مرحوم آقا رحیم ولد مرحوم عابیدین ۱۲۵۲. نشانه‌ها : مهر، تسبیح ، شانه ، ولوازم دیگری بدین شکل :

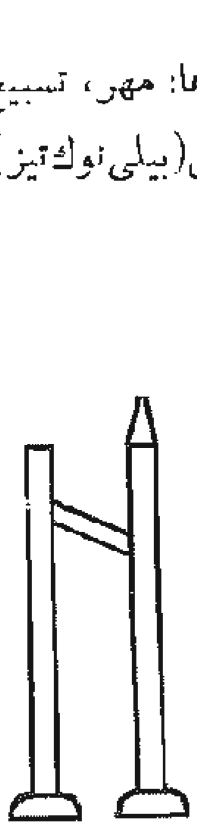

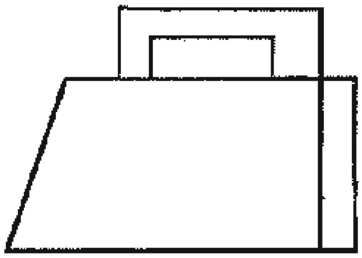

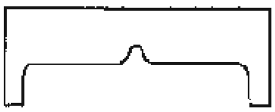

اسنادی مربوط به دهکدهٔ کجید
نزد آقای یدالله محمدی

اوراق و اسناد خرید و فروش ومصالحه‌نامه و تقسیم نامچه متعدد مربوط به اراضی دهکدهٔ کجید در دست آقای یدالله محمدی بود . این اوراق از نظر نامهای جغرافیائی اطراف دهکده با ارزش است. سنوات پاره‌ای از آنها بدین ترتیب‌بود: ۱۲۲۸ - ۱۲۳۹ - ۱۲۴۵ - ۱۲۶۹ - ۱۲۹۵ هجری قمری .

عمارت وباغ منجم‌باشی لنگرودی
در مربوی [1] سمام

دهکدهٔ مربّو برسرراه دیارجان به‌امام ودریک‌کیلومترو نیمی‌دیارجان‌است. منجم‌باشی در اینجا باغ وعمارتی به‌وجودآورده است .[2]

این باغ و اطاقهای سر درآن تا امروز برجای است .

گورستان قدیمی قیساباد (قیس‌آباد)
در جنوب دهکدهٔ مربو در ناحیهٔ سمام

درجنوب دهکدهٔ مربّو، برسمت‌راست راه مربّو به‌کرماور،گورستانی‌قدیمی است .(عکس شمارهٔ ۲۳۶) مردان صاحب نفوذ محل ، این‌گورستان را حفاری غیر علمی کردند ولوازم پرارزشی ازگورها نسبت به شأن ودارائی‌صاحبان‌گور، به‌دست آوردند (عکسهای شمارهٔ ۲۳۷ ، ۲۳۸ ، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱ ، ۲۴۲ ، ۲۴۳). این‌اشیاء قدیمی که نمودار تمدنی‌کهن بود وبازار فروش‌آنها دهکدهٔ املش بود در ایران و اروپا به نام «تمدن املش» معروف گشت . تمدنهای کهن شاهجان و سمام وپاره‌ای از دهکده‌های دیلمان نیز به همین نام شناخته می‌شوند .

۱ـ بضم میم و فتح راء و تشدید باء   ۲ـ گیلان رابینو، ص۳۷۱.

گرماوری برج (=قلعهٔ گرماور)
در دهکدهٔ گرماور ۱ سمام

در بالا دهکدهٔ گرماور و زیر دست دهکدهٔ بزرگ مربّو و میان دورودخانهٔ شیه و درارو، قلعه‌ای عظیم و قدیمی بوده است.

این قلعه برپوزهٔکوه و برتل سنگی یـك پارچه است. قبرستان قدیمی «قیس‌آباد» نیز در جوار این قلعه است یعنی‌از دهکدهٔ مربّو که به‌طرف این‌قلعه سرازیر می‌شویم، قبرستان قیس‌آباد، به دست راست ما قرارمی‌گیرد. چون از این راه دسترسی به قلعه‌آسان است و احتمال آن می‌رفته است‌که ازاین راه‌قلعه مورد دستبرد قرارگیرد، از قدیم دو خندق کنده و دیوارهٔ کوه را نیز بریده‌اند. خندقها در دل سنگ کنده شده و دیوار بریده نیزعمودی نیست، بلکه متمایل به داخل است تا کوهمالان نتوانند ازآن بالا روند. پهنای خندق نخستین۳۹۰و پهنای خندق دوم۵۲۰ سانتیمتر و درازای دیوار بریده شده سیزده مترو بلندی‌آن ۲۷۰ سانتیمتر است (عکس‌شمارهٔ ۲۴۴).

بناهای قدیمی‌قلعه ازمیان رفته بود وازآثار موجود بدون حفاری‌نمی‌توان طرحی کشید تا وضع بناهای قدیمی را نشان دهد. از آثار قدیمی چهار آب‌انبار بود که قسمت اعظم‌آنها در دل سنگ کنده شده است. این آب‌انبارها را می‌توان شاهد صادقی برآبادانی‌وعظمت‌این‌قلعهٔ قدیمی‌دانست. آب‌انبار اول که‌درسمت‌غرب قلعه‌بود، به‌درازای۴۹۰وپهنای۲۳۰وبلندی‌فعلی‌آن۱۶۰سانتیمتراست (عکس‌شمارهٔ ۲۴۵). درازای‌آب‌انبار دوم۲۶۰، پهنای‌آن۱۷۰ وعمق فعلی‌آن ۷۰سانتیمتراست. عمق بدنهٔ بالا که در دل سنگ کنده شده‌است، بیشتر است. آب انبار سوم که در جنوب برج خشتی‌قلعه است به درازای ۵۵۰ و پهنای ۳۵۰ و عمق ۱۸۰ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۲۴۶). آب انبـار چهـارم که در جنوب غربی آب انبـار سوم است به درازای ۵ متر و پهنـای ۲۵۰ سانتیمتر و عمق فعلـی آن در حدود

۱ــ آبادی گرماور را جزء بلوك عمادلو نیز به حساب آورده اند.

۲۰۰ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۲۴۷) .

برجی خشتی درطرف جنوب شرقی قلعه برسر پوزهٔ کوه ومسلط به رودخانه بنا شده است . رابینو می‌نویسد :

« اما برج خشتی که برسر تپه و مسلط به رودخانـه بنا شده است ، به دست سلیم‌خان پدر بزرگ کاظم‌خان ، هنگامی که در دوران فتحعلی شاه قیـام کرده بود بنا شده است .»[1] بلنـدی این برج که امروز به «برج خان» معروف است ، ۶۸۰ سانتیمتر وقطر دایرهٔ آن ازداخل ۳۵۰ سانتیمتر وقطر دیوار برج ۱۲۰ سانتیمتر است . بلندی طبقهٔ اول از کف تا زیرتیر ۱۴۰ سانتیمتر و بلندی طبقهٔ دوم ۲۵۰ سانتیمتر است . طبقهٔ اول با هفت عدد تیر پوشانده شده است . در طبقهٔ دوم هفت طاقچه به‌پهنای ۸۰ وبلندی ۹۰ سانتیمتراست . بالای تیرهای پوشش طبقهٔ بالا تخته‌کوبی داشته است . هشت مزغل در میان جرزهای بین طاقچه‌ها و هفت مزغل در وسط هرطاقچه در طبقهٔ دوم دیده می‌شود . طبقهٔ پائین وبالا ، هریك دری به‌پهنای یك متر داشته است . قسمتی ازبنیاد برج و دیوار طبقهٔ پائین آن از سنگ است . بلندی این قسمت بالغ بر ۳۰۰ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۲۴۸).

کوش تلهٔ[2] گرماور

بر بالای کوهی سنگی منفرد ، نزدیك قلعهٔ اصلی گرماور و طرف چپ آب رودخانه ، آثارحوض سنگی وبنائی دیده می‌شودکه ظاهراً برج دیدبانی بوده‌است. درازای حوض این قلعهٔ کوچك ۱۱۵ و پهنای آن ۹۳ وگودی آن ۱۵۰ سانتیمتر است . راه رسیدن به‌این حوض بسیار سخت و خطرناك است (عکس شمارهٔ ۲۴۹).

با کندن نهرهائی در سنگ ، آب رودخانهٔ شیه ، مشهور به « ملك دره » را به قلعه آورده‌اند .

۱ـ گیلان رابینو ، ص۳۶۹.

۲ـ کوش به معنی کوچك و تله به سنگ عظیم یك پارچه گویند .

گورجی قلا کوتی
نزدیك گورج سمام

دهکدهٔ گورج[۱] در دامن کوه در جنوب چاکرود و جنوب شرقی لورود است. دهکده‌های کاغوزی و کلام‌رود نزدیك گورج‌اند. راه دیلمان به قزوین از گورج می‌گذرد. برسر قلهٔ کوهی‌که همجوار گورج است، قلعه‌ای عظیم از سنگ وگچ بنا شده‌است(عکس‌شمارهٔ ۲۵۰). در بهارسال ۱۳٤٥ شمسی ساکنان دهکدهٔ گورج کف قلعه‌وقسمتی ازدیوارهای آن‌را به‌قصدیافتن گنج زیروکرده‌بودند. سمت جنوبی این‌قلعه دوبرج سنگی‌عظیم است و درقسمت شمال آن اثری از برج دیده نشد. درازای دیوار غربی قلعه ٤۰متر وقطر آن ازپائین ۳۰۰سانتیمتر ودربالا ۲٥۰ سانتیمتر است. بلندی‌این‌دیوار بالغ‌بر ۱۰متر است. سنگ‌وگچ، مصالح‌اصلی بناست اما پاره‌های آجروسفال‌شکستهٔ فراوان نیزدراینجادیده می‌شود(عکس‌شمارهٔ ۲٥۱). شیب طرف غربی قلعه مالیده وملایم‌است ومی‌توان ازآن بالارفت، اما طرف شرق پرتگاهی تالبهٔ آب دارد. شکسته سنگ منجنیق متوسطی باکندن اهالی از زیر خاك درآمده بود (عکس‌شمارهٔ ۲٥۲).

نزدیك به‌دهکدهٔ گورج، برروی دامنه‌های جنوبی چاکرود و جنوب‌شرقی لورود قبرستانی قدیمی است. درگورهای این‌قبرستان در زمان رابینو، اسباب و آلات برنزی پیدا کرده بوده‌اند.[۲]

زوهونی سر
در دهکدهٔ گورج

نزدیك دهکدهٔ «زوهونبره» به طرف رودخانهٔ چاکرود، غاری دراز وتاریك به شکل‌تونل که ظاهراً دستی‌کنده شده است، دیده می‌شود. درپاره‌ای جاها، آثاری از طبیعی بودن غار نیزهست.

۱ـ بفتح «راء» و سکون جیم.
۲ـ گیلان رابینو، ص۳۷۰.

قلا (= قلعه)
در دهکدهٔ آغوزبن کندسر ۱

درجهت قبلی آغوزبن‌کندسر، برسر کوه شهباز، آثارقلعه‌ای قدیمی‌است. آجر پاره‌های زیاد و سفال شکستهٔ فراوان در آنجا دیده شد. از بنای اصلی‌قلعه چیزی برپای نبود.

بقعهٔ شوك ۲
در دهکدهٔ شوك اشکورسفلی

این بقعه شامل بنائی سادهٔ زگالی در میان و چهارطرف آن ایوان است. صندوقی چوبین و ساده در میان بنای اصلی است. طرف شرقی وشمالی ایوانها را از بالا به‌پائین تخته‌کوبی‌کرده‌اند تا بنا از باران محفوظ باشد. هرطرف ایوان نه ستون چهارسو دارد. به ستونهای ایوان جلو، شاخ بز کوهی متعدد و یك شاخ گنج‌گاو (= گوزن) کوبیده‌اند. چهارطرف لبهٔ ایوانها، تکائل شبکه‌ای است. سقف بقعه و ایوانها لمبه‌کوبی با درزپوش تخته‌ای است. ایوانها یك در ورودی وبقعه نیز یك در ورودی دارد. پرهٔ ایوانها دوپشته وبام سراسر بنا، سفال‌سر است. مسجدی جداگانه درجهت شمال با ارسیهای‌قدیمی برپاست. درمحوطهٔ قبرستانی‌که اطراف بقعه است، یك درخت آزاد کهن ودو اصله درخت اربو۳ است

مراسم علم‌بندی هفتم محرم و علم واچینی روز سیزدهم محرم که سوم امام است، برپا می‌شود.

دهکده‌های شوك، هلوان دره و تارش۴ علم‌بندی مشترك دارند. علم‌این‌بقعه را به‌دهکدهٔ تارش می‌برند وبرمی‌گردانند. چوب علم‌ایشان ازدرخت سور (=سرو جنگلی) است.

۱ــ بکسر دال و فتح سین. ۲ــ بفتح شین و واو. ۳ــ اربو دراین محل به‌معنی امرود وخوج ریز است. ۴ــ بکسرراء.

پرمکوه[1] از دهکده‌های نزدیك به این محل است . مراسم علم‌بندی ایشان روز هفتم محرم است واگر اهالی در مجلس حاضر بودند و در قشلاق نبودند، روز سیزدهم‌محرم علم واچینی دارند. در غیر این‌صورت علم تایکی دوماه بسته می‌ماند تا اهالی ازگیلان مراجعت کنند. یك‌روز جمعه خبرمی‌کنند واهالی درمسجدجمع می‌شوند و مراسم علمواچینی را برپا می‌کنند .

در اتاکوش[2] شوك حفاری کرده‌اند و از قبور قدیمی آنجا ، سلاح ، کوزه ، دستبند و نظایر آنها پیدا کرده‌اند . بقایای آبادی قدیمی وقلعه خرابه‌ای در این جاست .

در دهکدهٔ بویه که نزدیك شوك است و گردنه‌ای فاصله شده است ، بقعهٔ نسبهٔ قدیمی است‌که اثر تاریخی درآن دیده نشد .

قلاسر
در دهکدهٔ پرمکوه اشکور

بربالای قله‌ای‌نزدیك دهکدهٔ پرمکوه‌آثار قلعه‌ای‌قدیمی است. پاره‌آجرو سفال شکستهٔ لعاب‌دار فراوان در سرقلـه و زمینهای اطراف است . ظاهراً یکی از قلاع‌اسماعیلیان و مقدم دژقلایه یا «گورجی‌قلاکوتی» در مرز پرمکوه‌وگورج بوده است . آب این قلعه باگنگك از «کرچشمه»[3] می‌آمده است . زیرکرچشمه گورستانی قدیمی است .

بقعهٔ تارش
در دهکدهٔ تارش اشکورسفلی

این بقعه شامل اطاقی است که سه‌طرف‌آن ایوان است . صندوقی‌چوبین و ساده درمیان اطاق است . یك در ورودی به‌ایوان ویك در به‌حرم دارد . ستونهای ایوانها ، چهارسو وبدون سرستون است . پرهٔ ایوان دوپشته وبام سفال‌سر است .

۱ـ بفتح پ و راء. ۲ـ بفتح الف ، کسرشین. ۳ـ بکسر کاف.

بقعه و مسجد متلاکوه [۱]
در دهکدهٔ متلاکوه اشکور سفلی

مسجد و بقعه، متصل به یکدیگر و مجموعاً بنائی مستطیل شکل است. اطراف آن ایوان ندارد و سراسر بام لت پوش است.

کاروانسرای زیاز و باغ اطراف آن
در زیاز سمام

«[وسلطان محمدکیا] جهت منزل و مسکن عابری السبیل درسر راه اشکور، در ناحیهٔ سی‌جیران، به موضعی که موسوم است به زیاز، عمارت خوب فرمودند کرد. و در آن مقام باغ و بساتین خوب را طرح انداختند و میوه‌های گیلانی از هرنوع، در آنجا بفرمودند نشاند و انگورهای رودبار را تاك آورده بنشاندند و سیبهای خوب را بهسیبهای جنگل آنجا وصل نمودند.»[۲] رابینو نیز عین این مطالب را نقل کرده و ساختن این کاروانسرا را به دستور سید رضی کیا می‌داند.[۳]

امام زاده یحیی و امام زاده شعیب
درلورود سمام

لورود برسر راه دیارجارن بهامام و در مشرق مربّو است. دو امامزاده با درخت چنار زیبائی نزدیك چشمهٔ آبی دراین دهکده است.[۴] نام امامزادگان، امام‌زاده یحیی و امامزاده شعیب است.

بقعهٔ اول

بنائی مربع شکل است وطرف جنوب آن ایوانی دارد. ستونهایش چهارسو است و لبهٔ ایوان را به جای لتازه تا بالا تخته‌کوبی کرده‌اند.

۱ــ بفتح میم و تاء. ۲ــ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۱۴۵. ۳ــ گیلان رابینو، ص۳۷۴ و ۳۷۵. ۴ــ گیلان رابینو، ص۳۷۱.

بقعهٔ دوم

بنائی مربع شکل است که ایوانی طرف مشرق دارد . ستونهای ایوان چهارسو با سرستونهای رنگ‌کردهٔ قدیمی است . لبهٔ ایوان به جای لتازه ، تکائل تخته‌ای دارد . سقف هردو بقعه بدون پل‌کوبی و لمبه‌کوبی ، لبهٔ بام هردو دوپشته و بام هردو ، لت‌پوش است . مسجدی درمیدان ده نیزساخته‌اند . چناری را که رابینو در شصت سال پیش نظرش را جلب‌کرده است تا امروز در میدان ده بر سرچشمه‌ای برپاست و شاداب و خرم است . محیط تنهٔ این درخت از یك متری زمین ۱۱٫۲۰ متر است .

بقعهٔ سید ابراهیم وسید الیاس
درپی‌نود[۱] سمام

این مزار بنائی ساده ومربع شکل وسه طرف آن ایوانی به پهنای یك متر است. ایوانها دارای ستونهای چوبین چهارسو باسرستون است . دور ایوانها لتازه دارد . دوعدد از ستونها لاچ لنگری است . سقف بدون لمبه‌کوبی وپل‌کوبی و بام لت‌پوش است . مرقد این‌دوبزرگوار در وسط بناست وصندوقی ساده دارد .

زیر خاکیهای پی‌نود
درپی‌نود سمام

دهکدهٔ پی‌نود در دوازده کیلومتر وهشتصدمتری پیرکوه وبیست وپنج‌کیلو متری اسپیلی است . ارتفاع آن ۱۳۰۲ متر و در دامنهٔ جنوبی فیروزکوه است . زمانی که رابینو دراین محل بوده است (حدود سال ۱۳۳۱) این دهکده را بسیار قدیمی دیده ومی‌نویسد درخاکبرداری محلی‌سفالهای لعاب‌دار مورخ چهارصدسال قبل درآنجا پیدا شده است . کشاورز دیگری که خاك برای بنای خود از محلی می‌کند آفتابه‌ای پراز سکه‌های طلا ولگنی مسین پراز سکه‌های نقره پیداکرد .

۱ـ بکسرپ وسکون یـاء وفتح نون و واو وسکون دال .

سکه‌های نقره متعلق به‌زمان شاه اسمعیل اول صفوی وضرب تیمجان ولاهیجان و لشت‌نشاء وکرجیان بود . سکه‌های طلا بسیار قدیمی بود . کشاورز از همه جا بی‌خبر ، تمام را به‌یك تن یهودی در لنگرود داد وهم‌وزن آنها ظروف مسین به‌ده آورد. رابینو چندسکهٔ نقرهٔ آن را خریداری کرد وسپس به‌موزهٔ بریتانیا داد و آفتابه لگن را برای خود خرید.[۱]

قصر آردوی سامان
درمحلی به‌نام سرخ چشمه در ییلاق آردوی سامان

سیدظهیرالدین در وقایع سال۸۸۹که سیدامیرکیا فرزندکارکیا محمدکیای تنکابنی به‌مخالفت بامیرزا علی‌کیا برخاست ، سه بار ذکر ییلاق آردوی سامان را به‌میان آورده است . این محل ییلاقی ، امروز میان ییلاقهای گاوخس[۲] وسیه ـ دشت[۳] است . اگر بخواهند از تورار به گردکول[۴] بروند ، از ییلاقهای «گرچاك[۵] و امیرچاك وگاوخس می‌گذرند وبه‌ییلاق آرده سامان[۶] وارد می‌شوند . از آرده سامان به‌ییلاقهای سیه‌دشت ، باچو ، لشکستان وبقعهٔ گرده‌کول می‌توان رفت . این نواحی بسیار پرچشمه وسرسبزاست وهوائی بسیارلطیف دارد. درسرخ‌چشمهٔ[۷] آرده‌سامان خرابه‌های بناهای فراوانی‌است که ظاهراً همین کاخ میرزا علی‌کیا وبناهای‌خدم‌و حشم او بوده است .

بقعهٔ آقا سید ابوالحسن بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام
درقلهٔ کوه‌گرده‌کول [۸]

درپشت دهکدهٔ کمنی ، روی کوهی بلند ومدور(عکس‌شمارهٔ ۳۵۳) بنائی‌از سنگ‌وگچ‌است. این بنا شامل‌دوقسمت‌اصلی‌است. قسمت‌اول کفش‌کنی‌مستطیل‌شکل

۱ـ گیلان رابینو ،ص ۲۷۳. ۲ـ بضم خاء معجمه. ۳ـ بکسرسین‌وياء.
۴ـ بفتح گاف وکسر دال. ۵ـ بضم گاف. چاك در زبان دیلمی به‌معنی‌مرغزار وچمنزار است. ۶ـ تلفظ امروزی‌است. ۷ـ بکسرخاء. ۸ـ یعنی کوه گرد ومدور .

است که‌دری‌کوتاه‌وسرگیر دارد. پس‌ازورود به کفش‌کن‌دست‌راست، دراصلی‌ورودی بنای‌بقعه‌است. بنای‌اصلی‌بقعه چهارگوشه‌است‌که‌چهارکنج آن‌را باچهارگوشوارجمع کرده وطاقی مدور ازسنگ وگچ زده‌اند . طرف‌قبلی‌بنا محرابی نسبةً ظریف‌است. در دوجهت شرقی وغربی دوپنجرهٔ کوچك به‌بلندی ۷۰ وپهنای ۳۵ سانتیمتر دارد. درچهارضلع‌بنا ، چهار طاقنماست ودر دوطرف در ورودی ازداخل ، طاقچه‌مانندی است که شمع درآن روشن‌می‌کنند . صندوقی سادهٔ چوبین وسط بنای اصلی‌است و بالای‌آن را طنابی‌کشیده وقندیلهای مسین باپارچه‌های رنگین به‌آن آویخته‌اند.

سنگهائی‌که‌دربنا به‌کار رفته ، سنگ‌لانه است وملاط آن گچ غربالی‌درشت است . داخل وخارج بنا سفیدکاری شده است (عکس‌شمارهٔ ۲۵٤).

سنگ‌مرمری بردیوار کفش‌کن ، قرارداده شده‌است که عبارات زیربرآن حك است :

«تاریخ اتمام کار امامزاده واجب‌التعظیم امامزاده ابوالحسن ابن امام موسی‌الکاظم که باعث و بانی خیرات سعادت وعزت دستگاهان خواجه ملاحسین وفرزندان‌خلف رفعت‌پناه خواجه حسن وخواجه مراد علی به‌تولیت فضیلت شعاران‌ملاعلی وملاشیخ محمد استاد کار نادرالعصری حاجی‌الحرمین حاجی بنیاد که عاقبتشان یکان یکان بخیرباد در سنهٔ ثمان اربعین والف اتمام یافت .»

سقف سابق کفش‌کن گهواره‌ای واز سنگ و گچ زده بودند . پس از خرابی سقف را باچوب وسنگ لانه وگچ ساخته‌اند . قبور داخل کفش‌کن تمام به‌شکل سرداب است .

بناهای دیگری اطراف بقعه است که تمام ازسنگ لانهٔ سفید ساخته شده و مخصوص متولی و زوار است .

این بقعه مورد احترام اهالی دهکده‌های لشکستان ، کمنی ، انبوه،لات و نوده است. سه دهکدهٔ انبوه‌ولات ونوده جزء خاك رودباراست. غیر ازلشکستانیها،

اهالی دهکده‌های دیگر علم خودرا به‌بقعه می‌آورند. اهالی کمنی روزسوم محرم و اهالی‌انبوه ولات ونوده روز پنجم محرم علم‌خودرا می‌بندند. ایشان علمهای خودرا درمحل می‌بندند وباخواندن نوحه وسینه زدن به امامزاده می‌آورند. درامامزاده پس‌ازخواندن روضه، ناهارمی‌دهند وعلم را وامی‌چینند. درواچیدن علم گره‌های پارچه‌های صحن (=سفید) و سبز و مشکی را باز می‌کنند وتا می‌کنند و در بقچهٔ مخصوص می‌گذارند و بقچه وچوب علم و خود علم را جداگانه به‌دهکده‌های خود می‌برند.

لشکستانیها علم خود را به‌بقعه نمی‌آورند بلکه درآبادی، علم‌بندی وعلم‌واچینی می‌کنند.

یك ماه از تابستان رفته، به‌ترتیب یك جمعه لشکستانی، یك جمعه کمنی یك جمعه انبوئی، یك جمعه لاتی ویك جمعه نودی به‌بقعه می‌آیند و گوسفند سر می‌زنند ونان وآبگوشت می‌دهند، انبوئیها ولاتیها، باغذا، میوه نیزمی‌دهند.

خانوادهٔ متولیان معروف به«شیخ» هستند وفعلامشهدی‌عزت‌الله گلبانومتولی بقعه‌است وازبابت عایدات بقعه به‌سایر افراد خانوادهٔ شیخ اجارهٔ سالیانه‌می‌دهد.

اطراف بقعه قبرستانی بزرگ است(عکس‌شمارهٔ ۲۵۵). بیشتر گورها سنگ قبردارد. سنگهارا درقزوین حك می‌کنند وبدین‌جا می‌آورند. پاره‌ای از سنگها که قدیمی به‌نظر رسید بدین شرح‌اند:

«وفات‌مرحومه مبروره بی‌بی‌خانم بنت آقاحسین‌نهم شهرذیقعده۱۱۷۱ نشانه‌ها: یك‌انگشتر ویك سینه ریزدر وسط و دوانگشتر در دوطرف آنها، دوگوشواره و دو دستبند، یك تسبیح ویك‌مهر.»

«وفات مرحوم ولی‌خان ولد رمضان ۱۲۲۰. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه و سروشکسته.»

«وفات مرحوم گلستان خانم بنت مرحوم آقامیرزا ۱۲۴۱. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، انگشتر، آفتابه و سروشکسته.»

«وفات مرحومه شهربانو بنت شرف‌خان ۱۲۵٤. نشانه‌ها : مهر و تسبیح.»

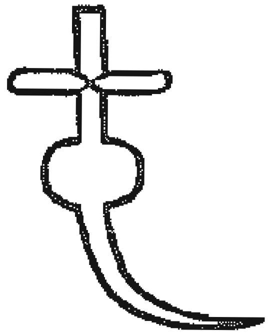

« وفات مرحوم ملك محمد ولد
مرحوم صفر آقا سنه ۱۲۲۱ .
نشانه‌ها : مهر ، تسبیح ، شانه ،
خنجر ، نوگان و آلت قتاله‌ای
بدین شکل .»

«وفات مرحوم شیخ رفیع ولد مرحوم کربلائی شیخ عبدالله ۱۲۵۷ .
نشانه‌ها: مهر، تسبیح وشانه .»

«وفات مرحوم شیخ خلیل ولدمرحوم شیخ جلال سنه ۱۲۶۳. نشانه‌ها:
مهر، تسبیح ، رحل ، قلمدان وشانه .»

«وفات مرحومه مغفوره تازی خانم بنت شیخ حسین ۱۲۶۶ . نشانه‌ها :
مهر، تسبیح ، دوانگشتر، سینه‌ریز، کشکول ، دلوازه ، آفتابه ، قیچی،
بینیکی و گلدان .»

«وفات مرحومه بمانی بنت مرحوم ملك‌محمد ۱۲۶۶. نشانه‌ها : مهر،
تسبیح ، آفتابه ، قیچی ، بینیکی ودلوازه .»

«وفات مرحوم مغفورشیخ جعفرولد مرحوم شیخ‌کاظم ۱۲۷۱. نشانه‌ها :
مهر، تسبیح ، شانه و رحل .»

«وفات مرحوم برجعلی ولداوستاد قربانعلی ۱۲۸٤. نشانه‌ها: مهر، تسبیح،
شانه ، رحل و قلم .»

«وفات مرحوم گنجعلی ولد نظرعلی ۱۲۸٤. نشانه‌ها : مهر ، تسبیح،
شانه و رحل .»

«وفات مرحوم امیدعلی ولد مرحوم عموحسن گالش ۱۳۰۱ . نشانه‌ها:
مهر و تسبیح .»

سنگهای دیگری مورخ سالهای ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ و ۱۳۱۶ و ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ و

۱۳۲۷ و ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷ و ۱۳۴۸ و۱۳۵۱ وسنواتی‌مؤخر بر آن ، در این گورستان فراوان است .

بقعهٔ امام زادگان کنعان وعمران و برهان برقله فیروزکوه میان دهکده‌های گورج ، سیااستلخ ، کل‌مازی ، زاکام ، یسن ، لوآلی ، اینی ، توساچالک ، زنش و پی‌نود

فیروزکوه قله‌ایست سرکشیده ، درمنتهاالیه جنوب‌شرقی‌خاک‌دیلمان‌قدیم و از تمام نقاط این ناحیه دیده می‌شود . ارتفاع آن بالغ بر۱۸۹۰ متر است . برسر این قله‌کاخی‌قدیمی به‌نام تخت سلیمان است . اما تاآن اندازه که دمرگان[۱] برای آن اهمیت قائل شده ، ارزش ندارد .[۲]

وضع این کوه نسبت به‌قلل اطراف آن بدین ترتیب است :

کوه‌ملک خورشاه (= ملاخروشه) نود درجه ، امامزاده شوئی ، زیر دست دهکدهٔ شوئی هشتاد درجه ، کوه سمام موز هشتاد درجه ، کوه دلفک دویست و نود درجه ، کوه بشم زیردست امام ودیارجان سیصدوچهل درجه ، امامزادهٔ تورار زیر قلهٔ‌کوهی به همین نام دویست وشصت درجه ، دعاکوه زیر دست آکوچان ونوده صدونود درجه ، دهکدهٔ دیارجان درغرب شمال غرب قلهٔ فیروزکوه است .[۳]

بربالای قلهٔ فیروزکوه بنای مختصری از سنگ است و داخل آن گوری با صندوقی‌ساده‌ومعمولی‌است که روی‌آن‌را پارچه‌های‌متعدد کشیده‌اند. درزیارتنامه این محل‌را مدفن‌سه‌تن از امامزادگان به‌نامهای‌کنعان وعمران وبرهان دانسته‌اند (عکس‌شمارهٔ ۲۵۶). دوچاه‌آب گوارا درصد متری بقعه‌است . هردو چاه دو دهانهٔ سفالین دارند که درحدود ۷۰سانتیمتراز کف زمین بلندترند . این‌عبارات بریکی ازاین سفالهای قرمز رنگ خوانده می‌شود :

۱– M. J. de Morgan ص ۳۷۱ .

۲– گیلان رابینو ، ص ۳۷۰ .

۳– گیلان رابینو

«بسم‌الله الرحمن الرحیم برخوانده که آمرزیده .... در این چاه ....
بفرمودهٔ درویش علی‌بن‌جلال‌الدین.... برگشت‌بزلفانت....ازین‌ماه....
اندرین منزل‌که تااین چاه بود.»

رابینو درسال ۱۳۳۱ ه . ق. نام هدیه کننده که درویش علی بن جلال‌الدین است ذکر می‌کند و تاریخ این نوشته را سال ۹۹۴ هجری خوانده است که امروز اثری از آن نیافتم. سنگهـای سیاه فراوانی به‌طول شصت تاهفتاد سانتیمتر وقطر بیست‌وپنج وسی‌سانتیمتر اطراف این‌بقعه‌ریخته‌است‌که به‌نظر تراشیده می‌آیند.[1] (عکس‌شمارهٔ ۲۵۷)

رابینو می‌نویسدکه این سنگها متعلق به‌بنائی‌مقدم بربنای امامزاده است و بی‌شك سنگهای یکی‌از قلاع اسماعیلیان بوده‌است. نگارنده‌که تقریباً تمام قلاع اسماعیلیان را در رشتهٔ البرز دیده است تاکنون درهیچیك ازقلاع سنگهائی نظیر اینها را ندیده است. اگر بتوان قبول‌کردکه این سنگها تراشیده وروزگاری‌برای بنائی به‌کاررفته بوده است، می‌توان گفت‌که سنگها مربوط به‌بنائی مقدم بردوران اسماعیلیان است (عکس‌شمارهٔ ۲۵۸).

علمهای امامزادهٔ فیروزکوه قدیمی وظریف و پرکار بود. دو علم‌آن تاریخ نداشت و بریکی تاریخ ۱۰۴۷ قمری خوانده می‌شد. اینك عباراتی که برعلمهـا خوانده شد:

در وسط وبالای علم اول «یـافتاح» در وسط وپائین «الله محمد علی» حاشیهٔ پشت ورو دوازده امام

۱ـ نظیر این سنگها، درپشت امام درکوهی به‌نام لرده‌سن (بفتح لام وسکون راء و فتح دال وضم سین) نیز دیده می‌شود. احتمال می‌رود این‌رگهٔ طبیعی بدانجا نیز کشیده‌شده باشد. این سنگها به‌نظر اینجانب طبیعی است چون کوچکترین ذره‌ای از ساروج و گچ که ملاط بناباشد دراین‌کوه دیده نمی‌شود. گذشته ازاین مقطع‌سنگها به‌شکل مثلث است که‌به‌کار ساختمان نمی‌آید.

علم دوم ظریف‌تر از علم اول است، چه حاشیه وسطور اطراف نگار وسط، مشبك است. در این قسمت مشبك «نادعلیا مظهرالعجایب» تا آخر با خطی خوش کنده‌کاری شده‌است. وسط همین علم «الله محمد علی» بود.

علم سوم هم نسبةً ظریف بود واین جملات بر آن خوانده می‌شد:

«نظام آل گیلانی.... الله وطلباً لمرضاة رسوله.... امام المعصوم المظلوم حسین بن علی و اولاده الطاهرین علیهم السلام ۱۰۴۷.»

شمعدانی سفالین و زیبا در این امامزاده دیده شد (عکس شمارهٔ ۲۵۹).

مراسم علم‌بندی این امامزاده در هفتم محرم و مراسم علم‌واچینی یکی از روزهای جمعه پس از جمع‌آوری محصول است. متولی امامزاده، آقا شیخ محمد علی شیخ نصیری، سه تیرهٔ گالش: زنش[1] وبسن[2] و کل‌مازی[3] را خبر می‌کنند. تیرهٔ گالش زاکام جزء کل‌مازی است. در محل امامزاده مراسم علم‌واچینی عملی می‌شود. در تابستان سال ۱۳۴۵ شمسی مراسم علم‌واچینی جمعهٔ چهاردهم امرداد ماه بود.

سنگهای قبر نسبةً قدیمی اطراف این بقعه بود. مطالب سه سنگ زیر قابل ذکر به‌نظر رسید:

«وفات مرحوم مغفور خداداد بیك ولد مرحوم حسن‌خان ۱۲۶۴. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، تپانچه، شمشیر، دبهٔ باروت و خنجر.»

«وفات مرحوم مغفور نداوردلی ولد مرحوم آدینه سنه ۱۲۶۳. نشانه: شانه.»

«وفات مرحوم بازعلی ولد پنجه علی ۱۳۰۸. نشانه‌ها: نقش بزی در بالا با گل و بوته اطراف آن بادهره‌ای در زیر آن.»

در محوطهٔ باز اطراف بقعه، دو درخت بسیار کهن مازو و چندین اصله درخت مازوی جوانتر دیده می‌شود.

افسانه‌ای از پیران محل دربارهٔ بنای کاخ فیروزکوه وسفالهای دهانهٔ چاههای

۱ــ بفتح زاء وکسر نون. ۲ــ بکسر یاء و سین. ۳ــ بفتح کاف.

آن شنیده می‌شود که ذکر آن در اینجا بی‌مورد نیست :

در زمانهای گذشته ، پادشاهی توانا بود که سخت فریفتهٔ دختری شد. دختر ازاو خواست ، در بلندترین جاها با بهترین سنگها کاخی برای او بسازد .

پادشاه برای انجام خواست دختر، کوه فیروزکوه را برگزید و گروهی از مردم را به بیگار کشید . هنوز بنیاد وشالودهٔ کاخ پایان نیافته بود که پادشاه شبی در خواب دید که کاخ تمام شده و آراسته است و او بر تخت کامرانی در آن نشسته‌است . اما جغدی بزرگ بر کنگرهٔ کاخ دیده می‌شود. شاه از او می‌پرسد «ای نشانهٔ شومی و ویرانی ، تو در این جای فرخنده و آباد چه میکنی ؟ » جغد پاسخ می‌دهد که من نشانهٔ حکمت خداوندی هستم و زادگاهم اینجاست . و چیزهائی در اینجا دیده‌ام که هیچ گوشی نشنیده وهیچ چشمی ندیده است .

شاه می‌پرسد چه دیده‌ای؟ یکی از آنها را بگو. جغد می‌گوید در نیمه شب تابستان بالای همین درخت کهن‌مازو نشسته بودم. هنوز پاسی از شب نگذشته‌بود که هوا به هم خورد و برف باریدن آغاز کرد . سراسر جهان را برف فراگرفت . من به بالاترین شاخهٔ درخت مازو پریدم . برف تا آنجا نیزرسید . ناگهان بادگرمی وزید و سراسر برفها آب شد . بامداد گفتی هرگز برفی نباریده است . آیا نیروی تو بیشتر است یا نیروئی که به انجام چنین کاری تواناست ؟

شاه پس از لختی اندیشیدن پرسید چرا ویرانه نشینی؟

جغد جواب می‌دهد چون دیدم شمار تاریکی ومرگ و زن بیشتر است . زیرا نیمی از شبانروز تاریك است و روزهای زیادی هم ابر و باد و مه و طوفان است و کسانی اند که روز روشن را بر دیگران شب تار می‌سازند. پس سپاه تاریکی فزونی دارد .

اما چرا شمار مردگان بیشتر است چون همهٔ زندگان می‌میرند و کسانی هستند که فقط نام زنده بر آنان می‌توان نهاد و از زبونی وخواری درشمار مردگان اند . پس مردگان از زندگان افزون‌ترند .

امازنان که خود دارای صفات جنس خود هستند ومردانی که زبون زنان اند

نیز همچون زن هستند . پس زنان و زن صفتان از مردان مرد بیشترند .

شاه از این سخنان سخت به‌هم برآمد. از خواب دیرین بیدار شد و دستور داد که بیدرنگ آنچه از کاخ ساخته‌اند ویران کنند . از آن زمان تا امروز کاخ فیروزکوه همچنان ویران مانده‌است .

اما آنچه در بارهٔ دو چاه آبی که درقله است می گویند ، بدین شرح است: این دوچاه‌آب فاصلهٔ‌کمی ازیکدیگر دارند و دومی که کمی پائین‌تراست ، پرآب‌تر است . بردهانهٔ هردو ، دو استوانهٔ سفالین است‌که در محل «چاه تندور» می‌نامند . این دو چاه تندور را دختری « فیروزه » نام برسر گذاشته و در حالی که با دو دست خود چیزی می‌بافته، از سیستان[1] یك روزه بدینجا آورده‌است .

در دهکده‌های اطراف، هرگاه باران فراوانی ببارد چنانکه ده‌نشینان را به ستوه آورد ، گویند در چاههای فیروزکوه استخوان حیوانی انداخته‌اند و چون برای‌آن دو چاه ارزش مذهبی قائلند می گویند تا چاهها از آلودگی پاك نشوند، باران بند نخواهدآمد . گاهی می‌گویندکه گیلکها پولی به‌متولی‌آستانه می‌دهند تا او استخوان آلوده‌ای در چاه بیندازد و باران ببارد و برنجزارها پرآب شوند ولی‌کشتزارهای‌گندم و جو در کوهستان آسیب ببینند .

دراین‌وقت گروهی از ده‌نشینان اطراف گرد می‌آیند ، به‌سرچاهها‌می‌آیند غذائی‌تهیه می‌کنند و «پاکشان» می‌کنند و یك تن از دهکدهٔ «مروسن»[2](اکبرآباد) که پدر برپدر این پیشه را دارد به ته چاه می‌رود و شمعی می‌افروزد و آب‌کشی مسین که ته‌چاه‌است بالامی‌آورد و اگر استخوانی‌درآن دیده‌شود بیرون‌می‌اندازد پس ازآن طولی نمی‌کشد که باران بند می‌آید .[3]

باقی بناها و آثار تاریخی ناحیهٔ سمام و شاهجان

۱ــ برقله‌ای به نام «کارسنگ» نزدیك شاهجان برجی‌آجری بوده است .

۱ــ این سیستان ظاهراً سیستان لاهیجان است.

۲ــ بضم میم و راء و سین.

۳ــ از یادداشتهای آقای عبدالرحمن عمادی.

۲ـ سه غار که ظاهراً دستی کنده شده است درپائین گیلارکش، دست‌چپ کنار رودخانه است.

۳ـ پائین گیلارکش بالای آسیاب ، زیر غارهای سه‌گانـه ، تپه‌ایست که یك طرف آن روزی به کوه متصل بوده‌است .گوری بالای این تپه‌است .

٤ـ عزیز[1] لوك[2] یا غار زاکام ظاهراً دستی‌کنده شده است .

٥ـ سنگهای‌اطراف‌بقعهٔ فیروزکوه را اهالی اظهارمی‌کنند که‌از شیشارسان‌و تموش و شیردره آورده‌اند و جای سنگها تا امروز باقی است .

٦ـ دو غاربزرگ وکوچك یره‌شلمان.[3] جلوغار بزرگ‌را چندی پیش‌حفاری کرده‌اند. این دو غار ظاهراً دستی‌کنده شده‌اند .

۷ـ غار وربن[4]، دراین‌غار زره وشمشیر واستخوان‌آدمی به‌دست‌آمده‌است .

۸ـ کنگ‌آب ازناکاخانی یا گیلارکش. این کنگها درگیه‌کل[5] به‌چاهی‌وارد می‌شده‌اند .

۹ـ درگیه‌کل حصار وآثار آبادی قدیمی است .

۱۰ـ دعاکوه یانیازخانه برسرحد رودباراشکور، درپشت دهکدهٔ «اکوجان» از دهکده‌های رودبار ، از اشکور از کمنی به چادرهای انبوه ولات و ازآنجا به دعاکوه می‌روند . اطاقهائی‌بالای‌هم درسنگ‌کنده شده‌است . امروزهم‌مردم‌اطراف برای نذر و نیاز بدانجا می‌روند . نزدیك دهکدهٔ اکوجان دشت نسبةً وسیعی به‌نام «بزادشت» است که آثار آبادی بزرگی درآنجاست .

۱۱ـ ازمحلهای زیر آثار زیرخاکی فراوان به‌دست‌آورده‌اند :

شیرچاك ـ مربّو ـ دیارجان ـ بویه (= بوئی) ـ شاهجان .

۱۲ـآستانهٔ قدیمی پلاسن[6] میان راه‌گیلارکش و پلاسن .

۱ـ بکسرزاء دوم. ۲ـ لوك درلهجهٔ محل بمعنی غاروسوراخ‌است. ۳ـ بفتح یاء وشین. ۴ـ بفتح واو وسکون راء وضم‌باء. ۵ـ بکسر گاف وفتح یاء وضم‌کاف. ۶ـ بفتح پ وضم سین . گاهی «پلاسنگ» نیز گویند.

۱۳ـ در کوه نزدیك پیشکیل‌جان درمحلی معروف به «خانم‌تله» آثار بنائی دیده می‌شود.

۱۴ـ قلاکوتی درسیاموسی[۱] از دهکده‌های سمام که درفرهنگ جغرافیائی «موسی‌کلایه» ضبط‌کرده‌اند.

۱۵ـ بقعهٔ آقاسید علی‌کیا بن‌سید مظفر سیستانی در کیاسه که درسال ۱۳۴۳ آب رودخانه زیرآن راخالی کرد وبنای بقعه واراضی اطراف آن فروریخت و از میان رفت.

۱۶ـ درحوالی زنش آثار آبادی قدیمی است وآجرهای زیادی از آنجا درآورده‌اند.

۱۷ـ درزیر لوکراسنگ درصحرای‌تراش[۲] نیزآثاری‌قدیمی به‌دست‌می‌آید.

۱۸ـ بقعهٔ بی‌بی‌هیبت در وسمه‌جان سمام.[۳]

۱۹ـ بقعهٔ دعاکوه برسردعاکوه که جزء اراضی کمنی است.

۲۰ـ در گرزه[۴] نیز زیارتگاهی لت‌پوش است.

۲۱ـ آستانه‌ای قدیمی درمازی‌کوتی.

۲۲ـ در اسپه‌چال فیروزکوه نزدیك لوکراسنگ نشانه‌هائی از آبادی قدیمی است.

۲۳ـ آستانه‌ای قدیمی درسیاه‌کوه در راه شیرچاك.

۲۴ـ بقعهٔ لرده در دهکدهٔ لردهٔ سمام.

۲۵ـ آستانهٔ خورته درآغوزبن‌کندسر سمام.

۲۶ـ بنیکی نام محلی است درمشرق دهکدهٔ‌گورج که آستانه‌ای دارد.

۲۷ـ آستانهٔ سرده ازبلوك شاهجان.

۲۸ـ آثار زیرخاکی تپه‌ای به‌نام «آزن‌کوته»[۵] که به‌دست کسانی که‌صلاحیت

۱ـ موسی باصدای یاء تلفظ می‌شود. ۲ـ بضم تاء. ۳ـ گیلان دابینو، ص ۳۷۴. ۴ـ بکسر گاف. ۵ـ بضم زاء.

نداشته‌اند این تپه حفاری شده و آثاری از دوران مفرغ به‌دست آمده است . درهمین تپه ، نشانهای آبادانی قدیمی و بقایای قلعه‌ای دیده می‌شود . رویهمرفته بلوك کوچك شاهجان از نظر آثار زیرخاکی بسیار غنی است وشایستهٔ بررسی‌وکاوش علمی است .

۲۹ـ قلعهٔ نفت‌خانی ، پشت محل نفت‌خانی دهکدهٔ کجید .

۳۰ـ گورستان گبری قدیمی در اسل‌بره[1] دهکدهٔ کجید .

۳۱ـ آثار قلعه‌ای قدیمی درمحل الن‌کلنگا[2] روی‌تپهٔ پشت دهکده روبروی قلعهٔ نفت‌خانی در دهکدهٔ کجید .

۳۲ـ قلعسر، آثارقلعه‌ای قدیمی‌در فلجادشت درسمت جنوب دهکدهٔ‌کجید .

۳۳ـ قلعه‌ای قدیمی به‌نام«قلاکوتی» میان‌کجید وشولك و دیمانجان‌کش .

۳۴ـ بناهای ییلاقی اربابی دوران قاجاری در دهکدهٔ امام . رابینو ازبنای میرزا یحیی‌خان املشی در دهکدهٔ امام نام می‌برد .[3] پس‌از بازدید معلوم شدآثار تاریخی وهنری ندارد .

۳۵ـ گورستان قدیمی سرخه‌زمین امام .

۳۶ـ گورستان قدیمی لیالچال امام .

۳۷ـ بقعه وگورستان قدیمی سیاه‌کوه امام . در این گورستان حفاری شده و آثاری‌گرانبها به‌دست آمده است .

۳۸ـ رابینو از بقعهٔ شوئی زیر دست دهکدهٔ شوئی امام نام می‌برد .[4] این بقعه واین دهکده شناخته نشد .

۳۹ـ شاه‌نشین‌تله بالای دهکدهٔ تماجان ، آثارقلعه خرابه‌ایست حفاری‌شده‌و لوازم باارزشی به‌دست‌آمده است .

۱ـ بکسر الف و سین و باء. ۲ـ بفتح الف و نون و ضم کاف. ۳ـ گیلان رابینو ، ص ۳۷۲. ۴ـ گیلان رابینو، ص ۳۷۱.

بخش بیست و یکم

بناها و آثار تاریخی جیرولایت اشکور، سیارستاق و بالااشکور

راه سنگ فرش

طرف راست وچپ رودخانهٔ پلورود

قسمتی ازاین راه سنگ‌فرش درترش‌کوه رحیم‌آباد است که باقی ماندهٔ راه شاه‌عباسی است که از گرگان به‌آستارا کشیده شده است .

از این شاهراه ، راهی فرعی جدا می‌شود و از کنار پلورود ، از نقـاط زیر می‌گذرد :

بندبن ـ تول‌لات [1] ـ زیـارخانی‌لات ـ دیمابن ـ راه دست راست رودخـانهٔ تا نیلو(= نیالو) ادامه دارد .

دنبالهٔ راه اصلی‌ازروی پل دیمابن می‌گذرد وبه‌پلام ، دیورود ، سلم داربن‌و سی‌پرد می‌رسد . از سی‌پرد دو شعبـه می‌شود یکی بـه شوئیل ولسپو و دیگری به‌سیارستاق ولوسن وبالااشکور می‌رود .

دنبـالهٔ این راه از بالااشکور به رودبـار و تنکابن در صفحات بعد نـوشته شده است .

۱ـ بکسرلام اول .

قلعهٔ فریدون
در خنش گردن ۱ داران گویه

میان دهکده‌های راشه، تساسن[۲]، تلابنه[۳] وسیاچال بر پوزهٔ سوم کوههای سمت راست رودخانهٔ پلورود قلعه‌ای ازسنگ و گچ است که آثار زیادی از آن برجای است . این قلعه از سه طرف به پرتگاه منتهی می‌شود. از هرات‌بر و دیمابن ازدامنهٔ کوه ، مستقیم می‌توان به قلعه رسید. شکل ظاهری بنا نشان می‌دهد که همانند قلاع اسماعیلیان است . در جنوب این قلعه گورستانی بزرگ و قدیمی است . قلاکوتی دیگری به‌نام «راشك» در پشت قلعهٔ فریدون است .

قلعهٔ تول‌لات ۴
بر پوزهٔ کوهی میان دو رودخانه در اراضی تول‌لات

قلعهٔ تول‌لات قلعه‌ای سنگی عظیمی است که نزدیك اراضی تول‌لات ومسلط بر بستر اصلی پلورود است. مصالح اصلی این قلعه سنگ و گچ است. سنگها نتراشیده و لی نبشی است . بلندی باروی موجود، درحدود ۱۰ متر وقطر دیوارها بیش ازیك متر است (عکس شمارهٔ ۲۶۰). درازای بنای قلعه درحدود ۵۰ متر و پهنای آن درحدود ۴۰ متر است. آب انباری درجهت شمالی ازسنگ وساروج ساخته‌اند. نزدیك دیوار شرقی چاهی عمیق است. احتمال می‌رود که چاه آب یانقب فرارگاه قلعه باشد. وضع بنا و استحکام آن و نوع مصالحی که در آن به کار رفته است ، شباهت زیـاد به دژهای اسماعیلیان دارد و بعید نیست که یکی از قلاع ایشان در خاك اشکور باشد .

سد و نهری از سنگ و ساروج
برسمت راست پلورود در اراضی تول‌لات

مقابل قلعهٔ تول‌لات، برسمت راست رودخانهٔ پلورود، کنار راه مالرو، دیواری

۱ـ بفتح خاء وکسر نون و شین . ۲ـ بضم تاء و سین دوم. ۳ـ بفتح تاء و ضم باء. ۴ـ بکسر لام اول. تول در لغت گیلکی به‌معنی گل (بکسر گاف) و لات اراضی کنار رودخانه را گویند .

از سنگ و ساروج به بلندی یك متر و یك مترونیم دیده می‌شود. این دیوارکه ظاهراً از بالای آن نهری عبور می‌کرده، کمی کج شده و به میان رودخانه کشیده می‌شود. این آثار از سد و نهری قدیمی باقی مانده و سازندهٔ آن معلوم نیست.

خشت پـل دیماین و کاروانسرای آن
سرراه مالروی اشکور میان زیارخانی‌لات و جیرپلام

این پل که امروز فقط پایهٔ سنگـی سمت راست آن و پایـهٔ آجری سمت چپ آن باقی مانده است، در حدود شصت سال است‌که یکسره خراب شده است. ظاهراً این پل به امرسلطان میرزا علی‌کیا پسرسلطان محمدکیا درسال۸۹۳ ه.ق. ساخته شده است. سید ظهیرالدین شرح ساختن این پل را چنین نوشته‌است :

«چون به رودخانهٔ پلورود از ایام سابقه پلی از چوب بسته بودند و هرساله به تجدید آن می‌بایست شروع نمود وگاهی بودکه آب طغیان می‌کرد و آن پل را می‌برد و برهم‌می‌شکست و مترددان ازاین سبب در زحمت می‌بودند و آن پل را به اصطلاح قوم «کیاپرد» می‌خوانند. همت عالـی خسروانـه مقتضی آن شد که برآن مقـام پلـی از خشت و سنـگ و آهك بفـرمایند ساخت تـا خلایق از آن مشقت خلاص یـابند. فلهـذا استاد یعقوب بنّـای رویـانی را به سرکار فرستادند وکیا پاشا فلك‌الدین ناظررا مشرف‌آن مهم ساختند وبه‌سعی‌تمام‌آن‌مهم پسندیده به‌هم‌رسیده بود واستاد مذکورطاق‌بزرگی‌برآن رودخانه بسته. خواستند که آن عمارت را به‌نظرکیمیا خاصیت منظورسازند، ازتقدیرسبحانی باران‌عظیم که از جملهٔ رحمت رب‌العالمین است، آن شب ببارید و آب رودخانه بسیار شد، چنانکه عبور از قریهٔ سجیران نمودن و به سرراه آمدن متعذر می‌بود.

مردم صاحب وقوف دلیل شده، از راهی که ازآب نباید گذشت، به‌کنارآن طاق رایات نصرت‌آیات رسانیدند و تفرج آن پل‌کرده، به‌قریهٔ بالانگاه به خانهٔ پره‌نشین حسام‌الدین طالش فرود آمدند.»[1]

۱ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص۴۷۲ و ۴۷۳.

پایهٔ شرقی این پل به درازای ده متر که با سنگ رودخانه و گچ ساخته‌اند تاامروز باقی‌است(عکس‌شمارهٔ ۲۶۱). پایهٔ غربی به‌بلندی۳متر بر چکاد لب‌رودخانه هنوز دیده می‌شود . این پایه از آجروگچ بنا شده‌است . آجرها که باید درمحل پخته شده باشد به‌ابعاد ۵ × ۲۳ × ۲۳ سانتیمتر است (عکس‌شمارهٔ ۲۶۲).آجرهای طرف شرقی پل را پیش از شهریور ۱۳۲۰ به‌کلاچای برده ودر پشت بازار ازآنها ساختمانی ساخته‌اند .

رابینو این پل را پل‌سنگی سجیران خوانده و می‌نویسد :

«دهکدهٔ سجیران پل چوبین داشت وهرسال آن را آب می‌برد. میرزاعلی کیا استاد یعقوب رویانی را درسال۸۹۲ هجری مأمورساختن پلی‌ازسنگ کرد .»[1]

در نزدیك سجیران آثار پلی قدیمی هست ولی عظمت زیادی ندارد در صورتی‌که پل دیمابن پلی عظیم وتاریخی است (عکس‌شمارهٔ ۲۶۳).

درفاصلهٔ دویست متری پایهٔ شرقی بنائی سنگی‌است که راهگذریان آن را به‌نام حمام می‌شناسند. این بنا بی‌شك‌کاروانسرائی قدیمی وباراندازی موقتی‌است تا درآن مسافران دمی بیاسایند و چهار پایان جـوی بشکنند . نظیر این پل و کاروانسرای نزدیك به‌آن ، در بلاردکان املش نیزهست.

قطر دیوار سنگی این‌کاروانسرا ۵۵ سانتیمتر و ابعاد آجرهائی که در آن به‌کار رفته ۳ × ۲۱ × ۲۱ سانتیمتر است .

در سمت راست رودخانه نزدیك پل در زمینی که طول آن پانصدمتر است آجرپاره‌های فراوان وسفال شکسته‌های زیاد دیده می‌شود که نشان می‌دهدروزی دهکده‌ای در این اراضی بوده است. ابعادآجرهای‌آن ۵ر۴ × ۲۳ × ۲۳ سانتیمتر است .

درآبادی دیمابن کنونی پشت منزل اسکندر، تپه‌ایست که بالای‌آن‌آجر– پاره‌های فراوان و سفال شکستهٔ زیاد است.

۱– گیلان رابینو، ص۳۸۰.

تپهٔ سلم و سو
بالای دهکدهٔ سیاکشان اشکور

بر بالای این تپه آثار قلعه‌ای قدیمی وگورستانی بزرگ است .

حمام و خانه‌های قدیمی
در چاکان‌سر سیاکشان اشکور

در محلی به نام چاکان‌سر نزدیك دهکدهٔ سیاکشان آثار حمام و خانه‌های قدیمی است که نشان می‌دهد روزی دهکده‌ای در این محل بوده است .

قلاکوتی
در محل گالش‌نشین سجاره نزدیك پلام

در این دهکدهٔ تابستان نشین محلی به‌نام «قلاکوتی» است که آثار قلعه‌ای قدیمی است .

بابا ملهودی‌گور
پشت دهکدهٔ سیاکشان‌اشکور سر راه دهکدهٔ میلاش

این گورها که نظیر آن در نقاط دیگر اشکور نیز هست ، بیش از توده‌ای سنگ نیست. راهگذریان نیزسنگی بر آن پرتاب می‌کنند و به‌بلندی تودهٔ‌سنگ می‌افزایند. این کار جز سنگسار کردن گور بابا ملهود چیز دیگری نیست.کسانی که این عمل را انجام می دهند، نمی‌دانند بابا ملهود کیست و چیست .

در راه املش به قزوین ، نزدیك‌کاروانسرای بلاردکان و باز در همین راه ، میان شیرچاك و ناتش‌کوه ، دو گور از باباملهود است که به دست راهگذریان سنگسار می‌شود. نزدیك شوئیل در اشکور و حوالی کلیشم ازبلوك قاراب عمارلو نیز نظیر این گورها دیده می‌شود .

به‌نظرمی‌رسد که کلمهٔ «ملهود» همان «ملحد» باشد که بر رفیقان اسماعیلی اطلاق می کردند و این گورها مدفن پیروان ایشان است که به دست شیعیان

زیدی کشته شده‌اند. احتمال می‌توان داد که این گورها مدفن پیروان مزدك نیز، باشد چه اینان در صفحات رودبار که جزء خاك دیلمان قدیم است، از قدیمترین ایام بوده‌اند و رشیدالدین فضل‌الله[۱] وحمدالله مستوفی[۲] نیز ازایشان یادکرده‌اند.[۳]

بقعهٔ آقاسیدحسین بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام دردهکدهٔ سجیران اشکور

بنای اصلی بقعه اطاقی ساده و زگالی است. طرف شرق آن دوخواهر همین امامزاده، به‌نامهای بی‌بی‌هیبت‌وبی‌بی‌سکینه به‌خاك سپرده شده‌اند. سه‌طرف‌شرقی‌و جنوبی وغربی ایوان دارد. ایوانها دارای ستونهای چهارسو وسرستونهای پرکار است. بریکی ازسرستونهای غربی این‌عبارات خوانده می‌شود:

«این‌آستانه فی‌ید استادحسین تمام شد سنه ۱۲۸۶.»

جلوایوانها تکائل چوبین دارد. لبهٔ‌بام سه‌پشته وسراسر بام، لت‌پوش است. درمحوطهٔ بازاطراف بقعه درختان لی وآزاد زیاد بود.

دزماشین (= قلعهٔ‌لیما)

علی‌بن شمس‌الدین لاهیجی دربارهٔ این‌قلعه چنین نوشته‌است:

«مردم کهن‌سال به‌سیدرضی‌کیا گفتندکه درپشت لیوما محل محکمی‌است‌که سابقاً هم‌قلعه بود و «دزماشین» نام داشت. اگر مجدداً به عمارت قلعه اشارت شود، امیدکه چون‌بنای‌دولت استوار وپایدارگردد. این‌اندیشه مقبول طبع‌همایون‌افتاد، به‌یرق مایحتاج قلعه اشارت علیه شرف صدوریافت.»[۴] صدور این‌فرمان درسال۹۱۶ ه.ق. بود.

رابینو محل دهکدهٔ لیمارا دردامن کوه شرقی پلورود ومقابل دهکدهٔ تویلا تعیین‌می‌کندومتن‌گذشته‌رابه‌سیدظهیرالدین وتعمیرقلعه‌را به‌سلطان‌احمدخان‌والی

۱ــ جامع‌التواریخ، قسمت‌اسماعیلیان، ص۱۵۱و۱۵۳. ۲ــ نزهةالقلوب، ص۶۱.

۳ــ از یادداشتهای آقای‌عبدالرحمن‌عمادی. ۴ــ تاریخ‌خانی، چاپ‌دارن، ص۳۷۰و۳۷۱.

به‌پیش نسبت داده‌است[1] که به‌نظر اینجانب صحیح به‌نظر نمی‌رسد. این قلعهٔ قدیمی که قبل‌ازسال ۹۱۶ نیزآبادان بود، ظاهراً ازقلعه‌های قدیمی جیرولایت اشکوراست. محل آن بر پوزهٔ‌کوهی میان کشکی‌دره[2] ودرهٔ کاکرود است (عکس‌شمارهٔ ۲۶۴). طول بنای‌قلعه درحدود ۲۵۰متر وپهنای‌آن درمحلهای‌مختلف کم‌وزیادمی‌شود. پهن‌ترین قسمت پهنای آن درحدود ۴۰ متر و باریکترین قسمت‌آن درحدود ۱۰ متراست. مصالح بنـا سنگ کوه واز ملاط جز دربنای آب‌انبارها نشانی‌نیافتم. ظاهراً ملاط بنای‌قلعه گل بوده‌است. درسه‌آب‌انبارموجودکه درازا وپهنای‌تقریبی هریك ۵ متر بود ازسنگ کوه وملاط ساروج استفاده شده بود (عکسهای شمارهٔ ۲۶۵ و ۲۶۶). در بـالای آخرین نقطهٔ این کوه که مسلط بر درهٔ پلورود بود، سنگی صاف که ظاهراً اطراف آن را تراشهـائی داده بودند، دیـده می‌شد که گویا بـالای آن دیدبانی می‌کرده‌اند. جاده‌ای نسبةً دستکاری شده‌طرف‌بازوی‌راست‌کوه‌که درامتداد کاکرود است، به قلعه وارد می‌شود و آثاری از سردر و برج در این قسمت دیده می‌شود. سراسر بام اطاقهای قلعه‌بی‌شك سفال‌سر بوده است چه‌سفال شکستهٔ‌فراوانی که پاره‌های سفالهای بام‌است، در‌سراسر اراضی قلعه دیده می‌شود. سفال لعاب‌دار مطلقاً دیده نشد وکوزه شکسته‌های معمولی بی‌لعاب زیادبود. گنج‌گیران قلعه را زیروبالا کرده بودند.

دوکنگ آب ازدو چشمه، یکی از رودخانهٔ کشکی‌دره وپس‌دره ودیگری ازکوه الیه[3] آب به‌قلعه می‌آورده‌اند. درازای کنگهـا ۱۵ وقطر دایرهٔ آنهـا ۵ سانتیمتر بود.

قلعهٔ تویلا

این قلعه که درمحل «قلعه» خوانده می‌شود، زیردست‌آبادی کوچکی به‌نام «رجه‌سر» بربالای پرتگاهی سنگی که مسلط بر تویلا است ساخته شده است. آثار

۱ــ گیلان رابینو، ص ۳۷۸. ۲ــ بفتح کاف و سکون شین. ۳ــ بفتح الف وسکون لام وکسر یاء.

باقی‌مانده نشان می‌دهدکه مصالح آن سنگ وگچ بوده‌است .

تویلا دهکده‌ای آباد بوده‌است ودو سپه‌سالار یکی به‌نام کیاناصر کیای تویلا ـ سپه‌سالار رانکوه ـ[1] ودیگری کیاجهان شاه‌دیلمی‌تویلائی ـ سپه‌سالار لمسر ـ[2] که اولی درسال ۸٤۰ و دومی درسال ۸۷۲ ه.ق. نامشان ذکر شده است منسوب بدین دهکده‌اند. حسن صباح ازراه پادز وتویله به‌اندجرود والموت رفت.

امام‌زاده‌حنیفه یا بقولی پیر بهادر در دهکدهٔ برم کوه[3] اشکور

شامل بنائی باسنگ‌وگچ وپایه‌ای‌بلند قدیمی ازهمین مصالح است . دوگنبد مدورکه‌یکی‌سقف اصلی‌ودیگری پوشش آنست وبام‌بقعه راتشکیل می‌دهد ازآجرو گچ برپایه‌ای استوار بناشده است . صندوقی تخته‌ای ساده در وسط بنای اصلی است وپوششی‌سبزدارد. ایوان جلودر ورودی بقعه نیزطاقی آجری دارد. در ورودی دارای خفنگی‌هلالی شکل‌است . بلندی این در ازوسط هلال خفنگ ۱۷٤ وپهنای آن بادوبازوی چهارچوب دوطرف ۸۸سانتیمتر‌است. این‌درساده وبدون کنده‌کاری است، ولی‌از تکه‌های‌تخته که نگار اصلی‌آن

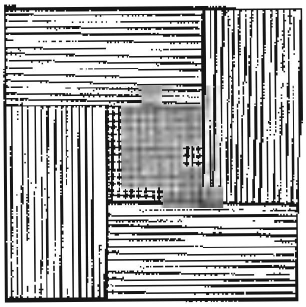

بدین‌شکل‌است‌به‌یکدیگر کم‌وز بانه‌کرده‌اندو در این‌کار زحمتی‌کشیده‌اند. دوقسمت کوچك چوبین‌کنده‌کاری ظریف درلنگهٔ سمت‌راست، داخل این نگارها کار گذاشته‌اند که نشان می‌دهد روزی صندوق یادر ورودی بقعه ، کنده‌کاری ظریفی داشته و پس از فرسوده شدن آنهاقسمتهای باقی‌مانده‌را دراینجا به‌کار برده‌اند .

جلو ایوان آجری بقعه، ایوان کوچك چوبی است‌که دارای دوستون لاچ‌لنگری باطرح هشت ضلعی‌است. این‌ستونها بسیارقدیمی به‌نظر می‌رسند .

۱ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۲۲۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹. ۲ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۲۳۰. ۳ـ بفتح باء و راء وکسرمیم.

زیر بنای بقعه چشمهٔ آبی‌گواراست که‌سابقاً درآبشخورسنگی تراشیده‌ای به درازای ۱۲۰ سانتیمتر وپهنای ۵۰ سانتیمتر جریان داشته است . فعلاً مجرای آب از این سنگ منحرف شده ودرسنگ آبشخوردیگری به درازای ۷۵ سانتیمترو پهنای ۵۰ سانتیمترجاری است .

پشت امامزاده، اراضی «آبخوران‌چال» است که در آن قبور قدیمی دیـده می‌شود. این‌قبرهارا حفاری‌کرده بودند واز آنها مجسمه‌های کلهٔ گاو سفالین،پیکان، کمج پراز زغال چوب، سرگوسفند وسر اسب پیدا کرده‌اند.

درقبرستان جدید یکی دو سنگ مورخ به‌سال ۱۲۶۲ با نشانه‌های : مهر ، تسبیح ، بینیکی ، کشکول و دلوازه دیده شد .

مسجدی قدیمی متصل به‌این بقعه‌است .

قلاکوتی
در برم‌کوه اشکور سفلی

بربالای کوهی که پشت دهکدهٔ کیاسه وپائین آبادی اکبرآباد ونزدیك به برم‌کوه است ، آثاری ازقلعه‌ای قدیمی دیده می‌شود . آجرهای قدیمی این قلعه است‌که‌برای ساختن دیوار وطاق امامزاده حنیفه به‌کاررفته است. ازدیوارهای‌قلعه چیزی برجای نبود تابتوان نقشه‌ای برای‌آن تهیه‌کرد .

ایردیج

زیردست آبادی « گیه‌کلام »[1] دشت وسیع شیب‌داری است . آثار دهکده‌ای قدیمی دراینجاست .آبادی «ایرمحله» درپوزهٔ کوهی است‌که‌این دشت دردامنهٔ‌آن است . شاید کلمهٔ «دیج» شکل دیگری‌ازکلمات «دیز»و«دز» و«دژ»باشد و ایردیج به‌معنی دژ واستحکامات دهکدهٔ «ایر» باشد . بعید نیست که آبادی ایرمحلهٔ فعلی روزی به‌نام ایردیج درهمین دشت بوده است .

۱ـ بضم کاف .

ملاخروشه[1]

برسر کوهی نوك‌تیز برمرز شوئیل وتلابنك[2] و سوته‌کش ، بقعه‌ای‌کوچك‌با صندوقی تخته‌ایست . دردوطرف شرق وشمال این بقعه ، ایوان کم عرض کوچکی است . ستونهای ایوان ، پاره‌ای پخ‌زده وپاره‌ای چهارسوست .پرهٔ ایوانها یك‌پشته است . سقف واشان باپل‌کوبی‌ساده وسراسربام لت‌پوش است. اطراف بقعه‌قبرستان است ودر محوطهٔ قبرستان ، درختان بلوط کهن وامرود و دو درخت ون (زبان ـ گنجشك) کهن سال است . بریکی‌ازاین درختان ون ، شاخهای بز کوهی هشت‌ـ ساله نصب‌کرده‌اند .

درقبرستان این‌بقعه سنگهای مرمرزیادی است‌که‌نوشته‌های پاره‌ای ازآنها بدین شرح است :

«وفات مرحومه ماه‌شرف بنت مرحوم‌آقاکاظم ۱۲۲۶. نشانه‌ها : مهر ، تسبیح ، انگشتر، گردن‌بند ، بینیکی، آفتابه و دلوازه .»

«وفات مرحومه حاجی خانم بنت مرحوم علی ۱۲۴۶. نشانه‌ها : مهر ، تسبیح ، بینیکی ، آفتابه ودلوازه .»

«وفات مرحومه زری جان خانم بنت مرحوم یعقوب علی ۱۲۲۹.

ای‌که برمابگذری دامن‌کشان   از سراخلاص الحمدی بخوان

نشانه‌ها : قیچی ، مهر، تسبیح ، انگشتر، سینه‌ریز، بینیکی، دلوازه و شکلی نظیر چراغ یا لاله .»

سوری (= سوره)
درپشت دهکدهٔ مروسن

برقلهٔ دیگری ازرشته کوهی که «ملاخروشه» بریکی از قلل آن بنا شده است ، محل متبرك دیگری به‌نام «سوری» یا «سوره» است . بنای بقعه کم و بیش

۱ـ بضم‌خاء.   ۲ـ بفتح تاء وضم باء وفتح نون.

نظیر بقعهٔ ملاخروشه است و تقریباً درجنوب آن قرار می‌گیرد. در این بقعه آثار تاریخی دیده نشد.

اسه‌تاشان ۱
برمرز دهکدهٔ بنان ۲ و دهکدهٔ راه‌سران

بریکی ازقلل رشته کوه سمت چپ رودخانه که تقریباً درشرق کوهی است که بقعهٔ ملاخروشه بر آن بنا شده‌است، محل متبرك دیگری به‌نام «اسّه‌تاشان» است. این‌بقعه نیز نظیر ملاخروشه وسوری است و آثار تاریخی و هنری در آن دیده نشد. این‌سه‌بقعه درسه‌رأس یك مثلث متساوی‌الساقین قرارمی‌گیرند. شاید این بقعه‌ها که امروز رنگ اسلامی به‌خود گرفته‌اند، برای مردمی که قبل از اسلام دراین کوهستان زندگی می‌کرده‌اند، پرستشگاه یامحل متبرکی بوده‌است. گذشتهٔ مردم این‌سرزمین وسیع کوهستانی وآداب وسنن ودین وآیین ایشان زیاد برما روشن نیست. هیچ نمی‌دانیم‌که دین زرتشت‌بدین دهکده‌های دورافتاده رسیده است‌یانه؟ تمدن اینان غیراز تمدنی است‌که دردشتهای هموار ساحلی ونقاط دست خورده می‌بینیم. از مجسمه‌هائی که از گورها به‌دست می آید، علاقهٔ مردم این نقاط به گوزن و کل و گاوهای کوهان‌دار آشکار است. شاید کوههای عظیم و سر-کشیده نیزنظر ساکنان کوهستان را به‌خودکشیده وسبب شده است که این کوهها همچون بتی مورد ستایش وپرستش ایشان قرار گیرد. مطالعه وبررسیهای دقیق و حفاریهای علمی‌منظم ممکن است‌این پردهٔ ابهام‌را ازروی این دهکده‌های‌کوهستانی فروکشد.

مسجد رودبارك
دردهکدهٔ رودبارك کنار کاکرود

رودبارك ازدهکده‌های‌قدیمی‌اشکوراست‌که نامش درتاریخ‌گیلان ودیلمستان نیز آمده است. سید ظهیرالدین دربارهٔ مسجد این دهکده می‌نویسد:

۱- بفتح الف وتشدید سین. ۲- بضم باء.

« کارکیاسلطان محمد (۸۸۳ - ۸۵۱) از لوسن عازم رانکوه شدند. شب به قریهٔ کیارمش اقامت فرمودند. روز یکشنبه به‌مسجد رودبارك که از مستحدثات امام همام ناصرالحق علیه‌السلام است، نماز گزارده و وظایف دعوات وصلوات به‌تقدیم رسانیده، شب‌دوشنبه به‌ناحیهٔ سجیران به‌خانهٔ زین‌الدیالم والاحرار پاشا فلك‌الدین ناظر تشریف فرمودند.»[۱]

رابینو نیز به‌نوشتهٔ سیدظهیرالدین استنادکرده ومی‌نویسد «مسجد رودبارك نخست به‌امر ناصرکبیر بناشد.»[۲]

بنائی امروز به‌نام مسجد در رودبارك نیست. به‌نظر اینجانب آستانهٔ هفت‌امام بایستی همان‌مسجد رودبارك باشدکه به‌امر امام‌ناصرالحق ساخته‌شده‌است. این‌مسجدکه به‌دست یکی‌از امامان زیدی ساخته شده واهمیت‌بسزائی داشته، بعدها به‌نام‌آستانهٔ هفت امام معروف‌گشته تااهمیت بیشتری پیدا کند. بااینکه‌هفت امام دراین بقعه به خاك سپرده شده‌اند، هیچکس نبود که نام یکی از آنهارا به‌خاطر داشته‌باشد. گذشته ازاین درهیچیك ازبقعه‌هاوآستانه‌ها اثری ازمحراب نیست واینجا محراب گلی‌بزرگی‌دارد. اینك شرحی ازاین آستانه:

آستانهٔ هفت امام
دررودبارك اشکور

بنای اصلی‌آستانه، اطاقی است بزرگ باسقفی بلندکه ازچهار طرف برشیر-سرقرار گرفته‌است. وسط بنا ستونی چهارسوی قدیمی با سرستونی بزرگ است. بربالای این ستون سرکشی قطور در سراسر طول بنا کشیده و واشانهای دوقسمت سقف را براین سرکش وشیرسرهای دوطرف قرار داده‌اند. این‌بنا محرابی‌ساده‌و گلی دارد. تعداد زیادی شاخهای گنج‌گاو(=گوزن) وبز کوهی دراین بناست. دو درشمالی وشرقی بقعه تخته‌ای وساده است. امادر غربی کنده‌کاریهای بسیار ظریف دارد(عکس‌شمارهٔ ۲٦۷). این درکه‌نوعی‌قاب وگره‌است، اجزای نگارهای‌آن باکم‌و

۱- تاریخ گیلان ودیلمستان ص ۴۷۲. ۲- گیلان رابینو، ص ۳۸۲.

زبانه به‌یکدیگر جفت‌گیری شده است (عکس شمارهٔ ۲۶۸) . چهارطرف آستانه ، ایوانهای‌کتابی دارد. واشانهای‌ایوان ، برشیرسردیوار آستانه وسرنال‌ستونها متکی است. لبهٔ ایوانها تکائل تخته‌ای دارد . لبهٔ بام یك‌پشته وسراسربام سفال‌سر است .

مراسم علم‌بندی این آستانه هفتم محرم و مراسم علم‌واچینی عصرعاشورا برپا می‌شود . این عبارات برعلم قدیمی بقعه خوانده شد :

«وقف‌نمود این‌علم امام حسین را آقا میرکربلائی محمد پسرسید علی برای‌آستانهٔ رودبارك .»

بردوسنگ قبری که دربقعه بود ، این‌عبارات حك شده‌است :

«وفات مرحوم مبرور آقا امین ولدمرحوم‌آقامیرسوار۱۱۹۹. نشانه‌ها : مهر، تسبیح ، شانه ، دوتپانچه ، یك خنجر وشمشیری‌که نزدیك‌به‌دستهٔ آن قسمت پهنی‌داشته‌است .»

«وفات مرحوم‌آقامیرزا ولد مرحوم‌میرزاعلی‌اشکوری۱۲۵۵. نشانه‌ها: مهر، تسبیح وشانه.»

این سنگ درقبرستان بیرون آستانه دیده شد :

«وفات‌مرحوم‌امیر ولد مرحوم قربانعلی اشکوری ۱۲۵۵ . نشانه‌ها : مهر، تسبیح ، شانه وسرو .

بقعه‌ای بی‌نام و نشان
در رودبارك اشكور

بنای اصلی شامل اطاقی سکتی است وصندوقی تخته‌ای ساده میان‌آن است . در ورودی اصلی جنوبی است ودر دوسمت جنوب وغرب ، ایوانی به‌پهنای ۱۶۰ سانتیمتردارد . ستونهای ایوانها چهارسوی پخ‌زده است . سقف‌آستانه وایوانها واشان‌کشی وپل‌کوبی با درزپوش‌زده است . لبهٔ بام دوپشته وسراسر بام سفال‌سر است .

کشان
میان دهکدهٔ شوئیل و کلکاموس

رابینو دربارهٔ این محل می‌نویسد: «نزدیك دهکدهٔ شوئیل برسرراه شوئیل به‌لسپو، محلی به‌نام «کشان» یاکلکاموس (= قلعهٔ کاموس) معروف است. اینجا محل شهری قدیمی است.»[1]

«پیترویلی» نویسندهٔ کتاب «دژهای اسماعیلیان» این محل رابازدیدکرده و دربارهٔ آن چنین نوشته‌است:

«هدف کاوش ما دراینجا این بودکه دوشهر گمشدهٔ «کشان» و «کلکاموس» را پیدا کنیم. چون نام کشان برای مردم محل آشنابود، توانستیم محل آن را که در یك میلی شرق شوئیل وروبروی رودخانهٔ پلوورود[2] است پیداکنیم. محل کشان جائی است بسیار زیبابرلبهٔ پرتگاهی بزرگ. درست درپشت اینجایك رشته‌تپه ازسنگ خارا جاداردکه به‌نام «شهر درویشان» خوانده می‌شد. ازاینجا راهی است که بر قله‌ای می‌رسد. دربالای این قله می‌شدنشانه‌ها وبازمانده‌های ساختمانهای این شهر قدیمی‌را به‌چشم دید. تاریخ آبادانی این‌شهررا نمی‌توان به‌درستی تعیین‌کرد ولی می‌توان گفت درحدود هزارسال پیش ازمیلاد مسیح بوده‌است.

شهر کشان‌مانند دیگرشهرهای‌قدیمی اشکور دردامنه‌ای‌که به‌پای‌پرتگاهی می‌رسد ساخته شده‌است. درمرکز آن نشانه‌هائی است که می‌توان گفت ساختمان معبدی قدیمی بوده است. پاره‌ای از سنگ‌فرشها و موزائیکهای آن را هنوز هم می‌توان‌دید. درانتهای اراضی‌شمالی‌این ساختمان، نشانهٔ ستونهائی‌برچشم می‌خورد که بی‌شباهت به‌یك پرستشگاه یونانی نیست. دراطراف این‌پرستشگاه، نشانه‌هائی بود که نشان می‌داد روزگاری خانه‌های بسیاری درآنجا بوده است. بااینکه مدت کمی درآنجا بودیم، نقشهٔ این حوالی ویك طرح تقریبی ازساختمانهای آن‌شهر قدیمی را تهیه کردیم.

۱ـ گیلان رابینو، ص ۳۷۶.

۲ـ کاکرود است نه پلورود.

دهکدهٔ امروزی کلکاموس از دهکدهٔ کشان کوچکتر است و چند خانواده بیشتر ندارد . شهر کهن کلکاموس نیز می باید کوچکتر از شهر کشان بوده باشد . در کاوش خود سنگی به‌بلندی ۵ فوت که بالای آن به‌پهنای ۳ فوت در ۱۸ اینچ بود یافتیم . می‌توان گفت که این سنگ محراب یکی از آتشکده‌های زرتشتی بوده‌است .

در نزدیکی دهکدهٔ کلکاموس ، بیشتر گورها را کندوکاو کرده بودند . باکندن دوسه گور، همان چیزهائی را یافتیم که در گورستانهای «زیباز» و «دیورود» دیده بودیم. هنگام کندن زمین اطراف سنگ محراب ، بر کوزهٔ سفالین سرخ رنگ و درخشانی برخوردیم که همانند کوزه‌هائی بود که ازدژهای اسماعیلیان به‌دست آمده بود . از اینرو شاید بتوان پنداشت که اینجا نیز مدتی جایگاه اسماعیلیان بوده‌است .

اهالی می‌گفتند در روزگاران گذشته در شهر کلکاموس دوپادشاه به‌نام «کیکاوس» و «شریوش» بودند که باهم جنگ کردند و سرانجام کیکاوس پیروز شد و نام خودرا بر این اراضی گذاشت که امروز به‌نام تحریف شدهٔ «کلکاموس» یاد می‌شود و می‌گفتند که این جنگ در پنج هزارسال پیش روی داده‌است .

آخرین جائی که کندیم تنبوشه‌های بزرگ سفالین به‌دست آوردیم. این راه آب یکی به‌سوی «کلکاموس» و دیگری به‌سوی «کشان» امتداد داشت . باتمام این تحقیقات عجیب به‌نظر می‌رسد که دوشهر قدیمی کلکاموس و کشان همزمان بوده باشند .»

اکنون ببینم ازروی این بازماندهٔ خرده ریزهای آبادی کهن که دلایل عینی بسیار باارزشی هستند می‌توان به‌کشفی رسید و داستان سرزمین «کشان» و «کلکاموس» را ازقلمرو افسانه وقصه به‌پهنهٔ تاریخ کشاند و نزدیك ساخت. اگر داستان شهر کشان روشن شود ، شاید برای نزدیك ساختن ماجراهای داستانی ایران ، (مانند : دوران کیانیان و پیشدادیان) به تاریخ سودمند باشد . نام «کلکاموس» برخلاف آنچه می‌گویند ، محرّف نام «کیکاوس» نیست ، بلکه اسمی بامسماست. زیرا این نام عبارت ازدوجزء «کله+کاموس» است . کله در لغت گیلکی و دیلمی یعنی اجاق و آتشدان ، یاجایگاه زندگی و اجاق خانواده .

کاموس مبارزی است کشانی واو پادشاه «سنجاب» بود وولایتش تاملك روم کشیده می‌شد. به‌مدد افراسیاب آمد. رستم اورا به‌خم‌کمندگرفت و کشت.[۱]

صاحب مجمل‌التواریخ می نویسدکه «کیخسرو رستم را بفرستاد تابزرگان ترکان رابکشت واین رزم را رزم «کاموس» خوانند.[۲]

چون این نوع‌مطالب راکه درکتب پس ازشاهنامه است، ازشاهنامه‌گرفته‌اند ببینیم درشاهنامه چه‌آمده‌است. فردوسی در پادشاهی‌کیخسرو کیانی آورده‌است:

«کنون رزم کاموس پیش آورم　　ز دفتر بگفتار خویش آورم
سر سرفرازان و کاموس نام　　برآرد زگودرز و از طوس‌کام
ز مرز سپیجاب تا مرز روم　　سپاهی‌که بود اندر آباد بوم
کشانی چو کاموس شمشیرزن　　که چشمش ندیدست‌هرگزشکن»

در قسمت رزم کردن‌کاموس باگیو وطوس، ابیات زیر است:

«دوگردگرانمایه و یك سوار　　کشانی نشد سیر از این کارزار
کشانی و شکنی و زهری سپاه　　دگرگونه جوشن دگوگون کلاه»

اشکبوس هم‌که در همان جنگ شرکت داشت، کشانی بود.

«دلیری‌که بد نام او اشکبوس　　همی برخروشید برسان کوس
بزد گرز بر ترك رهام گرد　　کله خود اوگشت زان زخم خرد
چو رهام‌گشت از کشانی ستوه　　بپیچید از او روی وشدسوی‌کوه
کشانی بخندید و خیره بماند　　عنان‌راگران‌کرد واورابخواند»

درقسمت‌کشتن رستم اشکبوس را باتیر ابیات زیراست:

«کشانی‌هم اندرزمان جان بداد　　توگفتی‌که او خود ز مادر نزاد
شمیران شگنی و شنگل ز هند　　ز سقلاب چون کندرو شاه سند»

کشته شدن‌کاموس به‌دست رستم:

«بپایان شد این رزم‌کاموس گرد　　همی شدکه جان‌آورد جان‌سپرد

۱ـ برهان قاطع، ذیل‌کاموس.　　۲ـ مجمل‌التواریخ، ص ۴۸.

کشانی وشگنی و گردان بلخ زکاموس‌شان تیره شد روز و تلخ»

در ابیات بالا نام «کاموس» روشن است و کشانی هم نسبت به‌شهر کشان سرزمین اوست.

با ذکر این ابیات شاید بتوان گفت که در روزگای بس‌دور، دامنه‌های شمالی البرزکوه در خاك امروزی اشکور و نواحی نزدیك به‌آن، شاهی به‌نام کاموس در پایتختی به‌نام «کشان» حکمروا بوده است.[1]

قصر لیلی بن نعمان
در لشکام جان[2] اشکور

لیلی بن‌نعمان که از دست ناصر کبیرحاکم گیلان بود در اشکام‌جان قصری برای خود بساخت.[3]

شاهزاده قاسم و شاهزاده ابراهیم
پسران امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ لسپوی اشکور

امروز وگذشتهٔ دهکدهٔ لسپو:

دهکدهٔ لسپو در پای شیرکوه است. کوه‌جورابتو در مشرق، زرینه کوه در مغرب، وکل‌مازی[4] در دشت جنوب این محل است که راه قزوین از گردنهٔ گون‌کل[5] از اینجا می‌گذرد. در پائین دست امامزادهٔ لسپو محلی است که به‌نام «کشك‌دشت» معروف است. اینجا جای شهر قدیم‌کشك[6] است. هنوز یکی‌از دروازه‌های‌قزوین به نام دروازهٔ راه کوشك خوانده می‌شود. ساکنان کشك دشمنان دیلمیان بودند زیرا ایشان را به‌جشنی دعوت کردند و سپس دهکدهٔ ایشان را به تاراج دادند و خراب‌کردند. زنی در مقابل ایشان ایستادگی کرد و جنگی موحش برپای شد.

۱ـ ازیادداشتهای آقای عبدالرحمن‌عمادی. ۲ـ بفتح‌لام. ۳ـ گیلان رابینو، ص۳۸۲. ۴ـ بفتح‌کاف وکسرلام. ۵ـ بفتح گاف و واو وکسر نون و ضم‌کاف و سکون لام. ۶ـ بضم‌کاف اول وسکون سین وکاف دوم.

کشتگان کشاك ، پائین محلی که به نام قبرغلام است بـه خاك سپرده شدند. این محل در شمال جاده است و دیلمیان در جنوب جاده مدفون گشتند.[۱]

در فرهنگ جغرافیائی ایران مطالب زیر درباره لسپو آمده است :

« لسبوده از دهستان اشکور پائین شهرستان رودسر ، ٦٣ کیلومتری جنوب رودسر ، سر راه عمومی مالرو اشکور به قزوین ، بقعه‌ای به نام امامزاده قاسم و ابراهیم دارد که بنای آن قدیمی است .

مرقد و مزارشاهزاده قاسم و شاهزاده ابراهیم

بنای اصلی شامل اطاقی است که با سنگ و گل ساخته‌اند. صندوقی سادهٔ تخته‌ای با روکشی سبز درمیان آن است. بنای بقعه و مسجد متصل به آن ، کرسی بلند و کرسی آن از سنگ و گل و سقف هردو لمبه‌کوبی است .

طرف شرق و غرب این بنا، ایوانی به پهنای دو متر است و سراسر لبهٔ آن لتازهٔ تخته‌ای دارد. طرف قبلی که پیشانی بقعه ومسجد است، شانزده ستون چهار ـ سوی قدیمی دارد که پاره‌ای از آنها سرستون دارند، سقف ایوانها ، واشان‌کشی و ازبالا پل‌کوبی با درزپوش زده است . بام سراسر بنا، سفال‌سر است .

محوطهٔ وسیع اطراف بقعه قبرستان عمومی است . این قبرستان محصور ، دو سردر ورودی آجری شرقی وجنوبی دارد . بالای هریك از این دو سردر، دو اطاق‌برای استراحت زائران بنا شده است . در محوطهٔ قبرستان درختان‌تبریزی و بید و ون (= زبان‌گنجشك) کهن است . بریکی از درختان ون ، شاخ بزکوهی و کنج‌کاو (=گوزن =گاوکوهی) دیده شد. نوشته‌های چندسنگ در این‌قبرستان بدین شرح است :

«وفات مرحوم آق غلام ولد مرحوم شمس‌علی۱۲۲۹. نشانه‌ها : مهر ، تسبیح وشانه .»

۱ـ گیلان‌درا بینو ، ص۳۲۷.

وفات مرحوم آدینه ولد محمدعلی‌خان ۱۲۶۲. نشانه‌ها: مهر، تسبیح و شانه.»

«وفات مرحوم محمد حسن ولد مرحوم آق‌علی ۱۲۶۹. نشانه‌ها: مهر، تسبیح و شانه.»

در بقعه سنگ قبری از مرمر بود که متولی نشان داد. آنچه بر آن نوشته شده بود اینست:

«هوالغفور

وفات خوارشاه[1] ولد محمدخان لسبوئی سنه ۱۰۷٤ . نشانه : انگشتر.»

مراسم علم‌بندی این بقعه روز هفتم محرم است . روز سیزدهم محرم که سوم امام است، مراسمی دارند ولی علم واچینی نمی‌کنند . علم‌واچینی ایشان ایام تابستان یا هنگام چیدن محصول است .

در اطراف لسپو قبرستانهای زیادی است . در این قبرستانها ، مردگان ، روی دندهٔ چپ ورو به‌شمال به‌خاك سپرده شده‌اند. دراین گورها : پیکان ، سرنیزه‌و گاهی خنجر و زانوبند یافت شده است .

لسپو قلاکوتی (= قلعهٔ لسبو)
در لسپوی اشکور

در قلهٔ کوهی که در دامنهٔ شرقی آن راه شوئیل می‌گذرد خرابه‌های قلعهٔ لسپو است . دیوارهای قلعه از آجر است ودو حوض سنگی دارد . لوله‌کشی آب این قلعه یکی ازعجایب بنای این صفحات است. آب این قلعه ازگردنهٔ‌گون‌کل در محلی به‌نام «تری‌دشت» که آبی بسیار گوارا دارد ، لوله‌های سفالین (=گنگ)در زیرخاك کرده و آب تری‌دشت رانخست به کشك‌دشت و سپس به بالای قلعهٔ لسپوو از قلعه به همین ترتیب آب را به ملاهورشه[2] یا ملاخروشه وازآنجا به‌سوری که

۱ــ این نام یادآور نام رکن‌الدین خورشاه (۶۵۳-۶۱۸) آخرین جانشین حسن صباح است. ۲ــ بضم حاء وکسر راء.

قلعه و آستانه‌ای داد و از آنجا به تاجگه و از تاجگه به شهرکش قدیم رسانده‌اند.[۱]

چند سال قبل قلعهٔ لسپو را خراب کردند و آجرهای آن را برای ساختمان حمام شوئیل آوردند. این خرابی به قلعه لطمهٔ زیاد زد. امروز از دیوارهای آن بیش از نیم‌متر باقی نیست.

آستانهٔ سام ولام
برقلهٔ سواته‌کوه

آستانهٔ سواته کوه همچون ملاخروشه و سوری واسهٔ‌تاشان و گرده‌کول و فیروزکوه، برقلهٔ کوه بنا شده است. بنای اصلی بقعه از سنگ وچوب و در ورودی آن چوبین و ساده است. از در اصلی وارد کفش‌کن می‌شود. واز کفش‌کن به حرم بقعه می‌رود. حرم شامل دوقسمت اصلی‌است. قسمت اول دارای شش‌ستون چوبین چهارسو باسرستونهای ظریف است. واشانهای بنا برسرکشی‌است‌که براین ستونها متکی است. متصل به صندوق ساده و چوبین بقعه ستونی عظیم چهارسوی پخ‌زده با سرستون است. سقف بقعه پل‌کوبی با درزپوش وسقف کفش‌کن فقط پل‌کوبی است. یکی دو بنای سنگی محقر برای متولی و زوّار درجنب امامزاده است. بام بقعه تاچندی پیش لت‌پوش بود واخیراً حلب‌پوش کرده‌اند(عکس شمارهٔ ۲۶۹).

کهنه‌کاروانسرای سر(= کاروانسرای گل‌مازی) [۲]
سرراه لسپو به ویار

این‌کاروانسرا نزدیك گون کل با آجر وگچ بنا شده و دیوارهای اطراف و یکی دو اطاق آن باقی‌است. پشت این‌کاروانسرا آثارحمام وخانه‌هائی دیده‌می‌شود.

کهنه حمامان‌گردن (= کهنه حمامکی‌گردن)
سرراه سرده و هیر

برسرراه سرده به‌هیر آثارحمامی‌قدیمی است‌که باسنگ وگچ بنا شده وتا امروز برجای است.

۱ـ گیلان رابینو، ص۳۷۷. ۲ـ بضم کاف.

بقعهٔ آقا سیدسلیمان
در دهکدهٔ کاکرود ۱ اشکور

بنای اصلی بقعه زگالی است . دری مشبك ظریف به‌بلندی ۱۶۰ وپهنای ۹۰ سانتیمتر دارد (عکس شمارهٔ ۲۷۰). چهارطرف بقعه ایوان است وستونهای لاچ‌لنگری ظریف دارد . تکائل ایوان مشبك پرکاراست . سقف واشان‌کشی و لبهٔ بام سه‌پشته وبام سراسربنا ، سفال‌سر است(عکس شمارهٔ ۲۷۱).

مسجدی نسبةً قدیمی در نزدیکی بقعه‌است‌که پنجره‌های ارسی داشته وفعلا تبدیل‌به‌پنجرهٔ شیشه‌دارکرده‌اند. منبری مشباك ظریف دراین مسجد است (عکس شمارهٔ ۲۷۲). درطول‌مسجد سرکشی‌است‌که برسه‌ستون و دو فیلپای چوبین استوار است. فیلپاهالاچ‌لنگری ماریچ وستونها ازبالا وپائین چهارسو و وسط گرد است . در محوطهٔ بازاطراف بقعه درختان‌گردو وپنج اصله درخت کهنسال ون است .

بقعهٔ ادهم و روح‌الله
در دهکدهٔ سیارستاق۲ اشکور

بنای اصلی بقعه در میان محوطه‌ای باز وگشاده است‌که قبرستان عمومی‌و قدیمی است . دو طرف شرقی و شمالی ایوان دارد . صندوق مرقد مشباك است . ستونهای ایوان‌لاچ‌لنگری ظریف ودارای سرستونهای زیباست. سقف ایوان ازدو طرف چکش‌گردان وهرطرف دوپشته و لبهٔ‌بام چهارپشته‌است (عکس‌شمارهٔ ۲۷۳) .

در ورودی ایوان و بقعه در ایوان شمالی است .

در نزدیکی بقعه دو مسجد قدیمی است . یکی از مسجدها بزرگ است و پنجره‌های ارسی دارد .

۱ــ تیره‌هائی‌که درکاکرود زندگی می‌کنند: ملاجمالی ، امیرخانی وآسیابان و درگاهی است . تیرهٔ ملاجمالی از قاضی‌چاك پشت دهکدهٔ یاسور آمده‌اند و یوزباشی بوده‌اند.

۲ــ سیارستاق اشکور شامل دهکده‌های زیر است:

مایستان بالاوپائین،پوده (= پته‌محله) ، تلابن، سادم (بفتح‌دال)، آغوزکله(بفتح‌کاف)، بازارمحله ، سیارستاق‌محله ، نیاسن (بفتح سین)، لات‌محله، سرده، گرماچ‌بن، پلنگ‌سو.

یکی‌دو سنگ نسبةً قدیمی در قبرستان بقعه بودکه این‌عبارات برآنها حاك بود:

«وفات مرحوم مغفور ملاغلام‌علی ولد مرحوم آقا علی‌اکبر فی‌شهر صفر ۱۲۴۲. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه، دو انگشتر و رحل که قرآنی روی‌آن است.»

«وفات مرحوم مغفور جنت مکانی شیخ عبدالحسین ولد آقامیرزا یوسف سیارستاق ۱۳۱۰. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه وقلمدان.»

درخت چنار کهنسالی در قبرستان بقعه است.

گورستان قدیمی
در دهکدهٔ بازارمحلهٔ سیارستاق اشکور

سنگ قبر مرمر زیر در این قبرستان دیده شد:

«وفات مرحوم حسام‌الدین ابن حسین در شهر رجب سنه ۱۰۵۸. نشانه‌ها: دو انگشتر، یك رحل و زیر آنها درطرح محراب‌نما شمشیر و کمرشمشیر با دوسه‌گل و بوته در دوطرف آنها.»

گورستان قدیمی
درجیر مایستان‌دشت

درمایستان پائین دشتی است که‌گورستانی قدیمی درآنجاست. ظاهراً این دشت روزی آبادان بوده و آب رودخانهٔ تلیکان‌را بانهری که مسیر آن تا امروز روشن است، بدین‌جا آورده‌اند.

راه گردنهٔ گونگل[۱]
از سیارستاق اشکور به قزوین

سیارستاق محله ـ نیاسن ـ سرده ـ سه‌خانی‌گردن ـ پس‌چاك ـ وربند ـ

۱ـ بفتح گاف و واو و کسر نون وضم کاف.

سردشت ـ کبوبند ـ گیلیژ دره ـ شنگل [1] ـ هیر ـ بهرام آباد ـ درباوك ـ عبدل آباد ـ شفیع آباد ـ نجف آباد ـ قزوین .

راه گردنهٔ چی جیم چال
از سیارستاق اشکور به قزوین

دریاکسر ـ کاروانسرا ـ قزقان چالان ـ سفیدتله ـ ویارتله ـ ویار ـ هیر ـ نمره‌سو [2] ـ هیره‌کش ـ بیرام‌پشته ـ کی‌کلایه ـ اش‌چال ـ امامزاده محمد ـ فانفین ـ تیرا راه ـ خراب گرمك ـ اش میزان ـ سپون ـ کامان ـ وروزك ـ گردنهٔ زرشك ـ زرشك ـ سرکل‌بن‌کل ـ بارجین ـ قزوین .

از همین راه، راه دیگری از دیار جدا می‌شود و از دهکده‌های زیر می‌گذرد و به قزوین می‌رسد :

انارت ـ رشیدکوه ـ میلاك ـ ورگیل ـ سالارکیا ـ بیرام‌آباد ـ تنگه‌دره ـ جلفاده ـ آسیاب‌تراشان ـ زرشك ـ سرکل‌بن‌کل ـ بارجین ـ قزوین .

باقی آثار وبناهای تاریخی سیارستاق محله

۱ـ در محلی به‌نام «سو» هنگام شخم‌زدن، گنگ از زیرخاك درمی آید. دور گنگها را با آجر چیده‌اند. محل ورود وخروج آب روشن نیست .

۲ـ ازگورستان قدیمی نزدیك همین محل کوزه‌های سفالین بزرگ وکوچك بیرون می‌آید .

۳ـ پائین دست «سو» در بازارمحلهٔ سیارستاق ، خمی بیرون آمد که داخل آن پرازقاب گوسفند بود .

بقعهٔ آقا سیدعمران
دردهکدهٔ جورکلایهٔ اشکور

صندوقی در وسط بنای اصلی بقعه، مرقد راپوشانده است .سه طرف بنا ایوان

۱ـ بکسر گاف .   ۲ـ بضم نون .

دارد . ایوانها دارای‌ستونهای چهارسو ولاچ‌لنگری‌است . پاره‌ای ازآنهاسرستون دارد . در ورودی بقعه در ایوان شرقی است . دو طرف ایوانها ، دو چکش‌گردان است‌که بالای آن راسقف زده‌اند . سقف بقعه وایوانها پل‌کوبی است. لبهٔ‌بامسه ـ پشته و سراسر بام‌بنا ، لت‌پوش است .

بقعهٔ آقا سیدابراهیم
دراراضی جورکلایهٔ اشکور

صندوق‌بقعه درکناربنای اصلی‌است. سه‌طرف بقعه ایوان است. ایوان‌شرقی شش ستون دارد که سه ستون آن لاچ لنگری است . ایوان جنوبی هفت ستون دارد که سه‌ستون آن لاچ‌لنگری است . ایوان غربی‌شش‌ستون چهارسوی پخ‌زده باسرستون دارد . سقف ایوانها وبقعه پل‌کوبی، لبهٔ بام سه‌پشته وبام سفال‌سر است.

علم‌بندی این بقعه هفتم محرم وعلم‌واچینی روز جمعه‌ای پس از گردآوری محصول است .

قلاکوتی بالاچاله
جزء اراضی جورکلایهٔ اشکور

در اراضی قلعه ، سفال شکسته وآجرپاره فراوان است . این‌قلعه را روزی از سنگ وآجروگچ ساخته بوده‌اند .

پریس خانی قلاکوتی
در اراضی دهکدهٔ سنگسه‌رود اشکور

آثار بنای قلعه‌ای قدیمی دراینجاست . سنگ وگچ وسفال شکسته دراینجا زیاد است .

قصر ییلاقی لوسن
بالای دهکدهٔ درگاه در اشکور

این قصر تختگاه تابستانی سادات‌کیائی درآخرین نقطهٔ شرقی دیلمان قدیم

است چه ناحیهٔ اشکور درقدیم جزء خاك دیلمان بوده است. سیدظهیرالدین ازاین پایتخت آباد ییلاقی چندین بارنام برده است . دربارهٔ محل این بناچنین نوشته‌است:

«وسید محمدکیا درشکور درناحیهٔ جیرکشایه به‌قریهٔ لوسن هم عمارت چند بفرمودند ساخت .»[1] ومی‌نویسد که «لوسن تخت شکور است»[2] باز می‌نویسدکـه سید محمدکیا درحدود سال ۸۱۵ هـ . ق . «حضرت سید ناصرکیا را در لمسرجای دادندکه قشلاق آنجا فرمایند وییلاق به‌لوسن باشد.» رابینو دربارهٔ لوسن مطالب زیر را نوشته است :

دهکدهٔ لوسن نزدیك آبادی جیرکشایه‌است . از این دهکده راهی به‌الموت است که از کوه «جیکه‌بژم» می‌گذرد . میرظهیرالدین می‌نویسد که سید رضی‌کیا خانه‌هائی در لوسن برپا کرد واین دهکده را مرکز اشکور گردانید . نزدیك این آبادی‌درمحلی‌که به‌نام «دریسن پشتد»[3] است ، مهدی‌کیا کامیاروند پافشاری‌می‌کرد که سرزمین‌موروثی خودرا ازسید امیرکیا بگیرد ، ولی‌شکست خورد. مادرسلطان محمد والی‌بیه‌پیش،درسال ۸۵۹ هجری درلوسن بسرد وهمانجا مدفون شدوگنبدی برگور او برپا کردند.[4]

پیتر ویلی دربارهٔ لوسن چنین نوشته‌است :

نشانه‌های آبادی شهرلوسن به‌درازای یك میل‌برجای است . درگوشه‌وکنار بازمانده‌های برجها ودیوارها دیده می‌شود . ازچاهی‌که دراراضی همواراینجاست کوزه‌های سفالی ودشنه‌های برنزی پیدا کردیم .

بااینکه دوران‌آبادی این شهر وگذشتهٔ آن برماروشن است . دوران‌آبادی اینجا را به‌یك هزاروپانصد سال پیش برده ومی‌نویسد درآن تاریخ در آن حوالی دو شهربوده یکی بالاترك که ژنرال ترکی آن را ساخته بود[5] ودیگری لوسن.

۱ــ تاریخ گیلان‌ودیلمستان ، ص۱۴۵. ۲ــ تاریخ گیلان ودیلمستان ، ص۱۳۴.
۳ــ یکسردال ویاء وضم پ. ۴ــ گیلان‌رابینو،ص۳۸۱. ۵ــ مقصود ویلی دهکدهٔ «بلترك» است که جزء دوم‌آن‌یعنی«ترك»اورا وادار به‌این‌یاوه‌نویسیها کرده‌است وبااینکه بیش ازبیست‌بارنام لوسن درتاریخ گیلان‌ودیلمستان آمده‌است،این‌دهکده‌را«لوتوسن»خوانده‌است.

بین این دوشهر طبق معمول جنگ شده واهالی لوسن پیروز شدند.

لوسن جز قصر سلطنتی و خانه‌هائی برای حواشی وخدم که به‌امر سلطان محمد ساخته شده بود چیز دیگری نیست. اراضی آن هم خیلی کمتر از یك میل است. آثار بنای اصلی که قلعه مانند بوده و برجهائی داشته است، امروز درزمین متعلق به‌مصطفی محمدی است. دراین زمین سنگ و آجروگچ وسفال شکسته‌های فراوان لعاب‌دار ونقش‌دار که نظایر آنها کم دیده‌شده است، به‌دست می‌آید.

در زمینی که متعلق به‌مشهدی تقی‌اسماعیلی است، آثارحمامی هویداست. دراین زمین آجرهائی به‌ابعاد ٤ × ٢٠ × ٢٠ سانتیمتر و نیمه‌های قالبی به‌ابعاد ٤ × ١٠ × ٢٠ سانتیمتر و کاشیهای رنگین به‌قطر ٢٥ میلی‌متر و کاشی‌تراش‌داری به‌صورت چند ضلعی نیزدیده شد.

نزدیك این‌حمام درمحلی به‌نام «یهودی‌محله» مخزن‌آبی ازسنگ وساروج دیده می‌شود. گنگی وارد این مخزن می‌شد. ظاهراً آب چشمه‌های بالا دست این مخزن بوسیلهٔ این گنگ بدین مخزن می‌آمده ودرآنجا جمع می‌شده و به‌مصرف حمام یاساختمانهای اطراف می‌رسیده است.

درجاده‌ای‌که از زیر درگاه به سنگسرود می‌رود، پاره‌های آجر وسفال بقدری فراوان است که از روی آنها باید عبورکرد.

از خرابه‌های درگاه گنگی به‌دست آمده بود ودرآبشارکوچکی نزدیك‌ده قرار داده بودند درازای‌آن ٤٠ وقطردهانهٔ تنگ‌آن ٧ وقطر دهانهٔ گشادآن ٩٫٥ سانتیمتر بود.

در اسفند ماه سال ١٣٤٧ خاك وسنگ بازوهای دره «نیدی»[1] حرکت کرد و به‌جای اینکه مستقیم به‌طرف رودخانه برود، به‌طرف درگاه پیچید و مقداری از خانه‌های درگاه واراضی قصر لوسن را پوشاند.

کمی دورتر از درگاه، دراراضی‌معروف به‌«پلاچال» که برپوزهٔ تپه‌است آثار

١ــ بکسرنون وسکون یاء.

گنبدی به‌محیط دایرهٔ ۳۰ متر دیده شد . قطعه‌کاشی آبی رنگی به‌قطر ۱۴ میلی‌متر درخرابه‌های این گنبد به‌دست آمد .

دنبالهٔ همین پوزهٔ‌کوه درباغ فندق آقای ابراهیم‌محمدی آثارگنبد دیگری که پایهٔ آن به‌محیط دایرهٔ ۴۰ متراست ، باقی است . قطعه‌کاشی‌سفید رنگی‌به‌قطر ۱۹ میلی‌متر در اینجا به‌دست آمد که تراش دو پهلوی آن نشان می‌داد برای بکار بردن درگنبداست . قطعه‌کاشی آبی رنگ دیگری به‌قطر ۲۰ میلی‌متر درخرابه‌های این بنا دیده شد .

مصالح فعلی شالودهٔ این بناسنگ وگل و آهک است . آجرهائی به ابعاد ۴×۲۰ ×۲۰ سانتیمتر دراین بنا کار شده بوده است .

ظاهراً یکی از این گنبدها مدفن مادرسلطان محمد است . سیدظهیرالدین دراین باره می‌نویسد :

«دراین‌اثنا والدهٔ معظمهٔ حضرت سلطانی، روز چهارشنبهٔ بیست‌ویکم‌شعبان، موافق دهم آذرماه قدیم سنهٔ تسع وخمسین وثمانمائه به‌جوار رحمت رب‌العالمین پیوست وباحوران جنان‌هم‌عنان‌گشت . اورا درلوسن دفن‌کردند وقبه‌ای عالی‌جهت آن مرحومه بفرمودند ساخت وحفّاظ را وظایف تعیین نمودند تابرخواندن قرآن مداومت نمایند وانواع‌صدقات وهبات به‌نیت دفع مظالم او به‌مستحقان‌رسانیدند.»[۱]

راه لزر [۲]
از دهکدهٔ پرندان اشکور به قزوین

پرندان ـ اره‌چاك[۳] ـ کشایه ـ لزر ـ آب انبارکش ـ شترك ـ محمودآباد ـ سیادشت ـ قسطین[۴] ـ مرك[۵] ـ رزگرد ـ رشتقون ـ نجم‌آباد ـ باغستان ـ قزوین .

ازاین راه ، راه دیگری در آب‌انبارکش جدا می‌شود و به‌سفیداب ـ یارو

۱ـ عجب‌است که گنج‌گیران از گورسادات‌هم چشم نپوشیده‌اندوچندین باراین‌محل را زیرو بالا کرده‌اند. ۲ـ بفتح لام و کسر زاء. ۳ـ بفتح الف و کسر راء .
۴ـ بضم قاف. ۵ ـ بکسر میم.

جونیك ـ سپرین و محمودآباد می‌رود و دنبالهٔ راه سابق را به‌قزوین می‌گیرد .

راه گون‌کل
از دهکدهٔ پرندان اشکور به قزوین

پرندان ـ اره‌چاك ـ کشایه ـ خونه‌سر ـ سی‌سره ـ سررجه ـ گون‌کل ـ کاروانسرا ـ ویار ـ هیر ـ کی‌کلایه ـ فانفین ـ سپون ـ کامان ـ زرشاك ـ بارجین ـ دروازه‌کشك ـ قزوین .

راه قدیمی دیگری
از پرندان اشکور به قزوین

پرندان ـ اره‌چاك ـ کشایه ـ ازر ـ آب‌انبارکش ـ شترك ـ حسن‌آباد ـ کوتکن [1] ـ هنداغ ـ ورتاون [2] ـ میزوج ـ اسّه‌وان ـ قزوین .

بقعهٔ گیری‌سر
بالای تپهٔ مسلط به‌دهکدهٔ گیری اشکور

بنای اصلی از سنگ ، چهارطرف ایوان دارد . ایوانها دارای ستون با سرستون است . بام بنا و ایوانها حلب‌سر است .

قله سر
در اراضی قلاگردن گیری اشکور

بالای کوهی سنگی که مسلط بر اراضی قلاگردن گیری است آثاری از سنگ و گچ دیده می‌شود . بر بالای این کوه روزی قلعه‌ای برپای بوده است . طرف شمال این کوه شکستگی و پرتگاهی است .

اسب طویله
در اراضی قلاگردن گیری اشکور

در فاصلهٔ پانصدمتری جنوب قلعه بر تیرهٔ کوه ، آثاری از سنگ و گچ است که به‌قول اهالی طویلهٔ اسبان قلعه نشینان بوده است .

۱ـ بکسر کاف دوم.   ۲ـ بضم واو.

باقی آثار و بناهای تاریخی اشکور

۱ـ آثاربناهای قدیمی و آجرهای زیاد میان‌اردابن[1] و گرماب دشت‌سجیران.

۲ـ قلعه‌کول قدیمی بربالای تیرهٔ کوهی معروف به «کشکی»[2] که مسلط براراضی سجیران است.

۳ـ گورستان قدیمی دهکدهٔ سجیران‌که فعلا قبرستان مسلمانان نیزهست.

۴ـ گورستان قدیمی جیرکول درطرف شمال دهکدهٔ سجیران که چند سال قبل دو یهودی که خود را به‌نام ایرج‌اك ومحمود محبوبیان معرفی می‌کردند پاره‌ای ازگورهای‌آن را کندوکاوکردند ولوازم پرارزشی به‌دست آوردند.

۵ـ گورستان‌قدیمی «بلاکنده‌سر»[3] در سجیران‌که اشیاء پرارزشی ازگورهای آن به‌دست می‌آید.

۶ـ گورستان قدیمی سی‌پشت‌که از راه جیرکول یاسجیران بدانجامی‌روند.

۷ـ آستانهٔ قدیمی زورزومه نزدیك دهکده‌ای به‌همین‌نام پهلوی سجیران و جیرکول. زورزومه را «خاشوگیران» نیز می‌نامند. چون در این دهکده خانواده‌ای بودکه از قدیم عمل «گلوگیران» تهران را انجام می‌دادند و اگر استخوانی یابنشنی درگلوی بچه‌ای‌گیر کرده بود، بافوت‌کردن به‌بینی او بیرون می‌آوردند.

۸ـ گورستان قدیمی چاك‌که از راه جیرکول یاسجیران بدانجا می‌روند.

۹ـ گورستان قدیمی میان‌خانی معروف به «قبران‌گردن» نزدیك دهکدهٔ چاك.

۱۰ـ قلاکوتی‌سیاچالی‌کونه، نزدیك دهکدهٔ پلام درکنار رودخانهٔ پلورود.

۱۱ـ آثار ساختمانهای قدیمی و آجر پاره وسفال شکستهٔ فراوان در بالای دهکدهٔ وایگان نزدیك دهکدهٔ پلام.

۱۲ـ قبرستان لات میان جادهٔ عمومی مالرو، بین دیمابن و سیاکشان.

۱ـ بفتح لام وضم باء. ۲ـ بفتح کاف وسکون شین. ۳ـ بفتح باء وکاف.

۱۳ ـ نشانه‌های آبادی قدیمی و آجر زیاد در مرادی‌سره بالای دهکدهٔ وایگان . مرادی‌سره سابقاً غیر مسکون بود فعلا دو سه خانواری در آنجا زندگی می‌کنند .

۱٤ـ قلعهٔ گودا وایگان پشت راه وایگان .

۱۵ـ قلاکوتی به‌نام «گورتله» در دهکدهٔ وایگان

۱٦ـ قلاکوتی سیاکشان نزدیك دهکدهٔ سیاکشان

۱۷ـ قلاکوتی پلام ، نزدیك دهکدهٔ پلام .

۱۸ـ گورستان قدیمی میان دو دهکدهٔ لیماو لیماچال و گورستان قدیمی دیورود .

۱۹ـ در دهکدهٔ توکاس درسال ۱۳٤٦ سکه‌های مسین قدیمی پیدا شد .

۲۰ـ آثار آبادی و آجرهای قدیمی در کجیل‌سرای دلیجان و زیر خاکیهای آن .

۲۱ـ آستانهٔ دلیجان در دهکدهٔ دلیجان .

۲۲ـ آستانهٔ ویلنی در دهکدهٔ ویلنی .

۲۳ـ آستانهٔ ویشکی در دهکدهٔ ویشکی .

۲٤ـ بقعهٔ هفت برزیگرون که زیارتگاهی قدیمی نزدیك دهکدهٔ بلکوت است .

۲۵ـ بقعهٔ سرچان‌کش در دهکدهٔ سرچان‌کش .

۲٦ـ آثار قلعه و حمامی قدیمی در دهکدهٔ برگام[1] وبقعهٔ این دهکده .

۲۷ـ قلعه و آستانهٔ دهکدهٔ مومن‌زمین .

۲۸ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ شفیع‌آباد .

۲۹ـ لردی[2] آستانه در سیارستاق محلهٔ سیارستاق .

۳۰ـ گورستان قدیمی گبری درپشت دهکدهٔ سرده سیارستاق درمحلی به‌نام سردشت .

۳۱ـ آثار آبادی قدیمی درموسی خنی[3] چال درچراگاهی به‌نام چاکان نزدیك دهکدهٔ لسپو .

۱ـ بفتح باء. ۲ـ بکسر لام. ۳ـ بضم خاء .

۳۲ـ گورستان قدیمی پهناوری درپشت دهکدهٔ لسپو زیرگون‌کل[۱] .

۳۳ـ قلعهٔ اژداران‌کش[۲] وچاه آن بالای لسپو طرف غرب .

۳٤ـ آثار قلعه خرابه‌ای برسر شیرکوه نزدیك دهکدهٔ لسپو .

۳۵ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ بلترك[۳] .

۳۶ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ شاراج .

۳۷ بقعه‌ای در دهکدهٔ تلیجان[۴] .

۳۸ـ قلعه کوتی‌چاله ، پشت دهکدهٔ کشایه[۵] ودرمغرب این دهکده .

۳۹ـ گورستان قدیمی نس‌کوتون[۶] پشت دهکدهٔ لشکان .

٤۰ـ قلاسر که قلعه خرابه‌ای قدیمی است در دهکدهٔ گیالم[۷] که معروف به وربن‌گیالم است .

٤۱ـ قلاکوتی «سوره‌بند» در دهکدهٔ اینی .

٤۲ـ اوله‌های بزرگ سفالین وآجرهای‌قالب بزرگ درمکانی به‌نام «اردیج»[۸] درپشت دودهکدهٔ ازّین[۹] (ازدین) و ریسن[۱۰] که ظاهراً خرابهٔ شهری قدیمی‌است .

٤۳ـ بقعه‌ای در ایرمحلهٔ ریسن .

٤٤ـ آستانه‌ای قدیمی وآثاری ازبناهای قدیمی درمحلی به‌نام «چالکه»[۱۱] نزدیك دهکدهٔ ازّین .

٤۵ـ قلاکوتی توسه‌چاله نزدیك دهکده‌ای به همین نام . در فرهنگ جغرافیائی‌ایران «توساچالك» ضبط شده است .

٤۶ـ قلاکوتی کیاسه نزدیك دهکده‌ای به‌همین نام .

٤۷ـگورستانهای قدیمی‌دیوچال وملاسن[۱۲] درمرتع میارخ‌بن[۱۳] برمرز رودبار

۱ـ بفتح گاف و واو و کسرنون و ضم کاف . ۲ ـ بکسر الف و سکون ژ .
۳ـ بفتح باء و سکون لام و ضم تاء . ۴ـ بفتح تاء. ۵ ـ بفتح کاف .
۶ـ بکسرنون وسکون سین. ۷ ـ بضم‌لام. ۸ـ بکسرالف. ۹ـ بکسر الف و تشدید زاء. ۱۰ـ بفتح راء وضم سین . ۱۱ـ بفتح لام وکاف. ۱۲ـ بضم میم و سین . ۱۳ـ بفتح راء .

شاهرود و اشکور . از این گورها مجسمه‌هـای مفرغی و لوازم پرارزشی به‌دست آمده است .

۴۸ـ بقعه و آثار قدیمی زیرخاکی در دهکدهٔ یاسور .

۴۹ـ آثار زیرخاکی در دهکدهٔ پرچکوه .

۵۰ـ بقعهٔ دهکدهٔ تکامجان .

۵۱ـ بقعهٔ دهکدهٔ چاکول .

۵۲ـ بقعه‌های دهکده‌های کلرود[1] وچکرود[2] .

۵۳ـ قلعهٔ کل‌کش[3] روبروی دهکدهٔ کلرود .

آستانهٔ سید حسین
در دهکدهٔ نارنه از دهکده‌های بالا اشکور[4]

بنای اصلی بقعه ازسنگ وگل است . دری شرقی ودری جنوبی دارد . در دوجهت شـرق و جنوب دارای ایـوان است . ایـوانها دارای ستون چهارسو با سرستون‌است. هرایوان دارای هفت‌ستون است وتکائلی‌تخته‌ای درجلوایوانهاست.

این سنگهای قبر در اطراف بقعه درگورستان عمومی دیده شد :

«وفات مرحوم‌کربلائی محمد ولد مرحوم برجعلی ۱۲۴۱. نشانه‌هـا : مهر ، تسبیح ، شانه ودوانگشتر.»

«وفات‌مرحوم امیرعلی ولد محمدجان ۱۲۴۵. نشانه‌ها : مهر ، تسبیح‌و شانه .»

۱ـ بضم‌کاف ولام. ۲ـ بضم چ وکاف . ۳ـ بضم‌کاف اول و کسر کاف دوم.

۴ـ بالا اشکور شامل دهکده‌های زیر است :

دهکده‌هائی‌که برسمت چپ‌آب است از بالا به‌پائین: میج ـ لج (بفتح لام) ـ نارنه ـ یازن (بکسرزاء) ـ سپارده (بکسرسین).

دهکده‌هائی‌که برسمت راست آب است از بالا به‌پـائین : آکنه (بکسر کاف و نون) ـ کلایه ـ نداك (بکسر نون) ـ ایفی ـ تمل (بضم تاء وعیم) ـ کیت (بکسر کاف و سکون یاء) در دامنهٔ بزاکوه.

«وفات سیدنصرالله ولد مرحوم سیدسنجر ۱۲۹۸ . نشانه‌ها : مهر ، تسبیح وشانه .»

«وفات مرحوم علی ولد رمضان ۱۳۰۸. نشانه‌ها : مهر و تسبیح .»

راههای بالاشکور

راه لاك‌تراشان

تمل ـ ول‌آب ـ میاندشت ـ هردورو ـ لاك‌تراشان ـ دیامرون (دیمرون)ـ رازی‌دره ـ نسکا[۱] ـ کشکو ـ شهسوار .

راه دوهزار

تمل ـ آکنه ـ میان‌کوه بلور ـ چاخانی ـ کل‌گردن[۲] ـ نوشا ـ کول‌کلایه[۳] ـ دوهزار ـ چال‌دره ـ قلاگردن ـ خرم‌آباد .

راه جنده‌رودبار

تمل ـ زاروت ـ نپیرخانی ـ سرچوم‌گردن[۴] ـ ماس‌تراش ـ جنده‌رودبار .

راه دیگری از تمل به شهسوار

تمل ـ زاروت ـ گردکه‌بازو ـ ستاره‌پلو[۵] ـ کتل‌ده ـ پشتاز ـ چرتن ـ پلیم‌جان ـ شهسوار .

راه داغلا[۶]

بالاشکور ـ کوه‌زرد[۷] ـ جواهردشت ـ واجارگا ـ کلاچای .

قلاکوتی سی‌گول‌سرا

برسرراه سپارده به سی‌گول‌سرا طرف مشرق

این قلعه بربالای قله‌ای سرکشیده است ودر اراضی آن سنگ وگچ وگاهی سفال شکسته‌های درشت قدیمی دیده می‌شود (عکس شمارهٔ ۲۷٤).

۱ـ بکسر نون و سین. ۲ـ بفتح کاف و کسرلام . ۳ـ بکسرلام .
۴ـ بضم سین. ۵ـ بفتح پ. ۶ـ بکسر غین. ۷ ـ بضم ذاء وراء.

شاه سفیدکوه
بالای قلهٔ کوه بلور

بر بالای قلهٔ‌کوه بلورکه از یك طرف مسلط بر اراضی تنکابن‌است ، بعقه‌ای به‌نام شاه سفیدکوه است‌که‌اطراف آن‌گورستانی قدیمی است .

قصر سلطنتی
درسرداب[1] سر گرجیان

ازاین قصر شرح و وصفی به‌دست مانرسیده است. همین‌قدرمی‌دانیم‌که‌قصری مهم بوده است‌که سید ظهیرالدین ازخراب شدن آن یادمی‌کند . این قصر چنانکه او نوشته در زلزلهٔ سال ۸۸۹ ه . ق . خراب شد . دراین باره چنین نوشته است :

«روز یکشنبه سیم شعبان موافق بیست وهشتم آذرماه قدیم که آفتاب درسه درجه وصفر دقیقهٔ سنبله بود ، از تقدیر حکیم‌علیم جلّت قدرته ، قریب به‌غروب آفتاب زلزله‌ای عظیم واقع شد ....وقصر سردابه سر گرجیان که بنائی محکم بود، بازمین هموار شد ودونفری که در آن مقام به‌پاس‌پائی مشغول بودند ، فوت‌شدند.[2]

مرقد کارگیا یحیی‌جان
در سیه‌سر گرجیان

رابینو می‌نویسد: «شاه یحیی حاکم تنکابن وبرادر سلطان‌محمد لاهیجانی‌که درسال ۸۸۳ وفات یافته است در گرجیان درمحلی به‌نام سیاسر مدفون گردید.»[3]

سید ظهیرالدین دربارهٔ همین شاه یحیی می‌نویسدکه کارگیا یحیی‌جان حاکم الموت و گرجیان بود ، افیونی بود و با مردم بدرفتاری می‌کرد و دچار نوعی جنون شده بود که همه را دشمن‌خود می‌پنداشت . سرانجام به‌وسیلهٔ سلطان میرزا علی ازکار برکنار شد . این مرد روزشنبهٔ بیست ونهم صفر موافق هفتم مهرماه‌قدیم

۱ــ بکسر باء. ۲ــ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص۴۵۳و۴۵۴. ۳ــ سفرنامهٔ مازندران و استراباد، ص ۱۴۳ .

فوت شد ومغفورمرحوم را بنابروصیت که‌کرده بود ، همان‌جا به‌گرجیان به‌موضعی که مشهور وملقب است به «سیه‌سر» دفن‌کردند.»[۱]

ظاهراً این سیه‌سرهمان سیه‌سرخرمدشت است که روی‌کوه سماموس است. دراینجا آستانه‌ای قدیمی‌است که باید گورکارگیایحیی‌جان باشد.

باقی آثار وبناهای تاریخی بالااشکور

۱ـ گورستان قدیمی زیرنازك‌تاش در اراضی اسپیه‌چال تمل .

۲ـ تونل یازن در دهکدهٔ یازن زیر ابنـارکاه صدرالله . این تونل طولانی است و راه به‌جائی دارد .

۳ـ گورستان قدیمی زراو نزدیك دهکدهٔ تمل .

٤ـ بقعهٔ ملك محمد در دهکدهٔ تمل .

٥ـ گورستان قدیمی‌گبری یازن .

٦ـ سنگ قبری برگردنهٔ خشت‌پیچ پشت آب انبارکش طرف رودبار .

۷ـ بقعهٔ میج در دهکدهٔ میج .

۸ـ آثار قلعه‌ای قدیمی درمحلی به‌نام خش‌چال[۲] بالای دهکدهٔ میج .

۹ـ گورستان قدیمی ایری‌کش که یکی از مراتع تمل است .

۱۰ـ درمرتع خشکه‌سر دهکدهٔ نارنه آثارخانه‌هـای قدیمی است . امروز مزرعه شده وبه‌نام «زمین‌سر» معروف است .

۱۱ـ گورستان‌گبری قدیمی‌برسر بلندی اراضی‌کشتزارکج وین برطرف‌دست چپ رودخانهٔ کج‌وین در دهکدهٔ سپارده .

۱۲ـ گورستان قدیمی درمحلی به‌نام «برش»[۳] بالای اراضی کشتزار کج‌وین سپارده .

۱ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، صفحات ۴۲۰ـ۴۲۴.   ۲ـ بفتح خاء وکسر شین.

۳ـ بفتح باء وکسر راء.

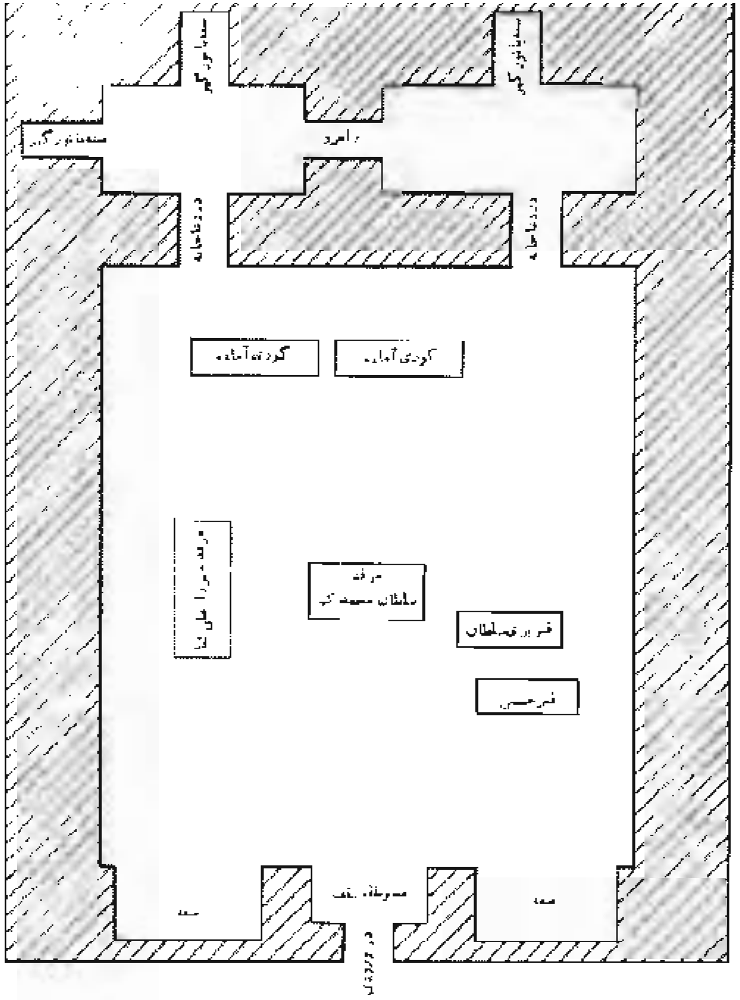

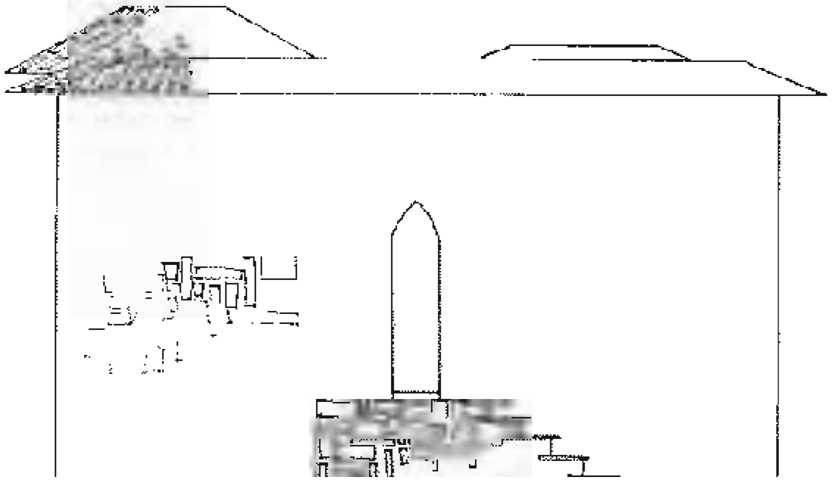

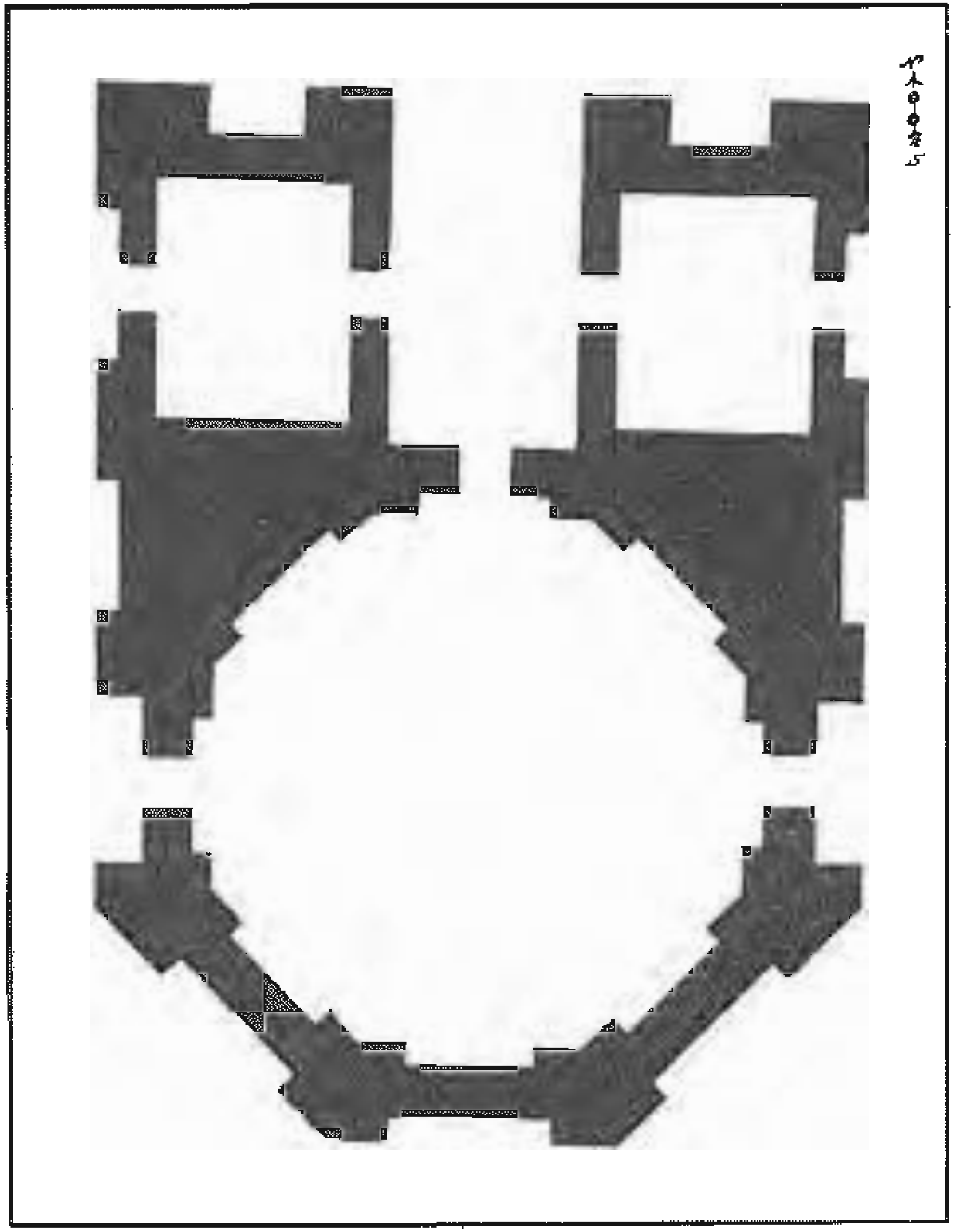

گنبد آجری پیرسطه در پیرمحلهٔ رانکوه

بخش بیست ودوم

مطالبی پراکنده دربارهٔ گیلان

آنچه در کتاب صریح‌الملك دربارهٔ گیلان آمده است

کتاب صریح‌الملك شرح رقبات موقوفات مزار شیخ صفی‌الدین اردبیلی است . در قسمت دوم این کتاب که به‌شمارهٔ ٤٤٩٨ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران‌واز نسخ عکسی آن‌کتابخانه است ، مطالب زیررا دربارهٔ گیلان می‌توان یافت:

در فصل جیلان آمده است که آستارا را در قباله‌های قدیمه «اصطاراب» و «اصطراب» نوشته ومنسوب به‌مازندران ساخته‌اند .

الکای آستارا

* هفتاد قطعه زمین مزروع از انجیرآباد از اعمال میانشهر آستارا با اسامی و حدود در سال ٧٨٧ قمری وقف شده است .

* قرای‌برمسرا وپیرمسرا وماور [١] ازناحیهٔ مرکیل از اعمال میانشهر آستاراکه بایندرخان بن مرادخان مهرانی در جمادی الاولی سال ٩٤٧قمری وقف‌کرده است .[٢]

١ـ بضم واو .

٢ـ صریح‌الملك، قسمت‌دوم، شمارهٔ ۴۴۹۸، ص۱۳۶، الف وب .

الکاء هوق کرگان‌رود

قریهٔ کیسه‌سرا درالکاء هوق (= حویق امروزی) از توابع الکاء استاره (= آستارا) امیرقبادخان بن امیرشاه قباد مهرانی در سال ۹۴۳قمری وقف کرده است.[۱] ضمن تعیین‌حدود این قریه، ذکری ازخواجه‌کری آمده است. این‌دهکده امروز درجنوب خطبه‌سرا وبرسرراه هشتپر است.

* نودیه الکبیرومسلمه‌سرا من‌قری ناحیة آبکنارمن‌مضافات اصطراب من‌اعمال‌مازندران راخواجه شیخ‌صدرالدین ازشرفشاه ومحمد پسران شرف‌الدین[۲] محمودبن‌فخرالدین‌کاکی خریده ودرنیمهٔ ربیع الاول سنهٔ ۷۳۴قمری وقف‌کرده‌است. وفخرالدین کاکی‌بن‌شرفشاه، این‌املاك را از اصفهبد نصرةالدین محمدبن‌اصفهبد بامنصور خریده بود.[۳]

کرگان رود

* پنجاه لته ازاراضی‌سفیده صنعان[۴] را سلطان‌زاده‌خانم بنت‌بهرام‌بیك مهرانی درسال۹۶۷ قمری وقف‌کرده است.[۵]

* یکصدوچهل وچهار لته ازاراضی شولغه‌کراب اورمانی درسال ۷۶۱ وقف شده است.[۶]

* موضع شولغان نیز وقف برمزارشیخ صفی‌الدین اردبیلی‌است.(شاید این موضع همان شلوغون محلهٔ امروزی باشد که در غرب نوده و با فاصلهٔ کمی‌از جادهٔ ماشین‌رو امروزی است)[۷]

گسکر

* قریهٔ صالحسرا از ولایت گسکررا امیره حاجی‌بن امیره سالوك در

۱ــ صریح‌الملك، قسمت دوم، شمارهٔ ۴۴۹۸، ص۱۳۸، الف. ۲ــ درصفحهٔ‌بعد کمال‌الدین به‌جای شرف‌الدین آمده‌است. ۳ــ صریح‌الملك،ص۱۳۸ب. ۴ــ شاید: سفیدسنگان واقع درلمیر. ۵ــ صریح‌الملك، ص ۱۳۹ب. ۶ــ صریح‌الملك، ص ۱۴۰ الف. ۷ــ صریح‌الملك، ص ۱۴۰ الف.

ربیع الاول سنهٔ ۸۱۰ قمری وقف مزار شیخ صفی‌الدین اردبیلی کرده‌است.[۱]

* بیست و پنج لته زمین برنجزار عمادآباد در نوزدهم ربیع‌الاول سنهٔ ۷٤۷ وقف شده است.[۲]

* قریهٔ جونـان از اعمال موضع دربندان از تخوم لوندسر در محرم ۷۳۱ وقف شده است.[۳]

* چهارلته زمین از اراضی اورمانی و کروبر (شاید: ورمیانی و کزور) درسال ۷۵۳ وقف شده است.[۴]

* بیست‌کردو بجار در بـازارگاه و بیست و پنج بجار در موتل و پیرسرا وقف شده است.[۵]

* قریهٔ قلاعی را امیرحسام‌بن امیرملک‌بن‌حسام ساکن قلاغلو قلعه که مشهورست به‌قلعهٔ‌حسام درغره شعبان ۷۹۸ وقف‌کرده‌است.[۶] امیرمعظم ملك‌الامرا مفخر اکراد امیرحسام بن امیره ملك بن حسام ساکن قلعهٔ قلاغلوقلعه‌که مشهورست‌به قلعهٔ‌حسام، به‌اردبیل‌رسید به‌زیارت متبرکهٔ عالیحضرت سلطان خواجه شیخ صدرالدین صفوی وخدمت دریافت و به‌حضور شیخ‌الاسلام اعظم اکمل مرشد الخلایق تاج‌الملة والدین علی تمامت دیهی‌که در موضع قلاعی نام بجهة سهوان دیه بحدود مسطورهٔ فوق، برضا درعقد وقف رادیه متبرکه گردانید ازبرای ثواب‌آخرت خود وهیچکس را در آن حقی ودعوی نباشد.

در حاشیه افزوده‌اند:

چون درالقاب مشارالیه مفخر اکراد قید است‌یحتمل که‌این‌موضع از کردباشد. بهرحال دراینجا نوشته شد والسلام.[۷]

---

۱ ـ صریح‌الملك، ص ۱٤۱ الف. ۲ ـ صریح‌الملك، ص ۱٤۱ الف.
۳ـ صریح‌الملك، ص۱٤۲ ب. ۴ـ صریح‌الملك، ص۱٤۲ب. ۵ـ صریح‌الملك،ص ۱٤۳ الف. ۶ـ صریح‌الملك،ص ۱٤۴ الف. ۷ـ صریح‌الملك، ص۱٤۴ الف.

نویسندگان این صریح‌الملك که ظاهراً نام آن صریح‌الملك است و باطناً هیچگونه صراحتی ندارد و ضابطین مال‌ومنال این‌رقبات موقوفات ، نه‌ازحال‌واقف‌و نه از محل وقوع رقبهٔ موقوفه اطلاعی نداشته‌اند . این قلعه که به‌نام قلعهٔ حسامی نیزمشهورست همان قلعه رودخان امروزی‌است که دربیست وسه‌کیلومتری جنوب فومن است وآثار بسیاری از آن تاامروز برجاست .

پشت پارهٔ ۸۳ قرآنی وقفی درآستانهٔ مطهرهٔ حضرت معصومه سلام‌الله علیها این عبارات دیده شد

«این جزوکلام ملك‌العلام را حضرت‌مملکت پناهه تی‌تی بوی بنت‌امیر الکامل‌العادل‌کارکیا امیرکیا خلّد ملکه وقف صحیح فرموده است براء ثواب‌آخرة ومزید درجات خود .

این جزومصحف مجید را حضرت سلطنة‌پناهه مملکة دستگاهه ستیره صالحه تی‌تی بنت‌امیرالاکمل‌الاعقل‌الاعدل‌کارکیا امیرکیا خلّد ملکهماو سلطنتهما وقف‌عام صحیح‌شرعی فرموده است براء نیلا لثوابها الوافر الجزیل والاجرالجمیل‌الی‌أن یقرؤن ویداومون‌فمس‌بدّله بعد ماسمعه فانمااثمه علی‌الذین یبدلونه والله سمیع علیم سنه تاریخها ست ثلثین‌و تسعمایه .»[۱]

زلزلهٔ سال ۸۹۰ قمری

«روز یکشنبه سوم شعبان موافق بیست‌و هشتم آذرماه قدیم که آفتاب درسه درجه وصفر دقیقهٔ سنبله بود، ازتقدیر حکیم علیم جلّت قدرته، قریب به‌غروب آفتاب، زلزله‌ای عظیم واقع‌شد واتفاق حسنه‌را حضرت اعلی‌خلافت پناه [= کارکیا سلطان محمد] در باغ دیلمان نمازعصر گزارده، به سرسجادهٔ تقوی نشسته ، مترصد شام‌بودکه این واقع‌شد. و

۱ـ نویسندهٔ این وقفنامه کلمات فارسی وعربی را به‌شکل عجیبی به‌هم‌آمیخته است .

بسیار عمارات صورت انهـدام پذیرفت . اما در بعضی ولایات بیشتر و بعضی جاکمتر بود. مثلا درناحیهٔ اشکور دربعضی‌قرا بیشتر بود . وبسیار بنای قدیم‌منهدم گشت وهفتادنفر از اناث‌وذکور درزیرگل‌وچوب درجهٔ شهادت یافتند. وبعضی‌راکه حیات‌باقی بود، بعداز یك روز ودوروز ،از آنجابیرون می‌آوردند. ودرگرجیان و کلیجان صدوشش نفر به‌رحمت [ایزدی] رفتند ودر رودبارات نیز بسیار فوت شدند. اماعدد به‌تحقیق معلوم نشد . ودر قلعهٔ پالیـن طالقان هفتادو هشت‌نفر از اصحاب قلعه فوت گشتند ودر تنکابـن عمارات عالیه از قصر ومساجد و مشاهـد و حمامات منهدم‌گشت وبعضی‌که تمام نیفتاد شق شد، چنانکه قابل‌اصلاح نشد. ودررانکوه ولاهجان و گوکه‌وکیسم و پاشیجا ولشتنشاه زلزله‌ای محکم [آمد] اماکسی فوت نگشت وآنچنان خرابی واقع نشد . ودر دیلمان بسیار ازعمارات‌کهنه بیفتاد ، اما اهالی را خیر بـود . وهشتپر کهنهٔ رانکوه بعضی بیفتـاد و بسیار مواضـع دیلمستان از قلل جبال سنگهای عظیم‌بغلطید وبسیار مواشی‌را به‌هلاك‌آورد. و در جنده‌رودبار [= جنت رودبار] گرجیان ، از قلهٔ کوه خوکی از هیبت آن زلزله بجهید ودر رودخانه بیفتاد وبمرد . وقصر سردابه‌سرگرجیان که بنای محکم‌بود بازمین هموارشد . ودونفری‌که درآن‌مقام‌به پاس‌پائی‌مشغول بودند ، فوت شدند . و بعد از آن از حکمت حکیم علیم هر روز یك نوبت ودونوبت، زلزله واقع‌می‌شد، چنانکه مردم‌ازبناهائی‌که‌باقی‌بود، بیرون‌آمده ، به‌صحرا بودند وتاآخر رمضان سنهٔ مذکوره ، همه‌روزه و یك روز درمیان زمین می‌جنبید .... وچون درولایت‌گرجیان ، خرابی بیحد واقع‌شده‌بود، حقیر [=میرظهیرالدین] را امرشدکه‌آنجارفته، از آنحال‌اعلام درگاه‌اعلی‌گرداند وبه‌تعمیرآن خرابیهامشغول گردد.»[1]

۱ـ تاریخ گیلان ودیلمستان سیدظهیرالدین ، ص ۳۸۲ و ۳۸۳.

زلزلهٔ دیگری درسال ۱۲۳۳ هجری قمری

این زلزله عصر روز جمعهٔ آخر شوال این سال درمازندارن آمد.[1]
موریه ازاین زلزله یادکرده است ومی‌نویسد «نه‌سال قبل (از سال ۱۸۱۷ میلادی) این زلزله شهرهای مازندران را زیاد خراب کرد.[2]

طاعون سال ۱۲۴۷ هجری قمری درگیلان وطبرستان

این طاعون نه‌تنها درگیلان وطبرستان، بلکه درعراق نیز شیوع داشت.[3]

وبای سال ۱۲۶۱ هجری قمری

صاحب روضةالصفای ناصری از این وبا یادکرده است.[4]

تسخیر گیلان به‌دست اولجایتو سلطان محمد خدابنده

پیش از اولجایتو، از اولاد چنگیزخان کسی به خاك گیلان دست نیافت. فرستادهٔ او بـه‌خاك گیلان رفت. امیره دباج فومنی کـه در این وقت تواناتـرین حکمرانان بود با هدایا پیش اولجایتو رفت ولی از دیدن امرا وتوقعات ایشان‌به تنگ‌آمدوشبانه به‌مقر حکومت‌خود باز گشت. اولجایتوکه ازاین‌پیشامدخشمگین شده بود، تصمیم به‌تسخیر گیلان گرفت. گرای نام شحنهٔ طارم زمانـی باصدرالدین خالدی به‌گیلان رفته بـود، پیش اولجایتو گفت که در بارهٔ تسخیر گیلان فکری عمیق بایدکرد، چه مشتمل بردوازده شهر است و در هریك امیری با سپاه‌فراوان نشسته‌است. اگر گیلان به‌دست آید، خزینهٔ سلطان بسیارمعمور گردد. میل‌اولجایتو به‌تصاحب گیلان بیشترشد. امیرچوپان را ازراه اردبیل، برآن‌حدودفرستاد وامیر قتلقشاه را ازراه جلوان(= گیلوان) متوجهٔ فومن ورشت وتولم کرد وامیرطغان و

۱ــ روضةالصفای ناصری، ج ۹، ص ۲۸۹. ۲ــ سفرنامهٔ موریه، ص ۳۵۵.
۳ــ تاریخ ظهور طاعون درمازندران اواخرسال۱۲۴۶ وتاسال۱۲۴۷ در مازندران و عراق شایع بوده (از پشت کتـابی اوراق در کتابخانهٔ آقـای پیشنماز در شهر آمل نقل شد).
۴ــ روضةالصفا، ج ۱۰، ص ۶۲.

امیرمؤمن را ازراه رستمدار (= نور و کجور) و کلاردشت بدانجا فرستاد. ستونی که به‌فرماندهی قتلقشاه بود شکست خورد و غنیمت بسیار به‌دست گیلانیان افتاد. اولجایتو ازسلطانیه بطرف لاهیجان حرکت کرد. والی لاهیجان تسلیم شد و اولجایتو نمازعید اضحی رادرلاهیجان بگزارد. خبرشکست قتلقشاه بدو رسید. امیرحسین و امیرسونج را به بیه‌پس بفرستاد و رشت و فومن و تولم را غارت کردند.[1]

مختصری ازجغرافیای گیلان
از تاریخ اولجایتو سلطان محمد
تألیف ابوالقاسم عبدالله بن علی بن محمد القاشانی

«معرفت زمین گیلان وماهیت کمیت و کیفیت طول وعرض خطهٔ گیلان یاد کنیم از تعلیقات مرحوم سید اصیل الدین محمد زوزنی مشروح آورده و گفته : پادشاهان گیلان که معاصر وصول هلاکوخان بودند در ایران زمین که ابتدای زمین گیلان فرضهٔ رود هوسم[2] است از ناحیت قلام‌ـ رودبار[3]، ازحدود لاهجان که فلك الدین ساسان بن صعلوك بن فیلواکوش درسنهٔ «حیت» حاکم آنجابود از قبل برادرخود امیرجمال الدین صعلوك والی ملك لیاهجان وانتهای گیلان فرضهٔ رودسرست از ناحیت دولاب از گیلان گسکر والی آن جمال الدین صعلوك بن محمد بن رودکی[4] بود و مسافت بعد طول خطهٔ گیلان از هوسم[5] تا دولاب است مقدار سی فرسنگ زمین تقریباً وتخمیناً.

و سپیدرود با زنگان‌رود آمیخته، ازکوههای گیلان منحدر، به‌میان‌ـ گیلان می‌گذرد. برسمت شمال متوجه دریا، مابین مشرق و مغرب، شرقی ازخطهٔ لیاهجان است، برحدود آن.

وقوم، ناصری[6] مذهب باشند وناصر ازاولاد الحسین بن علی علیهما السلم

۱ـ روضة‌الصفا، ج پنجم. ۲ـ در اصل: هوشم. ۳ـ دراصل: قلام رودبار.
۴ـ متن چاپ شده، ص۵۶ یودکی. ۵ـ در اصل: هوشم. ۶ـ در متن چاپ‌شده، ص۵۶: باهری.

است و غربی آن یکسر مذهب امام زاهد عابد احمد حنبل دارند و مذهب متابعان استاد ابوجعفر.

و امتداد مسافت کوه اوکنار سفیدرود، برسمت مغرب وجنوب است، مایل تابه گیلان فومن ممتد، ازآنجا شعبه‌ای ازکوه منعطف می‌شود، برسمت مغرب وشمال، موازی انعطاف دریا و برآخر گیلان موغان و گشتاسبی می‌گردد. وشروان وموغان درفضائی است که مابین کوه ودریاست.

و از نواحی بلاد گیلان: تولیم و فومن و گسکر و دولاب و سر[1] و شفت و رشت را پس‌گیلان خوانند و شهرهای لیاهجان و کوتم و کوچسبان و همام را پیش‌گیلان.

و میان فرضهٔ رودسر[2] که آخر موغان و گیلان است، ناحیتی است که آن را [ا] سالیم رود خوانند. مقدار بعد مسافت آن نیم روزه راه که اقوام آن جمله تالشان باشند. واین لفظ ازطیلسان گرفته‌اند.

و از رودسر تا شندان[3] که مستقرسریر مملکت سپهبد است، طول و عرض بعد مسافت آن دو روزه راه باشد. و از این طرف موغان که متصل گیلان است و مملکت و ولایت سپهبدان را سیاه‌گیلان خوانند درعرف اهل‌گیلان. و موغان ودیگر طرف ارباسماحی[4] و ارّان دارد اعنی سمت شمالی ترک را موغان‌گویند.

وهمچنین درعرف اهل‌گیلان، پادشاه نسیب اصیل را که امرا و سپاه بسیار درفرمان اوباشد، «استا» و «سالار» گویند والی‌الان این دو اسم برملوك دوقبیله است. از آن یکی ساسان‌خالو که مرداویج وندند و حاکم تولیم و دیگر قبیلهٔ رستم دباج[5] که اسحق‌وندند ووالیان خطهٔ

۱ـ درمتن چاپ شده، ص۵۷: دولاب‌تنسر(؟) ۲ـ این‌دهکده غیراز رودسر امروزی‌است که درجلگهٔ رانکوه‌است. ۳ـ برای‌اطلاع بیشتری دربارهٔ «قلعهٔ‌شندان» ن. ك. به‌کتاب آستارا تا استاراباد، ج۱، ص۱۴ و ۱۵. ۴ـ ظاهراً: دیگرطرف اوباشماخی واران دارد. ۵ـ در اصل، رماح.

فومن واسحق و مرداویج برادران بوده‌اند. ورسم وعادت چنان افتاده که اگرمیان دوپادشاه نسیب‌اصیل مخاصمت افتد، سایر اهالی گیلان را مدد و مساعدت یك جانب باید کرد و بعضی را معاونت طرف خصم و هیچیك را تقاعد وتکاسل و اهمال و امهال جایز نباشد.

وقبیلهٔ کیکاوس‌بن‌شهنشاه‌که حاکم کوتم‌اند، انوزادوند گویند که هم درپادشاهی نسیب واصیل وبزرگ وقدیمند ومقدم وسرور پیش‌گیلان‌و خواهرکیکاوس، زن جلال‌الدین حسن نومسلمان و مادر علاءالدین است واوبه‌استقبال‌هلاکوخان درمبادرت مسابقت نمود وباسیورغامشی، مراجعت کرد.

و دیگرملوك گیلان به‌پادشاهی قریب عهدند وملك به‌اصالت واستقلال گرفته و اگرنه درقدیم همه مطیع این دوقبیلهٔ معتبر بوده‌اند.

و هررئیس صاحب تیغ وتبر راحنبه[1] گویند وامرا وحکام ولایت هم‌با این‌اسم‌موسوم باشند. ومعارف نازلتراز چکنه‌که انصارو اخوان پادشاه باشند، ایشان را دوده[2] گویند. وسپاهیان پیاده را لوم[3] و سروبین[4] و بازاریان راشهری‌وبرزیگران راگیل وهرده عددخانه‌را دیهی‌گویندو هرده دیه را صده و هرده صده را خانی وبه‌افواه شفاهاً گویند، فلان ناحیت چندین خانه‌است.

وازطرف غربی سفیدرود نخست ولایت کوتم است، موضوع بر کنارهٔ سپیدرود، اعنی طرف جنوب آن کوه است و شرقی سپیدرود، ولایت آن برسمت مشرق و مغرب افتاده.کوتم اسم ناحیت است و قصبهٔ کوتم [را] بازار شهرستان‌گویند وحاکم آنجا سالوك‌بن سالاربن کیکاوس.

وهمچنین ولایت‌کوچسبان، ازشمال‌کوتم، بر کنار دریا افتاده و حاکم

۱ـ شکل صحیح‌این‌کلمه معلوم نیست. ۲ـ بضم دال دوم. ۳ـ این لفظ به صورت «لوم» و به صورت جمع «لومان» بارها در کتاب تاریخ خانی آمده است.
۴ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، سروبوان.

آنجا ساسان بن همام . وسنو که از آن صعلوك بود ، ساسان برادرش قائم‌مقام او شد و اکنون حاکم آنجا اوست . و رشت در مغرب شمالی کوتم است وتربت استاد ابوجعفر که اکثر قوم گیلان ازارشاد وهدایت او ایمـان و اسلام آوردند ، برکنـار گورابگـاه و میدان بزرگ ، مسجدی به وی منسوب است . و حاکم رشت را شرف‌الدوله بن . . . . گویند. وتولیم درمغرب‌وشمال‌رشت وهوشم افتاده‌است متصل به‌دریا و ولایت بسیـار مزروع مرتفع دارد و حاکم آنجا محمد بن ساسان بن وشمگیر ودر مغرب رشت ولایت‌کالشم[۱] است و والی‌آنجا سیف‌الدین ساسان وپسران او شمس‌الدین وشمگیر و جمال‌الدین صعلوك و خیلو بودند و اکنون محمد بن ساسان بن وشمگیر بن ساسان است . و در مغرب وجنوب رشت، شفت است به‌کوه متصل، درمیان شکسته‌های‌کوه که باجانب طارم دارد وشفت نام ناحیت است. پادشاه‌آنجا پیش از این امیرملك بودکه به‌دست فدائیان‌کشته شد و بعداز او، فرزندان لنگر پادشاهی به‌قهر وغلبه بگرفت و اکنون حاکم آنجا امیرملك‌بن‌شاهی ملك‌بن‌لنگراست. «وبعد ازفرزندان او، لنگرپادشاهی به‌قهر واستیلا بگرفت.»[۲] و در زمین شفت معدن‌کوه آهـن است . ودرغربی کلاشم[۳] و شفت جنـوبی و بهری شرقی از تولیم ، ولایت فومن است . و نـاحیت فومن راسه‌قصبه است : یکی‌فومن‌که دارالملك‌پادشاه است. دوم‌ناحیت دشت‌که‌آن‌را کل‌دشت خوانند. و درکل‌بازار، روزآدینه، مسجدجامع منادی‌بلند هست. سیم قصبهٔ گشت که درقدیم دارالملك ملوك اسحاق‌وند بوده، واکنون‌حاکمش امیردباج پسرفیلشاه است. پادشاهی‌بزرگ ، بلندهمت، بسیارعطیت هنرمند، شجاع، مقدام‌خیر، فایض‌جود و واهب

۱ــ متن چاپی: کالیشم همان «کلاشم» چند سطر بعد است . ۲ــ این قسمت را کاتب دوبار نوشته است . ۳ــ چند سطر پیش ازاین‌به‌شکل «کالیشم» آمده است.

انعام و احسان، مسلمان‌سیرت، نیکو عقیدت، پسندیده طریقت. وده کوره آهن در حوالی فومن موجوداست.

و ازخطه زمین فومن گذشته، در طرف شمال مایل به‌مغرب، ناحیتی است ازکوه تا دریا که‌آن رانجیرم(؟) گویند ازانك يك‌قصبهٔ بزرگتر جامع دارد. دروسط ولایت، آن را پیلمانشهر گویند. وقصبهٔ دیگر که فرضه‌گاه است، بوتم‌سر گویند.

و همچنین درغربی فومن ناحیتی است مختصر. اندك مایه، به جنوب مایل بر دامان کوه و میان‌شکسته افتاده که مقیمانش همه تالش‌اند گسکرو دولاب گویند.

بعد ماکه ازنجیرم(؟)بگذرند، ازمغرب فومن ممتدتابه‌مغرب تولیم‌که ساحل دریا است، این ولایت وناحیت، ولایتی است با عرصهٔ وسیع و طول وعرض فسیح، اما اکنون خراب ویباب است وآخر نواحی‌گیلان داخله که متصل موغان‌است.

از پیلمانشهر تاقصبهٔ‌گسکر کـه دارالملك پادشاهان‌است، يك‌منزل راه باشد وازگسکردرجانب شمال بريك فرسنگی، قصبهٔ خرفکام‌که جامعی بزرگ دارد در میان بیشه‌ای انبوه که اندیشه درآن راه نیابد وپادشاه گسکر شرف‌الدوله است. خواهرزادهٔ امیرکبیر دباج. وازآنجا تا سه فرسنگی درجانب شمال‌دولاب‌است، برکناردریا ناحیتی‌مزروع‌مرتفع.
و بعد ازرودسر، اسالیم‌رود است که درقدیـم ازحساب ولایت خلخال بوده ومتصل به‌او، ساکنانش همه تالش‌اند.

ابتدای اول ملك زمین گیلان دوازده هزار است بعد از آن کرجیان پس‌کلاجه‌کوه‌که اکنون پسرحیدرکیامتصرف است«برشرقی سفیدرود»[1] که مدعی‌ایشان‌است و به‌جای امام ناصرکه حسن اطروش علوی بود.

۱ــ این عبارت ظاهراً مربوط به‌سطر بعد بوده وکاتب مکرر نوشته است.

بعد از آن لیاهجان برشرقی سفیدرود افتاده که به نوپادشاه تعلق داردکه ازنسل ونژادناصراست برادر سلطان محمودسبکتکین واکنون ازآن پسر اوست .

بعد ازآن کوچسبان ، از جانب مشرق سفیدرود گذشته به سید محمد کیاپسرسیدحیدرکیاکه به‌جای امام ناصرامروز قوم ساسانیان رامدعی است .

بعدازآن تمیجان برشرقی سفیدرود افتاده‌که حاکم آن سالوك خواهرـ زادهٔ نوپادشاه است .

بعد ازآن سیاه‌کیله‌رود ، بعد ازآن تولسررود .

بعد ازآن کوتـم برشرقی سفیدرود از جـانب قبله افتاده و حـاکمش سالوك‌بن سالاربن کیکاوس است برادر امیرمحمد.

بعدازآن تیسیای (؟) برغربی سفیدرود افتاده ، تعلق به‌سالوك دیوانه دارد و اکنون برادرش ساسان وبالله‌التوفیق .

بعد ازآن‌تیساوهمام[1] برغربی سفیدرود برساحل دریا وکوتم بردامان کوه وهمام‌برساحل وتیسا و دافجا وکوچسبان دروسط افتاده هم ساسان پسرسالار متعلق امیر محمد دارد .

بعد از آن تولیم برغربی سفیدرود متصل بحرخزر.

وبعداز آن کلاشم و صفکوه (؟) متصل به‌کوه وحاکـم آن رکابزن و اکنون امیر دباج است .

بعد ازآن‌گسکر برغربی سفیدرود افتاده حاکمش‌خالو، آنگاه‌خرفکام و دولاب و رودسر کـه ملك خالـوست و لنگرودینسر (؟) که حاکم آنجا شرف‌الدوله برادرخالو است .

بعد ازآن سنوکه[2] برغربی‌سفیدرود باجانب دریاافتاده پس‌دشت‌وخشم و

۱ـ ظاهرا : تسیبه وخمام امروزی‌است . ۲ـ دراصل: سوکه.

دزدك در دامان کوه ودشت در وسط افتاده حاکمش شرف‌الدوله برادر خالو است و بالله‌التوفیق .

بعد از آن شفت برغربی سفیدرود بالای کوه افتـاده و حاکمش امیر دباج است و ازآنجا گذشته ،گشت‌است نزدیك‌کوه افتـاده .

بعد از آن مملکت اسفهبد است که باصطلاح گیلکان اسباور گویند و پادشاه دشت بـه‌دیلم معروف است ومملکت اسباور به موغان و ارّان پیوسته اینست معرفت کمیت جمله زمین‌گیلان والله‌اعلم .»[1]

۱ـ تاریخ‌اولجایتو، تألیف ابوالقاسم‌عبدالله‌بن‌محمدالقاشانی، نسخهٔ عکسی‌شمارهٔ۲۴۲و فیلم شمارهٔ ۱۱۷ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران بامقابله بامتن چاپی. کاتب درنقل اعلام جغرافیائی بی‌دقتی نشان داده است .

فرمانهای سلاطین ایران دربارهٔ حکام و سرشناسان گیلان

۱ـ فرمان شاه طهماسب به رکن‌الدوله معصوم‌بیك صفوی

« فرمان همایونی شرف نفاذ یافت آنکه امارت مآب جلالت نصاب سیادت وسعادت ایاب معصوم‌بیك الحسینی بعنایت بی‌غایت شاهانه مفتخر و سرافراز گشته بداند که چون برمضمون حکم قضا جریان اطلاع یابد فی‌الفور سلطانان هزاره مثل پیرمحمد سلطان استاجلو و شرف‌خان کنگرلو و الله‌قلی سلطان تکلورا قریب دوهزارسوار مسلح ومکمل که از ایشان کارهای مردانه در وجود آمده باشد همراه نموده جهت دست‌آوردن حاکم گیلان بگوراب تنکابن فرستد وصدرالدین‌خان وقوچ خلیفه راقریب دوهزار سوار نامدار وپنجاه‌هزار پیاده بگوراب اشکور فرستد و خود باسی‌هزار بگوراب رانکو نزول نموده فرزند ارشدرا با الباقی عساکر تصرف مآثر بگوراب لاهیجان ساکن ساخته پیاده‌ای جمشیدخان و امیرساسان‌را یکی‌از متعینان همراه‌کرده بطرف روده‌سر روانه‌نماید ومردم‌گیلان راکه سراطاعت بر ربقهٔ انقیاد درآورده‌اندو فرمان‌برداری را شعار ودثارخود ساخته‌اند همه‌را بتشریفات فاخر سربلندگردانیده وبمیعاد سلطنت وایالت امیدوار سازند ورعایاوعجزه را بنوعی رعایت ومحافظت نمایند که هرآینه موجب تسلی همگنان

گردد و چون عساکر ظفر مآثر را بموجب فرموده باطراف واکناف فرستد همه‌روزه حالات و مهمات که سانح گردد معروض پایهٔ سریر خلافت میفرمایند وکسانیکه با احمدخان اتفاق نموده‌اند وازشرارت ایشان عساکر فرخنده مآثر راضرری رسیده دفع ومنع ایشانرا ازجملهٔ فرائض دانسته هرجا که مسکن و مأمن نموده باشند امیر ساسان‌را چرخچی لشکرنموده شبیخون برسرایشان زده وتمامی را بتیغ آبدار دشمن‌شکار دمار از روزگاربرآورده ایشانرا مستأصل‌ومنطوی‌سازند و کمتربیك افشار را نزد احمدخان فرستاده بدین مضمون که چون حقوق خدمات آباء واجداد بدین‌دودمان‌اعلی‌میباشد از روی‌امیدواری متوجه درگاه معلی‌شود که ازسعادت سرمدی مستفیض و مستعدشوندو اگر سخنان محققانرا استماع نموده بطریق یکرنگان و یك جهتان بدین‌آستان ملك‌آشیان روانه میگردد صورت حال‌وحقیقت مهمات‌را بواجبی‌دانسته معروض پایهٔ‌سریرخلاف مصیر گردانند تابیعت‌رابکلام ملك علام مؤکد ساخته اورا ازتهدید مخوف بیرون‌آورده والاسخنان صاحب غرضانرا بسمع قبول‌و رضاجاداده عنادرا شعارو دثارخود ساخته است راهها را بدو محکم گرفته جهان فراخ را بدو تنگ و تاریك سازند وهرجا که بایشان ظاهر و باهر گردد استظهار و اعتقاد هم بود بی‌منت و وحشت بدان جانب روانه شوند وگرد‌بر‌گرد او عساکر نصرت مآثر حصن‌حصین مرتب ومرمت نموده چنان کنند که راه گریز براو بسته شود و ازکمند اژدها افکن دست وگردن اورا بسته و باکسان که همراه او بوده باشند بدرگاه عرش اشتباه حاضرسازند و نعوذبالله اگر تغافل و تکاهل نمایند و ازقبضهٔ تصرف ایشان بیرون‌رود وجای دیگر اقامت نماید نوعی جزا و سزای ایشان میشود که تا این‌نیلگون خیام برپا و سلاطین برسر سلطنت مستقر ومستقل باشنددر دستورالعمل

سلاطین و جمیع نوکران باشد. تحریراً فی شهر جمادی‌الاخر سنهٔ خمس وسبعین و تسعمایة ۹۷۵.»

۲ـ فرمانی به‌حاکم گیلان در باب ملاصفرعلی رحمت‌آبادی

«طرازنده بارگاه قضاء .... شاهی‌محمدرضا.... حکم وامر شد. آنکـه چون رعایت جانب عالیجناب قدسی‌القاب فضائـل و کمـالات اکتساب غلامی ملاصفرعلی رحمت‌آبادی منظور نظرمهر اثر ومکنون خاطرعطوفت‌گستر نواب ماست بنابراین درهذه‌السنه میمونه ئیلان‌ئیل حریت تحویل ومابعدها نظر باستحقاق و قابلیت عالیجناب مشارالیه مبلغ دوازده تومان فریفه قطینه امانت متوجهی‌بلوك رحمت‌آباد در وجه او مستمر و برقرارفرمودیم که صرف معاش وسرمایه امعاش‌خود ساخته بخاطرجمعی‌بدعاگوئی ذات اقدس شهریاری و ازدیاد عمردولت نواب اقدام نماید مقرر آنکه عالیجاه رفیـع‌جایگاه عـزت و سعادت همراه اخلاص و ارادت آگاه نتیجة الاعاظـم والاعیان میرزا فتحعلی نایب مبلغ مزبوره را بـدون کسر و نقصان تأدیه نموده مقرر آنکـه مستوفیان وعالیجنابان کتّاب دفاتر سرکار مهرورقم مبارك را ثبت واز تغییر و تبدیل مصون و محروس داشته و در عهـده شناسند. فی شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۲۳۶.»

۳ـ فرمانی به‌یحیی‌میرزا والی ولایات‌گیلان درباب هدایت‌الله‌خان نجدی

«بسم‌الله تعالی شانه‌العزیز

الملك لله تعـالی که نـور چشم عزیـز کامگـار یحیی میرزا والـی ولایات‌گیلان بعواطف خاطرخطیر پادشاهی معزّز ومباهی بوده بداند که چون ازقرارفرمان خاقان خلّد مکان نوّرالله مضجعه برطبق‌عرض عالیجاه رفیع‌جایگاه شهـامت و مآلت همراه اخلاص و ارادت آگاه

نتیجة الخوانین العظام مقرب الحضرت العلیه هدایت‌الله خان نجدی خاصه املاك و رقبات مفصله ذیل‌ملکی مشارالیه است وچون عالیجاه مشارالیه نوکر سرکار پادشاهی و رعایت جانب او منظـور نظر انور میباشد ، ملزوم همت همایون‌آنست که امـور اورا انتظامی باشد این فرمان قدرنفاذ صادر و مقرر میشود که آن نـورچشم کامگار مراقب باشد وقدغن نمایدکه‌کسی‌در املاك مشارالیه تعدی و اجحافی‌ننماید و بدون حساب تعرض واهانتی نرساند ومتعرض‌رعایا وکسان‌او نگردندو تخلف جایز ندانسته درعهده شناسند. تحریراً فی‌شهرذی‌الحجةالحرام سنه ۱۲۵۰ ه.

۴ـ فرمانی به پسران عبدالله خان رشتی

« هو

الملك‌لله تعالی

تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گـرفت

صیت داد و معـدلت از مـاه تا ماهی گـرفت

آنکـه چون عالیجاهـان مجـدت و نجدت همـراهان نصرالله‌خان و محمدتقی‌خان و محمدرضاخان پسرهای عبدالله‌خان رشتی . از جمله خانه‌زادان دولت‌جاویدآیت قاهره میباشند ورعایت احوال‌آنهامنظور نظرعاطفت‌گستر شاهانه است علیهذامبلغ‌دویست‌تومان ازبابت مواجب عبدالله‌خان بصیغهٔ مواجب‌بدینموجب ازسنهٔ‌آتیه تخاقوی‌ئیل فرخنده تحویل و مابعدها در حق‌آنها مرحمت و برقرار فرمودیم‌که هرساله بعد از وضع رسومات دیوانـی از بابت مالیات املاك خـودشان که در گیلان دارند اخذکرده بدعاگوئی دوام‌دولت ابدمدت روزافزون‌اشتغال نمایند مقرر آنکه حکام حال و استقبال‌گیلان مبلغ مزبور را ازقرار همین منشورقضا دستور درحق مشارالیهم برقرار وازبابت بدهی‌واملاك آنها محسوب دارند المقرر کتّاب سعادت اکتساب دفتـرخانه مبارکه

شرح فرمان همایون را ثبت و ضبط نموده در عهده شناسند. تحریراً فی‌شهر ذیقعدة‌الحرام سنه ۱۲۸۹.»

۵ـ فرمان ناصرالدین‌شاه به‌حاکم گیلان در باب تعیین مالیات گیلان

«الملك‌لله تعالی

تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت
صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت

چون مکنون خاطرهمیون شاهنشاهی نشرعدالت و آسودگی رعیت و آبادی مملکت است وحصول این مقاصد موقوف باین‌است‌که رعیت و مالك بدانند درعرض‌سال بدیوان چه دادنی‌هستند ومالیات‌آنها چقدر است که از شر و شلتاق مباشرین آسوده باشند ازجمله ولایت گیلان است‌که مالیات‌آنجا کمال اغتشاش را داشت درغالب جاها ادعای‌کسر و شکست و در بعضی ادعای ستم شریکی و در برخی شکایت از مباشرین دیوانی داشت که باسامی مختلفه از قبیل افرعه و تومانی فلان‌وفلان علاوه برمالیات مطالبه و دریافت میشود لهذا جناب فخامت ومناعت‌نصاب میرزا احمدخان مشیرالسلطنه را که از چاکران امین ومجرب دولت‌است مأمورفرمودیم واو تمام گیلان را ازبلده وبلوکات خالصه و از روی عدل وانصاف مساحت وبازدید کرده صورت آنرا بدارالخلافه که مرکزسلطنت ومجمع‌وکلاء دولت‌است‌آورده مالیات هرجا باطلاع اولیای دولت علیه باستعداد حالیه معین ومقررآمد که فرامین‌سرخط مرقوم وبمالکین ورعایای کل دهات تسلیم شودکه من‌بعد تکلیف‌خود را در ادای مالیات‌بدانند ورسم‌افرعه وسایرمرسومات بالمره‌اززبان و قلم بیفتد ودیناری علاوه برمالیات نه بدهند ونه مطالبه نمایند پس درمعامله هذاالسنه تخاقوی‌ئیل و مابعدها مالیات و منال دیوانی قریهٔ

راسته کنار واقعه در فومن ملکی میرزاسید محمد من حیث‌الجموع از هربابت از قرار تفصیل است هر گاه حاکم و مباشر علاوه از این مبلغ مطالبه نماید یارعیت تمکین کند یا بی‌قبض و برات وسند دیناری بگیرند و بدهند مورد مؤاخـذه و سیاست دولت خواهند بود مقرر آنکه ولات و حکام حال و استقبال دارالمرز گیلان از مفـاد مضمون معدلت مقرون امرهمیون تخلف ننموده مستوفیان عظام شرح فرمان مبارك را ثبت وضبط نموده درعهده شناسند. تحریراً فی‌شهر رجب المرجب سنه ۱۳۰۲.»

۶- فرمان ناصرالدین‌شاه قاجار به‌میرزاسیدرضای مستوفی محاسب فومن و ماسوله

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

الملك‌لله تعالی

تا کـه دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت

صیت داد و معدلت از مـاه تا مـاهی گرفت

چون عالیجـاه مجدت همراه مقـرب الخاقان میرزا سیـد رضـای مستوفی‌محاسب فومن‌وماسوله سالهاست که با صداقت بتقدیم خدمات مرجوعه پرداخته وحسن‌کفایت ودرستکاری‌خودرا مشهود رای‌اولیای دولت قاهره‌ساخته وبرحسب معمول ولایت‌گیلان مبلغ یکصدوبیست‌و پنج تومان که بعد از وضع رسوم یکصدتومان میشود از بابت تومانی پانصددینار حق‌الحکومه که جزو جمع‌گیلان نیست بصیغهٔ مواجب در وجه او مقرربوده ومبلغ پنجاه تومان هم ازبابت تخفیفات گیلان رسد باملاك او رسیده که همه ساله از دادنی اومحسوب میشود در این‌وقت استدعای صدور فرمان مبارك ازدیوان اعلی نموده برحسب استدعای مشارالیه‌این‌فرمان مبارك صادر ومقررمیشود ومقرب‌الخاقان‌مستوفیان

عظام از سنهٔ آتیه اودئیل و مابعدها یکصدتومان مواجب را بخرج دستورالعمل گیلان بنویسند و در عوض یکصدتومان از بابت تومانی پانصد دینار در کتابچهٔ گیلان بخرج بنویسند که در جمع و خرج دیوانی تفاوتی حاصل نشود ومواجب وتخفیف مشارالیه همه ساله عاید گردد حکام خجسته فرجام حال و استقبال گیلان همه ساله مواجب و تخفیف مزبور را در وجه عاید ساخته و مطالبه حکم مجدد نکنند و شرح فرمان مبارک را ثبت و ضبط نموده در عهده شناسند. فی شهر جمادی الاول سنه ۱۳۰۶.»

۷ـ فرمان ناصرالدین‌شاه به پسر میرزا رضای مستوفی محاسب ولایت فومن

«بسم‌الله تعالی

الملک‌لله تعالی

تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت

صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت

که چون نظر بمراتب خدمت و زحمت میرزا سید رضای مستوفی محاسب ولایت فومن که سالهامشغول خدمتگذاری دیوان همایون اعلی بوده این روزها برحمت ایزدی پیوسته رعایت اولاد و بازماندگان او فریضه ذمت همت خدیوانه است علیهذا نظر بحسن کفایت ولیاقت مقرب الخاقان میرزا سیدمحمد پسراو درخاکپای مهراعتلای مبارک معروض افتاده از معاملهٔ هذه السنه قوی ئیل سعادت دلیل مشارالیه را بمنصب استیفا برقرار و مبلغ هشتاد و پنج تومان از یکصد وپنجاه تومان مواجب و تخفیف آنمرحوم را بموجب تفصیل در حق او برقرار فرمودیم که همه ساله دریافت کرده صرف گذران خود نماید وجوهرذاتی وفراست جبلی خود را همه‌روزه بمنصه ظهور و جلوه بروز رساند. مقرر آنکه

عالیجاهان مقرب الخاقـان معتمدالسلطان مستوفیان عظام شرح فرمان قدرترجمان مبارك را ثبت وضبط نمایند. تحریراً فی شهر ذی‌القعدة الحرام سنه ۱۳۱۲.»

۸ـ فرمان ناصرالدین‌شاه قاجار به‌برادرخود عباس میرزا درباب میرزا سید یحیی مستوفی

«السلطان ابن‌السلطان ناصرالدین‌شاه قاجار

برادر والاگهـر نـورچشم بلند اختر نامـدار عباس میرزا ملك‌آرا حکمران وفرمانفرمای مملکت گیلان بمراحم خاطرخطیر شاهنشاهی مباهی ومعزز بوده بداند چون مراتب کفایت ودرایت وکاردانی‌دردست حکمی مقرب‌الخاقان میرزا سیدیحیی مستوفی ولایتی بتوسط مقربان سریرگردون مسیر اعلی بدرجه کشف و شهود مقرون آمد لهذا بر۔ حسب استدعای جناب فخامت نصاب امیرالامراء العظام مدیـرالملك مشارالیه‌را باعطای مکتوب وجبّه ترمه‌ایرانی‌قرین‌افتخارفرمودیم که این‌عطیه کریمانه‌را اسباب مفاخرت خود دانسته بیش از پیش‌بمراسم درستکاری‌خود بیفزاید ودرخدمات راجعه مساعی‌نیکورا ظاهرسازد و درعهده شناسند. سنه ۱۳۱۲.»

۹ـ فرمان ناصرالدین‌شاه به‌میرزا سید یحیی مستوفی فومن

«الملك‌لله تعالی

تا که دست ناصرالدین خـاتم شاهی گـرفت
صیت داد و معدلت از مـاه تـا ماهـی گرفت

چون رعایت اولاد و بازماندگـان مرحـوم میرزا سید رضا مستوفی فومن منظور نظرمرحمت‌گستر خدیوانه است علیهذا از معاملهٔ هذه‌۔ السنه مسعودقوی‌ئیل ومابعدها مبلغ هفتادوپنج تومان ازیکصدوپنجاه

تومان مواجب و تخفیف آن مرحوم را درحق معتمدالخاقان میرزا سید یحیی‌خان مستوفی برقرار فرمودیم که همه ساله دریافت کرده و از روی کمال امیدواری بمراسم خدمتگذاری بپردازد و مقرر آنکه مقرب‌الخاقان مستوفیان عظام شرح فرمان مبارك را ثبت‌وضبط نمایند. شهر ذیقعدة‌الحرام سنه ۱۳۱۲.»

۱۰ــ فرمان همایونی مظفرالدین‌شاه به یکی از فضلا و علمای گیلان

«الملك‌لله تعالی

گرفت خاتم‌شاهی‌مظفرالدین‌شاه

دمیدکوکب فتح و ظفر بعون‌الله

چون جانبداری‌طبقه علماء عظام‌وفضله‌کرام‌پیشنهادخاطرمبارك‌همیونی است و مراتب استحقاق جناب میرزا شریعت‌مدارها میرزا ابوالقاسم فاضل‌مجتهدگیلانی‌سلمه‌الله‌تعالی‌که ازاجله علماوخواص دعاگویان‌است این اوقات مشهود حضورمهرظهورمعدلت دستورگردید لهذا ازمعامله هذه‌السنه میمونه ایت‌ئیل حریت تحویل ومابعدها مبلغ بیست وهفت تومان‌ازمحلهای‌ذیل‌بصیغه مستمری درحق‌جناب مشارالیه و ولد ارشد ایشان عالیجناب شریعتمآب میرزا ابوالفضل افتخارالعلماء برقرار و مرحمت فرمودیم که‌همه ساله‌ازمحل گیلان‌دریافت نموده صرف‌معاش خودشان‌ساخته مرفه‌الحال بدعای‌بقای ذات‌اقدس‌ملوکانه‌اشتغال ورزند مقرر آنکه مقرب‌الخاقان‌مستوفیان عظام و کتّاب سعادت فرجام شرح فرمان قضا جریان مهر لمعان مبارك همیون را ثبت و ضبط نموده واز شایبه تغییر وتبدیل محروس بدارند و درعهده شناسند . فی شهرمحرم الحرام سنه۱۳۱۶.»[۱]

۱ــ غیر از فرمان‌شاه تهماسب باقی فرمانها ازمجموعهٔ مرقعات تاریخی درکتابخانهٔ ملی رشت رونویس شده است .

تصحیحات ـ اضافات ـ تعلیقات

صفحه/سطر

۶/۲۸ـ «بامره» غلط و «بامر» صحیح است .

۱۲/۵۹ـ «محله» صحیح است .

۱۴/۸۶ـ ظاهراً « فتح‌لك» به‌جای «لك فتحاً مبیناً» است زیرا قسمت اول این آیه بر‌روی دیگر علم است .

۱۸/۹۹ ـ حسین بن علی صالحی جیلانی ودر ۱۱/۱۰۶ حسن بن علی صالحی جیلانی آمده‌است . ظاهراً «حسن» صحیح است .

۲۲/۱۱۰ـ درکلمهٔ «نجرّ» تشدید برروی راء زائد است .

۱۴/۱۱۵ـ «رزنگار» غلط و «زرنگار» صحیح است .

۱۹/۱۱۵ـ « رزده‌دهی » غلط وصحیح آن « زرده‌دهی » است .

۲/۱۱۶ـ «وافی‌هلایه» غلط و «وافی‌هدایه» صحیح است .

۱۴/۱۱۶ـ کلمهٔ «نرده» غلط و «نرد» صحیح است .

۶/۱۳۰ ـ پنجره‌های ارسی به‌جای درهای ارسی صحیح است .

۱۳/۱۴۵ ـ گیل ولوم ، گیل در اصل به‌معنی قومی است که در سرزمین گیلان زندگی می‌کنند . چون این قوم بیشتر به برزیگری مشغولند . این لغت به‌معنی «برزیگر» نیز به‌کار رفته است . (تاریخ اولجایتو، ص۵۸) کلمهٔ «لوم» در تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی مکرر استعمال شده است واین

مؤلف جمع این کلمه را به‌شکل «لئام» درموارد مختلف به‌کاربرده است.
این لغت چنانکه مؤلف تاریخ اولجایتو گفته به‌معنی «سپاهیان پیاده» است. (تاریخ اولجایتو، ص ۵۸)

۶/۱۵۰ ـ استاد احمد و یادگار صحیح است.

۱۴/۱۸۳ ـ عبارت باید بدین‌شکل تصحیح شود: این پل‌شامل یك دهانهٔ بزرگ و دو دهانهٔ کوچکتر درطرفین آنهاست.

۲۲/۱۹۳ـ وکنده‌کاریهای بسیار ظریف داشت، صحیح است.

۲۱/۲۵۵ـ «تمیامات» غلط و «بمقامات» صحیح است.

۱۲/۲۸۳ ـ بقعه صحیح است.

۲۲/۲۸۶ ـ حسینیه صحیح است.

۱/۲۹۷ ـ درخت صحیح است.

۲۲/۲۹۹ ـ کلمهٔ «کوسد» غلط وصحیح آن «توسه» است.

۱۰/۳۱۲ـ تمیحان غلط وتمیجان صحیح است.

۱/۳۲۶ ـ فیروزه‌ای به‌جای فیرزه‌ای صحیح است.

۵/۳۴۹ ـ ظاهراً عبارت باید بدین شکل باشد: السند المـانح النقی [الو] فی التقی ....

۹/۳۷۷ ـ سیستان دهکـده‌ای در جنوب شرقی لاهیجان است و امروز اهـالی «سوسان» گویند.

۵/۳۷۸ ـ لوك درلغت دیلمی به معنی سوراخ وغار است.

۷/۳۸۴ ـ پل سجیران ظاهراً غیر از این پلی است که یاد کرده‌ایم زیرا نزدیك دهکدهٔ سجیران کنار رودخانه نیز آثار پلی قدیمی دیده می‌شود.

۱۸/۳۸۹ـ «گیدکلام» غلط وصحیح آن «کیـه کلام» است.

۹/۴۰۳ ـ ویار با واو صحیح است.

اصطلاحات فنی و لغات محلی که در این کتاب به کار رفته است

آزاد : از درختان جنگلی است که به نام علمی Zelkova Crenata Desf. خوانده می‌شود . این درخت درفضای باز اطراف مساجد وامامزاده‌های گیلان دیده می‌شود . شاید بلندی واستقامت آن سبب شده است که اهالی این درخت را به‌چشم احترام بنگرند .

ارسی : نوعی پنجره که آلت‌کاریهای ظریف و شیشه‌های رنگین دارد ودر دوشیار از بالا به‌پایین وبالعکس حرکت می‌کند .

ازاره : قسمت پایین دیوارهای بنا که معمولاً باسنگ یا آجر می‌چینند وروی آن را از داخل کاشی‌کاری می‌کنند . بلندی این قسمت بیشتر از یك متر نیست .

امرود : از درختان جنگلی است که به‌نام علمی Pirus L. خوانده می‌شود . در محوطهٔ اطراف بعضی از امامزاده‌ها درختان کهنسال امرود دیده شد .

انار : از درختان جنگلی شمال ایران است که به‌نام علمی Punica granatum L. شناخته می‌شود . درمحوطهٔ باز اطراف امامزاده‌ها این درخت دیده شد .

ایوان کتابی : ایوانی است که عرض آن کمتر از یك متراست .

باثو : دراصطلاح نجاران ، دوتختهٔ قطور دوطرف لنگهٔ در را گویند .

بلوط = مازو : از درختان جنگلی شمال ایران است . نوعی که در این منطقه است به‌نـام علمی .Quercus *Tourn* شناخته می‌شود. عظمت و بلندی این درخت مورد احترام جنگل‌نشینان است .

بن‌نال : چوبی قطور وچهارسو که برلبهٔ ایوان قرار می‌دهند و انتهای ستونهـای چوبین را برآن استوار می‌کنند .

بورمه : یك دستهٔ بستهٔ علف یایونجهٔ خشك .

بید : از درختان جنگلی شمال ونوعی از آن که در این صفحات است به‌نام علمی Salix *Tourn.* خوانده می‌شود . این درخت در محوطهٔ بـاز اطراف بقاع متبرك دیده شد .

پاسار : تخته‌های قطور بالا و وسط وپایین لنگهٔ در.

پاگشان : مهمانی عمومی و دسته‌جمعی . پاگشا در تهران به‌معنی نخستین مهمانی است که برای زوج تازه ترتیب دهند .

پره : بفتح پ وکسرراء ، پیش‌آمدگی لبهٔ بام ازچهار طرف تامانع رسیدن بـاران به‌دیوارها شود .

پشته : ۱ـ تپهٔ‌کوتاه خـاکی که معمولا دستی نیز هست . ۲ـ برای جلوتر آوردن پره ، معمولا لبهٔ بام را بـا چوب طبقه طبقه می‌سازند وهرطبقه را کمی جلوتر از قبلی قرارمی‌دهند . این عمل برای اینست‌که پره‌جلوتر آیدو بیشتر مانع رسیدن باران به‌دیوارها شود .

پلت : بفتح پ و لام ، از درختان‌جنگلی شمال است که به نام علمی Ocer insigne Boisse. et Bh. معروف است . این درخت درجوار پاره‌ای ازبقاع متبرك دیده شد .

پل‌کوبی : کوبیدن تخته‌های اره‌کشی شده به‌قطر دو سانتیمتر وبه‌پهنای تقریبی بیست سانتیمتر ودرازای دومتر یابیشتر برروی واشانها .

پلی : بفتح پ ، درلغت‌گیلکی به‌معنی «پهلو» است .

پیله : درلغت گیلکی به‌معنی بزرگ است .

تره کوچین = تله کوچی = تلکوچی : از درختان جنگلی شمال که به‌نام علمی Fraxinus L. معروف است. درمحوطهٔ بازاطراف بقاع متبرك گیلان وبیشتر درجوار امامزاده‌های ییلاقی‌کوهستانی دیده شد . این درخت رابه‌فارسی «زبان گنجشك» خوانند .

تکائل : بفتح تاء وکسر همزه ، نوعی نردهٔ جلوایوان است‌که از تخته‌هائی به‌ارتفاع نیم‌متر و عرض بیست سانتیمتر ، میان دو چوب اصلی که در طول ایوان است قرار می‌دهند .

تنکه : بضم تاء وتون : تخته‌هائی‌صاف‌که معمولا لبه‌های آنها را پخ زده‌اند ومیان پاسار وبائوی لنگه درقرار می‌دهند .

تله : بفتح تاء وکسر لام ، کوه پستی‌که یك پارچه است وسنگ آن به‌هم جوشیده ومتصل شده است .

تور : گذشته از معنی عادی آن ، در گیلکی به‌معنی خل وسبك عقل است .

توسه = توسکا : از درختان جنگلی شمال ایران که به نام علمی Olnus *Tourn.* معروف است .

توی : ازدرختان جنگلی شمال‌که به‌نام علمی Celtis L. معروف است ودرلاهیجان «تادانه» خوانند .

حلب پوش : بناهائی راگویندکه بام آنها باآهن سفید پوشانده شده است .

خفنگ: بفتح خاء وفاء ، پنجره‌ها یا نورگیرهای مشبك باشیشه‌دار که بالای درها نصب می‌شود تا نورکافی به‌داخل بنا برسد .

خوج : از درختان‌جنگلی شمال ایران است‌که به‌نام‌علمی Pirus L. معروف‌است .

درزپوش : تخته‌هائی نازك به‌پهنای سه چهار سانتیمتر که روی درزهای لمبه میخ‌کوب می‌کنند تادرز آنها پیدا نباشد .

دستك‌تکائل : نوعی نردهٔ جلو ایوان‌که از تخته ودستکهائی‌که در فواصل آنها قرار می‌دهند ، ساخته می‌شود .

دستک صراحی : نوعی نردهٔ جلوایوان که از چوبهای عمودی خراطی‌شده ساخته می‌شود .

دلوازه : سنگی صاف وکبودرنگ و بیضی شکل که دختران و زنان جلو سینه می‌آویزند .

راه‌پشته : خاکریزی به‌بلندی یك متر وپهنای دو سه متر که در میان منطقه‌ای باتلاقی است به‌وجود می‌آورند واز روی آن عبور می‌کنند .

زگالی : بنائی که استخوان بندی آن از چوبهای قطور ومحکم است . چوبهائی به‌قطر سه‌چهار سانتیمتر ودرازای دو سه متر اریب به‌جدارهای این‌بنا می‌کوبند وداخل آنها را باگل پرمی‌کنند و بدین ترتیب دیوارهای بنا را به‌وجود می‌آورند .

زوارکشی . بفتح‌زاء وتشدید واو، آمدن زائران در روزهای معین به‌بقاع‌متبرك.

ستون چهارسو : ستونهای چوبین‌که آن را چهارنبش کرده‌اند .

ستون‌چهارسوی پخ‌زده : ستونهائی که چهارنبش است وتیزی نبش را گرفته‌اند .

سرته : بفتح سین وکسر تاء ، کلاف بزرگ ابریشم کشیده را گویند .

سرستون : قسمتی از ستون که به‌اشکال مختلف ازچوب می‌تراشند وبربای‌ستونها نصب می‌کنند وسرنال را روی آنها می‌اندازند .

سرکش : چوبهای بلند وقطور که در طول بنا قرار می‌دهند و واشانها را برآن تکیه می‌دهند .

سرنال : چوبهای بلند چهارنبش که روی سرستونها می‌افتد واشانها روی‌آن قرار می‌گیرند.

سفال‌سر : بنائی راگویند که بام آن از سفال سرخ ناومانند پوشیده شده است .

سکتی : بفتح سین وکاف ، بنائی را گویندکه چهار دیوارآن از چوبهای قطور بلند ساخته شده است .

شش‌گوشه : چیزی نظیرحجله که ازچوب ساخته شده وشش‌ضلعی است ونمودار

مرقد مطهر حسین بن علی علیه‌السلام است. آن را تزیین می‌کنند و در دسته‌های عزاداری محرم به‌راه می‌اندازد.

شیخ : لقبی است که از قدیم به‌متولیان بقاع متبرك داده‌اند و امروز نیز به‌کار می‌رود.

شیرسر : پیش‌آمدگی چوبین سقف بناها از دوطرف.

صحن : دراصطلاح محلی به‌معنی سفید است.

صراحی : درلغت دیلمی به‌معنی «دستك‌صراحی» مناطق گیل‌نشین است.

علم : بفتح عین ولام، شیئی مفرغی یاآهنین یابرنجین که گاهی مشبك نیزهست که برسرچوبی بلند به ارتفاع سه چهار متر می‌گذارند و پارچه‌های رنگین قیمتی به‌این چوب می‌بندند. علم صفحات شمال باعلم قسمتهای مرکزی ایران اختلاف دارد.

علم بندی : عمل بستن پارچه‌های رنگین به‌چوب علم که در روز معین و باآدابی مخصوص انجام می‌شود.

علم واچینی : عمل باز کردن پارچه‌های رنگین از چوب علم که آن نیز در روز معین وباآدابی مخصوص انجام داده می‌شود.

فرش و آهك : بضم فاء وسکون راء وشین، ماسهٔ نرم را گویند که باآهك و آب مخلوط می‌کنند و برای ملاط یا سفید کردن سطح دیوار آن را به کار می‌برند.

فیلپا : ستونهائی از آجر که قطر دایرهٔ آنها به‌هفتاد، هشتاد سانتیمتر می‌رسد و در وسط بناهای عریض دریك ردیف می‌سازند وسرکش (= حمال) را بر آنها استوار می‌کنند.

کاول : بضم واو، گاوآهن محلی گیلان را گویند.

کرسی بلند : بناهائی که از سطح زمین در حدود یك متر بالاتر می‌سازند و گاهی زیر آنها را خالی می‌گذرانند تارطوبت به‌بالا نفوذ نکند.

کشکول : سنگی صاف وقیمتی‌که زنان بازنجیری به‌وسط سینه می‌آویزند .
کنوس = **کنس** : بضم‌کاف ونون ، از درختان جنگلی شمال است‌که به‌نام علمی
Mespilus germanica L. خوانده می‌شود وبه‌فارسی ازگیل‌گویند .
کوب = **کپ** = **کف** : بضم کاف ، از درختان جنگلی شمال است‌که به نام علمی
Tilia rubra DC. خوانده شده است . این درخت در صفحات مازندران
به«نمدار» معروف است .
کو تی : درلغت دیلمی به‌معنی تپهٔ کوچك است .
کوچه : درلغت‌گیلکی به‌معنی «کوچك» است .
کول = **کل** : بضم‌کاف درلغت گیلکی ودیلمی به‌معنی تپهٔ نسبة بزرگ است .
کولك : دراصطلاح اهالی دیلمان نوعی‌تراش سرستون است .
کهل : بضم‌کاف وسکون‌هاء ، ازدرختان‌جنگلی‌شمال‌است‌که به‌نام‌علمی Pterocarya
fraxifolia *wild.* خوانده می‌شود .
کیش : شمشاد جنگلی‌است‌که به‌نام علمی Buxus sempervirens L. معروف‌است.
این درخت‌که برگش‌درزمستان نمی‌ریزد بسیارمورد تعظیم واحترام‌است .
دربعضی قسمتهای‌گیلان که این درخت در دسترس است وقتی به‌زیارت
امامزاده‌ها می‌روند ، شاخهٔ کوچکی از این درخت را باخود می‌برند و
به‌نرده وستون ایوان بقعه می‌زنند .
گرباس : نوعی بیل نوك تیز که درصفحات‌گیلان به‌کار می‌رود .
گنج گاو : بکسرجیم ،گاوکوهی‌یاگوزن است‌که‌شاخ‌آن داخل ساختمان‌امامزاده‌ها
یابدنهٔ درختان جنگلی صحن امامزاده‌ها دیده می‌شود. ازقدیمترین‌ایام
این حیوان مورد احترام بوده وامروزهم بادیدهٔ تعظیم به‌آن می‌نگرند.
گنگ : بضم‌گاف اول ، تنبوشه‌های باریك وبلند که بیشتر برای لوله‌کشی‌آب از
چشمه‌های دور دست به‌کار می‌رفته است ودر صفحات اشکور ودیلمان و
سمام ، فرسنگها ازاین لوله‌ها در زیرخاك تا امروز باقی است .

گهواره‌ای : بالای صندوقهائی‌که مرقدها را پوشانده است ، به‌شکل قسمت بالای گهواره‌های چوبین می‌سازند و آن را بدین نام می‌خوانند .

لاچ‌لنگری : ستون چوبین گرد یاچهارسو که بر بدنهٔ آن کنده‌کاری داشته باشد .

لانه : سنگهای تخت طبیعی به‌قطر سه‌چهارسانتیمتر ودرازا وپهنای نیم‌متریاکمی بیشتر که درساختمان دیوار یافرش‌کف به‌کار می‌برند .

لت‌پوش : بفتح لام وکسر تاء ، بنائی‌که بام آن را باتخته پاره‌هائی به‌طول سی‌چهل سانتیمتر وپهنای ده پانزده سانتیمتر پوشانده‌اند .

للیکی : بفتح لام اول ، از درختان جنگلی شمال است‌که به‌نام علمی Gledistschia Caspica *Desf.* خوانده شده است . بر بدنهٔ این درخت خارهای قهوه‌ای‌ـ رنگ بلند و نوک‌تیز است .

لمبه : بفتح لام وسکون میم ، تخته‌هائی به‌پهنای بیست سانتیمتر وطول دو متر یا بیشتر که از زیر بهواشانهای سقف‌کوبیده می‌شود .

لمبه‌کوبی : کوبیدن لمبه‌ها به‌واشانهای سقف بناها.

لها : بفتح لام ، چهارشاخ‌که برای باد دادن گندم وجوکوبیده به‌کارمی‌رود .

لی : از درختان جنگلی شمال است‌که نام علمی Ulmus procera *Salisb* معروف است .

مرخ : بفتح میم ، از درختان جنگلی شمال است که به نام علمی Crataegus L. خوانده می‌شود . دربپاره‌ای نقاط گیلان این درخت را ولیاك (بفتح واو) گویند .

ون : بفتح واو ، از درختان جنگلی شمال ایران است‌که به‌نام علمی Fraxinus L. معروف است .

هلی : بفتح هاء ، آلوچهٔ وحشی‌است ودرجنگلهای شمال فراوان است و به‌نام‌علمی Prunus divaricata *Ledeb* خوانده می‌شود .

پایان مجلد دوم

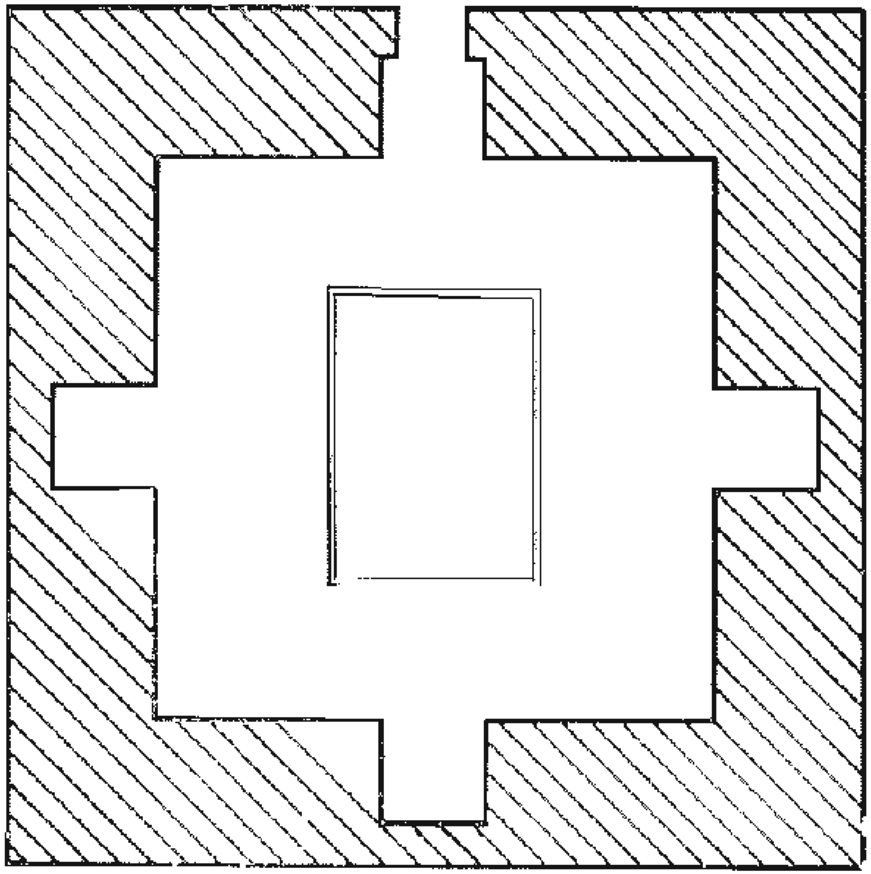

بقعهٔ سید جلال‌الدین اشرف در آستانهٔ اشرفیه

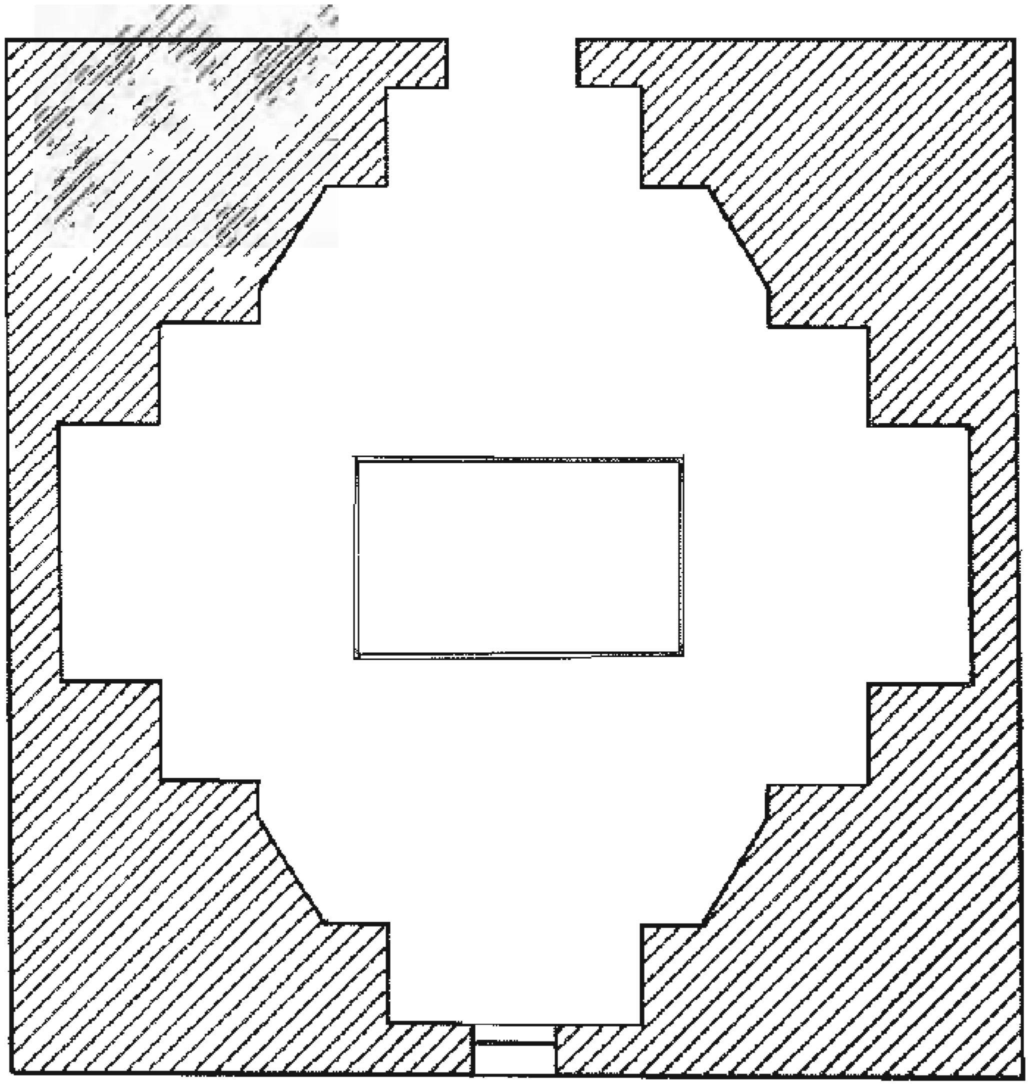

بقعهٔ آقاپیر رضا در لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۱) امامزاده طیب و طاهر دردهکدهٔ پاکده فاراب عمارلو

(عکس شمارهٔ ۲) دورنمای امامزاده طیب و طاهر

دردهکدهٔ پاکده فاراب عمارلو

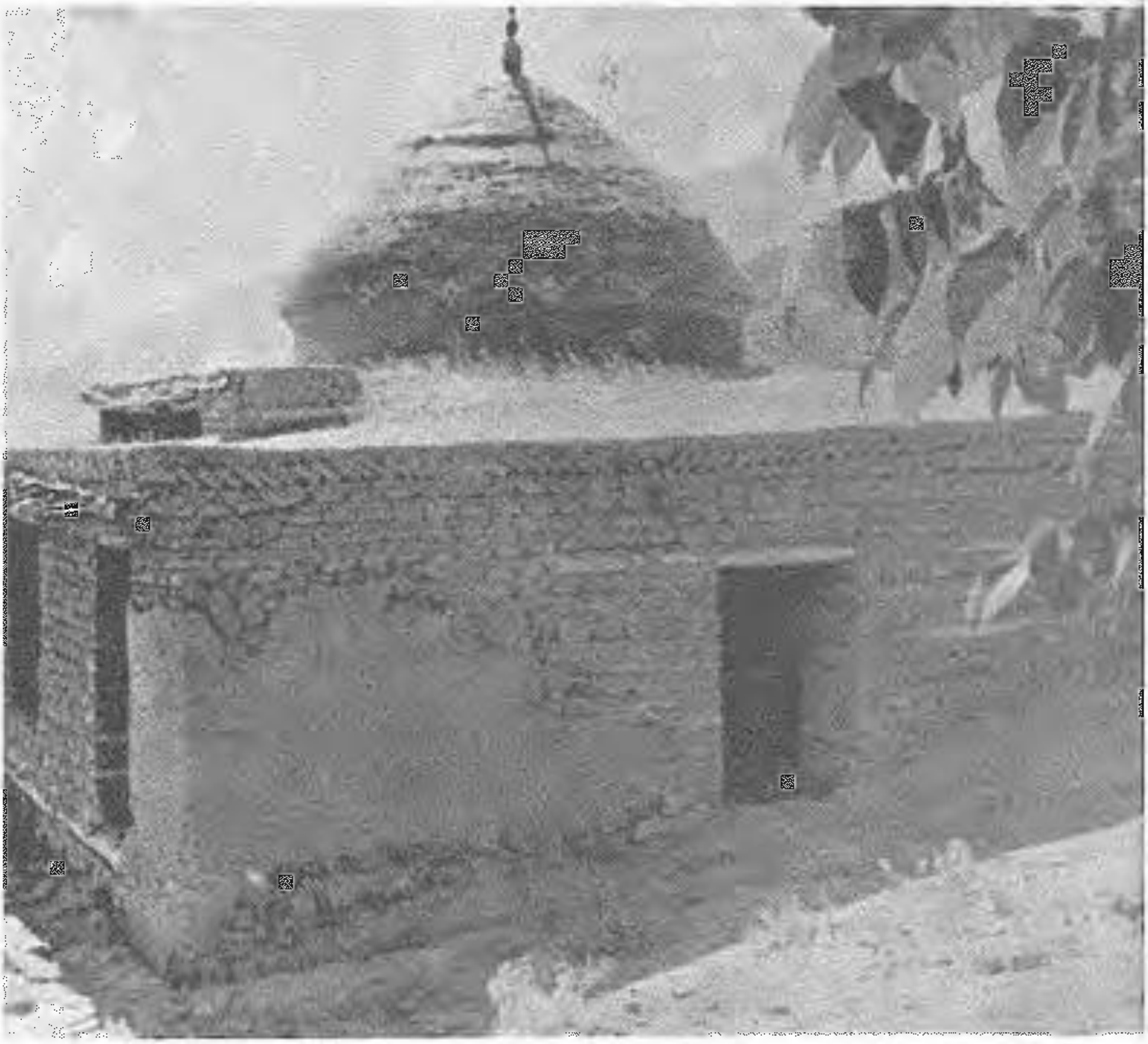

(عکس شمارهٔ ۳) امام‌زاده علی‌اصغر وعلی‌عسکر
دردهکدهٔ جیرین‌ده فاراب عمارلو

(عکس‌شمارهٔ ۴) نمای دیگری از امام‌زاده علی‌اصغر وعلی‌عسکر دردهکدهٔ

جیرین‌ده فاراب عمارلو

(عکس شمارهٔ ۵) نمای غربی پل انبوه ولایه‌های سنگی سمت چپ آب شاهرود

(عکس شمارهٔ ۶) نمای غربی پل انبوه وپایه‌های طرفین پل

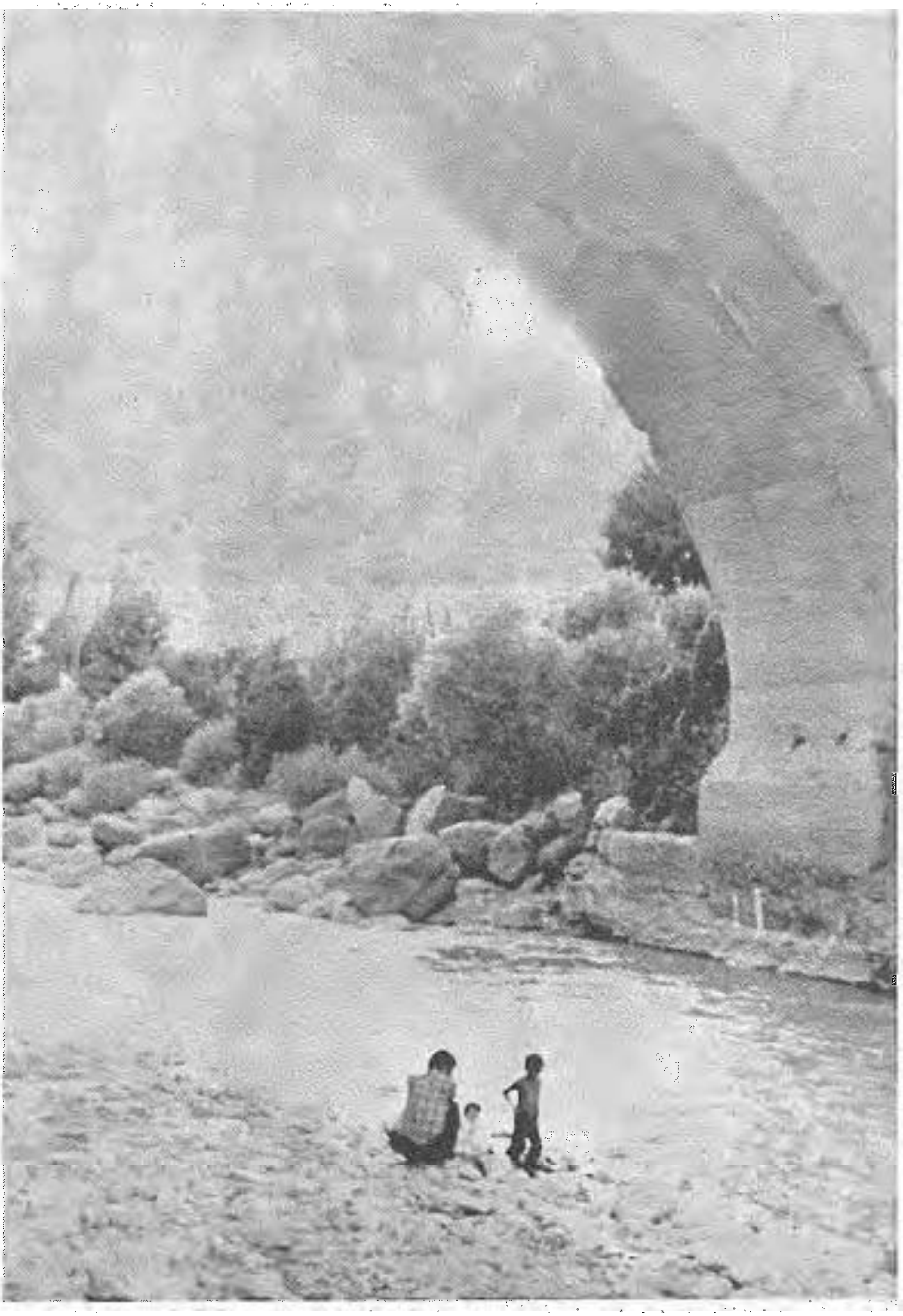

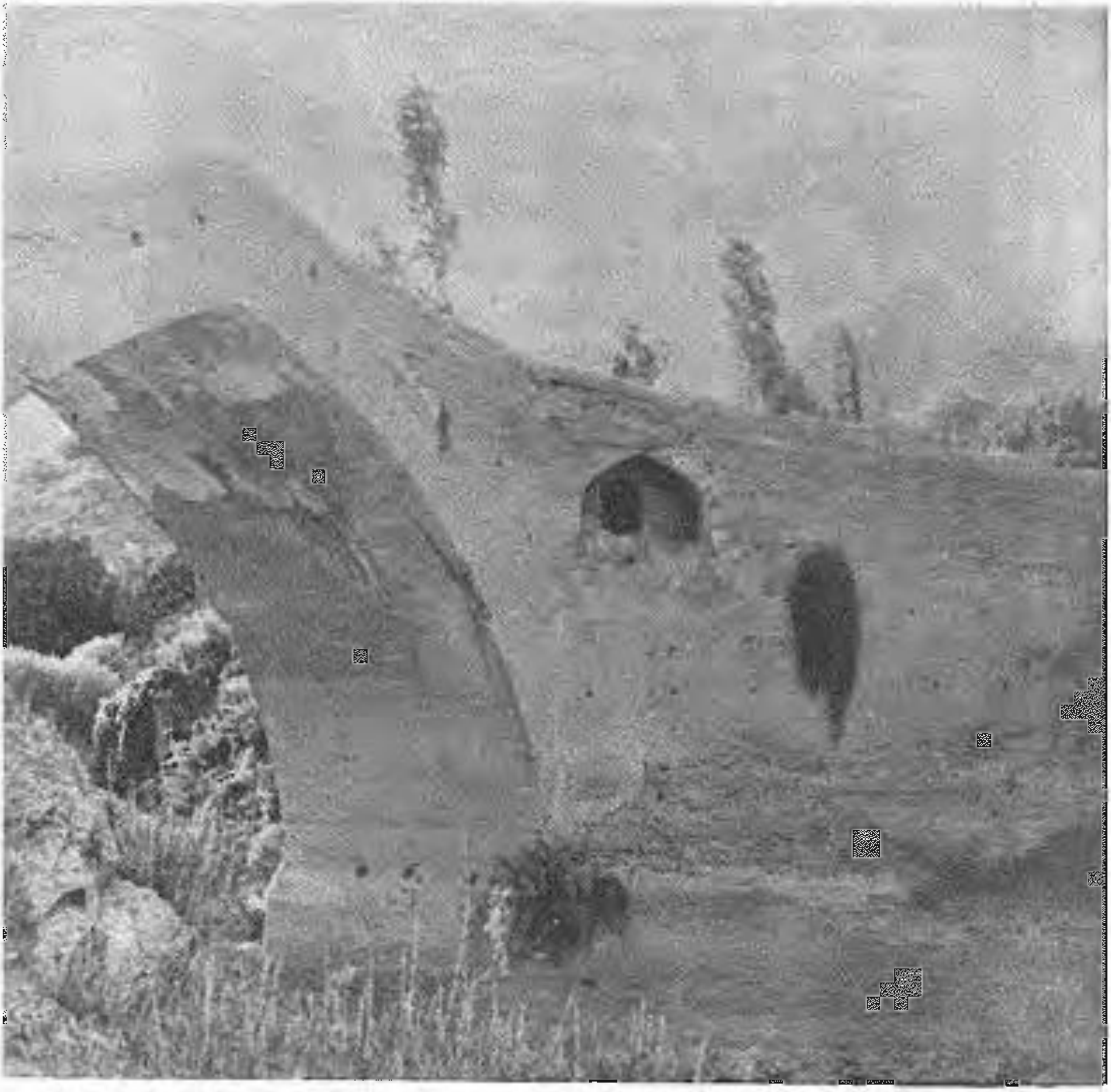

(عکس شمارهٔ ۸) نمای ایوان شرقی پل‌انبوه که متصل به‌اطاق است

(عکس شمارهٔ۷)
قسمتی ازنمای شرقی و
پایهٔ سمت راست پل‌انبوه

(عکس شمارهٔ ۹) وقفنامهٔ قرآنی که پری سلطان برمشهد سیدعلی کیا وقف کرده‌است

(عکس شمارهٔ ۱۰) دوصفحه ازقرآن مترجم که پری‌سلطان برمشهد
سیدعلی کیا وقف کرده است

(عکس شمارهٔ ۱۱) دو صفحه از قرآن مترجم
که میرمحمدباقر فیلدهی وقف بقعهٔ فیلده
کرده است

(عکس شمارهٔ ۱۲) بقعهٔ آقاسیداحمد دردهکدهٔ دیلمان

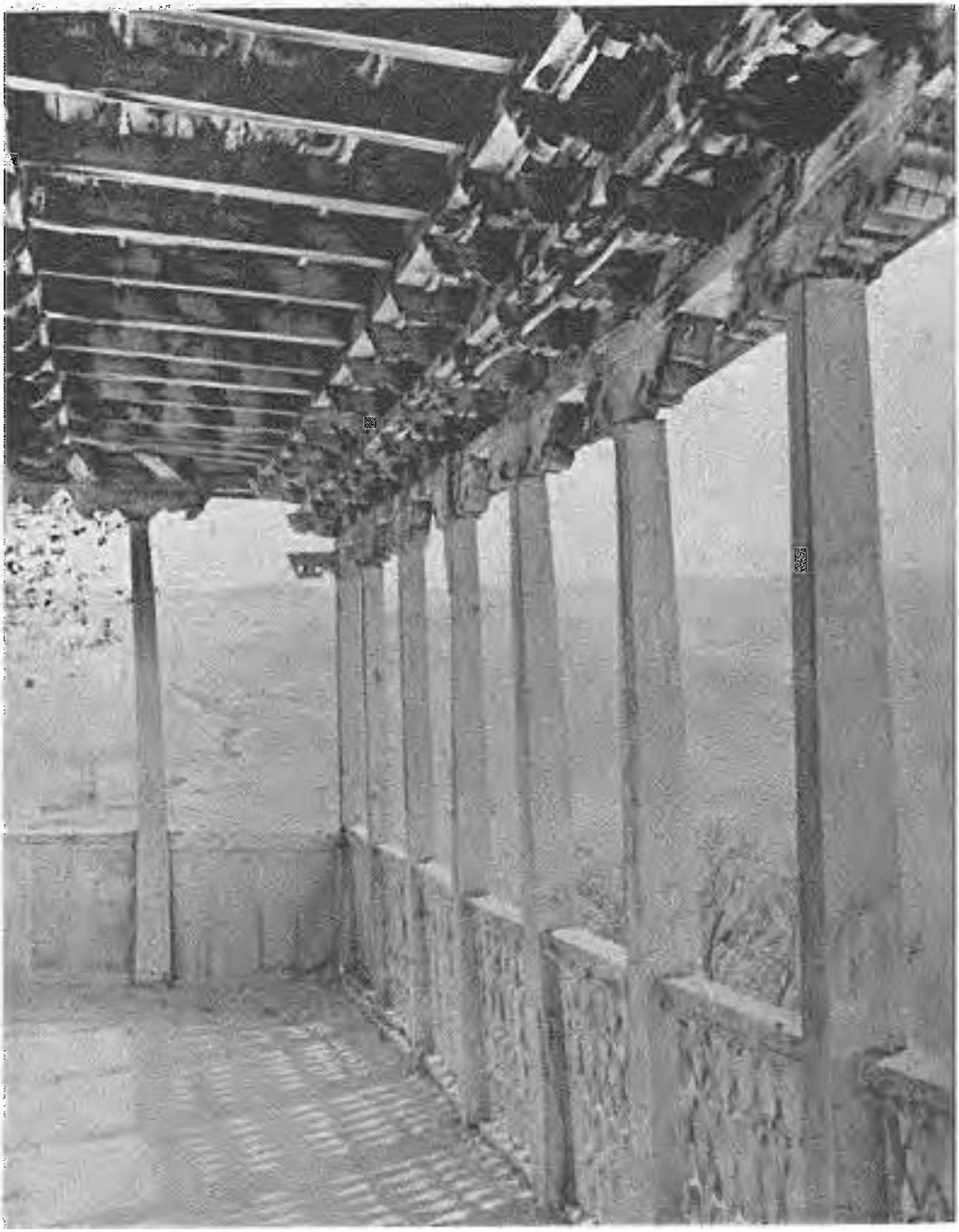

(عکس شمارهٔ ۱۳) ستونهای چهارسوی چوبین وقسمتی ازسقف ایوان بقعهٔ

آقا سیداحمد دردهکدهٔ دیلمان

(عکس شمارهٔ ۱۴) ستونهای لاچ‌لنگری بقعهٔ آقاسیداحمد وقسمتی ازدهکدهٔ دیلمان

(عکس شمارهٔ ۱۵) گنبد وسقف لته‌پــوش
بقعهٔ امام‌زاده محمد وامام‌زاده هادی
نزدیك دهکدهٔ شاه شهیدان دیلمــان

(عکس شمارهٔ ۱۶) آجرکاریهای ظریف ودرگاه ورودی بقعهٔ امامزاده محمد و

امامزاده هادی نزدیك دهکدهٔ شاهشهیدان دیلمان

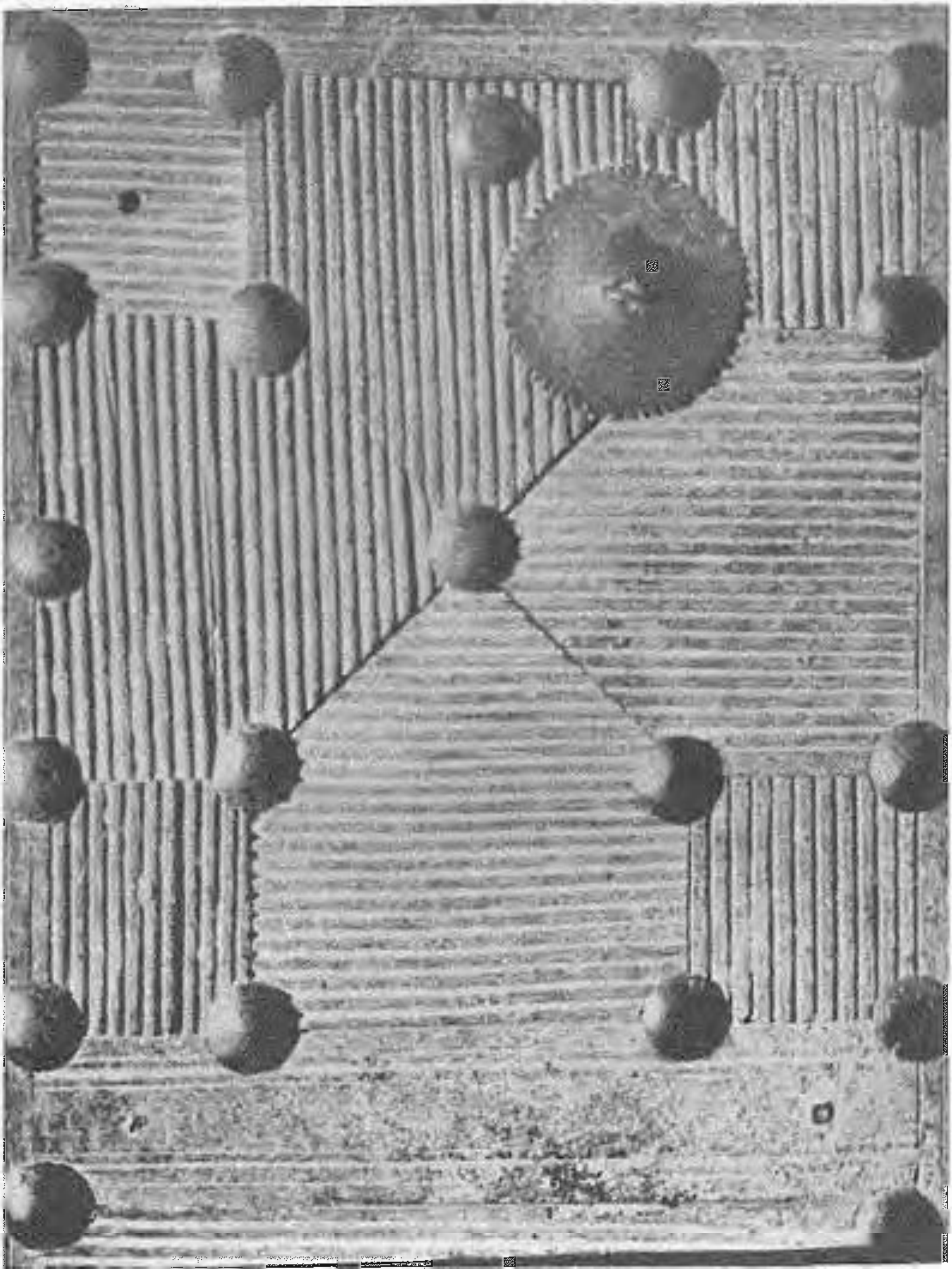

(عکس شمارهٔ ۱۷) قسمتی ازلنگه در ورودی حرم بقعهٔ شاه‌شهیدان
دردهکدهٔ شاه شهیدان دیلمان.

(عکس شمارهٔ ۱۸) مسجد بقعهٔ شاه‌شهیدان ودرخت
ون کهنسال آن نزدیک دهکدهٔ شاه شهیدان دیلمان

(عکس شمارهٔ ۱۹) بقعهٔ باباولی یامدفن قادر پیغمبر دردهکدهٔ باباولی دیلمان

(عکس شمارهٔ ۲۰) مجلس معراج پیغمبر بر دیوار
خارجی بقعهٔ باباولی در دهکدهٔ باباولی دیلمان

(عکس شمارۀ ۲۱) مجلس ام‌لیلی وحضرت علی‌اکبر بردیوار خارجی بقعۀ باباولی دردهکدۀ باباولی دیلمان

(عکس شمارهٔ ۲۲)قسمتی از کنده‌کاریهای صندوق بقعهٔ باباولی در دهکدهٔ باباولی دیلمان

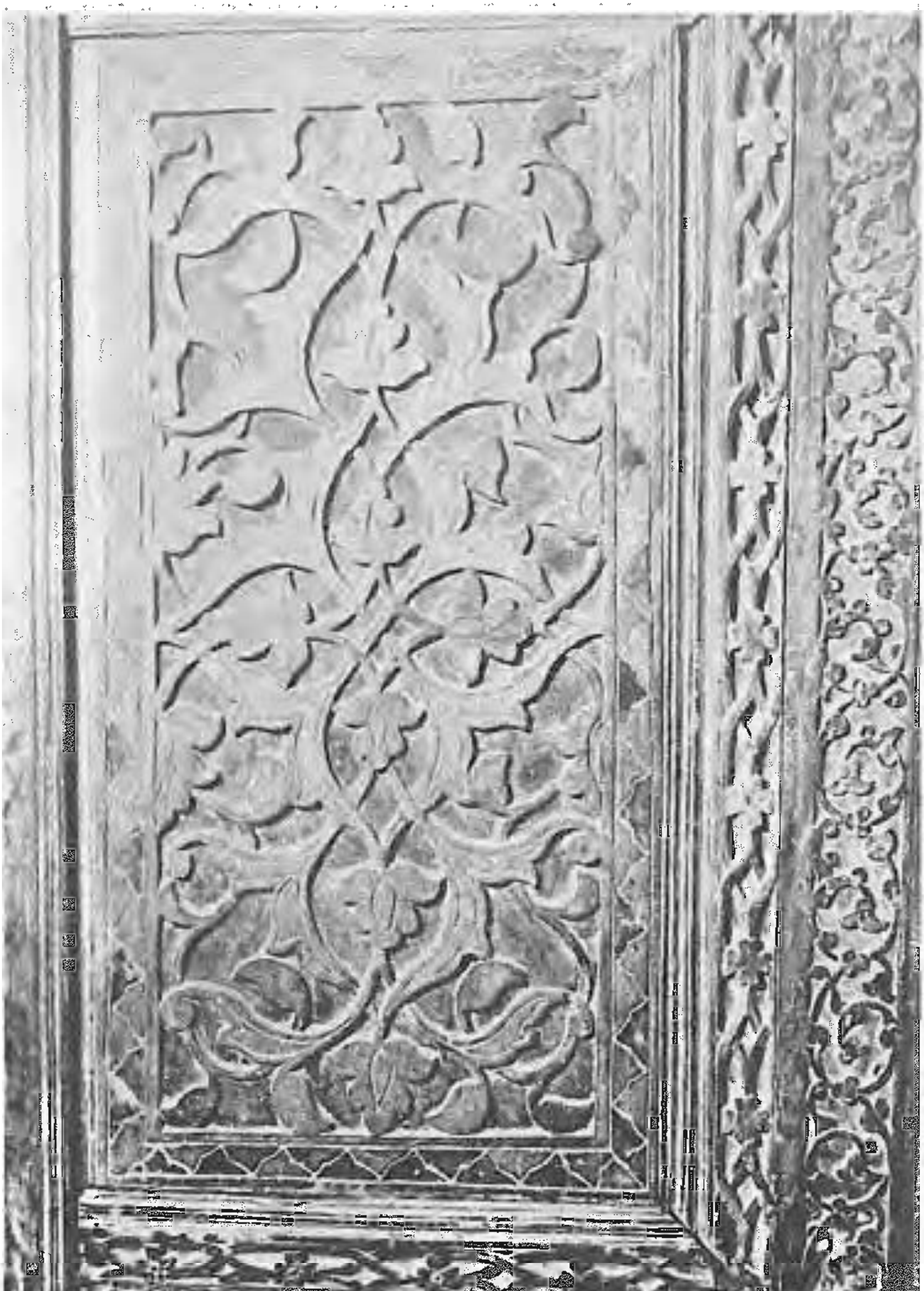

(عکس شمارهٔ ۲۳) قسمتی از کنده‌کاریهای صندوق‌بقعهٔ باباولی که روی‌تنکه‌های جداگانه است

(عکس شمارهٔ ۲۴) دوبیت شعر که برصندوق بقعهٔ باباولی کنده‌کاری شده است

(عکس شمارهٔ ۲۵) قسمت بالای سنگ قبر پیری‌بیک در باباولی دیلمان

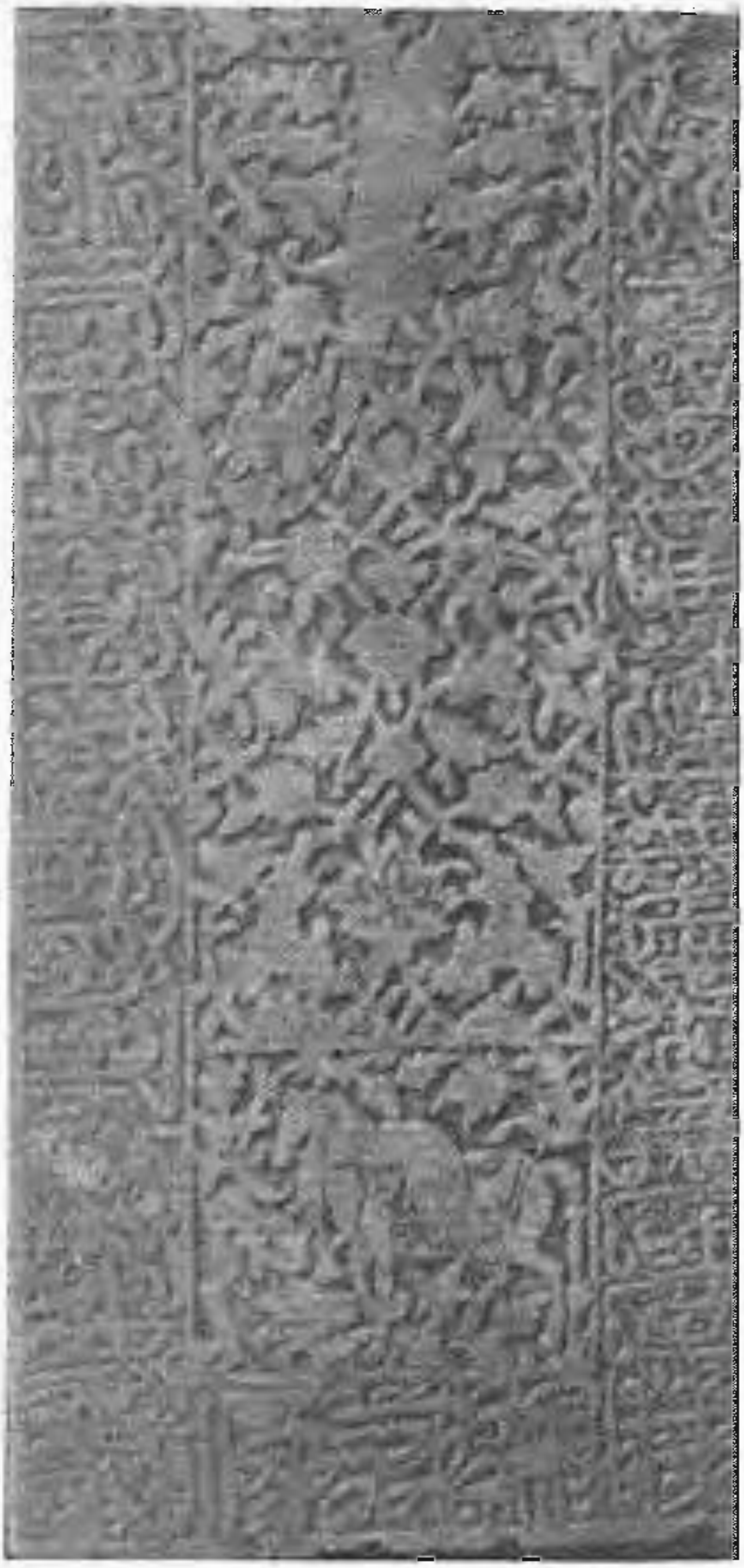

(عکس شمارهٔ ۲۶)

قسمت پایین سنگ قبر پیری‌بیك در باباولی دیلمان

(عکس شمارهٔ ۲۷)

سنگ‌قبر نادعلی‌بیك خلیفه در باباولی دیلمان

(عکس، شمارهٔ ۲۸) قسمت بالای سنگ‌قبر نادعلی بیك خلیفه درباباولی دیلمان

(عکس شمارهٔ ۲۹) بقعهٔ امامزاده‌قاسم وامامزاده حمزه دردهکدهٔ کومس دیلمان

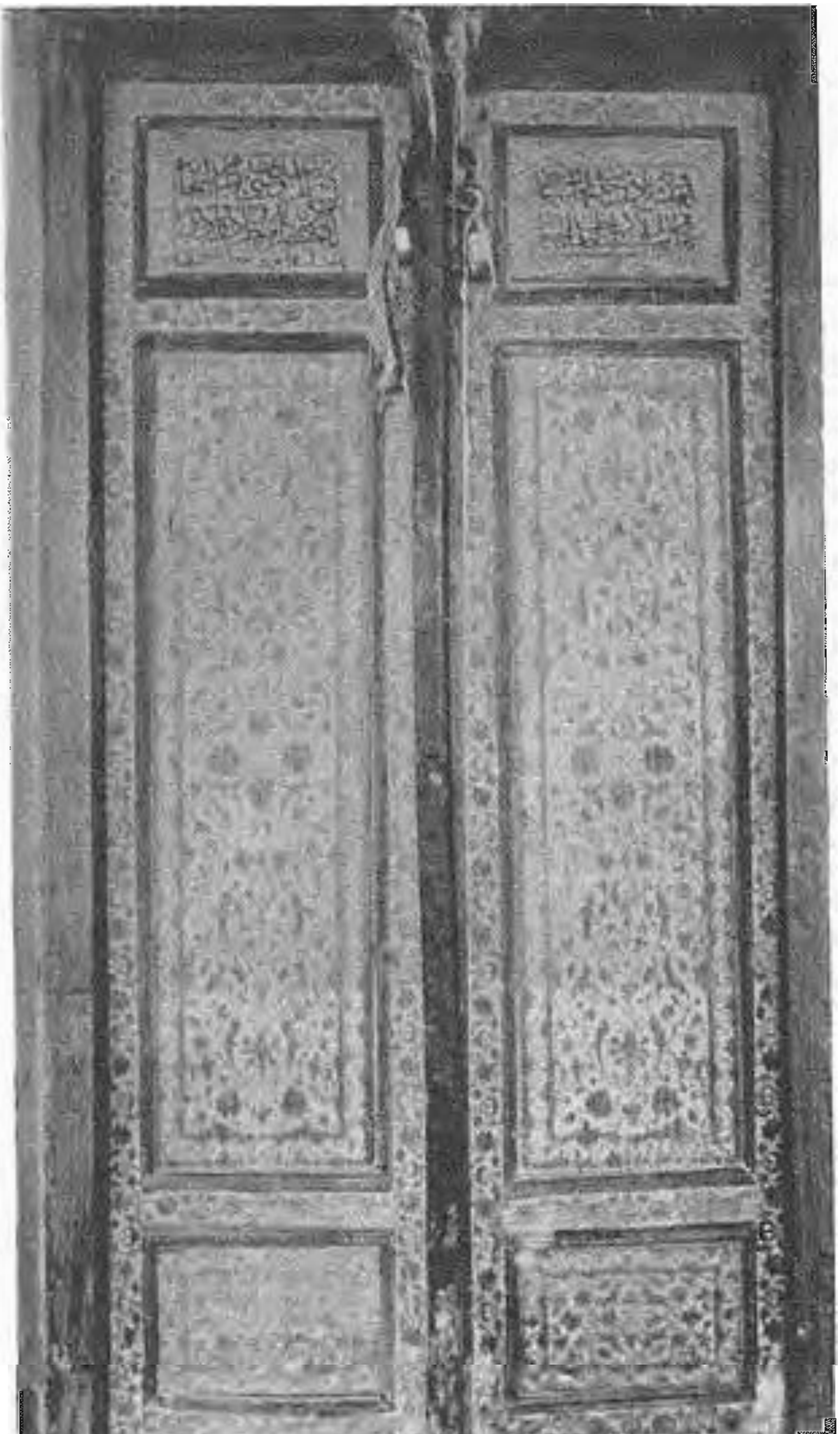

(عکس شمارهٔ ۳۰) در ورودی بقعهٔ امامزاده قاسم و امامزاده حمزه در دهکدهٔ کومس دیلمان

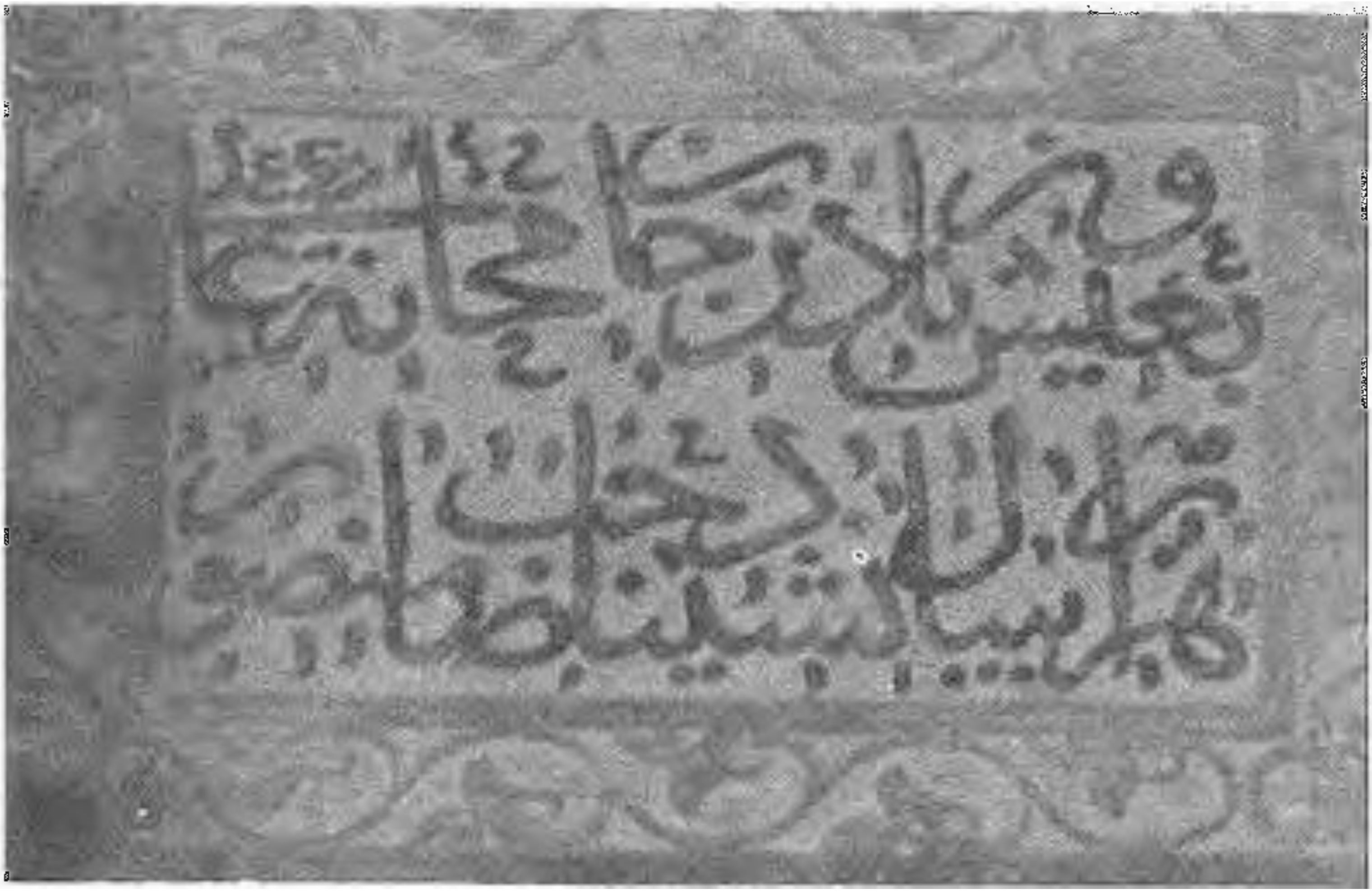

(عکس شمارهٔ ۳۱) کتیبهٔ لنگهٔ سمت راست در ورودی بقعهٔ امامزاده قاسم و امامزاده حمزه در دهکدهٔ کومس دیلمان

(عکس شمارهٔ ۳۲) کتیبهٔ لنگهٔ سمت چپ در ورودی بقعهٔ امامزاده قاسم و امامزاده حمزه در دهکدهٔ کومس دیلمان

(عکس شمارهٔ ۳۲) بقعهٔ امامزاده هادی دردهکدهٔ میکال دیلمان

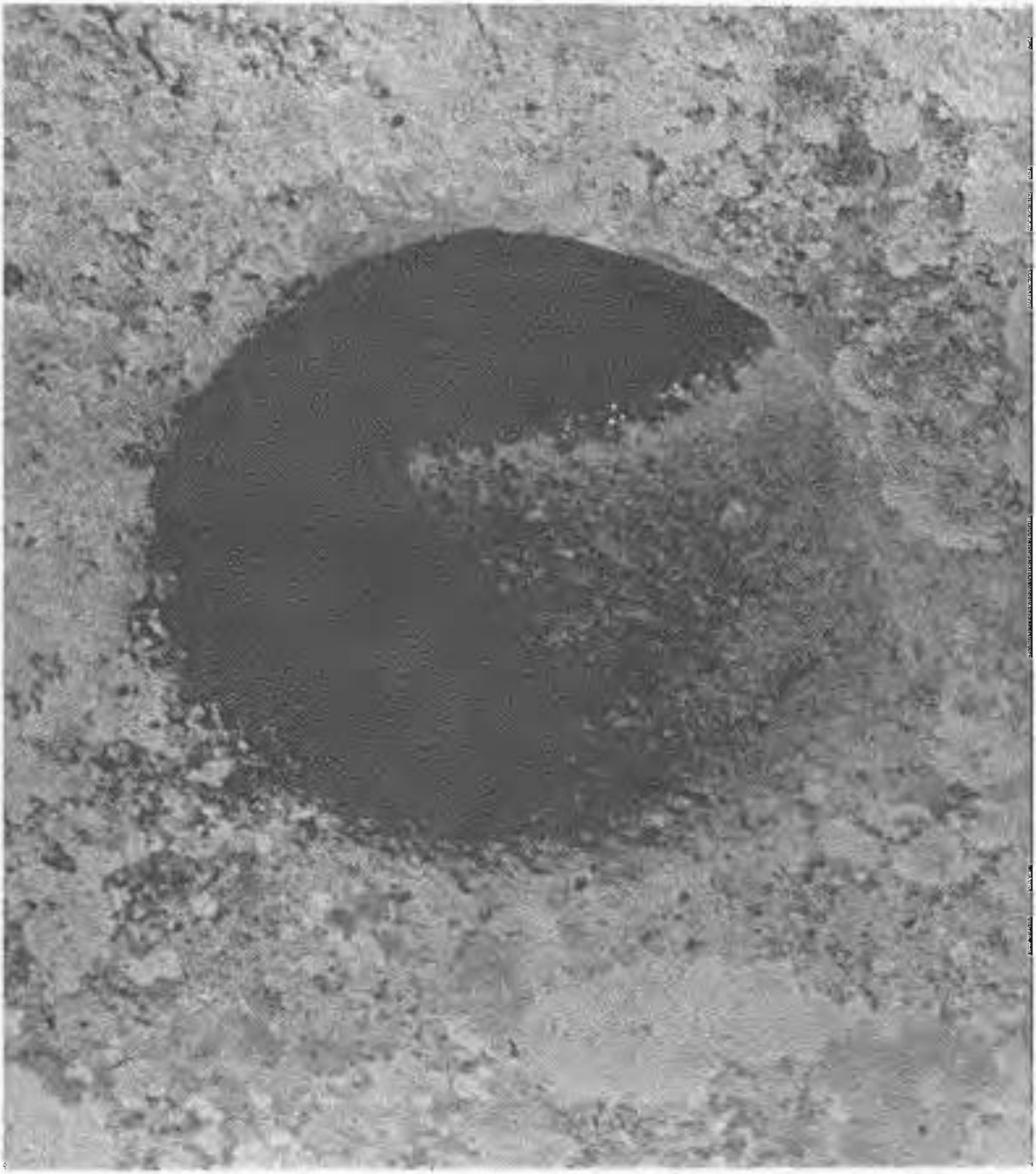

(عکس شمارهٔ ۳۴) یکی از آتشدانهای اراضی کشتزار دهکدهٔ نوروزمحلهٔ دیلمان

(عکس شمارهٔ ۳۵) بقعهٔ آقا سیدابراهیم

معروف به امامزاده تودار برفراز قلهٔ کوه تودار

(عکس شمارهٔ ۳۶) شاخهای گنج گاو بر درخت ون
درتودار که برسر آنها شاخ بز کوهی زده‌اند

(عکس شمارهٔ ۳۷) نمای خارجی دیوار غربی تی‌تی کاروانسرا

(عکس شمارهٔ ۳۸) درگاه ورودی تی‌تی کاروانسرا

(عکس شمارهٔ ۳۹) مدخل یکی از اطاقهای
زوایهٔ تی تی کاروانسرا وصفهٔ جلومدخل باطاق جناقی آن

(عکس شمارهٔ ۴۰) صفه مقابل در ورودی تی‌تی کاروانسرا

(عکس شمارهٔ ۴۱) طاق وصفهٔ مقابل در ورودی وطاق
جلو در ورودی یکی از اطاقهای زاویهٔ تی‌تی کاروانسرا

(عکس شمارهٔ ۴۲)
کتیبهٔ لنگهٔ سمت راست در ورودی بقعهٔ آقاسیداسماعیل و آقاسیدابراهیم درسیاهکل محلهٔ سیاهکل که قسمت بالایی آن پررنگ شده است

(عکس شمارهٔ ۴۳)
کتیبهٔ لنگهٔ سمت چپ در ورودی بقعهٔ آقاسید اسماعیل و آقا سید ابراهیم درسیاهکل محلهٔ سیاهکل

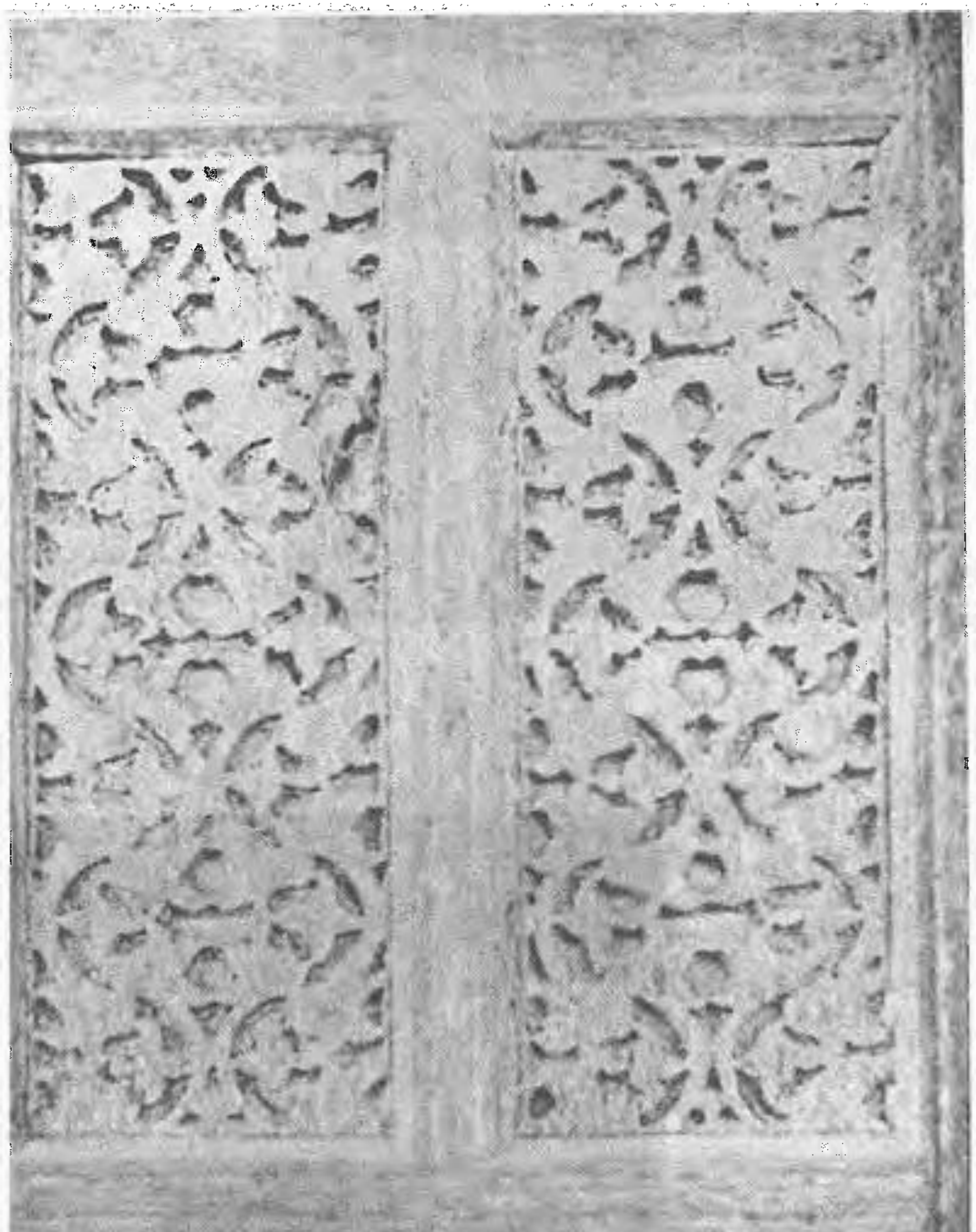

(عکس شمارهٔ ۴۴) قسمتی از بدنهٔ یکی ازصندوقهای چوبین
بقعهٔ آقاسیداسماعیل وآقاسیدابراهیم درسیاهکل محلهٔ سیاهکل

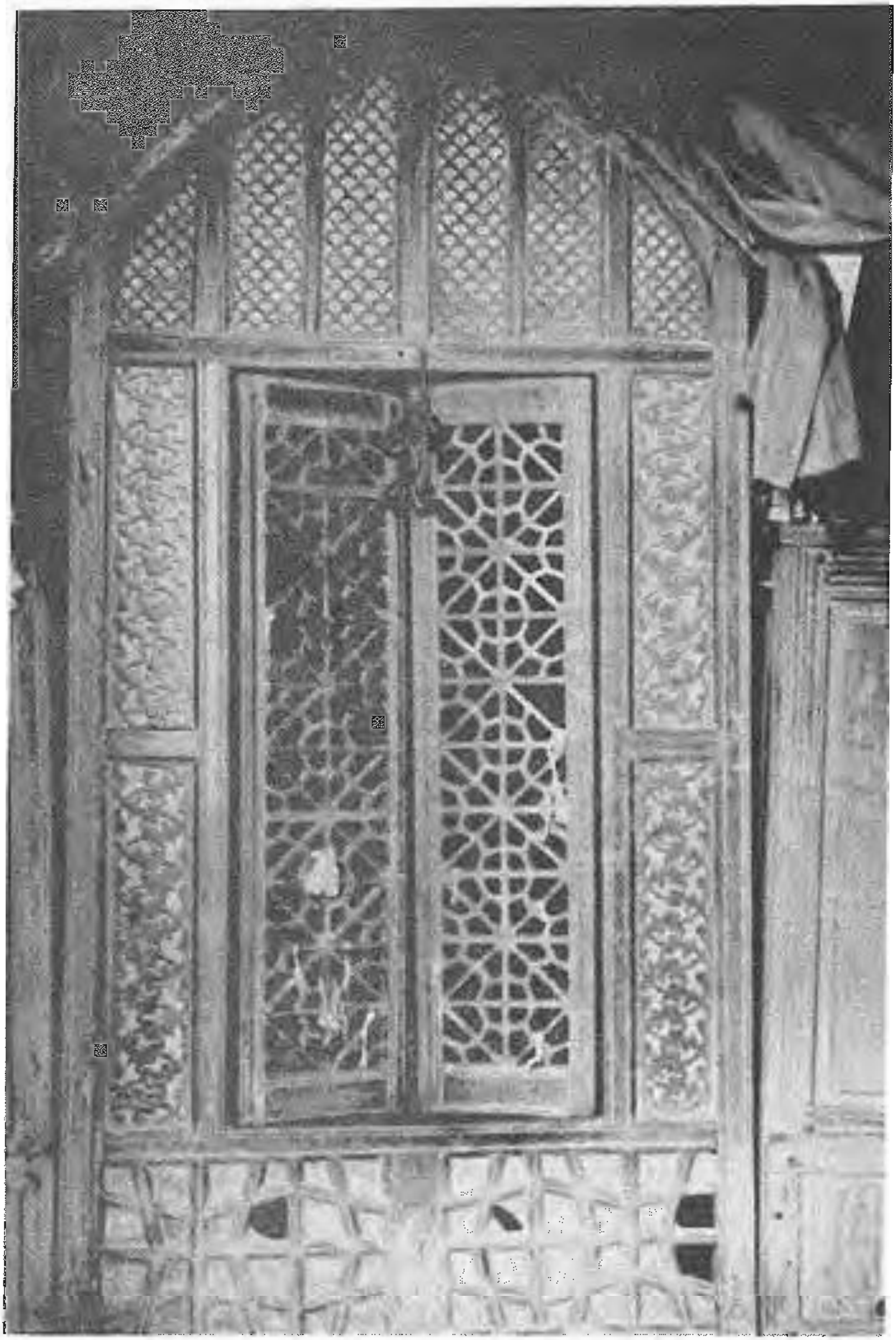

(عکس شمارهٔ ۴۵)درمیان دوصندوق آقاسیداسماعیل وآقاسیدابراهیم درسیاهکل محلهٔ سیاهکل

(عکس شمارهٔ ۴۶) بدنهٔ شمالـی صندوق چوبی بقعهٔ
آقا سیداسماعیل و آقاسیدابراهیم درسیاهکل محلهٔ سیاهکل

(عکس شمارهٔ۴۷)
یکی از دو در ورودی بقعهٔ آقاسید محمدصالح
وآقاسید سلطان‌حسین درلمش مهربن سیاهکل

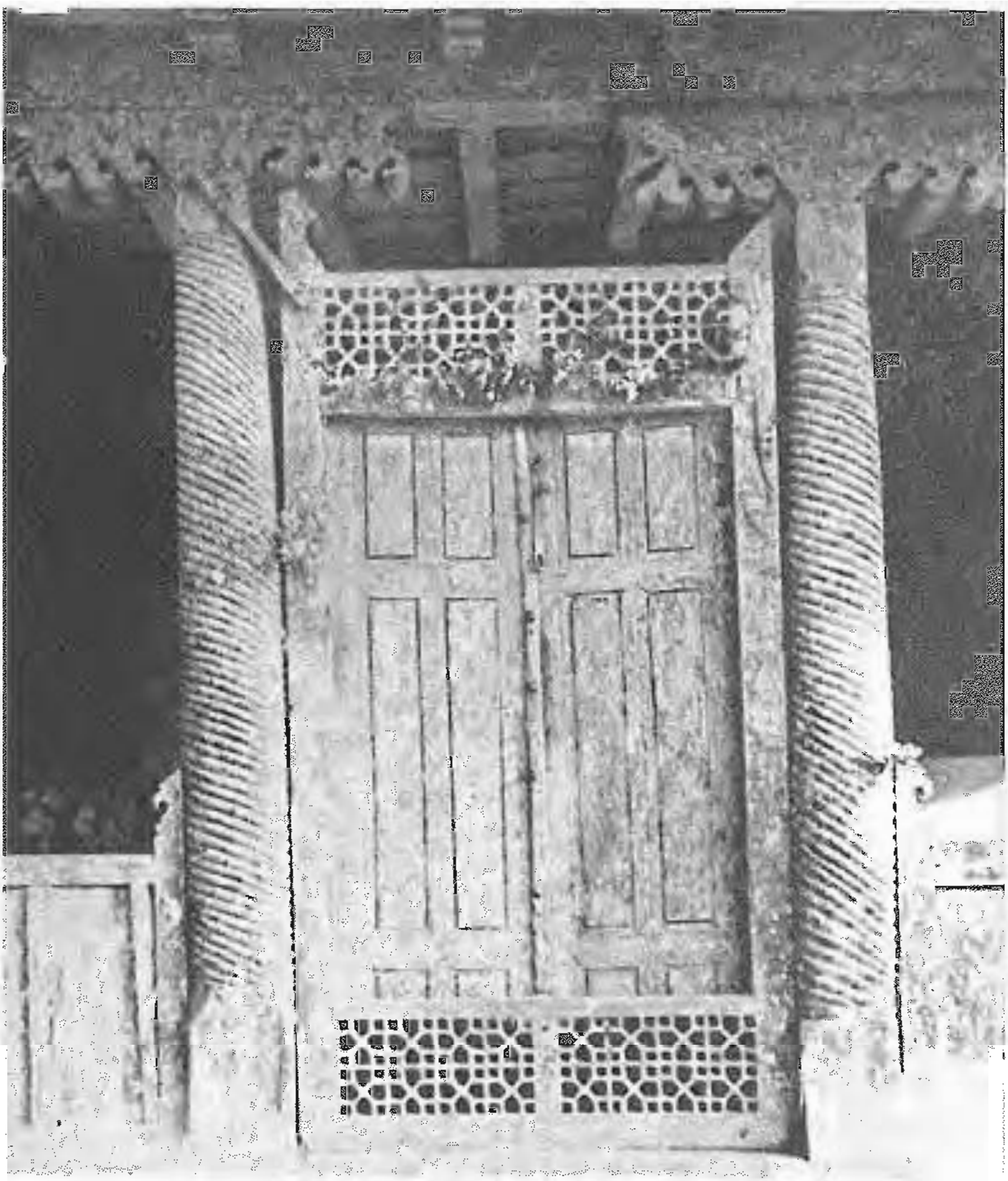

(عکس شمارهٔ ۴۸) محل قلعهٔ لمش که با + مشخص شده است

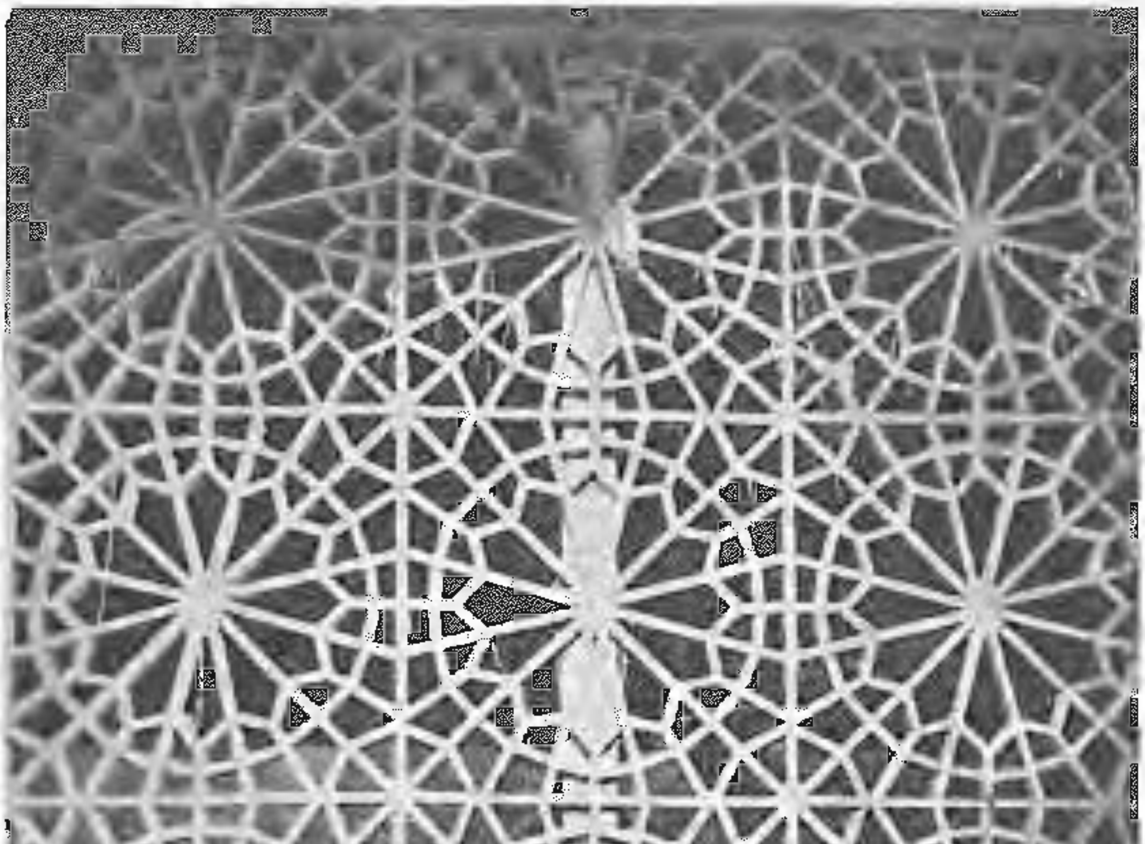

(عکس شمارهٔ ۴۹)
قسمتی از ضریح بقعهٔ آقاسید
حسن در ازبرم سیاهکل

(عکس شمارهٔ ۵۰) نمای خارجی زیارت دستخط امام زین‌العابدین علیه‌السلام در کلام‌سر سیاهکل

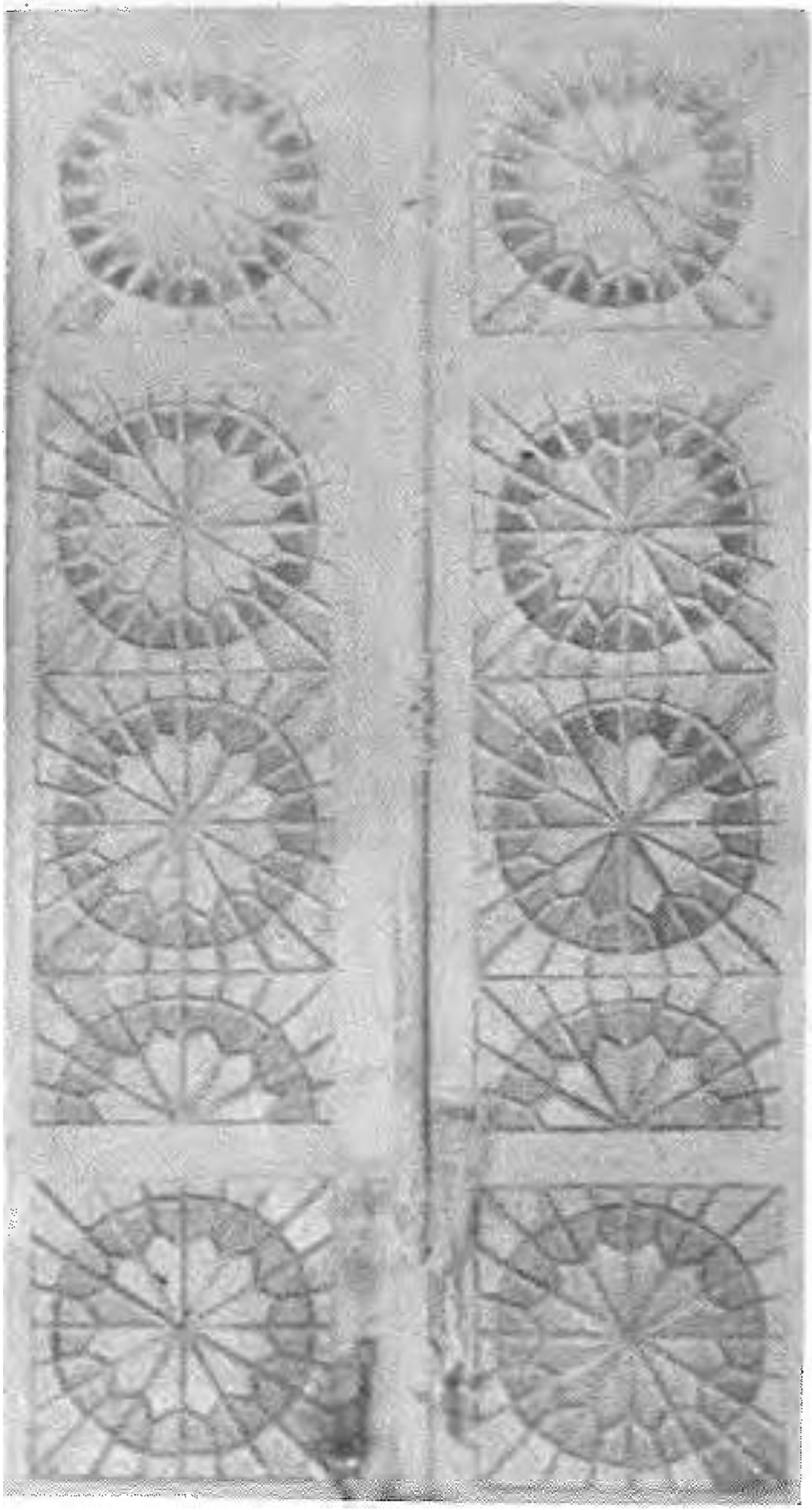

(عکس شمارهٔ ۵۱) یکی از درهای ورودی بقعهٔ آقاسیدمحمد و آقاسید محمود

در دهکدهٔ لشکریان سیاهکل

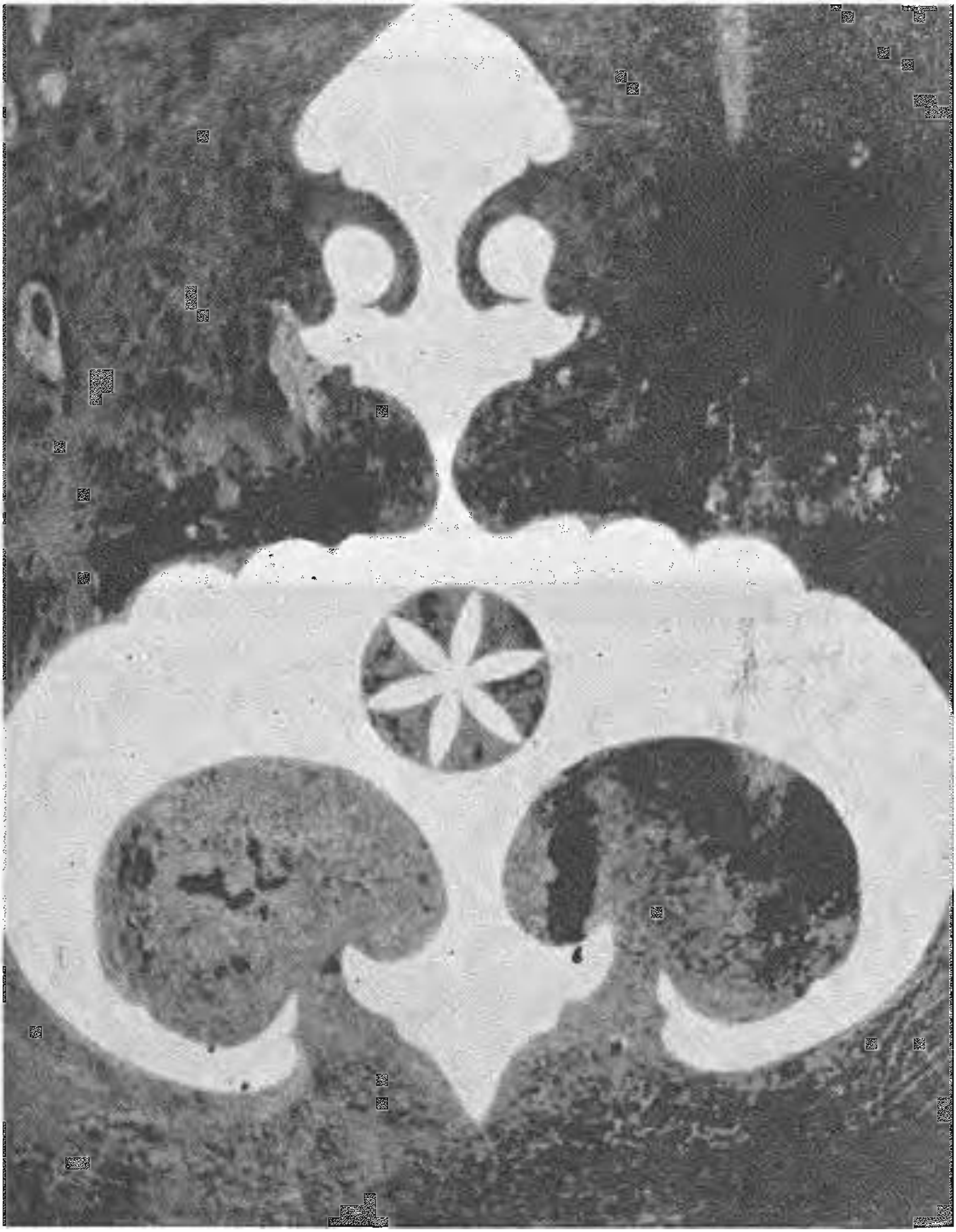

(عکس شمارهٔ ۵۲) نقش علمی بردیوار بقعهٔ آقا سیدمحمد وآقا سید محمود

در دهکدهٔ لشکریان سیاهکل

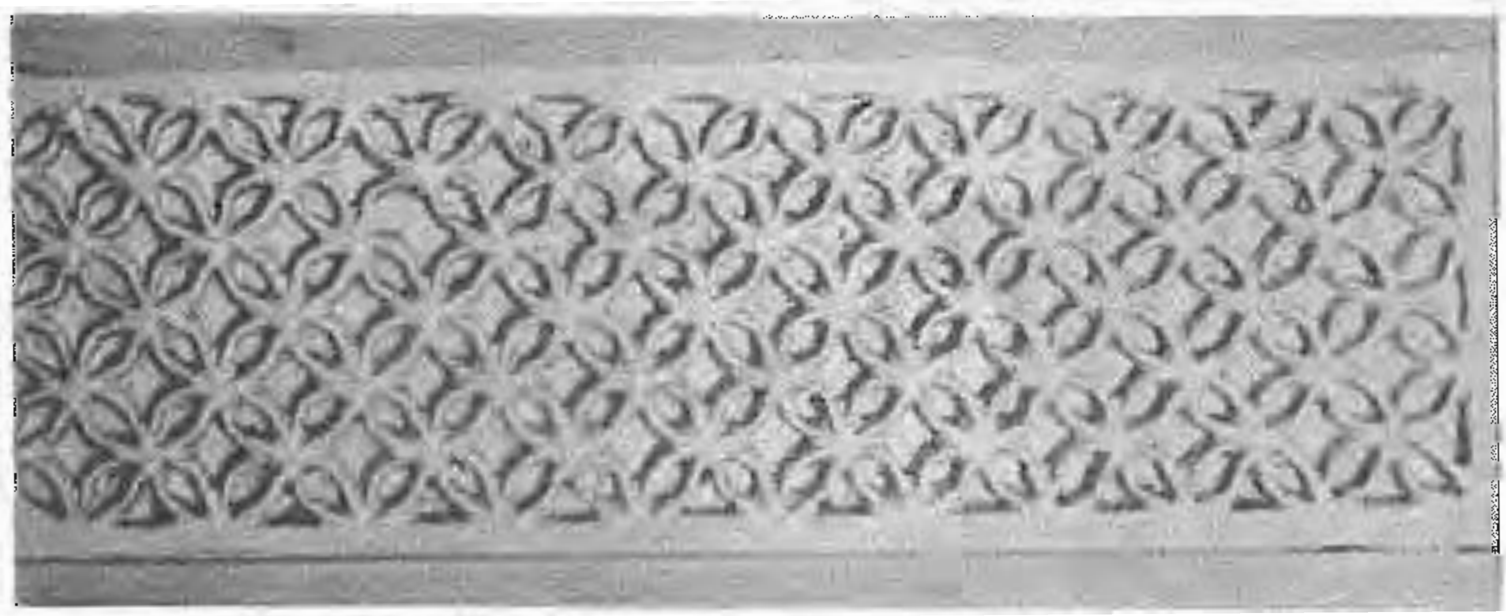

(عکس شمارهٔ ۵۳) خفنگ گچ‌کاری بالای یکی از درهای بقعهٔ آقا میرشهید

در محلهٔ اردوبازار لاهیجان

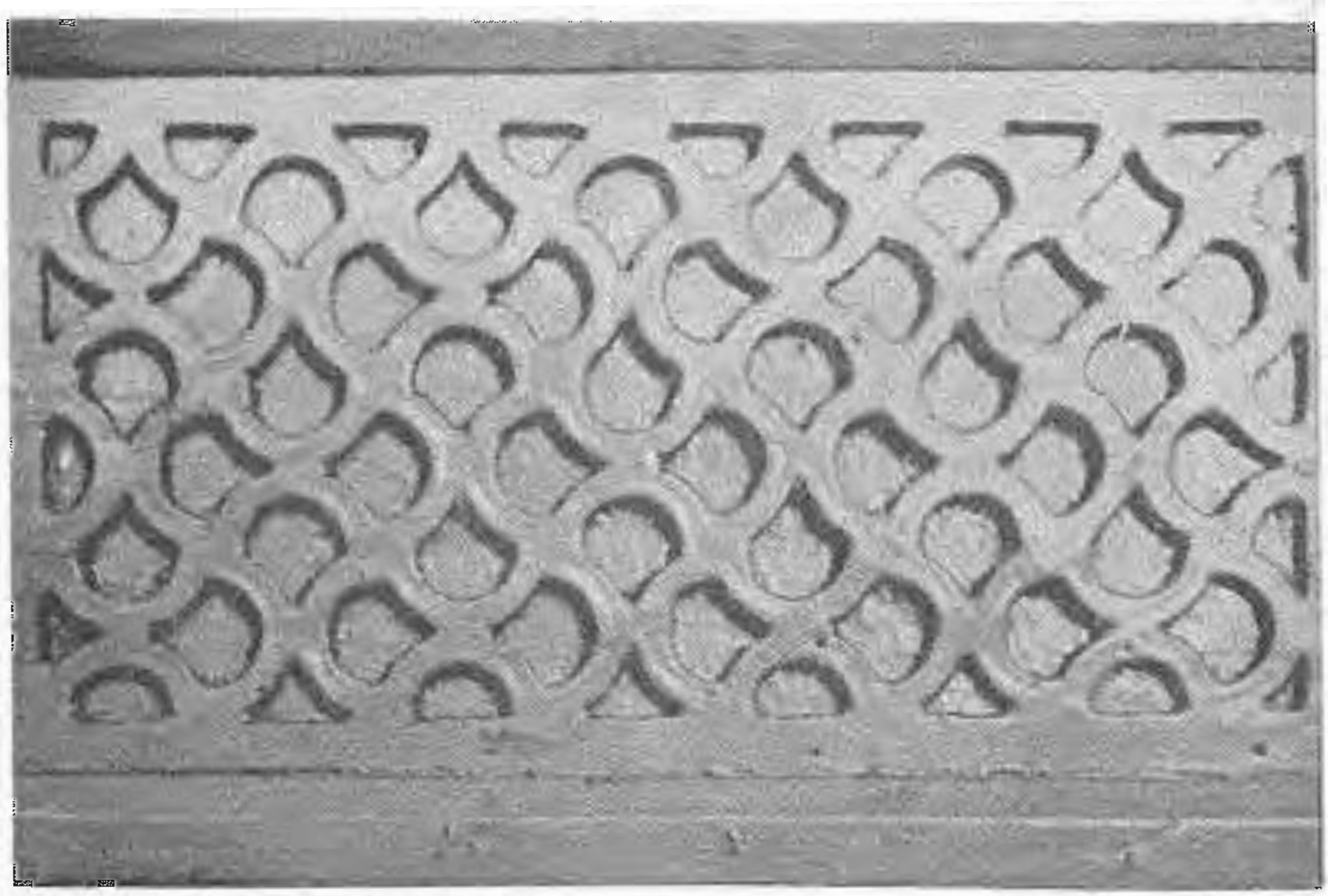

(عکس شمارهٔ ۵۴) خفنگ گچ‌کاری دیگری در بالای یکی از درهای بقعهٔ آقامیرشهید

در محلهٔ اردوبازار لاهیجان

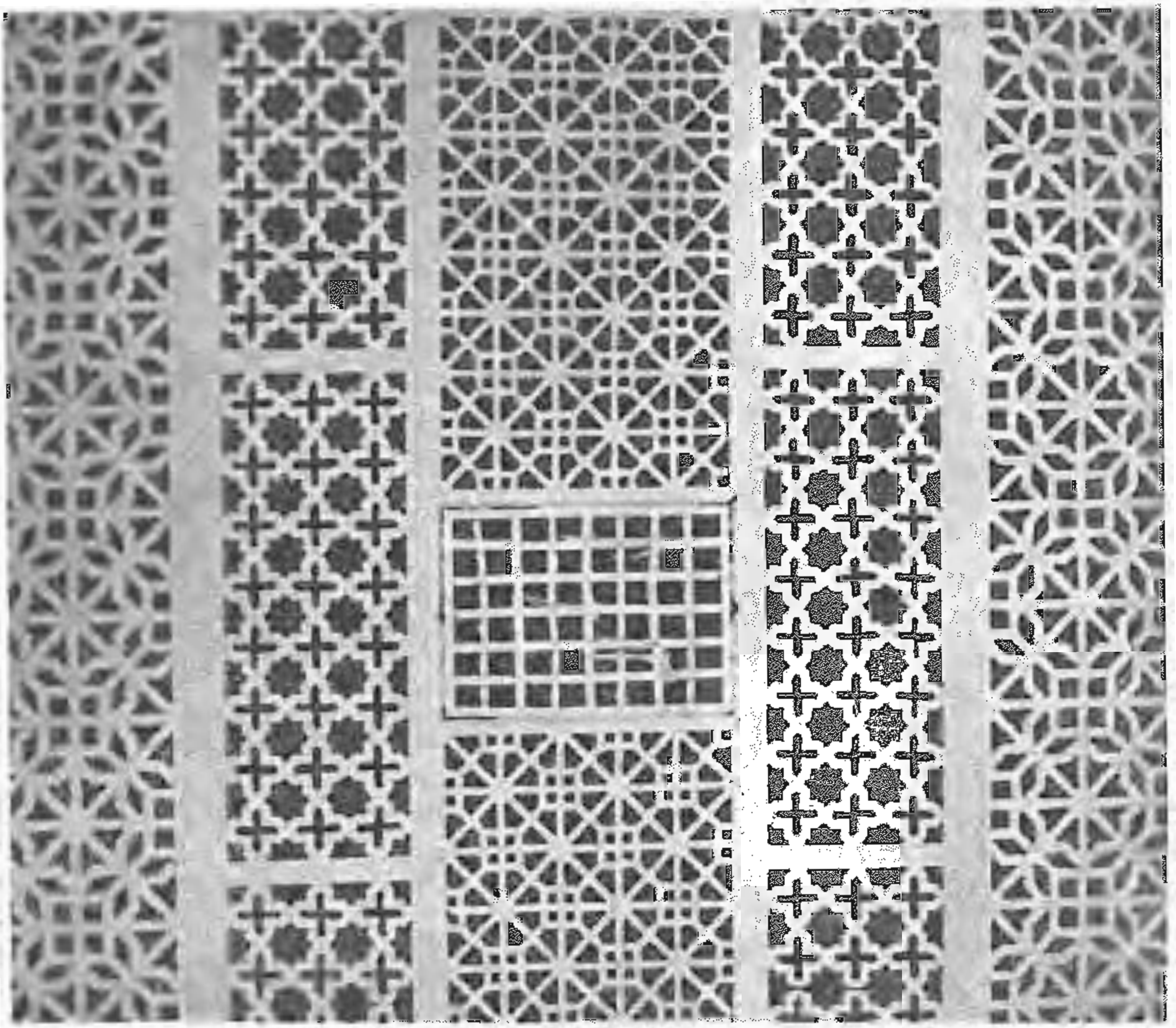

(عکس شمارهٔ ۵۵) ضریح مشبک چوبین بقعهٔ آقا میرشهید در محلهٔ اردوبازار لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۵۶) نقاشی بالای در ورودی بقعه آقا میرشهید در محلهٔ اردوبازار لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۵۷) سنگ قبری در بقعهٔ
آقا میرشهید درمحلهٔ اردوبازار لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۵۸) حسینیه ومنبرچراغانی
آقامیرشمس‌الدین درمحلهٔ اردوبازار لاهیجان

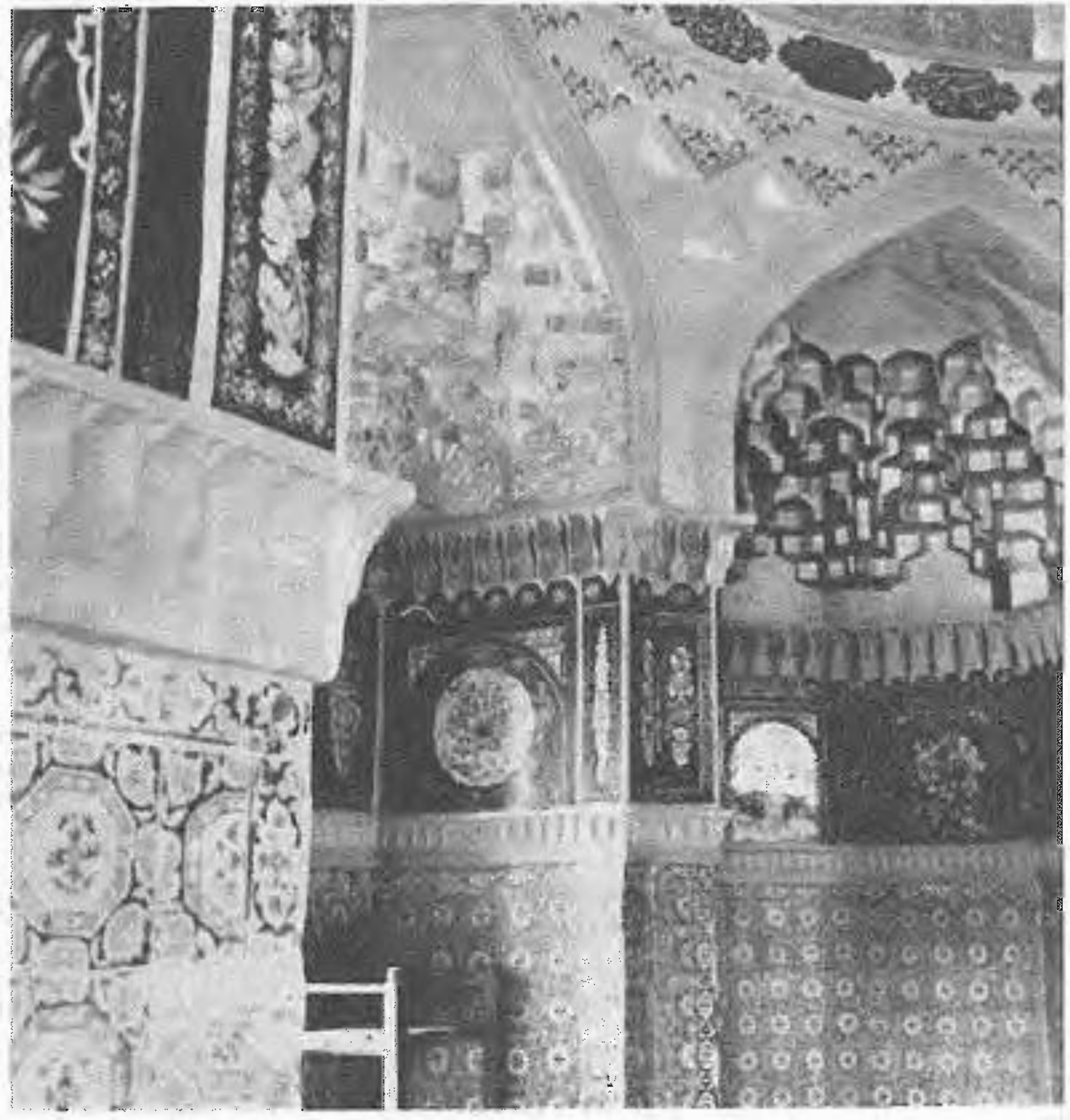

(عکس شمارهٔ ۵۹) نمای غرفه‌های داخلی بقعهٔ آقامیرشمس‌الدین درمحلهٔ اردوبازار لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۶۰) مقرنس سقف غرفه‌های داخلی
بقعهٔ آقا میرشمس‌الدین محلهٔ اردوبازار لاهیجان

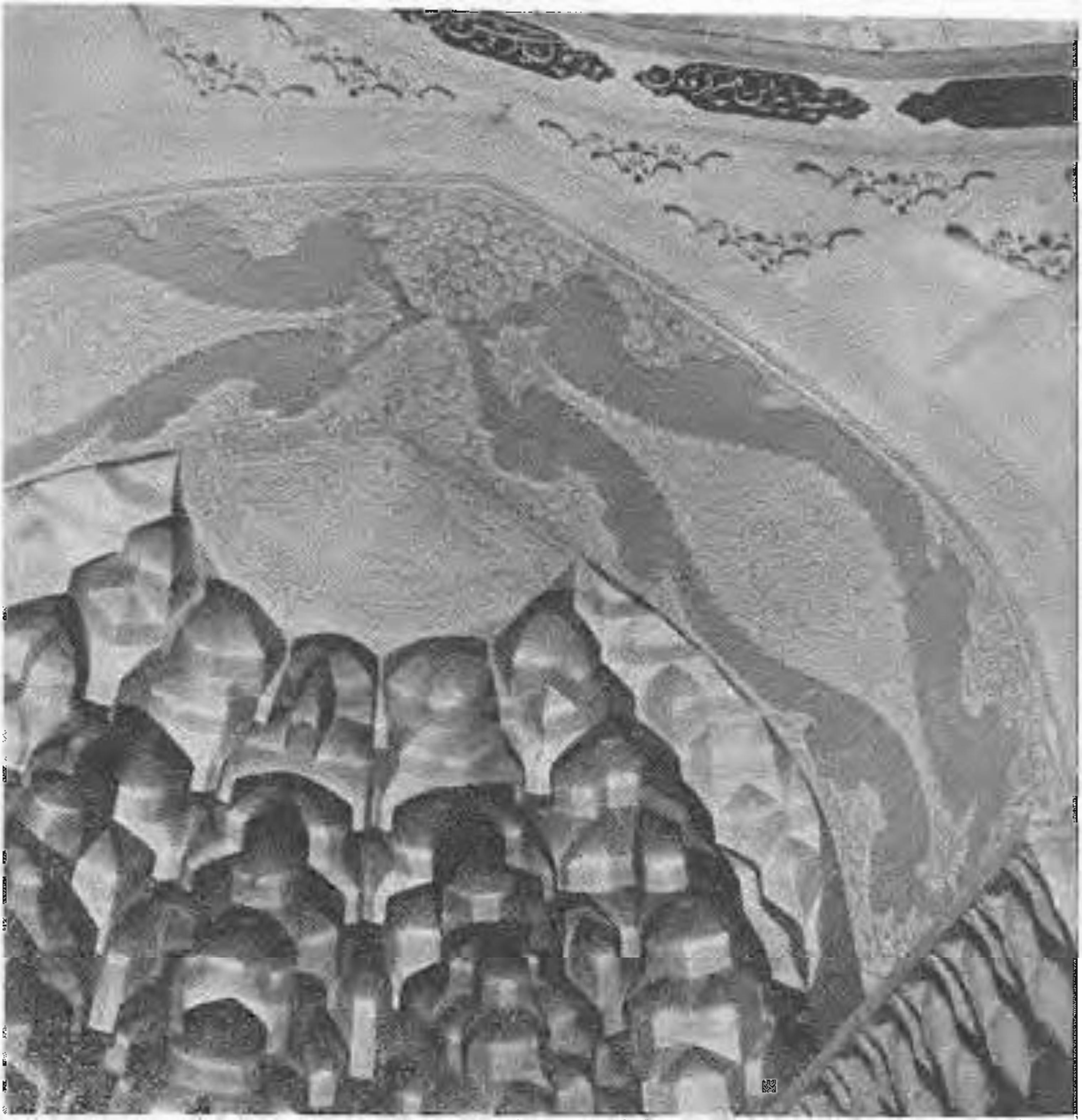

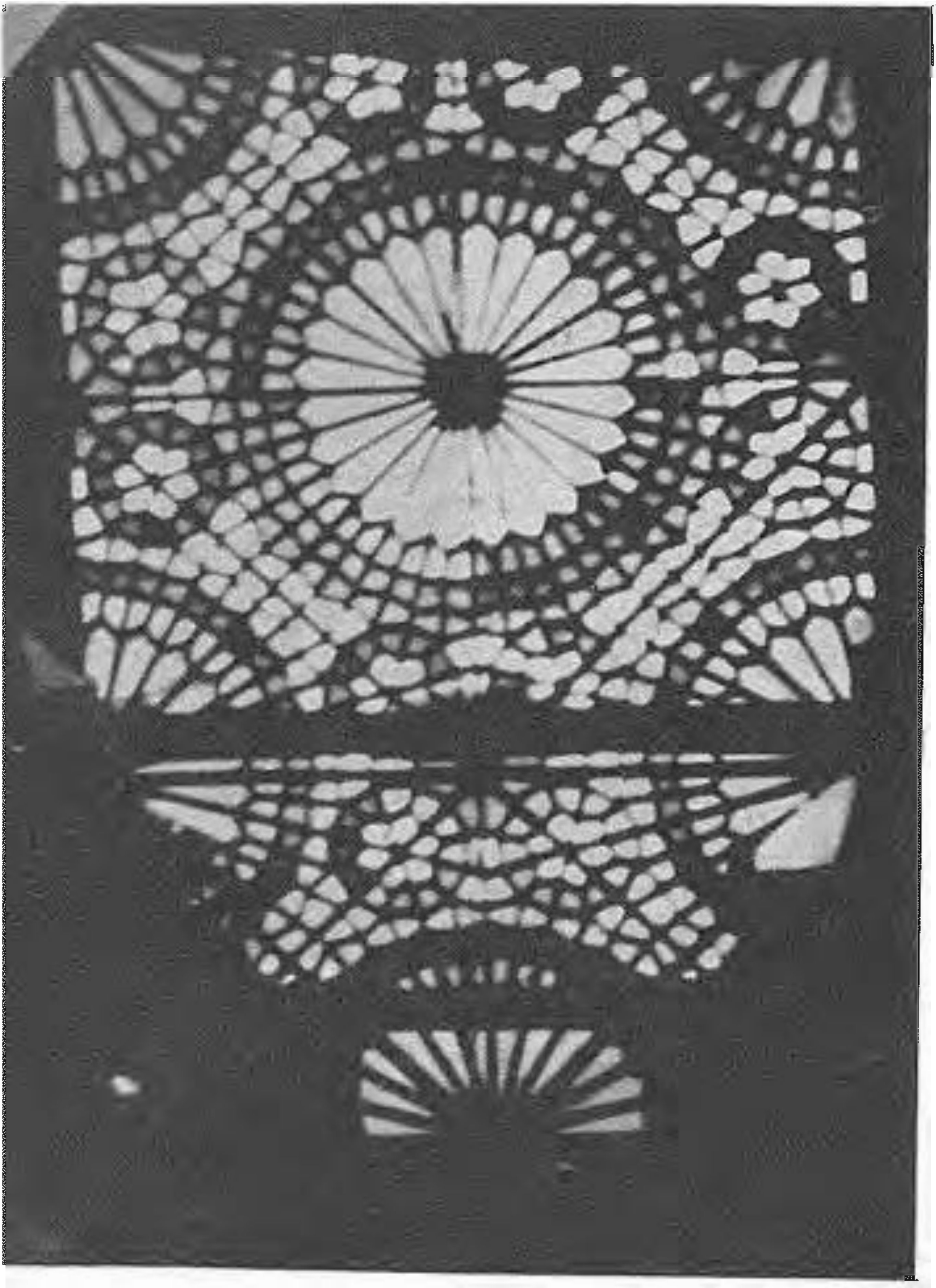

(عکس شمارهٔ ۶۲) خفنگ مشبک چوبین باشیشه‌های رنگین بـالای در ورودی
بقعهٔ آقامیرشمس‌الدین درمحلهٔ اردوبازار لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۶۱) گچ بریهای هلال‌طاق غرفه‌های داخلی
بقعهٔ آقامیرشمس‌الدین درمحلهٔ اردوبازار لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۶۳) بنای اصلی بقعه وفیلپاهای ایوان
بقعهٔ آقامیرشمس‌الدین‌در محلهٔ اردوبازار لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۶۵) ضریح مشبك چوبین بقعهٔ
آقا میرصادق در محلهٔ اردوبازار لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۶۴) نمونه‌ای از نقاشیهای ایـوان بقعهٔ حسن بگ دشت
در محلهٔ اردوبازار لاهیجان

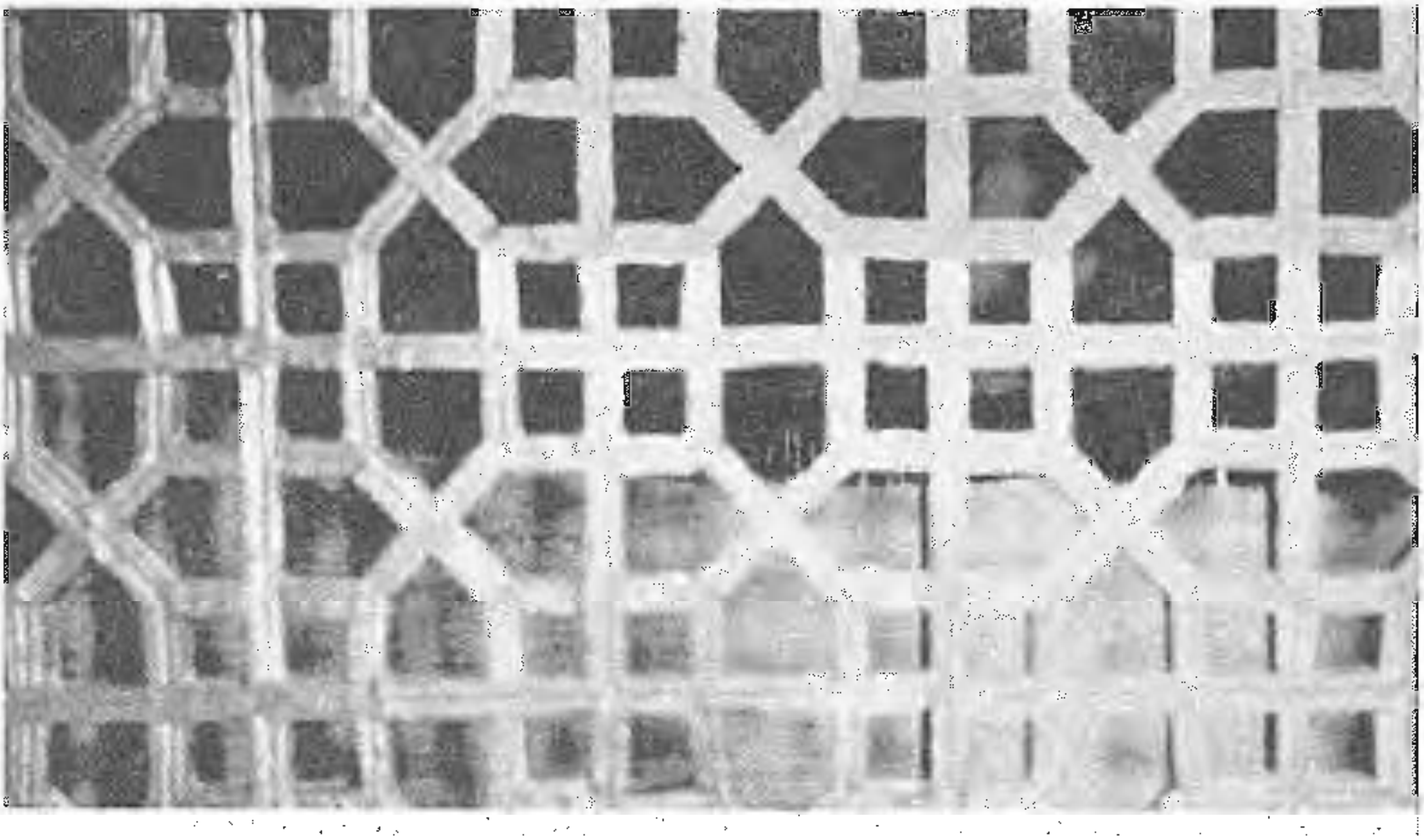

(عکس شمارهٔ ۶۶) بنای اصلی بقعهٔ ملاعاقل (عاقلیه) درمحلهٔ پردسر لاهیجان

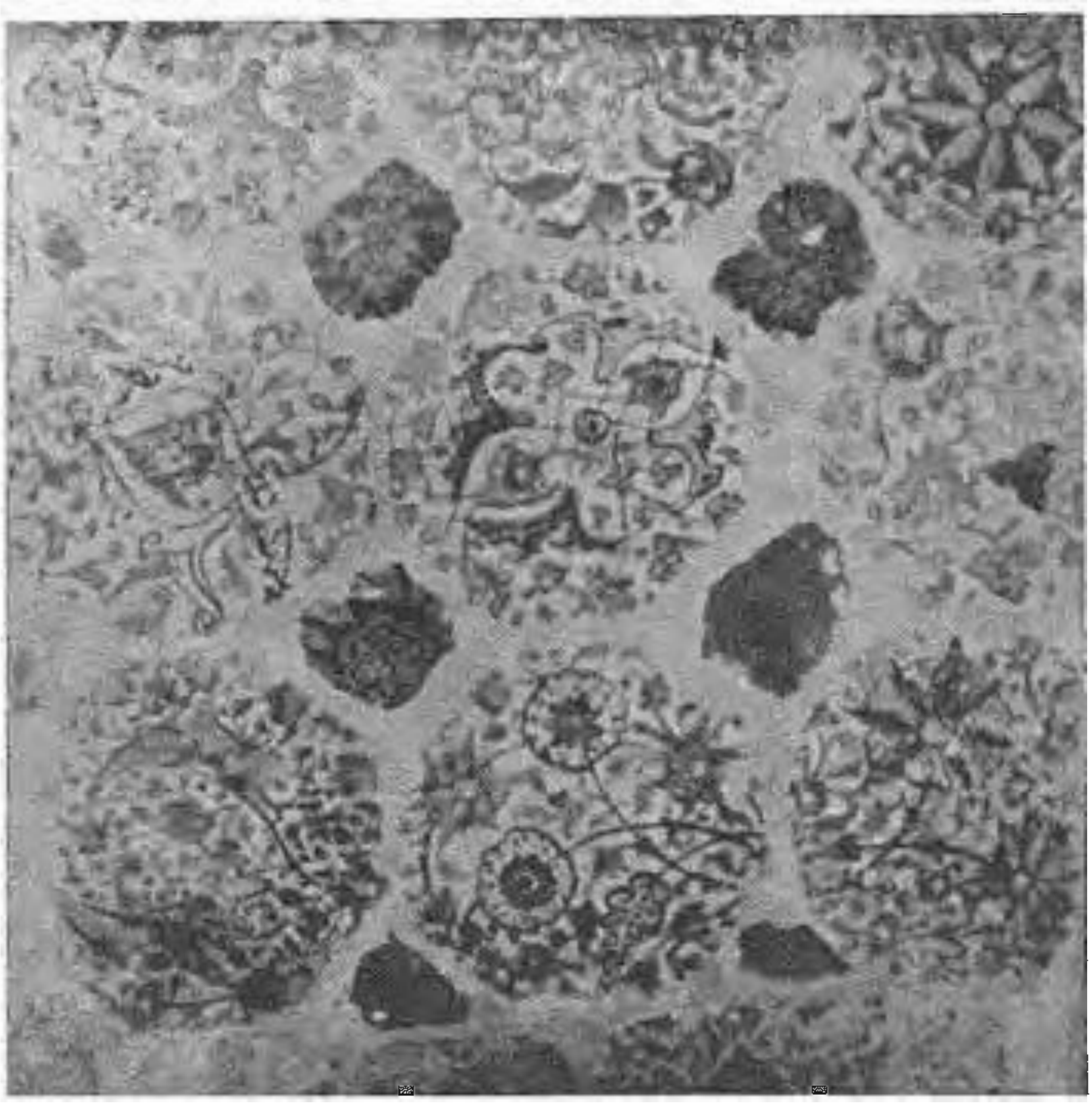

(عکس شمارهٔ ۶۷) نمونه‌ای از کاشیهای روی قبر ملاعاقل در محلهٔ پردسر لاهیجان

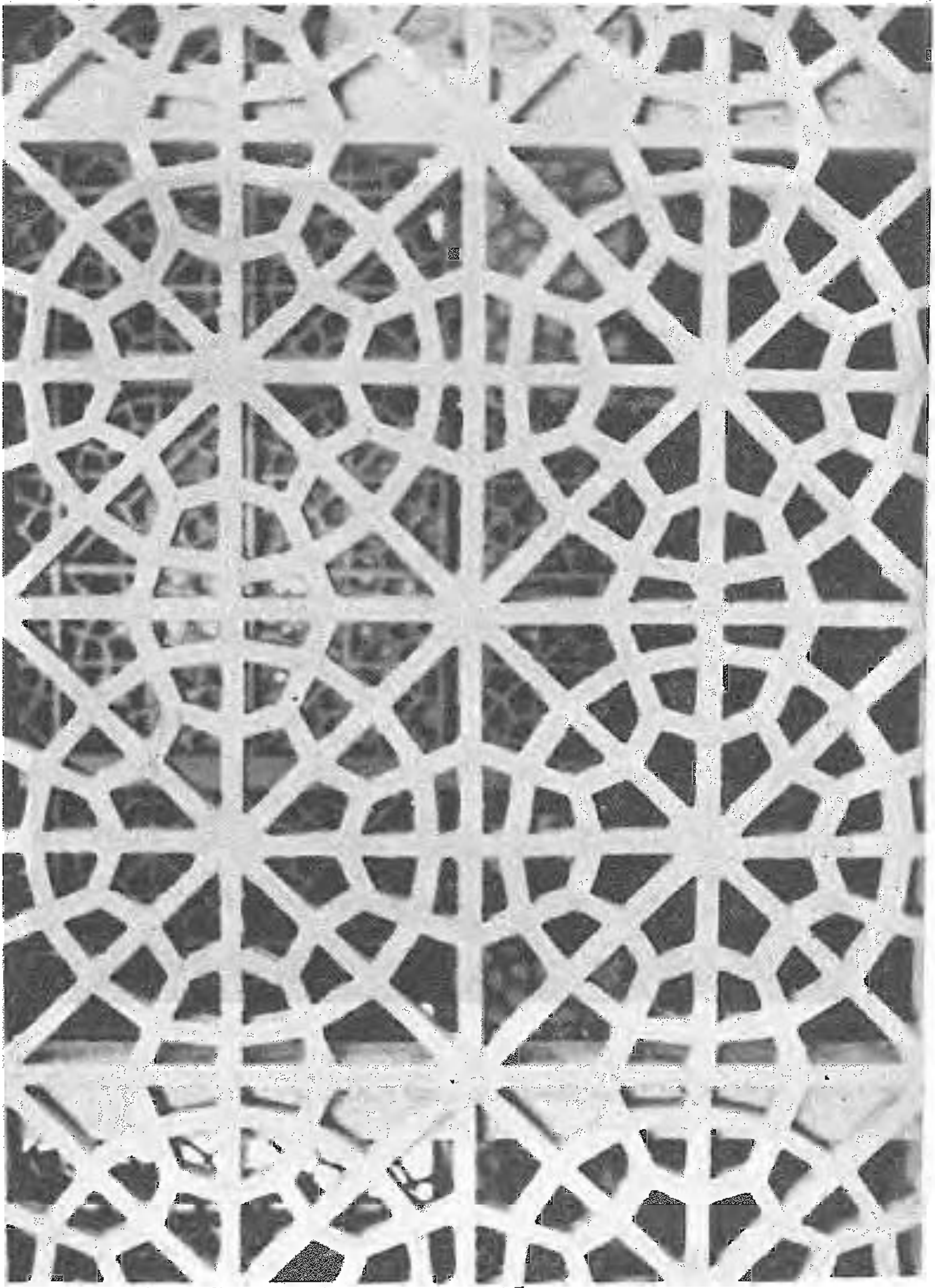

(عکس شمارهٔ ۶۸) ضریح چوبین بقعهٔ آقا سیدمحمدیمنیدر قبرستان عمومی محلهٔ پردسر لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۶۹) بنای اصلی مسجد شعربافان درشهر لاهیجان

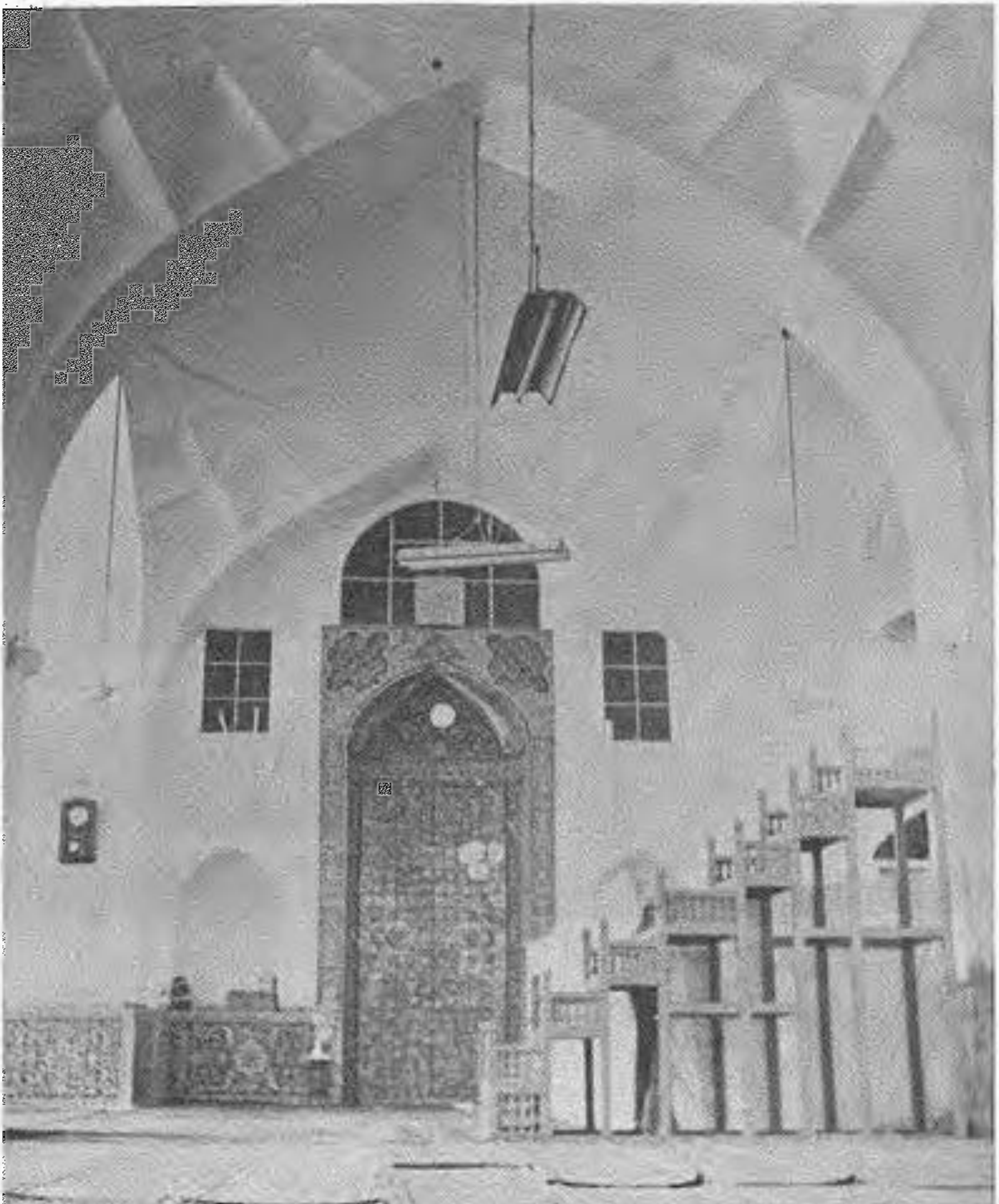

(عکس شمارهٔ ۷۰) محراب وقسمتي از نمای داخلی مسجد اکبریهٔ لاهیجان

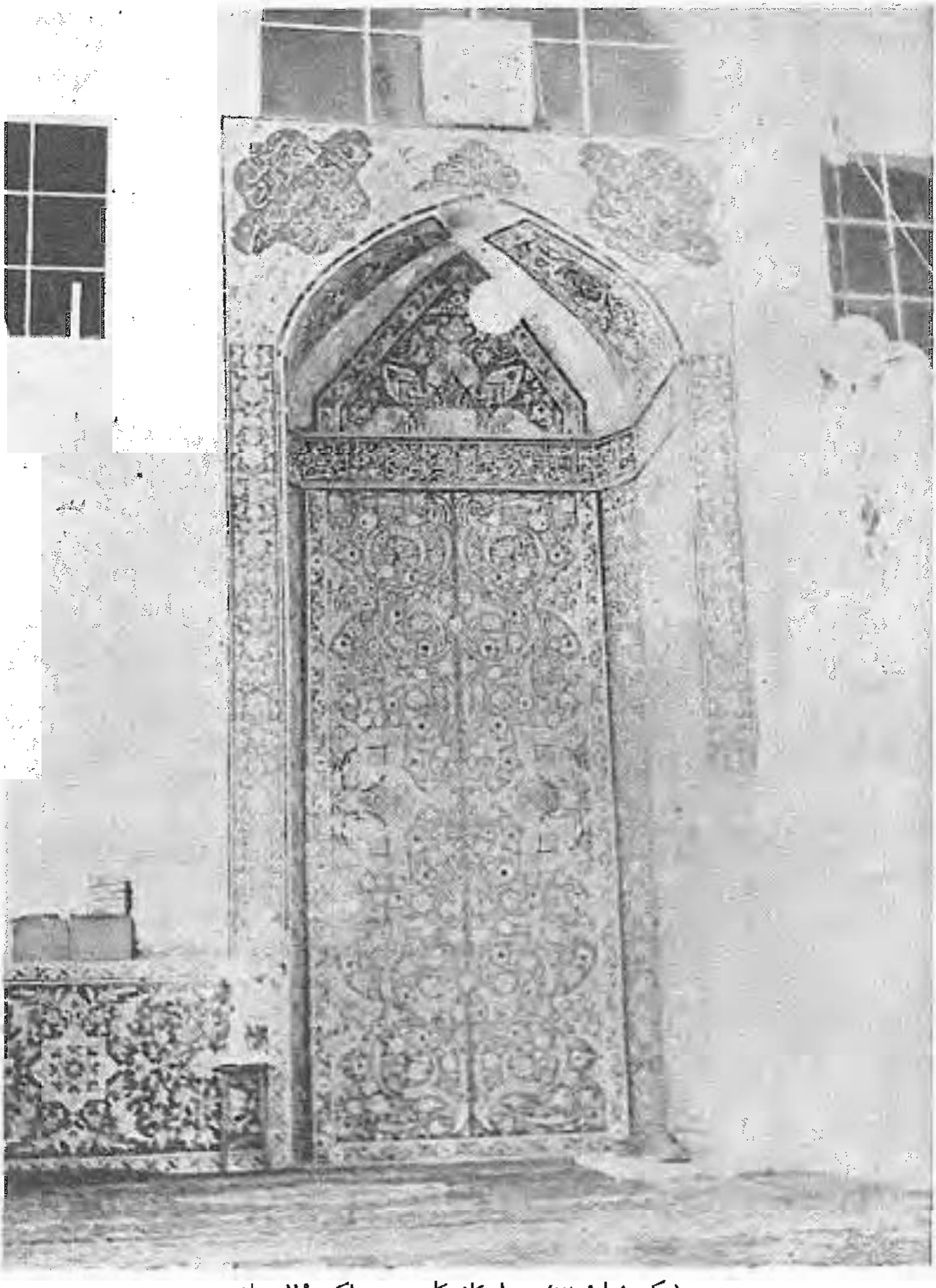

(عکس شمارهٔ ۷۱) محراب کاشی کاری مسجد اکبریهٔ لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۷۲) گلدستهٔ قدیمی مسجد اکبریهٔ لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۷۳) بدنهٔ شمالی صندوق چوبین اطاقی جداگانه درشرق بنای چهار پادشاه در شهر لاهیجان

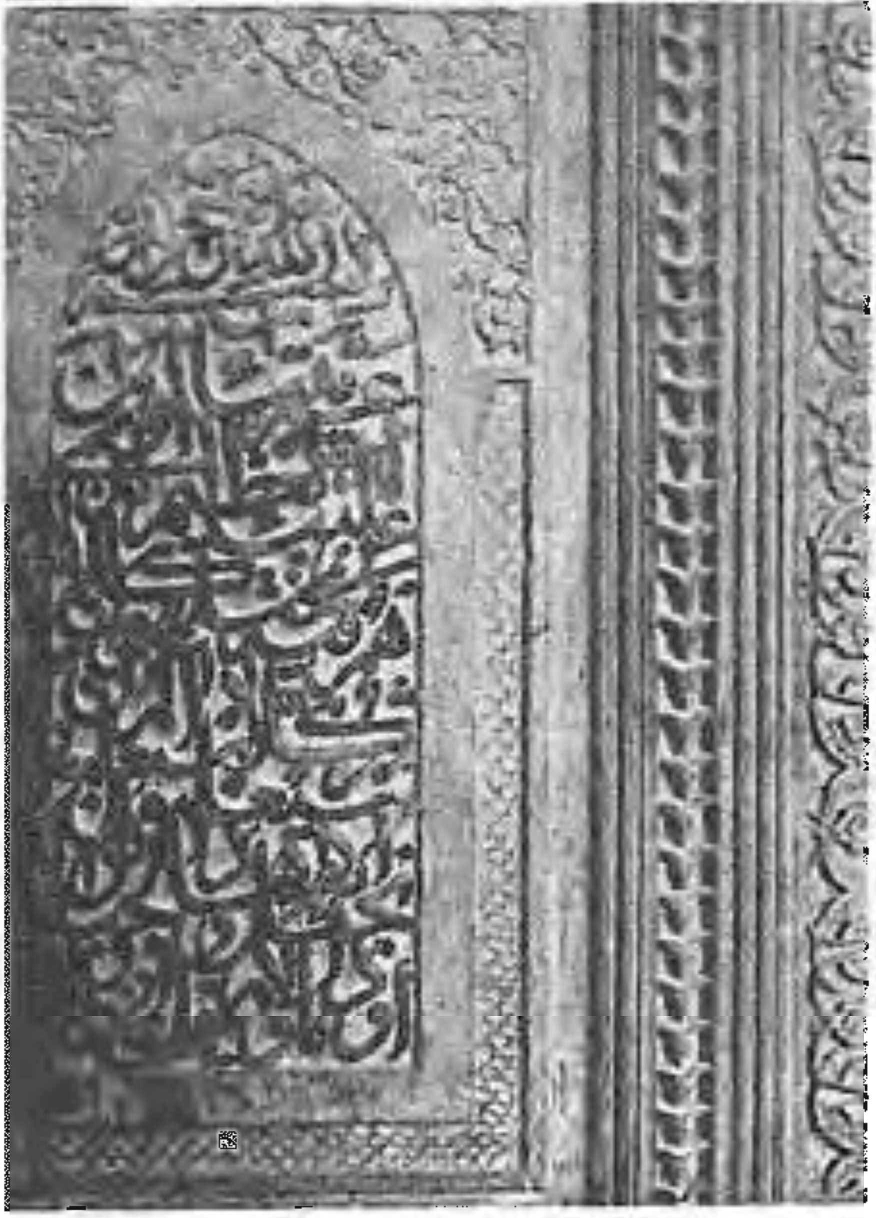

(عکس‌شمارهٔ ۷۴) کتیبهٔ وسط صندوق‌چوبین اطاق جداگانه در شرق بنای چهار پادشاه در شهر لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۷۵) قسمتی از بدنهٔ شمالی صندوق چوبین اطاق اول چهارپادشاه

درشهر لاهیجان

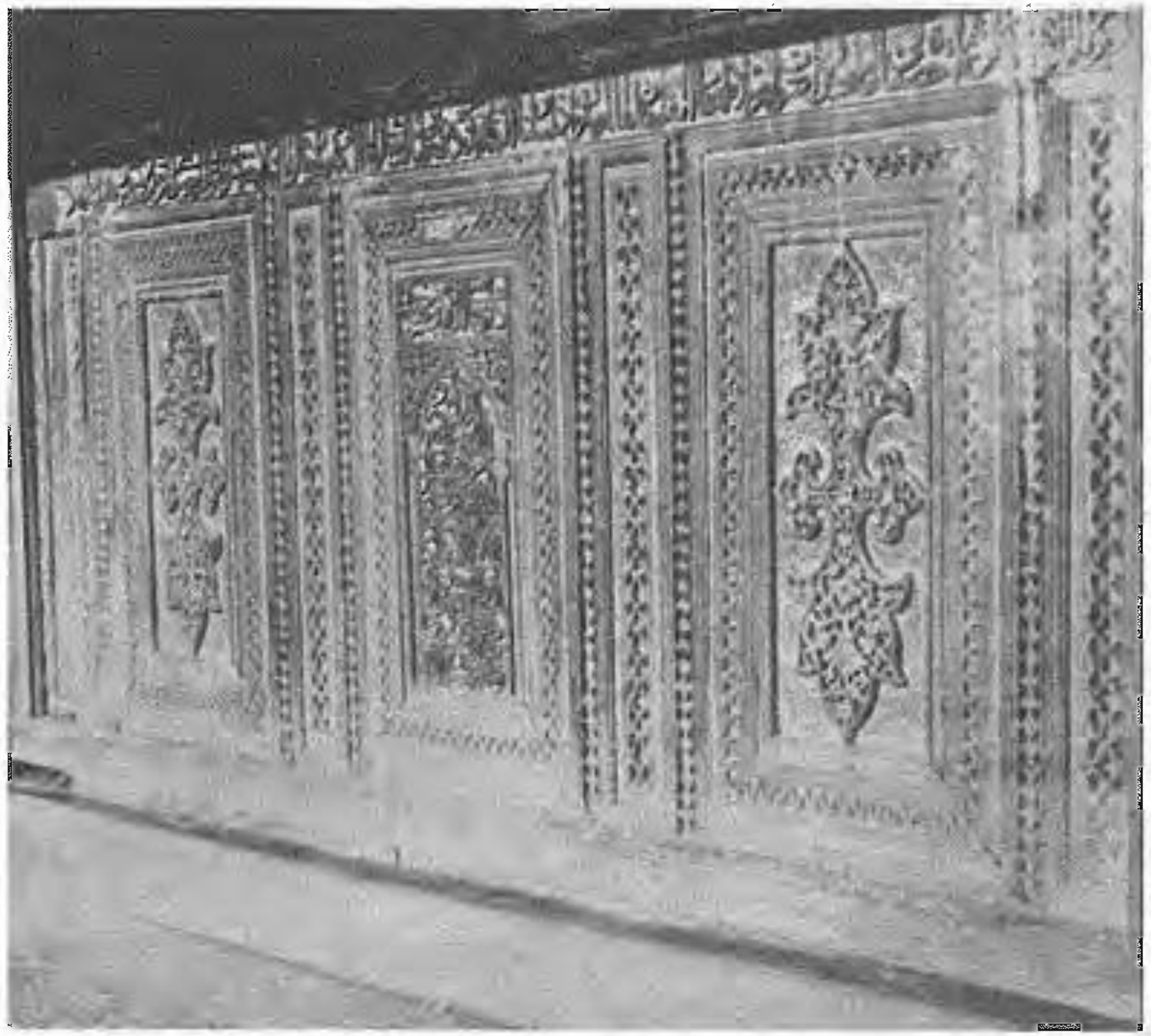

(عکس شمارهٔ ۷۶) بدنهٔ شمالی صندوق چوبین

مرقد سیدعلی وسیدرضی کیا در چهارپادشاه لاهیجان

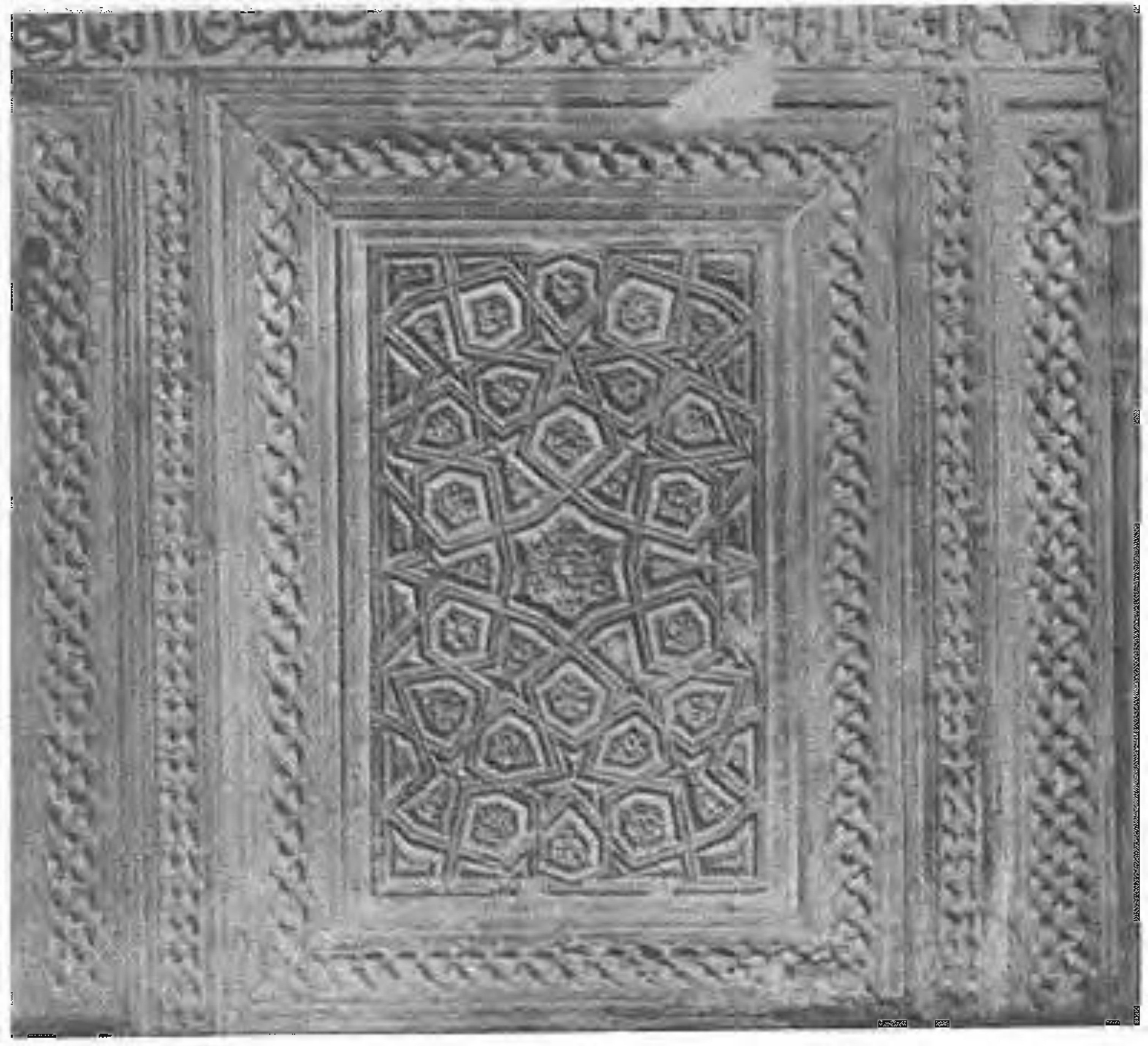

(عکس شمارهٔ ۷۷) بدنهٔ شرقی صندوق چوبین مرقد سیدعلی وسیدرضی کیا
درچهارپادشاه لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۷۸) بدنهٔ جنوبی صندوق چوبین مرقد سیدعلی وسیدرضی کیا در چهارپادشاه لاهیجان

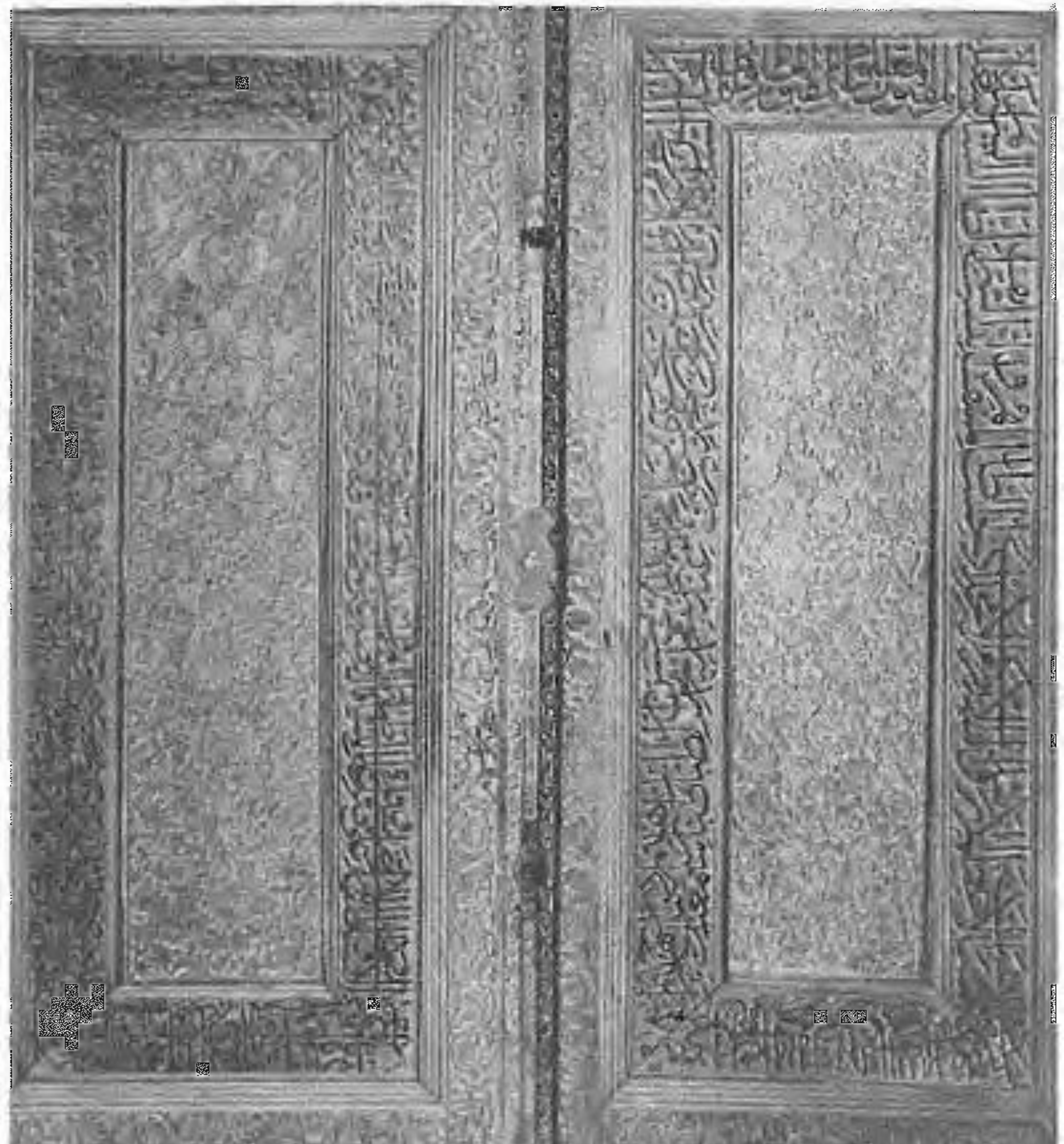

(عکس شمارهٔ ۷۹) در ورودی قدیمی مرقد سیدخور کیا که اکنون درموزهٔ

ایران باستان نگهداری می‌شود

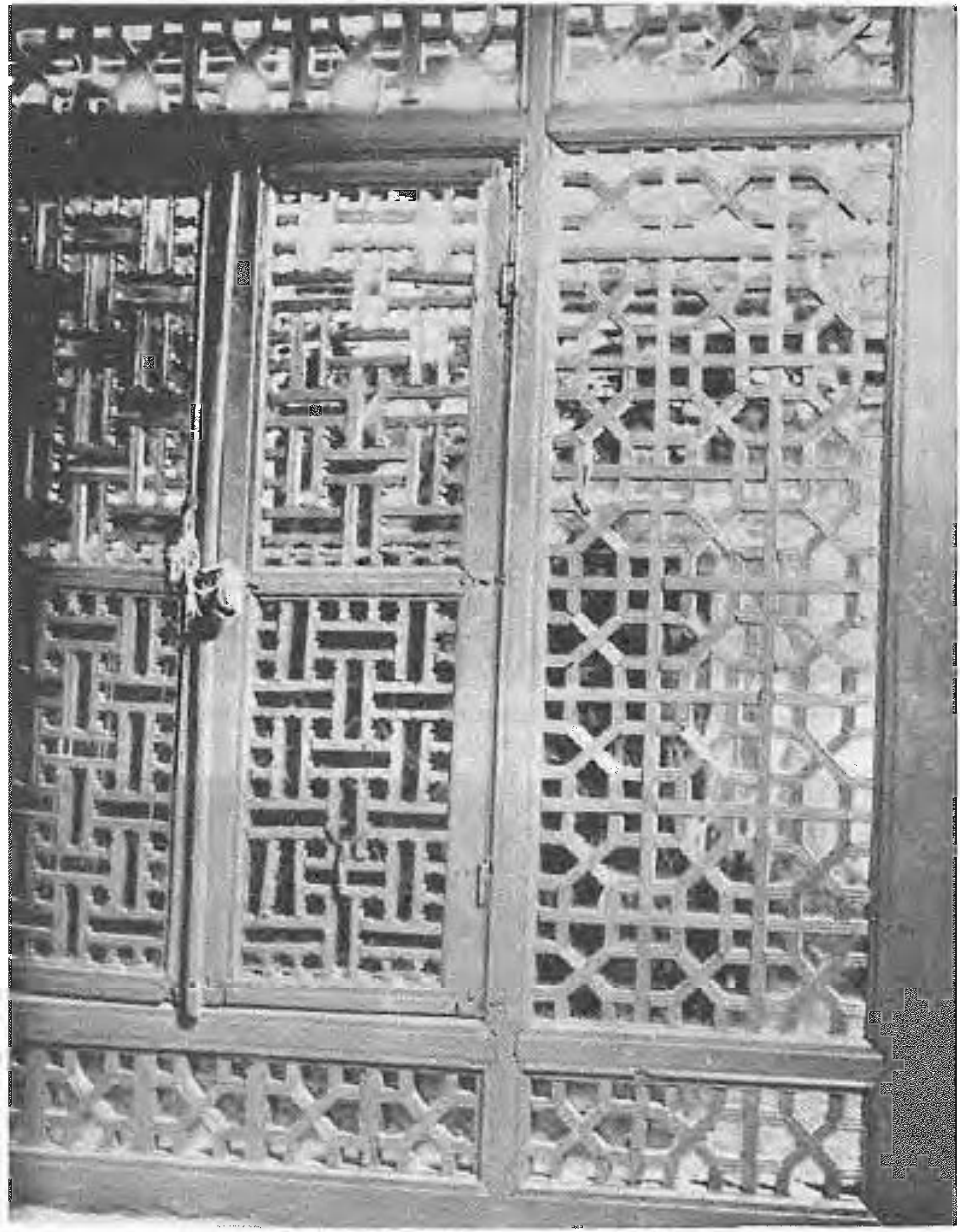

(عکس شمارهٔ ۸۰) قسمت شرقی ضریح چوبین مرقد سیدخورکیا
در چهار پادشاه لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۸۱) یکی ازکتیبه‌های در ورودی قدیمی سید خورکیاکه
اکنون در موزهٔ ایران‌باستان است

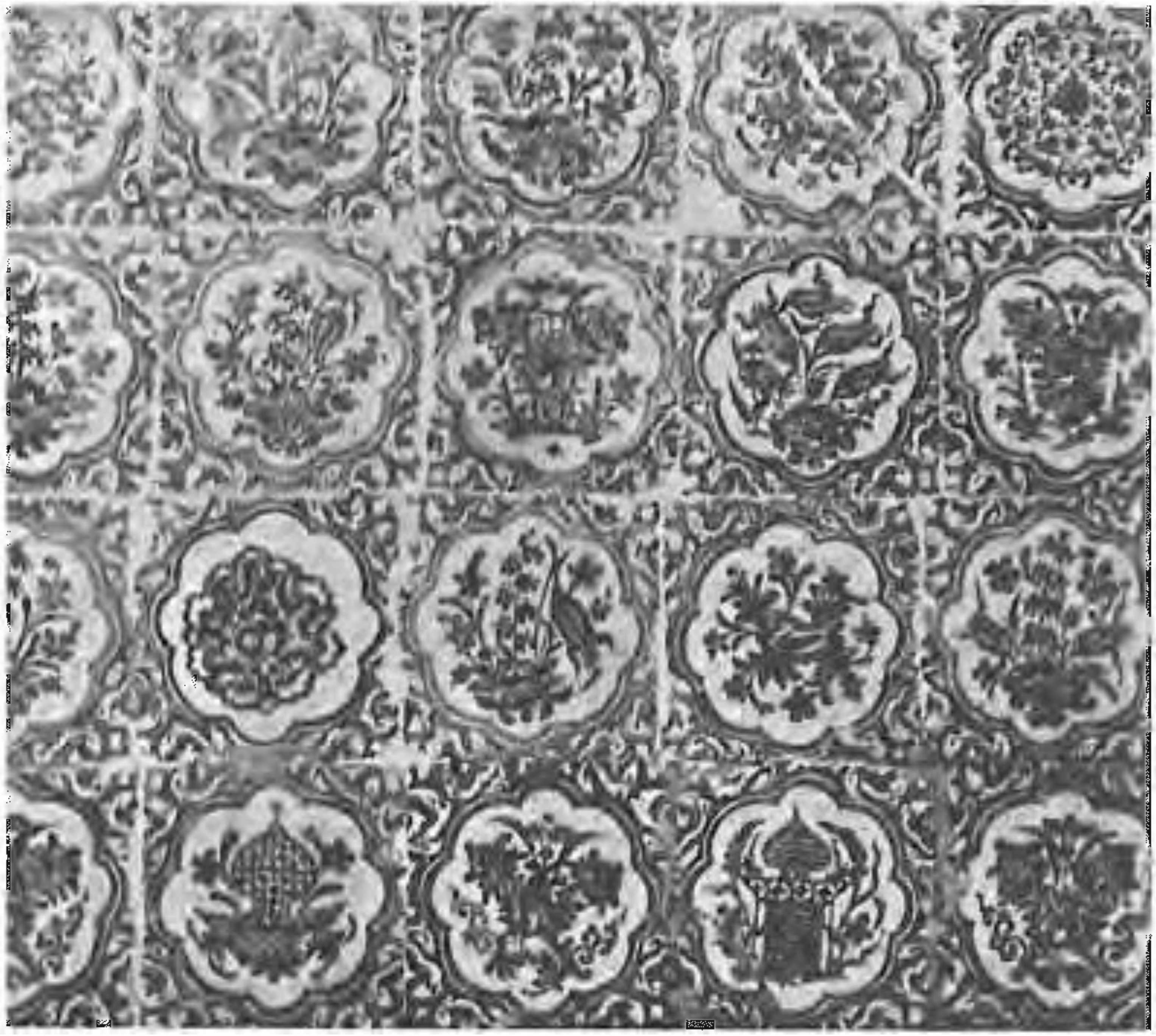

(عکس شمارهٔ ۸۳) قسمتی از کاشی‌کاری قدیمی ازارهٔ ایوان چهارپادشاه لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۸۲)
ایوان شمالی چهارپادشاه لاهیجان

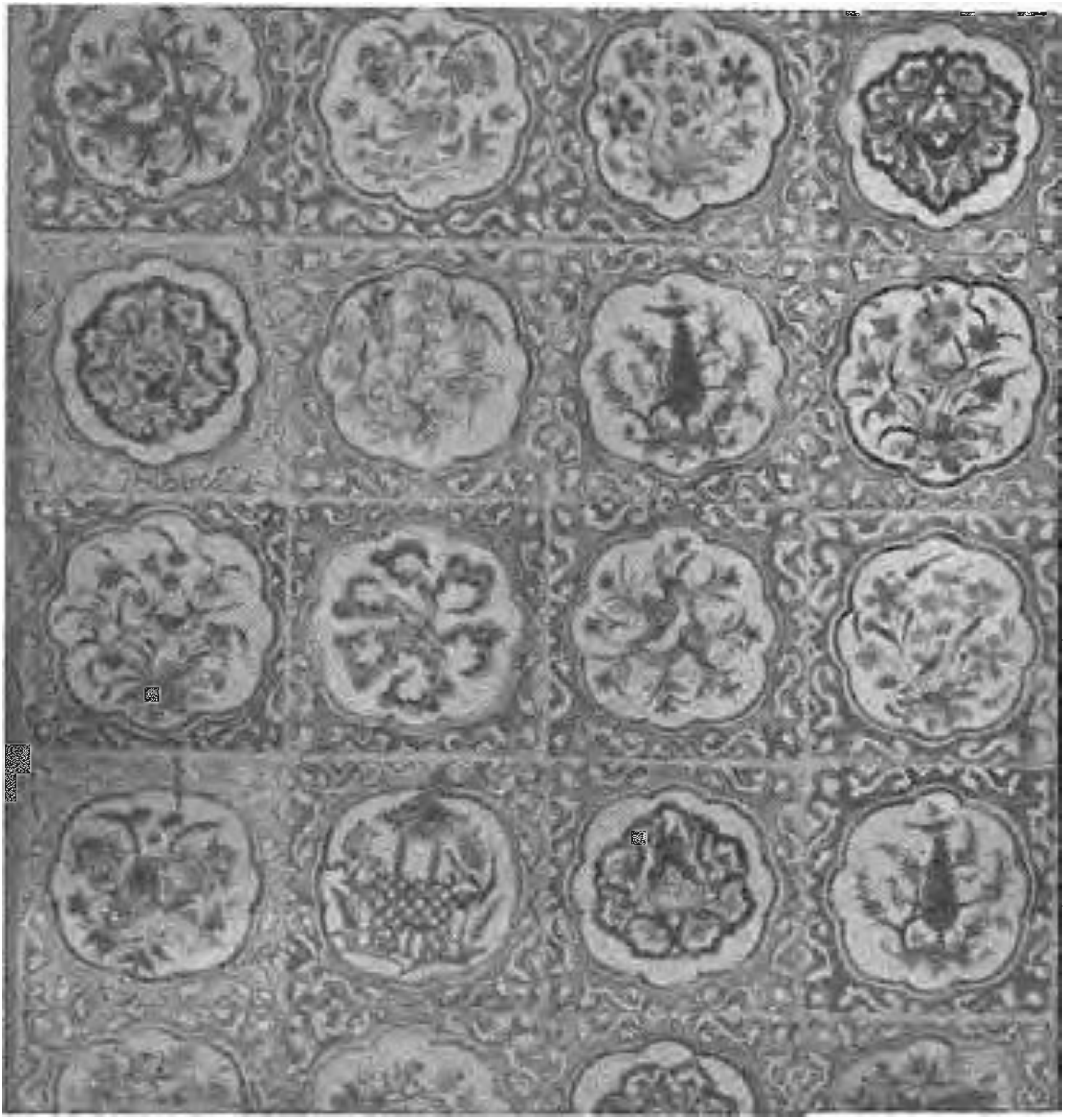

(عکس شمارهٔ ۸۴) قسمتی از کاشی‌کاری تازهٔ

پایین فیلپاهای ایوان چهارپادشاه لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۸۵) در ورودی قدیمی حیاط چهارپادشاه لاهیجان

(عکس شمارهٔ۸۶) نمای عمومی مسجد جامع و

گلدستهٔ آن در محلهٔ میدان لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۸۷) کتیبه‌ای برسنگ درایوان مسجد جامع لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۸۸) کتیبه‌ای دیگر برسنگ
بردیوار ایوان مسجد جامع لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۸۹) قسمتی ازحمام قدیمی گلشن درمحلهٔ میدان لاهیجان که با
تعریض خیابان آن را خراب کرده‌اند

(عکس شمارهٔ ۹۰) قسمتی از صندوق چوبین مرقد آقا پیر رضا در محلهٔ میدان لاهیجان

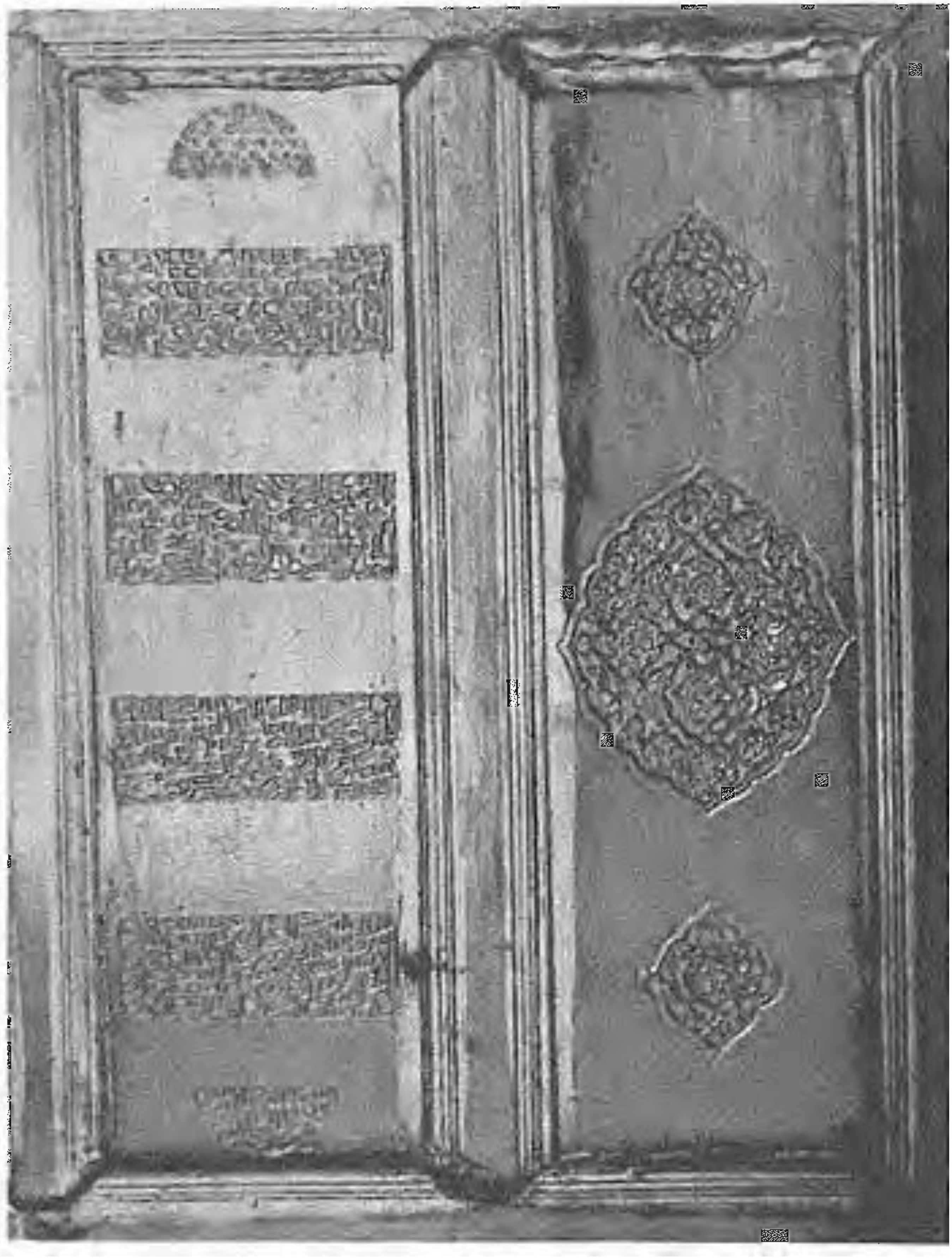

(عکس شمارهٔ ۹۱) قسمت دیگری از صندوق چوبین مرقدآقا پیر رضا
در محلهٔ میدان لاهیجان

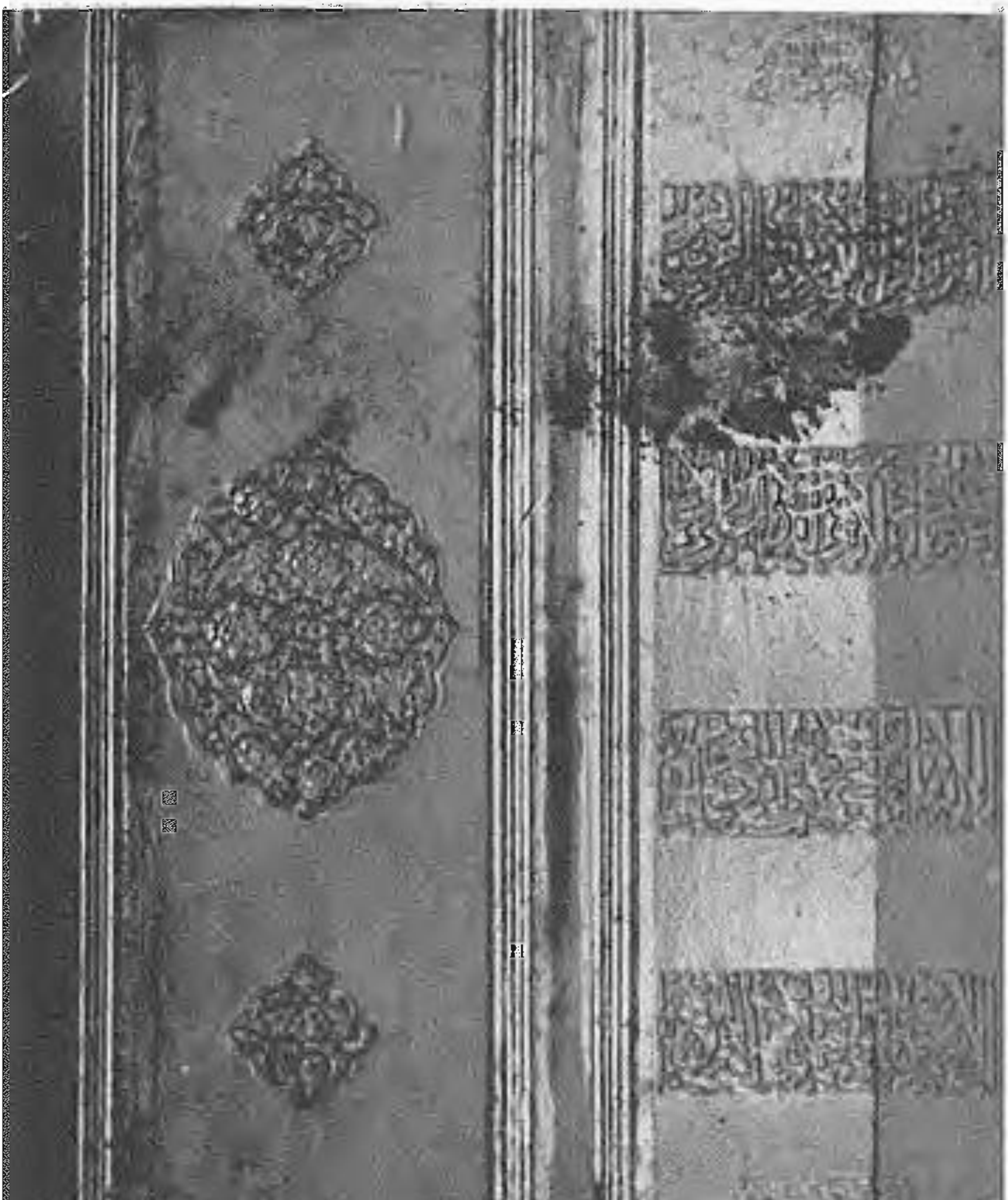

(عکس شمارهٔ ۹۲) قسمت دیگری ازصندوق چوبین
مـرقد آقا پیررضا در محلهٔ میدان لاهیجان

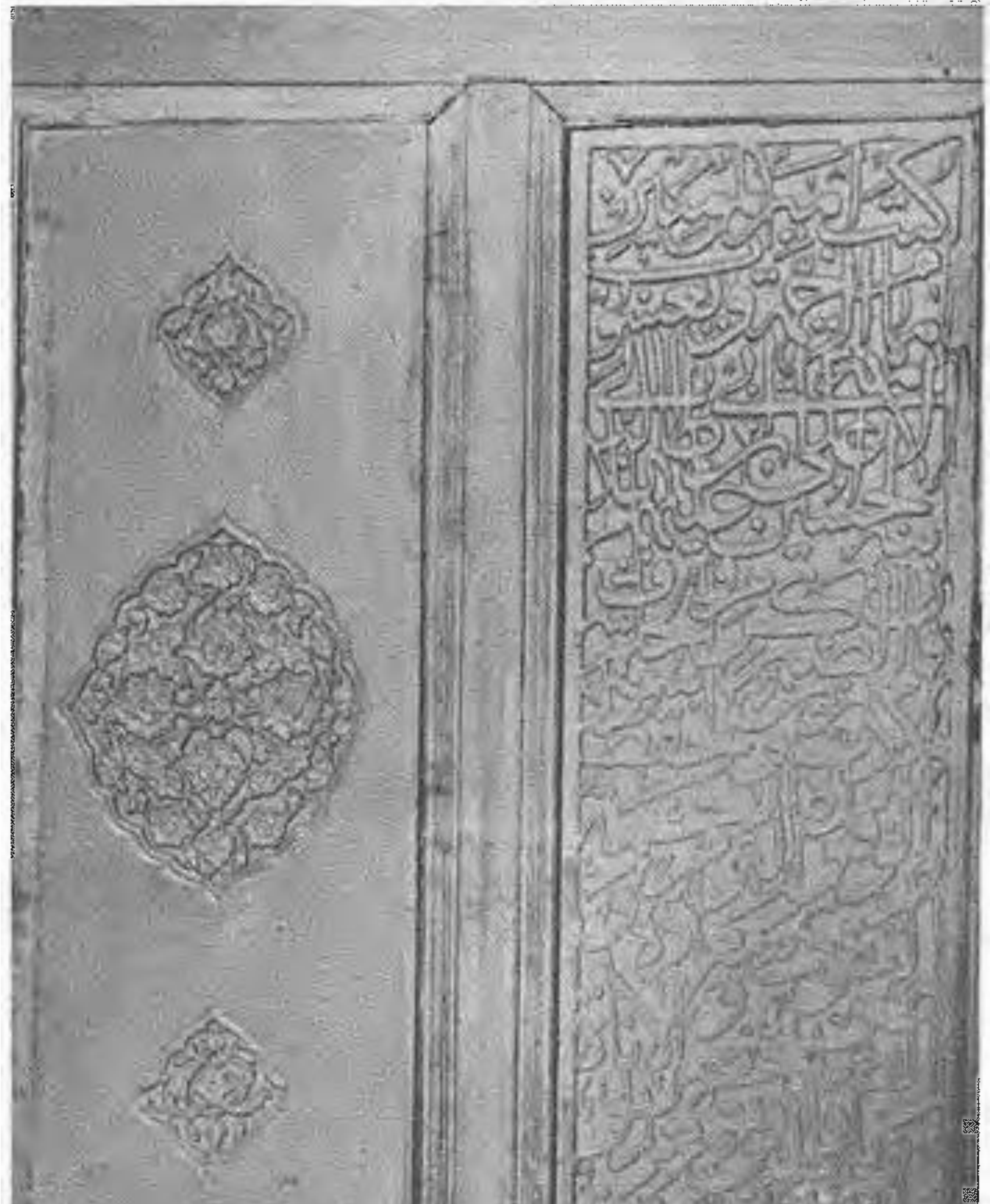

(عکس شمارهٔ ۹۳) قسمت دیگری ازصندوق چوبین
مرقدآقاپیررضا درمحلهٔ میدان لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۹۴) نمای خارجی بقعهٔ بی‌بی گوهر نزدیک بازکیاگوراب لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۹۵
نمای خارجی بقعهٔ آقاپیرجنگی
نزدیک بازکیاگوراب لاهیجان

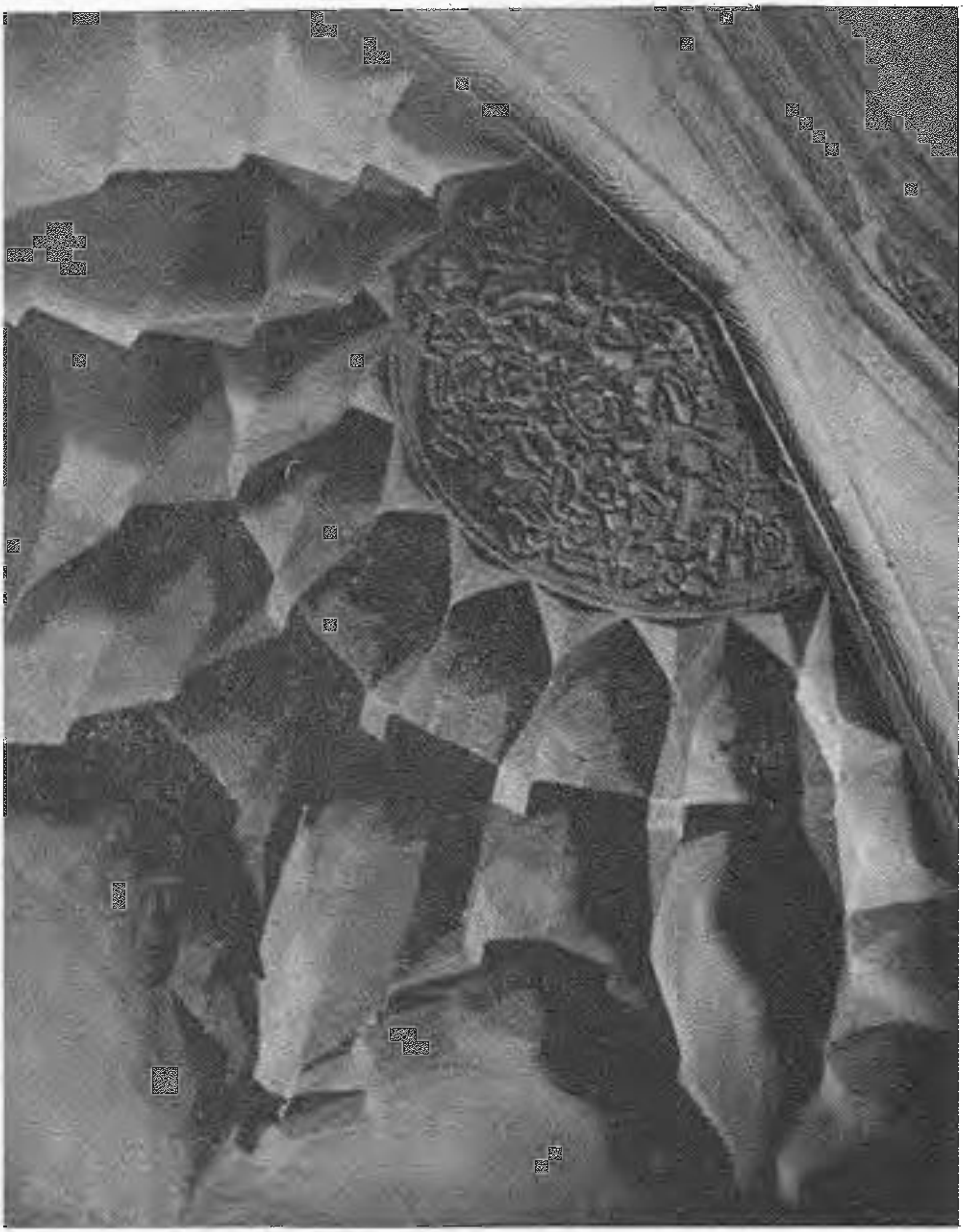

(عکس شمارهٔ ۹۶) قسمتی از مقرنس‌کاری داخلی بقعهٔ آقا پیرجنگی
نزدیک بازکیاگوراب لاهیجان

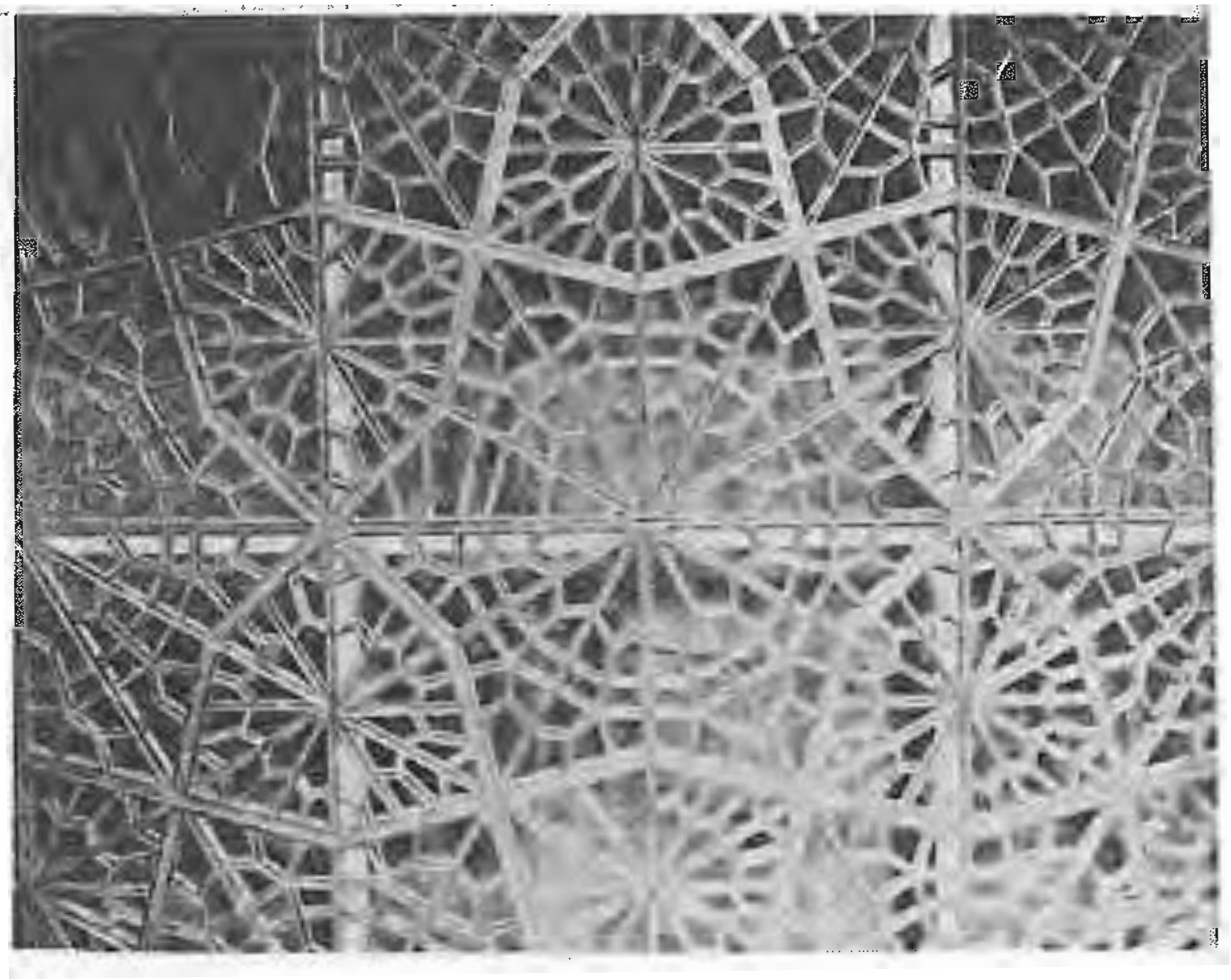

(عکس شمارهٔ ۹۷) قسمتی از ضریح مشبك چوبین مرقد آقاپیرجنگی
نزدیك بازکیاگوراب لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۹۸) بقعهٔ آقاسیدرضا داورکیا معروف به دوزخ بهشت
در دهکدهٔ بیجاربنهٔ لاهیجان

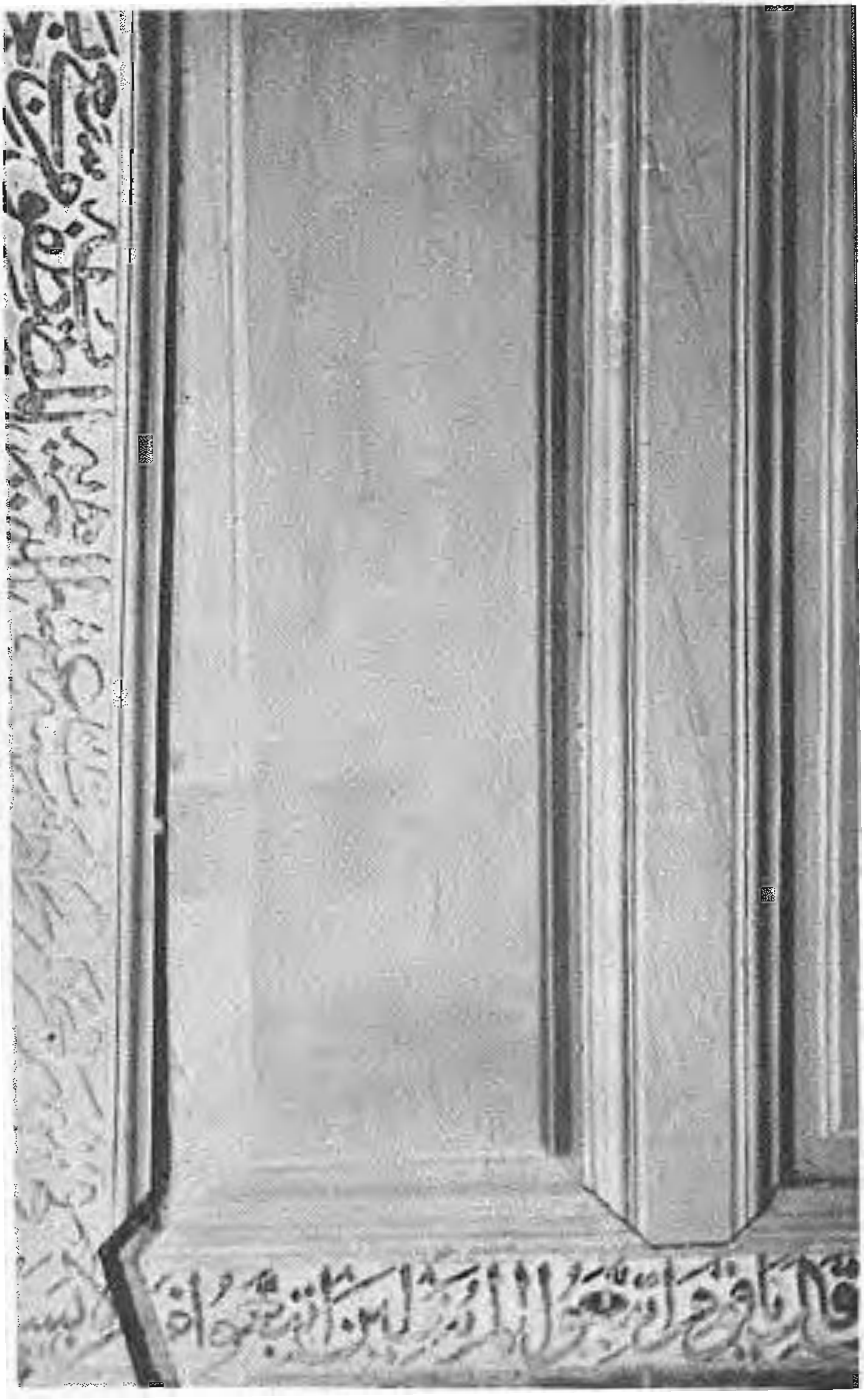

(عکس شمارهٔ ۹۹) صندوق چوبین مرقد آقاسیدرضا داورکیا
در دهکدهٔ بیجاربنهٔ لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۱۰۰) بنای اصلی مقبرهٔ شاهزاده حاجی‌محمد میرزا کاشف‌السلطنه
درکوه بیجار لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۱۰۱) یکی‌از علمهای بقعهٔ
آقامیرمظفر دردهکدهٔ سوستان لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۱۰۲) علم‌دیگر بقعهٔ
آقامیرمظفر دردهکدهٔ سوستان لاهیجان

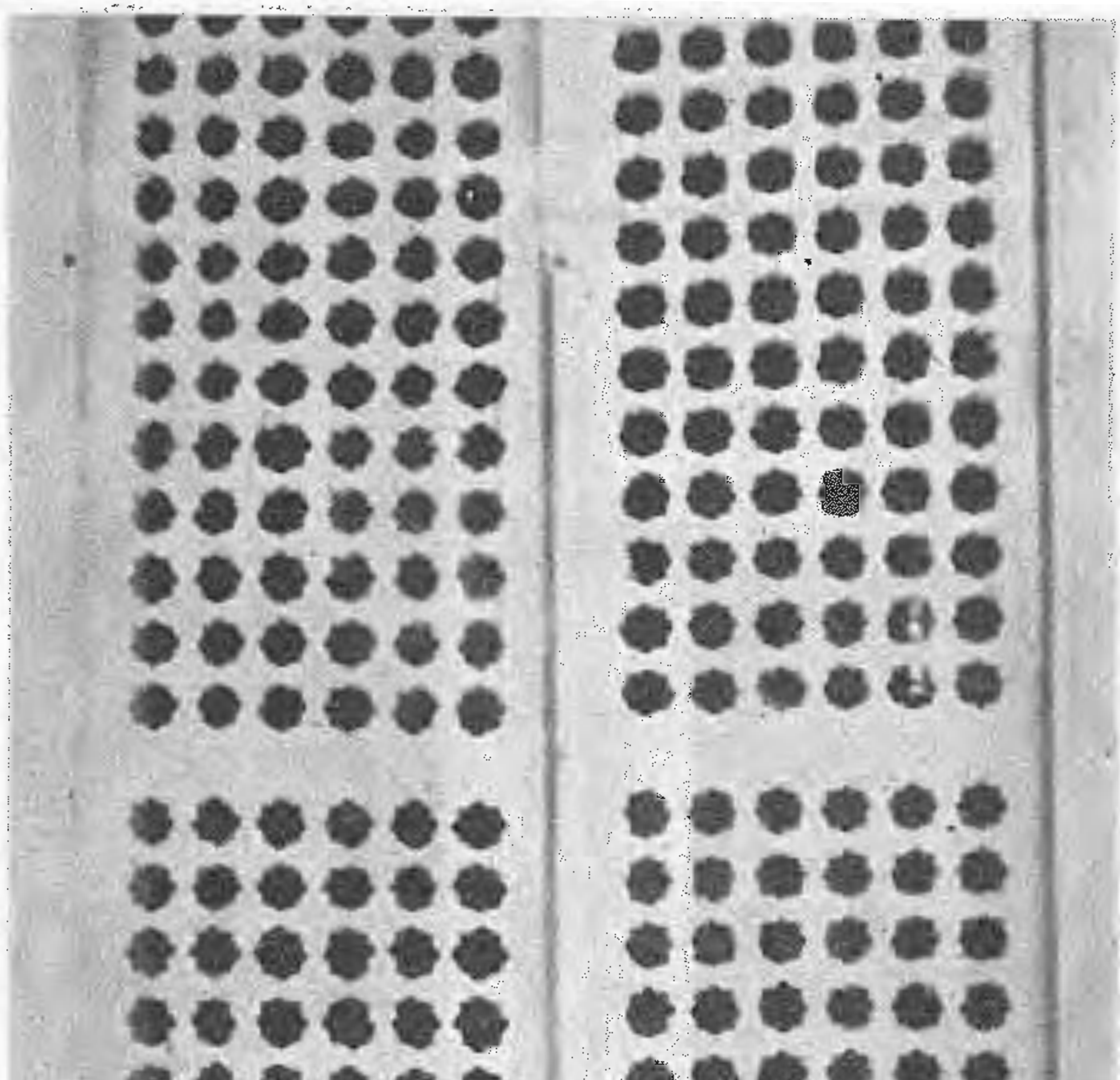

(عکس شمارهٔ ۱۰۳) دربقعهٔ آقا سیداسماعیل درمیان محلهٔ تخم شل‌لاهیجان

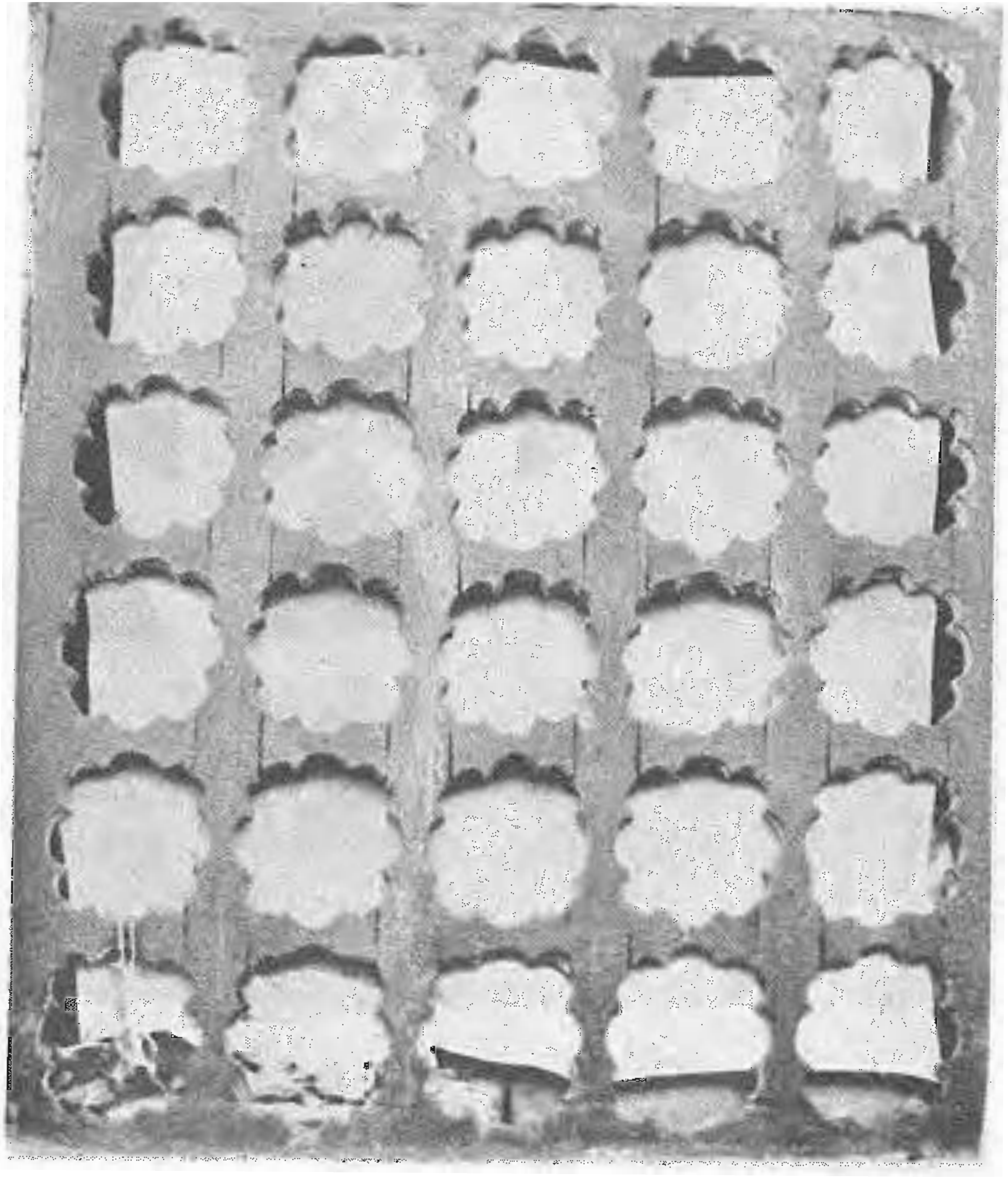

(عکس شمارهٔ ۱۰۴) خفنگ مشبک چوبین بقعهٔ

آقا سیداسماعیل درمیان محلهٔ تخم شل لاهیجان

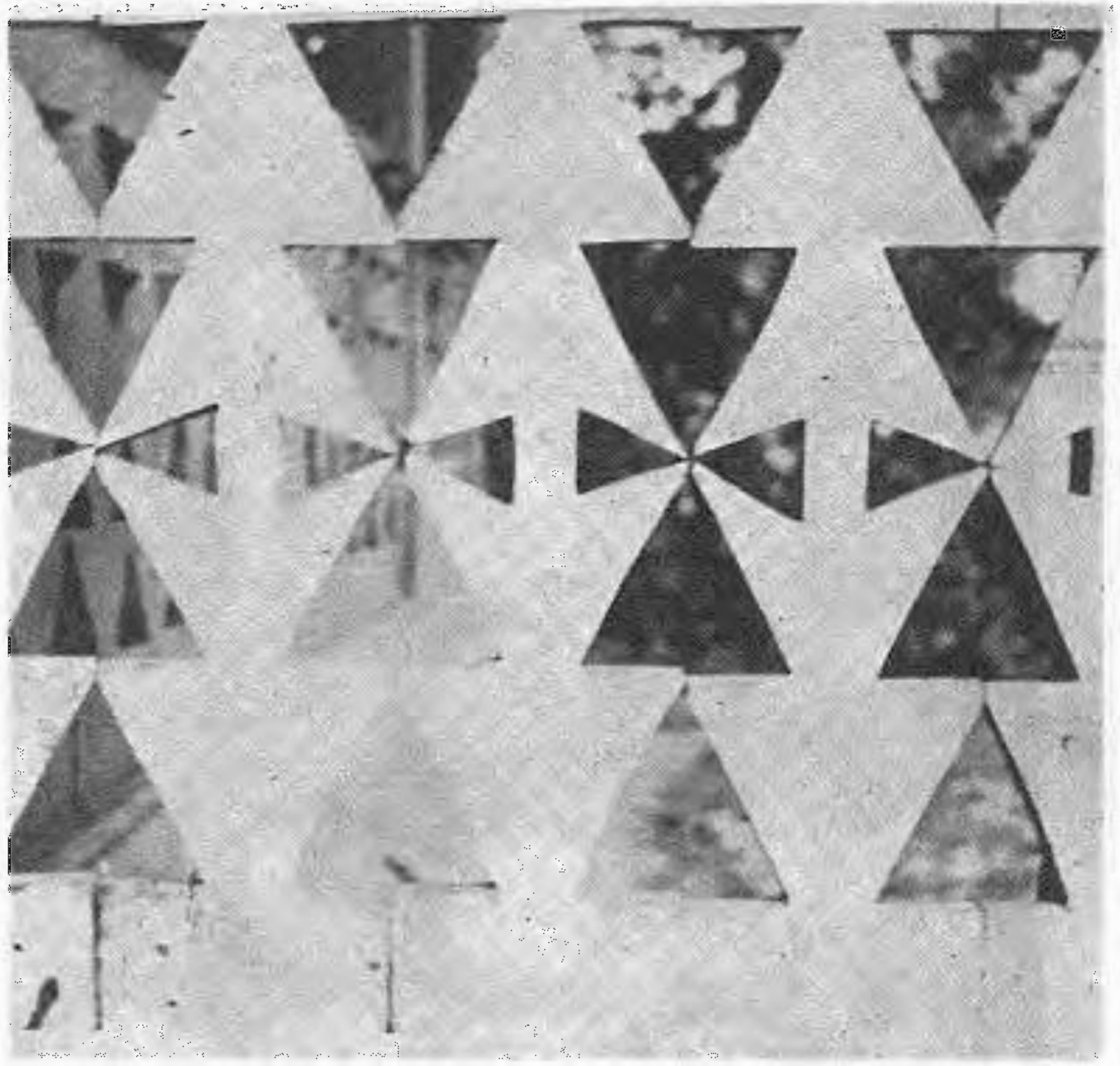

(عکس شمارهٔ ۱۰۵) تکائل تخته‌ای ایوان بقعهٔ
آقا سیداسماعیل در میان محلهٔتخم شل لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۱۰۷)قطعه چوبی قدیمی
که درسقف بقعهٔ آقاسیدمحمد دردهکدهٔ
سوخته‌کوه لاهیجان جای داده‌اند

(عکس شمارهٔ ۱۰۶) نمای خارجی بقعهٔ آقاسیدمحمد در دهکدهٔ سوخته‌کوه لاهیجان

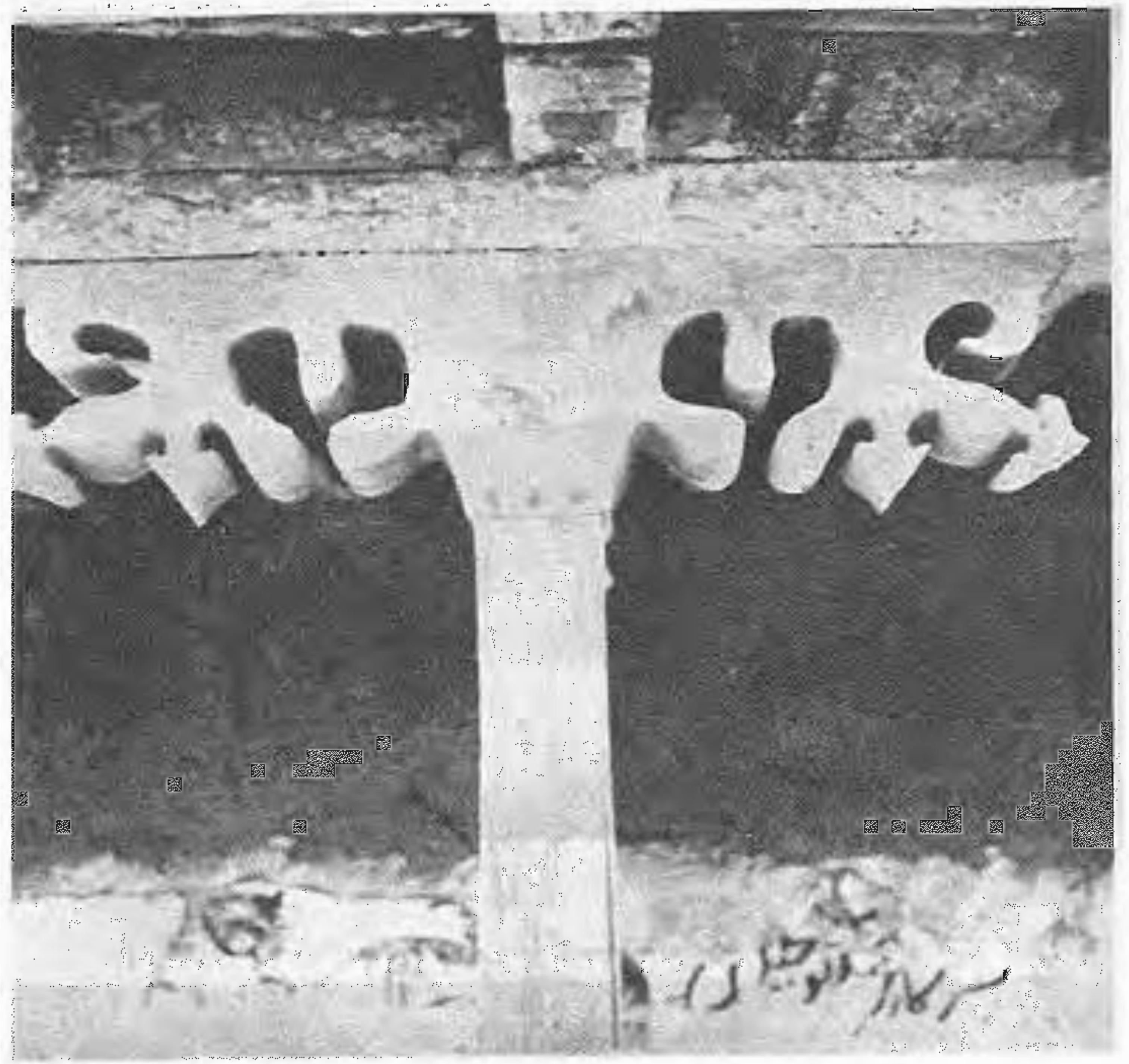

(عکس شمارهٔ ۱۰۸) یکی از سرستونهای چوبین بقعهٔ آقاسیدمحمد
دردهکدهٔ سوخته کوه لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۱۱۰)
ضریح مشبك چوبین ملاپیرشمس الدین
دردهکدهٔ لاشیدان حکومتی لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۱۰۹) نمای بیرونی بقعهٔ ملاپیر شمس‌الدین ومسجد متصل به‌آن
دردهکدهٔ لاشیدان حکومتی لاهیجان

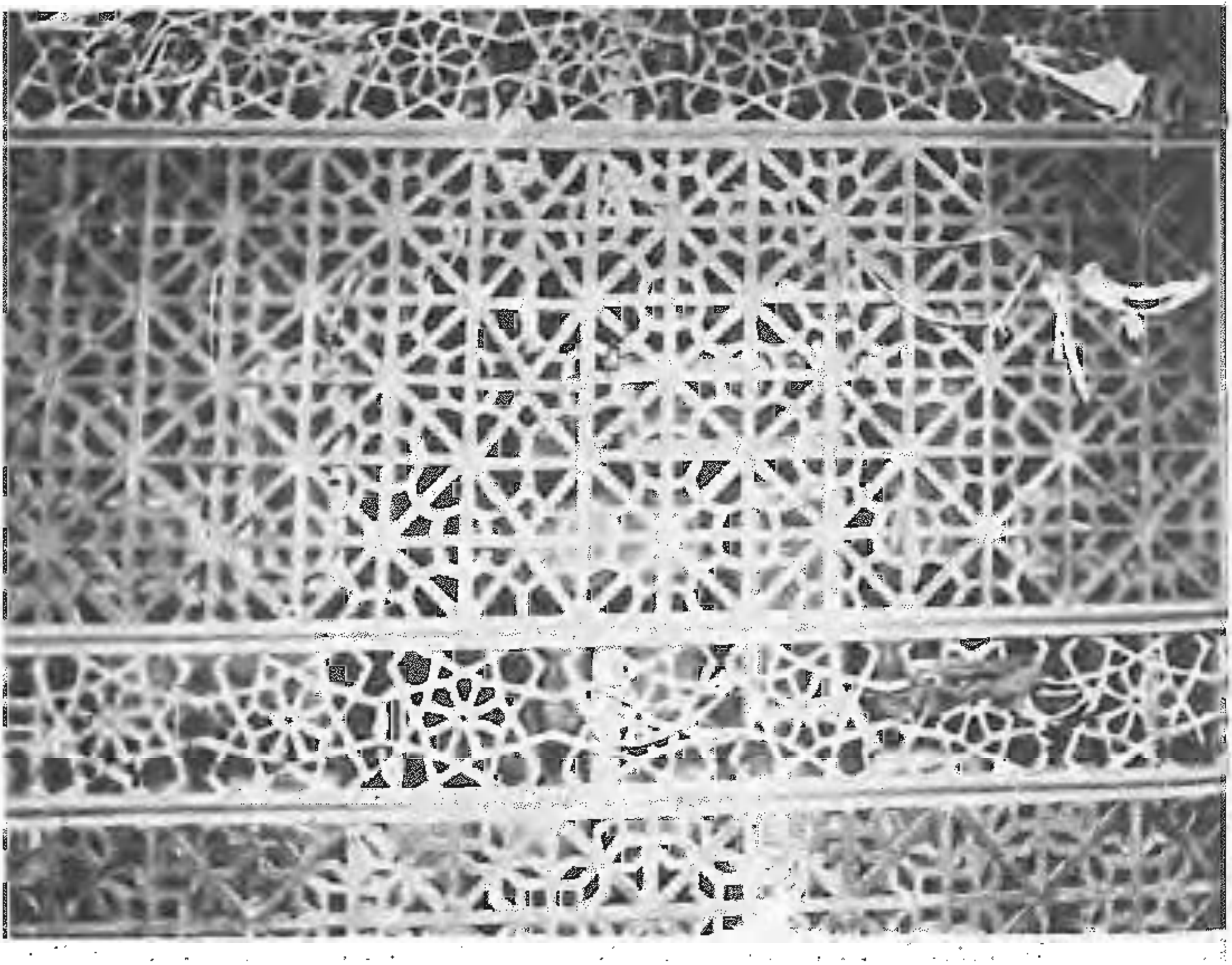

از آستارا تا استارباد

آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پیش

(جلد دوم)

۷۸۰۰ ریال